



ترجمه از

دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی

و گروهی از فضلای حوزه و دانشگاه



مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
السلام علیک یا صاحب الزمان
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

مشخصات کتاب

نام کتاب: ترجمه قرآن
نویسنده: رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران
موضوع: ترجمه آزاد
قرن: 15
زبان: فارسی
مذهب: شیعی
ناشر: موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر
مکان چاپ: قم
سال چاپ: 1383 ش
نوبت چاپ: اول
توضیح: کامل

1- سورة الفاتحة

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز (1)
ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است. (2)
(همان خدایی) که گسترده مهرِ مهرورز است. (3)
خداوند روز جزاست. (4)
(خدایا) تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم. (5)
ما را به راه راست راهنمایی فرما. (6)
راه کسانی که به آنان نعمت دادی، (همان کسانی که) بر آنان خشم نشده است و [از] گمراهان نیستند. (7)
ترجمه قرآن، ص: 2

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
الف، لام، میم. (1)
آن کتاب [با عظمت هیچ تردیدی در آن نیست. [و] راهنمای پارسایان (خود نگهدار) است. (2)
(همان) کسانی که به (آنچه از حسّ) پوشیده، ایمان می‌آورند و نماز را به پا می‌دارند، و از آنچه که روزی آنان کرده‌ایم (در راه خدا) مصرف می‌کنند. (3)
و کسانی که به آنچه به سوی تو فرو فرستاده شده، و آنچه پیش از تو [بر پیامبران فرو فرستاده شده، ایمان می‌آورند، و آنان به آخرت یقین دارند. (4)
آنان از راهنمایی پروردگار خویش برخوردارند، و تنها آنان رستگارند. (5)
ترجمه قرآن، ص: 3
در حقیقت کسانی که کفر ورزیدند، بر آنان یکسان است که هشدارشان بدهی یا هشدارشان ندهی، ایمان نمی‌آورند. (6)
خدا بر دل‌های آنان و بر گوششان مُهر نهاده، و بر چشمانشان پرده‌ایست و عذاب بزرگی برای ایشان است. (7)
و برخی از مردم کسانی هستند که می‌گویند:» به خدا و به روز بازپسین ایمان آورده‌ایم. «در حالی که آنان مؤمن نیستند. (8)
با خدا و کسانی که ایمان آورده‌اند، نیرنگ می‌بازند، در حالی که جز برخودشان نیرنگ نمی‌زنند و (با درک حسّی) متوجه نمی‌شوند. (9)
در دل‌های آنان [نوعی بیماری است، و خدا بر بیماری آنان افزوده، و به خاطر دروغگوییِ همیشگی آنان، عذاب دردناکی بر ایشان است. (10)
و هنگامی که به آنان گفته شود:» در زمین فساد مکنید؛ «می‌گویند:» ما فقط اصلاح گریم. « (11)
آگاه باشید که آنان فقط فسادگرند و لیکن (با درک حسّی) متوجه نمی‌شوند. (12)
و هنگامی که به آنان گفته شود:» همانگونه که مردم ایمان آورند [شما هم ایمان آورید. «می‌گویند:» آیا همان گونه که سبک سران ایمان آوردند، ایمان بیاوریم؟! «آگاه باشید که فقط آنان سبک سرند و لیکن نمی‌دانند. (13)
و هنگامی که کسانی را که ایمان آورده‌اند ملاقات کنند، می‌گویند:» ایمان آوردیم. «و هنگامی که با شیطان (صفت) های خود خلوت کنند، می‌گویند:» در حقیقت ما با شماییم ما [آنان را] فقط ریشخند می‌کنیم. « (14)

خدا آنان را ریشخند می‌کند، و آنان را در حالی که در طغیانشان سرگردان می‌شوند فرو می‌گذارد. (15)
آنان کسانی هستند که» گمراهی «را با» راهنمایی «مبادله کردند، پس داد و ستدشان سودی نکرد و ره یافته نبودند. (16)
ترجمه قرآن، ص: 4
مثال آنان همانند مثال کسانی است که آتشی افروختند و هنگامی که (آتش) پیرامونشان را روشن ساخت، خدا نورشان را برد، و در تاریکی‌ها رهایشان کرد در حالی که نمی‌بینند. (17)
[آنان ناشنوا، گنگ [و] نابینایند و آنان (از راه خطا) باز نمی‌گردند. (18)
یا همچون (گرفتاران در) رگباری از آسمان که در آن تاریکی‌ها و رعد و برق است؛ بر اثر (صدای) آذرخش‌ها از بیم مرگ، انگشتانشان را در گوش‌های خود می‌گذارند و خدا بر کافران احاطه دارد. (19)
نزدیک است که برق، چشمانشان را بگیرد؛ هر گاه که بر آنان روشنی بخشد، در آن گام زنند؛ و هنگامی که بر آنان تاریک شود، می‌ایستند. و اگر (بر فرض) خدا می‌خواست، حتماً گوش آنان و چشم‌هایشان را [از بین می‌برد، [چرا] که خدا بر هر چیز تواناست. (20)
ای مردم! پروردگارتان را پرستش کنید، کسی که شما و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، تا شاید شما [خودتان را] حفظ کنید. (21)
(همان) کسی که زمین را بستری و آسمان را بنایی برای شما قرار داد و از آسمان آبی فرو فرستاد، و بوسیله آن از محصولات رزقی برای شما بیرون آورد، پس برای خدا همانندهایی (معبودگونه) قرار ندهید، در حالی که شما می‌دانید. (22)
و اگر از آنچه که بر بنده خود (پیامبر) فرو فرستادیم در تردید هستید، پس اگر راست گویید سوره‌ای از همانندش بیاورید، و گواهانتان را که جز خدایند، فرا خوانید. (23)
و اگر (چنین) نکردید- و (هرگز) نخواهید کرد- پس [خود را] از آتشی حفظ کنید که هیزم آن مردم و سنگ‌هاست در حالی که برای کافران آماده شده است. (24)
ترجمه قرآن، ص: 5
و به کسانی که ایمان آورده‌اند، و [کارهای شایسته انجام داده‌اند، مژده ده، که بوستان‌هایی [از بهشت برای آنان است که از زیر [درختان ش نهرها روان است. هر گاه میوه‌ای از آن، به آنان روزی داده شود، می‌گویند:» این چیزی است که از پیش به ما روزی داده شده بود. «و از آن (روزی) به آنان داده شده، در حالی که همگون است؛ و در آن (باغ‌های بهشتی) برایشان همسرانی پاکیزه است در حالی که آنان در آنجا ماندگارند. (25)
در حقیقت خدا شرم نمی‌کند که به پشه‌ای و فراتر از آن مَثَلی بزند، و امّا

کسانی که ایمان آورده‌اند پس می‌دانند که آن [مَثَل ، حقیقتی از طرف پروردگارشان است، و امّا کسانی که کفر ورزیدند، پس می‌گویند:» خدا از این مَثَل چه اراده کرده است؟ بسیاری را با آن گمراه می‌نماید و بسیاری را با آن راهنمایی می‌کند. «در حالی که جز نافرمانبرداران را بدان گمراه نمی‌سازد. (26)
(همان) کسانی که پیمان خدا را، پس از محکم ساختن آن می‌شکنند و آنچه را خدا به پیوستنش فرمان‌داده، می‌گسلند، و در زمین فساد می‌کنند تنها آنان زیانکارند. (27)
چگونه خدا را انکار می‌کنید و حال آنکه مردگانی بودید و شما را زنده کرد، سپس شما را می‌میراند، سپس شما را زنده می‌کند. سپس فقط به سوی او باز گردانده می‌شوید. (28)
او کسی است که همه آنچه در زمین است را برای شما آفرید، سپس به آسمان پرداخت، و آنها را [بصورت هفت آسمان مرتب نمود و او به هر چیزی داناست. (29)
ترجمه قرآن، ص: 6
(و یاد کن) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان فرمود:» در حقیقت من در زمین، جانشینی [نماینده‌ای قرار می‌دهم. « (فرشتگان) گفتند:» آیا در آن کسی را قرار می‌دهی که در آن فساد کند و خون‌ها بریزد؟ در حالی که ما به ستایش تو تنزیه می‌گوییم، و تو را پاک می‌شماریم. « (پروردگار) گفت:» در واقع من آنچه را که [شما] نمی‌دانید، می‌دانم. « (30)
و [خدا] همه نام‌ها را به آدم آموخت؛ سپس آنها را بر فرشتگان عرضه نمود و گفت:» اگر راست گویید، نام‌های ایشان را به من خبر دهید. « (31)
(فرشتگان) گفتند:» منزّهی تو! ما هیچ دانشی جز آنچه به ما آموخته‌ای نداریم، [چرا] که تنها تو دانا [و] فرزانه‌ای. « (32)
[خدا] فرمود:» ای آدم! آنان را به نام‌هایشان خبر ده. «و هنگامی که [آدم آنان را به نام‌هایشان خبر داد، (خدا) گفت:» آیا به شما نگفته‌ام که من نهان آسمان‌ها و زمین را می‌دانم؟! و (نیز) آنچه را آشکار می‌کنید و آنچه را همواره پنهان می‌داشتید، می‌دانم. « (33)
و (یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان فرمودیم:» برای آدم سجده کنید. «و (همگی) سجده کردند، جز ابلیس که سر باز زد، و تکبّر ورزید در حالی که از کافران شد. (34)
و گفتیم:» ای آدم! تو و همسرت در باغ آرام گیرید؛ و از (نعمت‌های) آن، از هر جا خواستید، فراوان و گوارا بخورید؛ و [لی نزدیک این درخت نشوید؛ که از ستمکاران خواهید شد. « (35)
و شیطان آن دو را از آن (باغ) بلغزانید؛ و آن دو را از آنچه در آن بودند،

بیرون کرد. و [به آنها] گفتیم:» (از مقام خویش) فرو آیید، در حالی که برخی از شما دشمن برخی [دیگر] هستید. و برای شما در زمین، تا زمانی [معین ، قرارگاه و وسیله بهره‌برداری است. « (36)
و آدم از پروردگارش کلماتی را دریافت نمود؛ و [خدا] توبه او را پذیرفت، [چرا] که تنها او بسیار توبه‌پذیر [و] مهرورز است. (37)

گفتیم:» همگی از آن، فرو آیید! و اگر رهنمودی از طرف من برای شما آمد، پس کسانی که از رهنمود من پیروی کنند، پس نه هیچ ترسی بر آنان است و نه آنان اندوهگین می‌شوند. (38)
و کسانی که کفر ورزیدند، و نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند آنان اهل آتشند؛ در حالی که ایشان در آنجا ماندگارند. « (39)
ای بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) نعمت مرا، که بر شما ارزانی داشتم به یاد آورید؛ و به پیمانم وفا کنید، تا به پیمانتان وفا کنم و فقط از (مخالفت) من بهراسید! (40)
و به آنچه فرو فرستادم (قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید. (41)
و حق را با باطل نیامیزید؛ و حق را پنهان نکنید در حالی که شما می‌دانید. (42)
و نماز را بر پا دارید، و [مالیات زکات را بپردازید، و با رکوع کنندگان، رکوع کنید. (43)
آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید، و خودتان را فراموش می‌کنید، در حالی که شما کتابِ (خدا) را می‌خوانید؟! پس آیا خردورزی نمی‌کنید؟! (44)
و بوسیله شکیبایی و نماز یاری جویید؛ در حالی که مسلماً این (کار) جز بر فروتنان، گران است. (45)
(همان) کسانی که می‌دانند که آنان پروردگارشان را ملاقات می‌کنند، و اینکه آنان فقط به سوی او باز می‌گردند. (46)
ای بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب)! نعمت مرا که بر شما ارزانی داشتم به یاد آورید، و اینکه من شما را بر جهانیان برتری بخشیدم. (47)
و [خودتان را] از (عذابِ) روزی حفظ کنید، که هیچ کس به جای شخص (دیگری) چیزی (از عذاب) کیفر نمی‌شود، و از او هیچ شفاعتی پذیرفته نمی‌شود، و هیچ عوضی از او گرفته نمی‌شود، و آنان یاری نمی‌شوند. (48)

و [یاد کنید] هنگامی را که شما را از (چنگ) فرعونیان نجات دادیم، در حالی که شما را (با شکنجه و) عذاب بدی می‌آزردند؛ پسران شما را سر

می‌بریدند؛ و زنان شما را زنده نگاه می‌داشتند و در این [ها] آزمایش بزرگی از [جانب پروردگارتان بود. (49)
و [یاد کنید] هنگامی را که با (ورود) شما دریا را شکافتیم؛ و شما را نجات دادیم؛ و در حالی که شما می‌نگریستید، فرعونیان را غرق ساختیم. (50)
و (یاد کنید) هنگامی را که با موسی چهل شب وعده گذاشتیم؛ آنگاه پس از (رفتن) او، گوساله را (به پرستش) گرفتید، در حالی که شما ستمکار بودید. (51)
آنگاه بعد از آن از شما در گذشتیم، تا شاید شما سپاسگزاری کنید. (52)
و (یاد کنید) هنگامی را که به موسی، کتاب و جدا کننده [حق از باطل دادیم؛ باشد که شما راهنمایی شوید. (53)
و (یاد کنید) هنگامی را که موسی به مردمش گفت:» ای قوم [من ؛ در حقیقت شما با انتخاب گوساله (پرستی) تان به خویشتن ستم کردید؛ پس به سوی آفریدگارتان باز گردید؛ و (منحرفان) خودتان را بکشید؛ [که این [کار] در نزد آفریدگارتان برای شما بهتر است. «پس (خدا) توبه شما را پذیرفت، [چرا] که فقط او بسیار توبه‌پذیر [و] مهرورز است. (54)
و (یاد کنید) هنگامی را که گفتید:» ای موسی، به تو ایمان نخواهیم آورد، تا اینکه خدا را آشکارا ببینیم؛ «پس در حالی که شما می‌نگریستید، صاعقه شما را (فرو) گرفت. (55)
سپس شما را پس از مرگتان برانگیختیم، تا شاید شما سپاسگزاری کنید. (56)
و ابرها را بر شما سایه‌گستر کردیم؛ و خوراکی [عسل مانند] و مرغان [بلدرچین گونه را بر شما فرو فرستادیم؛ (و گفتیم:) از [خوراکی‌های پاکیزه (از) آنچه به شما روزی داده‌ایم، بخورید؛ و [لی آنان با ناسپاسی خود] بر ما ستم نکردند، بلکه همواره بر خودشان ستم می‌نمودند. (57)
ترجمه قرآن، ص: 9
و (یاد کنید) هنگامی را که گفتیم:» در این آبادی [بیت المقدس وارد شوید؛ و از (نعمت‌های) آن از هر جا که خواستید فراوان و گوارا بخورید؛ و از در (بیت المقدس) فروتنانه وارد شوید و بگویید:» [خدایا! گناهان ما را] بریز. «تا خطاهایتان را برای شما بیامرزیم؛ و بزودی [پاداش نیکوکاران را خواهیم افزود. (58)
و [لی کسانی که ستم کرده بودند، سخن را به غیر آن (سخنی) که به آنان گفته شده بود، تغییر دادند، پس بخاطر آنکه همواره نافرمانی می‌کردند، (عذابی) اضطراب‌آور از آسمان بر کسانی که ستم کردند، فرو فرستادیم. (59)
و (یاد کنید) هنگامی را که موسی برای قومش آب طلبید؛ و [به او] گفتیم:» با عصایت بر سنگ بزن! «و دوازده چشمه از آن بشکافت، که هر

(گروهی از) مردم، آبشخور خود را می‌شناختند. (و گفتیم:) از روزیِ خدا بخورید و بیاشامید؛ و در زمین تبهکارانه فساد مکنید. (60)
و (یاد کنید) هنگامی را که گفتید:» ای موسی! بر یک غذا شکیبایی نمی‌کنیم، پس برای ما از پروردگارت بخواه تا از آنچه زمین می‌رویاند، از سبزی‌اش و خیارش و سیرش و عدسش و پیازش، برای ما بیرون آورد. « (موسی) گفت:» آیا چیزی را که آن پست‌تر است جایگزین چیزی می‌کنید که آن بهتر است. در شهری فرود آیید؛ چرا که آنچه خواستید (در آنجا) برای شما هست. «و (نشان) خواری و بینوایی بر آنان زده شد؛ و باز گرفتار خشمی از جانب خدا شدند؛ این بخاطر آن است که آنان همواره به نشانه‌های خدا کفر می‌ورزیدند، و پیامبران را به ناحق می‌کشتند، این از آن روی بود که نافرمانی کردند و همواره [از حدّ] تجاوز می‌کردند. (61)
ترجمه قرآن، ص: 10
در حقیقت کسانی که (به پیامبر اسلام) ایمان آورده‌اند، و کسانی که به (آیین) یهود گرویدند و مسیحیان و صابئان (پیرو یحیای پیامبر)، کسانی (از آنان) که به خدا و روز باز پسین ایمان آوردند، و [کار] شایسته انجام دادند، پس پاداششان نزد پروردگار آنان برای ایشان است؛ و نه هیچ ترسی بر آنان است و نه آنان اندوهگین می‌شوند. (62)
و (یاد کنید) هنگامی را که از شما پیمان محکم گرفتیم؛ و (کوه) طور را بر فراز شما بر افراشتیم؛ (و به شما گفتیم:) آنچه را به شما داده‌ایم، با توانمندی بگیرید؛ و آنچه را در آن است به خاطر داشته باشید؛ تا شاید شما (خودتان را) حفظ کنید. (63)
سپس شما بعد از آن (پیمان)، روی برتافتید؛ و اگر بخشش خدا و رحمتش بر شما نبود، حتماً از زیانکاران بودید. (64)
و بیقین دانستید (حال) کسانی از شما را، که در (روز) شنبه [از حدّ]، تجاوز کردند و به آنان گفتیم:» میمون‌هایی طرد شده باشید! « (65)
و آن (کیفر) را عبرتی برای (مردم) در پیش‌رویشان (در آن عصر) و (نسل‌های) پشت‌سرشان و پندی برای پارسایان (خود نگهدار) قرار دادیم. (66)
و (یاد کنید) هنگامی را که موسی به قوم خود گفت:» در حقیقت خدا به شما فرمان می‌دهد که گاوی را سر ببرید. «گفتند:» آیا ما را به ریشخند می‌گیری؟! « (موسی) گفت:» به خدا پناه می‌برم از اینکه از نادانان باشم! « (67)
گفتند:» برای ما از پروردگارت بخواه تا برای ما روشن بیان کند که آن (گاو) چگونه است؟ « (موسی) گفت که او می‌فرماید:» در حقیقت آن گاوی است که نه پیر باشد، و نه جوان؛ (بلکه) میان سالی بین این [دو] باشد. پس آنچه به شما فرمان داده شده انجام دهید. « (68)

گفتند:» برای ما از پروردگارت بخواه تا برای ما روشن بیان کند که رنگ آن (گاو) چگونه است؟ « (موسی) گفت که او می‌گوید:» در حقیقت آن گاوی زرد است که رنگش یک دست است، که بینندگان را شاد سازد. « (69)
ترجمه قرآن، ص: 11
گفتند:» برای ما از پروردگارت بخواه تا برای ما روشن بیان کند که آن (گاو) چگونه است؟ [چرا] که (چگونگی این) گاو بر ما مشتبه شده و اگر خدا بخواهد، ما حتماً ره‌یافته می‌شویم. « (70)
(موسی) گفت که او می‌فرماید:» در حقیقت آن گاوی است که نه رام است که زمین را شخم زند؛ و کشتزار را آب نمی‌دهد؛ سالمی است که هیچ لکه‌ای در (رنگ) آن نباشد. «گفتند:» اکنون (سخن) حق را آوردی. «پس (آن گاو را پیدا کردند و) آن را سر بریدند؛ در حالی که نزدیک بود انجام ندهند. (71)
و (یاد کنید) هنگامی را که شخصی را کشتید؛ و هر کدام (قتل) او را از خود دور می‌کردید (و به ستیزه برخاستید) و خدا بیرون آورنده (و فاش‌کننده) چیزی است که (آن را) همواره پنهان می‌داشتید. (72)
و گفتیم:» بخشی از آن [گاو] را به آن (کشته) بزنید (تا زنده شود) «این گونه خدا مردگان را زنده می‌کند، و نشانه‌های (معجزه‌آسای) ش را به شما می‌نمایاند؛ تا شاید شما خردورزی کنید. « (73)
سپس دل‌های شما بعد از آن [واقعه سخت شد پس آن [ها] همچون سنگ (ها)، یا سخت‌تر (گردید.) در حالی که مسلماً برخی سنگ (ها) آنچنان است که نهرهایی از آن بیرون می‌زند، و قطعاً برخی از آنها آنچنانند که می‌شکافد، و آب از آن بیرون می‌آید، و حتماً برخی از آنها آنچنانند که از هراس خدا فرو می‌ریزد، و خدا از آنچه انجام می‌دهید، غافل نیست. (74)
و آیا طمع دارید که [یهودیان به (آیین) شما ایمان بیاورند؟ در حالی که دسته‌ای از آنان، همواره سخنان خدا را می‌شنیدند سپس بعد از تعقّل در مورد آن، دگرگونش می‌کردند، و حال آنکه آنان می‌دانستند! (75)
و هنگامی که [یهودیان کسانی را که ایمان آورده‌اند، ملاقات کنند، می‌گویند:» ایمان آوردیم. «و هنگامی که برخی آنان با برخی [دیگر] خلوت کنند، گویند:» آیا آن (مسلمان) ان را خبر می‌دهید از آنچه که خدا برای شما (در مورد پیامبر) گشوده است، تا بوسیله آن در پیشگاه پروردگارتان با شما بحث (و استدلال) کنند؟! و آیا خردورزی نمی‌کنید؟! « (76)
ترجمه قرآن، ص: 12
و آیا نمی‌دانند که خدا آنچه را پنهان می‌کنند، و آنچه را آشکار می‌سازند، می‌داند؟! (77)
و برخی از آن (یهودی) ان، درس ناخواندگانی هستند که کتاب (خدا) را جز آرزوهایی نمی‌دانند. و جز آن نیست که آنان گمانه زنی می‌کنند. (78)

و وای بر کسانی که، کتاب را با دست‌هایشان می‌نویسند، سپس می‌گویند:» این، از جانب خداست. «تا بهای اندک را بدان مبادله کنند؛ پس وای بر ایشان از آنچه دست‌هایشان نوشته؛ و وای بر آنان از آنچه بدست می‌آورند. (79)
و گفتند:» آتش [دوزخ ، جز چند روزی محدود، به ما نخواهد رسید. «بگو:» آیا پیمانی از جانب خدا گرفته‌اید؟! و خدا از پیمانش تخلّف نمی‌ورزد، یا چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت می‌دهید؟! « (80)
آری کسانی که بدی را بدست آورند، و [آثار] خطایشان آنان را فرا گیرد، پس آنان اهل آتشند؛ در حالی که ایشان در آنجا ماندگارند. (81)
و کسانی که ایمان آوردند، و [کارهای شایسته انجام دادند، آنان اهل بهشتند؛ در حالی که ایشان در آنجا ماندگارند. (82)
و (یاد کنید) هنگامی را که از بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) پیمان محکم گرفتیم که:» جز خدا را نپرستید، و به پدر و مادر، و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید و با مردم نیکو سخن گویید، و نماز را بر پا دارید و [مالیات زکات را بپردازید. «سپس، جز اندکی از شما، روی برتافتید در حالی که شما رویگردان بودید. (83)
ترجمه قرآن، ص: 13
و (یاد کنید) هنگامی را که از شما پیمان محکم گرفتیم که:» خون همدیگر را مریزید؛ و خودتان [یکدیگر] را از خانه‌هایتان بیرون نکنید. «سپس (به این پیمان) اقرار کردید؛ در حالی که شما گواهید. (84)
سپس شما آنهایی هستید که خودتان [یکدیگر] را می‌کشید، و دسته‌ای از [خود] تان را از خانه‌هایشان بیرون می‌رانید؛ در حالی که با گناه و تجاوز بر ضد آنان، به یکدیگر کمک می‌نمایید؛ و اگر (آنان) به اسارت نزد شما آیند، تاوانشان را می‌دهید (و آنان را باز خرید می‌کنید)، در حالی که بیرون کردن آنان بر شما حرام شده بود. و آیا به برخی [از دستورات کتاب [تورات ایمان می‌آورید، و به بعضی [دیگر] کفر می‌ورزید؟! و کیفر کسی از شما که این [عمل را انجام دهد، جز رسوایی در زندگی پست (دنیا) نیست، و روز رستاخیز به شدیدترین عذاب بازگردانده می‌شوند. و خدا از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست. (85)
آنان کسانی هستند که زندگی پست (دنیا) را با آخرت مبادله کردند، و عذاب از آنان کاسته نمی‌شود و آنان یاری نمی‌شوند. (86)
و بیقین به موسی کتاب (تورات) دادیم، و بعد از او، فرستادگانی را پشت سر هم فرستادیم؛ و عیسی پسر مریم را دلیل‌های (معجزه‌آسا) دادیم؛ و او را بوسیله روح پاک، تأیید کردیم. و آیا هر گاه فرستاده‌ای چیزی را که خوشایند (هوای) نفس شما نبود برایتان آورد، تکبّر ورزیدید و دسته‌ای را دروغگو انگاشتید، و دسته‌ای را می‌کشید؟! (87)

و گفتند:» دل‌ها (و مراکز ادراک) ما پوشش [و مانع دارد. «بلکه خدا بخاطر کفرشان، آنها را از رحمت خود دور ساخته است، از این رو (تعداد) اندکی ایمان می‌آورند. (88)

ترجمه قرآن، ص: 14

و هنگامی که از طرف خدا کتاب (قرآن) برای آنان آمد که مؤیّد آن چیزی (از تورات) بود که با آنان بود، و پیش از (آن) همواره بر کسانی که کفر ورزیدند، پیروزی می‌خواستند؛ و [لی هنگامی که آنچه را می‌شناختند، بر ایشان آمد، بدان کفر ورزیدند. پس لعنت خدا بر کافران باد. (89)

(یهودیان) خودشان را به بد [بهایی فروختند؛ که آنچه را خدا فرو فرستاده بود انکار کردند، بخاطر ستم (و حسادت) بر اینکه خدا از بخشش بر هر کس از بندگانش بخواهد [و شایسته بداند آیات خود را] فرو فرستد؟! از این رو به خشمی (افزون) بر خشم [دیگر] گرفتار شدند. و برای کافران عذابی خوارکننده است. (90)

و هنگامی که به آنان گفته شود:» به آنچه خدا فرو فرستاده ایمان آورید. «می‌گویند:» به چیزی ایمان می‌آوریم که بر (ملت) ما فرو فرستاده شده است. «در حالی که به آنچه بعد از آن است کفر می‌ورزند و حال آنکه آن حق است [و] مؤیّد [همان چیزی است که با آنان است. بگو:» پس اگر مؤمن بودید، چرا پیش از [این ، پیامبران خدا را می‌کشتید؟! « (91)

و بیقین موسی دلیل‌های (معجزه‌آسا) را برای شما آورد، سپس بعد از (رفتن) او، گوساله را (به پرستش) گرفتید؛ در حالی که شما ستمکار بودید. (92)

و (یاد کنید) هنگامی را که از شما پیمان محکم گرفتیم؛ و (کوه) طور را بر فراز شما بر افراشتیم؛ (و به شما گفتیم:) آنچه را به شما داده‌ایم با توانمندی بگیرید. و (به آنها) گوش فرادهید. گفتند:» شنیدیم؛ و نافرمانی کردیم. «در حالی که بر اثر کفرشان دل‌های آنان با [محبت گوساله آمیخته شد، بگو:» اگر ایمان دارید آنچه را ایمانتان، شما را بدان فرمان می‌دهد بد (چیزی) است! « (93)

ترجمه قرآن، ص: 15

بگو (ای یهودیان):» اگر در نزد خدا، سرای آخرت یکسر به شما اختصاص دارد، نه سایر مردم، پس اگر راست می‌گویید؛ آرزوی مرگ کنید. « (94)

و [لی آنان، به سبب دستاوردی که از پیش فرستاده‌اند، هرگز آن [مرگ را آرزو نخواهند کرد؛ و خدا به [حال ستمگران داناست. (95)

و حتماً آنها را آزمندترین مردم- و [حتی آزمندتر] از کسانی که شرک ورزیدند- بر زندگی [دنیا] خواهی یافت. هر یک از ایشان عمر هزار ساله آرزو دارد، در حالی که [چنین عمر کردنی، او را از عذاب نجات نخواهد داد. و خدا به آنچه انجام می‌دهند بیناست. (96)

بگو:» کسی که دشمن جبرئیل باشد پس (دشمن خداست چرا) که او با رخصت (و فرمان) خدا آن [قرآن را بر دل تو فرود آورد، در حالی که مؤیّد آنچه از [کتاب‌های الهی پیش از آن بوده، و رهنمود و مژده برای مؤمنان است. (97)
کسی که دشمن خدا و فرشتگانش و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل باشد (کافر است؛) و در واقع خدا دشمن کافران است. (98)
و بیقین نشانه‌های روشنی به سوی تو فرو فرستادیم، و جز نافرمانبرداران (کسی) آنها را انکار نمی‌کند. (99)
و آیا [چنین نیست که یهودیان هر گاه پیمانی بستند، دسته‌ای از ایشان آن را (شکستند و) دور افکندند؟ بلکه بیشترشان ایمان نمی‌آورند. (100)
و آنگاه که فرستاده‌ای از جانب خدا به سراغشان آمد، که مؤیّد آن چیزی [از نشانه‌ها] بود که نزد آنان بود، دسته‌ای از کسانی که به آنها کتاب (الهی) داده شده بود، کتاب خدا را پشتِ سرشان افکندند؛ چنانکه گویی آنان [هیچ نمی‌دانند! (101)
ترجمه قرآن، ص: 16
و (یهود) پیروی کردند از آنچه افراد شرور (جادوگر) در دوران فرمانروایی سلیمان بر مردم می‌خواندند (و پیروی می‌کردند)؛ و سلیمان کفر نورزید و لیکن افراد شرور کفر ورزیدند؛ [که به مردم سحر می‌آموختند. و (نیز یهود پیروی کردند) از آنچه بر دو فرشته» هاروت و ماروت «در بابِل فرو فرستاده شده بود. و به هیچ کس [چیزی نمی‌آموختند، مگر اینکه [از پیش به او] می‌گفتند:» ما فقط [وسیله آزمایشیم، پس [مواظب باش،] کافر نشو! «و [لی آنها] از آن دو (فرشته)، چیزهایی را می‌آموختند که بوسیله آن، میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند؛ و [هر چند] آنها بوسیله آن [مطالب به کسی ضرر نمی‌رسانند مگر با رخصت خدا [باشد.] و [آنها] آنچه را می‌آموختند که به ایشان زیان می‌رسانید و سودی برایشان نمی‌بخشید؛ و بیقین (یهودیان) می‌دانستند که هر کس خریدار آن [مطالب باشد، در آخرت بهره‌ای برایش ندارد. و چه بد بود آنچه خودشان را در مقابل آن فروختند، اگر (بر فرض) می‌دانستند! (102)
و اگر (بر فرض) آنها ایمان می‌آوردند و خود را حفظ می‌کردند، حتماً پاداشی که از نزد خدا [می‌یافتند] بهتر بود، اگر (بر فرض) می‌دانستند. (103)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نگویید:» راعنا « (که به دو معنای» ما را مهلت ده «و» ما را احمق کن «است) و بگویید:» انظرنا « (که به معنای» ما را مهلت ده «است.) و (این توصیه را) بشنوید. و برای کافران عذابی دردناک است. (104)
کسانی که از اهل کتاب کفر ورزیدند و مشرکان، آرزو ندارند که از جانب

پروردگارتان نیکی بر شما فرود آید، در حالی که خدا، رحمتش را به هر کس (شایسته بداند و) بخواهد، اختصاص می‌دهد؛ و خدا دارای بخشش بزرگ است. (105)

ترجمه قرآن، ص: 17

هر نشانه‌ای را که تغییر می‌دهیم (و نشانه دیگری جانشین آن می‌کنیم و) یا به فراموشی می‌سپاریم، بهتر از آن، یا همانندش را می‌آوریم. آیا ندانسته‌ای که خدا بر هر چیزی تواناست؟ (106)

آیا ندانسته‌ای که خدا، فرمانروایی آسمان‌ها و زمین، فقط برای اوست؟ و جز خدا، هیچ سرپرست و یاوری برای شما نیست. (107)

بلکه آیا می‌خواهید از پیامبرتان، همان تقاضا (ی نا معقول) را بکنید که پیش [از این ، از موسی خواسته شد؟! و کسی که کفر را با ایمان عوض کند، پس بیقین از راه درست گمراه شده است. (108)

بسیاری از اهل کتاب، بعد از آنکه حق برایشان آشکار شد- از روی حسدی که در جانشان بود- آرزو می‌کردند که شما را بعد از ایمان آوردنتان، به [حال کفر بازگردانند؛ پس [آنها را] ببخشید و در گذرید؛ تا خدا فرمان خویش را بیاورد، که خدا بر هر چیزی تواناست. (109)

و نماز را بر پا دارید و [مالیاتِ زکات را بپردازید؛ و هر نیکی که پیشاپیش برای خود می‌فرستید، آن را نزد خدا خواهید یافت؛ که خدا به آنچه انجام می‌دهید، بیناست. (110)

و (آنها) گفتند:» جز کسی که یهودی یا مسیحی است، داخل بهشت نخواهد شد. «این آروزهای آنهاست. بگو:» اگر راست می‌گویید، دلیل روشنتان را بیاورید! « (111)

آری، کسی که چهره [وجود] ش را برای خدا تسلیم کند در حالی که او نیکوکار باشد، پس پاداش او نزد پروردگارش فقط برای اوست؛ و هیچ ترسی بر آنان نیست و نه آنان اندوهگین می‌شوند. (112)

ترجمه قرآن، ص: 18

و یهودیان گفتند:» مسیحیان بر چیز (حقّی استوار) نیستند. «و مسیحیان (نیز) گفتند:» یهودیان بر چیز (حقّی استوار) نیستند. «در حالی که آنان کتاب (خدا) را می‌خوانند. کسانی که نمی‌دانند نیز، همانند سخن آنان گفتند! پس خدا، روز رستاخیز، درباره آنچه همواره در آن اختلاف می‌کردند، میان آنها داوری می‌کند. (113)

و کیست ستمکارتر از کسی که نگذارد در مساجد خدا، نام او یاد شود، و در ویرانی آنها بکوشد؟! آنان برایشان سزاوار نیست که جز ترسان، وارد آن (مساجد) شوند. برای آنان در دنیا رسوایی، و در آخرت، عذاب بزرگی برایشان خواهد بود. (114)

و خاور و باختر، تنها از آن خداست. و به هر سو رو کنید، پس ذات خدا

آنجاست. که خدا گشایشگرَ (بی نیاز و) داناست. (115)
و گفتند:» خدا، فرزندی [برای خود] گزیده است. «- او منزّه است- بلکه آنچه در آسمان‌ها و زمین است، فقط از آنِ اوست؛ [و] همه برای او [فروتن و] فرمان پذیرند. (116)
پدید آورنده آسمان‌ها و زمین [اوست ؛ و هنگامی که چیزی را اراده کند، پس فقط به آن می‌گوید:» باش «پس [فوراً موجود] می‌شود. (117)
و کسانی که نمی‌دانند، گفتند:» چرا خدا با ما سخن نمی‌گوید؟! یا نشانه [معجزه‌دار برای خودِ] ما نمی‌آید؟! «کسانی که پیش از اینان بودند نیز، همانند سخن آنان گفتند؛ دل‌ها [و افکار] شان مشابه یکدیگر است؛ بیقین (ما) نشانه‌ها را برای گروهی که یقین پیدا می‌کنند، روشن ساخته‌ایم. (118)
در واقع ما تو را به حق، بشارتگر و هشدارگر فرستادیم، و درباره اهل دوزخ، از تو پرسشی نخواهد شد. (119)
ترجمه قرآن، ص: 19
و یهودیان و مسیحیان از تو راضی نخواهند شد، تا از آیین آنان، پیروی کنی. بگو:» براستی راهنمایی خدا، تنها راهنمایی (حقیقی) است. «و اگر بعد از دانشی که به تو رسید، از هوس‌های آنان پیروی کنی، هیچ سرپرست و یاوری، از سوی خدا، برای تو نخواهد بود. (120)
کسانی که کتاب [الهی به آنها داده‌ایم [و] آن را چنان که شایسته آن است می‌خوانند [و پیروی می‌کنند]؛ ایشانند که بدان ایمان می‌آورند؛ و کسانی که بدان کفر ورزند، پس فقط آنان زیانکارند. (121)
ای بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب)! نعمت مرا که بر شما ارزانی داشتم، یاد کنید، و اینکه من شما را بر جهانیان، برتری بخشیدم. (122)
و [خودتان را] از (عذاب) روزی حفظ کنید، که هیچ کس به جای شخص [دیگری چیزی (از عذاب) کیفر نمی‌شود؛ و از او هیچ عوضی پذیرفته نمی‌شود؛ و شفاعت، او را سود نمی‌دهد؛ و آنان یاری نمی‌شوند. (123)
و (یاد کنید) هنگامی که ابراهیم را پروردگارش با کلماتی آزمایش کرد، و (او به خوبی کارِ) آزمایش‌ها را تمام کرد، [خدا به او] فرمود:» در واقع من تو را امام [و پیشوای مردم قرار دادم. « [ابراهیم گفت:» و از نسل من (نیز امامانی قرار بده.) « [خدا] فرمود:» پیمان من، به ستمکاران نمی‌رسد. « (124)
و (یاد کنید) هنگامی که خانه [کعبه را برای مردم محل بازگشت [و پاداش و أمن [و امان قرار دادیم. و (فرمودیم:) از مقام ابراهیم، نمازخانه‌ای (برای خود) برگزینید. و با ابراهیم و اسماعیل عهد کردیم که:» خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگانِ سجده‌گر، پاک و پاکیزه کنید. « (125)

و (یاد کنید) هنگامی را که ابراهیم گفت:» پروردگارا! این (مکه) را سرزمین أمن قرار ده؛ و مردمش را- هر کس از آنان بخدا و روز بازپسین، ایمان آورد- از محصولات روزی‌ده. « [پروردگارش گفت:» (دعای تو را اجابت کردم) و [لی هر کس کفر بورزد پس اندکی برخوردارش می‌کنم، سپس او را به سوی عذابِ آتش می‌کشانم؛ و [چه بد فرجامی است! « (126)
ترجمه قرآن، ص: 20
و (یاد کنید) هنگامی که ابراهیم و اسماعیل، پایه‌های خانه [کعبه را بالا می‌بردند؛ (و می‌گفتند:) [ای پروردگار ما! از ما بپذیر، که در حقیقت تنها تو شنوا [و] دانایی. (127)
[ای پروردگار ما! و ما را تسلیم خود قرار ده؛ و از نسل ما، امتی فرمانبردار خود (پدید آر)؛ و [راه و رسم عبادتمان را به ما نشان ده؛ و توبه ما را بپذیر، که تنها تویی بسیار توبه‌پذیر [و] مهرورز. (128)
[ای پروردگار ما! و در میان آنان فرستاده‌ای از [خود] شان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند [و خود پیروی کند]، و کتاب و فرزانگی به آنان بیاموزد، و آنها را رشد دهد [و پاک کند؛ زیرا] که تنها تو شکست ناپذیر [و] فرزانه‌ای. (129)
و چه کسی- جز کسی که خودش را سبک سر نماید- از آیین ابراهیم روی بر می‌تابد؟! و بیقین او را در دنیا برگزیدیم؛ و قطعاً او در آخرت، از شایستگان است. (130)
(یاد کنید) هنگامی که پروردگارش به او فرمود:» تسلیم شو! « [او] گفت:» تسلیم پروردگار جهانیان شدم. « (131)
و ابراهیم و یعقوب پسران خود را به آن [آیین ، سفارش کردند؛ (و هر کدام گفتند:) ای پسران من! در حقیقت خدا برای شما این دین را برگزیده است؛ پس نمیرید مگر در حالی که شما مسلمانید. (132)
آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، (شما) شاهد بودید؟! وقتی که به پسرانش گفت:» پس از من، چه چیز را می‌پرستید؟ «گفتند:» معبود تو، و معبود نیاکانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق- معبود یگانه- را می‌پرستیم، و ما تنها تسلیم او هستیم. « (133)
آنان گروهی بودند که درگذشتند، دستاورد آنان فقط برای آنان، و دستاورد شما فقط برای شماست؛ و از آنچه همواره انجام می‌دادند، بازخواست نخواهید شد. (134)
ترجمه قرآن، ص: 21
و [اهل کتاب گفتند:» یهودی یا مسیحی شوید، تا راهنمایی شوید. «بگو:» بلکه [بر] آیین ابراهیم حق‌گرا [باشید؛] و [او] از مشرکان نبود. « (135)
بگویید:» به خدا و آنچه بر ما فرود آمده، و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و

اسحاق و یعقوب و (پیامبران از) فرزندان (او) فرود آمده، و (نیز) آنچه به موسی و عیسی داده شده، و آنچه به پیامبران از طرف پروردگارشان داده شده، ایمان آورده‌ایم؛ میان هیچ یک از ایشان فرق نمی‌گذاریم؛ و ما تنها تسلیم او هستیم. « (136)
و اگر آنان ایمان آورند همانند آنچه (شما) بدان ایمان آورده‌اید، پس بیقین رهنمون می‌شوند؛ و اگر روی بر تافتند، پس آنان فقط در جدائی (و ستیز) هستند. و بزودی خدا [شرّ] آنان را از تو کفایت خواهد کرد، و او شنوا [و] داناست. (137)
رنگ خدایی (بپذیرید.) و خوش رنگ‌تر از خدا کیست؟ و ما تنها پرستش‌کنندگان اوییم. (138)
بگو:» آیا درباره خدا با ما بحث می‌کنید؟! حال آنکه او، پروردگار ما و پروردگار شماست؛ و کردارهای ما فقط برای ماست، و کردارهای شما فقط برای شماست. و ما فقط مخلص اوییم. « (139)
یا می‌گویید که:» ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و (پیامبران از) فرزندان (او)، یهودی یا مسیحی بودند؟! «بگو:» آیا شما داناترید یا خدا؟! «و چه کسی ستمکارتر است از کسی که گواهی خدا را در نزد خویش پنهان می‌کند؟ و خدا از آنچه انجام می‌دهید، غافل نیست. (140)
آنان گروهی بودند که درگذشتند، دستاورد آنان فقط برای آنان و دستاورد شما فقط برای شماست؛ و از آنچه همواره انجام می‌دادند، باز خواست نخواهید شد. (141)
ترجمه قرآن، ص: 22
بزودی مردم سبک سر، خواهند گفت:» چه چیز آنان را، از قبله‌شان که بر آن بودند، روی برتاباند؟! «بگو:» خاور و باختر، فقط از آنِ خداست؛ هر کس را (شایسته بداند و) بخواهد، به راه راست راهنمایی می‌کند. « (142)
و بدین گونه شما را گروهی میانه قرار دادیم، تا بر مردم گواه باشید؛ و فرستاده [خدا] بر شما گواه باشد. و قبله [بیت المقدس را که (چندی) بر آن بودی، قرار ندادیم جز برای آنکه کسی که از فرستاده [خدا] پیروی می‌کند، از کسی که [از عقیده خود] بر می‌گردد، معلوم داریم. و مسلماً این [حکم دشوار بود، جز بر کسانی که خدا [آنها را] راهنمایی کرده است. و خدا هرگز ایمان شما را تباه نمی‌گرداند؛ [چرا] که قطعاً خدا، [نسبت به مردم، مهربانی مهرورز است. (143)
بیقین روی چرخاندنت در آسمان (و نگاه‌های انتظار آمیزت) را می‌بینیم، و مسلماً تو را به [سوی قبله‌ای که از آن خشنودی، باز می‌گردانیم. پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن. و هر جا بودید، پس روی خود را به [سویِ آن کنید. و در حقیقت کسانی که کتاب [الهی به آنها داده شده،

مسلماً می‌دانند که این [تغییر قبله، فرمان درستی است که از جانب پروردگارشان می‌باشد. و خدا از آنچه انجام می‌دهند، غافل نیست. (144)
و اگر برای کسانی که کتاب [الهی به آنها داده شده، هر گونه نشانه (معجزه‌واری) بیاوری، از قبله تو پیروی نخواهند کرد؛ و تو [نیز] از قبله آنان، پیروی نخواهی کرد. و برخی از آنان، از قبله برخی [دیگر] پیروی، نخواهد کرد. و اگر بعد از دانشی که به تو رسید، از هوس‌هایشان پیروی کنی، در آن صورت، مسلماً تو از ستمگران خواهی بود. (145)
ترجمه قرآن، ص: 23
کسانی که کتاب [الهی به آنان داده‌ایم، همان گونه که پسران خود را می‌شناسند، او [محمّد] را می‌شناسند؛ و مسلماً دسته‌ای از آنان، حق را پنهان می‌دارند در حالی که آنان می‌دانند. (146)
[این حق از طرف پروردگار توست، پس هرگز از تردید کنندگان مباش. (147)
و برای هر [گروهی قبله‌ای [و شیوه‌ای است، که او آن را تعیین کرده است؛ پس در نیکی‌ها [بر یکدیگر] پیشی گیرید. هر کجا که باشید، خدا همه شما را خواهد آورد، [چرا] که خدا بر هر چیز تواناست. (148)
و از هر کجا بیرون آمدی، پس رویِ خود را به سوی» مسجد الحرام «کن و مسلماً این [دستور] حقّی از طرف پروردگار توست؛ و خدا، از آنچه انجام می‌دهید، غافل نیست. (149)
و از هر کجا بیرون آمدی، پس رویِ خود را به سوی» مسجد الحرام «کن. و هر کجا بودید، پس رویِ خود را به سویِ آن بگردانید؛ تا مردم، دلیلی بر [ضدّ] شما نداشته باشند، مگر کسانی از آنان که ستم کردند (و دست از لجاجت بر نمی‌دارند). پس، از آنان نهراسید؛ و از (مخالفت) من بهراسید! و (روی به قبله کنید) تا اینکه نعمتم را بر شما تمام کنم، و باشد که شما راهنمایی شوید. (150)
همان گونه که فرستاده‌ای از خودتان، در میان شما فرستادیم؛ که آیات ما را بر شما می‌خواند [و پیروی می‌کند]؛ و شما را رشد می‌دهد (و پاک می‌گرداند)؛ و به شما، کتابِ [خدا] و حکمت می‌آموزد؛ و آنچه را هیچ گاه نمی‌دانستید، به شما یاد می‌دهد. (151)
پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم، و سپاس مرا به جای آرید، و [مرا] ناسپاسی نکنید. (152)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بوسیله شکیبایی و نماز، یاری جویید؛ [چرا] که خدا با شکیبایان است. (153)
ترجمه قرآن، ص: 24
و به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، مردگان نگویید؛ بلکه [آنان زندگانندِ، و لیکن (شما با درک حسی) متوجّه نمی‌شوید. (154)

و قطعاً [همه شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهشی در ثروت‌ها و جان‌ها و محصولات، آزمایش می‌کنیم؛ و به شکیبایان مژده ده. (155)
(همان) کسانی که هر گاه مصیبتی به آنان برسد، می‌گویند:» در حقیقت ما از آنِ خداییم؛ و در واقع ما فقط به سوی او باز می‌گردیم. « (156)
آنان، درودها و رحمتی از پروردگارشان، بر ایشان باد، و تنها آنان ره یافتگانند. (157)
براستی که (کوه)» صفا «و» مَروه «از نشانه‌های خداست؛ پس کسی که خانه [خدا] را، حج کند یا عمره به جا آورد، پس هیچ گناهی بر او نیست، که به [میان آن دو، سعی (رفت و آمد) کند؛ و کسی که [فرمان خدا را در انجام کار] نیک بپذیرد، پس در حقیقت خدا، سپاسگزاری داناست. (158)
در حقیقت کسانی که دلیل‌های روشن و رهنمودی را که فرو فرستاده‌ایم، بعد از آنکه آن را در کتاب برای مردم بیان نمودیم، پنهان می‌کنند، آنان را خدا از رحمت خود دورشان می‌سازد؛ و لعن کنندگان [نیز]، آنها را لعنت می‌کنند؛ (159)
مگر کسانی که توبه کردند، و اصلاح نمودند، و (آنچه را پنهان کرده بودند) آشکار ساختند؛ پس آنانند (که من) توبه آنها را می‌پذیرم و من بسیار توبه‌پذیر [و] مهرورزم. (160)
براستی کسانی که کفر ورزیدند، و در حالِ کفر مردند، آنانند که لعنت خدا و فرشتگان و مردم، همگی بر آنها باد. (161)
در حالی که در آن [لعنت ماندگارند؛ [و] عذاب از آنان کاسته نمی‌شود، و به آنان فرصت داده نمی‌شود. (162)
و معبود شما معبودی یگانه است، جز او هیچ معبودی نیست. [که او] گسترده‌مهرِ مهرورز است. (163)
ترجمه قرآن، ص: 25
قطعاً در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و پی در پی آمدن شب و روز، و کشتی‌هایی که در دریا روانند، با آنچه به مردم سود می‌رساند، و آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده، و با آن، زمین را پس از مردنش، زنده نموده و از هر گونه جنبده‌ای در آن پراکنده کرده، و (همچنین در) دگرگونی بادها و ابرهایی که میان آسمان و زمین مسخّر است، نشانه‌هایی هست، برای گروهی که خردورزی می‌کنند. (164)
و برخی از مردم کسانی هستند که از غیر خدا، همانندهایی (معبود گونه) بر می‌گزینند، که همانند دوستی خدا، آنها را دوست دارند. و [لی کسانی که ایمان آورده‌اند خدا را بیشتر دوست دارند. و اگر (بر فرض) کسانی که ستم کردند، بدانند در هنگامی که عذاب را مشاهده می‌کنند (خواهند دانست) که تمام قدرت از آنِ خداست؛ و براستی خدا سخت کیفر است. (165)

(همان) هنگام، کسانی که پیروی شده‌اند، از پیروانِ خود، بی‌تعهد می‌شوند؛ و عذاب را مشاهده می‌کنند؛ و پیوندها از میانشان بریده می‌شود. (166)
و کسانی که پیروی کرده‌اند، می‌گویند:» ای کاش برای ما باز گشتی [به دنیا] بود، تا نسبت به آنان بی‌تعهد می‌شدیم، همانگونه که [آنان نسبت به ما بی‌تعهد شدند! خدا این چنین اعمالشان را- که بر آنان (مایه) حسرت‌هاست- به آنان می‌نمایاند؛ و آنان از آتش خارج نخواهند شد. (167)
ای مردم! از آنچه در زمین، حلال و پاکیزه است بخورید؛ و از گام‌های شیطان، پیروی مکنید؛ که او، دشمنی آشکار برای شماست. (168)
[او] شما را فقط به بدی و [کار] زشت فرمان می‌دهد؛ و (نیز دستور می‌دهد) آنچه را که نمی‌دانید، به خدا نسبت دهید. (169)
ترجمه قرآن، ص: 26
و هنگامی که به آنان گفته شود:» آنچه را خدا فرو فرستاده است، پیروی کنید. «می‌گویند:» بلکه آنچه را که نیاکانمان را بر آن یافتیم، پیروی می‌کنیم. «و آیا اگر (بر فرض) نیاکان آنان، درباره چیزی خردورزی نمی‌کردند، و راهنمایی نمی‌شدند، (باز هم از آنان پیروی می‌کردید)؟! (170)
و مثال (دعوت کننده) کسانی که کفر ورزیدند، همانند مثال کسی است که [حیوانی را] بانگ می‌زند که جز صدا و ندایی [مبهم نمی‌شنود. (آری آنان در واقع) ناشنوا، گنگ [و] نابینایند، از این رو آنان خردورزی نمی‌کنند. (171)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (خوراکی‌های) پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم بخورید، و خدا را سپاس گویید، اگر شما، تنها او را می‌پرستید. (172)
[خدا]، تنها (خوردن) مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که [به هنگام سر بریدن نام غیر خدا بر آن بانگ‌زده شده، بر شما حرام کرده است. و [لی کسی که ناچار شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد، پس گناهی بر او نیست؛ [چرا] که خدا بسیار آمرزنده مهرورز است. (173)
براستی کسانی که آنچه را خدا از کتاب فرو فرستاده، پنهان می‌کنند، و آن را به بهای اندکی می‌فروشند، آنان در درونشان جز آتش نمی‌خورند. و خدا، روز رستاخیز، با آنها سخن نمی‌گوید؛ و رشدشان نمی‌دهد (و پاکشان نمی‌کند)؛ و برای آنها عذابی دردناک است. (174)
آنان کسانی هستند که گمراهی را با راهنمایی، و عذاب را با آمرزش، مبادله کردند؛ پس چه چیزی آنان را بر آتش شکیبا کرد؟! (175)
این، بخاطر آن است که خدا، کتاب (الهی) را بحق، فرو فرستاده؛ و کسانی که در مورد کتاب [خدا] اختلاف کردند، قطعاً در جدایی (و ستیزی) دور و

دراز قرار دارند. (176)
ترجمه قرآن، ص: 27
نیکی این نیست که رویتان را به سوی خاور و (یا) باختر نمایید؛ و لیکن نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب (الهی) و پیامبران، ایمان آورد؛ و ثروت (خود) را در حالی که دوستش دارد، به مصرف نزدیکان و یتیمان و بینوایان و در راه مانده و گدایان، و در [راه آزاد کردن بردگان برساند؛ و نماز را بر پا دارد و [مالیاتِ زکات را بپردازد؛ و (کسانی که) چون عهد بستند، به عهد خود وفا دارند. و در سختی (زندگی) و زیان (جسمی) و به هنگام سختی (جنگ)، شکیبایند؛ آنان کسانی هستند که راست می‌گویند؛ و تنها آنان پارسا (و خود نگهدار) هستند. (177)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، (حکمِ) قصاص در باره کشتگان، بر شما مقرر شده است: آزاد عوض آزاد، و بنده عوض بنده، و زن عوض زن؛ و کسی که از برادر (دینی) اش، چیزی (از قصاص) به او بخشیده شود، پس (راه) پسندیده در پیش گیرد و به نیکی [خون بها] را به او بپردازد؛ این، تخفیفی و بخششی از طرف پروردگارتان است. و کسی که بعد از آن تجاوز کند، پس عذابی دردناک برایش خواهد بود. (178)
و ای خردمندان! برای شما در قصاص، زندگانی است، تا شاید شما [خودتان را] حفظ کنید. (179)
بر شما مقرر شده است که:» چون مرگ یکی از شما فرا رسد، اگر (مال) خوبی (از خود) به جای گذارده، برای پدر و مادر و نزدیکان، بطور پسندیده وصیّت کند. [این حقّی بر پارسایانِ (خود نگهدار) است. « (180)
و هر کس آن [وصیت را بعد از شنیدنش تغییر دهد، پس گناهش تنها بر کسانی است که آن را تغییر می‌دهند؛ براستی خدا، شنوای داناست. (181)
ترجمه قرآن، ص: 28
و کسی که از انحراف [و تمایل یک جانبه وصیّت کننده، یا از گناه او (در وصیت به کار خلاف) بترسد؛ و بینشان اصلاح دهد، پس هیچ گناهی بر او نیست؛ [چرا] که خدا، بسیار آمرزنده مهرورز است. (182)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما مقرر شده، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند مقرر شد؛ تا شاید شما [خودتان را] حفظ کنید. (183)
چند روز معدودی را (روزه بدارید.) و هر کس از شما بیمار یا در سفر باشد پس تعدادی از روزهای دیگر را (روزه بدارد). و بر کسانی که آن [روزه برای آنها] طاقت فرساست، تاوانی [است، که همان غذا دادن به بینواست، و کسی که [فرمان خدا را در انجام کار] نیک بپذیرد، پس آن

برایش بهتر است. و روزه داشتن برای شما بهتر استَ، اگر بدانید. (184)
ماهِ رمضان (ماهی است) که قرآن در آن فرو فرستاده شد، در حالی که [آن قرآن راهنمای مردم و نشانه‌هایی از هدایت و جدا کننده [حق از باطل است. و هر کس از شما که (این) ماه را (در وطن خود) حاضر باشد پس باید آن (ماه) روزه بدارد. و کسی که بیمار یا در سفر است، پس تعدادی از روزهای دیگر (روزه بدارد). خدا، آسانیِ شما را می‌خواهد، و دشواریِ شما را نمی‌خواهد. و (این احکام را قرار دادیم) تا تعداد [این روزها] را تکمیل کنید؛ و تا خدا را به پاس اینکه شما را راهنمایی کرده بزرگ شمارید؛ و باشد که شما سپاسگزاری کنید. (185)
و هنگامی که بندگانم، از تو در باره من بپُرسند، پس (بگو:) در حقیقت من نزدیکم؛ دعای دعا کننده را به هنگامی که [مرا] می‌خواند، پاسخ می‌گویم. پس باید (دعوتِ) مرا بپذیرند، و باید به من ایمان بیاورند، باشد که آنان راه یابند، (و به مقصد برسند.) (186)
ترجمه قرآن، ص: 29
در شب روزه‌داری، همبستری با زنانتان، بر شما حلال گردیده؛ آنان لباسی برای شما، و شما لباسی برای آنان هستید. خدا می‌دانست که شما همواره به خودتان قصد خیانت داشتید؛ پس توبه شما را پذیرفت و از شما در گذشت. پس اکنون [می‌توانید] با آنان همبستر شوید. و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته بجویید، و بخورید و بیاشامید، تا رشته سپید بامداد، از رشته سیاه (شب) بر شما نمودار گردد؛ سپس روزه را تا شب، به اتمام رسانید. و در حالی که شما در مسجدها اعتکاف کرده‌اید، با آن (زن) ان همبستر نشوید. این، مرزهای خداست؛ پس بدان نزدیک نشوید! اینگونه خدا آیاتش را برای مردم، روشن بیان می‌کند، تا شاید آنان [خود را] حفظ کنند. (187)
و اموالتان را میان خودتان، به باطل نخورید. و [قسمتی از] آن را به سوی داوران نفرستید تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید، در حالی که شما می‌دانید (این کار گناه است). (188)
در باره» هلال‌ها [ی ماه «از تو می‌پرسند؛ بگو:» آنها، گاه شماری برای مردم و حج است. «و نیکی، آن نیست که از پشتِ خانه‌ها وارد شوید؛ و لیکن نیکی (و نیکوکار) کسی است که [خود را] حفظ کند و به خانه‌ها، از درهایشان وارد شوید؛ و [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید. باشد که شما رستگار گردید. (189)
و در راه خدا، با کسانی که با شما پیکار می‌کنند، بجنگید؛ و [از حدّ] تجاوز نکنید، چرا که خدا تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد. (190)
ترجمه قرآن، ص: 30
و هر کجا آنان را یافتید، بکشید؛ و از جایی که شما را بیرون راندند، آنان را

بیرون کنید. و (بدیِ) آشوبگریِ [شرک ، از کشتار [هم شدیدتر است. و در کنار مسجد الحرام با آنان پیکار مکنید؛ مگر اینکه در آنجا با شما بجنگند. و اگر با شما پیکار کردند، پس آنها را بکشید. سزای کافران چنین است. (191)
و اگر خودداری کردند، پس در واقع خدا بسیار آمرزنده مهرورز است. (192)
و با آنها پیکار کنید؛ تا اینکه آشوبگری باقی نماند، و دین، فقط برای خدا باشد و اگر خودداری کردند، پس هیچ تجاوزی جز بر ستمکاران [روا] نیست. (193)
(جنگِ) ماهِ حرام، در برابر (جنگِ) ماهِ حرام. و تمام حرام‌ها (قابل) قصاص است. و هر کس بر شما تجاوز کرد، پس همانند آن تجاوزی که بر شما روا داشته، بر او تجاوز کنید. و [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید، و بدانید که خدا با پارسایانِ (خود نگهدار) است. (194)
و (اموالتان را) در راهِ خدا مصرف کنید؛ و خودتان را با دستانتان به هلاکت نیفکنید. و نیکی کنید که خدا، نیکو کاران را دوست می‌دارد. (195)
و حج و عمره را برای خدا به اتمام رسانید. و اگر بازداشته شدید، پس آنچه از قربانی فراهم شود (قربانی کنید). و سرهایتان را مَتراشید، تا قربانی به محلش برسد. و هر کس از شما بیمار بود، و یا برایش ناراحتی از ناحیه سرش رسید، (و ناچار شود در احرام سر بتراشد،) پس تاوانی از [قبیل روزه یا بخششی صادقانه یا قربانی [بدهد]. و هنگامی که ایمنی یافتید، پس هر کس با عمره از حج بهرمند شود، (و حج تمتّع نماید،) پس آنچه از قربانی برای او فراهم شود، (قربانی کند،) و هر کس نیافت، پس سه روز در [موسم حج، و هفت [روز] هنگامی که بازگشتید، روزه بدارد. این، ده [روز] کامل است. این [حج تمتّع برای کسی است که خانواده‌اش، ساکن [اطراف مسجد الحرام نباشد. و [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید، و بدانید که خدا سخت کیفر است. (196)
ترجمه قرآن، ص: 31
حجّ در ماه‌های معیّنی است؛ و هر کس که در این [ماه ها حج را (بر خود) واجب گرداند، پس در [هنگام حج همبستری (با زنان) و نافرمانی و ستیزه [روا] نیست. و هر آنچه از [کارهای نیک انجام دهید، خدا آن را می‌داند. و توشه بر گیرید، و در حقیقت بهترین توشه، پارسایی (و خود نگهداری) است. پس ای خردمندان خودتان را (از عذاب من) حفظ کنید. (197)
هیچ گناهی بر شما نیست که (در موسم حج روزی و) بخششی از پروردگارتان بجویید، و هنگامی که از» عرفات «روانه شدید، پس خدا را در» مشعر الحرام «یاد کنید، و او را یاد کنید همان گونه که شما را راهنمایی نمود و [شما] پیش از آن، قطعاً از گمراهان بودید. (198)

سپس از جایی که مردم روانه می‌شوند، (به سوی مِنی) روانه شوید، و از خدا، آمرزش بخواهید، که خدا بسیار آمرزنده مهرورز است. (199)
و هنگامی که اعمال (حج) خود را به جای آوردید، پس همانند یاد آوری شما از نیاکانتان، یا با یادمانی شدیدتر، خدا را به یاد آورید. و از مردم کسی است که می‌گوید:» [ای پروردگار ما! به ما، در [همین دنیا بده «و حال آنکه برایش در آخرت هیچ بهره‌ای نیست. (200)
و از آنان کسی است که می‌گوید:» [ای پروردگار ما! در دنیا به ما نیکی، و در آخرت [نیز] نیکی نما؛ و ما را از عذاب آتش حفظ کن. « (201)
آنانند که از دستاورد (دعای) شان، بهره‌ای برایشان می‌ماند. و خدا حسابرسی سریع است. (202)
ترجمه قرآن، ص: 32
و خدا را در روزهای معیّن (یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ماه ذی الحجة) یاد کنید. و هر کس در دو روز شتاب کند، (و اعمال حج را در دو روز انجام دهد). پس هیچ گناهی بر او نیست؛ و هر کس تأخیر کند، (و اعمال حج را در سه روز انجام دهد) پس هیچ گناهی بر او نیست؛ [این برای کسی است که (خود را) حفظ کند، پس [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید؛ و بدانید که شما فقط به سوی او گردآوری خواهید شد. (203)
و از مردم کسی است که گفتارش، در زندگی پست (دنیا) تو را شگفت زده می‌کند، و خدا را بر آنچه در دلش دارد گواه می‌گیرد. و حال آنکه او، سر سخت‌ترین دشمنان است؛ (204)
و هنگامی که روی برمی‌تابد [یا به حکومت می‌رسد] در زمین کوشش می‌کند تا در آن فساد کند، و زراعت و نسل را نابود می‌سازد؛ و خدا تباهکاری را دوست نمی‌دارد. (205)
و هنگامی که به او گفته شود:» [خود را] از [عذاب خدا حفظ کن. «عزّت (و نخوت)، وی را به گناه می‌کشاند. پس جهنّم برایش کافی است، و چه بد بستری است! (206)
و از مردم کسی است که جانش را در طلب خشنودی خدا می‌فروشد؛ و خدا نسبت به بندگان مهربان است. (207)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگی در صلح [و آشتی در آیید؛ و از گام‌های شیطان، پیروی نکنید؛ که او دشمنی آشکار برای شماست. (208)
و اگر پس از آمدن دلیل‌های روشن برای شما، لغزیدید؛ پس بدانید که خدا، شکست ناپذیری فرزانه است. (209)
آیا انتظاری غیر از این دارند که خدا و فرشتگان، در سایبان‌هایی از ابرها به طرفشان آیند، (با اینکه چنین چیزی ممکن نیست.) و [همه چیز انجام شده، و [همه کارها فقط به سوی خدا باز گردانده می‌شود. (210)
ترجمه قرآن، ص: 33

از بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) بپرس:» چند نشانه روشن به آنان دادیم؟ «و هر کس نعمت خدا را، پس از آنکه به سراغش آمد، تبدیل کند (و در مسیر خلاف به کار گیرد) پس (گرفتار عذاب شدید الهی خواهد شد) چرا که خدا سخت کیفر است. (211)
زندگی پست (دنیا) برای کسانی که کافر شدند آراسته شده است؛ و [از این رو] کسانی را که ایمان آورده‌اند ریشخند می‌کنند؛ و حال آنکه، کسانی که پارسا (و خود نگهدار) شدند، در روز رستاخیز، از آنان برترند؛ و خدا هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، بی‌شمار [و بدون محاسبه روزی می‌دهد. (212)
مردم، ملّتی یگانه بودند، و خدا، پیامبران را مژده‌آور و هشدار دهنده برانگیخت؛ و با آنان کتاب [خدا] را، که به سوی حق دعوت می‌کرد، فرو فرستاد؛ تا میان مردم، در باره آنچه در موردش اختلاف داشتند، داوری کند. و در مورد آن [کتاب اختلاف نکردند جز کسانی که آن [کتاب به آنان داده شد- پس از آنکه دلیل‌های روشن به آنان رسیده بود- بخاطر (حسادت و) ستمی که بین‌شان [حکمفرما] بود. پس خدا کسانی را که ایمان آورده بودند، به حقیقتِ آنچه در موردش اختلاف کرده بودند، با رخصت خودش، راهنمایی نمود؛ و خدا، هر کس را (شایسته بداند و) بخواهد به راه راست راهنمایی می‌کند. (213)
آیا پنداشتید که داخل بهشت می‌شوید، و حال آنکه هنوز مثال (حوادث) کسانی که قبل از شما درگذشته‌اند به شما نرسیده است؟ به آنان سختی (زندگی) و زیان (جسمی) رسید؛ و [چنان متزلزل شدند، تا اینکه فرستاده [خدا] و کسانی که با او ایمان آورده بودند، می‌گفتند:» یاری خدا کی خواهد آمد؟! «آگاه باشید، که یاریِ خدا نزدیک است! (214)
از تو می‌پرسند چه چیزی [در راه خدا] مصرف کنند؟ بگو:» هر نیکی که [در راه خدا] مصرف می‌کنید، پس [باید] برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان و در راه مانده باشد. «و هر نیکی که انجام دهید، پس در حقیقت خدا به آن داناست. (215)
ترجمه قرآن، ص: 34
جنگ بر شما مقرّر شد؛ در حالی که آن برایتان ناخوشایند است؛ و چه بسا از چیزی ناخشنودید، و آن برای شما خوب است؛ و چه بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است. و خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید. (216)
از تو، در باره جنگ در ماهِ حرام می‌پرسند، بگو:» جنگ در آن، (گناهی) بزرگ است؛ و جلوگیری از راه خدا و کفر ورزیدن به او و [باز داشتن از] مسجد الحرام، و بیرون راندن ساکنانش از آن، نزد خدا [گناهی بزرگ‌تر است؛ «و آشوبگری از کشتار بالاتر است. و [مشرکان،] پیوسته با شما پیکار می‌کنند، تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند؛ و کسی از شما که

از دینش بر گردد، و او در حال کفر بمیرد، پس آنان [همه اعمالشان در دنیا و آخرت، تباه می‌شود؛ و آنان اهل آتشند؛ [و] آنان در آن ماندگارند. (217)
در حقیقت کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده‌اند، آنان به رحمت خدا امیدوارند، و خدا بسیار آمرزنده مهرورز است. (218)
از تو، در باره شراب و قمار می‌پرسند، بگو:» در آن دو، گناه [و زیانی بزرگ؛ و سودهایی برای مردم است؛ و [لی گناه آن دو از سود آن دو بزرگ‌تر است. «و از تو می‌پرسند:» چه چیزی [در راه خدا] مصرف کنند؟ «بگو:» بخشش (متعادل، یا از مازاد مال یا از بهترین قسمت آن.) «اینچنین خدا آیات را برای شما روشن بیان می‌کند؛ تا شاید شما تفکّر کنید. (219)
ترجمه قرآن، ص: 35
(آیات خود را برای شما روشن کرد تا) در باره دنیا و آخرت (تفکر کنید). و از تو درباره یتیمان می‌پرسند، بگو:» اصلاحِ [کار] برایشان بهتر است. و اگر با آنان همزیستی کنید، پس برادران (دینی) شما هستند. «و خدا فسادگر را از اصلاح‌گر، معلوم می‌دارد. و اگر (بر فرض) خدا بخواهد، حتماً شما را به زحمت می‌اندازد؛ که خدا شکست ناپذیری فرزانه است. (220)
و با زنان مشرکِ [بت پرست ، ازدواج نکنید؛ تا ایمان آورند. و مسلماً کنیز با ایمان، از زن (آزاد بت پرستِ) مشرک بهتر است؛ و اگر چه شما را به شگفت آورد. و به مردان مشرک [بت پرست زن مدهید، تا ایمان آورند؛ و مسلماً برده با ایمان، از مرد (آزاد بت پرستِ) مشرک، بهتر است؛ و اگر چه شما را به شگفت آورد. آنان به سوی آتش فرا می‌خوانند؛ و خدا با رخصت خود، به سوی بهشت و آمرزش فرا می‌خواند، و آیاتش را برای مردم روشن بیان می‌کند، باشد که آنان متذکّر شوند. (221)
و از تو، در باره عادت ماهانه [زنان می‌پرسند، بگو:» آن رنجی است؛ از این رو در عادت ماهانه، از زنان کناره‌گیری کنید، و با آنان نزدیکی ننمایید، تا پاک شوند. و هنگامی که پاک شدند، پس از جایی که خدا به شما فرمان داده، به آنان [در] آیید. که خدا، توبه کاران را دوست دارد، و پاکان را (نیز) دوست دارد. « (222)
زنان شما، کشتزار شما هستند؛ پس هر گونه بخواهید، (می‌توانید) به کشتزارتان [در] آیید، و (اثر نیکی) برای خودتان، از پیش بفرستید. و [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید. و بدانید که شما او را ملاقات خواهید کرد. و مؤمنان را مژده ده. (223)
و خدا را دستاویزی برای سوگندهایتان قرار ندهید؛ تا اینکه نیکی کنید، و [خودتان را] حفظ کنید، و بین مردم اصلاح کنید، و خدا شنوای داناست. (224)

ترجمه قرآن، ص: 36
خدا شما را بخاطر سوگندهای بیهوده [و بی توجه تان، باز خواست نخواهد کرد، و لیکن شما را بدانچه دل‌هایتان (از روی عمد) کسب کرده، باز خواست می‌کند. و خدا بسیار آمرزنده بردبار است. (225)
برای کسانی که [سوگند یاد می‌کنند تا] نسبت به زنانشان کوتاهی کنند. چهار ماه انتظار [و مهلت است. و اگر بازگشت کنند پس (چیزی بر آنها نیست زیرا) که خدا بسیار آمرزنده مهرورز است. (226)
و اگر تصمیم به طلاق گرفتند، پس (مانعی ندارد؛ چرا) که خدا شنوای داناست. (227)
و زنان طلاق داده شده، [باید] مدّت سه مرتبه عادت ماهانه بر خویشتن انتظار کشند؛ و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارند، برای آنها حلال نیست که آنچه را خدا در رَحِم‌هایشان آفریده، پوشیده دارند. و در این [مدّت ، شوهرانشان، برای باز گرداندن آنها (به زندگی مشترک) سزاوارترند، اگر خواهان اصلاح باشند؛ و برای آن (زن) ان (حقوق) پسندیده قرار داده شده، همانند آنچنان (وظایفی) که بعهده آنان است؛ و مردان بر آنان رتبه دارند؛ و خدا شکست ناپذیری فرزانه است. (228)
طلاق (قابل بازگشت)، دو مرتبه است؛ پس بطور پسندیده نگاه داشتن، یا به نیکی آزاد کردن [همسر بر شما واجب است . و برای شما حلال نیست که از آنچه به آنان داده‌اید، چیزی [باز] ستانید؛ مگر اینکه هر دو، بترسند که مرزهای خدا را بر پا ندارند. و اگر بترسید که آن دو مرزهای خدا را بر پای ندارند؛ پس هیچ گناهی بر آن دو نیست در آنچه که (زن به عنوان) تاوان بپردازد. (و طلاق گیرد). اینها مرزهای خداست؛ پس از آنها، تجاوز مَکنید. پس هر کس از مرزهای خدا تعدّی کند، پس فقط آنان ستمکارند. (229)
و اگر (شوهر برای بار سوّم) آن (زن) را طلاق داد، پس از [آن به بعد بر آن (مرد) حلال نخواهد بود؛ تا اینکه با شوهری غیر از او ازدواج کند. و اگر (شوهر دوّم) او را طلاق داد، پس هیچ گناهی بر آن دو [همسران سابق نیست که به همدیگر باز گردند، اگر آن دو گمان می‌کنند مرزهای خدا را بر پا می‌دارند. و اینها مرزهای خداست که آنها را برای گروهی که می‌دانند روشن بیان می‌کند. (230)
ترجمه قرآن، ص: 37
و هنگامی که زنان را طلاق دادید، و به (روزهای پایانی) سرآمدِ (عدّه) شان رسیدند، پس بطور پسندیده نگاهشان دارید، یا بطور پسندیده آزادشان سازید؛ و بخاطر زیان رساندن نگاهشان ندارید، تا (به حقوقشان) تجاوز کنید. و کسی که این [چنین کند، پس بیقین بر خویشتن ستم نموده است. و آیات خدا را به ریشخند نگیرید. و به یاد آرید، نعمت خدا را بر (خود) تان و آنچه را از کتاب و فرزانگی بر شما فرو فرستاده، که شما را

با آن پند می‌دهد. و [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید، و بدانید که خدا به هر چیزی داناست. (231)
و هنگامی که زنان را طلاق دادید و به سرآمدِ (عدّه) شان رسیدند. پس مانعشان نشوید که با همسرانِ (سابقِ) شان، ازدواج کنند؛ هنگامی که رضایت طرفینی بین آنان بطور پسندیده بر قرار است. این [دستوری است که هر کسی از شما که به خدا و روز بازپسین ایمان دارد، به آن پند داده می‌شود. این [دستور] برای شما، رشد آورتر و پاک کننده‌تر است، و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. (232)
و مادران، فرزندانشان را دو سال کامل، شیر می‌دهند. (این) برای کسی است که بخواهد [دوران شیر دادن را به اتمام رساند. و بر آن کس که نوزاد برایش متولّد شده، لازم است خوراک آن (مادر) ان و پوشاک آنان را بطور پسندیده [در دوران شیر دادن فراهم آورد]. هیچ کس، جز به اندازه توانائیش، تکلیف نمی‌شود. هیچ مادری به واسطه فرزندش ضرر نبیند (و به او زیان نرساند)؛ و نه کسی که فرزند برایش متولد شده به واسطه فرزندش (ضرر ببیند و به او زیان رساند) و بر وارث مانند این (احکام واجب) است. و اگر آن دو، با رضایت و مشورت یکدیگر، بخواهند [کودک را زودتر] از شیر باز گیرند، پس هیچ گناهی بر آن دو نیست. و اگر خواستید دایه‌ای برای فرزندان خود بگیرید، پس هیچ گناهی بر شما نیست؛ هنگامی که آنچه را (وعده) داده‌اید بطور پسندیده بپردازید. و [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید؛ و بدانید که خدا، به آنچه انجام می‌دهید، بیناست. (233)
ترجمه قرآن، ص: 38
و کسانی از شما که بطور کامل (جانشان) گرفته می‌شود و همسرانی بر جای می‌گذارند، [باید همسرانشان چهار ماه و ده روز بر خویشتن انتظار کشند؛ و هنگامی که به سرآمدِ (عدّه) شان رسیدند، پس هیچ گناهی بر شما نیست نسبت به آنچه بطور پسندیده در باره خودشان انجام دهند. و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (234)
و هیچ گناهی بر شما نیست که در مورد خواستگاری زنان (پس از مرگ همسرانشان) به طور سر بسته بدان سخن بگویید، یا [آن را] در دلتان پوشیده دارید. خدا می‌داند که شما بزودی به یاد آنان خواهید افتاد؛ و لیکن پنهانی با آنها قرار [زناشوئی نگذارید، مگر آنکه (به کنایه) سخن پسندیده‌ای بگویید؛ و به پیوند ازدواج تصمیم مگیرید، تا (عدّه وفات) نوشته شده به سرآمدش برسد. و بدانید که خدا آنچه را در دل‌هایتان دارید، می‌داند. پس از [مخالفتِ او بپرهیزید؛ و بدانید که خدا، بسیار آمرزنده بردبار است. (235)
هیچ گناهی بر شما نیست اگر زنان را طلاق دهید، مادامی که با آنان تماس

نگرفته‌اید یا برایشان مهریه‌ای تعیین نکرده‌اید. و (در این هنگام با هدیه‌ای مناسب) بهره‌مندشان سازید. توانگر به اندازه [توانایی اش و تنگدست به اندازه خودش کالایی (بعنوان هدیه‌ای) پسندیده بدهد. [و این کار] حقّی بر عهده نیکوکاران است. (236)
و اگر آن (زن) ان را، پیش از آنکه با آنان تماس بگیرید، و در حالی که مَهری برای آنها تعیین کرده‌اید، طلاقشان دهید، پس نصف آنچه را تعیین کرده‌اید (به آنان بدهید) مگر اینکه [آنان ببخشند؛ یا کسی که پیوند ازدواج به دست اوست، ببخشد. و گذشت کردن (شما) به پارسایی (و خودنگهداری) نزدیک‌تر است. و بخشش را در میان خودتان فراموش نکنید، که خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (237)
ترجمه قرآن، ص: 39
بر [انجام نمازها و [بخصوص نماز میانه [ظهر] مواظبت کنید؛ و برای خدا (فروتنانه و) فرمانبردارانه به پا خیزید. (238)
و اگر ترس داشتید، پس پیاده یا سواره [نماز برپا کنید]. و هنگامی که امنیّت یافتید، پس خدا را یاد کنید؛ همان گونه که آنچه را هرگز نمی‌دانستید به شما آموخت. (239)
و کسانی از شما که در [آستانه جان سپردن قرار می‌گیرند و همسرانی بر جای می‌گذارند، [باید] برای همسرانشان وصیّت کنند که تا یک سال، (آنها را با پرداختن هزینه زندگی) بدون بیرون راندن (از خانه) بهره‌مند سازند؛ و اگر بیرون روند، پس هیچ گناهی بر شما نیست، نسبت به آنچه بطور پسندیده در باره خودشان انجام می‌دهند. و خدا شکست‌ناپذیری فرزانه است. (240)
و برای [زنان طلاق داده شده، کالای پسندیده [به عنوان هدیه داده شود. و این کار] حقی بر (خودنگهداران) پارساست. (241)
این چنین خدا آیاتش را برای شما روشن بیان می‌کند، باشد که شما خردورزی کنید. (242)
آیا اطلاع نیافتی از کسانی که از بیم مرگ، از خانه‌هایشان خارج شدند و حال آنکه آنان هزاران (نفر) بودند؟! و خدا به آنان گفت:» بمیرید! «سپس آنان را زنده کرد؛ قطعاً خدا نسبت به مردم دارای بخشش است؛ و لیکن بیشتر مردم، سپاسگزاری نمی‌کنند. (243)
و در راه خدا، جنگ کنید؛ و بدانید که خدا، شنوای داناست. (244)
کیست آن کسی که به خدا» قرض الحسنه‌ای «وام دهد، تا آن را برایش، چندین برابر بیفزاید؟ و خدا (روزی بندگان را) محدود می‌کند و (یا) گسترده می‌سازد؛ و تنها به سوی او باز گردانده می‌شوید. (245)
ترجمه قرآن، ص: 40
آیا از [حال اشراف از بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) پس از موسی،

اطلاع نیافتی، آنگاه که به پیامبری که برایشان بود، گفتند:» زمامداری برای ما انتخاب کن، تا در راه خدا جنگ کنیم. « (پیامبر) گفت:» آیا ممکن است که اگر جنگ بر شما مقرر شود، (سر پیچی کنید، و) جنگ نکنید؟! «گفتند:» و ما را چه شده که در راه خدا جنگ نکنیم، و حال آنکه بیقین از خانه‌هایمان و [از نزد] پسرانمان رانده شده‌ایم؟! «و [لی هنگامی که جنگ بر آنها مقرر شد، جز اندکی از آنان، [همگی روی بر تافتند. و خدا به [حال ستمکاران، داناست. (246)
و پیامبرشان به آنان گفت:» در حقیقت خدا» طالوت «را به زمامداری شما بر انگیخت. «گفتند:» چگونه حکومت بر ما از آنِ او باشد، و حال آنکه ما از او [نسبت به حکومت، سزاوارتریم، و [به او] از حیث مال، گشایشی داده نشده است؟! « [پیامبرشان گفت:» براستی که خدا او را بر شما برگزیده، و وسعتی در دانش و (نیروی) بدنش افزود. و خدا فرمانرواییِ خویش را، به هر که (شایسته بداند و) بخواهد می‌دهد؛ و خدا گشایشگری داناست. « (247)
و پیامبرشان به آنان گفت:» در حقیقت نشانه فرمانرواییش آمدن» صندوق « [عهد به سوی شماست. (که) در آن، آرامشی از جانب پروردگارتان، و باز مانده‌ای از آنچه خاندان موسی و خاندان هارون بر جای نهاده‌اند، قرار دارد؛ در حالی که فرشتگان، آن را حمل می‌کنند. مسلماً در این [رویداد]، نشانه‌ای برای شماست؛ اگر مؤمن باشید. « (248)
ترجمه قرآن، ص: 41
و هنگامی که طالوت با لشکریان رهسپار شد، گفت:» در حقیقت خدا شما را بوسیله رودخانه‌ای آزمایش می‌کند؛ و هر کس از آن بنوشد، پس از [پیروان من نیست؛ و کسی که از آن نخورد جز کسی که یک پیمانه را با دستش بر گیرد؛ پس بدرستی که او از [پیروان من است و جز اندکی از آنان، [همگی از آن آب نوشیدند. و هنگامی که او و کسانی که همراه وی ایمان آورده بودند، از آن [رودخانه گذشتند، گفتند:» امروز ما هیچ توانایی [مقابله با» جالوت «و لشکریانش را نداریم. « [امّا] کسانی که می‌دانستند که آنان خدا را ملاقات می‌کنند، گفتند:» چه بسا گروهی اندک، به رخصت خدا، بر گروهی انبوه پیروز شدند. «و خدا با شکیبایان است. (249)
و هنگامی که با» جالوت «و لشکریانش روبرو شدند، گفتند:» [ای پروردگار ما! [پیمانه شکیبایی را بر ما فرو ریز، و گام‌های ما را استوار دار، و ما را بر گروه کافران پیروز فرمای. « (250)
پس آنان را به رخصت خدا شکست دادند؛ و» داود «،» جالوت «را کشت؛ و خدا به او فرمانروایی و فرزانگی عطا کرد، و از آنچه می‌خواست به او آموخت. و اگر خدا برخی از مردم را بوسیله برخی [دیگر] دفع نمی‌کرد، حتماً زمین تباه می‌گشت. و لیکن خدا نسبت به جهانیان، دارای بخشش

است. (251)
آن [ها] آیات خداست که آن را به حقّ، بر تو می‌خوانیم؛ و قطعاً تو از [جمله فرستادگانی. (252)
ترجمه قرآن، ص: 42
آن فرستادگان، برخی آنان را بر برخی دیگر رتبه‌ها دادیم؛ از آنان کسی بود که خدا [با او] سخن گفت؛ و درجات برخی از آنان را بالا برد؛ و به عیسی پسر مریم، دلیل‌های (معجزه آسا) دادیم؛ و بوسیله» روح پاک «تأییدش نمودیم؛ و اگر (بر فرض) خدا می‌خواست، کسانی که پس از آنان بودند، بعد از دلایل روشنی که برایشان آمد، به پیکار با [یکدیگر] نمی‌پرداختند. و لیکن با هم اختلاف کردند؛ پس برخی از آنان کسانی بودند که ایمان آوردند، و برخی از آنان کسانی بودند که کفر ورزیدند؛ و اگر (بر فرض) خدا می‌خواست، [با یکدیگر] پیکار نمی‌کردند؛ و لیکن خدا، آنچه را اراده می‌کند، انجام می‌دهد. (253)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از آنچه به شما روزی داده‌ایم، [در راه خدا] مصرف کنید؛ پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن، نه هیچ معامله‌ای، و نه هیچ دوستی، و نه هیچ شفاعتی است. و تنها کافران (نا سپاسانِ گناهکار) ستمکارند. (254)
خداست، که هیچ معبودی جز او نیست زنده برپا و برپا دارنده است. هیچ چُرت و خوابی او را (فرا) نمی‌گیرد؛ آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، فقط از آنِ اوست. کیست آن کس که در پیشگاهش، جز به رخصت او، شفاعت کند؟! آنچه در پیش رویشان (در آینده) و آنچه در پشت سرشان (در گذشته) است می‌داند، و به چیزی از علم او احاطه نمی‌یابند جز به مقداری [که او] بخواهد. پایتخت (علم و قدرت) او، آسمان‌ها و زمین را دَر بر گرفته؛ و نگاهداری آن دو بر او دشوار نیست. و او بلند مرتبه [و] بزرگ است. (255)
هیچ اکراهی در (پذیرش) دین نیست، (چرا که) بیقین (راه) هدایت از گمراهی، روشن شده است. بنا بر این کسی که به (معبودِ) طغیانگر کفر ورزد، و به خدا ایمان آورد، پس بیقین به دستاویزی استوار تمسّک جسته است، که هیچ گسستنی برایش نیست. و خدا، شنوای داناست. (256)
ترجمه قرآن، ص: 43
خدا، سرپرستِ کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آنان را از تاریکی‌ها، به سوی نور بیرون می‌برد. و [لی کسانی که کفر ورزیده‌اند، سرپرستانشان طغیانگرند، که آنان را از نور به سویِ تاریکی‌ها بیرون می‌برند؛ آنان اهل آتشند، در حالی که آنان در آن ماندگارند. (257)
آیا اطلاع نیافتی از [حال کسی که چون خدا به او فرمانروایی داده بود، با ابراهیم در باره پروردگارش بحث [و جدل کرد؟ هنگامی که ابراهیم گفت:»

پروردگار من کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند. « (نمرود) گفت:» من (نیز) زنده می‌کنم و می‌میرانم. «ابراهیم گفت:» پس در واقع خدا، خورشید را از خاور می‌آورد؛ پس آن را از باختر بیاور! «پس کسی که کفر ورزیده بود، مبهوت شد. و خدا گروه ستمکاران را راهنمایی نمی‌کند. (258)
یا (اطلاع نیافتی از) همچون کسی که از کنار آبادی عبور کرد، در حالی که [دیوارهای آن، به روی سقف‌هایش فرو ریخته بود! (آن پیامبر با خود) گفت:» چگونه خدا این [ها] را پس از مرگش [ان ، زنده می‌کند؟! «و خدا او را صد سال میراند؛ سپس او را بر انگیخت؛ (و به او) فرمود:» چقدر درنگ کردی؟ « (پیامبر) گفت:» یک روز؛ یا بخشی از یک روز را درنگ کردم. « (خدا) فرمود:» بلکه صد سال درنگ کردی! پس به غذایت و نوشیدنی‌ات بنگر، که هیچ گونه تغییر نیافته است! و [لی به الاغ خود نگاه کن (که چگونه از هم متلاشی شده، و این امور برای این است که تو یقین پیدا کنی)، و برای اینکه تو را نشانه‌ای برای مردم (در مورد رستاخیز) قرار دهیم. و به استخوان‌ها بنگر که چگونه آنها را برداشته، [به هم پیوند می‌دهیم،] سپس گوشت بر آن می‌پوشانیم! «پس هنگامی که (این حقایق) بر او روشن شد، گفت:» می‌دانم که خدا بر هر چیزی تواناست. « (259)
ترجمه قرآن، ص: 44
و (یاد کن) هنگامی را که ابراهیم گفت:» پروردگارا! به من بنمای چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟ «فرمود:» و آیا ایمان نیاورده‌ای؟! «عرض کرد:» آری، و لیکن [می‌خواهم که دلم آرامش یابد. «فرمود:» پس، چهار [نوع از پرندگان را بر گیر؛ و آنها را پیش خود قطعه قطعه کن (و درهم بیامیز)؛ سپس بر هر کوهی، قسمتی از آنها را قرار ده؛ بعد آنها را فرا خوان، شتابان به سویت می‌آیند. و بدان که خدا شکست‌ناپذیری فرزانه است. (260)
مثال کسانی که اموالشان را در راه خدا مصرف می‌کنند، همانند مثال دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند؛ که در هر خوشه‌ای، صد دانه باشد؛ و خدا [آن را] برای هر کس بخواهد دو [یا چند] برابر می‌کند؛ و خدا گشایشگری داناست. (261)
کسانی که اموالشان را در راه خدا مصرف می‌کنند، سپس در پی آنچه هزینه کرده‌اند، منّتی و آزاری روا نمی‌دارند، برای آنان پاداششان، نزد پروردگارشان (محفوظ) است؛ و هیچ ترسی بر آنان نیست و نه آنان اندوهگین می‌شوند. (262)
گفتاری پسندیده و گذشت، بهتر است از بخشش خالصانه‌ای که آزاری به دنبال آن باشد، و خدا، توانگری بردبار است. (263)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بخشش‌های خالصانه خود را با منّت و آزار،

باطل نسازید؛ همانند کسی که ثروتش را برای نمایاندن به مردم، هزینه می‌کند؛ و به خدا و روز بازپسین، ایمان نمی‌آورد؛ بنابراین، مثالِ او همانند مثال سنگ صافی است که بر آن، خاکی (نشسته) باشد؛ و رگباری به آن زند، و آن [سنگ را سخت و صاف بر جای نهد. [آنان قادر بر هیچ چیزی از آنچه که بدست آورده‌اند، نیستند. (و بهره‌ای نمی‌برند.) و خدا گروه کافران را راهنمایی نمی‌کند. (264)

ترجمه قرآن، ص: 45

و مثال کسانی که اموالشان را برای طلب خشنودی خدا، و استواری روحشان، مصرف می‌کنند، همچون مثال باغی است که بر مکان بلندی [قرار دارد و] رگباری بر آن زند، و میوه‌هایش را دو چندان دهد. و اگر رگباری بر آن نزند، پس بارانی ریز [به آن می‌رسد]. و خدا به آنچه انجام می‌دهید، بیناست. (265)

آیا یکی از شما آرزو دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد که از زیر [درختان آن، نهرها روان است، [و] برای او در آن (باغ)، از همه محصولات وجود داشته باشد، در حالی که او را پیری رسیده و نسلی (خردسال و) کم توان دارد؛ و گردبادی که در آن آتش است، به آن (باغ) برخورد کند و شعله‌ور گردد؟! این چنین خدا نشانه‌ها را برای شما روشن بیان می‌کند؛ تا [شاید] شما تفکّر کنید. (266)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از [قسمت‌های پاکیزه آنچه به دست آورده‌اید، و از آنچه برایتان از زمین بر آورده‌ایم، [در راه خدا] مصرف کنید، و در حالی که فقط از آن [در راه خدا] مصرف می‌کنید، قصد (چیزهای) پلید را نکنید. و حال آنکه [خود شما] آن را، جز با چشم پوشی، [و بی میلی نسبت به آن، نمی‌پذیرید. و بدانید که خدا، توانگری ستوده است. (267)

شیطان، شما را وعده نیازمندی می‌دهد؛ و به [کارِ] زشت فرمان می‌دهد؛ و [لی خدا از جانب خود وعده آمرزش و فزونی به شما می‌دهد؛ و خدا گشایشگری داناست. (268)

(خدا) به هر کس (شایسته بداند و) بخواهد فرزانگی عطا کند؛ و به هر کس فرزانگی داده شود، پس بیقین خیری فراوان [به او] داده شده است؛ و جز خردمندان یاد آور نمی‌شوند. (269)

ترجمه قرآن، ص: 46

و آنچه از هزینه (و صدقه) که [در راه خدا] مصرف می‌کنید یا هر نذری را که پیمان بسته‌اید، پس در حقیقت خدا آن را می‌داند. و هیچ یاوری برای ستمکاران نیست. (270)

اگر بخشش‌های خالصانه‌ای را آشکار کنید، پس این [کار]، خوب است؛ و اگر آنها را پنهان سازید و آن را به نیازمندان بدهید، پس آن برای شما بهتر است؛ و بعضی از بدی‌های (گناهان) تان را از شما می‌زداید (و می‌بخشد)؛

و خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (271)
راهنمایی (اجباری) آنان بر تو (لازم) نیست، و لیکن خدا، هر که را (شایسته بداند و) بخواهد، راهنمایی می‌کند. و آنچه را از (اموال) نیک [در راه خدا] مصرف می‌کنید، پس برای خودتان است؛ و [لی جز برای طلب ذات خدا، مصرف نکنید. و آنچه از (اموالِ) نیک [در راه خدا] مصرف می‌کنید، بطور کامل به شما داده خواهد شد؛ در حالی که شما مورد ستم واقع نمی‌شوید. (272)
(بخشش شما) برای نیازمندانی است که در راه خدا، در تنگنا قرار گرفته‌اند؛ در حالی که نمی‌توانند [برای تأمین هزینه زندگی در زمین سفر کنند. [و] از [شدّتِ خویشتن داری، (افراد) ناآگاه، آنان را توانگران می‌پندارند؛ [امّا] آنان را از سیمایشان می‌شناسی، که مصرّانه درخواستی از مردم نمی‌کنند، و آنچه را از (اموالِ) نیک [در راه خدا] مصرف کنید، پس در حقیقت خدا به آن داناست. (273)
کسانی که اموالشان را در شب و روز، پنهانی و آشکارا، [در راه خدا] مصرف می‌کنند پس پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود. و هیچ ترسی بر آنان نیست و نه آنان اندوهگین می‌شوند. (274)
ترجمه قرآن، ص: 47
کسانی که ربا می‌خورند، بر نمی‌خیزند مگر همانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، دیوانه (و آشفته سَر) ش کرده است. این، بدان سبب است که آنان گفتند:» معامله فقط همانند رباست. «و حال آنکه خدا معامله را حلال کرده، و ربا را حرام نموده است. و هر کس پندی از جانب پروردگارش به او رسد و (به رباخواری) پایان دهد، پس آنچه (از سود در) گذشته (بدست آورده) فقط از آنِ اوست؛ و کارش با خداست؛ و [لی کسانی که [به ربا خواری باز گردند، پس آنان اهل آتشند. [و] آنان در آنجا ماندگارند. (275)
خدا، ربا را [بتدریج نابود می‌کند؛ و بخشش‌های خالصانه را رشد می‌دهد. و خدا هیچ بسیار ناسپاس گنه‌پیشه‌ای را دوست نمی‌دارد. (276)
در حقیقت کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند و نماز را بر پا داشتند و [مالیاتِ زکات را پرداختند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود. و هیچ ترسی بر آنان نیست و نه آنان اندوهگین می‌شوند. (277)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید، و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است، رها کنید. (278)
و اگر (چنین) نکردید، پس اعلام کنید که در جنگ با خدا و فرستاده‌اش، هستید. و اگر توبه کنید، پس اصل سرمایه‌هایتان، فقط از آنِ شماست، ستم نمی‌کنید و مورد ستم واقع نمی‌شوید. (279)

و اگر (فردِ) تنگدستی باشد، پس تا [هنگام گشایش، مهلتی [دهید،] و بخشش خالصانه (بدهی او) برایتان بهتر است، اگر بدانید. (280)
و [خودتان را] از [عذاب روزی حفظ کنید، که در آن به سوی خدا باز گردانده می‌شوید؛ سپس به هر کس، آنچه را بدست آورده، بطور کامل [باز پس داده می‌شود؛ و آنان مورد ستم واقع نمی‌شوند. (281)
ترجمه قرآن، ص: 48
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که (بخاطر وام یا داد و ستد) بدهی‌ای را تا سرآمدِ معین به یکدیگر بدهکار شدید، پس آن را بنویسید. و باید نویسنده‌ای بر اساس عدالت، (سند را) در میانِ شما بنویسد. و هیچ نویسنده‌ای، نباید از نوشتن خودداری کند، همان گونه که خدا آموزشش داده است، پس باید بنویسد. و کسی که حقّ بر عهده اوست، باید دیکته کند؛ و از (عذاب) خدا که پروردگار اوست خود را حفظ کند؛ و هیچ چیزی از آن (حقّ) را نکاهد. و اگر کسی که حقّ بر عهده اوست، سبک سر یا (از نظر عقل) کم توان باشد، یا (بخاطر گنگ بودن،) نمی‌تواند که خود دیکته کند، پس باید سرپرستش (به جای او،) بر اساس عدالت، دیکته کند و دو شاهد از میان مردان (مسلمان) تان به گواهی طلبید؛ و اگر دو مرد نبودند، پس یک مَرد و دو زن، از شاهدانی که مورد رضایت شما هستند، [به گواهی بگیرید؛] تا [اگر] یکی از آن دو [زن فراموش کرد، پس یکی از آن دو، دیگری را یاد آوری کند. و شاهدان به هنگامی که آنها (برای گواهی) دعوت می‌شوند، نباید خودداری نمایند. و از نوشتن (بدهیِ خود)، تا سرآمدش [چه کوچک یا بزرگ، ملول نشوید. این نزد خدا دادگرانه‌تر، و برای گواهی، استوارتر و به تردید نکردن، نزدیک‌تر است؛ مگر اینکه داد و ستد نقدی باشد که آن را در میان خود، [دست به دست می‌گردانید. پس هیچ گناهی بر شما نیست که آن [داد و ستد نقدی را ننویسید. و [لی هنگامی که معامله (نقدی) می‌کنید، شاهد بگیرید. و هیچ نویسنده و شاهدی، نباید زیان ببیند. و اگر [چنین کنید، پس در حقیقت این از نافرمانی شماست. و [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید. و خدا به شما آموزش می‌دهد؛ و خدا به هر چیزی داناست. (282)
ترجمه قرآن، ص: 49
و اگر در سفر هستید، و هیچ نویسنده‌ای نیافتید، پس گرو گرفته شده (وثیقه) است. و اگر برخی از شما به برخی [دیگر] اطمینان کرد، پس باید کسی که امین شمرده شده (و بدون وثیقه، چیزی از دیگری گرفته)، امانت (و بدهی) وی را بپردازد. و باید [خود را] از [عذاب خدایی که پروردگار اوست، حفظ کند. و گواهی را پنهان نکنید. و هر کس آن را پنهان کند، پس در حقیقت او دلش گناهکار است. و خدا، به آنچه انجام می‌دهید، داناست. (283)

آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، فقط از آن خداست. و اگر آنچه در دل‌هایتان هست، آشکار سازید یا پنهانش کنید، خدا شما را بر طبق آن، محاسبه می‌کند. و هر کس را (شایسته بداند و) بخواهد، می‌بخشد؛ و هر کس را (مستحق بداند و) بخواهد، مجازات می‌کند. و خدا بر هر چیزی تواناست. (284)
فرستاده (خدا)، به آنچه از طرف پروردگارش به سوی او فرو فرستاده شده، ایمان آورده است؛ و مؤمنان همگی، به خدا و فرشتگانش و کتاب‌های او و فرستادگانش، ایمان آورده‌اند؛ (در حالی که می‌گویند:) در میان هیچ یک از فرستادگانش، فرق نمی‌گذاریم. و (مؤمنان) گفتند:» شنیدیم و اطاعت کردیم. [ای پروردگار ما! آمرزشت را [خواستاریم ؛ و فرجام (همه) فقط به سوی توست. « (285)
خدا هیچ کس را، جز به اندازه تواناییش، تکلیف نمی‌کند. آنچه (از خوبی) بدست آورد، فقط به سود اوست. و آنچه (از بدی) بدست آورد فقط به زیان اوست. (مؤمنان می‌گویند: ای) پروردگار ما! اگر فراموش کردیم یا خطا نمودیم، ما را بازخواست مکن. [ای پروردگار ما! و تکلیف سنگینی بر ما قرار مده، همچنان که آن را بر کسانی که پیش از ما بودند، قرار دادی. [ای پروردگار ما! و آنچه که هیچ طاقت آن را نداریم، بر ما مقرّر مدار؛ و ما را ببخش؛ و ما را بیامرز و بر ما رحمت آور. تو سرپرست مایی، پس ما را بر گروه کافران، پیروز گردان. (286)
ترجمه قرآن، ص: 50

3- سورة آل عمران

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
الف، لام، میم. (1)
خداست که هیچ معبودی جز او نیست زنده، برپا و برپا دارنده است. (2)
[خدا] بر تو [این کتاب را به حق فرو فرستاد، در حالی که مؤید آنچه از [کتاب‌های الهی است که پیش از آن بود. و تورات و انجیل را (3)
پیش از آن، برای راهنمایی مردم، فرو فرستاد و جدا کننده [حق از باطل را فرو فرستاد. به راستی کسانی که به آیات خدا کفر ورزیدند، برایشان عذابی شدید است و خدا شکست ناپذیری صاحب انتقام است. (4)
در حقیقت خدا هیچ چیز، در زمین و در آسمان بر او مخفی نمی‌ماند. (5)
او کسی است که شما را در رحم‌ها آنچنان که می‌خواهد صورت‌گری می‌کند، هیچ معبودی جز آن شکست‌ناپذیر فرزانه نیست. (6)
او کسی است که بر تو، [این کتاب را فرو فرستاد؛ که قسمتی از آن آیات» محکم «است، که آنها اساس این کتابند. و قسمتی دیگر متشابهاتند. و امّا کسانی که در دل‌هایشان کژی است پس برای فتنه جویی و طلب باز گرداندنش (به دلخواه خود) از متشابهات آن پیروی می‌کنند. و حال آنکه بازگشتگاه (مقاصد) ش را جز خدا و استواران در دانش نمی‌دانند. (آنان که) می‌گویند:» به آن [قرآن ایمان آوردیم، همه (آیات محکم و متشابه) از جانب پروردگار ماست، «و جز خردمندان یاد آور نمی‌شوند. (7)
(استوارن در دانش می‌گویند:) [ای پروردگار ما! پس از آنکه ما را راهنمایی کردی دل‌هایمان را کژ مگردان، و از نزد خود رحمتی بر ما ببخش، [چرا] که تنها تو بسیار بخشنده‌ای. (8)
[ای پروردگار ما! در واقع تو گرد آورنده مردمانی، در روزی که هیچ تردیدی در آن نیست [زیرا] که خدا از وعده [خود] تخلف نمی‌کند. (9)
ترجمه قرآن، ص: 51
در حقیقت کسانی که کفر ورزیدند، اموالشان و فرزندانشان هیچ چیزی از (عذاب) خدا را از آنان دفع نخواهد کرد؛ و تنها آنان آتشگیره‌های آتشند. (10)
(شیوه آنان) همچون شیوه فرعونیان و کسانی است که پیش از آنان بودند؛ نشانه‌های ما را دروغ شمردند، پس خدا به پیامد (گناهان) شان [گریبان آنان را گرفت؛ و خدا، سخت کیفر است. (11)
به کسانی که کفر ورزیدند بگو:» بزودی شکست می‌خورید؛ و به سوی جهنم، گرد آوری خواهید شد. و چه بد بستری است! « (12)
بیقین در دو گروهی که (در جنگ بدر) با هم رو به رو شدند، نشانه‌ای (و

عبرتی) برای شما بود: گروهی، در راه خدا جنگ می‌کرد؛ و [گروهی دیگر کافر بودند، که با چشم خود، آن (مؤمن) ان را دو برابر آنان می‌دیدند. و خدا، هر کس را (شایسته بداند و) بخواهد، با یاریش، تأیید می‌کند. قطعاً در این (ماجرا) برای صاحبان بینش عبرتی است. (13)
محبت امور دوست داشتنی از زنان و پسران و ثروت‌های فراوان از طلا و نقره و اسب‌های نشان‌دار و دام‌ها و زراعت، برای مردم آراسته شده است؛ اینها مایه بهره‌مندی زندگی پست (دنیا) است؛ و بازگشت نیکو، نزد خداست. (14)
بگو:» آیا شما را به بهتر از این (سرمایه‌های دنیایی)، خبر دهم؟ «برای کسانی که (خود را) حفظ کرده‌اند، بوستان‌هایی است که از زیر [درختان ش نهرها روان است؛ در حالی که در آنجا ماندگارند؛ و همسرانی پاکیزه، و خشنودی خدا، نزد پروردگارشان [برای آنان است.] و خدا به (امور) بندگان بیناست. (15)
ترجمه قرآن، ص: 52
[همان کسانی که می‌گویند:» [ای پروردگار ما! براستی ما ایمان آورده‌ایم؛ پس پیامد (گناهان) ما را بر ما بیامرز، و ما را از عذابِ آتش، حفظ کن. « (16)
[همان پارسایانی که شکیبایان و راستگویان و [فرمانبرداران فروتن و بخشندگان [در راه خدا] و آمرزش خواهان در سحرگاهانند. (17)
خدا، در حالی که همواره برپا دارنده دادگری است، گواهی می‌دهد که هیچ معبودی جز او نیست؛ و فرشتگان و صاحبان دانش، [نیز گواهی می‌دهند:] هیچ معبودی جز آن شکست ناپذیر فرزانه نیست. (18)
در حقیقت دین نزد خدا، اسلام است. و کسانی که کتاب [الهی به آنان داده شد، اختلاف نکردند، مگر پس از آنکه علم برای آنان [حاصل آمد، بخاطر ستم (و حسدی) که در میانشان بود؛ و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، پس (خدا به حساب او می‌رسد، زیرا) که خدا حسابرسی سریع است. (19)
و اگر با تو، به بحث (و ستیز) برخاستند، پس بگو:» (من) و کسانی که پیروِ [من هستند، ذات خود را برای خدا تسلیم کرده‌ایم. «و به کسانی که کتاب [الهی داده شده و درس ناخواندگان [مشرک بگو:» آیا [شما هم تسلیم شده‌اید؟ «و اگر تسلیم شوند، پس بیقین رهنمون می‌شوند؛ و اگر روی بر تابند، پس فقط رساندن [پیام بر عهده توست. و خدا نسبت به (امور) بندگان، بیناست. (20)
در حقیقت کسانی که به آیات خدا کفر می‌ورزند، و پیامبران را به ناحق می‌کشند، و کسانی از مردم را که به دادگری فرمان می‌دهند، به قتل می‌رسانند، پس آنان را به عذابی دردناک مژده ده! (21)
آنان کسانی هستند که کردار [نیک شان در دنیا و آخرت تباه شده، و هیچ

یاوری برای آنان نیست. (22)
ترجمه قرآن، ص: 53
ترجمه قرآن 99
آیا نظر نکردی به [حال کسانی که بهره‌ای از کتاب (تورات) داده شدند؛ که به سوی کتاب خدا فرا خوانده شدند تا در میانشان حکم کند، سپس دسته‌ای از آنان روی بر می‌تابند، در حالی که آنان (از قبول حق) روی گردانند. (23)
این [عمل بدان سبب بود که آنان گفتند:» آتش [دوزخ ، جز چند روزی محدود به ما نخواهد رسید. و تهمت‌هایشان آنان را در دینشان فریفته ساخت. (24)
پس چگونه [خواهند بود] هنگامی که آنان را برای روز [رستاخیز] ی که هیچ تردیدی در آن نیست گرد آوریم، و به هر شخص، دستاوردش بطور کامل داده شود؟ و آنان مورد ستم واقع نمی‌شوند. (25)
بگو:» بار خدایا! خداوندِ فرمانروایی و هستی! به هر که (شایسته بدانی و) بخواهی، فرمانروایی بخشی؛ و از هر که خواهی، فرمانروایی را باز ستانی؛ و هر که را خواهی، عزّت دهی؛ و هر که را خواهی خوار گردانی، (همه) نیکی (ها) تنها به دست توست؛ که تو بر هر چیزی توانایی. (26)
شب را در روز وارد می‌کنی، و روز را در شب وارد می‌کنی؛ و زنده را از مرده بیرون می‌آوری، و مرده را از زنده بیرون آوری؛ و هر که را (شایسته بدانی و) بخواهی، بی حساب، روزی دهی. (27)
مؤمنان نباید، کافران را- به جای مؤمنان- سرپرست [و دوست خود] گیرند؛ و هر کس چنین کند، پس در هیچ چیز از [رابطه با] خدا [او را بهره‌ای نیست. مگر آنکه با تقیّه‌ای (خودتان را) از آنان حفظ کنید. و خدا شما را از (نافرمانی) خودش، بیم می‌دهد؛ و فرجام [شما] فقط به سوی خداست. (28)
بگو:» اگر آنچه در سینه‌های شماست، پنهان دارید یا آشکارش کنید، خدا آن را می‌داند؛ و (نیز) آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، می‌داند؛ و خدا بر هر چیزی تواناست. « (29)
ترجمه قرآن، ص: 54
روزی که هر شخصی، آنچه از [کار] نیک انجام داده و آنچه از [کار] بد انجام داده، حاضر می‌یابد؛ (و) آرزو می‌کند که بین او و بین آن [اعمال بد] فاصله [زمانیِ زیادی بود. و خدا شما را از (نا فرمانی) خودش، بیم می‌دهد؛ و خدا [نسبت به بندگان، مهربان است. (30)
بگو:» اگر همواره خدا را دوست می‌دارید، پس از من پیروی کنید؛ تا خدا دوستتان بدارد؛ و پیامد (گناهان) شما را برایتان بیامرزد؛ و خدا بسیار آمرزنده مهرورز است. « (31)

بگو:» از خدا و فرستاده (او)، اطاعت کنید؛ و اگر روی برتافتند، پس در حقیقت خدا کافران را دوست نمی‌دارد. « (32)
در واقع خدا، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان (برتری داد، و) برگزید. (33)
در حالی که [آنان نسلی بودند که برخی آنها از برخی [دیگر] ند. و خدا شنوای داناست. (34)
(به یاد آرید) هنگامی که زنِ» عمران «گفت:» پروردگارا! در واقع من آنچه را در شکم خود دارم، برای تو نذر کردم، در حالی که آزاد [برای خدمتگذاری بیت المقدس باشد. پس از من بپذیر، که تنها تو شنوا [و] دانایی. « (35)
و [لی هنگامی که او را بزاد، گفت:» پروردگارا! در واقع من او را دختر زاده‌ام.- و خدا به آنچه (او) زاده بود، داناتر است- و پسر، همانند دختر نیست. و در حقیقت من او را مریم نامیدم؛ و در واقع من، او و نسلش را از (وسوسه‌های) شیطان رانده شده، در پناه تو قرار می‌دهم. « (36)
و پروردگارش او [مریم را با قبول نیکویی پذیرفت؛ و او را با رشد نیکویی پروراند؛ و زکریا را سرپرست وی قرار داد. زکریا هر گاه که در محراب بر او وارد می‌شد، غذای (مخصوصی) نزد او می‌یافت. گفت:» ای مریم! این از کجا برای تو [آمده است؟! «گفت:» این از نزد خداست. که خدا هر کس را [شایسته بداند و] بخواهد، بی‌شمار روزی می‌دهد. « (37)
ترجمه قرآن، ص: 55
در آنجا زکریا، پروردگارش را خواند [و] گفت:» پروردگارا! از جانب خود، نسلِ پاکیزه‌ای به من ببخش، که تو شنونده دعایی. « (38)
و در حالی که او در محراب ایستاده، نیایش می‌کرد، فرشتگان او را ندا در دادند، که:» خدا تو را به» یحیی «مژده می‌دهد؛ در حالی که تأیید کننده کلمه خدایی [مسیح ، و سَروَر و خویشتندار، و پیامبری از شایستگان است. (39)
[زکریا] گفت:» پروردگارا! چگونه برای من پسری خواهد بود، در حالی که بیقین» پیری «، به سراغ من آمده، و زنم نازاست؟! « [ندا کننده گفت:» اینگونه خدا هر چه را [شایسته بداند و] بخواهد انجام می‌دهد. « (40)
[زکریا] گفت:» پروردگارا! برای من نشانه‌ای قرار ده. «فرمود:» نشانه‌ات این است که سه روز، جز به رمز با مردم سخن نگویی. و پروردگارت را بسیار یاد کن؛ و به هنگام صبح و عصر [او را] تسبیح گوی. « (41)
و (به یاد آرید) هنگامی که فرشتگان گفتند:» ای مریم! در حقیقت خدا تو را برگزیده و تو را پاک ساخته؛ و تو را بر زنان جهانیان، (برتری داده و) برگزیده است. (42)
ای مریم! برای پروردگارت فرمانبرداری فروتن باش و سجده به جای آور؛

و با رکوع کنندگان، رکوع نمای. « (43)
این [مطالب ، از خبرهای (از حسّ) پوشیده است که آن را به تو وحی می‌کنیم؛ و [گر نه تو] نزدشان نبودی، هنگامی که قلم‌های خود را (برای قرعه کشی به آب) می‌افکندند [تا] کدام یک سرپرستی مریم را عهده دار شود، و (نیز) به هنگامی که [با یکدیگر] کشمکش داشتند، نزدشان نبودی. (44)
(به یاد آرید) هنگامی که فرشتگان گفتند:» ای مریم! در واقع خدا تو را به کلمه‌ای از جانب خود مژده می‌دهد، که نامش مسیح، عیسی پسر مریم است؛ در حالی که در دنیا و آخرت، آبرومند، و از مقرّبان (الهی) است. (45)
ترجمه قرآن، ص: 56
و در گهواره و میان سالی با مردم سخن خواهد گفت؛ و از شایستگان است. « (46)
(مریم) گفت:» پروردگارا! چگونه برای من فرزندی خواهد بود، در حالی که بشری با من تماس نگرفته است؟! « (فرشته) گفت:» خدا، این گونه هر چه را [شایسته بداند و] بخواهد می‌آفریند. هنگامی که چیزی را اراده کند، پس فقط به آن می‌گوید:» باش «پس [فوراً موجود] می‌شود. « (47)
و به او، کتاب و حکمت و تورات و انجیل، می‌آموزد. (48)
و (او را بعنوان) فرستاده‌ای به سوی فرزندان یعقوب (بنی اسرائیل، قرار داده که او به آنان می‌گوید:) که من از طرف پروردگارتان نشانه‌ای [معجزه‌وار]، برایتان آورده‌ام؛ من از گِل، برای شما [چیزی همانند شکل پرنده می‌سازم؛ و در آن می‌دمم پس به رخصت خدا، پرنده‌ای می‌گردد. و نابینای مادر زاد، و (مبتلایان به) پیس را بهبود می‌بخشم؛ و مردگان را به رخصت خدا زنده می‌کنم؛ و از آنچه می‌خورید، و آنچه در خانه‌هایتان ذخیره می‌کنید، به شما خبر می‌دهم؛ که مسلماً در این [معجزات ، نشانه‌ای برای شماست، اگر مؤمن باشید. (49)
و [می‌گوید: آمده‌ام تا] آنچه را پیش از من از تورات بوده، تأیید کننده باشم؛ و تا بعضی از آنچه که [بر اثر ظلم و گناه،] بر شما حرام شده، برایتان حلال کنم؛ و از طرف پروردگارتان، نشانه‌ای برایتان آورده‌ام؛ پس [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید و [مرا] اطاعت کنید. (50)
در حقیقت، خدا پروردگار من و پروردگار شماست؛ پس او را بپرستید. (که) این راهی راست است. (51)
و هنگامی که عیسی از آنان احساس کفر (و مخالفت) کرد، گفت:» چه کسانی یاوران من با خدایند؟ «حواریّون گفتند:» ما یاوران خداییم؛ به خدا ایمان آوردیم؛ و گواه باش که ما تسلیم هستیم. (52)
ترجمه قرآن، ص: 57

(ای) پروردگار ما! به آنچه فرو فرستاده‌ای، ایمان آوردیم و فرستاده [ات را پیروی نمودیم؛ پس ما را در زمره گواهان بنویس. « (53)
و [دشمنان نقشه کشیدند و] فریبکاری کردند، و خدا ترفند کرد؛ و خدا، بهترین ترفندکنندگان است. (54)
(یاد کن) هنگامی را که خدا گفت:» ای عیسی! در حقیقت من تو را بر گرفته و تو را به سوی خویش، بالا می‌برم و تو را از [آلایش کسانی که کفر ورزیدند، پاک می‌سازم؛ و تا روز رستاخیز کسانی را که از تو پیروی کردند، برتر از کسانی که کفر ورزیدند، قرار می‌دهم؛ سپس فرجام شما فقط به سوی من است، پس در مورد آنچه که همواره در آن اختلاف می‌کردید، میان شما داوری خواهم کرد. (55)
و امّا کسانی که کفر ورزیدند، پس در دنیا و آخرت، آنان را با عذاب شدیدی، عذاب خواهم کرد؛ و هیچ یاوری برایشان نیست. (56)
و امّا کسانی که ایمان آوردند، و [کارهای شایسته انجام دادند، پس [خدا] پاداششان را بطور کامل به آنان خواهد داد؛ و خدا، ستمکاران را دوست نمی‌دارد. « (57)
اینهاست که [ما] آن را از آیات، و یادآوری حکیمانه [قرآن بر تو می‌خوانیم. (58)
در واقع مثال عیسی نزد خدا، همچون مثال آدم است؛ [که او را از خاک آفرید، سپس به او گفت:» باش! «پس [فوراً موجود] شد. (59)
[این مطالبِ حقّ، از جانب پروردگار توست؛ پس از تردید کنندگان مباش. (60)
و هر گاه بعد از دانشی که تو را [حاصل آمده، (باز) کسانی در (مورد) آن با تو به بحث (و ستیز) برخیزند، پس بگو:» بیایید پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و خودمان و خودتان، را دعوت کنیم، سپس مباهله می‌کنیم؛ و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار می‌دهیم. « (61)
ترجمه قرآن، ص: 58
در واقع تنها حکایت‌های حقیقی (مسیح) همین است. و هیچ معبودی، جز خدا نیست؛ و قطعاً تنها خدا شکست‌ناپذیر فرزانه است. (62)
و اگر روی برتابند، پس در حقیقت خدا به [حال فسادگران، داناست. (63)
بگو:» ای اهل کتاب! بیایید، به سوی سخنی که میان ما و میان شما یکسان است که: جز خدا را نپرستیم و هیچ چیزی را شریک او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعض [دیگر] را- به غیر خدا- به پروردگاری برنگزینیم. «و اگر [از این دعوت روی برتابند، پس بگویید:» گواه باشید که ما مسلمانیم. « (64)
ای اهل کتاب! چرا در [باره ابراهیم، بحث (و ستیز) می‌کنید؟ در حالی که تورات و انجیل فرو فرستاده نشد، مگر بعد از او، پس آیا خردورزی

نمی‌کنید؟! (65)
هان شما [اهل کتاب کسانی هستید که درباره آنچه شما (نسبت) به آن دانشی داشتید، بحث (و ستیز) کردید؛ پس چرا درباره آنچه شما بدان هیچ دانشی ندارید، بحث (و ستیز) می‌کنید؟! و خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید. (66)
ابراهیم یهودی و مسیحی نبود؛ و لیکن حق گرایی مسلمان بود؛ و از مشرکان نبود. (67)
در حقیقت سزاوارترین مردم به ابراهیم، کسانی هستند که از او پیروی کردند، و این پیامبر و کسانی که [به آیین او] ایمان آورده‌اند؛ و خدا، سرپرست مؤمنان است. (68)
دسته‌ای از اهل کتاب گمراهی شما را، آرزو می‌کردند؛ در حالی که جز خودشان را گمراه نمی‌کنند، و (لی با درک حسّی) متوجه نمی‌شوند. (69)
ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا کفر می‌ورزید، در حالی که شما (به درستیِ آن) گواهی می‌دهید؟! (70)
ترجمه قرآن، ص: 59
ای اهل کتاب! چرا حق را با باطل می‌آمیزید، و حقیقت را پوشیده می‌دارید، در حالی که شما می‌دانید؟! (71)
و دسته‌ای از اهل کتاب گفتند:» در آغاز روز به آنچه بر کسانی که ایمان آورده‌اند، فرود آمده، (ظاهراً) ایمان آورید، و در پسین آن [روز]، کفر ورزید، تا شاید آنان [از اسلام باز گردند. (72)
و جز به کسی که از دین شما پیروی می‌کند، (واقعاً) ایمان نیاورید. «بگو:» در حقیقت هدایت، هدایت خداست. « (اهل کتاب به همدیگر می‌گفتند: تصوّر نکنید) که به کسی، نظیر آنچه به شما داده شده، داده می‌شود، یا در پیشگاه پروردگارتان، با شما بحث می‌کنند. بگو:» در حقیقت (این) بخشش، به دست خداست؛ به هر کس (شایسته بداند و) بخواهد می‌دهد؛ و خدا گشایشگری داناست. (73)
رحمتش را به هر کس (شایسته بداند و) بخواهد، اختصاص می‌دهد؛ و خدا دارای بخشش بزرگ است. « (74)
و از اهل کتاب، کسی است که اگر او را بر ثروت زیادی امین بداری، آن را به تو باز می‌گرداند؛ و از آنان کسی است که اگر او را بر دیناری امین بداری، آن را به تو باز نمی‌گرداند؛ مگر تا زمانی که بر [سر] او ایستاده باشی. این بخاطر آن است که آنان می‌گفتند:» در (مورد) کسانی که درس نخوانده‌اند [و کتاب الهی ندارند]، بر [زیان ما راهی نیست. «و بر خدا دروغ می‌بندند؛ در حالی که آنان می‌دانند. (75)
آری، کسی که به پیمان خود وفا کند و [خود را] حفظ کند، پس حتماً خدا پارسایان (خود نگهدار) را دوست می‌دارد. (76)

براستی کسانی که پیمان خدا و سوگندهایشان را به بهای اندکی می‌فروشند، آنان هیچ بهره‌ای در آخرت برای شان نخواهد بود؛ و خدا با آنان سخن نخواهد گفت و در روز رستاخیز به آنان نظر نخواهد کرد و رشدشان نمی‌دهد (و از گناه پاکشان نخواهد ساخت؛) و عذاب دردناکی برای آنهاست. (77)

ترجمه قرآن، ص: 60

و در واقع برخی از آنان دسته‌ای هستند که زبانشان را به [خواندن کتاب می‌پیچانند تا بپندارید آن [را که می‌خوانند،] از کتاب (خدا) است؛ در حالی که آن از کتاب (خدا) نیست. و می‌گویند:» آن از نزد خداست. «در حالی که آن از نزد خدا نیست، و بر خدا دروغ می‌بندند، در حالی که آنان می‌دانند. (78)

برای هیچ بشری سزاوار نیست که خدا به او، کتاب و حکم و پیامبری دهد؛ سپس [او] به مردم بگوید:» غیر از خدا، بندگان من باشید. «و لیکن (سزاوار مقام پیامبر آن است که بگوید: مردمی) ربّانی باشید، به سبب آنکه همواره کتاب [خدا] را می‌آموختید و از آن رو که پیوسته درس می‌خواندید. (79)

و [برای پیامبر سزاوار نیست که به شما دستور دهد که فرشتگان و پیامبران را، پروردگارِ [خود] انتخاب کنید. آیا پس از آنکه شما مسلمان شدید، به شما دستور کفر ورزیدن می‌دهد؟! (80)

و (یاد کنید) هنگامی را که خدا، از پیامبران پیمان محکم گرفت، که هر گاه به شما کتاب و فرزانگی دادم، سپس فرستاده‌ای به سوی شما آمد که مؤیّد آن چیزی است که با شماست، حتماً به او ایمان آورید و قطعاً یاریش کنید. [آنگاه خدا] گفت:» آیا اقرار کردید؟ و پیمان محکم مرا بر آن پذیرفتید؟ «گفتند:» (آری) اقرار کردیم. « [خدا به آنان گفت:» پس گواه باشید؛ و من [نیز] با شما از گواهانم. « (81)

و کسانی که بعد از این (پیمان محکم)، روی برتابند، پس تنها آنان نافرمانبردارند. (82)

و آیا غیر از دین خدا را می‌طلبند؟! در حالی که هر کس در آسمان‌ها و زمین است، خواه و ناخواه تسلیم اوست؛ و فقط به سوی او بازگردانده می‌شوند. (83)

ترجمه قرآن، ص: 61

بگو:» به خدا و آنچه بر ما فرو فرستاده شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و (پیامبران از) فرزندان (او) فروفرستاده شده؛ و آنچه به موسی و عیسی و پیامبران (دیگر)، از طرف پروردگارشان داده شده، ایمان آورده‌ایم. [در حالی که ما] میان هیچ یک از آنان فرق نمی‌گذاریم؛ و ما تنها تسلیم او هستیم. « (84)

و هر كس جز اسلام، دينى بجويد (و برگزيند)، پس از او پذيرفته نخواهد شد؛ و وى در آخرت از زيانكاران است. (85)
چگونه خدا گروهى را راهنمايى مى‌كند كه بعد ايمانشان كفر ورزيدند، و گواهى مى‌دادند كه فرستاده [خدا] حقّ است و براى‌شان دلايل روشن آمد. و خدا، گروه ستمكاران را راهنمايى نخواهد كرد. (86)
آنان، كيفرشان (اين است) كه لعنت (و طرد) خدا و فرشتگان و مردم همگى، بر آنهاست. (87)
در حالى كه در اين (لعنت) ماندگارند، عذاب از آنان كاسته نمى‌شود و آنان مهلت داده نمى‌شوند. (88)
مگر كسانى كه پس از آن [كفر ورزيدن ، توبه كردند و اصلاح نمودند؛ پس (توبه آنان پذيرفته مى‌شود چرا) كه خدا، بسيار آمرزنده [و] مهرورز است. (89)
در حقيقت كسانى كه پس از ايمانشان كفر ورزيدند، سپس بر كفر [خود] افزودند، توبه آنان، پذيرفته نخواهد شد؛ و تنها آنان گمراهان [واقعى هستند. (90)
در حقيقت كسانى كه كفر ورزيدند و در حال كفر مردند، پس زمين پر از طلا، از هيچ يک آنان پذيرفته نخواهد شد؛ و گر چه آن را [براى خود بعنوان تاوان بپردازند، آنان، براى شان عذابى دردناک است؛ و هيچ ياورى براى شان نيست. (91)
ترجمه قرآن، ص: 62
به نيكى نمى‌رسيد تا از آنچه دوست مى‌داريد، (در راه خدا) مصرف كنيد؛ و آن چيزى كه (در راه خدا) مصرف مى‌كنيد، پس براستى كه خدا بدان داناست. (92)
همه غذاها بر بنى اسرائيل (فرزندان يعقوب) حلال بود، جز آنچه پيش از فرو فرستاده شدنِ تورات، اسرائيل (يعقوب) بر خويش ممنوع كرده بود؛ بگو:» اگر راست مى‌گوييد (كه غير از اين است) پس تورات را بياوريد و آن را بخوانيد [و پيروى كنيد]. « (93)
و كسانى كه بعد از اين، بر خدا دروغ بندند، پس تنها آنان ستمكارند. (94)
بگو:» خدا راست گفت. پس از آيين ابراهيم پيروى كنيد، در حالى كه حق‌گرا [بود،] و از مشركان نبود. « (95)
در واقع نخستين خانه (و پرستشگاهى) كه براى مردم نهاده شد، آن (است) كه در مكّه است؛ كه خجسته، و براى جهانيان (مايه) هدايت است. (96)
در آن، نشانه‌هاى روشن (از جمله) مقام ابراهيم است؛ و هر كس در آن داخل شود، در امان خواهد بود؛ و براى خدا، بر [عهده مردم است كه آهنگ (حج) خانه (او) كنند، (همان) كسى كه بتواند به سوى آن راهى بيابد. و هر

کس کفر ورزد، (و حج را ترک کند؛) پس در حقیقت خدا از جهانیان، بی‌نیاز است. (97)
بگو:» ای اهل کتاب، چرا نشانه‌های خدا را انکار می‌کنید؟! در حالی که خدا بر آنچه انجام می‌دهید، گواه است. « (98)
بگو:» ای اهل کتاب، چرا کسی را که ایمان آورده، از راه خدا باز می‌دارید، (و) می‌خواهید آن [راه را منحرف سازید؟! و حال آنکه شما (بر درستی آن) شاهدید. و خدا از آنچه انجام می‌دهید، غافل نیست. « (99)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از دسته‌ای که به آنان کتاب‌های (الهی) داده شده، اطاعت کنید، شما را پس از ایمان آوردنتان، به [حال کفر باز می‌گردانند. (100)
ترجمه قرآن، ص: 63
و چگونه کفر می‌ورزید، در حالی که شمایید که آیات خدا بر شما خوانده می‌شود، و فرستاده او در میان شماست؟! و هر کس به خدا تمسّک جوید، پس بیقین به راه راست، رهنمون شده است. (101)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید آنگونه که حقِّ خود نگهداری از (عذاب) اوست. و نمیرید، مگر اینکه شما مسلمان باشید. (102)
و همگی به ریسمان خدا، تمسّک جویید، و پراکنده نشوید؛ و نعمتِ خدا را بر خودتان، به یاد آرید، آنگاه که دشمنان (یکدیگر) بودید، و [او] میان دل‌های شما، الفت انداخت، پس به (برکتِ) نعمت او، برادران (همدیگر) شدید. و شما بر کنار حفره‌ای از آتش بودید، و شما را از آن نجات داد؛ اینگونه، خدا نشانه‌هایش را برای شما روشن بیان می‌کند؛ تا شاید شما راهنمایی شوید. (103)
و باید از میان شما، گروهی (مردم را) به سوی نیکی دعوت کنند، و به [کار] پسندیده فرمان دهند و از [کار] ناپسند منع کنند. و تنها آنان رستگارند. (104)
و مانند کسانی نباشید که پس از آنکه دلایل روشن به آنان رسید، پراکنده شدند و اختلاف کردند؛ و آنان برای شان عذابی بزرگ است؛ (105)
(در) روزی که چهره‌هایی سفید می‌شود، و چهره‌هایی سیاه می‌گردد؛ و امّا کسانی که چهره‌هایشان سیاه شده، (به آنها گفته می‌شود:) آیا بعد از ایمانتان، کفر ورزیدید؟! پس به سبب کفر ورزیدنتان، عذاب را بچشید! (106)
و امّا کسانی که چهره‌هایشان سفید شده، پس در رحمتِ خدایند؛ در حالی که آنان در آن (رحمت) ماندگارند. (107)
آن [ها] آیات خداست؛ که آن را به حق بر تو می‌خوانیم و خدا هیچ ستمی بر (احدی از) جهانیان نمی‌خواهد. (108)

ترجمه قرآن، ص: 64
و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، فقط از آن خداست. و [همه کارها، فقط به سوی خدا باز گردانده می‌شود. (109)
شما بهترین امّتی بودید که برای مردم پدیدار شده‌اند؛ (چه اینکه) به [کار] پسندیده فرمان می‌دهید و از [کار] ناپسند منع می‌کنید و به خدا ایمان دارید. و اگر (بر فرض) اهل کتاب، ایمان آورده بودند، حتماً برای آنها بهتر بود؛ برخی از آنان مؤمنند؛ و [لی بیشترشان نا فرمانبردارند. (110)
(آن یهودیان) جز آزارهای [اندک ، به شما زیانی نمی‌رسانند. و اگر با شما پیکار کنند، با عقب‌گردی از شما روی برمی‌تابند (و شکست می‌خورند)؛ سپس یاری نخواهند شد. (111)
(آن یهودیان) هر کجا یافت شوند، (نشانه) خواری بر آنان خورده است؛ مگر به ریسمان خدا، و به ریسمان (ارتباط با) مردم (تمسّک جویند). و به خشمی از جانب خدا، گرفتار شده‌اند؛ و (نشانه) بینوایی بر آنها زده شده؛ آن بدان سبب است که آنان به نشانه‌های خدا همواره کفر می‌ورزیدند و پیامبران را به ناحق می‌کشتند. آن [ها] بخاطر آن است که نافرمانی کردند؛ و (به حقوق دیگران) همواره تجاوز می‌نمودند. (112)
(ولی همه اهل کتاب) یکسان نیستند؛ از اهل کتاب، گروهی قیام کننده‌اند، که [پیوسته آیات خدا را در شبانگاهان می‌خوانند (و پیروی می‌کنند) در حالی که آنان سجده می‌نمایند؛ (113)
به خدا و روز بازپسین ایمان می‌آورند؛ و به [کار] پسندیده فرمان می‌دهند و از [کار] ناپسند منع می‌کنند؛ و در (انجام) نیکی‌ها، بر همدیگر پیشی می‌گیرند؛ و آنان از شایستگانند؛ (114)
و هر [کار] نیکی که انجام دهند، پس [در باره آن، موردِ ناسپاسی قرار نمی‌گیرند. و خدا به [حال پارسایان (خود نگهدار) داناست. (115)
ترجمه قرآن، ص: 65
در واقع کسانی که کفر ورزیدند، اموالشان و فرزندانشان، هیچ چیزی از (عذاب) خدا را از آنان دفع نخواهد کرد. و آنان اهل آتشند؛ در حالی که آنان در آن ماندگارند. (116)
مثال آنچه [آنان در این زندگی پست (دنیا) مصرف (انفاق) می‌کنند، همانند مثال بادی است که در آن سوزندگی است که به کشتزار گروهی که بر خودشان ستم کرده‌اند بوزد و آن را نابود سازد. و خدا به آنان ستم نکرده؛ و لیکن بر خودشان ستم می‌کنند. (117)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از غیر خودتان [دوستِ همراز مگیرید. آنها از هر گونه تباهی (و فساد فرهنگی) در باره شما، کوتاهی نمی‌کنند؛ زحمت شما را آرزو دارند. بیقین (نشانه‌های) دشمنی از دهان (و سخنان) شان آشکار شده؛ و آنچه سینه‌هایشان نهان می‌دارد، بزرگ‌تر است. بیقین

نشانه‌ها (ی دشمنی آنان) را برای شما بیان کردیم، اگر خردورزی کنید. (118)
هان! شما کسانی هستید که آنان را دوست می‌دارید؛ و [لی آنان شما را دوست ندارند. و شما به همه کتاب‌ها [ی الهی ایمان دارید. و هنگامی که شما را ملاقات می‌کنند، می‌گویند:» ایمان آورده‌ایم. «و هنگامی که خلوت کنند، از شدّت خشم بر شما، سر انگشتان [خود را به دندان می‌گزند! بگو:» به سبب شدت خشمتان بمیرید! براستی که خدا به (اسرار) درون سینه‌ها داناست. « (119)
اگر نیکی به شما برسد، آنان را ناراحت می‌کند، و اگر (حادثه) بدی برای شما رخ دهد، بدان شاد می‌شوند. و اگر شکیبایی نمایید و [خودتان را] حفظ کنید، نیرنگشان، هیچ چیزی به شما زیان نمی‌رساند؛ حتماً خدا به آنچه انجام می‌دهند احاطه دارد. (120)
و (به یاد آر) هنگامی را که [در جنگ احد] بامدادان، از [میان خانواده‌ات بیرون رفتی، که محل‌هایی برای جنگ مؤمنان آماده کنی؛ و خدا شنوای داناست. (121)
ترجمه قرآن، ص: 66
[و نیز به یاد آر] هنگامی را که دو دسته از شما آهنگ کردند که سستی ورزند؛ و خدا [سرپرست و] یاور آن دو (دسته) بود؛ و (اگر دسته‌ای سستی کردند) پس مؤمنان باید، تنها بر خدا توکّل کنند. (122)
و بیقین خدا شما را در (جنگِ)» بدر «یاری کرد؛ در حالی که شما، خوار بودید. پس [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید، باشد که شما سپاسگزاری کنید. (123)
آنگاه که به مؤمنان می‌گفتی:» آیا [برای شما کافی نیست که پروردگارتان، شما را با سه هزار (نفر) از فرشتگان فرود آمده، یاری‌تان کند؟! « (124)
آری، اگر شکیبایی (و استقامت) کنید و [خودتان را] حفظ کنید، و [دشمنان با همین سرعتشان به (سراغ) شما آیند، پروردگارتان شما را با پنج هزار (نفر) از فرشتگان، نشانه‌گذار، مدد خواهد کرد. (125)
و خدا آن (وعده امداد غیبی) را جز مژده‌ای برای شما و برای آرامش دل‌های شما بدان، قرار نداده است. و پیروزی جز از جانبِ خدای شکست‌ناپذیر فرزانه، نیست. (126)
(این وعده) برای این است که ریشه کسانی را که کفر ورزیدند قطع کند؛ یا آنها را با خواری بازگرداند؛ و ناامیدانه برگردند. (127)
هیچ چیز از این کار [ها] با تو نیست (و اختیاری در این امور نداری). یا [خدا] توبه آنان را می‌پذیرد، یا عذابشان می‌کند؛ چرا که آنان ستمگرانند. (128)

و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، فقط از آنِ خداست. هر کس را (شایسته بداند و) بخواهد، می‌آمرزد؛ و هر کس را (مستحق بداند و) بخواهد، عذاب می‌کند؛ و خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (129)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا (و سود) را چندین برابر مَخورید. و [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید، باشد که شما رستگار شوید. (130)
و [خودتان را] از آتشی که برای کافران آماده شده، حفظ کنید. (131)
و خدا و فرستاده [اش را اطاعت کنید، باشد که شما (مشمول) رحمت شوید. (132)
ترجمه قرآن، ص: 67
و بر همدیگر پیشی گیرید، به سوی آمرزشی از پروردگارتان؛ و بهشتی که پهنه آن (به اندازه) آسمان‌ها و زمین است؛ که برای پارسایان (خود نگهدار) آماده شده است؛ (133)
(همان) کسانی که در را حتی و سختی (و خوشحالی و ناراحتی اموال خود را در راه خدا) مصرف می‌کنند، و خشم شدید (خود) را فرو می‌برند؛ و از مردم در می‌گذرند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد. (134)
و کسانی که چون [کار] زشتی کنند، یا بر خودشان ستم روا دارند، خدا را یاد کنند؛ پس برای [پیامد] گناهانشان، آمرزش می‌طلبند- و چه کسی جز خداست که [پیامد] گناهان را می‌آمرزد؟- و بر آنچه انجام داده‌اند، در حالی که آنان می‌دانند (که گناه است)، پافشاری نمی‌کنند. (135)
آنان، پاداششان آمرزشی از جانب پروردگارشان، و بوستان‌هایی است که از زیر [درختان ش، نهرها روان است؛ که در آنجا ماندگارند؛ و پاداشِ اهلِ عمل، نیکوست. (136)
بیقین، پیش از شما، سنّت‌ها [و روش‌هایی وجود داشته که سپری شده است. پس در زمین گردش کنید و بنگرید فرجامِ تکذیب کنندگان چگونه بوده است؟! (137)
این [قرآن ، بیانی برای مردم است، و راهنمایی و پندی برای پارسایان (خود نگهدار) است. (138)
و اگر شما مؤمنید، سستی مکنید؛ و غمگین مشوید، در حالی که شما برترید. (139)
اگر (در جنگ احُد،) به شما آسیبی رسید، پس بیقین، به آن گروه (نیز در جنگ بدر)، آسیبی مثل آن رسید؛ و [ما] این روزها (یِ شکست و پیروزی) را در میان مردم [دست به دست می‌گردانیم؛ و (این) بخاطر آن است که، خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند، معلوم بدارد (و شناخته شوند)؛ و از میان شما، گواهانی برگیرد. و خدا ستمکاران را دوست نمی‌دارد. (140)
ترجمه قرآن، ص: 68
و تا خدا، کسانی را که ایمان آورده‌اند، خالص [و پاک گرداند؛ و کافران را

[بتدریج نابود سازد. (141)
آیا پنداشتید که وارد بهشت خواهید شد، و حال آنکه کسانی از شما را که جهاد کرده‌اند، معلوم نداشته، و شکیبایان را معلوم نساخته است. (142)
و بیقین شما مرگ (و شهادت) را، پیش از آنکه با آن رو به رو شوید، همواره آرزو می‌کردید؛ و بیقین آن را دیدید، در حالی که شما نظاره می‌کردید. (143)
و محمّد (صلی الله علیه و آله) جز فرستاده‌ای نیست؛ بیقین پیش از او (نیز) فرستادگان (دیگری) بودند، پس آیا اگر [او] بمیرد و یا کشته شود، به (عقاید کفرآمیز) گذشته‌هایتان باز می‌گردید؟! و هر کس به گذشته (کفرآمیز) ش باز گردد، پس به خدا هیچ چیزی زیان نمی‌رساند؛ و بزودی خدا، سپاسگزاران را پاداش خواهد داد. (144)
و برای هیچ شخصی (ممکن) نیست بمیرد، جز با رخصت خدا؛ [که خدا مرگ را] نوشته شده‌ای سرآمد دار [قرار داده است.] و هر کس پاداش این جهان را بخواهد، از آن، به او می‌دهیم؛ و هر کس پاداش آخرت را بخواهد، از آن، به او می‌دهیم؛ و بزودی پاداش سپاسگزاران را خواهیم داد. (145)
و چه فراوان پیامبری، که همراه او، مردان الهی بسیاری پیکار کردند. و در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سستی نورزیدند و ناتوان نشدند و تسلیم نگردیدند، و خدا شکیبایان را دوست دارد. (146)
و سخنشان جز این نبود که گفتند:» [ای پروردگار ما! [پیامد] گناهان ما و زیاده‌روی‌های ما را در کارمان، برای ما، بیامرز، و گام‌های ما را استوار دار؛ و ما را بر گروه کافران پیروز گردان. « (147)
پس خدا پاداش دنیا، و پاداش نیک آخرت را به آنان داد؛ و خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد. (148)
ترجمه قرآن، ص: 69
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از کسانی که کفر ورزیده‌اند، اطاعت کنید، شما را به گذشته‌های [کفرآمیز] تان باز می‌گردانند؛ و زیانکار خواهید گشت. (149)
بلکه سرپرستِ شما، خداست؛ و او بهترین یاری کنندگان است. (150)
بزودی در دل‌های کسانی که کفر ورزیدند، وحشت (و ترس) خواهیم افکند، بخاطر اینکه چیزی را با خدا شریک قرار داده‌اند، که هیچ دلیلی بر آن فرو نفرستاده است، و مقصدشان، آتش است؛ و جایگاه ستمکاران چه بد (جایگاهی) است. (151)
و بیقین خدا وعده خود را (در مورد پیروزی در جنگ احد) با شما، راست گردانید؛ آنگاه (که در آغاز جنگ،) به رخصت او، آنان را می‌کشتید؛ تا هنگامی که سست شدید، و در کار (حفظ سنگر) با همدیگر به کشمکش

پرداختید؛ و بعد از آنکه، آنچه را دوست می‌داشتید (همچون پیروزی و غنیمت) به شما نشان داد، نافرمانی کردید. برخی از شما کسانی هستند که دنیا را می‌خواستند؛ و برخی از شما کسانی هستند که آخرت را می‌خواستند. سپس [خدا] شما را از آنان منصرف ساخت، (و شکست خوردید) تا شما را بیازماید. و بیقین او از شما درگذشت؛ و خدا نسبت به مؤمنان، دارای بخشش است. (152)
هنگامی که (در بیابان فرار می‌کردید و از کوه) بالا می‌رفتید، و به هیچ کس (در پشت سرتان) توجه نمی‌کردید؛ و حال آنکه فرستاده [خدا] شما را از پشت [سر] تان فرا می‌خواند. پس به شما اندوهی اضافه بر اندوه (تان) جزا داد. تا بر آنچه از دستتان رفته، و آنچه (از مصیبت‌ها) به شما رسیده، اندوهگین نشوید. و خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (153)
ترجمه قرآن، ص: 70
سپس بعد از آن اندوه (شکست احد)، آرامشی [به صورت خوابی سبک بر شما فرو فرستاد، که دسته‌ای از شما را فرا گرفت؛ و [لی دسته‌ای که در اندیشه جانشان بودند، در باره خدا گمان‌های نادرستی، همچون گمان‌های (دوران) جاهلیّت، داشتند؛ می‌گفتند:» آیا چیزی از کار (جنگ) به سود ماست؟! «بگو:» در واقع کار (جنگ و پیروزی) همه‌اش به دست خداست. « [آنان چیزی را در دل‌هایشان پوشیده می‌دارند، که برای تو آشکار نمی‌سازند؛ می‌گویند:» اگر (بر فرض) چیزی از کار (جنگ) به سود ما بود، در این جا کشته نمی‌شدیم. «بگو:» اگر (بر فرض) در خانه‌هایتان [هم بودید، کسانی که کشته شدن بر آنان مقرّر شده بود، حتماً به سوی آرامگاه‌هایشان، بیرون می‌آمدند. و (اینها) برای آن است که خدا، آنچه را در سینه‌های شماست، بیازماید؛ و بخاطر آنکه آنچه را در دل‌های شماست، خالص [و پاک گرداند؛ و خدا به (اسرار) درون سینه‌ها، آگاه است. « (154)
در حقیقت، در روزی که دو گروه (مؤمنان و کافران در نبرد احد با هم) روبرو شدند، کسانی از شما که روی برتافتند، تنها شیطان آنان را، به سبب بعضی از آنچه (از گناهان) بدست آورده بودند، بلغزاند؛ و بیقین خدا از آنان در گذشت، که خدا، بسیار آمرزنده [و] بردبار است. (155)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همچون کسانی نباشید که کفر ورزیدند، و درباره برادرانشان، هنگامی که در زمین مسافرت کردند (و مردند) یا جهادگر (و شهید) شدند، گفتند:» اگر (بر فرض) نزد ما بودند، نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند! « (شما چنین سخنانی مگویید) تا خدا آن را حسرتی بر دل‌هایشان قرار دهد. و خدا، زنده می‌کند و می‌میراند؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید، بیناست. (156)
و اگر [هم در راه خدا کشته شوید، یا بمیرید، حتماً آمرزشی از جانب خدا و

رحمت [او]، از [همه آنچه آنان جمع می‌کنند، بهتر است. (157)
ترجمه قرآن، ص: 71
و اگر بمیرید یا کشته شوید، حتماً فقط به سوی خدا گردآوری خواهید شد. (158)
و به سبب رحمتی از جانب خدا با آنان نرم‌خو شدی؛ و اگر (بر فرض) تندخویی سخت‌دل بودی، حتماً از پیرامونت پراکنده می‌شدند. پس، از آنان درگذر، و برای شان آمرزش بخواه؛ و در کار [ها] با آنان مشورت کن؛ و هنگامی که تصمیم گرفتی، پس بر خدا توکّل کن؛ چرا که خدا توکّل کنندگان را دوست می‌دارد. (159)
اگر خدا شما را یاری کند، پس هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد؛ و اگر شما را یاری نکند، پس کیست، آنکه بعد از او، شما را یاری کند؟! و مؤمنان، پس باید تنها بر خدا توکّل کنند. (160)
و برای هیچ پیامبری شایسته نیست، که خیانت کند؛ و هر کس خیانت کند، روز رستاخیز، آنچه را (در آن) خیانت کرده، می‌آورد؛ سپس به هر کس، آنچه را بدست آورده، بطور کامل داده می‌شود؛ در حالی که به آنان ستم نخواهد شد. (161)
و آیا کسی که بدنبال خشنودی خدا بوده، همانند کسی است که به خشمی از خدا بازگشته و مقصدش جَهنّم است؟ و چه بد فرجامی است! (162)
آنان در پیشگاه خدا رتبه‌هایی (متفاوت) هستند؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهند، بیناست. (163)
بیقین، خدا بر مؤمنان منّت نهاد [و نعمت بزرگی بخشید] هنگامی که در میان آنان، فرستاده‌ای از خودشان بر انگیخت؛ که آیاتش را بر آنان بخواند، [و پیروی کند] و رشدشان دهد [و پاکشان گرداند]، و کتاب [خدا] و فرزانگی به آنان بیاموزد؛ در حالی که قطعاً پیش از [آن در گمراهی آشکاری بودند. (164)
و آیا هنگامی که به شما مصیبتی (در نبرد احد) رسید، که دو برابر آن را (در نبرد بدر بر دشمن) وارد ساخته بودید، گفتید:» این (مصیبت) از کجاست؟! «بگو:» آن از جانب خودتان است. «براستی که خدا بر هر چیزی تواناست. (165)
ترجمه قرآن، ص: 72
و روزی که دو گروه (مؤمنان و کافران در نبرد احد با هم) رو به رو شدند، آنچه به شما رسید، پس به رخصت خدا، و بخاطر آن بود که مؤمنان را معلوم بدارد. (166)
و (نیز) برای اینکه معلوم بدارد کسانی را که دورویی نمودند، و به آنان گفته شد:» بیایید در راه خدا جنگ کنید، یا دفاع نمایید. «گفتند:» اگر (بر فرض) جنگی می‌دانستیم حتماً از شما پیروی می‌کردیم. «در آن روز

(فاصله) آنان به کفر نزدیک‌تر بود، از (فاصله) آنان به ایمان؛ به زبانشان چیزی می‌گویند که در دل‌هایشان نیست. و خدا به آنچه پنهان می‌دارند، آگاه‌تر است. (167)
کسانی که در حال (جنگ، در خانه خود) نشسته بودند، به برادرانشان گفتند:» اگر (بر فرض) از ما اطاعت می‌کردند، کشته نمی‌شدند. «بگو:» اگر راستگو هستید، پس مرگ را از خودتان دور سازید! « (168)
(ای پیامبر) هرگز مپندار کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند، بلکه [آنان زنده‌اند، [و] در پیشگاه پروردگارشان روزی داده می‌شوند! (169)
[در حالی که آنان بخاطر آنچه خدا از بخشش خود به ایشان داده است، شادمانند؛ و بخاطر (آگاهی از جایگاه مجاهدان یعنی) کسانی که از پی ایشان، هنوز به آنان نپیوسته‌اند، شادی می‌کنند، که هیچ ترسی بر آنان نیست، و نه آنان اندوهگین می‌شوند. (170)
بخاطر نعمتی از جانب خدا و بخشش [او] و اینکه خدا، پاداشِ مؤمنان را تباه نمی‌کند شادی می‌کنند، (و مژده می‌دهند.) (171)
کسانی که (در نبرد احد) پس از آنکه آسیب (و جراحتی) به ایشان رسید، [دعوت خدا و فرستاده (اش) را، پذیرفتند. برای کسانی از آنان، که نیکی کردند و پارسایی نمودند، پاداشی بزرگ است. (172)
(همان) کسانی که (برخی از) مردم، به آنان گفتند:» که مردمان برای (حمله به) شما گرد آمده‌اند؛ پس، از آنان بترسید «و [لی این سخن ، بر ایمانشان افزود، و گفتند:» خدا ما را بس است؛ و [او] خوب کار سازی است. « (173)
ترجمه قرآن، ص: 73
و با نعمتی از جانب خدا و بخشش (او، از میدان نبرد) بازگشتند، در حالی که هیچ بدی (و آسیبی) به ایشان نرسیده بود؛ و خشنودی خدا را پیروی کردند؛ و خدا دارای بخششی بزرگ است. (174)
این فقط شرور (شیطان صفت) است، که پیروانش را می‌ترساند. پس اگر مؤمنید، از آنان نترسید؛ و از (عذاب من) بترسید. (175)
و کسانی که در کفر ورزیدن [بر همدیگر] پیشی می‌گیرند، تو را اندوهگین نسازند؛ که آنان به خدا، هیچ چیزی زیان نمی‌رسانند. خدا می‌خواهد که برای شان هیچ بهره‌ای در آخرت قرار ندهد. و برای شان عذابی بزرگ است! (176)
در حقیقت کسانی که کفر را با ایمان مبادله کردند، به خدا هیچ چیزی زیان نمی‌رسانند؛ و برایشان عذابی دردناک است. (177)
و کسانی که کفر ورزیدند، هرگز نپندارند، که آنچه به آنان مهلت می‌دهیم، برای خودشان نیکوست؛ به آنان مهلت می‌دهیم، فقط برای اینکه [عاقبت بر گناه بیفزایند؛ و برای آنان عذابی خوار کننده است. (178)

خدا هرگز بر آن نیست که مؤمنان را بر چنین (حالی) که شما بر آن هستید، وا گذارد؛ تا آنکه پلید را از پاکِ (نیکو) جدا سازد. و (نیز) خدا هرگز بر آن نیست که، شما را از (آنچه از حسّ) پوشیده، آگاه کند، ولی خدا از [میان فرستادگانش، هر که را (شایسته بداند و) بخواهد بر می‌گزیند؛ پس به خدا و فرستادگانش ایمان آورید. و اگر ایمان بیاورید و [خودتان را] حفظ کنید، پس برای شما پاداشی بزرگ است. (179)
و کسانی که [نسبت به آنچه خدا از بخشش خود به آنان داده، بخل می‌ورزند، هرگز نپندارند که آن [بخل برای آنان خوب است؛ بلکه آن برای شان بد است؛ بزودی در روز رستاخیز، آنچه که به آن بخل ورزیده‌اند، طوق گردنشان خواهد شد. و میراث آسمان‌ها و زمین، فقط از آنِ خداست؛ و خدا، از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (180)
ترجمه قرآن، ص: 74
بیقین خدا شنید، سخن کسانی را که گفتند:» در واقع خدا نیازمند است، و ما توانگریم. «بزودی گفتارشان، و به ناحق کشتن آنان پیامبران را، خواهیم نوشت. و می‌گوییم:» عذاب سوزان را بچشید! « (181)
این (عذاب) بخاطر دستاورد پیشین شماست، و [بخاطر] اینکه خدا نسبت به بندگان بیدادگر نیست. (182)
کسانی که گفتند:» در حقیقت خدا از ما پیمان گرفته که به هیچ فرستاده‌ای ایمان نیاوریم، تا برای ما قربانی‌ای بیاورد، که آتش آن را بخورد. «بگو:» بیقین پیش از من، فرستادگانی با دلیل‌های روشن، و با آنچه گفتید، به سراغ شما آمدند، پس اگر راستگو هستید، چرا آنان را کشتید؟! « (183)
و اگر تو را تکذیب کردند، پس بیقین پیش از تو (نیز) فرستادگانی تکذیب شدند، که دلیل‌های روشن (معجزه آسا) و نوشته‌های متین و کتاب روشنی بخش، آورده بودند. (184)
هر شخصی چشنده مرگ است؛ و فقط در رستاخیز، پاداش‌هایتان بطور کامل به شما داده خواهد شد؛ و هر کس از آتش، بتدریج دور شده، و به بهشت در آورده شود، پس بیقین کامیاب شده است و زندگی پست (دنیا)، جز کالای فریبنده، نیست. (185)
مسلماً در مورد مال‌هایتان و جان‌هایتان، آزمایش می‌شوید؛ و قطعاً از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب (الهی) داده شده، و از کسانی که شرک ورزیدند، [سخنان آزار دهنده فراوانی خواهید شنید. و اگر شکیبایی ورزید و [خودتان را] حفظ کنید، پس در حقیقت این [حاکی از تصمیم استوار (شما در) کارهاست. (186)
ترجمه قرآن، ص: 75
و (یاد کنید) هنگامی را که خدا، از کسانی که به آنان کتاب (الهی) داده شده، پیمان محکم گرفت، که حتماً آن را برای مردم روشن نمایید، و

پنهانش مَکنید؛ و [لی آن را پشت سرشان افکندند؛ و آن را به بهای اندکی فروختند؛ و چه بد چیزی می‌خرند! (187)
هرگز مپندار کسانی که بدانچه انجام داده‌اند، شادی می‌کنند، و دوست دارند که بخاطر آنچه انجام نداده‌اند، ستایش شوند، پس هرگز مپندار که برای آنان نجاتی از عذاب است، و حال آنکه برایشان، عذابی دردناک است! (188)
و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین، فقط برای خداست؛ و خدا بر هر چیزی تواناست. (189)
قطعاً در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و پی در پی آمدن شب و روز، نشانه‌هایی برای خردمندان است. (190)
(همان) کسانی که [در حال ایستاده و نشسته، و بر پهلوهایشان [آرمیده ، خدا را یاد می‌کنند؛ و در آفرینش آسمان‌ها و زمین تفکّر می‌کنند؛ (در حالی که می‌گویند: ای) پروردگار ما! این [ها] را بیهوده نیافریده‌ای؛ منزّهی تو؛ پس ما را از عذابِ آتش، حفظ کن! (191)
[ای پروردگار ما! در واقع هر که را تو، به آتش در آوری، پس بیقین رسوایش کرده‌ای؛ و هیچ یاوری برای ستمکاران نیست. (192)
[ای پروردگار ما! در واقع ما (صدای) دعوتگری را شنیدیم که به ایمان فرا می‌خواند، که:» به پروردگارتان، ایمان آورید. «پس ایمان آوردیم. [ای پروردگار ما! پس پیامد (گناهان) ما را برای ما بیامرز؛ و بدی‌های ما را از ما بِزُدای؛ و ما را با نیکان (و در زُمره آنان) بمیران. (193)
[ای پروردگار ما! و آنچه را بواسطه فرستادگانت به ما وعده فرموده‌ای، به ما عطا کن؛ و ما را در روز رستاخیز رسوا مگردان؛ [چرا] که تو از وعده [ات تخلّف نمی‌کنی. (194)
ترجمه قرآن، ص: 76
پس پروردگار آنان، (دعای) شان را پذیرفت؛ به اینکه (فرمود:) من عمل هیچ عمل کننده‌ای از شما را، از مرد یا زن، تباه نخواهم کرد؛ که برخی از شما از برخی (دیگر) هستند، و کسانی که هجرت کرده، و از خانه‌هایشان بیرون رانده شده، و در راه من آزار دیده، و پیکار کرده و کشته شده‌اند، قطعاً بدی‌هایشان را از آنان می‌زُدایم؛ و حتماً آنان را در باغ‌های (بهشتی) وارد می‌کنم، که از زیر [درختان ش نهرها روان است؛ (این) پاداشی از جانب خداست. و خدا پاداش نیکویی، نزد اوست. (195)
هرگز، رفت و آمدِ کافران در شهرها، تو را نفریبد! (196)
[این کالای اندکی است؛ سپس مقصدشان جهنّم است، و چه بد بستری است! (197)
لیکن کسانی که [خودشان را] از (عذاب) پروردگارشان حفظ می‌کنند، برایشان باغ‌های (بهشتی) است، که از زیر [درختان ش نهرها روان است،

در حالی که در آنجا ماندگارند؛ (این نخستین) پذیرایی از جانب خداست؛ و آنچه در نزد خداست، برای نیکان بهتر است. (198)
و مسلماً از اهل کتاب، کسانی هستند که به خدا، و آنچه به سوی شما فرو فرستاده شده، و آنچه به سویشان فرو فرستاده شده، ایمان دارند؛ در حالی که برای خدا فروتنند؛ [و] آیات خدا را با بهای اندکی نمی‌فروشند. آنان برایشان، پاداش آنان، نزد پروردگارشان است. که خدا، حسابرسی سریع است. (199)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شکیبا باشید؛ و [در برابر دشمنان شکیبایی ورزید و نگهبان مرزها باشید، و [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید، باشد که شما رستگار شوید. (200)
ترجمه قرآن، ص: 77

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
ای مردم! [خودتان را] از [عذاب پروردگارتان حفظ کنید، (همان) کسی که شما را از یک شخص آفرید؛ و از او همسرش را آفرید، و از آن دو، مردان و زنان فراوانی منتشر ساخت. و [خودتان را] از [عذاب خدایی که به (نام) او از همدیگر درخواست می‌کنید، حفظ کنید. و [خودتان را از ضرر قطع رابطه با] خویشاوندان [حفظ کنید، چرا] که خدا همواره بر شما نگهبان است. (1)
و اموال یتیمان را به آنان بدهید؛ و (مال) پلید را، با (مال) پاکِ [نیکو] عوض نَکنید؛ و اموالِ آنان را همراه اموالتان نخورید، [چرا] که این گناهی بزرگ است! (2)
و اگر می‌ترسید که دادگری را، در (مورد ازدواج دختران) یتیم رعایت نکنید، پس آنچه از زنان، دلخواهتان است، دو دو و (یا) سه سه و (یا) چهار چهار، به زنی بگیرید. و اگر می‌ترسید عدالت را رعایت نکنید، پس (به) یک (همسر)، یا آنچه (از کنیزان) مالک شده‌اید، (اکتفا کنید.) این [کار]، به (عیال‌وار نشدن و ستم نکردن و) منحرف نشدن نزدیک‌تر است. (3)
و مَهریه‌های زنان را (به عنوان هدیه یا) بدهی به آنان بپردازید؛ و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما [ببخشند]، آن را گوارا (و پاک و) دلچسب بخورید. (4)
اموالتان را، که خدا (وسیله) قِوامِ (زندگی) شما قرار داده، به سبک‌سران مَدهید؛ و [لی از (فواید) آن، به آنها روزی دهید؛ و لباس بر آنان بپوشانید و با آنان سخنی پسندیده بگویید. (5)
و یتیمان را بیازمایید تا وقتی به (سن) ازدواج برسند، پس اگر از آنان هدایت (و رشد فکری و تجربی) یافتید، پس اموالشان را به آنان بدهید. و آن را [از بیم آنکه مبادا] بزرگ شوند، با زیاده‌روی و شتاب مَخورید. و هر کس که توانگر است، پس باید (از گرفتن اجرت سرپرستی) خودداری کند؛ و کسی که نیازمند است، پس بطور پسندیده (مطابق عرف از آن مال) بخورد. و هر گاه که اموالشان را به آنان باز می‌گردانید، پس بر ایشان گواه بگیرید؛ و حسابرسیِ خدا کافی است. (6)
ترجمه قرآن، ص: 78
برای مردان، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان (آنان) بر جای گذاشته‌اند، سهمی است؛ و برای زنان (نیز) از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان (آنان) بر جای گذاشته‌اند، سهمی است؛ چه آن [میراث ، کم باشد یا زیاد؛ [در حالی که این سهمی تعیین شده است. (7)

و اگر هنگام تقسیم (ارث)، نزدیکان و یتیمان و بینوایان، حاضر شدند، پس [چیزی از آن، به آنها روزی دهید؛ و با آنان سخنی پسندیده گویید. (8)
و کسانی که اگر (بر فرض) نسل کم‌توانی بعد از خودشان بر جای گذارند، بر (آینده) آنان می‌ترسند، باید (از ستم در باره یتیمان مردم نیز) بهراسند؛ پس باید خودشان را از (عذاب) خدا حفظ کنند، و باید سخنی استوار گویند. (9)
در حقیقت کسانی که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند، جز این نیست که آتشی در درونشان می‌خورند. و بزودی در شعله فروزان (آتش) در آیند [و بسوزند.] (10)
خدا به شما در باره فرزندانتان سفارش می‌کند که: برای پسر، همچون بهره (و سهام ارث) دو دختر باشد؛ و اگر آن (وارث) ان دخترانی (دو یا) بیش از دو باشند، پس دو سوّم میراث، فقط برای آنان است؛ و اگر (وارث) یک [دختر] باشد، پس نیمی (از میراث) فقط برای اوست. و برای پدر و مادرش یک ششم میراث، فقط برای هر یک از آن دو (مقرر شده،) اگر برای آن (متوفّی) فرزندی باشد؛ و اگر فرزندی برایش نبوده باشد، و (تنها) پدر و مادرش از او ارث برند، پس یک سوم (میراث) فقط برای مادرش است. و اگر برایش برادرانی باشد، پس یک ششم (میراث) فقط برای مادرش است (و بقیّه از آنِ پدر است؛ البتّه همه اینها،) بعد از (انجامِ) وصیتی است که بدان سفارش کرده، یا بدهی (که باید پرداخت شود.- شما) نمی‌دانید پدران (و مادران) تان و فرزندانتان، کدام یک سود (شان) برای شما نزدیک‌تر است.- [این حکمِ واجبی، از جانب خداست؛ [چرا] که خدا، دانای فرزانه است. (11)
ترجمه قرآن، ص: 79
و نصفِ میراث همسرانتان فقط برای شماست، اگر برای شان فرزندی نبوده باشد؛ و اگر برایشان فرزندی باشد، پس یک چهارم میراثشان فقط برای شماست؛ پس از (انجامِ) وصیتی که بدان سفارش کرده‌اند، یا بدهی (که باید پرداخت شود.) و یک چهارمِ میراثتان فقط برای آن [زن ان است، اگر فرزندی برای شما نبوده باشد؛ و اگر برای شما فرزندی باشد، پس یک هشتم میراثتان فقط برای آن [زن ان است؛ بعد از (انجامِ) وصیتی که بدان سفارش کرده‌اید، یا بدهی (که باید پرداخت شود.) و اگر مردی یا زنی در حالی که کَلاله (یعنی بی فرزند و بدون پدر و مادر) باشد (از او) ارث برده شود و برایش برادر یا خواهر (مادری) باشد، پس یک ششم (میراث) فقط برای هر یک از آن دو است؛ و اگر (آنان) بیش از این (یک خواهر یا برادر) باشند، پس آنان در یک سوّم (میراث) شریکند؛ پس از (انجام) وصیتی که بدان سفارش کرده، یا بدهی (که باید پرداخت شود)، در حالی که (آن وصیت کننده) ضرر زننده نباشد. [این سفارشی از جانب خداست؛

و خدا دانایی بردبار است. (12)
اینها مرزهای خداست؛ و هر کس خدا و فرستاده‌اش را اطاعت کند، وی را در بوستان‌های (بهشتی) در آورد، که از زیر [درختان ش نهرها روان است؛ در حالی که در آن ماندگارند. و این، کامیابی بزرگ است. (13)
و هر کس که نا فرمانیِ خدا و فرستاده‌اش را نماید و از مرزهایش تعدّی کند، او را در آتشی وارد می‌کند که در آنجا ماندگار است؛ و برایش عذابی خوار کننده است. (14)
ترجمه قرآن، ص: 80
و از زنان شما کسانی که مرتکب [کار] زشت [زنا] شوند، پس چهار نفر از خودتان (مسلمان‌ها) بر آنان گواه گیرید؛ و اگر گواهی دادند، پس آن [زن ان را در خانه‌ها (یِ خود) بازداشت کنید، تا مرگ کاملاً آنان را فراگیرد؛ یا خدا، راهی برای آنان قرار دهد. (15)
و از میان شما، آن دو (مرد و زنی) که مرتکب آن [عمل زشت شوند، پس آزارشان دهید؛ و اگر توبه نمودند، و (گذشته را جبران و خویش را) اصلاح کردند، پس از آنان روی گردانید؛ [چرا] که خدا، بسیار توبه‌پذیر [و] مهرورز است. (16)
تنها پذیرش توبه کسانی بر خدا لازم است که از روی جهالت [کار] بدی انجام می‌دهند، سپس بزودی توبه می‌کنند؛ و اینانند که خدا، توبه‌شان را می‌پذیرد؛ و خدا دانایی فرزانه است. (17)
و توبه (پذیرفته) نیست، برای کسانی که [کارهای بد انجام می‌دهند، تا هنگامی که مرگ یکی از آنان فرا رسد، می‌گوید:» براستی من اکنون توبه کردم. «و نه (برای) کسانی که در حالِ کفرشان می‌میرند؛ آنان (ند که) برای شان عذابی دردناک فراهم کرده‌ایم. (18)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای شما جایز نیست که زنان را بر خلاف میل (شان) ارث ببرید. و بر آنان سخت‌گیری نکنید، تا بخشی از آنچه (مهریه) به آنان داده‌اید، (از دستشان به در) برید؛ مگر آنکه زشتکاری آشکاری انجام دهند. و با آنان، بطور پسندیده رفتار کنید. و اگر آنان، ناخوشایندتان بودند، پس (فوراً تصمیم به جدایی نگیرید،) چه بسا چیزی ناخوشایند شماست، و خدا در آن خیر فراوانی قرار می‌دهد. (19)
ترجمه قرآن، ص: 81
اگر خواستار جایگزینی همسری به جای همسر (خود) شدید، و به یکی از آنان مال فراوانی (بعنوان مهر) پرداخته‌اید، پس هیچ چیزی از آن را (باز) مَگیرید. آیا آن [مهر] را با تهمت و گناهی آشکار (باز پس) می‌گیرید؟ (20)
و چگونه آن [مهر] را می‌گیرید، و حال آنکه برخی از شما به برخی [دیگر] کام داده‌اید! و آنان از شما (در هنگام ازدواج،) پیمانِ محکمِ شدیدی گرفته‌اند؟ (21)

و زنانی را که پدرانتان به ازدواج (خود) در آورده‌اند، به همسری نگیرید؛ مگر آنچه که بتحقیق در گذشته انجام شده است؛ [چرا] که آن، زشتکاری و کینه (ساز) و بد راهی است. (22)
بر شما حرام شده است، (ازدواج با) مادرانتان، و دخترانتان، و خواهرانتان، و عمه‌هایتان، و خاله‌هایتان، و دخترانِ برادر، و دخترانِ خواهر، و مادران (رضاعی) تان که شما را شیر داده‌اند، و خواهران رضاعی شما، و مادران همسرانتان، و دختران همسرتان که در دامان شما [پرورش یافته‌اند،] از همسرانتان که با آنان همبستر شده‌اید؛- و اگر با آنان همبستر نشده‌اید، پس بر شما هیچ گناهی نیست (که با دخترانشان ازدواج کنید)- و (نیز حرام است بر شما ازدواج با) همسران پسرانتان که از پشت (و نسل) شما هستند، و اینکه بین دو خواهر (در ازدواج) جمع کنید؛ مگر آنچه که بتحقیق در گذشته واقع شده؛ [چرا] که خدا، بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (23)
ترجمه قرآن، ص: 82
و زنان شوهردار (نیز بر شما حرام است؛) مگر آنچه (از کنیزان) که مالک شده‌اید. (این احکامی است که) خدا بر شما مقرّر داشته است. و غیر از این (زنانِ نامبرده)، برای شما حلال است، که با اموالتان آنان را طلب کنید؛ در حالی که پاکدامنانِ غیر زشتکار (غیر زناکار) باشید. و کسانی از زنان را که (با مُتعه و ازدواجِ موقت) از او بهره می‌برید، پس مَهرشان را، در حالی که واجب شده، به آنان بدهید. و هیچ گناهی بر شما نیست در آنچه، بعد از وجوب (مَهر)، با یکدیگر در موردش توافق کردید؛ براستی که خدا، دانای فرزانه است. (24)
و هر کس از شما که از نظر مالی توانایی ندارد که با زنان پاکدامنِ [آزادِ] مؤمن ازدواج کند، پس از دختران جوانسال مؤمنتان که مالک شده‌اید، (به ازدواج خویش در آورد.)- و خدا به ایمان شما آگاه‌تر است- برخی از شما از برخی [دیگر] ید، پس آنان را با رخصت خانواده‌شان به همسری در آورید، و مَهرشان را به طور پسندیده (طبق عرف، به خود) ایشان بدهید؛ (به شرط آنکه) پاکدامنانِ غیر زشتکار (غیر زناکار) باشند، و دوستان پنهانی نگیرند. و هنگامی که شوهردار شدند، پس اگر مرتکب [کار] زشت (زنا) شدند، پس بر آنان نیمی از عذاب (و مجازاتی) است که بر زنان پاکدامن (آزاد) است. این (ازدواج با کنیزان)، برای کسی از شماست که از به زحمت افتادن (و گناه کردن خویش) هراسناک باشد. و [لی شکیبایی کردن برای شما بهتر است؛ و خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (25)
خدا می‌خواهد (این قوانین را) برای شما روشن بیان کند، و شما را به روش‌های (صحیح) کسانی که پیش از شما بودند، رهنمون شود؛ و توبه شما را بپذیرد؛ و خدا دانای فرزانه است. (26)

ترجمه قرآن، ص: 83

خدا می‌خواهد توبه شما را بپذیرد؛ و [لی کسانی که پیرو شهواتند، می‌خواهند که [شما] با انحرافی بزرگ منحرف شوید. (27)

خدا می‌خواهد که به شما تخفیف دهد، و (این بدان سبب است که) انسان، کم‌توان آفریده شده است. (28)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموالتان را در میان خودتان به ناحق مَخورید؛ مگر اینکه داد و ستدی با رضایت [طرفین شما (انجام گرفته) باشد. و خودتان را نکشید؛ [چرا] که خدا نسبت به شما مهرورز است. (29)

و هر کس این [اعمال را از روی تجاوز و ستم انجام دهد، پس بزودی او را در آتشی وارد خواهیم ساخت (و می‌سوزانیم)؛ و این [کار] بر خدا آسان است. (30)

اگر از گناهان بزرگی که از آن [ها] منع می‌شوید، دوری کنید، بدی‌هایتان را از شما می‌زداییم، و شما را در جایگاه ارجمندی وارد می‌سازیم. (31)

و آنچه را خدا به سبب آن، برخی از شما را بر برخی [دیگر]، برتری داده، آرزو مَکنید. برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است. و برای زنان [نیز] از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است؛ و خدا را از (ناحیه بخشش و) فضلش درخواست کنید، که خدا به هر چیزی داناست. (32)

و از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان، و کسانی که شما (با آنان) پیمان بسته‌اید، بر جای گذاشته‌اند، برای هر یک (از مردان و زنان) وارثانی قرار دادیم، پس سهمشان را به ایشان بپردازید؛ [چرا] که خدا بر هر چیزی گواه است. (33)

ترجمه قرآن، ص: 84

مردان، [مایه پایداری زنانند؛ بخاطر آنکه خدا برخی آنان را بر برخی [دیگر] برتری داد، و بخاطر آنچه از اموالشان (در مورد زنان) هزینه می‌کنند. و زنانِ شایسته فرمانبردارانی فروتنند، که به پاس آنچه خدا [برای آنان حفظ کرده، در غیاب (همسر خود، اسرار و حقوق او را،) نگهبانند. و زنانی را که از نافرمانی شان ترس دارید، پس پندشان دهید؛ و (اگر مؤثر واقع نشد،) در خوابگاه‌ها از ایشان دوری گزینید؛ و (اگر هیچ راهی نبود، به آهستگی و به قصد تأدیب) آنان را بزنید. و اگر از شما اطاعت کردند، پس هیچ راهی بر (ای تعدّی به) آنان مَجویید؛ که خدا بلند مرتبه‌ای بزرگ است. (34)

و اگر از جدایی میان آن دو (همسر) می‌ترسید، پس داوری از خانواده آن (شوهر)، و داوری از خانواده آن (زن تعیین کنید و) بفرستید؛ اگر این دو [داور]، تصمیم به اصلاح داشته باشند، خدا میان آن دو سازگاری خواهد داد؛ براستی که خدا، دانای آگاه است. (35)

و خدا را بپرستید؛ و هیچ چیز را با او شریک مگردانید؛ و نیکی کنید به پدر و

مادر، و به نزدیکان و یتیمان و بینوایان، و همسایه نزدیک، و همسایه دور، و دوست [و همنشین ، و در راه مانده و آنچه (از بردگان) که شما مالک هستید؛ که خدا کسی را که متکبّرِ خیال‌پرداز [و] فخر فروش است، دوست نمی‌دارد. (36)
[همان کسانی که بُخل می‌ورزند، و مردم را به بُخل فرمان می‌دهند، و آنچه را خدا از بخشش خود به آنان داده، پنهان می‌کنند. و برای کافران، عذابی خوار کننده آماده کرده‌ایم. (37)
ترجمه قرآن، ص: 85
و [همان کسانی که اموالشان را برای نشان دادن به مردم انفاق می‌کنند، و به خدا و روز بازپسین ایمان نمی‌آورند. و هر کس شیطان همنشین او باشد، پس (شیطان) همنشین بدی است. (38)
و چه [زیانی برای شان داشت، اگر (بر فرض) به خدا و روز بازپسین ایمان می‌آوردند، و از آنچه خدا روزیشان داده، (در راه او) مصرف می‌کردند؟! و خدا به (احوال) آنان داناست. (39)
براستی که خدا (به اندازه) سنگینی ذرّه‌ای ستم نمی‌کند؛ و اگر (آن ذرّه) کار نیکی باشد، آن را دو [یا چند] برابر می‌کند؛ و از نزد خویش، پاداشی بزرگ می‌دهد. (40)
و [حال آنان چگونه است آنگاه که از هر امّتی، گواهی می‌آوریم، و تو را [نیز] بر آنان گواه آوریم؟! (41)
در آن روز، کسانی که کفر ورزیده‌اند، و فرستاده (خدا) را نا فرمانی کرده‌اند، آرزو می‌کنند، که آنان با (خاکِ) زمین یکسان می‌شدند؛ و (با آن همه گواهان،) هیچ سخنی را از خدا پوشیده نمی‌دارند. (42)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حالی که شما مست هستید، به (مسجد و) نماز نزدیک نشوید، تا بدانید چه می‌گویید؛ و (همچنین) در حال جنابت (به نماز و مسجد وارد نشوید.) تا غسل کنید- مگر اینکه (مسافر و) رهگذر باشید- و اگر بیمارید، یا در مسافرتید، [و] یا یکی از شما، از مکان پست (دستشویی) آمد، و یا با زنان تماس (جنسی) داشتید، و آبی (برای وضو یا غسل) نیافتید، پس بر زمین پاکِ (نیکو) تیمّم کنید؛ و بر چهره‌هایتان و دست‌هایتان بکشید؛ براستی خدا، بسیار بخشنده [و] بسیار آمرزنده است. (43)
آیا نظر نمی‌کنی به سوی کسانی که بهره‌ای از کتاب [خدا] به آنان داده شده است؟ در حالی که گمراهی را می‌خرند، و می‌خواهند که [شما نیز] راه را گم کنید. (44)
ترجمه قرآن، ص: 86
و خدا به [حال دشمنان شما داناتر است؛ و سرپرستی خدا (برای شما) کافی است؛ و یاوری خدا (شما را) کفایت می‌کند. (45)

برخی از آنان که یهودی‌اند، سخنان را از جایگاه‌هایش می‌گردانند، و در حالی که زبانشان را می‌پیچانند، و به دین (اسلام) طعنه می‌زنند، می‌گویند:» شنیدیم و نافرمانی کردیم. و (نیز می‌گویند:) بشنو، در حالی که غیر شنونده‌ای! و (به قصد توهین می‌گویند:) راعِنا (که به معنای» ما را احمق کن «است.) «و اگر (بر فرض) آنان می‌گفتند:» شنیدیم و اطاعت کردیم؛ و (سخنان ما را) بشنو و به ما مهلت بده (تا حقایق را درک کنیم.) «حتماً برایشان بهتر و پایدارتر بود. و لیکن خدا، آنان را بخاطر کفرشان، از رحمت خود دور ساخته است؛ از این رو جز اندکی ایمان نمی‌آورند. (46)
ای کسانی که کتاب [خدا] به شما داده شده است! به آنچه فرو فرستادیم، در حالی که مؤید (همان) چیزی است که با شماست، ایمان آورید، پیش از آنکه چهره‌هایی را محو کنیم، و آنها را به قهقرا باز گردانیم، یا آنها را از رحمت خود دور سازیم، همان گونه که» اصحاب سَبْت « (گروهی از یهود که در روز شنبه نافرمانی کردند) را از رحمت خود دور ساختیم؛ و فرمان خدا انجام یافته است. (47)
مسلماً خدا شرک ورزیدن به او را نمی‌آمرزد؛ و [گناهان پایین‌تر از آن را برای هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می‌آمرزد؛ و هر کس به خدا شرک ورزد، پس بیقین گناه بزرگی را بر بافته است. (48)
آیا نظر نمی‌کنی به سوی کسانی که خودشان را (پاک و) رشد یافته می‌شمارند (و خودستایی می‌کنند)؟! بلکه خدا هر کس را بخواهد، رشد می‌دهد (و پاک می‌گرداند)؛ و کمترین ستمی بر آنان نخواهد شد. (49)
بنگر چگونه بر خدا دروغ می‌بندند! و این گناه آشکار (دروغ‌پردازی، برای مجازات آنان) کافی است. (50)
آیا نظر نمی‌کنی به سوی کسانی که بهره‌ای از کتاب [خدا] به آنان داده شده، در حالی که به معبود (ان بت گونه) و (بت پرستان) طغیانگر ایمان می‌آورند، و در باره کسانی که کفر ورزیدند، می‌گویند:» آنان، از کسانی که ایمان آورده‌اند، راهی هدایت یافته‌تر دارند «؟! (51)
ترجمه قرآن، ص: 87
آنان کسانی هستند که خدا، از رحمت خود دورشان ساخته است؛ و خدا هر کس را از رحمت خود دور سازد، پس هیچ یاوری برای او نخواهی یافت. (52)
آیا آن (یهودی) ان سهمی از فرمانروایی [و قضاوت دارند؟ (اگر چنین بود) پس در آن صورت کمترین چیزی به مردم نمی‌دادند. (53)
یا اینکه نسبت به مردم [پیامبر و اهل بیتش ، بر آنچه خدا از فضلش به آنان عطا کرده، رشک می‌ورزند؟! و بیقین [ما] به خاندان ابراهیم، (که یهود از آنها هستند نیز،) کتاب [الهی و حکمت دادیم؛ و فرمانروایی بزرگی به آنان عطا کردیم. (54)

و [لی برخی از آنان کسانی هستند که به آن ایمان آوردند، و برخی از آنان کسانی هستند که (راه مردم را) بر آن بستند؛ و (برای مجازات آنها) شعله فروزان (آتش) جهنّم کافی است! (55)
براستی کسانی که به آیات ما کفر ورزیدند، آنان را در آینده به آتشی وارد می‌کنیم (و می‌سوزانیم) که هر گاه پوست‌هایشان (در آن) بریان گردد (و بسوزد)، پوست‌هایی غیر از آنها بر جایش نهیم، تا عذاب (الهی) را بچشند؛ بدرستی که خدا، شکست‌ناپذیری فرزانه است. (56)
و کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، بزودی آنان را در بوستان‌های (بهشتی) وارد می‌کنیم که از زیر [درختان ش نهرها روان است؛ در حالی که جاودانه در آن ماندگارند؛ [و] در آنجا همسرانی پاکیزه برایشان خواهد بود؛ و آنان را در سایه‌ای پایدار (و فرح بخش) وارد می‌کنیم. (57)
براستی خدا به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به اهلش رد کنید؛ و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید. در حقیقت نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند می‌دهد؛ بدرستی که خدا، شنوای بیناست. (58)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید؛ و فرستاده [خدا] و صاحبان امر (خود) تان را اطاعت نمایید. و اگر در چیزی با همدیگر اختلاف کردید، پس آن را به خدا و فرستاده (اش) ارجاع دهید (و از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، این (کار) بهتر و فرجام (ش) نیکوتر است. (59)
ترجمه قرآن، ص: 88
آیا نظر نمی‌کنی به سوی کسانی که گمان می‌کنند، که آنان به آنچه بر تو فرو فرستاده شده و آنچه پیش از تو فرود آمده، ایمان آورده‌اند، (و با این حال) می‌خواهند که داوری میان خود را به سوی (حاکمان) طغیانگر برند؟! با اینکه یقیناً به آنان فرمان داده شده، که به او کفر ورزند. و [لی شیطان می‌خواهد به گمراهی دور دستی، گمراهشان سازد. (60)
و هنگامی که به آنان گفته شود:» به سوی آنچه خدا فرود آورده، و به سوی فرستاده (اش) بیایید. «منافقان را می‌بینی که کاملاً از تو روی بر می‌تابند. (61)
پس چگونه، وقتی به خاطر دستاورد پیشین‌شان، مصیبتی به آنان در رسد، پس از مدتی نزد تو می‌آیند، در حالی که به خدا سوگند یاد می‌کنند، که ما جز نیکی کردن و توافق (میان طرفین نزاع،) اراده‌ای نداشتیم؟! (62)
آنان کسانی هستند که خدا، آنچه را در دل‌هایشان دارند، می‌داند، پس از (مجازاتِ) آنان روی گردان؛ و پندشان ده؛ و با آنان سخنی رسا، (و مؤثر) در دل‌هایشان، بگوی. (63)

و ما هیچ فرستاده‌ای را نفرستادیم، مگر برای اینکه به رخصت خدا، اطاعت شود. و اگر (بر فرض) آن (منافق) ان هنگامی که به خودشان ستم کردند، نزد تو می‌آمدند، و از خدا آمرزش می‌خواستند، و فرستاده [ما نیز] برای آنان طلب آمرزش می‌کرد، حتماً خدا را بسیار توبه‌پذیر [و] مهرورز می‌یافتند. (64)
و [لی چنین نیست، به پروردگارت سوگند! که آنها ایمان (حقیقی) نخواهند آورد، تا اینکه در مورد آنچه در میانشان اختلاف کردند، تو را داور گردانند؛ سپس از داوری تو در جانشان هیچ (دل) تنگی نیابند، و کاملاً تسلیم شوند. (65)

و اگر (بر فرض) ما بر آنان مقرّر می‌کردیم که:» خودتان را بکشید. «یا» از خانه‌هایتان بیرون روید. «جز اندکی از آنان بدان عمل نمی‌کردند. و اگر (بر فرض) آنان آنچه را که بدان پند داده می‌شدند، انجام می‌دادند، حتماً برایشان بهتر و با ثبات‌تر بود. (66)
و در این صورت، حتماً از نزد خودمان پاداش بزرگی به آنان می‌دادیم. (67)
و مسلماً آنان را به راهی راست، راهنمایی می‌کردیم. (68)
و کسانی که خدا و فرستاده [اش را اطاعت کنند، پس ایشان با کسانی، که خدا به آنان نعمت داده، از پیامبران و راستگویان و شهیدان و شایستگان (همنشین) خواهند بود؛ و آنان چه نیکو رفیقانی هستند. (69)
این بخشش از [جانب خداست؛ و آگاهی خدا (از حال بندگان) کافی است. (70)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آمادگی‌تان را (در برابر دشمن حفظ کنید و اسلحه‌تان را) بر گیرید، و گروه گروه (برای جهاد) بسیج شوید، یا دستجمعی (برای کارزار) بسیج شوید. (71)
و قطعاً در میان شما، فردی (منافق) است که کُندی به خرج می‌دهد، و اگر مصیبتی به شما رسد، گوید:» بیقین خدا به من نعمت داد که با آنان شهید نشدم. (72)
و اگر بخشش (و غنیمت) ی از جانب خدا به شما رسد، بیقین می‌گویند:» ای کاش من با آنان بودم، و به کامیابی بزرگی نائل می‌شدم! «گویا بین شما و بین او هیچ دوستی‌ای نبوده است. (73)
و کسانی که زندگی پست (دنیا) را با آخرت مبادله کرده‌اند، باید در راه خدا بجنگند. و هر کس که در راه خدا بجنگد، و کشته [و شهید] شود یا پیروز گردد، پس در آینده پاداش بزرگی به او خواهیم داد. (74)

و شما را چه شده، که در راه خدا، و [در راه نجات مردان و زنان و

کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، جنگ نمی‌کنید؟! [همان کسانی که می‌گویند:» [ای پروردگار ما! از این آبادی (مکه)، که مردمش ستمگرند، ما را بیرون ببر؛ و از طرف خویش، برای ما سرپرست (و رهبر) ی تعیین فرما؛ و از جانب خویش، یاوری برای ما قرار ده. « (75)
کسانی که ایمان آورده‌اند، در راه خدا جنگ می‌کنند؛ و آنان که کفر ورزیدند، در راه طغیانگر (ان و بت‌ها) پیکار می‌کنند. پس با یاران شیطان، پیکار کنید؛ [چرا] که نیرنگ شیطان، ضعیف است. (76)
آیا نظر نمی‌کنی به سوی کسانی که (در مکّه) به آنان گفته شد:» (فعلًا از جهاد) دست نگهدارید؛ و نماز را به پا دارید؛ و [مالیاتِ] زکات بپردازید. «و [لی هنگامی که (در مدینه) جنگ (و جهاد) بر آنان مقرر شد، بناگاه دسته‌ای از آنان، از مردم می‌هراسیدند، همانند هراسیدن از خدا یا هراسیدن شدیدتر. و گفتند:» [ای پروردگار ما! چرا جنگ (و جهاد) را بر ما مقرّر داشتی؟! چرا (این فرمان را از) ما تا سرآمد نزدیکی تأخیر نینداختی؟! « (به آنها) بگو:» کالای دنیا، اندک است؛ و برای کسی که خودنگهدار باشد (نعمت‌های) آخرت، بهتر است؛ و کمترین ستمی، به شما نخواهد شد. « (77)
هر کجا باشید، مرگ شما را در می‌یابد؛ و اگر چه در برج‌های استوار [و مرتفع باشید. و اگر (پیشامد) خوبی به آن (ساده دلان یا منافق) ان در رسد، می‌گویند:» این، از طرف خداست. «و اگر (حادثه) بدی به آنان در رسد، می‌گویند:» این از جانب توست. «بگو:» همه [اینها] از طرف خداست. «و این گروه را چه شده است که به فهم عمیق سخن نزدیک نیستند؟! (78)
هر چه از خوبی به تو می‌رسد، پس از خداست؛ و هر چه از بدی به تو می‌رسد، پس از خود توست. و تو را به رسالت برای مردم فرستادیم؛ و گواهی خدا (در این باره) کافی است. (79)
ترجمه قرآن، ص: 91
هر که از فرستاده [خدا] اطاعت کند، پس بیقین خدا را فرمان برده است. و هر کس روی برتابد، پس تو را (به عنوان) نگهبان [مستمر] برایشان نفرستادیم. (80)
و (منافقان) می‌گویند:» فرمانبردار [یم ؛ « [ولی هنگامی که از نزد تو بیرون می‌روند، گروهی از آنان شبانه، بر خلاف آنچه تو می‌گویی تدبیر می‌کنند، و خدا آنچه را شبانه تدبیر می‌کنند، می‌نگارد. پس از آنان روی گردان، و بر خدا توکّل کن؛ و کارسازی خدا کافی است. (81)
و آیا در قرآن تدبّر نمی‌کنند؟ و اگر (بر فرض) از طرف غیر خدا بود، حتماً در آن اختلاف فراوانی می‌یافتند. (82)
و هنگامی که خبری (حاکی) از ایمنی یا ترس به آن [منافق ان برسد،

منتشرش سازند، و [لی اگر (بر فرض) آن را به فرستاده [خدا] و به اولیای امر از بینشان، ارجاع دهند، از میان آنان کسانی که آن را استنباط می‌کنند، حتماً به (درستی و نادرستی) آن آگاهی دارند. و اگر بخشش خدا و رحمتش بر شما نبود، مسلماً جز اندکی (از شما، همگی) از شیطان پیروی می‌کردید. (83)
پس (ای پیامبر) در راه خدا جنگ کن! و جز خودت مکلّف نیستی. و [لی مؤمنان را (بر جهاد) برانگیز؛ امید است خدا از قدرت کسانی که کفر ورزیدند، جلوگیری کند. و خدا قدرت بیشتر، و مجازات شدیدتری دارد. (84)
هر کس به صورت وساطت نیکویی (در کار خیر) واسطه شود، بهره‌ای از آن برایش خواهد بود؛ و هر کس به صورت وساطت بدی (در کاری) واسطه شود، برایش سهمی از آن خواهد بود؛ و خدا بر هر چیزی، نگهدار و حسابگر است. (85)
و هر گاه با زنده بادی به شما زنده باد گفته شود (و به شما سلام یا اظهار محبت نمایند،) پس بهتر از آن، زنده باد گویید (و پاسخ بهتری به محبت‌ها دهید)، و یا (همانند) آن را پاسخ دهید، که خدا بر هر چیزی حسابگر است. (86)
ترجمه قرآن، ص: 92
خدا، هیچ معبودی جز او نیست؛ بیقین، در روز رستاخیز- که هیچ تردیدی در آن نیست- شما را جمع خواهد کرد. و چه کسی از خدا، در سخن راستگوتر است؟! (87)
و شما را چه شده، که در مورد (جنگ با) منافقین دو دسته شده‌اید؟! و حال آنکه خدا آنان را بخاطر دستاوردشان سرنگون کرده است. آیا می‌خواهید کسی را که خدا در گمراهی [اش، وا] نهاده است، راهنمایی کنید؟! و هر که را خدا در گمراهی (اش، وا) نهاد، پس هیچ راهی برای (هدایت) او نخواهی یافت. (88)
[منافقان آرزو دارند، که [شما] کافر شوید، همانگونه که [خود] کفر ورزیدند، و مساوی یکدیگر شوید. بنابراین، از میان آنان دوستانی مگیرید، تا اینکه در راه خدا هجرت نمایند. و اگر (از هجرت) روی برتافتند، پس هر کجا آنان را یافتید، ایشان را (به اسارت) بگیرید، (و در صورت ضرورت) آنان را بکشید. و از بین آنان، هیچ دوست و یاوری مگیرید. (89)
مگر کسانی که بپیوندند به گروهی، که میان شما و میان آنان پیمان محکمی است، یا نزد شما بیایند، در حالی که [بیقین سینه‌های آنان از پیکار با شما یا پیکار با قومشان، به تنگ آمده است. و اگر (بر فرض) خدا می‌خواست، قطعاً آنان را بر شما مسلّط می‌کرد، و حتماً با شما پیکار می‌کردند. پس اگر از شما کناره‌گیری کرده و با شما پیکار ننموده‌اند، و با

شما طرح صلح افکندند، پس خدا هیچ راهی برای (تعدّی) شما بر آنان قرار نداده است. (90)
بزودی (گروه) دیگری را خواهید یافت، که می‌خواهند از شما آسوده خاطر شوند و از قومشان (نیز) ایمن باشند. (ولی) هر گاه به سوی فتنه (و بت پرستی) بازگردانده شوند، در آن سرنگون می‌شوند. پس اگر از (درگیری با) شما کناره‌گیری نکرده و با شما طرح صلح نیفکنده و دست از شما نکشیده‌اند، پس آنان را هر کجا یافتید، ایشان را (به اسارت) بگیرید و بکشیدشان. و آنانند که برای شما، تسلّطی آشکار، بر آنان قرار دادیم. (91)
ترجمه قرآن، ص: 93
و برای هیچ مؤمنی سزاوار نیست که مؤمنی را بکُشد، مگر اشتباهی (رخ دهد؛) و هر کس مؤمنی را به اشتباه بکُشد، پس آزاد کردن بنده مؤمنی (واجب است)، و خونبهایی به خانواده‌اش پرداخته شود؛ مگر اینکه [آنان خونبها را] ببخشند. و اگر [مقتول ، از گروهی باشد که دشمن شماست، در حالی که وی مؤمن بوده، پس آزاد کردن بنده مؤمنی (واجب است)؛ و اگر [مقتول از گروهی باشد که بین شما و بین آنان پیمان محکمی است، پس [باید] خونبهایی به خانواده‌اش پرداخت، و بنده مؤمنی آزاد کند؛ و هر کس (بنده مؤمنی) نیافت، پس روزه دو ماه پیاپی بر او واجب است. (این نوعی تخفیف و) توبه پذیری خداست؛ و خدا، دانای فرزانه است. (92)
و هر کس، عمداً مؤمنی را بکُشد، پس کیفرش (آتش) جهنّم است، در حالی که در آنجا ماندگار است؛ و خدا بر او خشم می‌گیرد؛ و او را از رحمتش دور می‌سازد؛ و عذابی بزرگ برایش آماده ساخته است. (93)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که (برای جهاد) در راه خدا سفر می‌کنید، پس تحقیق کنید؛ و به کسی که (اظهار اسلام می‌کند و) با شما طرح صلح می‌افکند، نگویید:» مؤمن نیستی. «در حالی که زندگی ناپایدار پست (دنیا و غنائمش) را می‌جویید، چرا که غنیمت‌های فراوانی (برای شما) نزد خداست. شما (نیز) قبلًا همین گونه بودید، و خدا بر شما منّت نهاد. پس، (خوب) تحقیق کنید؛ براستی که خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (94)
ترجمه قرآن، ص: 94
مؤمنان فرو نشسته (از جهاد)، که بدون ضرر (و بیماری) اند، با مجاهدانی که در راه خدا با اموالشان و جان‌هایشان [جهاد نمودند] مساوی نیستند؛ خدا مجاهدانی را که با اموالشان و جان‌هایشان [جهاد کردند]، بر فرو نشستگان (از جهاد) به رتبه‌ای برتری بخشیده است؛ و خدا همگان را وعده [پاداش نیک داده است، و [لی خدا مجاهدان را بر فرو نشستگان (از جهاد)، به پاداشی بزرگ، برتری بخشیده است. (95)

رتبه‌هایی و آمرزشی و رحمتی، از جانب خدا (نصیب آنان می‌گردد)؛ و خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (96)
در واقع کسانی که فرشتگان، [جان‌های ایشان را بطور کامل گرفتند، در حالی که به خویشتن ستمکار بودند، (فرشتگان به آنان) گفتند:» در چه [حالی بودید؟ « (در پاسخ) گفتند:» ما در زمین، مستضعف بودیم. « (فرشتگان) گفتند:» آیا زمین خدا، وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید؟! «پس آنان مقصدشان جهنّم است، و بد فرجامی است؛ (97)
مگر مستضعفانی از مردان و زنان و کودکان، که توان چاره جویی ندارند، و به هیچ راهی رهنمون نمی‌شوند. (98)
و آنانند که امید است خدا آنها را ببخشد، و خدا بسیار بخشاینده آمرزنده است. (99)
و هر کس که در راه خدا هجرت کند، در زمین مکان‌های [امن فراوان و گشایشی خواهد یافت؛ و هر کس [بعنوان مهاجرت به سوی خدا و فرستاده او، از خانه‌اش بدر آید، سپس مرگ او را فرا گیرد، پس بیقین پاداشش بر خداست؛ و خدا، بسیار آمرزنده مهرورز است. (100)
و هنگامی که در زمین سفر می‌کنید، اگر از آشوبگری کسانی که کفر ورزیدند، (در مورد خود) تان می‌ترسید؛ پس هیچ گناهی بر شما نیست که از نماز کم کنید (و نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت بخوانید)؛ [چرا] که کافران، برای شما دشمنی آشکارند. (101)
ترجمه قرآن، ص: 95
و هر گاه در میان آنان باشی، و (در میدان جنگ) برایشان نماز را به پا داشتی، پس باید دسته‌ای از آنان با تو (به نماز) ایستند، و باید سلاح هایشان را بر گیرند؛ و هنگامی که سجده کردند (و نماز را به پایان رساندند)، پس باید پشتِ سرِ شما (در میدان نبرد) قرار گیرند، و دسته دیگری که نماز نگزارده‌اند (و در میدان نبرد بودند)، باید بیایند و با تو نماز گزارند؛ و باید آمادگیشان را (حفظ کنند) و سلاح هایشان را (در حال نماز) بر گیرند؛ (زیرا) کسانی که کفر ورزیدند، آرزو می‌کنند که از سلاح هایتان و وسایلتان غافل شوید، و با یک شبیخون (ناگهانی) به شما یورش آورند. و اگر شما از باران ناراحتید، و یا بیمار (و مجروح) هستید، هیچ گناهی بر شما نیست که سلاح هایتان را [بر زمین بگذارید؛ و [لی آمادگیتان را (حفظ کنید و وسایل دفاعی را) بر گیرید. براستی که خدا برای کافران، عذاب خوار کننده‌ای آماده ساخته است. (102)
و هنگامی که نماز را به پایان رساندید، پس در حال ایستاده، و نشسته، و بر پهلوهایتان [آرمیده ، خدا را یاد کنید. و هر گاه آرامش یافتید، پس نماز را (بطور معمول) بر پا دارید، [چرا] که نماز، بر مؤمنان در اوقات معیّن [واجب و] مقرّر شده است. (103)

و در جستجوی گروه [دشمن سستی نورزید؛ (زیرا) اگر شما همواره درد می‌کشید، پس آنان (نیز) همان‌گونه که شما درد می‌کشید، درد می‌کشند؛ و [لی شما چیزی از خدا امید دارید که [آنان بدان امید ندارند؛ و خدا، دانای فرزانه است. (104)
در واقع ما این کتاب را بحق به سوی تو فرو فرستادیم؛ تا با آنچه خدا به تو نمایانده (و آموخته)، در میان مردم داوری کنی؛ و به نفع خائنان، دشمن (بی گناهان) مباش. (105)
ترجمه قرآن، ص: 96
و از خدا آمرزش بخواه؛ [چرا] که خدا، بسیار آمرزنده مهرورز است. (106)
و از کسانی که به خودشان خیانت کردند، دفاع مکن؛ [چرا] که خدا هر کسی را که خیانت پیشه گنهکار باشد، دوست ندارد. (107)
(خیانتکاران، زشتکاریِ خود را) از مردم پنهان می‌دارند، و [لی از خدا پنهان نمی‌دارند؛ در حالی که او (خدا) با آنان بود، وقتی که شبانه تدبیر می‌کردند (در مورد) سخنی که [خدا بدان راضی نبود؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهند، احاطه دارد. (108)
هان، شما همان‌ها هستید، که در زندگی پست (دنیا)، از آنان دفاع کردید؛ پس چه کسی روز رستاخیز [در برابر] خدا از آنان دفاع خواهد کرد؟! بلکه چه کسی حمایتگر آنان خواهد بود؟! (109)
و هر کس [کار] بدی انجام دهد، یا بر خویشتن ستم کند، سپس از خدا آمرزش بخواهد، خدا را بسیار آمرزنده مهرورز خواهد یافت. (110)
و هر کس که گناهی کسب کند، پس فقط آن را به زیان خودش کسب کرده است؛ و خدا دانای فرزانه است. (111)
و هر کس خطا یا گناهی فراهم آورد سپس آن را، به بی‌گناهی نسبت دهد، پس بیقین [بارِ] تهمت و گناه آشکاری بر دوش گرفته است. (112)
اگر بخشش خدا و رحمتش بر تو نبود، حتماً دسته‌ای از آن (خیانتکاران یا منافق) ان آهنگ داشتند، که تو را گمراه کنند؛ و [لی جز خودشان را گمراه نمی‌کنند؛ و هیچ گونه زیانی به تو نمی‌رسانند. و خدا، کتاب و حکمت بر تو فرو فرستاد، و آنچه را نمی‌دانسته‌ای به تو آموخت، و بخشش خدا بر تو بزرگ بوده است. (113)
ترجمه قرآن، ص: 97
در بسیاری از رازگویی‌ها [و جلسات محرمانه ایشان، هیچ خیری نیست؛ مگر کسی که (بدین وسیله،) به بخشش خالصانه‌ای، یا [کار] پسندیده‌ای، یا سازشی میان مردم فرمان دهد؛ و هر کس برای طلب خشنودی خدا چنین کند، پس در آینده پاداش بزرگی به او خواهیم داد. (114)
و هر کس بعد از آنکه [راه هدایت برایش آشکار شد، با فرستاده [خدا]

مخالفت کند، و (راهی) غیر راه مؤمنان پیروی نماید، او را تحت سرپرستی (معبودهایی) که به عنوان سرپرست انتخاب کرده، قرار می‌دهیم؛ و او را در جهنم داخل می‌کنیم (و می‌سوزانیم)؛ و [این بد فرجامی است. (115)
در واقع خدا شرک ورزیدن به او را نمی‌آمرزد، و [گناهان پایین‌تر از آن را برای هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می‌آمرزد. و هر کس به خدا شرک ورزد، پس بیقین به گمراهی دوری گمراه شده است. (116)
[مشرکان غیر از او (خدا)، جز [بت‌های مؤنّث را (بعنوان پرستش) نمی‌خوانند، و جز شیطان سرکش را نمی‌خوانند. (117)
خدا او را از رحمت خویش دور ساخت؛ و [شیطان گفت:» حتماً از بندگانت سهم معیّنی خواهم گرفت؛ (118)
و حتماً آنان را گمراه می‌کنم؛ و قطعاً آرزومندشان می‌سازم؛ و البته آنان را (به اعمال خرافی) فرمان می‌دهم، پس حتماً گوشهای دام‌ها را می‌شکافند، و البته به آنان فرمان می‌دهم، پس قطعاً آفرینشِ خدا را تغییر می‌دهند. «و هر کس جز خدا، شیطان را به سرپرستی برگزیند پس بیقین، با ضرر آشکاری زیان دیده است. (119)
[شیطان به آنان وعده می‌دهد؛ و آرزومندشان می‌سازد؛ در حالی که شیطان جز فریب، به آنان وعده نمی‌دهد. (120)
آن [پیروان شیط] ان مقصدشان جهنّم است؛ و هیچ راه فراری از آنجا نمی‌یابند. (121)
ترجمه قرآن، ص: 98
و کسانی که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام داده‌اند، بزودی آنان را در بوستان‌های (بهشتی) وارد می‌کنیم که از زیر [درختان ش نهرها روان است، در حالی که در آنجا همیشه ماندگارند؛ (این) وعده حق خداست، و چه کسی در گفتار (و وعده)، از خدا راستگوتر است؟! (122)
(برتری و پاداش یا کیفر دادن افراد) بر طبق آرزوهای شما و آروزهای اهل کتاب نیست؛ هر کس (عمل) بدی انجام دهد، بر طبق آن کیفر داده می‌شود؛ و جز خدا، برای خود، هیچ سرپرست و یاوری نمی‌یابد. (123)
و هر کس از مرد یا زن، (چیزی) از (اعمال) شایسته انجام دهد در حالی که او مؤمن باشد، پس آنان داخل بهشت می‌شوند؛ و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد. (124)
و دین چه کسی بهتر است، از آن کس که چهره [وجود] ش را برای خدا تسلیم کند؛ در حالی که او نیکوکار است، و از آیین ابراهیم حق‌گرا پیروی کند؟! و خدا ابراهیم را به دوستی گرفت. (125)
و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، فقط برای خداست؛ و خدا به هر چیزی احاطه دارد. (126)
و (ای پیامبر) از تو در باره زنان پرسش می‌کنند، بگو:» خدا در مورد آنان

به شما پاسخ می‌دهد و (نیز) آنچه در کتاب [قرآن بر شما خوانده می‌شود، درباره دختران یتیم که آنچه برایشان مقرر شده، به آنان نمی‌دهید، و تمایل به ازدواجشان دارید، و (درباره) کودکان مستضعف، و (درباره) اینکه برای (اجرای) دادگری در مورد یتیمان بپاخیزید (پاسخگوی شماست)؛ و آنچه از نیکی انجام می‌دهید، پس در حقیقت خدا، بدان داناست. « (127)
ترجمه قرآن، ص: 99
و اگر زنی، از سرکشی یا رویگردانی شوهرش، ترس داشته باشد، پس هیچ گناهی بر آن دو نیست در اینکه با آشتی، در میانشان صلح بر قرار کنند؛ و صلح، بهتر است؛ و (گر چه در این موارد) جان‌ها در معرض آزمندی است. و اگر نیکی کنید و خود نگهدار باشید، پس در واقع خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (128)
و نمی‌توانید (از نظر محبت قلبی) در میان زنان، عدالت برقرار کنید، و اگر چه (بر عدالت) حریص باشید؛ پس با تمام میل (به یک طرف) مایل نشوید، تا آن (دیگری) را مثل زن بی شوهر رها کنید؛ و اگر اصلاح (و سازش) کنید و خود نگهدار باشید، پس یقیناً خدا بسیار آمرزنده مهرورز است. (129)
و اگر (به طلاق) جدا شوند، خدا هر کدام [از آن دو] را از گشایشش، بی‌نیاز می‌کند؛ و خدا گشایشگری فرزانه است. (130)
و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، فقط برای خداست؛ و بیقین کسانی را که پیش از شما به آنان، کتاب [الهی داده شده، و شما را، سفارش کردیم، که [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید؛ و اگر کفر ورزید، پس (به خدا زیانی نمی‌رسد، چرا) که آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است فقط برای خداست؛ و خدا توانگری ستوده است. (131)
و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، فقط برای خداست؛ و کار سازی خدا کافی است. (132)
ای مردم! اگر [خدا] بخواهد، شما را [از میان می‌برد و دیگران را (به جای شما) می‌آورد؛ و خدا بر این [کار] تواناست. (133)
هر که پاداش دنیا را بخواهد، پس پاداش دنیا و آخرت فقط نزد خداست؛ و خدا، شنوای بیناست. (134)
ترجمه قرآن، ص: 100
ترجمه قرآن 150
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برپادارندگان دادگری باشید؛ [و] برای خدا گواهی دهید، و گر چه (این گواهی) به زیان خودتان، یا پدر و مادر و نزدیکان (شما) باشد؛ اگر (یکی از آنها) توانگر یا نیازمند باشد، پس (در گواهی شما تأثیر نگذارد، چرا که) خدا سزاوارتر به (حمایت از) آن دو است. و از هوی [و هوس پیروی نکنید؛ که منحرف می‌شوید. و اگر (حق را) تحریف کنید، یا (از آن) روی گردانید، پس در حقیقت خدا به آنچه انجام

می‌دهید آگاه است. (135)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و فرستاده او، و کتابی که بر فرستاده‌اش فرود آورد، و کتاب [های الهی که قبلاً فرو فرستاد، ایمان (واقعی) آورید؛ و هر کس به خدا و فرشتگان او و کتاب‌هایش و فرستادگان او و روز واپسین کفر ورزد، پس بیقین به گمراهی دوری، گمراه شده است. (136)
براستی کسانی که ایمان آوردند، سپس کفر ورزیدند، و باز هم ایمان آوردند، و دگر بار کفر ورزیدند، سپس بر کفر (خود) افزودند، خدا آنان را نمی‌آمرزد؛ و آنان را به هیچ راهی، راهنمایی نمی‌کند. (137)
به منافقان مژده ده، که عذابی دردناک برای شان (آماده) است! (138)
(همان) کسانی که به جای مؤمنان، کافران را دوستان [خود] می‌گیرند؛ آیا عزّت را نزد آنان می‌جویند؟ پس (این خیالی خام است) چرا که عزّت، همه از آنِ خداست. (139)
و بیقین در کتاب [قرآن، خدا این حکم را] بر شما فرو فرستاده که: هر گاه آیات خدا را بشنوید، در حالی که آنها مورد انکار قرار گیرد، و آنها ریشخند شود، پس با آن (انکارکنندگان و ریشخند کنندگ) ان ننشینید، تا به سخنی غیر آن در آیند، چرا که شما در این هنگام، مثل آنانید؛ بدرستی که خدا جمع کننده همه منافقان و کافران در جهنّم است. (140)
ترجمه قرآن، ص: 101
(همان) کسانی که در کمین شما هستند، و اگر پیروزی‌ای از جانب خدا به شما برسد، می‌گویند:» آیا [ما] با شما نبودیم؟ «و اگر بهره‌ای برای کافران باشد، می‌گویند:» آیا [ما] بر شما مُسلّط نبودیم، و شما را (از ورود به جمعِ) مؤمنان باز نمی‌داشتیم؟ «پس خدا در روز رستاخیز، میان شما داوری می‌کند؛ و خدا هیچ راهی برای (تسلّط) کافران بر مؤمنان قرار نداده است. (141)
براستی که منافقان با خدا نیرنگ می‌بازند؛ در حالی که او به آنان ترفند می‌زند؛ و هنگامی که به نماز بر می‌خیزند، با کسالت بر می‌خیزند؛ در حالی که (در برابر) مردم ریا کاری می‌کنند؛ و جز اندکی به یاد خدا نیستند. (142)
میان آن (کفر و ایمان) سرگشتگانند، نه سوی اینها، و نه سوی آنهایند؛ و هر که را خدا در گمراهی وا نهد، پس هیچ راهی برای (نجات) او نخواهی یافت. (143)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! غیر از مؤمنان، کافران را دوست (و سرپرست) مَگیرید؛ آیا می‌خواهید، علیه خود دلیلی روشن، برای خدا قرار دهید؟! (144)
براستی که منافقان در فروترین طبقات آتش (دوزخ) قرار دارند؛ و هیچ

یاوری برایشان نخواهی یافت؛ (145)
مگر کسانی که بازگشت کردند و اصلاح نمودند و به خدا تمسّک جُستند، و دینشان را برای خدا خالص گردانیدند؛ پس آنان با مؤمنانند؛ و خدا در آینده مؤمنان را، پاداش بزرگی خواهد داد. (146)
اگر سپاسگزاری کنید و ایمان آورید، خدا می‌خواهد با عذابِ شما چه کند؟ و خدا سپاسگزاری داناست. (147)
ترجمه قرآن، ص: 102
خدا، بانگ زدن به بد زبانی را، دوست ندارد؛ مگر کسی که مورد ستم واقع شده باشد؛ و خدا، شنوای داناست. (148)
اگر نیکی را آشکار کنید یا پنهانش سازید، یا از بدی در گذرید، پس در واقع خدا، بخشاینده‌ای تواناست. (149)
براستی کسانی که به خدا و فرستادگانش کفر می‌ورزند، و می‌خواهند که بین خدا و فرستادگانش جدایی اندازند، و می‌گویند:» به برخی ایمان می‌آوریم، و برخی را انکار می‌کنیم. «و می‌خواهند میان آن (دو) راهی را اتخاذ کنند، (150)
در حقیقت آنان، فقط کافرند؛ و برای کافران، عذابی خوار کننده فراهم ساخته‌ایم. (151)
و [لی کسانی که به خدا و فرستادگانش ایمان آورده، و میان هیچ یک از آنان فرق نگذاشته‌اند، آنان در آینده [خدا،] پاداش‌هایشان را به آنها خواهد داد؛ و خدا بسیار آمرزنده مهرورز است. (152)
(یهودیانِ) اهل کتاب از تو می‌خواهند که کتابی از آسمان (یکباره) بر آنان فرود آوری؛ و بیقین از موسی، بزرگ‌تر از این را خواستند، و گفتند:» خدا را آشکارا به ما بنمای! «پس بخاطر ستمشان، صاعقه آنان را فرو گرفت. سپس، بعد از دلیل‌های روشن (معجزه آسا) که برایشان آمد، گوساله (پرستی) را انتخاب کردند، و [لی ما] آن را بخشیدیم؛ و به موسی، دلیلی روشن دادیم. (153)
و بخاطر (گرفتن) پیمان محکم از آنان، (کوه) طور را بر فرازشان بر افراشتیم؛ و به آنان گفتیم:» از در (بیت المقدس) فروتنانه وارد شوید. «و (نیز) به آنان گفتیم:» در (روز) شنبه تعدّی نکنید. «و از آنان پیمان محکم شدیدی گرفتیم. (154)
ترجمه قرآن، ص: 103
پس به سبب شکستن ایشان پیمان خویش را، و انکارشان (نسبت) به آیات خدا، و بناحق کشتن آنان پیامبران را، و گفتارشان (که):» دل‌ها (و مرکز ادراک) ما پوشش [و مانع دارد. « (از رحمت خدا دور شدند.) بلکه خدا بخاطر کفرشان، بر آن (دل) ها مُهر نهاده؛ پس جز اندکی ایمان نمی‌آورند؛ (155)

و (نیز) بخاطر کفرشان، و گفتارشان (که) تهمت بزرگی بر مریم بود؛ (156)
و (بخاطر) گفتارشان:» که ما، مسیح، عیسی پسر مریم، فرستاده خدا را کشتیم. « (از رحمت خدا دور شدند.) و حال آنکه وی را نکشتند، و او را بر دار نیاویختند، و لیکن (امر) بر آنان مشتبه شد. و قطعاً کسانی که در (باره قتل) او اختلاف کردند، از آن در شکّند، و برای شان هیچ علمی به آن جز پیروی از گمان نیست. و یقیناً او را نکشتند؛ (157)
بلکه خدا او را به سوی خود، بالا برد؛ و خدا، شکست ناپذیری فرزانه است. (158)
و (کسی) از اهل کتاب نیست مگر اینکه پیش از مرگش، حتماً به او [عیسی ایمان می‌آورد؛ و روز رستاخیز [مسیح،] بر آنان گواه خواهد بود. (159)
و بخاطر ظلم کسانی که یهودی شدند، و به سبب منع زیادشان از راه خدا، (بخشی از خوراکی‌های) پاکیزه‌ای را که برای آنان حلال شده بود، بر آنان حرام کردیم. (160)
و (همچنین بخاطر) ربا گرفتنشان، در حالی که، بیقین از آن منع شده بودند، و به ناروا خوردنشان اموال مردم را، و برای کافران از ایشان، عذاب دردناکی آماده کرده‌ایم. (161)
و لیکن استواران در دانش از میان آن (یهودی) ان و مؤمنان، به آنچه به سوی تو فرود آمده، و آنچه پیش از تو فرو فرستاده شده، ایمان می‌آورند؛ و (بویژه) بر پا دارندگان نماز و پرداخت کنندگان (مالیاتِ) زکات و ایمان آورندگان به خدا و روز باز پسین؛ آنان (اند که) بزودی پاداش بزرگی به ایشان خواهیم داد. (162)
ترجمه قرآن، ص: 104
بدرستی که ما به سوی تو وحی نمودیم، همان گونه که به سوی نوح و پیامبران بعد از او وحی نمودیم؛ و (نیز) به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و (پیامبران از) فرزندان (او) و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی نمودیم؛ و به داود» زبور «دادیم. (163)
و فرستادگانی که بیقین (سرگذشت) آنان را پیش از این، بر تو حکایت نمودیم، و فرستادگانی که (سرگذشت) شان را بر تو حکایت نکردیم؛ و خدا با موسی سخن گفت، سخن گفتنی (بدون واسطه). (164)
فرستادگانی که مژده آور و هشدار دهنده بودند، تا بعد از این فرستادگان، برای مردم حُجّتی بر خدا نباشد؛ و خدا شکست ناپذیری فرزانه است. (165)
لیکن خدا به آنچه بر تو فرو فرستاد گواهی می‌دهد، که آن را از روی علمش فرو فرستاده است؛ و فرشتگان (نیز) گواهی می‌دهند، و (هر چند

که) گواهیِ خدا کافی است. (166)
قطعاً کسانی که کفر ورزیدند، و (مردم را) از راه خدا باز داشتند، به گمراهی دوری، گمراه شده‌اند. (167)
بدرستی کسانی که کفر ورزیدند، و ستم کردند، هرگز خدا آنان را نمی‌آمرزد، و آنان را به هیچ راهی راهنمایی نخواهد کرد، (168)
مگر به راه جهنّم، در حالی که جاودانه در آن ماندگارند؛ و این [کار] برای خدا آسان است. (169)
ای مردم! فرستاده [موعود]، از جانب پروردگارتان، حق را برای شما آورد؛ پس ایمان بیاورید، که برای شما بهتر است. و اگر کفر ورزید، پس (به خدا زیانی نمی‌رسد،) چرا که آنچه در آسمان‌ها و زمین است فقط از آن خداست؛ و خدا، دانای فرزانه است. (170)
ترجمه قرآن، ص: 105
ای اهل کتاب! در دینتان، غُلُوّ مَکنید؛ و در باره خدا، جز حق مَگویید. مسیح، عیسی پسر مریم فقط فرستاده خدا، و کلمه اوست؛ که او را به سوی مریم افکنده، و روحی از جانب اوست. پس، به خدا و فرستادگانش، ایمان آورید؛ و نگویید:» [خدا] سه‌گانه است. « (به این سخنان) پایان دهید، که برای شما بهتر است. [چرا] که خدا، فقط معبودی یگانه است؛ او منزه است از اینکه برایش فرزندی باشد؛ [زیرا] آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است فقط از آنِ اوست؛ و کار سازیِ خدا کافی است. (171)
مسیح و فرشتگان مقرّب، ابا ندارند از اینکه بنده خدا باشند؛ و هر کس از پرستش او، امتناع ورزد، و تکبّر کند، پس بزودی (خدا در قیامت) همه آنان را به سوی خود گرد خواهد آورد. (172)
و امّا کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، پس پاداششان را بطور کامل به آنان خواهد داد؛ و از بخشش خود، بر ایشان خواهد افزود. و اما کسانی که امتناع ورزیدند، و تکبّر کردند، پس با عذابی دردناک، آنان را عذاب خواهد کرد؛ و غیر از خدا، هیچ سرپرست و یاوری برای (خود) شان نمی‌یابند. (173)
ای مردم! بیقین دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ و نوری آشکار به سوی شما فرو فرستادیم. (174)
و امّا کسانی که به خدا ایمان آوردند و به آن (نور قرآن) تمسّک جُستند، پس بزودی (خدا) آنان را در رحمتی و بخششی از جانب خویش در آورد؛ و آنان را به راهی راست، به سوی خود راهنمایی می‌کند. (175)
ترجمه قرآن، ص: 106
از تو (در باره کلاله، یعنی وارثان میّتی که فرزند و پدر و مادر ندارد،) پرسش می‌کنند، بگو:» خدا در مورد کلاله، به شما پاسخ می‌دهد: اگر مردی بمیرد، که هیچ فرزندی برایش نیست، و برای او خواهری باشد، پس

نصف میراث، فقط برای اوست؛ و (اگر خواهری از دنیا برود، و وارث او یک برادر باشد،) او (تمامِ) میراث آن (خواهر) را می‌برد، اگر برای آن (خواهر) هیچ فرزندی نباشد؛ و اگر (وارثان)، دو خواهر باشند، پس دو سوم میراث فقط برای آن دو است؛ و اگر (آن وارثان) برادران و خواهران باشند، پس برای پسر، همچون بهره (و سهام ارث) دو دختر باشد؛ خدا (این احکام را) برای شما روشن بیان می‌کند تا مبادا گمراه شوید؛ و خدا به هر چیزی داناست. « (176)

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به قراردادها وفا کنید. (گوشت و جنینِ) دام‌های زبان بسته برای شما حلال گردیده، مگر آنچه (حکمش) بر شما خوانده می‌شود. در حالی که شما در احرام هستید، شکار کردن را حلال نشمرید. براستی خدا هر چه را بخواهد، حکم می‌کند. (1)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (نه مراسم حج و) نشانه‌های خدا، و نه ماه [های حرام، و نه قربانی‌های بی نشان و نه نشاندار، و نه قصد کنندگان خانه محترم [خدا]، در حالی که بخششی و خشنودی‌ای از پروردگارشان می‌جویند، را (حرمت شکنی نکنید) و حلال ندانید. و هنگامی که از احرام بیرون آمدید، پس (می‌توانید) شکار کنید. و البته، کینه توزی گروهی، برای اینکه شما را از (آمدن به) مسجد الحرام (در صلح حدیبیه) باز داشتند، شما را وادار نکند که تعدّی نمایید. و بر (ای) نیکوکاری و (خود نگهداری و) پارسایی با یکدیگر همکاری کنید؛ و بر (ای) گناه و تعدّی با یکدیگر همکاری ننمایید؛ و [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید، [چرا] که خدا سخت کیفر است. (2)
ترجمه قرآن، ص: 107
بر شما حرام شده است: (خوردن) مردار، و خون، و گوشت خوک، و آنچه را که [به هنگام سر بریدن نام غیر خدا بر آن بانگ زده شده، و (حیوانات) خفه شده، و بر اثر زدن، (یا بیماری) مرده، و از بلندی افتاده و جان سپرده و به ضرب شاخ کشته شده، و آنچه درّنده (از آن) خورده- مگر آنچه را (زنده در یابید و) سر بِبُرید- و آنچه بر (آستان) بت‌های سنگی سر بریده شده است، و (نیز) تقسیم کردن (گوشت حیوان) بوسیله چوب‌های شرط بندی؛ این (کارها همگی) نافرمانی است.- امروز، کسانی که کفر ورزیدند، از (زوال) دین شما ناامید شدند؛ پس، از آنها نهراسید؛ و (از مخالفت من) بهراسید! امروز، دین شما را برایتان کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را برای شما [بعنوان دین پذیرفتم.- و هر کس به اضطرار افتد، در حالی که گرسنه، [و] غیر متمایل به گناه باشد، پس (مانعی ندارد که از آنها بخورد، چرا) که خدا، بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (3)
از تو می‌پرسند:» چه چیزهایی برای شان حلال شده است؟ «بگو:» [همه پاکیزه‌ها، برای شما حلال گردیده، و (نیز شکار) حیوانات شکاری که آموزش داده‌اید، در حالی که (شما) مربیان سگ‌های شکاری هستید [و] از آنچه خدا به شما آموخته، به آنها آموزش می‌دهید. (برای شما حلال است؛)

پس، از آنچه برای شما [گرفته و] نگه داشته‌اند، بخورید؛ و (به هنگام فرستادن حیوان شکاری) نام خدا را بر آن ببرید؛ و [خودتان را] از [عذابِ خدا حفظ کنید، که خدا حسابرسی سریع است. (4)
امروز، (همه) پاکیزه‌ها برای شما حلال شده و غذای کسانی که به آنان کتاب (الهی) داده شده، برای شما حلال، و غذای شما برای آنان حلال است؛ و (نیز) زنان پاکدامن از مؤمنان، و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب [الهی داده شده (حلال‌اند؛) هنگامی که مَهرهایشان را به آنان بپردازید، در حالی که پاکدامنانی غیر زشت‌کارِ (غیر زناکار) باشید، و نه اینکه زنان را در پنهانی دوست (خود) بگیرید. و هر کس (ارکان) ایمان را انکار کند، پس قطعاً عملش تباه گشته؛ و او در آخرت از زیانکاران است. (5)
ترجمه قرآن، ص: 108
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که برای نماز بر می‌خیزید، پس چهره‌هایتان و دست‌هایتان را تا آرنج بشویید؛ و سرهایتان و پاهایتان را تا دو مَفْصل [یا برآمدگی روی پاها] مسح کنید. و اگر جُنُب هستید، پس (با غسل کردن خود را) پاک کنید. و اگر بیمارید یا در مسافرتید [و] یا یکی از شما، از مکان پستِ (دستشویی) آمد، یا با زنان تماس (جنسی) داشتید، و آبی (برای وضو یا غسل) نیافتید، پس بر زمینِ پاکِ [نیکو] تیمّم کنید؛ و از آن، بر چهره‌ها و دست‌هایتان بکشید. خدا نمی‌خواهد، تا بر شما هیچ تنگ بگیرد، و لیکن می‌خواهد، تا شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید؛ تا شاید شما سپاسگزاری کنید. (6)
و به یاد آرید نعمت خدا را بر شما، و پیمان محکمش را که با آن از شما میثاق گرفت، آنگاه که گفتید:» شنیدیم و اطاعت کردیم. «و [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید، براستی که خدا به (اسرار) درون سینه‌ها داناست. (7)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! قیام کنندگان برای خدا، [و] گواهی دهندگان به دادگری باشید؛ و البته کینه‌ورزی گروهی، شما را وا ندارد بر اینکه عدالت نکنید، عدالت کنید! که آن به (خود نگهداری و) پارسایی نزدیک‌تر است. و [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید، که خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (8)
خدا، به کسانی که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده، که آمرزش و پاداش بزرگی برای آنان است. (9)
ترجمه قرآن، ص: 109
و کسانی که کفر ورزیدند، و نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، آنان اهل دوزخند. (10)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خدا را بر (خود) تان یاد کنید؛ آنگاه که

گروهی (از دشمنان سوءِ) قصد داشتند، دست‌هایشان را به سوی شما بگشایند؛ و [خدا] دستشان را از شما کوتاه کرد. و [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید. و مؤمنان، پس باید، تنها بر خدا توکّل کنند. (11)
و بیقین خدا از بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) پیمان محکم گرفت. و از میان آنان دوازده سرپرست برانگیختیم. و خدا (به آنان) گفت:» براستی من با شما هستم؛ اگر نماز را بر پا دارید، و [مالیاتِ زکات را بپردازید، و به فرستادگانم ایمان آورید و آنان را گرامی دارید، و» قرض الحسنه‌ای «به خدا وام دهید، قطعاً بدی‌هایتان را از شما می‌زدایم؛ و حتماً شما را در بوستان‌های (بهشتی) وارد می‌کنم که از زیر [درختان ش نهرها روان است؛ و هر کس از شما بعد از آن، کفر ورزد، پس بیقین از راه درست گمراه شده است. (12)
پس بخاطر آنکه آنان، پیمانشان را شکستند، آنها را از رحمت خویش دور ساختیم؛ و دل‌هایشان را سخت گردانیدیم، در حالی که سخنان (خدا) را از جایگاههایش می‌گردانند؛ و قسمتی از آنچه را که بدان تذکر داده شده بودند، فراموش کردند؛ و همیشه از خیانتی (تازه) از آنان آگاه می‌شوی، مگر اندکی از آنان (که خیانت نکردند) پس آنان را ببخش و درگذر؛ که خدا نیکو کاران را دوست می‌دارد. (13)
ترجمه قرآن، ص: 110
و از کسانی که گفتند:» بدرستی ما مسیحی هستیم. «پیمان محکم (ی از) ایشان گرفتیم؛ و [لی قسمتی از آنچه را که بدان تذکر داده شده بودند، فراموش کردند؛ و تا روز رستاخیز در میانشان دشمنی و کینه افکندیم. و خدا در آینده، آنان را از آنچه همواره با زیرکی انجام می‌داده‌اند، آگاه خواهد ساخت. (14)
ای اهل کتاب! در واقع فرستاده ما به سوی شما آمد، در حالی که بسیاری از چیزهایی، از کتاب [الهی را که همواره پنهان می‌داشتید، برای شما روشن بیان می‌کند؛ و بسیاری (از خطاهای شما) را می‌بخشد. بیقین برای شما از جانب خدا، نور و کتابی روشنگر آمده است. (15)
خدا کسی را که از خشنودی او پیروی کند، بوسیله آن [کتاب ، به راه‌های سلامت، راهنمایی می‌کند. و به رخصت خویش، آنان را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون می‌برد؛ و به سوی راهی راست راهنمایی‌شان می‌کند. (16)
کسانی که گفتند:» بدرستی خدا، همان مسیح پسر مریم است. «بیقین کفر ورزیدند؛ بگو:» اگر خدا بخواهد مسیح پسر مریم و مادرش و کسانی که در (روی) زمین هستند همگی را هلاک سازد، پس چه کسی از طرف خدا صاحب اختیار چیزی است؟ (تا مانع او شود.) فرمانروایی آسمان‌ها و زمین، و آنچه میان آن دو قرار دارد، فقط از آن خداست؛ هر چه بخواهد،

می‌آفریند؛ و خدا، بر هر چیزی تواناست. « (17)َ
ترجمه قرآن، ص: 111
و یهودیان و مسیحیان گفتند:» ما، پسران خدا و دوستانِ او هستیم. «بگو:» پس چرا شما را بخاطر پیامد (گناهان) تان عذاب می‌کند؟! بلکه شما (هم) بشری هستید از (جمله) کسانی که آفریده است؛ هر کس را بخواهد، می‌آمرزد؛ و هر کس را بخواهد، (و مستحق بداند) عذاب می‌کند؛ و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آن دو است، فقط از آنِ خداست؛ و فرجام (همه) فقط به سوی اوست. « (18)
ای اهل کتاب! بیقین فرستاده ما، پس از فاصله‌ای میان فرستادگان، به سوی شما آمد؛ در حالی که (حقایق را) برای شما روشن بیان می‌کند؛ تا [مبادا در رستاخیز] بگویید:» هیچ بشارتگر و هشدارگری به سوی ما نیامد. «و بیقین بشارتگر و هشدارگری به سوی شما آمد؛ و خدا بر هر چیزی تواناست. (19)
و (یاد کن) هنگامی را که موسی به قومش گفت:» ای قوم [من ! نعمت خدا را بر خودتان به یاد آرید، هنگامی را که در میان شما، پیامبرانی قرار داد، و شما را صاحب اختیار (خود) قرار داد؛ و به شما چیزهایی داد، که به هیچ یک از جهانیان نداده بود. (20)
ای قوم [من ! به سرزمین مقدّسی که خدا برای شما مقرّر داشته، وارد شوید؛ و به پشتِ‌سرتان باز نگردید و (مخالفت ننمایید، که) زیانکار خواهید شد. « (21)
(بنی اسرائیل) گفتند:» ای موسی! براستی که گروهی زورگو، در آن (سر زمین) هستند؛ و مسلماً ما وارد آن (جا) نمی‌شویم، تا از آن (سرزمین) خارج شوند؛ و اگر آنها از آن (جا) خارج شوند، پس حتماً ما وارد خواهیم شد. « (22)
دو مردی از [میان کسانی که می‌ترسیدند، [و] خدا به آن دو، نعمت داده بود، گفتند:» از آن دروازه بَر ایشان (بتازید و) وارد شوید، و هنگامی که وارد آن شدید پس براستی شما پیروزمندانید. و اگر مؤمنید، پس فقط بر خدا توکّل کنید. (23)
ترجمه قرآن، ص: 112
(بنی اسرائیل) گفتند:» ای موسی! تا (آنان) در آن (سر زمین) هستند، ما هرگز وارد آن (جا) نخواهیم شد؛ پس تو و پروردگارت بروید و (با آنان) پیکار کنید، که ما همین جا فرونشستگانیم. « (24)
(موسی) گفت:» پروردگارا! در واقع من جز صاحب اختیار خودم و برادرم نیستم، پس بین ما و بین گروه نافرمانبردار جدایی افکن. « (25)
[خدا به موسی فرمود:» پس در حقیقت آن (سر زمین)، چهل سال بر آنان ممنوع است، در حالی که در [بیابان آنِ سر] زمین سرگردان خواهند بود؛

پس بر (سر نوشت) گروه نافرمانبردار تأسف مخور. « (26)
و (ای پیامبر!) خبر بزرگ حقیقی دو فرزند آدم را بر آنان بخوان [و پیروی کن ، هنگامی که آن دو (کاری) نزدیک کننده برای نزدیکی (به پروردگار) انجام دادند؛ و از یکی از آن دو پذیرفته شد، و از دیگری پذیرفته نشد؛ (قابیل) گفت:» حتماً تو را خواهم کشت! « (هابیل) گفت:» خدا، تنها از پارسایان (خودنگهدار) می‌پذیرد؛ (27)
اگر دستت را به سوی من دراز کنی تا مرا بکشی، من دستانم را به سوی تو دراز نمی‌کنم تا تو را بکشم، [چرا] که من از (عذاب) خدا که پروردگار جهانیان است، می‌ترسم. (28)
[و چرا] که من می‌خواهم، تا با (بار) گناه من و گناه خودت (به سوی خدا) باز گردی، و از اهل آتش شوی؛ و این کیفر ستمکاران است. « (29)
پس نفسش، او را به کشتن برادرش ترغیب کرد، و او را کشت؛ و از زیانکاران گردید. (30)
و خدا زاغی را برانگیخت که در زمین جستجو کند، تا به او نشان دهد، چگونه [جسد] بد [بوی برادرش را پنهان کند. [قابیل گفت:» ای وای بر من! آیا عاجزم از اینکه مثل این زاغ باشم و [جسد] بد [بوی برادرم را پنهان کنم؟! «و (سرانجام) از پشیمانان گردید. (31)
ترجمه قرآن، ص: 113
از این روی، بر بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) مقرّر داشتیم، که هر کس، شخصی را بدون (ارتکاب قتلِ) کسی یا فسادی در زمین بکُشد، پس گویا همه مردم را کشته؛ و هر کس، شخصی را زنده بدارد، پس گویا همه مردم را زنده داشته است. و بیقین فرستادگان ما، دلایل روشن برایشان آوردند، آنگاه، قطعاً بسیاری از آنان، پس از آن، در زمین زیاده‌روی کردند. (32)
کیفر کسانی که با خدا و فرستاده‌اش می‌جنگند و برای فساد در زمین می‌کوشند، فقط این است که کشته شوند؛ یا به دار آویخته گردند؛ یا دست‌هایشان و پاهایشان، بر خلاف (یکدیگر یعنی یکی از راست و یکی از چپ)، قطع شود؛ یا از سر زمین (خود) تبعید گردند؛ این، برایشان رسوایی‌ای در دنیاست؛ و در آخرت عذاب بزرگی برایشان است. (33)
مگر کسانی که پیش از اینکه تواناییِ (دست یافتن) بر آنان را پیدا کنید، توبه کرده باشند؛ پس بدانید که خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (34)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید؛ و به او تقرّب جویید؛ و در راه او جهاد کنید؛ باشد که شما رستگار شوید. (35)
در حقیقت کسانی که کفر ورزیدند، اگر (بر فرض) برای شان تمام آنچه در زمین، و همانندش بهمراه آن باشد، برای آنکه آن را تاوان (نجات) از عذاب روز رستاخیز دهند، از آنان پذیرفته نمی‌شود؛ و برای شان عذابی دردناک

است. (36)
ترجمه قرآن، ص: 114
(کافران) می‌خواهند که از آتش خارج شوند، و حال آنکه آنان از آن بیرون آمدنی نیستند؛ و برایشان عذابی پایدار است. (37)
و مردِ دزد و زنِ دزد، به کیفر آنچه بدست آورده‌اند [و] بخاطر مجازات [پیشگیرانه الهی، دست‌هایشان را قطع کنید؛ و خدا شکست‌ناپذیری فرزانه است. (38)
و [لی هر کس پس از ستم کردنش، توبه کند و اصلاح نماید، پس براستی خدا توبه او را می‌پذیرد؛ [چرا] که خدا، بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (39)
آیا ندانسته‌ای که خدا، فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط برای اوست؟! هر کس را بخواهد (و مستحق بداند) عذاب می‌کند؛ و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) می‌آمرزد؛ و خدا بر هر چیزی تواناست. (40)
ای فرستاده [خدا]! تو را اندوهگین نسازند کسانی که در کفر ورزیدن [بر همدیگر] پیشی می‌گیرند، (چه) از کسانی که با دهان‌هایشان گفتند:» ایمان آوردیم. «در حالی که دل‌هایشان ایمان نیاورده بود؛ و (چه) از کسانی که یهودی بودند. [آنان شنوای خوبی برای دروغ (گویی) هستند، [و] جاسوسان گروه دیگری هستند، که نزد تو نیامده‌اند؛ [و] سخنان را بعد از (قرار گرفتن در) جایگاه‌هایش دگرگون می‌کنند، (و به یکدیگر) می‌گویند:» اگر این (حکم) به شما داده شد پس آن را بپذیرید؛ و اگر آن به شما داده نشد، پس بیمناک باشید (و از او دوری کنید.) «و [لی کسی را که خدا بخواهد او را به فتنه درافکند، (و مجازاتش کند.) پس، از طرف خدا برای (دفاع) از او، هیچ چیزی را مالک نیستی. آنان کسانی هستند که خدا نخواسته دل‌هایشان را پاک کند؛ در دنیا برایشان رسوایی، و در آخرت برایشان عذابی بزرگ است. (41)
ترجمه قرآن، ص: 115
(یهودیان) شنوای خوبی برای دروغ (گویی) هستند؛ [و] مال حرام، فراوان می‌خورند؛ و اگر نزد تو آیند، پس در بین آنان داوری کن، یا از آنان روی گردان. و اگر از آنان روی گردانی، پس هیچ چیزی به تو زیان نمی‌رسانند؛ و اگر داوری می‌کنی، پس به دادگری در میانشان حکم کن؛ که خدا دادگران را دوست می‌دارد. (42)
و چگونه تو را به داوری می‌طلبند؟! در حالی که تورات نزد آنان است؛ [و] در آن، حکم خدا هست؛ آنگاه بعد از این (داوری خواستن) روی می‌گردانند، در حالی که آنان مؤمن نیستند. (43)
براستی که ما تورات را در حالی که در آن، رهنمود و نور بود فرو فرستادیم، [و] پیامبرانی که تسلیم (فرمان خدا) بودند، بوسیله آن برای

کسانی که یهودی بودند داوری می‌کردند؛ و (همچنین) علمای ربّانی و دانشمندان (نیکو اثر)، به آنچه از کتاب خدا به آنان سپرده شده و بر آن گواه بودند، (داوری می‌نمودند.) پس، از مردم نهراسید، و از (مخالفت من) بهراسید؛ و آیات مرا به بهای اندکی نفروشید. و کسانی که بر طبق آنچه خدا فرو فرستاده داوری نکرده‌اند، پس تنها آنان، کافرانند. (44)
و بر آن (یهودی) ان در آن (تورات) مقرّر داشتیم، که: جان عوض جان، و چشم عوض چشم، و بینی عوض بینی، و گوش عوض گوش، و دندان عوض دندان می‌باشد؛ و زخم‌ها (نیز دارای) قصاص است؛ و هر که آن را ببخشد، پس آن جریمه‌ای برای (گناهان) اوست؛ و کسانی که بر طبق آنچه خدا فرو فرستاده، داوری نکرده‌اند، پس تنها آنان، ستمگرانند. (45)
ترجمه قرآن، ص: 116
و عیسی پسر مریم را به دنبال آثار آن (پیامبر) ان فرستادیم، در حالی که مؤیّد تورات پیش از او بود؛ و انجیل را به او دادیم که در آن، رهنمود و نور بود؛ و مؤیّد تورات پیش از او بود؛ و رهنمود و پندی برای پارسایان (خود نگهدار) است. (46)
و اهل انجیل باید بر طبق آنچه خدا در آن فرو فرستاده، داوری کنند. و کسانی که بر طبق آنچه خدا فرو فرستاده داوری نمی‌کنند، پس تنها آنان نافرمانبردارند. (47)
و این کتابِ [قرآن را بحق بر تو فرو فرستادیم، در حالی که مؤیّد کتاب‌های پیش از آن است، و نگهبان بر آن [ها] است؛ پس بر طبق آنچه که خدا فرو فرستاده، در بین آنان داوری کن؛ و از هوس‌های آنان پیروی نکن، در حالی که (منحرف شده‌ای) از آنچه که از (احکام) حق به سوی تو آمده است. برای هر کدام از شما شریعت و راه روشنی قرار دادیم؛ و اگر (بر فرض) خدا می‌خواست، حتماً شما را یک امّت قرار می‌داد، و لیکن (چنین نکرد) تا [اینکه شما را در مورد آنچه به شما داده، بیازماید. پس در نیکی‌ها [بر یکدیگر] پیشی گیرید؛ بازگشت همه شما، فقط به سوی خداست؛ و شما را (نسبت) به آنچه همواره در آن اختلاف می‌کردید، خبر خواهد داد. (48)
و در میان آنان، بر طبق آنچه خدا فرو فرستاده داوری کن؛ و از هوس‌های آنان پیروی مکن؛ و از آنان بیمناک باش، [مبادا] تو را در بخشی از آنچه خدا به سوی تو فرو فرستاده، به فتنه در اندازند. (و منحرف سازند.) و اگر آنان (از حکم تو) روی برتابند، پس بدان که خدا می‌خواهد آنان را به (سزای) برخی پیامدهای (گناهان) شان برساند؛ و قطعاً بسیاری از مردم نافرمانبردارند. (49)
و آیا خواستار حکم جاهلیت‌اند؟! و برای گروهی که یقین دارند، حکم چه کسی از خدا بهتر است؟ (50)
ترجمه قرآن، ص: 117

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یهودیان و مسیحیان را هم‌پیمانان [و دوستان خود] مگیرید، برخی آنان هم‌پیمانان [و دوستان برخی [دیگر] ند. و هر که از شما با آنان هم‌پیمان [و دوست شود، پس در حقیقت او از آنان است؛ براستی که خدا، گروه ستمکاران را رهنمایی نمی‌کند. (51)
و می‌بینی، کسانی را که در دل‌هایشان [نوعی بیماری است، در (هم پیمانی و دوستی با) آنان، بر یکدیگر پیشی می‌گیرند، در حالی که می‌گویند:» هراس داریم حادثه‌ای به ما در رسد. «و امید است خدا پیروزی یا چیزی از نزدش (به نفع مسلمانان پیش) آورد، تا (آنان) از آنچه در دل‌هایشان پنهان داشتند، پشیمان گردند. (52)
و کسانی که ایمان آورده‌اند، می‌گویند:» آیا این (منافق) ان کسانی هستند که با شدیدترین سوگندهایشان به خدا قسم یاد کردند: که قطعاً آنان با شما هستند؟! «اعمالشان تباه گردید، و زیانکار شدند. (53)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما از دین خود باز گردد، (به خدا زیانی نمی‌رساند؛) و در آینده خدا گروهی را می‌آورد که آنان را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند؛ در برابر مؤمنان فروتن، و در برابر کافران شکست‌ناپذیرند؛ در راه خدا جهاد می‌کنند، و از هیچ سرزنش ملامتگری ترس ندارند؛ این، بخشش خداست آن را به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می‌دهد؛ و خدا گشایشگری داناست. (54)
سرپرست شما، تنها خدا و فرستاده او و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ می‌باشند (همان) کسانی که نماز را بر پا می‌دارند، و در حالی که آنان در رکوعند، زکات می‌دهند. (55)
و هر کس که ولایت خدا و فرستاده او و کسانی را که ایمان آورده‌اند، بپذیرد، پس (از حزب خداست و) براستی که تنها، حزب خدا پیروزمند است. (56)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (افرادی) از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده، که دین شما را به ریشخند و بازی گرفته‌اند، و کافران را، دوستان [خود] مگیرید؛ و اگر مؤمنید، [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید. (57)
ترجمه قرآن، ص: 118
و هنگامی که (مردم را با اذان) به نماز فرا می‌خوانید، آن را به مسخره و بازی می‌گیرند؛ این بخاطر آن است که آنان گروهی هستند، که خردورزی نمی‌کنند. (58)
بگو:» ای اهل کتاب! آیا از ما انتقام می‌گیرید، جز بخاطر اینکه به خدا، و آنچه به سوی ما فرود آمده، و آنچه پیش (از این) فرو فرستاده شده، ایمان آورده‌ایم؟! و اینکه اکثر شما نافرمانبردارید. « (59)
بگو:» آیا شما را به کیفری بدتر از این در نزد خدا خبر دهم؟ کسی که خدا

او را از رحمت خود دور ساخته، و بر او خشم گرفته، و از آنان میمون‌ها و خوک‌هایی قرار داده، و معبود (ان طغیانگر و بت‌ها) را پرستش کرده‌اند، منزلت آنان بدتر؛ و از راه راست، گمراه‌ترند. « (60)
و هنگامی که نزد شما می‌آیند، می‌گویند:» ایمان آورده‌ایم. «و [لی بیقین با کفر وارد شدند، و بیقین آنان با آن [کفر] خارج گردیدند؛ و خدا، به آنچه همواره پنهان می‌کردند، داناتر است. (61)
و می‌بینی که بسیاری از آنان در گناه و تجاوز و حرامخواریشان، بر یکدیگر پیشی می‌گیرند؛ واقعاً چه بد است آنچه همواره انجام می‌دادند! (62)
چرا (علمای) ربّانی و دانشمندان (نیکو اثر)، آنان را از سخنان گناه (آلود) شان و حرام‌خواریشان، منع نمی‌کنند؟! واقعاً چه بد است، آنچه را که همواره با زیرکی انجام می‌دادند. (63)
و یهودیان گفتند:» دستِ خدا بسته است. «دست‌هایشان بسته باد! و بخاطر آنچه که گفتند، از رحمت (الهی) دور شدند! بلکه هر دو دستِ (قدرتِ) او، گشاده است؛ هر گونه بخواهد، (و شایسته بداند) مصرف می‌کند. و [لی آنچه از طرف پروردگارت، به سوی تو فرود آمده، حتماً بر طغیان و کفر بسیاری از آنان می‌افزاید؛ و ما در میان آنان تا روز رستاخیز، دشمنی و کینه افکندیم. هر گاه آتشی برای جنگ بر افروختند، خدا آن را خاموش ساخت؛ و برای فساد در زمین، می‌کوشند؛ و خدا، فسادگران را دوست ندارد. (64)
ترجمه قرآن، ص: 119
و اگر (بر فرض) اهل کتاب ایمان آورده و خود نگهداری کرده بودند، قطعاً بدی‌هایشان را از آنان می‌زدودیم؛ و حتماً آنان را در بوستان‌های پر نعمت (بهشت) وارد می‌ساختیم. (65)
و اگر (بر فرض) آنان، تورات و انجیل و آنچه را که از جانب پروردگارشان بر آنان فرود آمده، به پا می‌داشتند، حتماً از بالای (سر) شان (نعمت‌های آسمانی) و از زیر پاهایشان (نعمت‌های زمینی روزی) می‌خوردند؛ گروهی از آنان معتدل هستند، و [لی بسیاری از آنان بد رفتاری می‌کنند. (66)
ای فرستاده [خدا]! آنچه را از طرف پروردگارت به سوی تو فرود آمده، برسان؛ و اگر انجام ندهی، پس پیام او را نرسانده‌ای؛ و خدا تو را از (گزند) مردم حفظ می‌کند؛ براستی که خدا گروه کافران (منکر) را راهنمایی نمی‌کند. (67)
بگو:» ای اهل کتاب! بر هیچ چیز (از آیین حقّ) نیستید، تا اینکه تورات و انجیل و آنچه را از طرف پروردگارتان به سوی شما فرود آمده، به پا دارید. «و [لی قطعاً آنچه از طرف پروردگارت به سوی تو فرود آمده، بر طغیان و کفر بسیاری از آنان می‌افزاید؛ پس بر گروه کافران اندوهگین مباش. (68)

در حقیقت کسانی که (به پیامبر اسلام) ایمان آورده‌اند، و کسانی که به (آیین) یهود گرویدند، و صابِئانِ (پیرو یحیای پیامبر) و مسیحیان، کسانی (از آنان) که به خدا و روز بازپسین ایمان آوردند، و [کار] شایسته انجام دادند، پس هیچ ترسی بر آنان نیست، و نه آنان اندوهگین می‌شوند. (69)
بیقین از بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) پیمان محکم گرفتیم، و فرستادگانی را به سوی آنان فرستادیم؛ هر گاه فرستاده‌ای چیزی را که خوشایند (هوای) نفس (شان) نبود، برای‌شان آورد، دسته‌ای را دروغگو خواندند، و دسته‌ای را می‌کشتند. (70)

و پنداشتند، که کیفری نخواهد بود، پس نابینا و ناشنوا شدند؛ سپس (به سوی خدا بازگشتند و) خدا توبه آنان را پذیرفت؛ دیگر بار بسیاری از آنان نابینا و ناشنوا شدند؛ و خدا، به آنچه انجام می‌دهند، بیناست. (71)
کسانی که گفتند:» در واقع خدا همان مسیح پسر مریم است، «بیقین کفر ورزیدند؛ در حالی که مسیح گفت:» ای بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب)! خدا را، که پروردگار من و پروردگار شماست، پرستش کنید؛ [چرا] که هر کس به خدا شرک ورزد، پس حتماً خدا بهشت را بر او ممنوع ساخته، و مقصدش آتش است؛ و برای ستمکاران هیچ یاوری نیست. « (72)
کسانی که گفتند:» در واقع خدا، سومین [خدا از] سه [خدا] است. «بیقین کفر ورزیدند؛ و هیچ معبودی جز معبود یگانه نیست؛ و اگر به آنچه می‌گویند، پایان ندهند، حتماً به کسانی از آنان که کفر ورزیدند، عذاب دردناکی خواهد رسید. (73)
پس چرا به سوی خدا توبه (و بازگشت) نمی‌کنند، و از او آمرزش نمی‌طلبند؟! و حال آنکه خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (74)
مسیح پسر مریم، جز فرستاده‌ای نیست، که بیقین پیش از وی (نیز)، فرستادگان (دیگری) بودند؛ و مادرش، بسیار راستگو بود؛ هر دو، همواره غذا می‌خوردند؛ بنگر چگونه نشانه‌ها را برایشان روشن می‌سازیم، سپس بنگر چگونه (از حق) بازگردانده می‌شوند! (75)
بگو:» آیا جز خدا چیزی را می‌پرستید، که مالک هیچ سود و زیانی برای شما نیست؟! در حالی که تنها خدا، شنوا [و] داناست. « (76)

بگو:» ای اهل کتاب! در دین خود، بناحق بزرگ‌نمایی نکنید؛ و از هوس‌های گروهی که پیش از [این گمراه گشتند و بسیاری را گمراه کردند، و از راه درست گم شدند، پیروی ننمایید. « (77)
کسانی از بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب)، که کفر ورزیدند، به زبان داود و عیسی پسر مریم، لعنت شدند؛ این بدان سبب بود، که نافرمانی کردند، و همواره تعدّی می‌نمودند. (78)

همواره از [کارهای ناپسندی که آن را انجام می‌دادند، یکدیگر را منع نمی‌کردند؛ واقعاً، همواره کار بدی انجام می‌دادند! (79)
بسیاری از آنان را می‌بینی، با کسانی که کفر ورزیده‌اند، دوستی می‌کنند؛ واقعاً بد بود آنچه خودشان از قبل برای خویش فرستادند؛ که (در نتیجه) خدا بر آنان خشم گرفت، و آنان در عذاب ماندگارند. (80)
و اگر (بر فرض) به خدا و پیامبر و آنچه به سوی او فرود آمده، همواره ایمان می‌آوردند، آن [کافر] ان را دوستان (خویش) نمی‌گرفتند؛ و لیکن بسیاری از آنان نافرمانبردارند. (81)
مسلماً یهودیان و کسانی را که شرک ورزیده‌اند، دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت؛ و قطعاً کسانی را که گفتند:» براستی ما مسیحی هستیم، «نزدیک‌ترین آن (مردم) ان در دوستی با مؤمنان خواهی یافت؛ این بدان سبب است که در میان آنان، کشیشان و راهبانی هستند؛ و براستی که آنان (در برابر حقّ) تکبّر نمی‌ورزند. (82)
ترجمه قرآن، ص: 122
و هنگامی که آنچه را به سوی فرستاده [خدا] فرود آمده، می‌شنوند، می‌بینی در اثر حقیقتی که شناخته‌اند، اشک (شوق) از دیدگانشان سرازیر می‌شود. می‌گویند:» [ای پروردگار ما! ایمان آوردیم، پس ما را با گواهان بنویس. (83)
و برای ما چه (عذری) است، که به خدا و آنچه از حقّ به ما رسیده است، ایمان نیاوریم، و حال آنکه طمع داریم، پروردگارمان ما را در [زمره گروه شایستگان در آورد؟! « (84)
پس به پاس آنچه گفتند، خدا به آنان بوستان‌های (بهشتی) پاداش داد که از زیر [درختان ش، نهرها روان است، در حالی که در آنجا ماندگارند؛ و این پاداش نیکوکاران است! (85)
و کسانی که کفر ورزیدند، و نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، آنان اهل دوزخند. (86)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزهای پاکِ [نیکو] را که خدا برای شما حلال کرده است، ممنوع نسازید؛ و (از حدّ) تجاوز ننمایید؛ [چرا] که خدا متجاوزان را دوست نمی‌دارد. (87)
و از آنچه خدا» روزی «شما نموده، در حالی که حلال و پاکیزه است، بخورید؛ و [خودتان را] از [عذاب خدایی که شما به او ایمان دارید، حفظ کنید. (88)
خدا شما را بخاطر سوگندهای بیهوده [بی‌توجه تان بازخواست نخواهد کرد؛ و لیکن به سبب سوگندهایی که (محکم) یاد کرده (و شکسته‌اید،) مؤاخذه می‌کند، و جریمه آن: غذا دادن به ده (نفر) بینواست، از غذای متوسطی که به خانواده‌هایتان می‌دهید؛ یا لباس پوشاندن بر آنان؛ و یا آزاد سازی

بنده‌ای؛ و هر کس که (هیچ کدام از اینها را) نیابد، پس سه روز روزه بدارد؛ این، جریمه سوگندهای شماست، به هنگامی که سوگند یاد می‌کنید (و مخالفت می‌نمایید.) و سوگندهای خود را پاس دارید (و نشکنید.) اینگونه خدا آیاتش را برای شما روشن بیان می‌کند، تا شاید شما سپاسگزاری کنید. (89)

ترجمه قرآن، ص: 123

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بت‌ها و چوب‌های شرطبندی فقط پلیدند [و] از کار شیطانند؛ پس، از آن [ها] دوری کنید، باشد که شما رستگار شوید. (90)

شیطان می‌خواهد به سبب شراب و قمار، در بین شما فقط دشمنی و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد؛ پس آیا شما (به شرابخواری و قماربازی) پایان می‌دهید؟! (91)

و خدا را اطاعت کنید و فرستاده [او] را اطاعت نمایید؛ و (از مخالفت او) بیمناک باشید؛ و اگر روی برتابید، پس آگاه باشید که بر عهده فرستاده ما رساندن [پیام روشنگر و] آشکار است. (92)

بر کسانی که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام داده‌اند، هیچ گناهی در مورد آنچه (قبلًا) خورده‌اند، نیست؛ در صورتی که (خود نگهداری و) پارسایی کنند، و ایمان بیاورند، و [کارهای شایسته انجام دهند؛ سپس (خود نگهداری و) پارسایی کنند و ایمان بیاورند؛ سپس پارسایی (و خود نگهداری) پیشه کنند و نیکی نمایند؛ و خدا، نیکوکاران را دوست می‌دارد. (93)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! قطعاً خدا شما را به چیزی از شکار، در حالی که آن در دسترس شما و نیزه‌هایتان است، می‌آزماید؛ تا خدا معلوم دارد، کسی را که در نهان از او می‌ترسد؛ و هر کس بعد از این تعدّی کند، پس برایش عذابی دردناک است. (94)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حالی که شما مُحرِم هستید صید را مکشید؛ و هر کس از شما عمداً آن را بکشد پس کیفری نظیر آنچه کشته است، از چهار پایان (بر او واجب است؛) که دو [نفر] عادل از شما، (معادل بودنِ) آن را داوری کنند؛ در حالی که بصورت قربانی به (حریم) کعبه برسد؛ یا جریمه‌ای که (همان) غذا دادن به بینوایان است؛ یا معادل آن، روزه‌ای (واجب است؛) تا سنگینی (کیفر) کارش را بچشد. خدا آنچه را در گذشته واقع شده بخشیده است، و [لی هر کس تکرار کند، خدا از او انتقام می‌گیرد؛ و خدا شکست‌ناپذیری صاحب انتقام است. (95)

ترجمه قرآن، ص: 124

صیدِ دریا و غذای آن برای شما حلال شده است؛ تا بهره‌ای برای شما و برای مسافران (در حال احرام) باشد. ولی تا وقتی که مُحرم هستید، شکار

صحرا برای شما حرام شده است؛ و [خودتان را] از [عذاَب خدایی حفظ کنید، که فقط به سوی او گردآوری می‌شوید! (96)
خدا، کعبه، خانه محترم، و ماه حرام، و قربانی‌های بی‌نشان، و قربانی‌های نشاندار را، [وسیله به پا داشتن (مصلحت‌ها) برای مردم قرار داد؛ این (امور) بخاطر آن است که بدانید در واقع خدا، آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است، می‌داند؛ و اینکه خدا به هر چیزی داناست. (97)
بدانید که خدا سخت کیفر، و اینکه خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (98)
بر فرستاده [خدا وظیفه‌ای جز رساندن (پیام الهی) نیست؛ و خدا آنچه را آشکار می‌نمایید، و آنچه را پنهان می‌دارید، می‌داند. (99)
بگو:» پلید و پاکِ [نیکو] مساوی نیستند، هر چند که فزونی پلید [ها]، تو را به شگفتی اندازد؛ پس ای خردمندان، [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید، باشد که شما رستگار شوید. (100)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از چیزهایی پرسش نکنید، که اگر برای شما آشکار گردد، شما را اندوهگین می‌کند؛ و اگر به هنگامی که قرآن فرو فرستاده می‌شود، از آنها پرسش کنید، برای شما آشکار می‌شود؛ خدا آن (پرسش‌های بیجا) را بخشید؛ و خدا، بسیار آمرزنده‌ای بردبار است. (101)
بیقین گروهی از پیشینیان شما، آن (پرسش‌های بیجا را) پرسیدند، سپس (مخالفت کردند و) بدانها کافر گردیدند. (102)
خدا هیچ (ممنوعیتی، در مورد) حیوان گوشْ شکافته بارور، و شتر آزاد بارور، و گوسفند بارور، و حیوان نرینه حمایت شده‌ای، قرار نداده است؛ و لیکن کسانی که کفر ورزیدند، بر خدا دروغ می‌بندند؛ و اکثر آنان خردورزی نمی‌کنند. (103)
ترجمه قرآن، ص: 125
و هنگامی که به آنان گفته شود:» به سوی آنچه خدا فرود آورده، و به سوی فرستاده [اش بیایید. «می‌گویند:» آنچه پدرانمان را بر آن یافته‌ایم، ما را بس است. «و آیا اگر (بر فرض) پدرانشان هیچ چیزی نمی‌دانستند، و هدایت نیافته بودند (باز از آنها پیروی می‌کنند)؟! (104)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر شماست که به خودتان [بپردازید.] هر گاه شما هدایت یافتید، کسی که گمراه شده است، به شما زیانی نمی‌رساند. بازگشت همه شما فقط به سوی خداست؛ و شما را از آنچه همواره انجام می‌دادید، آگاه خواهد کرد. (105)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد، در هنگام وصیّت [باید] از بین شما، دو (نفر) عادل را به گواهی دادن میان خود [فرا خوانید]؛ یا اگر شما در زمین مسافرت کردید، و مُصیبت مرگ، شما را فرا رسید، (و گواه مسلمان نیافتید،) دو (نفر) دیگر از غیر

(همکیشان خود) تان را [به گواهی بطلبید]. و اگر (در راستگویی گواهان) شک کردید، آن دو را بعد از نماز نگاه می‌دارید، پس آن دو به خدا سوگند یاد کنند که:» این (گواهی به حقّ) را به هیچ بهایی نمی‌فروشیم، و اگر چه (به سود) نزدیکان باشد؛ و گواهی الهی را پنهان نمی‌کنیم، که (اگر چنین کنیم) در این هنگام حتماً ما از گناهکارانیم. « (106)
و اگر اطلاعی حاصل شد، که آن دو (شاهد،) مستحق (کیفر) گناهی شده‌اند، پس دو (نفر) دیگر (نزدیکان میّت) از کسانی که آن دو (شاهد) نخستین بر آنان ستم کردند، به جای آن دو قرار می‌گیرند، و آن دو به خدا سوگند یاد می‌کنند که:» قطعاً گواهی ما، از گواهیِ آن دو، سزاوارتر است؛ و تجاوزی نکرده‌ایم؛ که (اگر چنین کنیم) در این هنگام حتماً ما از ستمگرانیم. « (107)
این [روش سوگند]، نزدیک‌تر است، به اینکه گواهی را به صورت (صحیح) آن ادا کنند، یا بترسند از اینکه بعد از سوگند خوردنشان، سوگندهایی (به وارثان میّت) برگردانده شود؛ و [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید، و گوش فرا دهید؛ و خدا، گروه نافرمانبرداران را راهنمایی نمی‌کند. (108)
ترجمه قرآن، ص: 126
[یاد کن روزی را که خدا، فرستادگان (ش) را جمع می‌کند، پس می‌گوید:» (در برابر دعوت،) چه پاسخی به شما داده شد؟ «می‌گویند:» برای ما هیچ دانشی نیست؛ که تنها تو، از همه (اسرار) نهان، بسیار آگاهی. « (109)
[یاد کن هنگامی را که خدا گفت:» ای عیسی پسر مریم! نعمت مرا بر خودت و بر مادرت بیاد آور؛ آنگاه که تو را با» روح پاک «تأیید کردم؛ در حالی که در گهواره و در میان‌سالی، با مردم سخن می‌گفتی؛ و هنگامی که کتاب و حکمت و تورات و انجیل را به تو آموختم؛ و هنگامی که به رخصت من، از گِل [چیزی همانند شکل پرنده می‌ساختی، و در آن می‌دمیدی، و به رخصت من، پرنده‌ای می‌شد؛ و نابینای مادرزاد، و (مبتلایان به) پیسی را به رخصت من، بهبود می‌بخشیدی؛ و هنگامی که مردگان را به رخصت من (زنده از قبر) بیرون می‌آوردی؛ و هنگامی که بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) را از (آسیب رساندن به) تو، بازداشتم؛ در آن موقع که دلیل‌های [معجزه آسا] برای آنان آوردی، و [لی کسانی از آنان که کفر ورزیدند، گفتند:» این [ها] جز سِحری آشکار نیست. « (110)
و (یاد کن) هنگامی را که به حواریون وحی کردم که:» به من و فرستاده من، ایمان آورید. «گفتند:» ایمان آوردیم، و گواه باش که ما تسلیم هستیم. « (111)
[یاد کن هنگامی را که حواریون گفتند:» ای عیسی پسر مریم! آیا پروردگارت می‌تواند غذایی از آسمان بر ما فرود آورد؟ « [عیسی گفت:» اگر مؤمن هستید [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید! « (112)

(حواریون) گفتند:» می‌خواهیم از آن بخوریم، و دل‌های ما آرامش یابد؛ و بدانیم که بیقین به ما راست گفته‌ای؛ و از شاهدان بر آن باشیم. « (113)

عیسی پسر مریم گفت:» خدایا! (ای) پروردگار ما! از آسمان غذایی بر ما فروفرست؛ که عیدی برای اوّل ما و آخر ما، و نشانه‌ای از تو باشد؛ و ما را» روزی «ده؛ و تو بهترین» روزی «دهندگانی. « (114)
خدا فرمود:» حتماً من آن را بر شما فرود فرستم؛ و [لی بعد [از آن ، هر کس از شما کفر ورزد، پس مسلماً من با عذابی او را عذاب می‌کنم که هیچ یک از جهانیان را بدان عذاب نکرده باشم! « (115)
و [یاد کن هنگامی را که خدا فرماید:» ای عیسی پسر مریم! آیا تو، به مردم گفتی که من و مادرم را، دو معبودِ غیر از خدا، اتخاذ کنید؟! « [عیسی گوید:» منزّهی تو! برای من (سزاوار) نیست که چیزی را که برای من حقّ نیست، بگویم! اگر آن را گفته بودم پس حتماً تو آن را می‌دانستی؛ آنچه در جان من است، (تو) می‌دانی؛ و آنچه در ذاتِ توست، (من) نمی‌دانم؛ که تنها تو، از همه (اسرار) نهان بسیار آگاهی. (116)
جز آنچه مرا به آن فرمان دادی، [چیزی به آنان نگفتم؛ (به آنان گفتم) که: خدا را که پروردگار من و پروردگار شماست بپرستید. و تا هنگامی که در میانشان بودم، بر آنان گواه بودم؛ و [لی هنگامی که مرا بصورت کامل برگرفتی، تنها تو نگهبان آنان بودی؛ و تو بر هر چیزی، گواهی. (117)
اگر عذابشان کنی، پس براستی که آنان بندگان تواند؛ و اگر آنان را بیامرزی، پس براستی که تنها تو شکست‌ناپذیر [و] فرزانه‌ای. « (118)
خدا فرمود:» این، روزی است که راستی راستگویان، به آنان سود می‌بخشد؛ برای آنان بوستان‌های (بهشتی) است که از زیر [درختان ش نهرها روان است، در حالی که جاودانه در آن ماندگارند. خدا از آنان خشنود است، و آنان (نیز) از او خشنودند؛ این کامیابی بزرگ است. « (119)
فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه در آنهاست، فقط از آنِ خداست؛ و او بر هر چیزی تواناست. (120)

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
ستایش مخصوص خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید، و تاریکی‌ها و نور را قرار داد؛ سپس کسانی که کفر ورزیدند، برای پروردگارشان، [شریکِ مساوی قرار می‌دهند. (1)
او کسی است که شما را از گِل آفرید؛ سپس سرآمد (غیر حتمی برای عمر شما) مقرّر داشت؛ و سرآمد معیّن (و حتمی عمر شما) نزد اوست؛ سپس شما (در توحید و قدرت او) تردید می‌کنید! (2)
و او در آسمان‌ها و در زمین خداست؛ پنهان شما و آشکارتان را می‌داند؛ و آنچه را بدست می‌آورید، می‌داند. (3)
و هیچ نشانه‌ای از نشانه‌های پروردگارشان برای آنان نمی‌آید، مگر اینکه از آن رویگردانند. (4)
و بیقین آنان، هنگامی که حق به سراغشان آمد، تکذیب کردند! پس در آینده اخبار بزرگ چیزی که همواره آن را ریشخند می‌کردند، به آنان خواهد رسید. (5)
آیا اطلاع نیافته‌اند که پیش از آنان چه بسیار، گروه‌هایی را هلاک کردیم؟! که در زمین به آنان امکاناتی دادیم، که برای شما آنچنان امکاناتی فراهم نکردیم؛ و [باران‌های پی در پی آسمان را بر آنان فرستادیم؛ و نهرهایی قرار دادیم، که از زیر (شهرهای) آنان روان باشد؛ و آنان را بخاطر پیامدهای (گناهان) شان هلاک ساختیم؛ و گروه‌های دیگری بعد از آنان پدید آوردیم. (6)
و اگر (بر فرض) نوشته‌ای در صفحه (کاغذ) بر تو فرو فرستیم، و آن را با دست‌هایشان لمس کنند، حتماً کسانی که کفر ورزیدند، می‌گویند:» این، جز سِحری آشکار نیست! « (7)
و [مشرکان گفتند:» چرا هیچ فرشته‌ای بر او فرود نیامد. «و [لی اگر (بر فرض) فرشته‌ای فرود می‌آوردیم، حتماً کار تمام شده بود؛ سپس (اگر مخالفت می‌کردند) مهلت داده نمی‌شدند. (8)
ترجمه قرآن، ص: 129
و اگر (بر فرض) او را فرشته‌ای قرار می‌دادیم، حتماً وی را [بصورت مردی در می‌آوردیم؛ و مسلماً (به پندار آنها کار را) بر آنان مشتبه می‌ساختیم؛ آنچه (را بر دیگران) مشتبه می‌سازند! (9)
و بیقین پیش از تو فرستادگانی ریشخند شدند؛ و [لی آنچه که همواره آن را ریشخند می‌کردند، کسانی از آنان را که ریشخند می‌کردند فرو گرفت. (10)

بگو:» در زمین گردش کنید! سپس بنگرید فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است؟! « (11)
بگو:» آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آنِ کیست؟ «بگو:» از آنِ خداست؛ «بخشش را بر خویشتن مقرّر کرده است، (از این رو) قطعاً شما را در روز قیامت، که در آن هیچ تردیدی نیست، جمع‌آوری خواهد کرد. کسانی که به خودشان زیان رسانده‌اند، پس آنان ایمان نمی‌آورند. (12)
و آنچه در شب و روز آرام می‌گیرد، فقط برای اوست؛ و او، شنوا [و] داناست. (13)
بگو:» آیا غیر خدا را سرپرست گیرم؟! (خدایی) که شکافنده [و آفریننده آسمان‌ها و زمین است؛ و اوست که غذا می‌دهد، و غذا داده نمی‌شود. «بگو:» در واقع، من فرمان داده شده‌ام، نخستین کسی باشم که اسلام آورد؛ و (به من فرمان داده شده که:) هرگز از مشرکان مَباش! « (14)
بگو:» در واقع من (نیز) اگر نافرمانی پروردگارم کنم، از عذاب روزی بزرگ می‌ترسم! (15)
هر کس در آن روز، (عذاب) از او برگردانده شود، پس حتماً [خدا] او را رحم کرده، و این کامیابی آشکار است. « (16)
و اگر خدا (برای امتحان یا مجازات) زیانی به تو رساند، پس جز او هیچ بر طرف کننده‌ای برای آن نیست؛ و اگر به تو نیکی رساند، پس او بر هر چیزی تواناست. (17)
و او بر بندگان خود، چیره است؛ و او فرزانه آگاه است. (18)
ترجمه قرآن، ص: 130
بگو:» گواهی چه چیزی با عظمت‌تر است. «بگو:» خدا، میان من و شما گواه است. و این قرآن بر من وحی شده تا بوسیله آن، شما و هر کس را که (این قرآن به او) می‌رسد هشدار دهم. آیا قطعاً شما گواهی می‌دهید که معبودان دیگری با خداست؟! «بگو:» گواهی نمی‌دهم. «بگو:» او تنها معبود یگانه است؛ و مسلماً من نسبت به آنچه شریک (خدا) قرار می‌دهید، بی‌تعهدم! « (19)
کسانی که کتاب [الهی به آنان داده‌ایم، همان گونه که پسران خود را می‌شناسند، او [محمد] را می‌شناسند؛ کسانی که به خودشان زیان رسانده‌اند، پس آنان ایمان نمی‌آورند. (20)
و چه کسی ستمکارتر است از کسی که بر خدا دروغ بسته، یا نشانه‌های او را دروغ انگاشته است؟! براستی که ستمکاران، رستگار نخواهند شد! (21)
و [یاد کن روزی را که همه آنان را گرد می‌آوریم؛ سپس به کسانی که شرک ورزیدند، می‌گوییم:» کجایند شریک‌های شما، (همان) کسانی که همواره (شما آنان را شریکان خدا) می‌پنداشتید؟ « (22)

سپس عذرشان جز این نیست که می‌گویند:» سوگند به خدایی که پروردگار ماست، (ما) مُشرک نبودیم! « (23)
ببین چگونه به خودشان (نیز) دروغ می‌گویند، و آنچه را همواره (بر خدا شریک) می‌بستند، از (نظر) ایشان گم شد. (24)
و برخی از آنان کسانی هستند که به (سخنانِ) تو، گوش فرا می‌دهند؛ در حالی که بر دل‌های آنان پرده‌هایی افکنده‌ایم. تا آن را بطور عمیق نفهمند؛ و در گوش‌های آنان، سنگینی [قرار داده‌ایم.] و اگر هر نشانه [معجزه وار] را ببینند، به آن ایمان نمی‌آورند؛ حتی هنگامی که نزد تو می‌آیند با تو جدال می‌کنند؛ کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند:» این [قرآن جز افسانه‌های پیشینیان نیست! « (25)
و آنان (مردم را) از آن منع می‌کنند؛ و (خود نیز) از آن دوری می‌کنند، و جز خودشان را هلاک نمی‌کنند؛ و [لی با درک حسّی متوجه نمی‌شوند. (26)
و اگر (بر فرض، حال مشرکان را) می‌دیدی، هنگامی که در برابر آتش (دوزخ) بازداشت شده‌اند و می‌گویند:» ای کاش (بار دیگر، به دنیا) باز گردانده می‌شدیم، و نشانه‌های پروردگارمان را دروغ نمی‌انگاشتیم و از مؤمنان می‌شدیم! « (27)
ترجمه قرآن، ص: 131
(ولی در واقع چنین نیست) بلکه آنچه را پیش از [این همواره پنهان می‌کردند، برای آنان آشکار شده؛ و اگر (بر فرض به دنیا) باز گردانده شوند، حتماً به آنچه که از آن منع شده بودند بر می‌گردند؛ و قطعاً که آنان دروغگویانند. (28)
و گفتند:» این، جز زندگی پست (دنیایی) ما نیست؛ و ما برانگیخته نخواهیم شد! « (29)
و اگر (بر فرض حال مشرکان را) به هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان بازداشت شده‌اند ببینی، [خدا] گوید:» آیا این حق نیست؟ «می‌گویند:» آری، سوگند به پروردگارمان (که حق است!) « [خدا] گوید:» پس بخاطر اینکه همواره کفر می‌ورزیدید، عذاب را بچشید! « (30)
مسلماً کسانی زیان کردند که ملاقات خدا را دروغ انگاشتند تا هنگامی که ناگهان ساعتِ [قیامت به آنان در رسد، گویند:» ای افسوس بر ما، در باره آنچه در آن کوتاهی کردیم! «و آنان بارهای سنگین (گناهان) شان را بر دوششان می‌کشند؛ آگاه باشید! چه بد است آنچه را که بر دوش می‌کشند! (31)
و زندگی پست (دنیا) جز بازی و سرگرمی نیست! و حتماً سرای آخرت، برای کسانی که خود نگهداری می‌کنند بهتر است! پس آیا خردورزی نمی‌کنید؟! (32)
بیقین می‌دانیم که آنچه می‌گویند، تو را سخت اندوهگین می‌کند؛ و [لی در

واقع آنان تو را تکذیب نمی‌کنند؛ و لیکن ستمگران نشانه‌های خدا را انکار می‌نمایند. (33)
و بیقین فرستادگانی پیش از تو (نیز) تکذیب شدند؛ و بر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند، شکیبایی کردند، تا هنگامی که یاری ما به آنان رسید. و هیچ تغییر دهنده‌ای برای سخنان (سنت گونه) خدا نیست؛ و بیقین برخی خبر [های بزرگ فرستادگان [خدا] به تو رسیده است. (34)
و اگر روی‌گردانیِ آنان بر تو سنگین است، پس اگر می‌توانی رخنه‌ای در زمین، یا نردبانی در آسمان جستجو کنی. و نشانه‌ای (معجزه‌وار) برای آنان بیاوری (پس چنین کن!) و اگر (بر فرض) خدا می‌خواست، حتماً آنان را بر هدایت جمع آوری می‌کرد؛ پس هرگز از نادانان مباش! (35)
ترجمه قرآن، ص: 132
تنها کسانی (دعوت تو را) می‌پذیرند که گوش شنوا دارند؛ و [لی مردگان را خدا (در قیامت) ایشان را بر خواهد انگیخت؛ سپس فقط به سوی او، باز گردانیده می‌شوند. (36)
و گفتند:» چرا نشانه (معجزه‌واری) از طرف پروردگارش بر او فرو فرستاده نمی‌شود؟! «بگو:» در حقیقت خدا تواناست بر اینکه نشانه‌ای فرود آورد؛ و لیکن بیشتر آنان نمی‌دانند! « (37)
و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست، و هیچ پرنده‌ای که با دو بالش پرواز می‌کند، مگر اینکه امت‌هایی همانند شما هستند؛ (ما) هیچ چیز را در کتاب، فروگذار نکردیم؛ سپس (همگی) فقط به سوی پروردگارشان گردآوری خواهند شد. (38)
و کسانی که نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، ناشنوایان و گُنگ‌هایی هستند که در تاریکی‌ها [قرار دارند.] خدا هر کس را بخواهد (بخاطر کارهای او،) گمراهش می‌کند؛ و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند،) بر راه راست قرارش خواهد داد. (39)
بگو:» آیا ملاحظه کردی، اگر عذاب الهی به سراغ شما آید، یا ساعتِ (قیامت) به شما در رسد؛ آیا (کسی) غیر خدا را می‌خوانید؟! اگر راستگویید (پس غیر خدا را بخوانید.) « (40)
بلکه تنها او را می‌خوانید! و اگر [خدا] بخواهد، آنچه را به خاطر آن (او را) خوانده‌اید، برطرف می‌سازد؛ و آنچه را شریک [خدا] قرار می‌دهید، فراموش می‌کنید. (41)
و بیقین به سوی امّت‌هایی که پیش از تو بودند (پیامبرانی) فرستادیم، (و با آنان مخالفت کردند؛) و آنان را با سختی (زندگی) و زیان (جسمی و روحی) گرفتار ساختیم، تا شاید آنان (فروتن و) تسلیم گردند! (42)
پس چرا هنگامی که سختی (مجازات) ما به آنان رسید، (فروتن و) تسلیم نشدند؟! و لیکن دل‌هایشان سخت گردید؛ و شیطان آنچه را همواره انجام

می‌دادند، برایشان آراست! (43)
و هنگامی که آنچه را بدان یادآوری شده بودند، فراموش کردند، درهای همه چیز (از نعمت‌ها) را به روی آنان گشودیم تا هنگامی که به آنچه داده شده بودند، شادمان گردیدند؛ ناگهان (گریبان) آنان را گرفتیم، و ناگهان آنان از ناامیدی اندوهگین شدند. (44)
ترجمه قرآن، ص: 133
و دنباله گروهی که ستم کرده بودند، قطع شد. و ستایش مخصوص خدایی است، که پروردگار جهانیان است. (45)
بگو:» آیا ملاحظه کردی اگر خدا، شنواییِ شما و دیدگانتان را بگیرد، و بر دل‌های شما مهر نهد، چه معبودی غیر از خدا، آن [ها] را به شما می‌دهد؟! «بنگر چگونه نشانه‌ها را بگونه‌های مختلف بیان می‌کنیم، سپس آنان روی بر می‌تابند! (46)
بگو:» آیا ملاحظه کردی اگر عذاب خدا ناگهان (و پنهان) یا آشکارا به شما در رسد، آیا جز گروه ستمکاران هلاک خواهند شد؟! « (47)
و (ما) فرستادگان [خود] را، جز مژده‌آور و هشدار دهنده نمی‌فرستیم؛ و کسانی که ایمان آورند و اصلاح نمایند، پس هیچ ترسی بر آنان نیست و نه آنان اندوهگین می‌شوند. (48)
و کسانی که نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، بخاطر آنچه همواره (در مورد آن) نافرمانی می‌کردند، عذاب (الهی) با آنان تماس یابد. (49)
بگو:» به شما نمی‌گویم که منابع الهی نزد من است؛ و از (آنچه از حسّ) پوشیده، آگاه نیستم! و به شما نمی‌گویم که من فرشته‌ام؛ [زیرا] جز آنچه به سوی من وحی می‌شود، پیروی نمی‌کنم. «بگو:» آیا نابینا و بینا مساویند؟! پس چرا تفکّر نمی‌کنید؟! « (50)
و بوسیله آن (قرآن) کسانی را که ترس دارند که به سوی پروردگارشان گردآوری شوند، هشدار ده! در حالی که جز او [خدا]، برای شان هیچ یاور (و سرپرست) و شفاعت‌گری نیست؛ تا شاید آنان [خودشان را] حفظ کنند. (51)
و کسانی را مَران، که بامدادان و عصرگاهان پروردگارشان را می‌خوانند، در حالی که ذات او را اراده می‌کنند؛ از حساب آنان هیچ چیزی بر عهده تو نیست، و از حساب تو (نیز) هیچ چیزی بر عهده آنان نیست، تا ایشان را برانی و از ستمکاران شوی. (52)
ترجمه قرآن، ص: 134
و بدین گونه برخی آنان را با برخی [دیگر] آزمودیم؛ تا بگویند:» آیا اینانند که خدا از میان ما بر آنان مِنَّت نهاده است؟! «آیا خدا به (حال) سپاسگزاران داناتر نیست؟! (53)
و هر گاه کسانی که به نشانه‌های ما ایمان می‌آورند نزد تو آیند، پس بگو:»

سلام بر شما باد! پروردگارتان، رحمت را بر خويشتن مقرّر كرده است؛ كه هر كس از شما كار بدى از روى نادانى مرتكب شده، سپس بعد از آن توبه و اصلاح نمايد، پس حتماً او بسيار آمرزنده [و] مهرورز است. « (54)
و اين چنين آيات [خود] را بيان مى‌كنيم، و تا راه خلافكاران آشكار گردد. (55)
بگو:» براستى من منع شده‌ام كه كسانى را كه غير از خدا مى‌خوانيد، بپرستم! «بگو:» از هوس‌هاى شما، پيروى نمى‌كنم؛ آنگاه (اگر چنين كنم،) حتماً گمراه شده‌ام؛ و من از هدايت يافتگان نيستم! « (56)
بگو:» براستى من دليل روشنى از جانب پروردگارم دارم؛ در حالى كه شما آن را دروغ انگاشته‌ايد! آنچه را (از عذاب الهى) بدان شتاب مى‌ورزيد، نزد من نيست! حكم جز براى خدا نيست، در حالى كه حق را (از باطل) جدا مى‌كند؛ و او بهترين جدا كنندگان است. « (57)
بگو:» اگر (بر فرض) آنچه را (از عذاب الهى) بدان شتاب مى‌ورزيد نزد من بود، حتماً كار ميان من و شما پايان گرفته بود؛ و خدا به (حال) ستمكاران داناتر است. « (58)
و كليدهاى (منابعى كه از حسّ) پوشيده است تنها نزد اوست؛ جز او كسى آنها را نمى‌داند. و آنچه را در خشكى و درياست مى‌داند؛ و هيچ برگى فرو نمى‌افتد، مگر (اينكه) از آن آگاه است؛ و هيچ دانه‌اى در تاريكى‌هاى زمين، و هيچ تر و هيچ خشكى نيست جز اينكه در كتاب روشنگر (علم خدا ثبت) است. (59)
ترجمه قرآن، ص: 135
و او كسى است كه (روح) شما را در (خواب) شبانگاه مى‌گيرد؛ و از آنچه در روز كسب كرده‌ايد، آگاه است؛ سپس در آن (روز) شما را بر مى‌انگيزد، تا سرآمد معيّنِ (مرگ حتمى) فرا رسد؛ سپس بازگشت شما فقط به سوى اوست؛ سپس شما را از آنچه همواره انجام مى‌داديد با خبر مى‌سازد. (60)
و او بر بندگانش چيره است؛ و نگهبانانى بر شما مى‌فرستد؛ تا هنگامى كه مرگ به يكى از شما برسد فرستادگان ما (جان) او را بصورت كامل مى‌گيرند؛ در حالى كه آنان كوتاهى نمى‌كنند. (61)
سپس (بندگان) به سوى خدا، كه مولاى بحق آنهاست، باز گردانده مى‌شوند؛ آگاه باشيد كه حكم تنها از آنِ اوست؛ و او سريع‌ترين حسابرسان است! (62)
بگو:» چه كسى شما را از تاريكى‌هاى خشكى و دريا نجات مى‌بخشد؟ در حالى كه او را فروتنانه (و آشكارا) و پنهانى مى‌خوانيد؛ (و مى‌گوييد:) اگر از اين‌ها ما را نجات بخشد، قطعاً از سپاسگزاران خواهيم بود. « (63)
بگو:» خدا شما را از اينها، و از هر اندوهى نجات مى‌بخشد؛ سپس شما

(برای او) شریک قرار می‌دهید! « (64)
بگو:» او تواناست که از بالای (سر) شما یا از زیر پای شما، عذابی بر شما برانگیزد؛ یا بصورت گروه‌هایی شما را (با هم) بیامیزد؛ و قدرت (جنگ) برخی شما را به برخی [دیگر] بچشاند. «بنگر چگونه نشانه‌ها را به گونه‌های مختلف بیان می‌کنیم! تا شاید آنان بطور عمیق بفهمند! (65)
و قوم تو آن (قرآن) را دروغ انگاشتند، در حالی که آن حق است! (به آنان) بگو:» من حمایتگر (و نگهبان) شما نیستم. « (66)
برای هر خبر بزرگی هنگام استقراری هست؛ و در آینده خواهید دانست! (67)
و هر گاه کسانی را دیدی که (به قصد ریشخند) در آیات ما فرو می‌روند، پس از آنان روی گردان تا به سخنی غیر از آن در آیند؛ و اگر شیطان تو را به فراموشی انداخت، پس بعد از یادآوری، با آن گروه ستمکار مَنشین. (68)
ترجمه قرآن، ص: 136
و هیچ چیز از حساب آن (مشرک) ان بر عهده کسانی که (در آن مجالس شرکت می‌کنند و) خودنگهداری می‌نمایند، نیست. و لیکن یادآوری (به مشرکان نمایند) تا شاید که خودشان را حفظ کنند. (69)
و رها کن کسانی را که دینشان را به بازی و سرگرمی گرفتند! و زندگی پست (دنیا) آنان را فریب داده است. و بوسیله این (قرآن) یادآوری نما، مبادا شخصی به سبب آنچه کسب کرده گرفتار شود؛ در حالی که غیر از خدا، برای او هیچ یاور (و سرپرست) و شفاعت‌گری نیست؛ و اگر هر گونه تاوانی در مقابل بپردازد، از او پذیرفته نخواهد شد. آنان کسانی هستند که به سبب آنچه کسب کرده‌اند، گرفتار شده‌اند. نوشابه‌ای از آب سوزان و عذابی دردناک برای آنان است، بدان سبب که همواره کفر می‌ورزیدند. (70)
بگو:» آیا غیر از خدا، چیزی را بخوانیم (و پرستش کنیم) که سودی به ما نمی‌رساند و زیانی (نیز) به ما نمی‌رساند؛ و بعد از اینکه خدا ما را راهنمایی کرد به گذشته‌های (کفرآمیز) مان باز گردانده شویم؟! همانند کسی که شیطان‌ها او را به سقوط (و گمراهی) کشانده‌اند، در حالی که در زمین سرگردان است. (و) او همراهانی دارد که وی را به هدایت فرا می‌خوانند، (و می‌گویند:) به سوی ما بیا! بگو:» براستی رهنمایی خدا، تنها راهنمایی (حقیقی) است؛ و به ما فرمان داده شده: برای پروردگار جهانیان تسلیم باشیم. (71)
و (نیز به ما فرمان داده شده به) اینکه: نماز را به پا دارید؛ و [خودتان را] از [عذاب او حفظ کنید؛ و او کسی است که فقط به سوی او گردآوری خواهید شد. « (72)

و او کسی است که آسمان‌ها و زمین را بحق آفرید؛ و روزی که (خدا) می‌گوید:» باش پس (فوراً موجود) می‌شود. «سخنش حق است؛ و روزی که در» شیپور «دمیده می‌شود، فرمانروایی فقط از آنِ اوست؛ (او) دانای نهان و آشکار است؛ و او فرزانه آگاه است. (73)
ترجمه قرآن، ص: 137
و (یاد کن) هنگامی را که ابراهیم به پدرِ (مادرش یا عموی) ش» آزَر «، گفت:» آیا بت‌هایی را معبودان (خود) می‌گیری؟! در واقع من، تو و قومت را در گمراهی آشکاری می‌بینم! « (74)
و اینگونه، فرمانروایی مطلق آسمان‌ها و زمین را به ابراهیم نمایاندیم؛ (تا بدان استدلال کند) و بخاطر آنکه از یقین کنندگان باشد. (75)
و هنگامی که شب بر او پرده افکند، سیاره‌ای مشاهده کرد، گفت:» این پروردگار من است؟ «و هنگامی که غروب کرد، گفت:» غروب کنندگان را دوست ندارم. « (76)
و هنگامی که ماه را در حال طلوع دید، گفت:» این پروردگار من است؟ «و هنگامی که غروب کرد، گفت:» اگر پروردگارم مرا راهنمایی نکرده بود، قطعاً از گروه گمراهان بودم. « (77)
و هنگامی که خورشید را در حال طلوع دید، گفت:» این پروردگار من است؟ این (از همه) بزرگ‌تر است! «و هنگامی که غروب کرد، گفت:» ای قوم [من ! براستی که من نسبت به آنچه شریک (خدا) قرار می‌دهید، بی‌تعهدم. (78)
براستی که من حق‌گرایانه رویِ (وجود) خود را به سوی کسی متوجه کردم، که آسمان‌ها و زمین را شکافته [و آفریده است. و من از مشرکان نیستم. « (79)
و [لی قومش به بحث [و جدل با او پرداختند؛ [ابراهیم گفت:» آیا در باره خدا با من گفتگو (و جدل) می‌کنید؟! و حال آنکه (خدا مرا) راهنمایی کرده است؛ و من از آنچه شریک او قرار می‌دهید، ترسی ندارم (و به من زیانی نمی‌رسانند،) مگر پروردگارم چیزی را بخواهد؛ علم پروردگارم بر هر چیز گسترده است؛ آیا (غافلید) و متذکّر نمی‌شوید؟! (80)
و چگونه از آنچه شریک (خدا) قرار می‌دهید، بترسم؟ و حال آنکه شما نمی‌ترسید از اینکه چیزی را شریک خدا قرار می‌دهید، که هیچ دلیلی در باره آن بر شما فرو نفرستاده است. پس اگر می‌دانید، کدام یک از دو دسته (بت‌پرستان و خداپرستان)، به امنیت سزاوارترند؟! (81)
ترجمه قرآن، ص: 138
کسانی که ایمان آوردند، و ایمانشان را با ستمِ (شرک) نیامیختند، امنیت تنها برای آنهاست؛ و آنان ره‌یافتگانند! « (82)
و این [ها] دلیل ما بود که آنها را به ابراهیم در برابر قومش دادیم!

رتبه‌های هر کس را بخواهیم (و شایسته باشد) بالا می‌بریم؛ براستی که پروردگار تو، فرزانه‌ای داناست. (83)
و اسحاق و یعقوب را به او [ابراهیم بخشیدیم؛ در حالی که همگی را راهنمایی کردیم؛ و نوح را پیش از (این) راهنمایی نمودیم؛ و از نسل او، داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را (راهنمایی کردیم)؛ و اینگونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم! (84)
و (نیز) زکریا و یحیی و عیسی و الیاس (را راهنمایی کردیم)؛ در حالی که همگی از شایستگانند. (85)
و اسماعیل و الیَسَع و یونس و لوط (را راهنمایی کردیم)؛ و همگی را بر جهانیان برتری دادیم. (86)
و از پدرانشان و نسل آنان و برادرانشان (برخی را بر جهانیان برتری دادیم) و آنان را برگزیدیم؛ و ایشان را به راه راست، راهنمایی کردیم. (87)
این، رهنمود خداست؛ که هر کس از بندگانش را (شایسته بداند و) بخواهد، با آن راهنمایی می‌کند! و اگر (بر فرض) شرک ورزند، آنچه همواره انجام داده‌اند حتماً از ایشان تباه می‌شود. (88)
آن (پیامبر) ان کسانی هستند که کتاب [الهی و حکم و نَبوّت به آنان دادیم؛ و اگر آن (کافر) ان بدان کفر ورزند، پس حتماً گروه (دیگر) ی را حمایتگر (و نگهبان) آن می‌سازیم که بدان کافر نیستند. (89)
آن (پیامبر) ان کسانی هستند که خدا (آنان را) راهنمایی کرده؛ پس از هدایت آنان پیروی کن! بگو:» از شما هیچ پاداشی بر این (رسالت) نمی‌طلبم؛ این (رسالت و قرآن چیزی) جز یادآوری برای جهانیان نیست! « (90)
ترجمه قرآن، ص: 139
و هنگامی که گفتند:» خدا، هیچ چیز بر هیچ بشری فرو نفرستاده است! «خدا را به حقیقتِ معرفتش نشناختند. بگو:» چه کسی آن کتاب را که موسی آورد، فرو فرستاد؟! در حالی که (آن کتاب) برای مردم، نور و رهنمود بود؛ (و) آن را بصورت صفحه (کاغذ) های پراکنده قرار می‌دهید؛ که (بخشی را) آشکارش می‌کنید، و (بخش) زیادی را پنهان می‌دارید؛ و حال آنکه آنچه را شما و پدرانتان نمی‌دانستید، (بوسیله آن) آموزش داده شدید. «بگو:» خدا! «سپس آنان را در فرو رفتنشان (در باطل) رها کن؛ در حالی که بازی می‌کنند! (91)
و این کتابی خجسته است که آن را فرو فرستادیم؛ که آنچه [از کتابهای الهی پیش از آن آمده است را مؤیّد است. و برای اینکه (مردم) امُّ القُری [مادر شهرها مکّه و کسانی را که پیرامون آن هستند، هشدار دهی! و کسانی که به آخرت ایمان می‌آورند، به آن [قرآن ایمان می‌آورند، در حالی

که آنان بر نمازهایشان محافظت می‌کنند! (92)
و چه کسی ستمکارتر است از کسی که بر خدا دروغ بندد، یا گوید:» به سوی من، وحی فرستاده شده. «در حالی که به سوی او هیچ چیزی وحی نشده است، و کسی که گوید:» بزودی نظیر آنچه را خدا فرو فرستاده، فرود می‌آورم؟! «و اگر (بر فرض) ببینی هنگامی را که ستمکاران در شداید مرگ فرو رفته‌اند، در حالی که فرشتگان دست‌هایشان را گشوده‌اند، (خواهی دید که وضع آنان بسیار دردناک است و فرشتگان به آنان می‌گویند:) جان‌هایتان را بیرون دهید! امروز به [سزای آنچه همواره بناحق بر خدا می‌گفتید، و (در برابر) نشانه‌های او همواره تکبّر ورزیدید، به عذابی خوار کننده مجازات خواهید شد! (93)
و بیقین (به ستمکاران گفته می‌شود:) همان گونه که نخستین بار شما را (تنها) آفریدیم، (اکنون نیز) تنها به سوی ما آمده‌اید؛ و آنچه را به شما بخشیده بودیم، پشت سرتان نهاده‌اید! و شفاعتگران شما را، که می‌پنداشتید در واقع آنان در (کار شفاعت ما نسبت به) شما شریک هستند، با شما نمی‌بینیم! حتماً (پیوند) میان شما بریده شده است؛ و آنچه را همواره می‌پنداشتید از (نظر) شما گم شده است. (94)
ترجمه قرآن، ص: 140
براستی که خدا، شکافنده دانه و هسته است؛ زنده را از مرده بیرون می‌سازد و بیرون آورنده مرده از زنده است؛ این خداست! پس چگونه (از حق) بازگردانده می‌شوید؟! (95)
(خدا) شکافنده صبح است؛ و شب را (مایه) آرامش، و خورشید و ماه را (وسیله) حساب قرار داده است؛ این، اندازه‌گیریِ (خدایِ) شکست‌ناپذیر داناست! (96)
و او کسی است که ستارگان را برای شما قرار داد، تا بوسیله آنها در تاریکی‌های خشکی و دریا، راه یابید؛ بیقین نشانه‌ها (یِ خود) را برای گروهی که می‌دانند، تشریح نمودیم. (97)
و او کسی است که شما را از یک شخص پدید آورد. (و شما دو گروه هستید:) پایدار و ناپایدار؛ بیقین نشانه‌ها (یِ خود) را برای کسانی که بطور عمیق بفهمند، تشریح نمودیم. (98)
و او کسی است که از آسمان آبی فرو فرستاد؛ و بوسیله آن، گیاهان (گوناگون) هر چیز را رویاندیم؛ و از آن، (ساقه) سبزی، خارج ساختیم، که از آن دانه‌های متراکمی بر می‌آوریم، و از درخت خرما از شکوفه‌اش، خوشه‌هایی نزدیک است و بوستان‌هایی از انگورها و زیتون و انار، همگون و ناهمگون (رویانیدم.) هنگامی که میوه می‌دهد، به میوه آن و (طرز) رسیدنش بنگرید که حتماً در آن، نشانه‌هایی برای گروهی است که ایمان می‌آورند. (99)

و (مشرکان) برای خدا همتایانی از جنّ قرار دادند، در حالی که (خدا همه) آنها را آفریده است؛ و بدون هیچ دانشی، برای او، پسران و دخترانی ساختند؛ او منزّه، و برتر است از آنچه وصف می‌کنند! (100)
(خدا) پدید آورنده آسمان‌ها و زمین است؛ چگونه ممکن است برایش فرزندی باشد؟! و حال آنکه برایش همسری نبوده؛ و همه چیز را آفریده؛ و او به هر چیزی داناست. (101)
ترجمه قرآن، ص: 141
این خدا پروردگار شماست! هیچ معبودی جز او نیست؛ آفریدگار هر چیزی است؛ پس او را بپرستید؛ و او بر هر چیزی کارساز است. (102)
چشم‌ها او را در نمی‌یابند؛ و [لی او چشم‌ها را در می‌یابد؛ و او لطیف [و] آگاه است. (103)
در واقع دلیل‌های بینش آوری از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ و هر کس با بصیرت بنگرد، پس به سود خود اوست. و هر کس کور (دل) باشد پس به زیان اوست؛ و من بر شما نگهبان نیستم. (104)
و بدینسان آیات (خود) را به گونه‌های مختلف بیان می‌کنیم (و مخالفان انکار می‌کنند)؛ و سرانجام می‌گویند:» درس خوانده‌ای! «و عاقبت آن را برای گروهی که می‌دانند، روشن می‌سازیم. (105)
از آنچه که از طرف پروردگارت به سوی تو وحی شده، پیروی کن؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ و از مشرکان، روی گردان. (106)
و اگر (بر فرض) خدا می‌خواست، (آنان) شرک نمی‌ورزیدند؛ و تو را بر آنان نگهبان قرار نداده‌ایم؛ و تو حمایتگر آنان نیستی. (107)
و (به معبودِ) کسانی که غیر از خدا را می‌خوانند، دشنام ندهید، پس (آنگاه آنان نیز) از روی دشمنی، بدون هیچ دانشی، خدا را دشنام می‌دهند؛ اینچنین برای هر امتی کردارشان را آراستیم؛ سپس بازگشت آنان فقط به سوی پروردگارشان است؛ و آنان را از آنچه همواره انجام می‌دادند، آگاه خواهد ساخت. (108)
و با شدیدترین سوگندهایشان به خدا قسم خوردند، که اگر نشانه (معجزه‌آسا) برای آنان بیاید، قطعاً بدان ایمان می‌آورند؛ بگو:» نشانه‌های (معجزه‌آسا) فقط نزد خداست؛ و چه چیزی شما را (با درک حسّی) متوجه می‌سازد که هر گاه نشانه‌ای (معجزه‌آسا هم) بیاید، ایمان نمی‌آورند. « (109)
و دل‌های آنان و دیدگانشان را واژگونه می‌سازیم؛ همان گونه که نخستین بار به آن ایمان نیاوردند؛ و آنان را در حالی که در طغیانشان سرگردان می‌شوند، وا می‌گذاریم. (110)
ترجمه قرآن، ص: 142
و اگر (بر فرض) ما فرشتگان را به سوی آنان فرو می‌فرستادیم، و مردگان

با آنان سخن می‌گفتند، و همه چیز را برای آنان رویاروی گرد می‌آوردیم، هرگز ایمان نمی‌آوردند؛- جز اینکه خدا بخواهد- و لیکن بیشتر آنان نادانی می‌کنند. (111)
و این چنین برای هر پیامبری، دشمنی از شرورهای (شیطان صفت) انسان و جنّ قرار دادیم؛ در حالی که برخی آنان به برخی [دیگر] برای فریب، سخنان آراسته (و بی‌اساس) با اشاره سریعِ پنهانی القاء می‌کنند؛ و اگر (بر فرض) پروردگارت می‌خواست، آن را انجام نمی‌دادند؛ پس آنان را با آنچه تهمت می‌زنند، واگذار. (112)
و سرانجام دل‌های کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، به سوی آن (سخن باطل) می‌گراید و عاقبت به آن راضی شوند؛ و سرانجام آنچه را آنان کسب کننده‌اند، بدست می‌آورند. (113)
پس آیا غیر خدا را به داوری طلبم؟! در حالی که او کسی است که کتاب [قرآن را به تفصیل به سوی شما فرو فرستاده است؛ و کسانی که به آنان کتاب [الهی داده‌ایم می‌دانند که آن [قرآن از طرف پروردگارت به حق فرو فرستاده شده است؛ پس هرگز از تردید کنندگان مباش. (114)
و سخن پروردگارت بر اساس راستی و عدل تمام شده است؛ هیچ تغییر دهنده‌ای برای سخنان (سنت گونه) او نیست؛ و او شنونده [و] داناست. (115)
و اگر از بیشترِ کسانی که در زمین هستند اطاعت کنی، تو را از راه خدا گمراه می‌کنند؛ (آنان) جز از گمان پیروی نمی‌نمایند، و جز این نیست که آنان حدس می‌زنند (و دروغ می‌بافند). (116)
براستی که پروردگارت خود، به کسی که از راهش گمراه گشته، داناتر است؛ و (همچنین) او به (حال) ره یافتگان داناتر است. (117)
پس اگر به آیات او ایمان دارید، از (گوشت) آنچه نام خدا (به هنگام سر بریدن) بر آن برده شده، بخورید! (118)
ترجمه قرآن، ص: 143
و شما را چه شده که از (گوشت) آنچه نام خدا بر آن برده شده، نمی‌خورید؟! و حال آنکه بیقین (خدا) آنچه را بر شما حرام کرده، برایتان تشریح نموده است! مگر آنچه را که به (خوردن) آن ناچار شدید، (که در این صورت حرام نیست.) و قطعاً بسیاری (از مردم)، بخاطر هوس‌هایشان بدون هیچ دانشی (دیگران را) گمراه می‌سازند؛ براستی که پروردگارت، خود به (حال) تجاوزکاران داناتر است. (119)
و گناه را، آشکار و پنهانش را رها کنید، [چرا] که کسانی که گناه را کسب می‌کنند، بزودی در برابر آنچه همواره بدست می‌آوردند، مجازات خواهند شد. (120)
و از (گوشت) آنچه نامِ خدا بر آن برده نشده، نخورید! و قطعاً این (کار)

نافرمانی است؛ و قطعاً شرورهای (شیطان صفت) به سوی دوستانشان اشاره سریع پنهانی القاء می‌کنند، تا با شما ستیز کنند، و اگر از آنان اطاعت کنید قطعاً شما مشرکید. (121)
و آیا کسی که مرده بود، و او را زنده کردیم، و نوری برایش قرار دادیم که بوسیله آن در (میان) مردم راه برود، همانند کسی است که مَثَل او در تاریکی‌هاست در حالی که از آن بیرون آمدنی نیست؟! این گونه برای کافران آنچه را همواره انجام می‌دادند، آراسته شده است. (122)
و این گونه در هر آبادی گناهکاران بزرگش را قرار دادیم، تا (سرانجام کارشان این شد) که در آنجا به فریب (مردم) پرداختند؛ و [لی جز خودشان را فریب نمی‌دهند و حال آنکه (با درک حسّی) متوجه نمی‌شوند. (123)
و هنگامی که آیه‌ای برای آنان بیاید، می‌گویند:» ایمان نمی‌آوریم، تا اینکه همانند چیزی که به فرستادگان خدا داده شده، به ما (هم) داده شود. «خدا داناتر است که رسالتش را کجا قرار دهد؛ بزودی کسانی را که خلافکاری کردند، به سزای اینکه همواره فریبکاری می‌کردند، در پیشگاه خدا خواری و عذابی شدید خواهد رسید. (124)
ترجمه قرآن، ص: 144
و هر کس را که خدا بخواهد راهنماییش کند، سینه‌اش را برای (پذیرش) اسلام می‌گشاید؛ و هر کس را که بخواهد (بخاطر اعمالش) در گمراهی‌اش وا نهد، سینه‌اش را تنگِ تنگ می‌کند، گویا می‌خواهد در آسمان بالا برود؛ این گونه خدا پلیدی را بر کسانی که ایمان نمی‌آورند قرار می‌دهد. (125)
و این راه راست پروردگار توست؛ بیقین آیات (خود) را برای گروهی که پند می‌گیرند، تشریح کردیم. (126)
برای آنان نزد پروردگارشان سرای سلامت خواهد بود؛ و به [پاداش آنچه همواره انجام می‌دادند، او سرپرست (و یاور) آنهاست. (127)
و در روزی که (خدا) همه آنان را گرد می‌آورد، (می‌گوید:) ای گروه (شیاطینِ) جنّ، بیقین از انسان (ها پیروان) فراوان یافتید. و پیروان آنان از میان انسان [ها] می‌گویند:» [ای پروردگار ما! برخی از ما از برخی [دیگر] بهره برداری کردیم؛ و به سرآمدمان که برای ما مقرّر داشتی، رسیدیم. « (خدا) می‌گوید:» آتش جایگاه شماست؛ در حالی که در آن ماندگارید، مگر آنچه خدا بخواهد. «براستی که پروردگارت فرزانه‌ای داناست. (128)
و اینگونه برخی ستمگران را به (سزای) آنچه همواره بدست می‌آوردند، بر برخی [دیگر] می‌گماریم. (129)
(در قیامت خدا می‌فرماید:) ای گروه جنّ و انسان! آیا فرستادگانی از شما برایتان نیامد که آیات مرا برای شما حکایت می‌کردند، و به شما نسبت به ملاقات این روزتان هشدار می‌دادند؟! (آنان) می‌گویند:» بر زیان خودمان

گواهی می‌دهیم. «و زندگی پست (دنیا) آنان را فریب داد. و به زیان خودشان گواهی می‌دهند که آنان (خود) کافر بودند. (130)
این (اتمام حجت بدان سبب است) که پروردگارت نابود کننده (مردم) آبادی‌ها به ستم نبوده، در حالی که اهلش غافل باشند. (131)
ترجمه قرآن، ص: 145
و برای هر یک (از این گروه‌ها) رتبه‌هایی است، (که ناشی می‌شود) از آنچه انجام دادند؛ و پروردگارت از آنچه انجام می‌دهند غافل نیست. (132)
و پروردگارت توانگر [و] دارای رحمت است؛ اگر بخواهد، شما را (از میان) می‌برد؛ و هر گونه بخواهد بعد از شما جانشین می‌سازد؛ همان گونه که شما را از نسل گروهی دیگر پدید آورد. (133)
قطعاً آنچه به شما وعده داده می‌شود، آمدنی است؛ و شما عاجز کننده (خدا) نیستید. (134)
بگو:» ای قوم [من ! هر چه مقدور شماست انجام دهید، که من (هم) انجام می‌دهم. و در آینده خواهید دانست چه کسی فرجام (نیکِ) سرای (آخرت) برایش خواهد بود؛ براستی که ستمکاران رستگار نمی‌شوند. « (135)
و (مشرکان) برای خدا، سهمی از آنچه (او) از زراعت و دام‌ها آفریده، قرار دادند؛ و بر اساس پندارشان گفتند:» این (سهم) برای خداست، و این (سهم دیگر) برای شریکان (یعنی بت‌های) ماست. «و آنچه برای شریکانشان بود، پس به خدا نمی‌رسد، و [لی آنچه برای خدا بود، پس آن به شریکانشان می‌رسد، چه بد داوری می‌کنند. (136)
و اینگونه (علاقه‌ها به) شریکانشان (بت‌ها) کشتن فرزندانشان را برای بسیاری از مشرکان آراستند، تا (سرانجام) آنان را به هلاکت افکندند؛ و تا (در نهایت) دینشان را بر آنان مشتبه ساختند. و اگر (بر فرض) خدا می‌خواست، آن را انجام نمی‌دادند؛ پس آنان را با آنچه (به دروغ) می‌بندند، واگذار! (137)
ترجمه قرآن، ص: 146
و (مشرکان) بر اساس پندارشان گفتند:» این، دام‌ها و زراعتی (که مخصوص بت‌هاست، برای همه) ممنوع است؛ که [نباید] از آنها بخورد، جز کسی که ما می‌خواهیم؛ و (اینها) دام‌هایی است که (سوار شدن بر) پشت آنها ممنوع شده است؛ و (نیز) دام‌هایی است که (هنگام سر بریدن) نام خدا را بر آنها نمی‌بُردند؛ در حالی که به او (دروغ) می‌بندند (و می‌گفتند: این احکام، همه از ناحیه اوست.) بزودی (خدا) آنان را بخاطر آنچه همواره (به دروغ) می‌بستند، کیفر می‌دهد. (138)
و (مشرکان) گفتند:» آنچه در شکم این دام‌هاست، مخصوص مردان ماست، و بر همسران ما ممنوع است؛ و [لی اگر مردار باشد، پس آنان

(هم) در آن شریکند. «بزودی (خدا) کیفر وصف آنان را به ایشان می‌دهد؛ [چرا] که او فرزانه‌ای داناست. (139)
بیقین کسانی زیان کردند، که فرزندانشان را از روی سبک سری بدون هیچ دانشی کشتند؛ و آنچه را خدا به آنان روزی داده بود ممنوع کردند، در حالی که بر خدا (دروغ) می‌بستند؛ بیقین گمراه شدند، و ره یافته نبودند. (140)
و اوست که باغ‌هایی (با درختان) داربست دار، و بدون داربست و درخت خرما، و زراعت با خوردنی‌های متفاوت، و زیتون و انار، همگون و ناهمگون را پدید آورد. از ثمر [ات آن، به هنگامی که به بار می‌نشیند، بخورید؛ و حق آن را به روز برداشتش بپردازید؛ و زیاده‌روی نکنید؛ [چرا] که او اسرافکاران را دوست ندارد. (141)
و (او کسی است که) از دام‌ها (حیوانات بزرگ) باربر، و حیوانات کوچک (ی که از پشم آنها فرش می‌بافند، آفرید.) از آنچه خدا به شما روزی داده است بخورید؛ و از گام‌های شیطان پیروی ننمایید؛ [چرا] که او دشمنی آشکار برای شماست. (142)
ترجمه قرآن، ص: 147
هشت زوج (از دام‌ها آفرید) از میش دو تا و از بُز دو تا؛ بگو:» آیا [خدا] دو نر را حرام کرده، یا دو ماده را؟! یا آنچه رَحِم دو ماده آن را در برگرفته است؟! اگر راستگویید (و بر تحریم اینها دلیلی دارید،) بر اساس علم به من خبر دهید! « (143)
و از شتر دو تا و از گاو (هم) دو تا (آفرید؛) بگو:» آیا [خدا] دو نر را حرام کرده یا دو ماده را؟! یا آنچه رحم دو ماده آن را در برگرفته است؟! یا هنگامی که خدا شما را به این (تحریم) سفارش کرد، (شما) شاهد بودید؟! و چه کسی ستمکارتر است از کسی که بر خدا دروغ بسته، برای اینکه مردم را بدون هیچ دانشی گمراه سازد؟! براستی که خدا گروه ستمکاران را راهنمایی نمی‌کند. « (144)
بگو:» در آنچه به سوی من وحی شده، هیچ (غذای) حرامی بر خورنده‌ای که آن را می خورد، نمی‌یابم! جز اینکه مرداری باشد یا خونِ ریخته شده، یا گوشت خوک، چرا که این (ها) پلید است، یا (حیوانی که) از روی نافرمانی، [به هنگام سر بریدن، نامِ غیر خدا بر آن بانگ زده شده است. «و [لی کسی که ناچار شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد، پس (گناهی بر او نیست)؛ چرا که پروردگارت، بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (145)
و بر کسانی که یهودی شدند، هر (حیوان) ناخن‌داری را حرام کردیم؛ و از گاو و گوسفند، پیه آن دو را بر آنان حرام کردیم؛ مگر آنچه بر پشت آن دو و یا بر روده‌هاست، یا آنچه با استخوان درآمیخته است؛ این را به سزای ستم کردنشان به آنان کیفر دادیم؛ و قطعاً ما راستگوییم. (146)
ترجمه قرآن، ص: 148

و (ای پیامبر) اگر تو را تکذیب کنند، پس بگو:» پروردگار شما، صاحب رحمتی گسترده است؛ و [لی سختیِ (مجازات) او از گروه خلافکاران دفع شدنی نیست. « (147)
کسانی که شرک ورزیدند، بزودی می‌گویند:» اگر (بر فرض) خدا می‌خواست، ما و پدرانمان شرک نمی‌ورزیدیم، و هیچ چیزی را ممنوع نمی‌کردیم. «کسانی (هم) که پیش از آنان بودند همین گونه، (پیامبران را) تکذیب کردند، تا سرانجام (طعم) سختیِ (مجازات) ما را چشیدند. بگو:» آیا نزد شما دانشی هست، پس آن را برای ما بیرون آورید. « [شما] جز از گمان پیروی نمی‌کنید، و جز این نیست که شما حدس می‌زنید، (و دروغ می‌بافید). (148)
بگو:» پس فقط دلیل رسا برای خداست. و اگر (بر فرض خدا) می‌خواست، حتماً همه شما را (به اجبار) راهنمایی می‌کرد. « (149)
بگو:» گواهانتان را بیاورید، آن کسانی که گواهی می‌دهند، در واقع خدا این (ها) را حرام کرده است! «و اگر آنان (به دروغ) گواهی دهند، تو با آنان گواهی مَده؛ و پیروی مکن از هوس‌های کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، و کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند و آنان که برای پروردگارشان همتا قرار می‌دهند. (150)
بگو:» بیایید، آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است، (برایتان) بخوانم (و پیروی کنیم): اینکه هیچ چیزی را شریک او قرار ندهید؛ و به پدر و مادر نیکی کنید؛ و فرزندانتان را از فقر نکشید؛ ما، شما و آنان را روزی می‌دهیم؛ و نزدیک [کارهای زشت نشوید، آنچه آشکار است از آنها، و آنچه پنهان است؛ و شخصی را که خدا (کشتن او را) حرام کرده است، جز به حق نکشید؛ این (چیزی است که خدا) شما را به آن سفارش کرده، تا شاید شما خردورزی کنید. (151)
ترجمه قرآن، ص: 149
و به ثروت یتیم، نزدیک نشوید، جز به آن (روشی) که آن نکوتر است، تا به حدّ رشدش برسد؛ و پیمانه و ترازو را بر طبق دادگری، کاملًا ادا کنید؛ هیچ شخصی را جز به اندازه تواناییش، تکلیف نمی‌کنیم؛ و هنگامی که سخنی می‌گویید، پس عدالت را رعایت نمایید، و گر چه در مورد نزدیکان (شما) بوده باشد؛ و به پیمان خدا وفا کنید؛ این [ها] است که [خدا] شما را به آن [ها] سفارش کرده، تا شاید شما متذکّر شوید. (152)
و این راه راست من است؛ پس از آن پیروی کنید؛ و از راه‌ها [ی دیگر] پیروی نکنید، که شما را از راه او پراکنده می‌سازد؛ این [ها] است که [خدا] شما را به آن [ها] سفارش کرده، تا شاید شما [خود را] حفظ کنید. « (153)
سپس به موسی کتاب [الهی دادیم، برای اینکه (نعمت خود را) بر کسی که

نیکی کرده تمام کنیم؛ و هر چیزِ (مورد نیاز) را تشریح کنیم، و رهنمود و رحمتی باشد؛ تا شاید آنان به ملاقات پروردگارشان ایمان بیاورند. (154)
و این کتابی خجسته است که آن را فرو فرستادیم؛ پس از آن پیروی کنید، و خود را از مخالفت آن حفظ کنید، باشد که شما (مشمول) رحمت شوید. (155)
(ما قرآن را فرو فرستادیم مبادا) بگویید:» کتاب [الهی تنها بر دو دسته پیش از ما [یهودیان و مسیحیان فرود آمد، و در واقع ما از (مطالعه و) درس آنان غافل بودیم. « (156)
یا [مبادا] بگویید:» ما اگر (بر فرض) کتاب [الهی هم بر ما فرو فرستاده می‌شد، حتماً از آنان ره یافته‌تر بودیم. «پس بیقین، دلیل روشنِ (قرآن)، و رهنمود و رحمتی از جانب پروردگارتان برای شما آمد. و چه کسی ستمکارتر است از کسی که آیات خدا را دروغ انگاشته، و از آن روی برتابد؟! بزودی کسانی را که از آیات ما روی می‌گردانند، به سبب روبرتافتنِ (بدون دلیل) شان، با عذاب بدی کیفر خواهیم داد! (157)
ترجمه قرآن، ص: 150
آیا انتظاری غیر از این دارند که فرشتگان به سویشان آیند، یا پروردگارت بیاید، یا برخی از نشانه‌های پروردگارت بیاید؟! (امّا) روزی که برخی از نشانه‌های پروردگارت (پدید) آید، شخصی که قبلًا ایمان نیاورده، یا در ایمانش نیکی کسب نکرده است، ایمان آوردنش سودی نخواهد داشت. بگو:» منتظر باشید! که ما (هم) منتظریم. « (158)
در حقیقت کسانی که دینشان را پراکنده ساختند، و گروه گروه گردیدند، تو هیچ چیزی (از رابطه) با آنان نداری؛ کارشان تنها با خداست؛ سپس [خدا] از آنچه همواره انجام می‌دادند، با خبرشان می‌سازد. (159)
هر کس (کار) نیکی آورد، پس برایش ده برابر مثل آن (پاداش) است؛ و هر کس (کار) بدی بیاورد، پس جز همانند آن کیفر نخواهد شد؛ و آنان مورد ستم واقع نمی‌شوند. (160)
بگو:» در حقیقت پروردگارم مرا به راه راست راهنمایی‌ام کرده؛ که دینی استوار [و] آیینِ ابراهیمِ حق گراست؛ و [او] از مشرکان نبود. « (161)
بگو:» براستی نمازم و [سایر] عباداتم و زندگی‌ام و مرگم، برای خدایی است، که پروردگار جهانیان است. (162)
هیچ همتایی برای او نیست؛ و به این (کار) مأمور شدم؛ و من نخستین مسلمانم. « (163)
بگو:» آیا جز خدا، پروردگاری بجویم، در حالی که او پروردگار هر چیزی است؟! و هیچ شخصی جز بر زیان خویش (گناهی) کسب نمی‌کند؛ و هیچ باربرداری بار سنگین (گناه) دیگری را برنمی‌دارد؛ «سپس فرجام شما فقط به سوی پروردگارتان است؛ و شما را (نسبت) به آنچه همواره در آن

اختلاف می‌کردید، خبر خواهد داد. (164)
و او کسی است که شما را جانشینانی (در) زمین قرار داد؛ و رتبه‌های برخی از شما را بر برخی [دیگر] برتری داد، تا شما را در [مورد] آنچه به شما داده، بیازماید؛ براستی که پروردگارت زود کیفر است؛ و قطعاً او بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (165)
ترجمه قرآن، ص: 151

ترجمه قرآن 199
به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
الف، لام، میم، صاد. (1)
[این کتابی است که به سوی تو فرو فرستاده شده- پس نباید از [ناحیه آن، در سینه‌ات تنگی باشد- تا به وسیله آن هشدار دهی؛ و یادآوری برای مؤمنان باشد. (2)
آنچه را از طرف پروردگارتان به سوی شما فرو فرستاده شده، پیروی کنید؛ و جز او، از سرپرستان (و معبودان دیگر) پیروی نکنید؛ چه اندک متذکّر می‌شوید! (3)
و چه بسیار [مردم شهرها و] آبادی‌ها که آنها را هلاک کردیم، و شبانگاه یا نیمروز در حالی که آنان استراحت کرده بودند، سختیِ (مجازات) ما به آنها در رسید. (4)
و هنگامی که سختیِ (مجازات) ما به آنان در رسید، ندایشان جز این نبود که گفتند:» براستی ما ستمکار بودیم. « (5)
و قطعاً از کسانی که (رسولان الهی) به سویشان فرستاده شدند، پرسش خواهیم کرد؛ و (نیز) حتماً از فرستادگان سؤال خواهیم نمود. (6)
و مسلماً عالمانه، (کردارشان را) برایشان حکایت خواهیم کرد؛ و [ما غافل و] غایب نبودیم. (7)
و در آن روز، سنجش (اعمال)، حق است؛ و کسانی که میزان‌های (عمل) آنان سنگین است، پس تنها آنان رستگارانند. (8)
و کسانی که میزان‌های (عمل) آنان سبک است، پس آنان کسانی هستند که به خودشان زیان رسانده‌اند؛ چرا که همواره نسبت به آیات ما ستم می‌کردند. (9)
و تحقیقاً در زمین به شما امکاناتی دادیم، و برای شما در آن وسایل زندگی قرار دادیم؛ چه اندک سپاسگزاری می‌کنید. (10)
و در واقع شما را آفریدیم؛ سپس شما را صورت‌بندی کردیم؛ آنگاه به فرشتگان گفتیم:» برای آدم سجده کنید. «و (همگی) سجده کردند جز ابلیس، که از سجده کنندگان نبود. (11)
ترجمه قرآن، ص: 152
(خدا به ابلیس) فرمود:» هنگامی که به تو فرمان دادم چه چیزی تو را بازداشت که (سجده کنی و به آدم) سجده نکردی؟! «گفت:» من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریدی و او را از گِل آفریدی! « (12)
گفت:» پس از آن (مقام) فرو آی؛ تو [شایستگی نداری که در آن (مقام)

تکبّر ورزی. پس بیرون شو، که تو از کوچک شدگانی. « (13)
[ابلیس گفت:» مرا تا روزی که (مردم) برانگیخته خواهند شد، مهلت ده. « (14)
[خدا] فرمود:» در واقع تو از مهلت داده شدگانی. « (15)
[شیطان گفت:» پس به سبب آنکه مرا فریفتی، حتماً برای (انحرافِ) آنان، بر [سر] راه راست تو، خواهم نشست. (16)
سپس از پیش رویشان و از پشت سر آنان، و از طرف راستشان و از طرف چپ آنان، قطعاً به سراغشان می‌روم؛ و اکثر آنان را سپاسگزار نخواهی یافت. « (17)
[خدا] فرمود:» از آن (مقام)، با ننگ و خواری، بیرون شو! (و سوگند) که هر کس از آنان تو را پیروی کند، حتماً جهنّم را از همه شما پر می‌کنم. (18)
و ای آدم! تو و همسرت در باغ آرام گیرید، و از هر جا می‌خواهید بخورید، و [لی نزدیک این درخت نشوید؛ که از ستمکاران خواهید بود. « (19)
و شیطان آن دو را وسوسه کرد، تا آنچه را از شرمگاه‌های آنان از ایشان پنهان بود، برای شان آشکار سازد؛ و گفت:» پروردگارتان شما را از این درخت منع نکرده، جز برای آنکه [مبادا] دو فرشته شوید، یا از ماندگاران (باغ) گردید. « (20)
و [ابلیس برای آن دو [آدم و حوّا] سوگند یاد کرد که من قطعاً از خیرخواهان شما هستم. (21)
و آنان را با فریب (از مقامشان) فرو آورد و هنگامی که از [میوه آن درخت چشیدند، شرمگاه‌های آنان بر ایشان آشکار شد؛ و شروع به قرار دادن برگ (های درختان) باغ بر خودشان کردند؛ و پروردگارشان آنان را ندا داد که:» مگر شما را از آن درخت منع نکردم، و به شما نگفتم که شیطان برایتان دشمنی آشکار است؟! « (22)
ترجمه قرآن، ص: 153
[آدم و حوّا] گفتند:» [ای پروردگار ما! به خودمان ستم کردیم؛ و اگر ما را نیامرزی و به ما رحم نکنی، حتماً از زیانکاران خواهیم بود. « (23)
[خدا] فرمود:» (از مقام خویش) فرو آیید، در حالی که برخی از شما دشمن برخی [دیگر] هستید؛ و برای شما در زمین، تا زمانی [معین قرارگاه و وسیله بهره‌برداری است. « (24)
[خدا] فرمود:» در آن [زمین زندگی می‌کنید، و در آن می‌میرید؛ و (در رستاخیز) از آن بیرون آورده می‌شوید. « (25)
ای فرزندان آدم! در حقیقت لباسی برای شما فرو فرستادیم، که شرمگاه‌های شما را می‌پوشاند و مایه زینت است؛ و [لی پوشش (خودنگهداری و) پارسایی، این بهتر است؛ این [ها] از نشانه‌های خداست،

باشد که آنان متذکّر شوند. (26)
ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبد، همان گونه که پدر و مادر شما را از باغ بیرون کرد، در حالی که لباسشان را از [تن آنان بیرون ساخت تا شرمگاه‌هایشان را به آنان بنمایاند؛ [چرا] که او و طایفه‌اش، از جایی که آنان را نمی‌بینید، شما را می‌بینند؛ در واقع ما شیطان‌ها را سرپرست کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند. (27)
و هنگامی که [کار] زشتی انجام می‌دهند می‌گویند:» پدرانمان را بر این (شیوه) یافتیم؛ و خدا ما را به آن فرمان داده است. « [ای پیامبر] بگو:» براستی که خدا به [کار] زشت فرمان نمی‌دهد. آیا چیزی را که نمی‌دانید، به خدا نسبت می‌دهید؟! « (28)
بگو:» پروردگارم به دادگری فرمان داده است؛ و رویتان را در هر مسجدی (به هنگام عبادت، به سوی قبله) نمایید، و او را بخوانید، در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانیده‌اید؛ (و بدانید) همان گونه که (آفرینش) شما را آغاز کرد، (به سوی او) باز می‌گردید. « (29)
دسته‌ای را [خدا] راهنمایی کرده؛ و دسته‌ای (که شایستگی نداشته‌اند،) گمراهی بر آنان ثابت گردیده است. [چرا] که آنان غیر از خدا، شیطان‌ها را به سرپرستی گرفتند؛ و می‌پندارند که آنان راه یافتگانند. (30)
ترجمه قرآن، ص: 154
ای فرزندان آدم! زیور [های تان را در هر مسجدی برگیرید؛ و بخورید و بیاشامید، و [لی زیاده‌روی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی‌دارد. (31)
[ای پیامبر] بگو:» چه کسی زیور [های الهی را که برای بندگانش پدید آورده، و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟! «بگو:» این [ها] در زندگی پست (دنیا)، برای کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ (اگر چه دیگران نیز از آنها استفاده می‌کنند،) در حالی که در روز رستاخیز مخصوص (مؤمنان) خواهد بود. «این گونه آیات (خود) را برای گروهی که آگاهند، شرح می‌دهیم. (32)
بگو:» پروردگار من، تنها [کارهای زشت را، آنچه آشکار است از آنها و آنچه پنهان، و (همچنین) گناه و ستم بناحق را، حرام کرده است؛ و (نیز) اینکه چیزی را که [پروردگار] دلیلی بر (حقانیّت) آن فرو نفرستاده، شریک خدا قرار دهید؛ و اینکه چیزی را که نمی‌دانید، به خدا نسبت دهید. « (33)
و برای هر امّتی، سرآمد (عمر معیّن) است؛ و هنگامی که سرآمد (عمر) آنان فرا رسد، هیچ ساعتی تأخیر نمی‌کنند، و پیشی نمی‌گیرند. (34)
ای فرزندان آدم! اگر فرستادگانی از شما به سراغتان بیایند که آیات مرا بر شما حکایت کنند، (پس از آنان پیروی کنید؛) و کسانی که خودنگهداری (و پارسایی) کنند و اصلاح نمایند، پس هیچ ترسی بر آنان نیست و نه آنان

اندوهگین می‌شوند. (35)
و کسانی که نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، و از (پذیرش) آن تکبّر ورزیدند، آنان اهل آتشند، در حالی که آنان در آن ماندگارند. (36)
پس چه کسی ستمکارتر است از کسی که بر خدا دروغ بسته، یا نشانه‌های او را دروغ انگاشته است؟! آنان بهره ایشان، از آنچه مقرر شده، به آنان خواهد رسید. تا هنگامی که فرستادگان [و فرشتگان ما به سراغشان روند، در حالی که (جان) آنان را به صورت کامل بگیرند، [فرشتگان به آنان می‌گویند:» کجاست آنچه غیر از خدا همواره می‌خواندید (و می‌پرستیدید)؟! «می‌گویند:» (آنان) از (نظر) ما گم شدند. «و به زیان خودشان گواهی می‌دهند که آنان کافر بودند. (37)
ترجمه قرآن، ص: 155
(خدا به آنان) می‌گوید:» در میان امت‌هایی از جن و انسان [ها] که پیش از شما بودند، در آتش وارد شوید! «هر گاه که امّتی وارد می‌شود، همانندش را لعنت می‌کند؛ تا هنگامی که همگی در آن (آتش) به هم رسند. (آنگاه) پیروانشان درباره پیشوایانشان می‌گویند:» [ای پروردگار ما! آنان ما را گمراه‌ساختند؛ پس عذابی دو برابر از آتش به آنان بده. « [خدا] می‌فرماید:» برای هر (یک از شما عذابی) دو برابر است و لیکن نمی‌دانید. « (38)
و پیشوایانشان به پیروانشان می‌گویند:» (اگر چنین باشد) پس شما هیچ برتری بر ما ندارید؛ پس به سبب آنچه همواره کسب می‌کردید، عذاب را بچشید! « (39)
در واقع کسانی که نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، و از (پذیرش) آن تکبّر ورزیدند، درهای آسمان (معنویت) برایشان گشوده نمی‌شود؛ و (هرگز) داخل بهشت نخواهند شد، مگر اینکه شتر نر در سوراخ سوزن داخل شود! و اینگونه، خلافکاران را کیفر می‌دهیم. (40)
برای آنان بستری از (آتشِ) جهنّم است، و از بالایشان پوشش‌هایی (از آن) است؛ و اینگونه ستمکاران را کیفر می‌دهیم. (41)
و کسانی که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام داده‌اند- (اگر چه) هیچ کس را جز به اندازه تواناییش تکلیف، نمی‌کنیم- آنان اهل بهشتند؛ در حالی که آنان در آن ماندگاراند. (42)
و آنچه در دل‌هایشان از کینه دارند، بر می‌کنیم؛ در حالی که از زیر (درختان) آنان جوی‌ها روان است؛ و می‌گویند:» ستایش مخصوص خدایی است که ما را به این (نعمت‌ها) رهنمون شد؛ و اگر خدا ما را راهنمایی نکرده بود، ما هرگز هدایت نمی‌یافتیم؛ مسلّماً فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند. «و (آنگاه) به آنان ندا داده می‌شود که:» این بهشت است که آن را به سبب آنچه همواره انجام می‌دادید، آن را به ارث داده شدید. «

(43)
ترجمه قرآن، ص: 156
و اهل بهشت، اهل آتش را ندا دهند که:» بیقین آنچه را پروردگارمان به ما وعده داده بود، حق یافتیم؛ و آیا [شما هم آنچه را پروردگارتان وعده داده بود، حق یافتید؟! « [دوزخیان می‌گویند:» آری. «و ندا دهنده‌ای در میان آنان بانگ زند، که:» لعنت خدا بر ستمکاران باد! « (44)
(همان) کسانی که (مردم را) از راه خدا باز می‌دارند، و می‌خواهند آن [راه را منحرف سازند؛ و آنان آخرت را منکرند. (45)
و در میان آن دو [گروه بهشتیان و دوزخیان مانعی است؛ و بر بلندی‌ها (اعراف، راد) مردانی هستند که هر یک (از آن دو گروه) را از چهره‌شان می‌شناسند؛ و اهل بهشت را که (هنوز) داخل آن (بهشت) نشده‌اند، در حالی که آنان (بدان) امیدوارند، ندا می‌دهند که:» سلام بر شما باد! « (46)
و هنگامی که چشمانشان به سوی اهل آتش گردانیده شود، می‌گویند:» [ای پروردگار ما! ما را با گروه ستمکاران قرار مده. « (47)
و اهل اعراف، مردانی (از دوزخیان) که آنان را، از سیمایشان می‌شناسند، ندا دهند، (و) گویند:» گردآوری (اموال و افرادِ) شما، و تکبّر همیشگی‌تان (چیزی از عذاب را) از شما دفع نمی‌کند. (48)
آیا اینان (مؤمنان مستضعف، همان) کسانی هستند که سوگند یاد کردید، خدا رحمتی به آنان نخواهد رسانید؟! (ولی اینک به مؤمنان مستضعف گفته می‌شود:) داخل بهشت‌شوید، در حالی که هیچ ترسی بر شما نیست، و نه شما اندوهگین می‌شوید. (49)
و اهل آتش، اهل بهشت را صدا می‌زنند که:» از آن آب، یا از آنچه خدا» روزیِ «شما کرده، بر ما فرو ریزید. « (بهشتیان) می‌گویند که:» خدا اینها را بر کافران ممنوع ساخته است. « (50)
کسانی که دینشان را به سرگرمی و بازی گرفتند، و زندگی پست (دنیا) آنان را فریب داد، پس همان‌گونه که ملاقات این روزشان را فراموش کردند و نشانه‌های ما را همواره انکار می‌نمودند، (ما هم) امروز آنان را به فراموشی می‌سپاریم. (51)
ترجمه قرآن، ص: 157
و در واقع، کتابی برای آنان آوردیم که آن را عالمانه شرح دادیم؛ در حالی که رهنمود و رحمتی، برای گروهی است، که ایمان می‌آورند. (52)
آیا [آنان جز در انتظار (واقع شدن و) سرانجام آن (هشدارهای قرآن) هستند؟! روزی که سرانجام آن فرا رسد کسانی که قبلاً آن را فراموش کرده بودند، می‌گویند:» بدرستی که فرستادگان پروردگار ما، حق را آوردند؛ پس آیا شفاعت‌گرانی برای ما وجود دارند که برای ما شفاعت

کنند، یا (ممکن است به دنیا) بازگردانیده شویم، که اعمالی غیر از آنچه همواره انجام می‌دادیم، انجام دهیم؟! « (ولی آنان) یقیناً به خودشان زیان رسانده‌اند، و آنچه را همواره (از معبودها به دروغ) می‌ساختند، از (نظر) شان گم شد. (53)
در واقع پروردگار شما، خدایی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز [و دوره آفرید؛ سپس بر تخت (جهانداری و تدبیر هستی) تسلّط یافت؛ و روز را به شب می‌پوشاند، در حالی که شتابان آن را می‌طلبد؛ و خورشید و ماه و ستارگان را (آفرید،) در حالی که به فرمان (و تدبیر) او رام شده‌اند. آگاه باشید که آفرینش و فرمان (تدبیر جهان)، تنها برای اوست؛ خجسته (و پایدار) است خدایی که پروردگار جهانیان است. (54)
پروردگارتان را فروتنانه (و آشکارا) و پنهانی، بخوانید؛ که او متجاوزان را دوست نمی‌دارد. (55)
و در زمین پس از اصلاح آن فساد مَکنید، و او را با ترس و امید بخوانید؛ که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است. (56)
و او کسی است که بادها را پیشاپیش (باران) رحمتش، مژده‌رسان می‌فرستد؛ تا آنگاه که ابرهای گرانبار را (بر دوش) کشند، آن (ها) را به سوی سرزمین مرده می‌رانیم؛ و به وسیله آن (ها)، آب را فرود آوریم، و با آن، از (خاک) هر گونه محصولات برآوریم؛ این گونه مردگان را (نیز از قبرها) خارج می‌سازیم؛ تا شاید شما متذکّر شوید. (57)
ترجمه قرآن، ص: 158
و سرزمین پاکیزه، گیاهش به رخصت پروردگارش می‌روید؛ و آن (سرزمینی) که پلید است، جز (گیاه) کم فایده از آن نمی‌روید؛ اینچنین نشانه‌ها را برای گروهی که سپاسگزاری می‌کنند، به گونه‌های مختلف بیان می‌کنیم. (58)
بیقین نوح را به سوی قومش فرستادیم، و (او به آنان) گفت:» ای قوم [من ! خدا را پرستش کنید، که هیچ معبودی جز او برای شما نیست؛ که من از عذاب روز بزرگ بر شما می‌ترسم! « (59)
اشراف قومش (به نوح) گفتند:» قطعاً ما تو را در گمراهی آشکاری می‌بینیم. « (60)
(نوح) گفت:» ای قوم [من ! هیچ گونه گمراهی در من نیست، و لیکن من فرستاده‌ای از جانب پروردگار جهانیانم. (61)
رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم؛ و برای شما خیرخواهی می‌کنم؛ و چیزی را که [شما] نمی‌دانید از (جانب) خدا می‌دانم. (62)
و آیا تعجب کرده‌اید که (دستور) آگاه کننده پروردگارتان به وسیله مردی از میانتان به شما برسد، تا به شما هشدار دهد، و تا خودنگهداری کنید؟! و باشد که شما (مشمول) رحمت شوید. « (63)

و او را تکذیب کردند؛ و (ما) وی و کسانی را که با او در کشتی بودند نجات دادیم؛ و کسانی را که نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، غرق کردیم؛ [چرا] که آنان گروهی کور [دل بودند. (64)
و به سوی (قوم) عاد، برادرشان» هود «را (فرستادیم)؛ گفت:» ای قوم [من ! خدا را پرستش کنید، که هیچ معبودی جز او برای شما نیست؛ پس آیا خودنگهداری (و پارسایی) نمی‌کنید؟! « (65)
اشرافِ قومش که کفر ورزیدند، گفتند:» قطعاً ما تو را در (نوعی) سبک‌سری می‌بینیم، و در واقع ما گمان می‌کنیم که تو از دروغگویان هستی. « (66)
(هود) گفت:» ای قوم [من ! هیچ‌گونه سبک‌سری در من نیست؛ و لیکن من فرستاده‌ای از طرف پروردگار جهانیانم. (67)
ترجمه قرآن، ص: 159
رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم؛ و من برای شما، خیرخواهی درستکار هستم. (68)
و آیا تعجّب کرده‌اید که (دستور) آگاه کننده پروردگارتان به وسیله مردی از میانتان به شما برسد تا هشدارتان دهد؟! و یاد آرید هنگامی که (خدا) شما را پس از قوم نوح، جانشینان (آنان) قرار داد، و گستره آفرینش شما را بیفزود؛ پس نعمت‌های خدا را به یاد آرید؛ تا شاید شما رستگار شوید. « (69)
(اشراف قوم هود) گفتند:» آیا به سراغ ما آمده‌ای تا خدای یگانه را بپرستیم، و آنچه را پدران ما همواره می‌پرستیدند، رها کنیم؟! پس اگر راستگویی، آنچه را (از عذاب الهی) به ما وعده می‌دهی، بیاور! « (70)
(هود) گفت:» براستی که پلیدی و خشم پروردگارتان، بر شما واقع شده است. آیا با من در مورد نام‌هایی مجادله می‌کنید که شما و پدرانتان (برای بت‌ها، به عنوان معبود) نامگذاری کرده‌اید، [و] خدا هیچ دلیلی درباره آن [ها] فرو نفرستاده است؟! پس منتظر باشید، که من (هم) با شما از منتظرانم! « (71)
و او و کسانی را که با او بودند، با رحمتی از جانبمان نجات بخشیدیم؛ و دنباله کسانی را که نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، و از مؤمنان نبودند، قطع کردیم. (72)
و به سوی (قوم) ثَمُود، برادرشان صالح را (فرستادیم)؛ (او) گفت:» ای قوم [من ! خدا را بپرستید، که هیچ معبودی جز او، برای شما نیست. بیقین دلیلی (معجزه آسا) از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ این ماده شتر خدا، نشانه‌ای (معجزه‌وار) برای شماست؛ پس او را [به حال خود] واگذارید، که در زمین خدا (از علف‌های بیابان) بخورد؛ و سوء (قصد و آزاری) به او نرسانید، که عذاب دردناکی شما را فرا خواهد گرفت! (73)

ترجمه قرآن، ص: 160
و به خاطر آورید هنگامی که (خدا) شما را پس از (قوم) عاد جانشینان (آنان) قرار داد، و شما را در زمین مستقر ساخت، که در دشت‌هایش، قصرها می‌گزینید، و از کوه‌ها خانه‌هایی می‌تراشیدید؛ بنابراین نعمت‌های خدا را به یاد داشته باشید؛ و در زمین تبهکارانه فساد مکنید. « (74)
از میان قومش اشرافی که تکبّر می‌ورزیدند، به کسانی از مستضعفان که از بین آنان ایمان آورده بودند، گفتند:» آیا شما یقین دارید که صالح فرستاده‌ای از طرف پروردگارش است؟! « (مستضعفان) گفتند:» در حقیقت ما به آنچه (او) بدان رسالت یافته، مؤمنیم. « (75)
کسانی که (از قوم صالح) تکبّر ورزیدند، گفتند:» در واقع ما به آنچه [شما] بدان ایمان آوریده‌اید، کافریم. « (76)
و (مستکبران،) ماده شتر (معجزه‌آسا) را پی کردند، و از فرمان پروردگارشان سرپیچیدند؛ و گفتند:» ای صالح! اگر تو از فرستادگان (خدا) هستی، آنچه را به ما وعده می‌دهی برای ما، بیاور! « (77)
پس زلزله آنان را فرو گرفت؛ و در خانه‌هایشان از پا در آمدند. (78)
و (صالح) از آن (مستکبر) ان روی برتافت؛ و گفت:» ای قوم [من ! رسالت پروردگارم را به شما ابلاغ کردم، و برای شما خیرخواهی کردم، و لیکن (شما) خیرخواهان را دوست ندارید. « (79)
و (یاد کن) لوط را، هنگامی که به قومش گفت:» آیا [کاری زشت را مرتکب می‌شوید، در حالی که هیچ یک از جهانیان، در آن (کار) بر شما پیشی نگرفته است؟! (80)
در واقع شما از روی شهوت، به غیر از زنان به سراغ مردان می‌روید؟! بلکه شما گروهی اسراف‌کار (و متجاوز) ید. « (81)
ترجمه قرآن، ص: 161
و [لی پاسخ قومش جز این نبود که گفتند:» آنان را از آبادی‌تان بیرون کنید، که آنان مردمی هستند که پاکدامنی را می‌طلبند. « (82)
و او و خاندانش را نجات دادیم؛ جز زنش، که از بازماندگان (در آبادی) بود. (83)
و بارشی (از سنگ‌های عذاب) بر آنان باراندیم؛ پس بنگر فرجام خلافکاران چگونه بوده است! (84)
و به سوی مَدْیَن، برادرشان شعیب را (فرستادیم)؛ (او) گفت:» ای قوم [من ! خدا را بپرستید، که هیچ معبودی جز او برای شما نیست. بیقین دلیلی (معجزه‌آسا) از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ پس پیمانه و ترازو را کاملاً ادا کنید، و به مردم [از روی ستم چیزهایشان را کم مدهید؛ و در [روی زمین بعد از اصلاح شدنش، فساد مَکنید؛ این (رهنمودها) برای شما بهتر است؛ اگر شما مؤمنید. (85)

و بر سر هر راهى ننشينيد در حالى كه (مردم را) تهديد كنيد و از راه خدا، كسانى را كه به او ايمان آورده‌اند، باز داريد، و مى‌خواهيد آن [راه را منحرف سازيد؟! و به خاطر آوريد هنگامى كه اندک بوديد، و (او) شما را بسيار گردانيد؛ و بنگريد كه فرجام فسادگران چگونه بوده است! (86)
و اگر دسته‌اى از شما، به آنچه (من) بدان رسالت يافته‌ام، ايمان آورده‌اند، و دسته‌اى (ديگر) ايمان نياورده‌اند، پس شكيبايى كنيد تا خدا ميان ما داورى كند، و او بهترينِ داوران است. « (87)

از ميان قومش اشرافى كه تكبّر مى‌ورزيدند، گفتند:» اى شعيب! بيقين، تو و كسانى را كه با تو ايمان آورده‌اند، از آبادى‌مان بيرون خواهيم كرد، يا حتماً به آيين ما بازگرديد. « (شعيب) گفت:» آيا (مى‌خواهيد ما را بازگردانيد) و گر چه ناگوارمان باشد. (88)
اگر بعد از آنكه خدا ما را از آن نجات بخشيده، به آيين شما بازگرديم، در حقيقت، به خدا دروغ بسته‌ايم؛ و براى ما شايسته نيست كه به آن بازگرديم، مگر آنكه خدايى كه پروردگار ماست، بخواهد؛ علم پروردگار ما، بر همه چيز گسترده است. تنها بر خدا توكّل كرده‌ايم. [اى پروردگار ما! بين ما و بين قوم ما به حق (داورى كن و مشكل كار ما را) بگشا، و تو بهترينِ (داوران و) گشايندگانى. « (89)
و از ميان قومش اشرافى كه كفر ورزيدند، گفتند:» اگر از شعيب پيروى كنيد، در اين صورت حتماً شما زيانكاريد. « (90)
پس زلزله آنان را فرو گرفت؛ و در خانه‌هايشان از پا در آمدند. (91)
كسانى كه شعيب را تكذيب كردند، (آنچنان نابود شدند كه) گويا در آن (شهر) سكونت نداشتند! كسانى كه شعيب را تكذيب كردند، تنها (آنان) زيانكار بودند. (92)
و (شعيب) از آنان روى برتافت و گفت:» اى قوم [من ! براستى من رسالت‌هاى پروردگارم را به شما ابلاغ كردم، و براى شما خيرخواهى نمودم؛ پس چگونه بر (حال) گروهى كافر اندوهگين شوم؟! « (93)
و ما هيچ پيامبرى را در هيچ آبادى نفرستاديم، مگر اينكه مردمش را به سختى (زندگى) و زيان (جسمى و روحى) گرفتار ساختيم؛ تا شايد (فروتن و) تسليم گردند. (94)
سپس نيكى (و نعمت) را به جاى بدى (و سختى) قرار داديم؛ تا آنكه فزونى گرفتند، و گفتند:» در واقع به پدران ما (نيز) سختى و را حتى رسيده است. «پس ناگهان آنان را گرفتار (مجازات) ساختيم، و حال آنكه آنان (با درک حسّى) متوجّه نبودند. (95)

و اگر (بر فرض) اهل آبادى‌ها ايمان مى‌آوردند و خودنگهدارى (و پارسايى)

می‌کردند، حتماً برکاتی از آسمان و زمین بر آنان می‌گشودیم؛ و لیکن (آنان حق را) تکذیب کردند؛ پس بخاطر آنچه همواره کسب می‌کردند، گرفتارشان کردیم. (96)
و آیا اهل این آبادی‌ها ایمن شده‌اند، از اینکه سختی (مجازات) ما شبانگاه به آنان در رسد، در حالی که آنان خواب باشند؟! (97)
و آیا اهل این آبادی‌ها ایمن شده‌اند، از اینکه سختی (مجازات) ما، نیمروز به آنان در رسد، در حالی که آنان بازی می‌کنند؟! (98)
و آیا (آنان) از ترفند خدا ایمن شده‌اند و [حال آنکه جز گروه زیانکاران از ترفند خدا ایمن نمی‌باشند؟! (99)
و آیا (حوادث پیشینیان) برای کسانی که زمین را پس از اهلش به ارث می‌برند، رهنمون نشد، به اینکه اگر (بر فرض) بخواهیم، آنان را به (سزای) پیامدهای (گناهان) شان می‌رسانیم، و بر دل‌هایشان مُهر می‌نهیم؛ و آنان (صدای حق را) نمی‌شنوند؟! (100)
این‌ها شهرهایی است که از اخبار بزرگ آنها برای تو حکایت می‌کنیم؛ و در حقیقت فرستادگانشان دلایل (معجزه‌آسا) برای آنان آوردند؛ و [لی آنان به آنچه قبلًا تکذیب کرده بودند، هرگز ایمان نمی‌آوردند؛ این گونه خدا بر دل‌های کافران مُهر می‌نهد. (101)
و برای بیشتر آنان هیچ پیمان (استواری) نیافتیم؛ و بیقین اکثر آنان را نافرمانبردار یافتیم. (102)
آنگاه، پس از آن (پیامبر) ان، موسی را با نشانه‌های (معجزه‌آسای) مان به سوی فرعون و اشراف او فرستادیم؛ و [لی به آن (نشانه‌های معجزه‌آسا) ستم کردند؛ پس بنگر فرجام فسادگران چگونه بوده است! (103)
و موسی گفت:» ای فرعون! به درستی که من فرستاده‌ای از طرف پروردگار جهانیانم. (104)
ترجمه قرآن، ص: 164
شایسته است که بر خدا جز (سخن) حق نگویم. در واقع دلیلی (معجزه‌آسا) از طرف پروردگارتان برای شما آورده‌ام؛ پس بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) را به همراه من بفرست. « (105)
(فرعون) گفت:» اگر نشانه‌ای آورده‌ای، پس بیاورش، اگر از راستگویان هستی. « (106)
و (موسی) عصایش را افکند، پس به ناگاه آن اژدهایی آشکار شد. (107)
و دستش را (از گریبان) بیرون آورد، پس به ناگاه، آن برای بینندگان سفید (و درخشان) شد. (108)
اشراف قوم فرعون گفتند:» بی‌شک، این ساحری داناست. (109)
(اشراف گفتند: موسی) می‌خواهد که شما را از سرزمینتان بیرون کند؛ پس چه دستور می‌دهید؟ « (110)

(اشراف به فرعون) گفتند:» (کارِ) او و برادرش را به تأخیر انداز، و گردآورندگانی را به شهرها بفرست، (111)
(تا) هر ساحر دانایی را نزد تو آورند. « (112)
و ساحران نزد فرعون آمدند [و] گفتند:» اگر فقط (ما) پیروز گردیم، حتماً برای ما پاداش [مهمی است؟! « (113)
[فرعون گفت:» آری، و مسلماً شما از نزدیکان (من) خواهید شد. « (114)
(به هنگام مبارزه، ساحران) گفتند:» ای موسی! یا اینکه تو (عصایت را) می‌افکنی، و یا اینکه فقط ما (وسایل سحر را) می‌افکنیم. « (115)
[موسی گفت:» بیفکنید! «و هنگامی که (ساحران وسایل خود را) افکندند، دیدگان مردم را افسون کردند و آنان را هراسان کردند و سحری بزرگ (پدید) آوردند! (116)
و به موسی وحی کردیم که:» عصایت را بیفکن. «و ناگهان آن (عصا اژدها شد و آن) چه را به دروغ می‌ساختند، بلعید! (117)
پس حق آشکار شد؛ و آنچه را همواره انجام می‌دادند، باطل گشت. (118)
و در آنجا شکست خورده و کوچک شده گشتند. (119)
و ساحران سجده‌کنان (به زمین) در افتاده، (120)
ترجمه قرآن، ص: 165
گفتند:» به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم؛ (121)
(همان) پروردگار موسی و هارون. « (122)
فرعون گفت:» [آیا] پیش از آنکه به شما رخصت دهم، به او ایمان آوردید؟! حتماً این فریبی است که در این شهر (نقشه) آن را (کشیده‌اید و) فریبکاری کردید، تا مردمش را از آن بیرون کنید؛ پس در آینده خواهید دانست! (123)
قطعاً دست‌هایتان و پاهای شما را بر خلاف (یکدیگر یعنی یکی از راست و یکی از چپ) قطع می‌کنم، سپس حتماً همگی شما را به دار می‌آویزم! « (124)
[ساحران گفتند:» در حقیقت ما فقط به سوی پروردگارمان باز می‌گردیم. (125)
و (تو) از ما انتقام نمی‌گیری، جز بخاطر اینکه وقتی نشانه‌های پروردگارمان برای ما آمد، ایمان آوردیم. [ای پروردگار ما! [پیمانه شکیبایی را بر ما فرو ریز، و ما را مسلمان بمیران! « (126)
و اشراف قوم فرعون (به او) گفتند:» آیا موسی و قومش را رها می‌کنی تا در زمین فساد کنند، و تو و معبودانت را رها سازد؟! «گفت:» بزودی پسرانشان را می‌کشیم، و زنانشان را زنده نگه می‌داریم و در واقع ما بر آنان مُسلّطیم. « (127)

موسی به قومش گفت:» از خدا یاری جویید، و شکیبایی کنید، که زمین از آنِ خداست، در حالی که آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد به ارث می‌دهد؛ و فرجام (نیک) برای پارسایان (خود نگهدار) است. « (128)
(قوم موسی) گفتند:» پیش از آنکه به سوی ما بیایی و پس از آمدنت نزد ما، آزار دیدیم! « (موسی) گفت:» امید است پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند، و شما را در زمین جانشین آنان سازد، و بنگرد که چگونه عمل می‌کنید. « (129)
و در حقیقت فرعونیان را بواسطه خشکسالی و کاهشی در محصولات گرفتار کردیم، تا شاید آنان متذکّر گردند. (130)
ترجمه قرآن، ص: 166
و [لی هنگامی که نیکی (و نعمت) به آنان روی می‌آورد، می‌گفتند:» این فقط برای (شایستگی) ماست. «و اگر بدی (و بلاها) به آنان می‌رسید، به موسی و کسانی که با او بودند، فال بد می‌زدند. آگاه باشید فال (نیک و بد) شان تنها نزد خداست؛ و لیکن بیشترشان نمی‌دانند. (131)
و گفتند:» اگر هر گونه نشانه (معجزه‌آسایی) که آن را برای ما بیاوری تا ما را بدان سحر کنی، پس ما تصدیق کننده تو نیستیم. (132)
و بر آنان سیلاب و ملخ و کَنِه و قورباغه‌ها و خون را فرستادیم، در حالی که نشانه‌هایی از هم جدا بودند؛ و [لی تکبّر ورزیدند، و گروهی خلافکار شدند. (133)
و هنگامی که (عذاب) اضطراب‌آور بر آنان واقع شد، گفتند:» ای موسی! از پروردگارت به عهدی که نزد تو دارد، برای ما بخواه، که اگر این (عذاب) اضطراب‌آور را از ما برطرف سازی، قطعاً به تو ایمان می‌آوریم، و حتماً بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) را با تو روانه می‌کنیم. « (134)
و هنگامی که (عذاب) اضطراب‌آور را تا سرآمدی که آنان بدان می‌رسیدند، از آنان برطرف می‌ساختیم، ناگهان آنان پیمان می‌شکستند. (135)
پس، از آنان انتقام گرفتیم، و آنان را در دریا غرق کردیم؛ چرا که آنان نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، و از آن [ها] غافل بودند. (136)
و به گروهی که همواره تضعیف می‌شدند، خاوران زمین (فلسطین) و باخترانش را، که آن را پربرکت کرده بودیم، به ارث دادیم؛ و بخاطر شکیبایی‌شان، سخن نیک پروردگارت (در مورد وعده) به بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب، تحقق) تمام یافت؛ و آنچه (از کاخ‌ها،) فرعون و قومش پیوسته با زیرکی می‌ساختند، و آنچه را (از باغ‌های داربست‌دار) همواره برافراشته بودند، درهم کوبیدیم. (137)
ترجمه قرآن، ص: 167
و بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) را از دریا عبور دادیم؛ و (در راه خود) به

گروهی رسیدند که مجاور بت‌هایشان (در حال پرستش) بودند. (در این هنگام بنی اسرائیل) به موسی گفتند:» (تو هم) برای ما معبودی قرار ده، همان گونه که برای آنان معبودانی است. « (موسی) گفت:» در واقع شما گروهی هستید که نادانی می‌کنید! (138)
(موسی گفت:) در حقیقت، آنچه آنان در آنند، نابود است؛ و آنچه همواره انجام می‌دادند، باطل است! « (139)
(موسی) گفت:» آیا غیر از خدا، معبودی برای شما بجویم؟! و حال آنکه او شما را بر جهانیان (روزگارتان) برتری داد. « (140)
و (یاد کن) آنگاه که شما را از [چنگ فرعونیان نجات بخشیدیم، در حالی که شما را (با شکنجه و) عذاب بدی می‌آزردند، پسران شما را می‌کشتند، و زنانتان را زنده نگه می‌داشتند؛ و در این [ها] آزمایش بزرگی از [جانب پروردگارتان بود. (141)
و با موسی، سی شب وعده گذاشتیم؛ و آن را با ده شب (دیگر) تکمیل نمودیم؛ پس میعادگاه پروردگارش (با او)، چهل شبِ تمام شد. و (در هنگام رفتن،) موسی به برادرش هارون گفت:» جانشین من در میان قومم باش؛ و (امورشان را) اصلاح کن؛ و راه فسادگران را پیروی مکن. « (142)
و هنگامی که موسی به میعادگاه ما آمد، و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد:» پروردگارا! خودت را بر من بنمای، [تا] بر تو بنگرم. « (خدا) گفت:» [هرگز] مرا نخواهی دید؛ و لیکن به کوه بنگر، و اگر در جایش ثابت ماند، پس در آینده مرا خواهی دید. «و هنگامی که پروردگارش بر کوه جلوه نمود، آن را همسان خاک قرار داد؛ و موسی مدهوش (به زمین) افتاد؛ و هنگامی که به هوش آمد، گفت:» منزّهی تو (از اینکه با چشم دیده شوی)! به سوی تو بازگشتم؛ و من نخستین مؤمنانم. « (143)
ترجمه قرآن، ص: 168
(خدا) فرمود:» ای موسی! براستی که من تو را با رسالت‌های خویش، و با سخن گفتنم (با تو)، بر مردم (برتری دادم و) برگزیدم؛ پس آنچه را به تو داده‌ام بگیر، و از سپاسگزاران باش. « (144)
و برای او در صفحه‌های (تورات) پندی از هر چیزی و شرحی برای هر چیزی نگاشتیم؛ و [گفتیم:] آن را با توانمندی بگیر؛ و به قومت فرمان بده، که:» نیکوترینش را (فرا) گیرند. (و عمل کنند. و به مخالفان هشدار ده که) بزودی سرای نافرمانبرداران را به شما می‌نمایانم. « (145)
بزودی، کسانی را که در زمین به ناحق تکبّر می‌ورزند، از نشانه‌هایم، روی گردان می‌سازم. و اگر هر آیه (و نشانه) ای را ببینند، به آن ایمان نمی‌آورند؛ و اگر راه هدایت را ببینند آن را (به عنوان) راهی برنمی‌گزینند؛ و اگر راه گمراهی را ببینند، آن را (به عنوان) راهی برمی‌گزینند. این [ها] بدان سبب است که آنان نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، و از آنها غافل

بودند! (146)
و کسانی که نشانه‌های ما، و ملاقات آخرت را دروغ انگاشتند، اعمالشان تباه می‌شود؛ آیا جز آنچه را همواره انجام می‌دادند کیفر داده می‌شوند؟! (147)
و قوم موسی بعد از (رفتن) او، از زیورهایشان مجسمه گوساله‌ای که صدای گاو داشت (ساختند، و به عنوان معبود) برگزیدند. آیا نظر نکردند، که آن [گوساله با آنان سخن نمی‌گوید، و به هیچ راهی راهنمایی‌شان نمی‌کند؟! آن (گوساله) را (به عنوان معبود) برگزیدند، و ستمکار بودند. (148)
و هنگامی که (حقیقت) به دستشان افتاد، (و پشیمان شدند) و دیدند که آنان واقعاً گمراه شده‌اند، گفتند:» اگر پروردگارمان به ما رحم نکند، و ما را نیامرزد، قطعاً از زیانکاران خواهیم بود. « (149)
ترجمه قرآن، ص: 169
و هنگامی که موسی خشمناک [و] اندوهگین به سوی قومش بازگشت، گفت:» بعد از من، چه بد جانشینانی برایم بودید! آیا در مورد فرمان پروردگارتان، عجله نمودید (و در مورد تمدید زمان وعده، زود داوری کردید)؟! «و (موسی) صفحه‌های (تورات) را افکند، و سرِ برادرش را گرفت در حالی که او را به سوی خود می‌کشید؛ [هارون گفت:» پسر مادر [م ! در حقیقت این گروه مرا تضعیف کردند؛ و نزدیک بود مرا بکشند؛ پس مرا دشمن شاد مکن؛ و مرا با گروه ستمکاران قرار مده. « (150)
(موسی) گفت:» پروردگارا! من و برادرم را بیامرز، و ما را در رحمت خویش داخل فرما، در حالی که تو مهرورزترین مهرورزانی. « (151)
در واقع کسانی که گوساله را (به عنوان معبود) برگزیدند، بزودی خشمی از جانب پروردگارشان، و خواری در زندگی پست (دنیا) به آنان خواهد رسید؛ و اینچنین، دروغ‌پردازان را کیفر می‌دهیم! (152)
و کسانی که [کارهای بد انجام دادند، آنگاه بعد از آنها توبه نمودند و (عملاً) ایمان آوردند، قطعاً پس از آن، پروردگارت بسیار آمرزنده مهرورز است. (153)
و هنگامی که خشم موسی آرام گرفت؛ صفحه‌های (تورات) را برگرفت، در حالی که در نوشته (های) آن، رهنمود و رحمتی است، برای کسانی که آنان از (مخالفت) پروردگارشان می‌هراسند. (154)
و موسی از میان قومش، هفتاد مرد را برای میعادگاه ما برگزید؛ و هنگامی که زلزله آنان را فرا گرفت گفت:» پروردگارا! اگر (بر فرض) می‌خواستی، آنان و مرا پیش [از این هلاک می‌ساختی. آیا ما را بخاطر آنچه سبک‌سران ما انجام داده‌اند، هلاک می‌کنی؟! این، جز آزمایش تو، نیست؛ در حالی که هر کس را بخواهی (بخاطر اعمالش)، بوسیله آن در گمراهی وا می‌نهی؛ و

هر که را بخواهی (و شایسته بدانی)، رهنمایی می‌کنی. تو سرپرست (و یاور) مایی، پس ما را بیامرز، و بر ما رحم کن، و تو بهترین آمرزندگانی. (155)

ترجمه قرآن، ص: 170

و برای ما، در این دنیا و در آخرت نیکی مقرّر فرما؛ [چرا] که ما به سوی تو بازگشت کرده‌ایم. « [خدا] گفت:» عذابم را به هر کس بخواهم آن را می‌رسانم؛ و رحمتم بر همه چیز گسترده است؛ و بزودی آن را برای کسانی که خودنگهداری می‌کنند، و زکات (و صدقه) می‌دهند و کسانی که آنان به نشانه‌های ما ایمان می‌آورند، مقرّر خواهم داشت. (156)

(همان) کسانی که از فرستاده (خدا)، پیامبر درس نخوانده پیروی می‌کنند؛ آن (پیامبری) که (صفات) او را در تورات و انجیل نزدشان، نوشته می‌یابند؛ در حالی که آنان را به [کار] پسندیده فرمان می‌دهد، و آنان را از [کار] ناپسند منع می‌کند، و برایشان [خوراکی‌های پاکیزه را حلال می‌شمرد، و پلیدی‌ها را بر آنان حرام می‌کند؛ و تکلیف سنگینشان، و غل‌هایی را که بر آنان بوده، از (دوش) آنها بر می‌دارد؛ و کسانی که به او ایمان آوردند و گرامی‌اش داشتند (و دشمنانش را از او باز داشتند) و یاری‌اش کردند، و از نوری که با او فرود آمده پیروی نمودند، تنها آنان رستگارانند. « (157)

بگو:» ای مردم! در حقیقت من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم؛ آن (خدایی) که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین، فقط برای اوست؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ زنده می‌کند و می‌میراند؛ پس ایمان آورید به خدا و فرستاده‌اش، پیامبر درس نخوانده‌ای که به خدا و کلماتش ایمان دارد؛ و از او پیروی کنید تا شاید شما راهنمایی شوید. « (158)

و از قوم موسی، گروهی هستند که به حق راهنمایی می‌کنند، و بر (اساس) آن دادگری می‌کنند. (159)

ترجمه قرآن، ص: 171

و آنان را به دوازده (قبیله از) فرزندان (یعقوب که هر یک،) امتی بودند تقسیم کردیم. و به موسی- آنگاه که قومش از او آب خواستند- وحی کردیم که:» با عصایت بر سنگ بزن. «و دوازده چشمه از آن جوشید؛ که هر (گروهی از) مردم آبشخور خود را می‌شناختند و ابر را بر آنان سایه‌گستر کردیم؛ و خوراکی [عسل مانند] و مرغانی [بلدرچین گونه بر آنان فرستادیم. (و گفتیم:) از [خوراکی‌های پاکیزه (از) آنچه به شما روزی داده‌ایم، بخورید؛ و [لی آنان با ناسپاسی خود] بر ما ستم نکردند، بلکه همواره بر خودشان ستم می‌نمودند. (160)

و (به یاد آرید) هنگامی را که به آنان گفته شد:» در این آبادی [بیت المقدس ساکن شوید، و از هر جای آن خواستید، بخورید و بگویید:» [خدایا! گناهان ما را] بریز. «و از در (بیت المقدس) فروتنانه وارد شوید تا

خطاهایتان را برای شما بیامرزَیم؛ بزودی [پاداش نیکوکاران را خواهیم افزود. « (161)
و [لی کسانی از میان آن (یهودی) ان که ستم کرده بودند، سخن را به غیر آن (سخنی) که به آنان گفته شده بود، تغییر دادند؛ پس بخاطر آنکه همواره ستم می‌کردند، (عذابی) اضطراب‌آور از آسمان بر آنان فرستادیم. (162)
و از آن (یهودی) ان از (سرگذشت) آبادی که در ساحل دریا بود بپرس، آنگاه که در (مورد ممنوعیت صید در روز تعطیل) شنبه، تعدّی می‌کردند؛ هنگامی که ماهیانشان، روز (شنبه) استراحتشان آشکارا نزد آنان می‌آمدند، و [لی روز (غیر شنبه) که استراحت نمی‌کردند، نزدشان نمی‌آمدند؛ اینگونه آنان را به آنچه همواره (در مورد آن) نافرمانی می‌کردند، می‌آزماییم. (163)
ترجمه قرآن، ص: 172
و هنگامی که گروهی (بی‌طرف) از میان آنان، (به گروه پنددهندگان) گفتند:» چرا گروهی (گنهکار) را پند می‌دهید که خدا هلاک کننده ایشان، یا کیفر دهنده آنان، به عذابی شدید است. (گروه پنددهندگان) گفتند: (این پندها) عذری نزد پروردگار شماست، و شاید آنان خودنگهدار (و پارسا) شوند. « (164)
و هنگامی که آنچه را بدان یادآوری شده بودند فراموش کردند، (لحظه عذاب فرا رسید؛ و) کسانی را که از بدی (ها) منع می‌کردند، نجات دادیم؛ و کسانی را که ستم کردند، بخاطر آنچه همواره (در مورد آن) نافرمانی می‌کردند، به عذابی سخت گرفتار ساختیم. (165)
و هنگامی که از آنچه از آن منع شده بودند، سرپیچی کردند، به آنان گفتیم:» میمون‌هایی طرد شده باشید! « (166)
و (یاد کن) هنگامی را که پروردگارت اعلام کرد: قطعاً تا روز رستاخیز کسی را بر آن (یهودی) ان، خواهد گماشت، که آنان را با عذابِ بدی آزار دهد. [چرا] که قطعاً پروردگارت زود کیفر است؛ و مسلماً او بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (167)
و آنان را در زمین (بصورت) گروه‌هایی، پراکنده ساختیم؛ برخی از آنان شایسته، و برخی (دیگر) از آنان جُز این‌اند. و آنان را با نیکی‌ها و بدی‌ها آزمودیم، تا شاید آنان باز گردند. (168)
و بعد از آنان، جانشینانی (ناشایست) جانشین شدند، که کتابِ (تورات) را به ارث بردند؛ در حالی که کالای ناپایدار این (دنیای) پست را گرفته، و می‌گویند:» بزودی آمرزیده خواهیم شد. «و [لی اگر کالای ناپایداری همانند آن به آنان برسد، آن را (نیز) می‌گیرند؛ آیا از آنان پیمان محکم کتاب [الهی گرفته نشده، که نسبت به خدا جز به حق سخن نگویند، و درس آنچه را که در آن [کتاب است، خوانده‌اند؟! و سرای آخرت برای کسانی که

خودنگهداری (و پارسایی) می‌کنند بهتر است، پس آیا خردورزی نمی‌کنید؟! (169)
و کسانی که به کتاب (الهی) تَمسُّک جویند، و نماز به پا دارند، براستی که ما پاداش اصلاح‌گران را تباه نخواهیم کرد. (170)
ترجمه قرآن، ص: 173
و (یاد کن) هنگامی که کوه (طور) را بر فراز آن (یهودی) ان برافراشتیم، چنان که گویی آن سایبانی بود؛ و یقین کردند که آن (کوه) بر آنان فرو خواهد افتاد. (و به آنان گفتیم:) آنچه را به شما داده‌ایم، با توانمندی بگیرید؛ و آنچه را در آن است، به خاطر داشته باشید، تا شاید شما (خودتان را) حفظ کنید. (171)
و (یاد کن) هنگامی را که پروردگارت از فرزندان آدم، از پُشت (و صُلب) شان، نسل آنان را برگرفت؛ و آنان را بر خودشان گواه ساخت؛ (و فرمود:) آیا پروردگار شما نیستم؟ گفتند:» آری، گواهی می‌دهیم. « (این گواهی را گرفت،) تا مبادا روز رستاخیز بگویید:» براستی که ما از این (مطلب)، غافل بودیم. « (172)
یا (مبادا) بگویید:» پدرانمان پیش از (ما) فقط شرک می‌ورزیدند، و (ما هم) نسلی بعد از آنان بودیم؛ پس آیا ما را به سبب آنچه باطل‌گرایان انجام دادند، هلاک می‌کنی؟! « (173)
و اینگونه، آیات را تشریح می‌کنیم و تا شاید آنان (به سوی حق) بازگردند. (174)
و خبر بزرگ کسی را بر آنان بخوان، که آیات (و نشانه‌های) مان را به او داده بودیم، و [لی خود را از آنها تهی ساخت و شیطان در پی او افتاد، و از گمراهان شد. (175)
و اگر (بر فرض) می‌خواستیم، حتماً (مقام) او را بوسیله آن (آیات و دانش‌ها) بالا می‌بردیم؛ و لیکن او در زمین (دِنیاپرستی،) ماندگار شد، و از هوس خویش پیروی کرد؛ و مثال او همچون مثال سگ است، اگر بر او حمله کنی، زبان از کام برآوَرَد، [و] یا اگر او را واگذاری (باز هم) زبان از کام برآوَرَد. این مثال گروهی است که آیات (و نشانه‌های) ما را دروغ انگاشتند؛ پس این حکایت‌ها را حکایت کن، تا شاید آنان تفکّر کنند. (176)
چه بد است، داستان گروهی که آیات (و نشانه‌های) ما را دروغ انگاشتند، و تنها همواره به خودشان ستم می‌کردند! (177)
هر کس را که خدا راهنمایی کند، پس او هدایت (واقعی) یافته است؛ و هر کس را در گمراهی وا نهد، پس تنها آنان زیانکارند. (178)
ترجمه قرآن، ص: 174
و در واقع بسیاری از جنّ و انسان [ها] را برای جهنّم آفریدیم؛ [چرا که برایشان دل‌ها [و عقل‌ها] یی است که با آنها فهم عمیق نمی‌کنند؛ و

برایشان چشم‌هایی است که با آنها نمی‌بینند؛ و برایشان گوش‌هایی است که با آنها نمی‌شنوند؛ آنان همانند چهارپایانند، بلکه آنان گمراه‌ترند! تنها آنان غافلانند. (179)
و نام‌های نیکو فقط از آنِ خداست؛ پس او را با آنها بخوانید. و کسانی را که در مورد نام‌هایش به کژی می‌گرایند (و آنها را تحریف می‌کنند،) رها سازید. بزودی (به سزای) آنچه همواره انجام می‌دادند، مجازات خواهند شد. (180)
و از میان کسانی که آفریدیم، گروهی هستند که به حق راهنمایی می‌کنند و بر (اساس) آن دادگری می‌کنند. (181)
و کسانی که آیات (و نشانه‌های) ما را دروغ انگاشتند، بزودی از جایی که نمی‌دانند، بتدریج گرفتارشان خواهیم کرد. (182)
و به آنان مهلت می‌دهم، [چرا] که نقشه من، استوار است. (183)
و آیا فکر نکردند که همنشین آنان [پیامبر] هیچ جنونی ندارد؟! او جز هشدارگری روشنگر نیست. (184)
و آیا نظر نکرده‌اند، در فرمانروایی مطلق آسمان‌ها و زمین، و هر چیزی که خدا آفریده است، و اینکه شاید در واقع سرآمد [زندگی شان نزدیک شده باشد؟! پس به کدام سخن، بعد از آن (قرآن) ایمان خواهند آورد؟! (185)
هر کس را خدا (بخاطر اعمالش) در گمراهی وانهد، پس برای او هیچ راهنمایی کننده‌ای نیست؛ و آنان را در حالی که در طغیانش سرگردان می‌شوند، وا می‌گذارد. (186)
درباره ساعت [قیامت از تو می‌پرسند وقوعش چه زمانی است؟ بگو:» علمش فقط نزد پروردگار من است؛ و جز او (کسی) آن را در وقتش آشکار نمی‌سازد؛ (این حادثه رستاخیز) در آسمان‌ها و زمین، سنگین است؛ جز [به صورت ناگهانی، به [سراغ شما نمی‌آید! « (باز) از تو می‌پرسند، چنانکه گویی تو از (زمان) آن آگاهی؛ بگو:» علمش فقط نزد خداست؛ و لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند. « (187)
ترجمه قرآن، ص: 175
بگو:» برای خودم هیچ سود و زیانی را مالک نیستم جز آنچه خدا بخواهد؛ و اگر (بر فرض) همواره از (آنچه از حسّ) پوشیده آگاهی داشتم، حتماً خیر (خویش) را می‌افزودم، و بدی به من نمی‌رسید؛ من جز هشدارگر و بشارتگری برای گروهی که ایمان می‌آورند، نیستم. « (188)
او کسی است که شما را از یک شخص آفرید؛ و از او همسرش را قرار داد، تا بدان آرام گیرد. و هنگامی که او را تحت پوشش قرار داد، با حملی سبک باردار شد، و با آن (بار سبک، مدتی) گذراند، و هنگامی که سنگین شد، (هر دو) از خدایی که پروردگارشان است، خواستند:» اگر [فرزند] شایسته‌ای به ما دهی، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود. « (189)

و [لی هنگامی که (خدا فرزند) شایسته‌ای به آن دو داد، برای او، در آنچه که به آن دو داده بود، شریکانی قرار دادند؛ و خدا از آنچه شریک [او] قرار می‌دهند، برتر است. (190)
آیا چیزی را شریک [خدا] قرار می‌دهند که هیچ چیزی را نمی‌آفریند، در حالی که (خود) شان آفریده شده‌اند؟! (191)
و نمی‌توانند آنان را هیچ یاری کنند، و نه خودشان را یاری می‌رسانند! (192)
و اگر آنها را به سوی هدایت فرا خواندی، از شما پیروی نمی‌کنند؛ چه آنها را فرا خوانید یا شما خاموش باشید برایتان یکسان است. (193)
در حقیقت کسانی را که جز از خدا می‌خوانید (و پرستش می‌کنید)، بندگانی همچون شما هستند؛ اگر راست گویید، پس آنان را بخوانید، و باید (دعوت) شما را بپذیرند! (194)
آیا برای آن (معبود) ان پاهایی است که با آنها راه بروند؟! یا برای آنها دست‌هایی است که با آنها [چیزی را] سخت بگیرند؟! یا برای آنها چشمانی است که با آنها ببینند؟! یا برای آنها گوش‌هایی است که با آنها بشنوند؟! (ای پیامبر) بگو:» شریک‌هایتان را (که برای خدا قرار داده‌اید) بخوانید، سپس نیرنگ [م زنید و [مرا] مهلت ندهید! (195)
ترجمه قرآن، ص: 176
براستی که سرپرستِ من، خدایی است که کتابِ [قرآن را فرو فرستاده؛ و او شایستگان را سرپرستی می‌کند. (196)
و کسانی را که غیر از او می‌خوانید، نمی‌توانند یاریتان کنند، و نه خودشان را یاری می‌رسانند. (197)
و اگر آنها را به هدایت فرا خوانید، نمی‌شنوند. «و آنها را می‌بینی، در حالی که به تو می‌نگرند. و (در حقیقت) آنان نمی‌بینند! (198)
عفو (و مدارا پیش) گیر؛ و به (کار) پسندیده فرمان ده؛ و از نادان روی گردان. (199)
و اگر وسوسه‌ای از شیطان تو را تحریک کند، پس به خدا پناه ببر؛ [چرا] که او شنوای داناست. (200)
براستی کسانی که خودنگهداری (و پارسایی) می‌کنند، هنگامی که وسوسه‌ای از شیطان با آنان تماس یابد، به یاد (خدا) می‌افتند؛ و ناگهان آنان بینش یابند. (201)
و برادران (شیطان‌صفت) آن (مشرک) ان، ایشان را پیوسته در گمراهی می‌کشند، سپس کوتاه نمی‌آیند. (202)
و هنگامی که هیچ آیه‌ای برای آنان نیاوری، می‌گویند:» چرا آن را (از پیش خود) برنگزیدی؟! «بگو:» فقط از آنچه از طرف پروردگارم به سوی من وحی می‌شود، پیروی می‌کنم، این (قرآن) دلیل‌های بینش‌آور از طرف

پروردگارتان، و رهنمود و رحمتی است برای گروهی که ایمان می‌آورند. « (203)
و هنگامی که قرآن خوانده شود، پس بدان [با دقت گوش فرا دهید؛ و [هنگام شنیدن ساکت باشید؛ باشد که شما (مشمول) رحمت شوید. (204)
و پروردگارت را در (درون) خودت، فروتنانه و ترسان و بدون صدای بلند، در بامدادان و عصرگاهان [و شب هنگام ، یاد کن؛ و از غافلان مباش! (205)
براستی کسانی که نزد پروردگار تواند، از پرستش او تکبّر نمی‌ورزند، و او را به پاکی می‌ستایند، و فقط برای او سجده (و فروتنی) می‌کنند. (206)
ترجمه قرآن، ص: 177

8- سورة الأنفال

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
(ای پیامبر) از تو درباره غنائم (جنگی و ثروت‌های بدون مالک مشخص) پرسش می‌کنند؛ بگو:» غنائم (جنگی و ثروت‌های بدون مالک مشخص) مخصوص خدا و فرستاده [او] ست؛ «پس، [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید؛ و (ارتباطات) بین خودتان را اصلاح کنید؛ و از خدا و فرستاده‌اش اطاعت کنید، اگر مؤمنید. (1)
مؤمنان، تنها کسانی هستند که هر گاه خدا یاد شود، دل‌هایشان (از عظمت خدا و کیفر او) بهراسد؛ و هنگامی که آیات او بر آنان خوانده شود، ایمانشان افزون گردد؛ و تنها بر پروردگارشان توکّل دارند. (2)
کسانی که نماز را به پا می‌دارند؛ و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، (در راه خدا) مصرف می‌کنند. (3)
تنها آنان حقیقتاً مؤمنند؛ برای آنان نزد پروردگارشان رتبه‌ها و آمرزش و روزیِ ارجمندی است. (4)
همان گونه که پروردگارت تو را از خانه‌ات (به سوی میدان بدر،) بحق بیرون فرستاد، و حال آنکه دسته‌ای از مؤمنان ناخشنود بودند. (5)
با تو درباره حق، پس از آنکه روشن گردید، (باز) جدال می‌کنند. گویی به سوی مرگ رانده می‌شوند، و آنان تماشا می‌کنند. (6)
و (به یاد آورید) هنگامی که خدا به شما، یکی از دو گروه [کاروان تجاری قریش، یا لشکر آنان را وعده داد، که آن برای شما باشد؛ و آرزو می‌کردید که [گروه غیر مسلّح برای شما باشد؛ و [لی خدا می‌خواهد حق را با کلمات (و وعده‌های) ش تثبیت کند، و دنباله کافران را قطع کند. (7)
تا حق را تثبیت کند، و باطل را نابود گرداند، و گر چه خلافکاران ناخشنود باشند. (8)
ترجمه قرآن، ص: 178
(به خاطر آورید که در میدان بدر) هنگامی را که از پروردگارتان یاری می‌خواستید، پس [درخواست شما را پذیرفت (به) اینکه، من شما را با هزار (نفر) از فرشتگانِ پیاپی، یاری می‌کنم! (9)
و خدا آن (وعده امداد غیبی) راجز مژده‌ای (برای شما) و برای آرامش قلب‌های شما بدان قرار نداده است؛ و پیروزی جز از نزد خدا نیست؛ [چرا] که خدا شکست‌ناپذیری فرزانه است. (10)
(به یاد آورید) هنگامی را که [خدا] خواب سبک آرام بخشی را که از جانب او بود بر شما پوشانید (و مسلط ساخت؛) و آبی را از آسمان برایتان فرو فرستاد تا شما را بدان پاک سازد؛ و (پلیدی) اضطراب‌آور شیطان را از

شما بزداید؛ و تا دل‌هایتان را محکم سازد؛ و گام‌ها را با آن استوار دارد. (11)
(به یادآور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد:» که من با شمایم؛ پس کسانی را که ایمان آورده‌اند، ثابت [قدم دارید. بزودی در دل‌های کسانی که کفر ورزیدند وحشت می‌افکنم؛ و فراز گردن‌ها را بزنید؛ و همه انگشتان (و دست و پای) شان را قطع کنید! « (12)
این (کیفرها) بدان سبب است که آنان با خدا و فرستاده‌اش مخالفت ورزیدند؛ و هر کس با خدا و فرستاده‌اش مخالفت کند، پس حتماً خدا سخت کیفر است. (13)
این [مجازات دنیاست،] پس آن را بچشید! و در حقیقت برای کافران، عذاب آتش (نیز) هست. (14)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که با حرکت لشکر انبوه کسانی که کفر ورزیدند، رو به رو شدید، پس با عقبگرد از آنان روی برنتابید. (15)
و هر کس در آن روزِ (نبرد) با عقبگردش از آن (دشمن) ان روی برتابد- مگر آنکه (هدفش) کناره‌گیری از میدان برای نبرد (مجدد) و یا پیوستن به گروهی (دیگر) باشد- پس حتماً به خشمی از جانب خدا گرفتار خواهد شد؛ و مقصدش جهنم است، و چه بد فرجامی است! (16)
ترجمه قرآن، ص: 179
و [شما] آنان را نکشتید، و لیکن خدا آنان را کشت؛ و هنگامی که (ریگ و خاک به سوی آنان) افکندی، [تو] نیفکندی، و لیکن خدا افکند؛ و (خدا چنین کرد) تا بدین (وسیله) مؤمنان را با آزمایش نیکویی بیازماید؛ براستی که خدا شنوای داناست. (17)
این (سرنوشت مؤمنان و کافران بود.) و در حقیقت خدا سست‌کننده نیرنگ کافران است. (18)
اگر پیروزی می‌خواستید، پس براستی پیروزی به سراغ شما آمد؛ و اگر (از جدال) خودداری کنید، پس آن برای شما بهتر است؛ و اگر باز گردید [ما هم باز خواهیم گشت؛ و گروه شما هر چند زیاد باشد، چیزی از شما دفع نخواهد کرد؛ و در حقیقت خدا با مؤمنان است. (19)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا و فرستاده‌اش را اطاعت کنید؛ و از او روی برنتابید، در حالی که شما (سخنان او را) می‌شنوید. (20)
و همانند کسانی نباشید که گفتند:» شنیدیم. «و حال آنکه (در حقیقت) آنان نمی‌شنیدند. (21)
براستی که بدترین جنبندگان نزد خدا، ناشنوایان [و] گنگ‌هایند که خردورزی نمی‌کنند. (22)
و اگر (بر فرض) خدا خیری در آنان می‌دانست، حتماً شنوایشان می‌ساخت، و اگر (بر فرض) شنوایشان می‌ساخت حتماً روی برمی‌تافتند، در حالی که

آنان روی‌گردانند. (23)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [دعوت خدا و فرستاده‌اش را بپذیرید، هنگامی که شما را به سوی چیزی فرا می‌خواند، که شما را حیات می‌بخشد؛ و بدانید که خدا میان مرد و دلش حائل می‌شود؛ و اینکه (در رستاخیز) فقط به سوی او گردآوری خواهید شد. (24)
و [خودتان را] از [بلا و] فتنه‌ای حفظ کنید، که تنها به کسانی از شما که ستم کردند، نمی‌رسد (بلکه همه را فرا خواهد گرفت؛) و بدانید که خدا سخت کیفر است! (25)
ترجمه قرآن، ص: 180
و به یاد آورید هنگامی را که شما در روی زمین، اندک [و] مستضعف بودید، می‌ترسیدید که مردم شما را بربایند؛ و [لی خدا] شما را پناه داد؛ و با یاریش تأییدتان کرد؛ و از پاکیزه‌ها روزیتان داد؛ تا شاید شما سپاسگزاری کنید. (26)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و فرستاده [او] خیانت نکنید؛ و (نیز) در امانت‌هایتان خیانت نورزید، در حالی که شما می‌دانید. (27)
و بدانید که اموال شما و فرزندانتان [وسیله آزمایش است؛ و اینکه خدا نزدش پاداشی بزرگ است. (28)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر خودتان را از (مخالفت فرمان) خدا حفظ کنید، برای شما جداکننده [حق از باطل قرار می‌دهد و بدی‌هایتان را از شما می‌زداید؛ و شما را می‌آمرزد؛ و خدا دارای بخشش بزرگ است. (29)
و (یاد کن) هنگامی را که کسانی که کفر ورزیدند با تو فریبکاری کردند، تا تو را به زندان افکنند، یا تو را به قتل رسانند، یا تو را (از مکّه) بیرون کنند، و (نقشه می‌کشند و) فریبکاری می‌کنند؛ و خدا ترفند می‌زند، و خدا بهترین ترفند زنندگان است. (30)
و هنگامی که آیات ما بر آنان خوانده می‌شود، می‌گویند:» بیقین شنیدیم؛ اگر (بر فرض) می‌خواستیم، حتماً مثل آن را می‌گفتیم؛ این [قرآن جز افسانه‌های پیشینیان نیست! « (31)
و (یاد کن) هنگامی را که گفتند:» خدایا! اگر تنها این (قرآن) حق از نزد توست، پس سنگ [هایی از آسمان بر ما بباران، یا عذاب دردناکی بر ما بیاور! « (32)
و [لی در حالی که تو در میان آنان هستی، خدا هرگز آنان را عذاب نخواهد کرد؛ و (نیز) در حالی که آنان طلب آمرزش می‌کنند، خدا عذاب کننده ایشان نخواهد بود. (33)
ترجمه قرآن، ص: 181
و چرا خدا آنان را عذابشان نکند، و حال آنکه آنان از (عبادت مردم در)

مسجد الحرام جلوگیری می‌کنند، و سرپرستان آن نبودند؟! جز پارسایانِ (خود نگهدار) سرپرستانش نیستند، و لیکن بیشترشان نمی‌دانند. (34)
و نمازشان نزد خانه (خدا)، جز سوت کشیدن و کف زدن نبود؛ پس بخاطر اینکه همواره کفر می‌ورزیدید، عذاب را بچشید! (35)
براستی کسانی که کفر ورزیدند، اموالشان را مصرف می‌کنند، تا اینکه (مردم) را از راه خدا باز دارند؛ و بزودی آن [ها] را مصرف می‌کنند، سپس حسرتی بر آنان خواهد شد، سپس شکست می‌خورند؛ و کسانی که کفر ورزیدند، به سوی جهنّم گردآوری خواهند شد. (36)
(اینها همه) بخاطر آن است که خدا ناپاک را از پاک جدا سازد؛ و ناپاک [ان ، برخی آن [ان را بر برخی [دیگر] گذارد، و همگی آن [ان را متراکم سازد، و در جهنّم قرارش (ان) دهد؛ تنها آنان زیانکارانند! (37)
به کسانی که کفر ورزیدند، بگو:» اگر (مخالفت را) پایان دهند، آنچه حقیقتاً در گذشته انجام شده است، برایشان بخشیده خواهد شد؛ و اگر به (وضعیت سابق) بازگردند، پس بیقین سنت (و روش خدا که در مورد) پیشینیان گذشت. « (در مورد آنان نیز اجرا می‌شود.) (38)
و با آن (کافر) ان پیکار کنید، تا آشوبگری باقی نماند، و دین یکسره از آنِ خدا باشد. و اگر آنان (به کفر) پایان دادند، پس در واقع خدا به آنچه انجام می‌دهند، بیناست. (39)
و اگر (کافران) روی برتابند، پس بدانید که خدا سرپرست شماست؛ چه نیکو سرپرست و چه نیکو یاوری! (40)
ترجمه قرآن، ص: 182
و بدانید که هر چیزی از غنیمت به دست آورید، پس یک پنجم آن فقط برای خدا، و برای فرستاده [اش ، و برای نزدیکان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه مانده (از آنها) است؛ اگر به خدا و آنچه بر بنده‌مان، در روز جدایی [حق از باطل ، روزی که دو گروه (مؤمنان و کافران در نبرد بدر با هم) روبرو شدند، فرود آوردیم، ایمان آورده‌اید؛ و خدا بر هر چیزی تواناست. (41)
آنگاه که شما در طرف پایین (و نزدیک مدینه) بودید، و آنان در طرف بالا (و دورتر از مدینه) بودند، و کاروان (تجاری قریش)، فروتر از شما بود، و اگر (بر فرض) با یکدیگر قرار می‌گذاشتید، حتماً در وعده‌گاه اختلاف می‌کردید، و لیکن (همه اینها) برای آن بود که خدا، کاری را که می‌بایست انجام شود، تمام کند؛ تا هر کس که هلاک (و گمراه) می‌شود، با دلیلی روشن هلاک شود؛ و هر کس که زنده (و هدایت) می‌شود با دلیلی روشن زنده شود؛ و قطعاً خدا شنوای داناست. (42)
آنگاه که خدا آن (مشرک) ان را در خوابت به تو، اندک نمایاند؛ و اگر (بر فرض) آنان را به تو فراوان می‌نمایاند، حتماً ترسان و سست می‌شدید! و

در مورد کار (زار با آنان) اختلاف می‌کردید؛ و لیکن خدا (شما را) به سلامت داشت، [چرا] که او به (اسرار) درون سینه‌ها، داناست. (43)
و آنگاه که (در میدان بدر) با هم رو به رو شدید، آن (مشرک) ان را در چشمانتان به شما اندک نمایاند؛ و شما را (نیز) در چشمانشان اندک می‌نمود؛ تا خدا، کاری را که می‌بایست انجام شود، تمام کند؛ و [همه کارها فقط به سوی خدا بازگردانده می‌شود. (44)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که (در میدان نبرد) با گروهی رو به رو می‌شوید، پس ثابت قدم باشید؛ و خدا را فراوان یاد کنید؛ باشد که شما رستگار (و پیروز) شوید. (45)
ترجمه قرآن، ص: 183
و از خدا و فرستاده‌اش اطاعت کنید؛ و با همدیگر کشمکش مَکنید که سست می‌شوید، و مهابت شما از بین می‌رود! و شکیبایی کنید [چرا] که خدا با شکیبایان است. (46)
و همانند کسانی مباشید که از روی سرمستی و خودنمایی در برابر مردم، از سرزمین‌شان (به سوی میدان بدر) بیرون آمدند، و (مردم را) از راه خدا باز می‌دارند؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهند، احاطه دارد. (47)
و (به یاد آورید) هنگامی را که شیطان، کارهای آن (مشرک) ان را در نظرشان آراست، و گفت:» امروز هیچ کس از مردم بر شما پیروز نمی‌گردد؛ و به راستی که من، همسایه (و پناه) شما هستم. «و هنگامی که دو گروه (کافران، و مؤمنان) یکدیگر را دیدند، (شیطان) به پشت (سر) ش برگشت و گفت:» در حقیقت من نسبت به شما بی‌تعهدم؛ براستی من چیزی را می‌بینم که [شما] نمی‌بینید؛ در واقع من از خدا می‌ترسم، و خدا سخت کیفر است! « (48)
آنگاه که منافقان، و کسانی که در دل‌هایشان بیماری است، می‌گفتند:» این (مسلمان) ان را، دینشان فریب داده است. «و هر کس بر خدا توکّل کند، پس (پیروز می‌گردد؛ چرا) که خدا شکست‌ناپذیری فرزانه است. (49)
و اگر (بر فرض) می‌دیدی هنگامی را که فرشتگانِ (مرگ، جان) کسانی را که کفر ورزیدند، به طور کامل می‌گرفتند، در حالی که بر صورتشان و پشتشان می‌زدند و (می‌گفتند:) عذاب سوزان را بچشید! (50)
این (عذاب) بخاطر دستاوردهای پیشین شماست؛ و [بخاطر] اینکه خدا هرگز نسبت به بندگان بیدادگر نیست. (51)
(شیوه آنان) همچون شیوه فرعونیان، و کسانی است که پیش از آنان بودند؛ به آیات خدا کفر ورزیدند (و نشانه‌های خدا را انکار کردند،) پس خدا به [سزای پیامدهای (گناهان) شان (گریبان) آنان را گرفت؛ [چرا] که خدا نیرومندی سخت کیفر است! (52)
ترجمه قرآن، ص: 184

این (کیفرها) بدان سبب است که خدا، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی‌دهد، تا اینکه آنچه را در خودشان است تغییر دهند؛ و اینکه خدا، شنوای داناست. (53)
(شیوه آنان) همچون شیوه فرعونیان و کسانی است که پیش از آنان بودند؛ آیات پروردگارشان را دروغ انگاشتند؛ پس آنان را بخاطر پیامدهای (گناهان) شان، هلاک کردیم؛ و فرعونیان را غرق نمودیم؛ و همگی ستمکار بودند. (54)
بیقین، بدترین جنبندگان نزد خدا، کسانی هستند که کفر ورزیدند و آنان ایمان نمی‌آورند. (55)
(همان) کسانی که با آنان پیمان بستی، سپس در هر مرتبه پیمانشان را می‌شکنند؛ و آنان خودنگهداری (و پارسایی) نمی‌کنند. (56)
و اگر در جنگ آنان را یافتی، پس (با حمله) به آنان، کسانی را که پشت سرشان هستند، تار و مار کن؛ باشد که آنان متذکّر شوند. (57)
و اگر از گروهی، ترس خیانت داری، پس (پیمانشان را) عادلانه به سویشان بینداز! [چرا] که خدا خیانت‌کاران را دوست ندارد. (58)
و کسانی که کفر ورزیدند، نپندارند که پیشی جسته‌اند؛ [چرا] که آنان (خدا را) ناتوان نمی‌سازند. (59)
و هر چه در توان دارید، از نیرو و از اسب‌های آماده برای (مقابله با) آن (دشمن) ان، آماده سازید؛ در حالی که بدان دشمن خدا و دشمنتان و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را،- که [شما] آنان را نمی‌شناسید [و] خدا آنها را می‌شناسد- بترسانید. و هر چه در راه خدا مصرف می‌کنید، به طور کامل به شما بازگردانده می‌شود، در حالی که به شما ستم نخواهد شد. (60)
و اگر (دشمنان) به صلح متمایل شوند، پس (تو نیز) بدان گرای؛ و بر خدا توکّل کن! [چرا] که در حقیقت تنها او شنوا [و] داناست. (61)
ترجمه قرآن، ص: 185
و اگر بخواهند به تو نیرنگ زنند، پس براستی خدا برای تو کافی است؛ او کسی است که تو را، با یاری خود و با مؤمنان، تأیید کرد؛ (62)
و میان دل‌های آنان الفت برقرار کرد، اگر (بر فرض) همه آنچه را که در زمین است مصرف می‌کردی، میان دل‌هایشان الفت برقرار نمی‌کردی؛ و لیکن خدا میان آنان الفت ایجاد کرد؛ [چرا] که او شکست‌ناپذیری فرزانه است. (63)
ای پیامبر! خدا، و کسانی از مؤمنان که از تو پیروی می‌کنند، برای تو کافی است. (64)
ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (و جهاد) برانگیز. اگر از شما بیست [نفر] شکیبا باشند، بر دویست [نفر] پیروز می‌شوند؛ و اگر صد [نفر] از شما

باشند، بر هزار [نفر] از کسانی که کفر ورزیدند، پیروز می‌گردند؛ به سبب اینکه، آنان گروهی هستند که به طور عمیق نمی‌فهمند. (65)
هم اکنون خدا به شما تخفیف داد، و معلوم داشت که در شما ضعفی هست؛ پس اگر از شما صد [نفر] شکیبا باشند، بر دویست [نفر] پیروز می‌شوند؛ و اگر از شما هزار [نفر شکیبا] باشند، با رخصت الهی، بر دو هزار [نفر] پیروز خواهند شد؛ و خدا با شکیبایان است. (66)
برای هیچ پیامبری سزاوار نیست که برای او اسیرانی باشد، تا اینکه در [سر] زمین (نبرد) کاملاً مسلّط شود. (شما کالای زودیاب و) ناپایدارِ دنیا را می‌خواهید؛ و [لی خدا (هدف نهایی و امور پایدار) آخرت را می‌خواهد؛ و خدا شکست ناپذیری فرزانه است. (67)
اگر قبلًا از جانب خدا مقرر نشده بود، (که بدون ابلاغ کیفر ندهد،) بخاطر آنچه (از اسیران) گرفتید، حتماً عذاب بزرگی به شما می‌رسید. (68)
و از آنچه به غنیمت گرفته‌اید، در حالی که حلال [و] پاکیزه است، بخورید؛ و از [عذاب خدا [خودتان را] حفظ کنید؛ [چرا] که خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (69)
ترجمه قرآن، ص: 186
ای پیامبر! به کسانی از اسیران که در دستان شما هستند، بگو:» اگر خدا، خیری در دل‌های شما بداند، بهتر از آنچه از شما گرفته شده به شما می‌دهد؛ و شما را می‌آمرزد. «و خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (70)
و [لی اگر بخواهند به تو خیانت کنند، پس پیش از (این نیز) به خدا خیانت کردند؛ و (خدا شما را) بر آنان مسلّط کرد؛ و خدا دانای فرزانه است. (71)
در حقیقت کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و با اموالشان و جان‌هایشان در راه خدا جهاد کردند، و کسانی که پناه دادند و یاری نمودند، آنان، برخی‌شان یاران برخی [دیگر] اند؛ و کسانی که ایمان آوردند و مهاجرت نکرده‌اند، هیچ گونه ولایت (و یاری) آنان بر عهده شما نیست؛ تا اینکه هجرت کنند؛ و اگر در مورد دینِ (خود) از شما یاری طلبند، پس بر شما یاری (آنان واجب) است؛ مگر بر ضد گروهی که میان شما و میان آنان، پیمان محکمی است؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید، بیناست. (72)
و کسانی که کفر ورزیدند، برخی آنان یاوران برخی [دیگر] اند؛ اگر این (دستورات) را انجام ندهید، آشوبگری و تباهی بزرگی در زمین روی می‌دهد. (73)
و کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا جهاد کردند، و کسانی که پناه دادند و یاری نمودند، تنها آنان مؤمنان حقیقی‌اند؛ برای آنان، آمرزش و روزیِ ارجمندی است. (74)

و کسانی که بعَد از [آن ایمان آورده و هجرت کرده و همراه شما جهاد نموده‌اند، پس آنان از شما هستند؛ و خویشاوندان، برخی آنان، نسبت به برخی [دیگر] در کتاب خدا، سزاوارترند. براستی که خدا به هر چیزی داناست. (75)

ترجمه قرآن، ص: 187

(این آیات، اعلام) عدم تعهّدی است، از طرف خدا و فرستاده‌اش نسبت به کسانی از مشرکان که [با آنان پیمان بسته‌اید! (1)
پس چهار ماه (مهلت دارید که آزادانه) در زمین گردش کنید، و بدانید که شما عاجز کننده خدا نیستید، و (بدانید) که خدا رسوا کننده کافران است. (2)
و (این آیات،) اعلامی است از طرف خدا و فرستاده‌اش به مردم، در روزِ [عید قربان حج بزرگ [به اینکه: خدا و فرستاده‌اش نسبت به مشرکان تعهّدی ندارند! و اگر توبه کنید، پس آن برای شما بهتر است؛ و اگر روی برتابید، پس بدانید که شما عاجز کننده خدا نیستید؛ و کسانی را که کفر ورزیدند، به عذابی دردناک مژده ده! (3)
مگر کسانی از مشرکان که [با آنان پیمان بستید، سپس هیچ چیزی (از تعهدات خود را) نسبت به شما فروگذار نکرده‌اند، و هیچ کس را بر ضدّ شما پشتیبانی ننموده‌اند؛ پس پیمان آنان را تا پایان مدّتشان، نسبت به آنان محترم شمرید؛ [چرا] که خدا پارسایان (خود نگهدار) را دوست دارد. (4)
و هنگامی که ماه‌های حرام سپری شد، پس مشرکان را هر کجا آنان را یافتید به قتل رسانید؛ و آنان را (به اسارت) بگیرید؛ و آنان را بازداشت کنید؛ و در هر کمینگاه، بر [سر راه آنان بنشینید. و اگر توبه کنند، و نماز را به پا دارند، و [مالیاتِ زکات را بپردازند، پس رهایشان سازید؛ [چرا] که خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (5)
و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی خواست، پس به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود؛ سپس او را به محل امنش برسان؛ این بدان سبب است که آنان گروهی هستند که نمی‌دانند. (6)
ترجمه قرآن، ص: 188
چگونه برای مشرکان پیمانی نزد خدا و نزد فرستاده‌اش خواهد بود؟! مگر کسانی که کنار مسجد الحرام (با آنان) پیمان بسته‌اید، و تا هنگامی که با شما (بر عهد خود) پایدارند، پس (شما نیز بر عهد) آنان پایدار باشید؛ [چرا] که خدا پارسایان (خود نگهدار) را دوست دارد. (7)
چگونه (برای مشرکان پیمانی باشد) و حال آنکه اگر بر شما غالب شوند، درباره شما هیچ خویشاوندی و هیچ تعهّدی را رعایت نمی‌کنند؟! شما را با دهان (و سخنان) شان خشنود می‌کنند، و حال آنکه دل‌هایشان امتناع می‌ورزد؛ و اکثر آنان نافرمانبردارند. (8)
(مشرکان) آیات خدا را به بهای اندکی فروختند؛ و (مردم را) از راهش بازداشتند؛ براستی چه بد است، آنچه را آنان همواره انجام می‌دادند. (9)

درباره هیچ مؤمنی، هیچ خویشاوندی و تعهدی را رعایت نمی‌کنند؛ و تنها آنان تجاوز کارانند. (10)
و اگر توبه کنند، و نماز را به پا دارند، و [مالیاتِ زکات را بپردازند، پس برادران دینی شما هستند؛ و آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند، تشریح می‌کنیم. (11)
و اگر سوگندهایشان را پس از پیمانشان شکستند، و در دین شما طعنه زدند، پس با پیشوایان کفر پیکار کنید؛ [چرا] که آنان هیچ سوگندی برایشان (معتبر) نیست، تا شاید آنان (به کار خود) پایان دهند. (12)
چرا با گروهی که سوگندهایشان را شکستند، و آهنگ اخراج فرستاده [خدا] کردند، پیکار نمی‌کنید؟! و حال آنکه آنان نخستین بار (پیکار) با شما را آغاز کردند؛ آیا از آنان می‌هراسید؟! اگر مؤمنید، پس خدا سزاوارتر است که از (مخالفت) او بهراسید. (13)
ترجمه قرآن، ص: 189
با آن (مشرک) ان پیکار کنید، تا خدا آنان را با دستان شما مجازات کند؛ و رسوایشان سازد و شما را بر آنان یاری گرداند و سینه‌های گروه مؤمنان را شفا بخشد. (14)
و خشمِ شدیدِ دل‌های آنان را [از میان ببرد؛ و خدا توبه هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، می‌پذیرد؛ و خدا دانای فرزانه است. (15)
آیا پنداشتید که رها می‌شوید، و حال آنکه خدا هنوز کسانی از شما را که جهاد کردند، و جز خدا و فرستاده‌اش و مؤمنان را، مَحرم اسرار نگرفته‌اند، (از دیگران) معلوم نداشته است؟! و خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (16)
برای مشرکان سزاوار نیست (و حق ندارند) که مساجد خدا را آباد کنند؛ در حالی که بر ضد خودشان به کفر گواهی می‌دهند! آنان اعمالشان تباه شده است؛ و آنان در آتش (دوزخ)، ماندگارند. (17)
تنها کسی مساجد خدا را آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز بازپسین آورده، و نماز را به پا داشته، و [مالیاتِ زکات را بپردازد، و جز از خدا نهراسیده است؛ و امید است که اینان از ره‌یافتگان باشند. (18)
آیا آب دادن به حاجیان، و آباد ساختن مسجد الحرام را، همانندِ (کار) کسی قرار دادید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده، و در راه خدا جهاد کرده است؟! (این دو گروه) نزد خدا مساوی نیستند؛ و خدا گروه ستمکاران را راهنمایی نمی‌کند. (19)
کسانی که ایمان آورده، و هجرت کرده، و در راه خدا با اموالشان و جان‌هایشان جهاد نمودند، نزد خدا رتبه‌ای والاتر دارند؛ و تنها آنان کامیابند. (20)
ترجمه قرآن، ص: 190

پروردگارشان آنان را مژده می‌دهد به رحمتی از جانب خویش، و خشنودی و باغ‌های (بهشتی) که در آنجا نعمت‌های پایداری برای آنان است؛ (21)
در حالی که در آنجا جاودانه ماندگارند، براستی که خدا، نزدش پاداشی بزرگ است. (22)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر پدران شما و برادرانتان، کفر را بر ایمان ترجیح دهند، (آنان را) سرپرست و یاور مگیرید! و هر کس از شما که آنان را یاور و سرپرست (خود) قرار دهد، پس تنها آنان ستمکارند. (23)
(ای پیامبر) بگو:» اگر پدران شما و فرزندانتان و برادران شما و همسرانتان و خاندان شما، و اموالی که آنها را به دست آورده‌اید، و داد و ستدی که از کسادی آن هراسناکید، و خانه‌هایی که به آن خشنودید، نزد شما از خدا و فرستاده‌اش و جهاد در راه او محبوب‌تر است، پس در انتظار باشید تا خدا فرمان (عذاب) ش را (به اجرا در) آورد! و خدا گروه نافرمانبردار را راهنمایی نمی‌کند. « (24)
قطعاً خدا شما را در مکان‌های زیادی، و در روز حُنَیْن یاری کرد؛ آن هنگام که تعداد زیادتان، شما را به شگفت آورد، و [لی هیچ چیزی (از خطر) را از شما دفع نکرد، و زمین با گستردگی‌اش بر شما تنگ شد؛ سپس در حالی که پشت (به دشمن) کرده بودید، روی برتافتید. (25)
سپس خدا آرامش خود را بر فرستاده‌اش و بر مؤمنان فرو فرستاد؛ و لشکریانی فرود آورد که آنها را نمی‌دیدید؛ و کسانی را که کفر ورزیدند، عذاب کرد؛ و این کیفر کافران است. (26)
ترجمه قرآن، ص: 191
سپس خدا- بعد از این (جنگ حُنَین)- توبه هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) می‌پذیرد؛ و خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (27)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تنها مشرکان پلیدند؛ پس نباید بعد از امسالشان، نزدیک مسجد الحرام شوند! و اگر از فقر می‌ترسید، پس در آینده اگر خدا بخواهد، شما را از بخشش‌اش بی‌نیاز می‌سازد؛ [چرا] که خدا دانایی فرزانه است. (28)
با کسانی پیکار کنید که از افرادی هستند، که کتاب (الهی) به آنان داده شده، که به خدا، و به روز بازپسین ایمان نمی‌آورند، و آنچه را خدا و فرستاده‌اش حرام کرده، ممنوع نمی‌دارند، و به دین حق متدیّن نمی‌شوند تا اینکه [مالیاتِ جِزیه را به دست خود بپردازند، در حالی که آنان کوچکند. (29)
و یهودیان گفتند:» عُزَیْر پسر خداست. «و مسیحیان گفتند:» مسیح پسر خداست. «این سخن آنان است در حالی که با دهانشان [می‌گویند]، که به گفتار کسانی که قبلاً کفر ورزیدند شباهت دارد، خدا آنان را بکشد، چگونه

(از حق) بازگردانده می‌شوند! (30)
(آنان) دانشمندانِ (نیکو اثرِ) خویش، و راهبانشان و مسیح پسر مریم را پروردگارانی غیر از خدا قرار دادند؛ و حال آنکه به آنان فرمان داده نشده بود، مگر آنکه معبود یگانه را بپرستند، که هیچ معبودی جز او نیست؛ او منزه است از آنچه (با وی) شریک می‌گردانند. (31)
ترجمه قرآن، ص: 192
[کافران می‌خواهند که نورِ خدا را با دهان‌هایشان خاموش کنند؛ و [لی خدا جز این نمی‌خواهد که نورش را کامل کند، و گر چه کافران ناخشنود باشند. (32)
او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین [ها] پیروز گرداند؛ و گر چه مشرکان ناخشنود باشند. (33)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! قطعاً بسیاری از دانشمندان (اهل کتاب) و راهبان، اموال مردم را به ناروا می‌خورند، و (مردم را) از راه خدا باز می‌دارند. و کسانی که طلا و نقره را می‌اندوزند، و آن را در راه خدا مصرف نمی‌کنند، پس آنان را به عذابی دردناک مژده ده! (34)
[در آن روزی که در آتش جهنم، بر آن [سکه ها حرارت شدید داده می‌شود؛ و با آنها پیشانی‌هایشان و پهلوهای آنان و پشتهایشان را داغ می‌گذارند! (و به آنان می‌گویند:) این چیزی است که برای خودتان اندوختید، پس بچشید آنچه را که همواره می‌اندوختید! (35)
در حقیقت، تعداد ماه‌ها نزد خدا [از] روزی که آسمان‌ها و زمین را آفریده، در کتاب الهی، دوازده ماه است؛ که از آنها چهار [ماه حرام است. این، دین استوار است؛ پس در این [ماه ها به خودتان ستم نکنید؛ و همگی با مشرکان پیکار کنید، همان گونه که [آنان همگی با شما می‌جنگند؛ و بدانید که خدا با پارسایان (خود نگهدار) است. (36)
ترجمه قرآن، ص: 193
جز این نیست که به تأخیر انداختن (و جابه‌جا کردن ماه‌های حرام) افزایشی در کفر است؛ که با آن کسانی که کفر ورزیدند، گمراه می‌شوند؛ سالی، آن را حلال، و سال [دیگر] آن را حرام می‌کنند، تا با تعداد آنچه خدا حرام کرده موافق سازند، و آنچه را خدا حرام کرده، حلال کنند. بدی کردارشان، برای آنان آراسته شده است؛ و خدا گروه کافران را راهنمایی نمی‌کند. (37)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شما را چه شده، که هنگامی که به شما گفته شود:» در راه خدا (برای جهاد) بسیج شوید. «بر زمین سنگینی می‌کنید؟! آیا به جای آخرت، به زندگی پست (دنیا) راضی شده‌اید؟! و [حال آنکه کالای زندگی پست (دنیا)، در [برابر] آخرت، جز اندکی نیست. (38)

اگر (برای جهاد) بسیج نشوید، [خدا] با عذابی دردناک شما را مجازات خواهد کرد، و گروهی غیر از شما را جایگزین (شما) می‌کند؛ و هیچ چیزی به او زیان نمی‌رسانید؛ و خدا بر هر چیزی تواناست. (39)
اگر او، [یعنی پیامبر] را یاری نکنید، پس حتماً خدا او را یاری کرد، هنگامی که کسانی که کفر ورزیدند، او را (از مکّه) بیرون کردند، در حالی که دوّمین دو [تن بود؛ (همان) هنگام که آن دو در غار (ثَور) بودند، (همان) وقتی که به همراه خود می‌گفت:» غم مخور که خدا با ماست. «پس خدا آرامش خود را بر او فرو فرستاد؛ و او را با لشکرهایی که آنها را مشاهده نمی‌کردید، تأیید نمود؛ و گفتار (و برنامه) کسانی را که کفر ورزیدند، پست قرار داد؛ و تنها گفتار (و برنامه) خدا والاست؛ و خدا شکست‌ناپذیری فرزانه است. (40)
ترجمه قرآن، ص: 194
سبکبار و گرانبار (به سوی جهاد) بسیج شوید، و با اموالتان و جان‌هایتان در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید! (41)
اگر (بر فرض دعوت تو به سوی غنیمتِ) ناپایدار نزدیکی، و سفری کوتاه (و آسان) بود، حتماً از پی تو می‌آمدند؛ و لیکن (اکنون در مورد جنگ تبوک) آن راه پر مشقت بر آنان دور است. و بزودی به خدا سوگند یاد می‌کنند که:» اگر (بر فرض) توانایی داشتیم، حتماً همراه شما بیرون می‌آمدیم! « (آنان با کردار و گفتارشان) خودشان را به هلاکت می‌افکنند؛ و خدا می‌داند که آنان قطعاً دروغگویند. (42)
خدا تو را بخشید؛ چرا به آن (منافق) ان رخصت دادی، (و صبر نکردی) تا آنکه کسانی که راست می‌گویند برایت آشکار شوند و دروغگویان را بشناسی؟! (43)
کسانی که به خدا و روز بازپسین ایمان دارند، برای [ترک جهاد با اموالشان و جان‌هایشان، از تو رخصت نمی‌گیرند؛ و خدا به (حال خود نگهداران و) پارسایان داناست. (44)
تنها کسانی از تو رخصت (ترک جهاد) می‌طلبند، که به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند، و دل‌هایشان به شک افتاده است، پس آنان در تردید خویش، سرگردانند. (45)
و اگر (بر فرض منافقان) می‌خواستند که (به سوی میدان جهاد) بیرون روند، حتماً وسیله‌ای برای آن فراهم می‌ساختند؛ و لیکن خدا از انگیزش آنان (برای جهاد) ناخشنود بود؛ پس آنان را باز داشت؛ و [به آنان گفته شد:» با فرونشستگان (از جهاد) بنشینید! « (46)
اگر (بر فرض منافقان در نبرد تبوک) با شما خارج می‌شدند، جز فساد (و اضطراب و تردید) بر شما نمی‌افزودند؛ و مسلماً به سرعت در بین شما به فتنه‌جویی (و تفرقه‌افکنی بین) شماِ می‌پرداختند؛ و در میان شما کسانی

(جاسوس هستند که) برای آنان کاملًا گوش فرا می‌دهند؛ و خدا به (حال) ستمگران داناست. (47)
ترجمه قرآن، ص: 195
قطعاً (منافقان) پیش از (این نیز) فتنه‌جویی کردند، و کارها را بر تو دگرگون ساختند؛ تا آنکه حق فرا رسید، و فرمان خدا آشکار گشت، و حال آنکه آنان ناخشنود بودند. (48)
و از آن (منافق) ان کسی است که می‌گوید:» به من رخصت [ترک جهاد] بده، مرا به (گناه و) فتنه مینداز! «آگاه باشید که (هم اکنون) در فتنه (و گناه) سقوط کرده‌اند؛ و قطعاً جهنم، بر کافران احاطه دارد. (49)
اگر نیکی به تو برسد، آن (منافق) ان را ناراحت می‌کند؛ و اگر مصیبتی به تو رسد، می‌گویند:» (ما تصمیم) کار خود را پیش از [این گرفته‌ایم. «و روی بر می‌تابند و حال آنکه آنان شادمانند. (50)
بگو:» جز آنچه خدا بر ما مقرر داشته، به ما نمی‌رسد؛ او سرپرست ماست؛ و مؤمنان پس باید تنها بر خدا توکّل کنند. « (51)
بگو:» آیا برای ما، جز یکی از دو نیکی (پیروزی یا شهادت) را انتظار دارید؟! و [لی ما برای شما انتظار داریم که خدا، عذابی از نزد خود و یا به دست ما به شما برساند؛ پس انتظار بکشید، که ما (هم) با شما منتظریم! « (52)
بگو:» خواه یا ناخواه (اموالتان را در جهاد) مصرف کنید، از شما پذیرفته نمی‌شود؛ [چرا] که شما گروهی نافرمانبردار بوده‌اید. « (53)
و هیچ چیز آنان را از پذیرفته شدن هزینه (و صدقه) هایشان باز نداشت، جز اینکه آنان به خدا و فرستاده‌اش کفر ورزیدند، و نماز را به جا نمی‌آورند، جز در حالی که آنان کَسِل هستند، و (اموالشان را در راه جهاد) مصرف نمی‌کنند، مگر در حالی که آنان ناخشنودند. (54)
ترجمه قرآن، ص: 196
و (فزونیِ) اموالشان و فرزندان آنان، تو را به شگفت نیاورد؛ جز این نیست که خدا می‌خواهد به وسیله آن [ها] در زندگی پست (دنیا) عذابشان کند، و جان‌هایشان بر آید در حالی که آنان کافرند. (55)
و به خدا سوگند می‌خورند که آنان حتماً از شما هستند، و حال آنکه آنان از شما نیستند؛ و لیکن آنان گروهی هستند که می‌ترسند. (56)
اگر (بر فرض) پناهگاهی یا غارهایی یا سوراخی می‌یافتند، حتماً به سوی آن روی برمی‌تافتند، در حالی که آنان شتابان می‌روند. (57)
و از آن (منافق) ان کسی است که در (تقسیم غنائم و) بخشش‌ها بر تو عیبجویی می‌کند، و اگر از آن (اموال، سهمی) به آنان عطا شود، راضی می‌شوند؛ و اگر از آن [ها] به آنان داده نشود، به ناگاه آنان به خشم می‌آیند. (58)

و اگر (بر فرض) آنان به آنچه خدا و فرستاده‌اش به آنان داده، راضی می‌شدند و می‌گفتند:» خدا ما را بس است؛ بزودی خدا و فرستاده‌اش، از بخشش خود به ما می‌دهند؛ براستی که ما تنها به سوی خدا مشتاقیم. « (این برای آنان بهتر بود) (59)
زکات‌ها فقط برای نیازمندان و بینوایان و کارکنانِ (جمع‌آوری کننده) آن، و دلجویی شدگان، و در [راه آزاد کردن بردگان، و بدهکاران، و در راه خدا، و واماندگان در راه است؛ [این،] واجبی از طرف خداست؛ و خدا دانایی فرزانه است. (60)
و از آن (منافق) ان کسانی هستند که پیامبر را آزار می‌دهند و می‌گویند:» او گوش (ی، و خوش باور) است! «بگو:» گوشیِ خوب بودن، به نفع شماست. [او] به خدا ایمان دارد؛ و مؤمنان را تصدیق می‌کند؛ و رحمتی است برای کسانی از شما که ایمان آورده‌اند. «و کسانی که فرستاده خدا را آزار می‌دهند، برایشان عذابی دردناک است. (61)
ترجمه قرآن، ص: 197
(منافقان) برای شما به خدا سوگند یاد می‌کنند، تا شما را راضی سازند؛ در حالی که خدا و فرستاده‌اش سزاوارترند که راضیش سازند، اگر مؤمن باشند. (62)
آیا ندانسته‌اند که هر کس با خدا و فرستاده‌اش به شدت مخالفت کند، پس برایش آتش جهنّم است؛ در حالی که در آنجا ماندگار است؟! این، (همان) رسوایی بزرگ است! (63)
منافقان بیم دارند که سوره‌ای بر ضدّ آنان فرود آید که آنان را از آنچه در دل‌هایشان است، خبر دهد. (ای پیامبر) بگو:» ریشخند کنید! که خدا برون آورنده (و فاش کننده) چیزی است که [از آن بیم دارید. « (64)
و اگر از آن (منافق) ان بپرسی (چرا ریشخند می‌کردید؟!) حتماً می‌گویند:» ما فقط همواره (در هر سخنی) فرو می‌رفتیم و بازی می‌کردیم. « (ای پیامبر) بگو:» آیا به خدا و آیات او و فرستاده‌اش همواره ریشخند می‌کردید؟! « (65)
عذر نیاورید، در واقع [شما] پس از ایمان آوردنتان، کفر ورزیده‌اید؛ اگر گروهی از شما را (بخاطر توبه) ببخشیم، گروه [دیگری را، بخاطر آنکه آنان خلافکار بودند، عذاب می‌کنیم! (66)
مردان منافق و زنان منافق، برخی آنان از برخی [دیگر] اند؛ به [کار] ناپسند فرمان می‌دهند، و از [کار] پسندیده منع می‌کنند؛ و دست‌هایشان را (از بخشش فرو) می‌بندند؛ خدا را فراموش کردند، پس (خدا نیز) آنان را به فراموشی سپرد؛ براستی که تنها منافقان نافرمانبردارند. (67)
خدا به مردان منافق و زنان منافق و کافران، آتش جهنّم را وعده داده است، در حالی که در آن ماندگارند؛ آن (آتش) برای آنان کافی و خدا آنان

را از رحمت خود دور ساخته؛ و برایشان عذابی پایدار است. (68)
ترجمه قرآن، ص: 198
(شما منافقان،) همچون کسانی هستید که پیش از شما بودند، [آنان از شما نیرومندتر، و دارای اموال و فرزندان بیشتری بودند، و از بهره‌شان استفاده کردند؛ و [شما نیز] از بهره‌تان استفاده کردید، همانند کسانی که پیش از شما از بهره‌شان استفاده کردند؛ و (شما در کفر و نفاق و مسخره کردن مؤمنان) فرو رفتید، همانند کس [ان ی که فرو رفتند؛ آنان اعمالشان در دنیا و آخرت تباه شد؛ و تنها آنان زیانکارانند. (69)
آیا خبر بزرگ کسانی که پیش از آنان بودند، به آنان نرسیده است؟! (همان)» قوم نُوح «و» عاد «و» ثَمود «و» قوم ابراهیم «و» اهل مَدْیَن « [قومِ شعیب و» [شهرهای زیر و رو شده « [قومِ لوط]؛ فرستادگانشان دلیل‌های روشن برای آنان آوردند، (ولی نپذیرفتند؛) و خدا هرگز به آنان ستم نکرد، و لیکن همواره بر خودشان ستم می‌کردند. (70)
مردان مؤمن و زنان مؤمن برخی از آنان یاوران (و دوستان) برخی [دیگر] اند. به [کار] پسندیده فرمان می‌دهند، و از [کار] ناپسند منع می‌کنند؛ و نماز را به پا می‌دارند؛ و [مالیاتِ زکات را می‌پردازند؛ و از خدا و فرستاده‌اش اطاعت می‌کنند؛ آنان، خدا بزودی مورد رحمت قرارشان می‌دهد؛ بدرستی که خدا شکست‌ناپذیری فرزانه است. (71)
خدا به مردان مؤمن و زنان مؤمن، بوستان‌های (بهشتی) که نهرها از زیر [درختان ش روان است، در حالی که در آنجا ماندگارند، و خانه‌های پاکیزه‌ای در بوستان‌های (ویژه) ماندگار، وعده داده است؛ و خشنودی‌ای که از جانب خدا باشد، بزرگ‌تر است؛ تنها این کامیابی بزرگ است. (72)
ترجمه قرآن، ص: 199
ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن، و بر آنان سخت گیر! و مقصدشان جهنّم است؛ و بد فرجامی است! (73)
به خدا سوگند یاد می‌کنند که (سخنان باطل) نگفته‌اند، در حالی که قطعاً سخن کفر [آمیز] گفته‌اند؛ و پس از اسلام آوردنشان، کفر ورزیدند؛ و آهنگ آنچنان (کار خطرناکی) کردند که [به آن نرسیدند، و انتقام نگرفتند جز به خاطر آنکه خدا و فرستاده‌اش آنان را از بخشش خود، بی‌نیاز ساختند. و اگر توبه کنند، برای آنان بهتر است؛ و اگر روی برتابند، خدا آنان را در دنیا و آخرت، به عذاب دردناکی کیفر خواهد داد؛ و برای شان در زمین، هیچ سرپرست و یاوری نیست! (74)
از آن (منافق) ان کسانی هستند که با خدا پیمان بسته بودند که:» اگر خدا ما را از بخشش خود روزی دهد، قطعاً زکات خواهیم داد؛ و حتماً از شایستگان خواهیم شد. « (75)
و هنگامی که (خدا) از بخشش خود به آنان داد، بدان بخل ورزیدند و روی

بر می‌تافتند؛ در حالی که آنان روی گردانند. (76)
و تا روزی که ایشان آن [خدا] را ملاقات کنند، نفاق را در دل‌هایشان باقی گذاشت؛ بخاطر آنکه با خدا، در مورد آنچه بدو وعده داده بودند، تخلف ورزیدند؛ و بخاطر آنکه همواره دروغ می‌گفتند. (77)
آیا ندانسته‌اند که خدا راز آنان و رازگویی‌شان را می‌داند؛ و اینکه خدا به (اسرار) نهان‌ها بسیار داناست؟! (78)
کسانی که از مؤمنانِ داوطلبِ بخشش‌های خالصانه، و (از) کسانی که جز به مقدار تلاششان نمی‌یابند، عیبجویی می‌کنند، و آنان را ریشخند می‌کنند، خدا آنان را (با کیفر خود) ریشخند کند؛ و برایشان عذاب دردناکی است! (79)
ترجمه قرآن، ص: 200
ترجمه قرآن 250
برای شان آمرزش بخواهی، یا برای شان آمرزش نخواهی، اگر هفتاد بار برای آنان طلب آمرزش کنی، پس خدا آنان را نمی‌آمرزد! این بدان سبب است که آنان به خدا و فرستاده‌اش کفر ورزیدند؛ و خدا گروه نافرمانبرداران را راهنمایی نمی‌کند. (80)
واپس‌ماندگان، بخاطر مخالفت با فرستاده خدا، به (خانه) نشینی‌شان (در هنگام جنگ تبوک) شادمان شدند؛ و از اینکه با اموالشان و جان‌هایشان، در راه خدا جهاد کنند، ناخشنود بودند؛ و گفتند:» در این گرما، (برای جنگ) بسیج نشوید. « (ای پیامبر به آنان) بگو:» آتش جهنّم گرم‌تر است! «اگر (بر فرض) آنان همواره به طور عمیق می‌فهمیدند. (81)
پس (منافقان) باید، اندک بخندند و بسیار بگریند! به کیفر آنچه همواره کسب می‌کردند. (82)
و اگر خدا تو را (پس از جهاد) به سوی گروهی از آن (منافق) ان بازگرداند، و از تو رخصت خروج (به سوی میدان جهاد دیگری) بخواهند، پس بگو:» هیچ‌گاه با من خارج نخواهید شد، و همراه من، با هیچ دشمنی نخواهید جنگید؛ [چرا] که شما نخستین بار، به نشستن (در خانه) راضی شدید، پس با متخلّفان بنشینید. « (83)
و هرگز بر هیچ یک از آن (منافق) ان که بمیرد، نماز [و دعا] نخوان! و (برای طلب آمرزش) بر قبرش نایست؛ [چرا] که آنان به خدا و فرستاده‌اش کفر ورزیدند؛ و مردند در حالی که آنان نافرمانبردار بودند. (84)
و اموال آن (منافق) ان و فرزندانشان، تو را به شگفت نیاورد؛ جز این نیست که خدا می‌خواهد، بدین سبب آنان را در دنیا عذاب کند، و جان‌هایشان بر آید در حالی که آنان کافرند. (85)
و هنگامی که سوره‌ای فرو فرستاده شود که:» به خدا ایمان آورید، و

همراه فرستاده‌اش جهاد کنید. «سرمایه‌دارانِ از آن (منافق) ان، از تو رخصت می‌خواهند و می‌گویند:» ما را رها ساز تا با فرو نشستگان باشیم. « (86)

ترجمه قرآن، ص: 201

(منافقان) راضی شدند که همراه (خانه) نشستگان باشند؛ و بر دل‌هایشان مهر نهاده شده؛ پس آنان فهم عمیق نمی‌کنند. (87)

ولی فرستاده [خدا] و کسانی که با او ایمان آوردند، با اموالشان و جان‌هایشان جهاد کردند؛ و آنان، همه نیکی‌ها مخصوص آنهاست؛ و تنها آنان رستگارانند. (88)

خدا برای آنان بوستان‌های (بهشتی) فراهم ساخته که نهرها از زیر [درختان ش روان است؛ در حالی که در آنجا ماندگارند؛ این، کامیابی بزرگ است. (89)

و عذر خواهان از عرب‌های صحرانشین (نزد تو) آمدند، تا به آنان رخصت (ترک جهاد) داده شود؛ و کسانی که به خدا و فرستاده‌اش دروغ گفتند، (بدون هیچ عذری در خانه) نشستند؛ بزودی به کسانی از آنان که کفر ورزیدند، عذاب دردناکی خواهد رسید! (90)

بر کم‌توانان و بر بیماران، و بر کسانی که نمی‌یابند چیزی را که (در راه جهاد) مصرف کنند، هیچ تنگی (و تکلیفی) نیست، هنگامی که برای خدا و فرستاده‌اش خیرخواهی کنند؛ بر نیکوکاران هیچ راه (مؤاخذه‌ای) نیست؛ و خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (91)

و (نیز تکلیفی نیست) بر کسانی که وقتی نزد تو آمدند تا سوارشان کنی، گفتی:» چیزی که شما را بر آن سوار کنم، نمی‌یابم. « (آنان) روی برتافتند در حالی که در اثر اندوه، اشک از چشمانشان سرازیر می‌شد! بخاطر اینکه نمی‌یابند چیزی را که (در راه خدا) مصرف کنند. (92)

راه (مؤاخذه،) تنها بر کسانی است که از تو رخصت می‌خواهند، در حالی که آنان توانگرند (آنان) راضی شدند به اینکه با (خانه) نشستگان باشند؛ و خدا بر دل‌هایشان مُهر نهاده؛ و از این رو نمی‌دانند. (93)

ترجمه قرآن، ص: 202

هنگامی که به سوی آن (منافق) ان باز گردید، از شما عذرخواهی می‌کنند؛ بگو:» عذرخواهی نکنید، (ما سخن) شما را تصدیق نخواهیم کرد! [چرا] که خدا ما را از اخبار شما با خبر ساخته؛ و بزودی خدا و فرستاده‌اش، عملتان را می‌بینند؛ سپس به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانده می‌شوید؛ و [او] شما را از آنچه همواره انجام می‌دادید، با خبر می‌سازد. « (94)

هنگامی که به سوی آنان باز گردید، بزودی برای شما به خدا سوگند یاد می‌کنند، تا از آنان صرف نظر کنید (و درگذرید،) پس از آنان روی گردانید؛ [چرا] که آنان پلیدند؛ و به کیفر آنچه همواره کسب می‌کردند، مقصدشان

جهنّم است! (95)
برای شما سوگند یاد می‌کنند تا از آنان راضی شوید؛ و اگر [شما] از آنان راضی شوید، پس حتماً خدا از گروه نافرمانبرداران راضی نخواهد شد. (96)
عرب‌های صحرانشین، در کفر و نفاق شدیدترند؛ و به ناآگاهی از حدود آنچه خدا بر فرستاده‌اش فرو فرستاده، سزاوارترند؛ و خدا دانای فرزانه است. (97)
و از عرب‌های صحرانشین کسانی هستند که آنچه را (در راه خدا) مصرف می‌کنند، زیان می‌شمارند؛ و برای شما حوادثی انتظار می‌کشند، حادثه بد، بر (خود) آنان است؛ و خدا شنوای داناست. (98)
و از عرب‌های صحرانشین کسانی هستند، که به خدا و روز بازپسین ایمان دارند؛ و آنچه را (در راه خدا) مصرف می‌کنند، [مایه نزدیکی‌هایی در پیشگاه خدا، و دعاهای فرستاده [او] می‌شمارند؛ آگاه باشید که به راستی این [مایه نزدیکی آنان است. بزودی خدا آنان را در رحمتش در آورد؛ [چرا] که خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (99)
ترجمه قرآن، ص: 203
و پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار، و کسانی که (به شایستگی) در نیکوکاری از آنان پیروی کردند، خدا از آنان خشنود گشت، و آنان (نیز) از او خشنود شدند؛ و بوستان‌هایی (بهشتی) برای آنان فراهم ساخته، که نهرها از زیر [درختان ش روان است؛ در حالی که جاودانه در آن ماندگارند، این کامیابی بزرگ است! (100)
و از اطرافیان شما، برخی عرب‌های صحرانشین منافقند؛ و برخی ساکنان مدینه (نیز) به دو رویی خو گرفته [و سرکشی کرده اند، در حالی که (تو) آنان را نمی‌شناسی، (ولی) ما آنان را می‌شناسیم؛ بزودی آنان را دو بار عذاب می‌کنیم سپس به سوی عذاب بزرگی بازگردانده می‌شوند! (101)
و (گروه) دیگری که به پیامدهای (گناهان) شان اعتراف کردند، (و) کار شایسته را با (کار) بد دیگری در آمیختند، امید می‌رود که خدا توبه آنان را بپذیرد؛ [چرا] که خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (102)
از اموال آنان بخشش خالصانه (و مالیات زکات) را بگیر، که بوسیله آن، پاکشان سازی و رشدشان دهی؛ و برایشان دعا کن؛ [چرا] که دعای تو، برای آنان آرامشی است؛ و خدا شنوای داناست. (103)
آیا ندانسته‌اند که خدا، خود توبه را از بندگانش می‌پذیرد؛ و بخشش‌های خالصانه (و مالیات زکات) را می‌گیرد؛ و اینکه تنها خدا بسیار توبه‌پذیر [و] مهرورز است؟! (104)
و (ای پیامبر) بگو:» عمل کنید! پس بزودی خدا و فرستاده‌اش و مؤمنان، کردار شما را می‌بینند! و بزودی، به سوی دانای نهان و آشکار، بازگردانده

می‌شوید؛ و [او] شما را از آنچه همواره انجام می‌دادید، با خبر می‌سازد! « (105)
و (سرنوشت گروهی) دیگر متوقف بر فرمان خداست، یا عذابشان می‌کند، و یا توبه آنان را می‌پذیرد؛ و خدا دانایی فرزانه است. (106)
ترجمه قرآن، ص: 204
و (برخی منافقان) کسانی هستند که مسجدی برگزیدند، برای زیان رساندن، و کفر ورزیدن، و تفرقه‌افکنی بین مؤمنان، و کمینگاهی برای کسی که پیش از [آن با خدا و فرستاده‌اش جنگ کرده بود؛ و به طور قاطع سوگند یاد می‌کنند که:» اراده‌ای جز نیکی نداشته‌ایم. «و [لی خدا گواهی می‌دهد که قطعاً آنان دروغگویند. (107)
هرگز در آن (مسجد به عبادت) نایست! حتماً مسجدی که از روز نخست بر پارسایی (و خود نگهداری) بنیانگذاری شده، شایسته‌تر است که در آن (به عبادت) بایستی؛ در آن، مردانی هستند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند؛ و خدا پاکیزگان را دوست دارد. (108)
و آیا کسی که ساختمانش را بر پارسایی (و خود نگهداری) و خشنودی خدا بنیانگذاری کرده، بهتر است، یا کسی که ساختمانش را بر کنار پرتگاه فرو ریختنی بنیان نهاده است، و او را در آتش جهنّم فرو می‌افکند؟ و خدا گروه ستمکاران را راهنمایی نمی‌کند. (109)
ساختمانی که آنان ساختند، همیشه (به عنوان سبب) تردید، در دل‌هایشان باقی می‌ماند؛ مگر اینکه دل‌هایشان پاره پاره شود، و خدا دانای فرزانه است. (110)
در حقیقت خدا، از مؤمنان جان‌هایشان و اموالشان را خریداری کرده، به (بهای) اینکه بهشت برای آنان باشد؛ (چرا که) در راه خدا پیکار می‌کنند، و می‌کشند و کشته می‌شوند؛ [این وعده حقّی است، که در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست؛ و چه کسی به عهدش، از خدا وفادارتر است؟! پس بخاطر معامله‌تان، که با او معامله کردید، شادمان باشید؛ و تنها این کامیابی بزرگ است! (111)
ترجمه قرآن، ص: 205
(آن مؤمنان)، توبه کنندگان، پرستش کنندگان، ستایش کنندگان، روزه‌داران، رکوع کنندگان، سجده کنندگان، فرمان دهندگان به [کار] پسندیده، و منع کنندگان از [کار] ناپسند، و پاسداران مرزهای خدایند؛ و مؤمنان را مژده ده! (112)
برای پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند، شایسته نیست که برای مشرکان- پس از آنکه برایشان روشن گردید که آنان اهل دوزخند- طلب آمرزش کنند؛ و گرچه نزدیکان (شان) باشند. (113)
و طلب آمرزش ابراهیم برای پدر (مادرش یا عموی) ش نبود، جز بخاطر

وعده‌ای که آن را به او وعده دادَه بود؛ و [لی هنگامی که برای او روشن شد که وی دشمن خداست، نسبت به او، وعده (اش) را کنار گذاشت؛ قطعاً ابراهیم بسیار غمخوار (و) بردبار بود. (114)
و خدا هرگز گروهی را بعد از آنکه آنان را راهنمایی کرد، گمراه (و مجازات) نمی‌کند؛ تا آنچه را (باید از آن) خودنگهداری کنند، برایشان روشن بیان کند؛ [چرا] که خدا به هر چیزی داناست. (115)
براستی که خدا فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط برای اوست؛ زنده می‌کند و می‌میراند؛ و جز خدا، هیچ سرپرست و یاوری برای شما نیست. (116)
مسلّماً خدا [با رحمت خویش بر پیامبر و مهاجران و انصار بازگشت، که در هنگامه سختی (در جنگ تبوک) از او پیروی کردند؛ بعد از آنکه نزدیک بود دل‌های دسته‌ای از آنان، (از حق) منحرف شود؛ سپس [خدا] توبه آنان را پذیرفت؛ [چرا] که او [نسبت به آنان مهربانی مهرورز است. (117)
ترجمه قرآن، ص: 206
و (نیز) بر آن سه [نفر] که (از شرکت در جنگ تبوک) وا مانده بودند، تا آنگاه که زمین با همه پهناوری بر آنان تنگ شد، و آنان از خودشان به تنگ آمدند، و دانستند که هیچ پناهگاهی از (عذاب) خدا جز به سوی او نیست؛ سپس خدا (با رحمتش) به سوی آنان بازگشت، تا توبه کنند؛ [چرا] که خدا بسیار توبه‌پذیر [و] مهرورز است. (118)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید؛ و با راستگویان باشید. (119)
بر ساکنان مدینه و کسانی از عرب‌های صحرانشین که اطراف آنان هستند سزاوار نیست، که از فرستاده خدا تخلّف ورزند، و بخاطر (حفظ) جان‌هایشان، از جان او روی برتابند؛ این بخاطر آن است که آنان هیچ تشنگی و رنج، و گرسنگی در راه خدا به آنان نمی‌رسد و بر هیچ قدمگاهی که کافران را به خشم آورد، گام نمی‌نهند، و به هیچ هدفی (از ضربه و قتل) از دشمن نمی‌رسند، مگر اینکه بخاطر آن، کار شایسته‌ای برای آنان نوشته می‌شود؛ [چرا] که خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند. (120)
و هیچ هزینه کوچک یا بزرگی را در راه خدا مصرف نمی‌کنند، و هیچ درّه‌ای (و سرزمینی) را نمی‌پیمایند، مگر اینکه برای آنان نوشته می‌شود؛ تا خدا آنان را به [عنوان بهترین چیزی که همواره انجام می‌دادند، پاداش دهد. (121)
و هرگز مؤمنان همگی بسیج نمی‌شوند؛ پس چرا از هر گروهی از آنان، دسته‌ای بسیج نمی‌شوند (و کوچ نمی‌کنند)، تا در دین، فهم عمیق نمایند؛ و تا قومشان را به هنگامی که به سوی آنان باز می‌گردند، هشدار دهند؟! تا شاید (از مخالفت خدا) بیمناک شوند. (122)

ترجمه قرآن، ص: 207
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کسانی از کافران که نزدیک شما هستند، پیکار کنید؛ و باید (آنان) در شما سختی (و خشونت) بیابند؛ و بدانید که خدا با پارسایان (خود نگهدار) است. (123)
و هنگامی که سوره‌ای فرو فرستاده شود، پس کسی از آن (منافق) ان می‌گوید:» کدام یک از شما، این (سوره) ایمانش را افزون ساخت؟! «و امّا کسانی که ایمان آورده‌اند، پس بر ایمانشان افزوده؛ در حالی که آنان شادی می‌کنند. (124)
و امّا کسانی که در دل‌هایشان [نوعی بیماری است، پس آنان پلیدی بر پلیدیشان افزوده؛ و مردند در حالی که آنان کافرند. (125)
و آیا (منافقان) نمی‌بینند که آنان در هر سال، یک یا دو بار آزمایش می‌شوند؟! سپس توبه نمی‌کنند، و آنان متذکّر (هم) نمی‌گردند. (126)
و هنگامی که سوره‌ای فرو فرستاده شود، برخی آن (منافق) ان به برخی (دیگر) نگاه می‌کنند (در حالی که می‌گویند:) آیا هیچ کس شما را می‌بیند؟ سپس منصرف می‌شوند (و بیرون می‌روند)؛ خدا دل‌هایشان را (از رحمت) منصرف ساخته؛ بخاطر آنکه آنان گروهی هستند که فهم عمیق نمی‌کنند. (127)
بیقین، فرستاده‌ای از خودتان به سوی شما آمد که رنج‌های شما بر او سخت است؛ (و) بر (هدایت) شما حریص است؛ (و نسبت) به مؤمنان، مهربانی مهرورز است. (128)
و اگر (مردم) روی برتافتند، پس بگو:» خدایی که هیچ معبودی جز او نیست مرا بس است؛ تنها بر او توکّل کردم؛ و او پروردگار تخت بزرگ (جهانداری و تدبیر هستی) است. « (129)
ترجمه قرآن، ص: 208

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
الف، لام، را، آن آیاتِ کتابِ حکمت‌آمیز است. (1)
آیا برای مردم شگفت‌آور است، که به سوی مردی از آنان وحی نمودیم که:» مردم را هشدار ده، و به کسانی که ایمان آورده‌اند مژده ده: که برای آنان گامی راستین (و پیشرو در شرافت) نزد پروردگارشان است «؟! کافران گفتند:» بی‌شک این ساحری آشکار است! « (2)
در واقع پروردگار شما، خدایی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز [و دوره آفرید؛ سپس بر تخت (جهانداری) تسلّط یافت، [و] به تدبیر کار [ها] پرداخت؛ هیچ شفاعتگری، جز پس از رخصت او، نیست؛ این خدا پروردگار شماست، پس او را بپرستید؛ آیا (غافلید) و متذکّر نمی‌شوید؟! (3)
بازگشت همه شما فقط به سوی اوست؛ [این وعده حق خداست. او آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را تجدید می‌کند، برای آنکه کسانی را که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام داده‌اند، به دادگری پاداش دهد؛ و کسانی که کفر ورزیدند، نوشابه‌ای از آب سوزان و عذابی دردناک، برای آنان است، بدان سبب که همواره کفر می‌ورزیدند! (4)
او کسی است که خورشید را روشنایی، و ماه را نور قرار داد؛ و برای آن منزلگاه‌هایی معیّن کرد، تا عدد سال‌ها و حساب را بدانید؛ خدا این [ها] را جز به حق نیافرید. [او] آیات (و نشانه‌های خود را) برای گروهی که می‌دانند، شرح می‌دهد. (5)
مسلّماً در، پی در پی آمدن شب و روز، و آنچه خدا در آسمان‌ها و زمین آفریده، آیات (و نشانه‌هایی) است، برای گروهی که خودنگهداری می‌کنند. (6)
ترجمه قرآن، ص: 209
در حقیقت کسانی که به ملاقات ما (و روز رستاخیز) امید ندارند، و به زندگی پست (دنیا) خشنود شدند و بدان آرامش یافتند، و کسانی که آنان از آیات (و نشانه‌های) ما غافلند، (7)
آنان به سبب آنچه همواره کسب می‌کردند، مقصدشان آتش است! (8)
براستی کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، پروردگارشان آنان را به وسیله ایمانشان راهنمایی می‌کند؛ [و] در بوستان‌های پر نعمت (بهشت)، نهرها از زیر (درختان) شان روان است. (9)
ندا (و نیایش) آنان در آن (بوستان‌ها، این است که:)» خدایا، منزّهی تو! «و

زنده بادِ آنان در آنجا:» سلام «است؛ و پایان ندا (و نیایش) آنان (این است) که:» ستایش، مخصوصِ خدایی است که پروردگارِ جهانیان است! « (10)
اگر (بر فرض) خدا برای مردم (در پذیرش نفرین و مجازات) بدی [ها]، شتاب می‌کرد همچون شتاب جویی آنان در نیکی [ها]، حتماً برای آنان سرآمد (عمر) شان فرا می‌رسید؛ و [لی کسانی را که امید به ملاقات ما ندارند، وا می‌گذاریم در حالی که در طغیانشان سرگردان می‌شوند. (11)
و هنگامی که به انسان زیان (و رنج) رسد، ما را، در حالی که به پهلویش خوابیده، یا نشسته، یا ایستاده، می‌خواند؛ و هنگامی که زیان (و رنج) او را از وی برطرف ساختیم، [چنان می‌رود که گویا ما را برای (دفع رنج و) زیانی که به او رسیده بود، نخوانده است! این گونه برای اسرافکاران، آنچه را که همواره انجام می‌دادند، آراسته شده است. (12)
و بیقین گروه‌های پیش از شما را، هنگامی که ستم کردند، هلاک نمودیم؛ در حالی که فرستادگانشان دلیل‌های روشن (معجزه آسا) برای آنان آوردند، و [لی هرگز ایمان نمی‌آورند؛ این گونه گروه خلافکاران را کیفر می‌دهیم! (13)
سپس شما را پس از آنان، جانشینانی در زمین قرار دادیم، تا ببینیم چگونه عمل می‌کنید. (14)
ترجمه قرآن، ص: 210
و هنگامی که آیاتِ ما در حالی که روشن است بر آنان تلاوت می‌شود، کسانی که به ملاقات ما (و روز رستاخیز) امید ندارند، می‌گویند:» قرآنی غیر از این بیاور، یا آن را تغییر ده. « (ای پیامبر) بگو:» برای من (ممکن) نیست، که از پیش خودم آن را تغییر دهم، (زیرا) جز آنچه به سوی من وحی می‌شود، پیروی نمی‌کنم؛ [چرا] که اگر من پروردگارم را نافرمانی کنم، از عذاب روز بزرگ (قیامت) می‌ترسم! « (15)
بگو:» اگر (بر فرض) خدا می‌خواست، آن (آیات) را بر شما نمی‌خواندم (و پیروی نمی‌کردم)، و (خدا) شما را بدان آگاه نمی‌ساخت؛ چه اینکه پیش از این، مدتی طولانی در میان شما درنگ کرده‌ام و (هرگز آیه‌ای نیاوردم)؛ آیا خردورزی نمی‌کنید؟! « (16)
و چه کسی ستمکارتر است از کسی که بر خدا دروغ بسته، یا آیات (و نشانه‌های) او را دروغ انگاشته است؟! براستی که خلافکاران رستگار نخواهند شد. (17)
و (مشرکان) غیر از خدا، چیزهایی را می‌پرستند که به آنان زیان نمی‌رساند، و سودی به ایشان نمی‌بخشد؛ و می‌گویند:» اینها شفاعتگران، در پیشگاه خدا هستند. «بگو:» آیا خدا را به چیزی که در آسمان‌ها و زمین نمی‌داند، خبر می‌دهید؟! «او منزه و برتر است از آنچه شریک [او] قرار

می‌دهند! (18)
و مردم (در آغاز)، جز یک امّت نبودند، و اختلاف کردند؛ و اگر نبود سخن (سنت گونه‌ا) ی از طرف پروردگارت، (در مورد مجازات نکردن سریع گناهکاران) که از پیش مقرر شده است، حتماً در میان آنان در مورد آنچه در آن اختلاف کردند داوری شده بود. (19)
و می‌گویند:» چرا نشانه (معجزه‌واری) از پروردگارش بر او فرو فرستاده نمی‌شود؟! «پس بگو:» (آنچه از حسّ) پوشیده، تنها برای خداست؛ پس منتظر باشید، [چرا] که من (هم) با شما از منتظرانم. « (20)
ترجمه قرآن، ص: 211
و هنگامی که مردم را پس از زیان (و ناراحتی) که به آنان رسیده، رحمتی بچشانیم، به ناگاه آنان در مورد آیات ما فریبی دارند؛ بگو:» ترفند خدا سریع‌تر است. [چرا] که فرستادگانِ (از فرشتگان) ما، آنچه را فریبکاری می‌کنید می‌نویسند. « (21)
او کسی است که شما را در خشکی و دریا می‌گرداند؛ تا هنگامی که در کشتی‌ها قرار می‌گیرید. و با بادی دلپسند (و ملایم) آنان را روان می‌سازند و بدان شادمان شوند. [ناگهان باد شدیدی می‌وزد، و امواج از هر جایی به سراغ آنان می‌آید، و یقین می‌کنند که آنان محاصره شده‌اند (و هلاک خواهند شد؛ در این هنگام) خدا را، در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانیده‌اند، می‌خوانند که:» اگر ما را از این [گرفتاری نجات دهی، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود. « (22)
و هنگامی که [خدا] آنان را نجات بخشید، ناگهان آنان به ناحق، در زمین ستم می‌کنند! ای مردم! ستم شما، تنها به زیان خود شماست؛ بهره زندگی پست (دنیا را می‌برید)، سپس بازگشت شما فقط به سوی ماست؛ و شما را به آنچه همواره انجام می‌دادید، خبر می‌دهیم. (23)
مثال زندگیِ پست (دنیا،) فقط همانند آبی است که آن را از آسمان فرو فرستادیم، و به آن گیاهان زمین- از آنچه مردم و دام‌ها می‌خورند- آمیخته شود، تا هنگامی که زمین، زیبایی‌اش را برگرفت و آراسته شد، و اهلِ آن یقین می‌کنند که آنان بر آن توانایی دارند؛ (ناگهان) در شبی یا روزی، فرمان (نابودی) ما بدان در رسد، و آن را درو می‌کنیم چنانکه گویا دیروز هرگز برپا نبوده است! این گونه، آیات را برای گروهی که تفکّر می‌کنند، شرح می‌دهیم. (24)
و خدا (شما را) به سرای سلامت فرا می‌خواند؛ و هر کس را بخواهد (و شایسته ببیند)، به راهی راست راهنمایی می‌کند. (25)
ترجمه قرآن، ص: 212
برای کسانی که نیکی کردند، [پاداش نیکو و زیاده‌ایست؛ و هیچ سیاهی و خواری، چهره‌هایشان را نمی‌پوشاند؛ اینان اهل بهشتند، در حالی که آنان در

آنجا ماندگارند. (26)
و کسانی که [کارهای بد را کسب کردند، کیفر بدی همانند آن است؛ و خواری آنان را فرا می‌گیرد؛ [و] هیچ نگهدارنده‌ای از جانب خدا، برای آنان نیست. گویی چهره‌هایشان با پاره‌هایی از شب تاریک، پوشیده شده! آنان اهل آتشند، در حالی که آنان در آنجا ماندگارند. (27)
و [یاد کن روزی را که همه آنان را گردآوری می‌کنیم، سپس به کسانی که شرک ورزیدند، می‌گوییم:» شما و شریک‌هایتان (که آنان را شریک خدا می‌پنداشتید) در جایتان باشید. «و بین آنان جدایی می‌افکنیم، و شریکانشان می‌گویند:» شما (در واقع) هرگز ما را نمی‌پرستیدید! (28)
و گواهی خدا بین ما و بین شما، کافی است که قطعاً ما از پرستش شما غافل بودیم. « (29)
در آنجا، هر کس آنچه را از پیش فرستاده، می‌آزماید، و به سوی خدا که مولای بحق آنهاست، بازگردانده می‌شوند؛ و آنچه را همواره (بر خدا شریک) می‌بستند از ایشان گم شد. (30)
بگو:» چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟ یا چه کسی صاحب اختیار گوش [ها] و چشم‌هاست؟ و چه کسی زنده را از مرده بیرون می‌آورد، و مرده را از زنده بیرون می‌سازد؟ و چه کسی کار [ها] را تدبیر می‌کند؟ «پس بزودی (مشرکان) می‌گویند:» خدا (چنین می‌کند.) «و بگو:» آیا (بر گمراهی اصرار می‌ورزید) و خودنگهداری (و پارسایی) نمی‌کنید؟! (31)
و این خدا، پروردگارِ حقّ شماست، و بعد از حق، چه چیزی جز گمراهی وجود دارد؟! پس چگونه (از حق) روی گردانیده می‌شوید؟! « (32)
اینگونه سخن پروردگارت بر کسانی که نافرمانی کردند، به حقیقت پیوست، که آنان ایمان نمی‌آورند. (33)
ترجمه قرآن، ص: 213
(ای پیامبر) بگو:» آیا از شریکان (معبود) شما، کسی هست که آفرینش را آغاز کند، سپس آن را باز گرداند؟! «بگو:» (تنها) خدا آفرینش را آغاز کرد، سپس آن را باز می‌گرداند؛ پس چگونه (از حق) بازگردانده می‌شوید؟! « (34)
بگو:» آیا از شریکان (معبود) شما، کسی هست که به سوی حق راهنمایی کند؟! «بگو:» (تنها) خدا به سوی حق راهنمایی می‌کند؛ و آیا کسی که به سوی حق راهنمایی می‌کند شایسته‌تر است که پیروی شود، یا کسی که راه نمی‌یابد، مگر آنکه راهنمایی شود؟! پس شما را چه شده، چگونه داوری می‌کنید؟! « (35)
و بیشتر آن (مشرک) ان جز از گمان پیروی نمی‌کنند؛ براستی که گمان، چیزی را از حق بی‌نیاز نمی‌سازد؛ در واقع خدا به آنچه انجام می‌دهند،

داناست. (36)
و سزاوار نيست كه اين قرآن، به دروغ، به غير خدا نسبت داده شود؛ و ليكن مؤيّد آنچه كه پيش از آن است، مى‌باشد؛ و شرح كتاب (هاى الهى) است؛ در حالى كه هيچ ترديدى در آن نيست، [و] از طرف پروردگار جهانيان است. (37)
آيا مى‌گويند:» (او) به دروغ آن (قرآن) را (به خدا) نسبت داده است؟! «بگو:» اگر راست گوييد پس سوره‌اى همانند آن بياوريد؛ و غير از خدا، هر كس را مى‌توانيد (به يارى) فرا خوانيد! « (38)
بلكه چيزى را دروغ انگاشتند كه به علم آن احاطه نداشتند، و هنوز سرانجام (واقعيت) آن برايشان نيامده است. كسانى (هم) كه پيش از آنان بودند، همين گونه (پيامبران را) تكذيب كردند؛ پس بنگر فرجام ستمكاران چگونه بوده است! (39)
و از آن (مشرك) ان كسى است كه به آن (قرآن) ايمان مى‌آورد؛ و از آنان كسى است كه بدان ايمان نمى‌آورد؛ و پروردگارت به (حال) فسادگران داناتر است. (40)
و اگر تو را تكذيب كردند، پس بگو:» كردار من فقط براى من، و كردار شما فقط براى شماست؛ شما نسبت به آنچه من انجام مى‌دهم، غير متعهديد، و من (نيز) نسبت به آنچه شما انجام مى‌دهيد غير متعهدم. « (41)
و برخى از آن (مشرك) ان كسانى هستند، كه به (ظاهر، به سخنان) تو گوش فرا مى‌دهند و آيا (تو مى‌توانى سخن خود را) به گوش ناشنوايان برسانى، و گرچه هرگز خردورزى نكنند؟! (42)
ترجمه قرآن، ص: 214
و از آن (مشرك) ان كسى است كه به (ظاهر به سوى) تو مى‌نگرد، و آيا تو (مى‌توانى) نابينايان را راهنمايى كنى، و گرچه هرگز نبينند؟! (43)
براستى كه خدا هيچ گونه به مردم ستم نمى‌كند؛ و ليكن مردم بر خودشان ستم مى‌كنند. (44)
و (ياد كن) روزى را كه (خدا) آنان را گرد مى‌آورد؛ گويا جز ساعتى از روز، (در دنيا) درنگ نكرده‌اند، (به اندازه‌اى كه) همديگر را مى‌شناسند؛ مسلماً كسانى زيان كردند، كه ملاقات خدا (و روز رستاخيز) را دروغ انگاشتند؛ و ره يافته نبودند. (45)
و اگر، پاره‌اى از آنچه (از مجازات‌ها) كه به آنان وعده مى‌دهيم، به تو بنمايانيم، يا (قبل از عذاب آنان، جان) تو را كامل بگيريم، پس بازگشتشان تنها به سوى ماست؛ سپس خدا بر آنچه انجام مى‌دهند گواه است. (46)
و براى هر امّتى، فرستاده‌اى است؛ و هنگامى كه فرستاده آنان بيايد، بينشان به دادگرى داورى مى‌شود؛ در حالى كه آنان مورد ستم واقع

نمی‌شوند. (47)
و (مشرکان) می‌گویند:» اگر راست گویید، این وعده (عذاب الهی) چه وقت است؟ « (48)
بگو:» برای خودم هیچ زیان و سودی را مالک نیستم جز آنچه خدا بخواهد. برای هر امّتی سرآمد (عُمر معیّن) است؛ هنگامی که سرآمد (عمر) آنان فرا رسد، پس ساعتی تأخیر نمی‌کنند، و پیشی نمی‌گیرند. « (49)
بگو:» آیا به نظر شما اگر عذاب او، شبانگاه یا در روز به سراغ شما آید (، می‌توانید آن را دفع کنید؟!) « (پس) چه چیزی را خلافکاران از (آمدن) آن به شتاب می‌طلبند. (50)
سپس، آیا آنگاه که (عذاب) واقع شد، به آن ایمان می‌آورید؟! (به شما گفته می‌شود:) حالا (ایمان می‌آورید؟) در حالی که به (آمدن) آن همواره شتاب می‌کردید! (51)
سپس به کسانی که ستم کردند گفته می‌شود:» عذاب ماندگار را بچشید! آیا جز به (کیفر) آنچه همواره به دست می‌آوردید، مجازات خواهید شد؟! « (52)
از تو خبر می‌گیرند:» آیا آن (وعده عذاب) حقّ است؟ «بگو:» آری، به پروردگارم سوگند، که آن حتماً حق است! و شما عاجز کننده (خدا) نیستید. « (53)
ترجمه قرآن، ص: 215
و اگر (بر فرض) برای هر شخصی که ستم کرده، آنچه در زمین است می‌بود، حتماً آن را (برای نجات خویش) تاوان می‌داد؛ و هنگامی که عذاب را ببینند، پشیمانی (خود) را رازداری می‌کنند؛ و بینشان به دادگری داوری شود؛ و آنان مورد ستم واقع نمی‌شوند. (54)
آگاه باشید که در حقیقت آنچه در آسمان‌ها و زمین است، فقط از آنِ خداست. آگاه باشید که در واقع وعده خدا حق است، و لیکن بیشتر آنان نمی‌دانند. (55)
اوست که زنده می‌کند و می‌میراند، و تنها به سوی او بازگردانده می‌شوید. (56)
ای مردم! بیقین از طرف پروردگارتان برای شما، پندی و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست؛ و رهنمود و رحمتی برای مؤمنان، آمده است. (57)
بگو:» به بخشش خدا و به رحمت او (خوشحال شدن نیکوست؛) پس باید (مؤمنان) بدان شادمان شوند، (چرا که) آن از هر آنچه گرد می‌آورند، بهتر است. « (58)
بگو:» آیا نگریسته‌اید، به آنچه از روزی [ها] که خدا برای شما فرود آورده، و برخی از آن را حرام، و (برخی را) حلال نموده‌اید؟! «بگو:» آیا خدا به شما رخصت داده، یا بر خدا [دروغ می‌بندید؟! « (59)

و کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند، در (باره مجازاتِ) روز رستاخیز، چه گمان دارند؟ قطعاً خدا نسبت به مردم دارای بخشش است؛ و لیکن بیشتر آنان سپاسگزاری نمی‌کنند. (60)
و در هیچ کاری (و حالی) نباشی، و از طرف آن [خدا] هیچ (آیه‌ای) از قرآن را تلاوت (و پیروی) نمی‌کنی، و هیچ عملی را انجام نمی‌دهید، مگر اینکه [ما] گواه بر شما هستیم در آن هنگام که بدان می‌پردازید؛ و در زمین و در آسمان، از پروردگارت هیچ هم وزن ذرّه‌ای و نه کوچک‌تر و نه بزرگ‌تر از آن مخفی نمی‌ماند! مگر اینکه (همه آنها) در کتاب روشنگر (علم خدا ثبت شده) است. (61)
ترجمه قرآن، ص: 216
آگاه باشید! که دوستان خدا، هیچ ترسی بر آنان نیست، و نه آنان اندوهگین می‌شوند؛ (62)
(همان) کسانی که ایمان آوردند، و همواره خودنگهداری (و پارسایی) می‌کردند. (63)
تنها برای آنان در زندگی پست (دنیا) و در آخرت، مژده است. هیچ تغییری برای سخنان (سنت گونه و وعده‌های) خدا نیست؛ تنها این کامیابی بزرگ است. (64)
سخن آن (مشرک) ان تو را اندوهگین نسازد! [چرا] که عزّت همه از آنِ خداست؛ او شنوا [و] داناست. (65)
آگاه باش، در حقیقت، هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است، فقط از آنِ خداست. و کسانی که (معبودانی) غیر از خدا را می‌خوانند، شریک‌های (خیالی او را) پیروی نمی‌کنند (بلکه اینان) جز از گمان پیروی نمی‌نمایند؛ و جز این نیست که آنان حدس می‌زنند (و دروغ می‌بافند.) (66)
او کسی است که شب را برای شما (تاریک) قرار داد، تا در آن آرام گیرید؛ و روز را روشنی‌بخش (قرار داد)؛ قطعاً در این [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که گوش شنوا دارند. (67)
(مشرکان) گفتند:» خدا فرزندی گزیده است. «او منزّه است (چرا که) تنها او توانگر است! [و] آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است فقط از آنِ اوست. نزد شما هیچ دلیلی بر این (ادعا) نیست؛ آیا چیزی را که نمی‌دانید، به خدا نسبت می‌دهید؟ (68)
بگو:» در حقیقت کسانی که به خدا دروغ می‌بندند، رستگار نمی‌شوند؛ (69)
(این دروغ پردازی برای اندک) بهره‌ای در دنیاست؛ سپس بازگشتشان تنها به سوی ماست؛ آنگاه بدان سبب که همواره کفر می‌ورزیدند، عذاب شدید را به آنان می‌چشانیم! « (70)
ترجمه قرآن، ص: 217

خبر بزرگ نوح را بر آنان بخوان (و پیروی کن)، آنگاه که به مردمش گفت:» ای قوم [من ! اگر جایگاه من و تذکّرات من نسبت به آیات خدا، بر شما گران است، پس (من) تنها بر خدا توکّل می‌کنم. و کار (و فکر) تان و شریک‌های (معبود) تان را جمع کنید؛ سپس کارتان بر شما هیچ پوشیده نماند، آنگاه به (حیات) من پایان دهید، و [مرا] مهلت مدهید. (71)
و اگر (از قبول دعوتم) روی برتابید، پس (من) از شما هیچ پاداشی نمی‌طلبم پاداش من جز بر [عهده خدا نیست؛ و فرمان دارم که از مسلمانان باشم. « (72)
و او را تکذیب کردند؛ و (ما) وی و کسانی را که با او در کشتی بودند، نجات دادیم؛ و آنان را جانشینانی (برای کافران) قرار دادیم؛ و کسانی را که نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، غرق کردیم. پس بنگر فرجام هشدار داده شدگان، چگونه بود! (73)
سپس بعد از او (نوح)، فرستادگانی به سوی قومشان برانگیختیم؛ و دلایلِ روشن (معجزه‌آسا) برای شان آوردند؛ و (ایشان) هرگز به چیزی که قبلاً آن را دروغ انگاشته بودند، ایمان نمی‌آورند؛ اینگونه بر دل‌های تجاوزکاران مهر می‌نهیم. (74)
سپس بعد از آن (پیامبر) ان موسی و هارون را با نشانه‌های (معجزه آسای) مان به سوی فرعون و اشراف او فرستادیم؛ و [لی تکبّر ورزیدند، و گروهی خلافکار شدند. (75)
و هنگامی که حقّ از نزد ما به سوی آنان آمد، گفتند:» قطعاً این، سحری آشکار است! « (76)
موسی گفت:» آیا درباره حق، هنگامی که به سوی شما آمد، (چنین) می‌گویید؟! آیا این سحر است در حالی که ساحران رستگار (و پیروز) نمی‌شوند؟! « (77)
(فرعونیان به موسی) گفتند:» آیا به سراغ ما آمده‌ای که ما را، از آنچه پدرانمان را بر آن یافته‌ایم، بازگردانی، و بزرگی (و ریاست) در زمین، از آنِ شما دو (نفر) باشد؟! و ما تصدیق کننده شما دو (نفر) نیستیم. « (78)
ترجمه قرآن، ص: 218
و فرعون گفت:» هر ساحر دانایی را نزد من آورید. « (79)
و هنگامی که ساحران (به میدان مبارزه) آمدند، موسی به آنان گفت:» آنچه را شما (از وسایل سحر می‌توانید) بیفکنید، بیندازید! « (80)
و هنگامی که افکندند، موسی گفت:» آنچه (شما) آن را آوردید، سحر است؛ [چرا] که خدا بزودی آن را باطل می‌کند؛ [زیرا] که خدا کار فسادگران را اصلاح نمی‌کند. (81)
و خدا حق را با کلمات (و وعده‌های) ش تثبیت می‌کند؛ و گرچه خلافکاران ناخشنود باشند. « (82)

و موسی را تصدیق نکردند، مگر نسلی از قوم او؛ در حال ترس از فرعون و اشراف آنان، که مبادا آنان را در بلا افکنند! و قطعاً فرعون در زمین (مصر)، برتری‌جویی کرد، و مسلماً او از اسرافکاران بود. (83)
و موسی گفت:» ای قوم [من ! اگر به خدا ایمان آورده‌اید، [و] اگر مسلمانید، پس فقط بر او توکّل کنید. « (84)
و گفتند:» فقط بر خدا توکّل داریم؛ [ای پروردگار ما! ما را [وسیله آزمایشی برای گروه ستمکاران قرار مده؛ (85)
و ما را به رحمت خویش از (شرّ) گروه کافران نجات بخش. « (86)
و به موسی و برادرش وحی کردیم که:» برای قومتان در مصر خانه‌هایی آماده کنید؛ و خانه‌هایتان را مقابل یکدیگر (و محل عبادت) قرار دهید؛ و نماز را به پا دارید؛ و مؤمنان را مژده ده. « (87)
و موسی گفت:» [ای پروردگار ما! براستی که تو فرعون و اشراف او را زیور و اموالی در زندگی پست (دنیا) داده‌ای؛ ای پروردگار ما! (آنان) در نهایت (مردم را) از راه تو گمراه می‌سازند؛ [ای پروردگار ما! اموالشان را بی‌اثر (و بی‌ارزش) کن؛ و دل‌هایشان را (از درک حقایق) بر بند، که ایمان نیاورند تا عذاب دردناک را ببینند. « (88)
ترجمه قرآن، ص: 219
(خدا) فرمود:» دعای هر دوی شما پذیرفته شد؛ پس پایداری کنید؛ و راه کسانی را که نمی‌دانند، پیروی مَکنید. « (89)
و بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) را از دریا عبور دادیم، و فرعون و لشکریانش از روی ستم و تجاوز، در پی آنان رفتند؛ تا هنگامی که او در (شُرُف) غرق شدن قرار گرفت، گفت:» ایمان آوردم [به اینکه هیچ معبودی نیست، جز کسی که بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) به او ایمان آورده‌اند، و من از تسلیم شدگان هستم. « (90)
(به فرعون گفته شد:) آیا اکنون (ایمان می‌آوری)؟! در حالی که پیش [از آن بیقین نافرمانی می‌کردی، و از فسادگران بودی! (91)
و [لی امروز تو را با زره‌ات نجات می‌دهیم (و بدنت را بر بلندی می‌نهیم)، تا برای کسانی که پس از تو هستند، نشانه (عبرت آموزی) باشی! و قطعاً بسیاری از مردم، از نشانه‌های ما غافلند. (92)
و بیقین بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) را در جایگاه درستی مستقرّ ساختیم؛ و آنان را از پاکیزه‌ها روزی دادیم؛ و [لی اختلاف نکردند تا اینکه علم برای آنان [حاصل آمد؛ در حقیقت پروردگار تو روز رستاخیز، درباره آنچه همواره در آن اختلاف می‌کردند، میان آنان داوری می‌کند. (93)
و اگر در مورد آنچه به سوی تو فرو فرستادیم، در شک هستی، پس از کسانی بپرس، که پیش از تو کتاب [الهی را می‌خواندند؛ بیقین حقّ از طرف پروردگارت به تو رسیده است، پس هرگز از تردید کنندگان مباش.

(94)
و هرگز از کسانی مباش که آیات خدا را دروغ انگاشتند، که از زیانکاران می‌شوی. (95)
در واقع کسانی که سخن پروردگارت بر آنان به حقیقت پیوست ایمان نمی‌آورند؛ (96)
و گرچه هر نشانه (معجزه‌آسا) یی برای شان بیاید، (ایمان نمی‌آورند،) تا اینکه عذاب دردناک را ببینند! (97)
ترجمه قرآن، ص: 220
و چرا هیچ آبادی نبود که (اهل آن) ایمان آورند و ایمانشان به آنان سود بخشد؟! مگر قوم یونس، هنگامی که ایمان آوردند، عذاب رسوایی را در زندگی پست (دنیا) از آنان برطرف ساختیم؛ و تا زمان (مرگ) بهره‌مندشان ساختیم. (98)
و اگر (بر فرض) پروردگارت می‌خواست، حتماً تمام کسانی که در روی زمین هستند، همگی آنان، ایمان می‌آوردند؛ و آیا تو مردم را وا می‌داری تا اینکه مؤمن شوند؟! (99)
و برای هیچ کس (ممکن) نیست که جز با رخصت خدا ایمان آورد. و [خدا] بر کسانی که خردورزی نمی‌کنند، پلیدی قرار می‌دهد. (100)
(ای پیامبر) بگو:» بنگرید در آسمان‌ها و زمین چه چیزی است؟ «و [این نشانه‌ها و هشدارها برای گروهی که (بخاطر لجاجت) ایمان نمی‌آورند، (چیزی از عذاب را) دفع نمی‌کند! (101)
و آیا (مشرکان) جز همانند روزگاران کسانی که پیش از آنان در گذشتند، انتظار می‌کشند؟! بگو:» پس منتظر باشید که من (هم) با شما از منتظرانم! « (102)
سپس فرستادگانمان و کسانی را که ایمان آوردند، نجات می‌دهیم؛ همچنین بر ما حقّ است که مؤمنان را نجات دهیم. (103)
بگو:» ای مردم! اگر از دین من در شک هستید، پس کسانی را که غیر از خدا می‌پرستید، نمی‌پرستم؛ و لیکن خدایی را پرستش می‌کنم که (جان) شما را بطور کامل می‌گیرد؛ و فرمان داده شده‌ام که از مؤمنان باشم. (104)
و (به من فرمان داده شده:) که رویِ (وجود) خود را به دین حق گرایانه، راست دار؛ و هرگز از مشرکان مباش! (105)
و غیر از خدا، چیزی را که سودی به تو نمی‌رساند و زیانی به تو نمی‌رساند، مخوان (و پرستش مکن؛) و اگر (چنین) کنی، پس آنگاه در واقع تو از ستمکاران خواهی بود. (106)
ترجمه قرآن، ص: 221
و اگر خدا، (برای امتحان یا مجازات،) زیانی به تو رساند، پس جز او هیچ

برطرف کننده‌ای برای آن، نیست؛ و اگر نیکی برای تو اراده کند، پس هیچ برگرداننده‌ای برای بخشش او نیست؛ آن را به هر کس از بندگانش بخواهد (و شایسته بداند) می‌رساند؛ و او بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. « (107)

بگو:» ای مردم! بیقین، حق از طرف پروردگارتان به سراغ شما آمده؛ و هر کس (در پرتو آن) راه یابد، پس فقط به سود خودش راه یافته است. و هر کس گمراه شود، پس فقط به زیان خود گمراه می‌شود؛ و من حمایتگر شما نیستم. « (108)

و از آنچه به سوی تو وحی می‌شود پیروی کن، و شکیبایی کن! تا (اینکه) خدا داوری کند، و او بهترین داوران است. (109)

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
الف، لام، را. (این قرآن) کتابی است که آیاتش محکم شده است، سپس از نزد فرزانه‌ای آگاه تشریح شده است، (1)
که: جز خدا را نپرستید! در حقیقت من از سوی او برای شما هشدارگر و بشارتگرم؛ (2)
و اینکه: از پروردگارتان آمرزش بخواهید؛ سپس به سوی او بازگردید؛ تا شما را از بهره نیکویی تا سرآمد معیّنی، برخوردار سازد؛ و به هر صاحب فضیلتی، (به مقدار) فضیلتش بدهد. و اگر روی برتابید، پس در حقیقت من از عذاب روزی بزرگ بر شما می‌ترسم! (3)
بازگشت شما فقط به سوی خداست؛ و او بر هر چیزی تواناست. (4)
آگاه باشید، که آن (مشرک) ان سینه‌هایشان را نزدیک هم قرار می‌دهند، تا (رازشان را) از آن (پیامبر) پنهان دارند؛ آگاه باشید، آنگاه که لباس‌هایشان را بر سر می‌کشند، (خدا) آنچه را پنهان می‌کنند و آنچه را آشکار می‌سازند، می‌داند؛ [چرا] که او، به (اسرار) درون سینه‌ها داناست. (5)
ترجمه قرآن، ص: 222
و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست، مگر [اینکه روزیش بر خداست؛ و قرارگاه ثابت او و ناپایدارش را می‌داند؛ (زیرا) همه در کتاب روشنگر (علم خدا ثبت) است. (6)
و او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز [و دوره آفرید؛ و تخت (جهانداری و تدبیر هستی) او بر آب بود؛ تا شما را بیازماید که کدامین شما نیکوکارتر است. و اگر بگویی:» در حقیقت شما بعد از مرگ، بر انگیخته می‌شوید. «حتماً کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند:» این، جز سحری آشکار نیست! « (7)
و اگر عذاب را تا مدّت معیّنی از آنان به تأخیر اندازیم، قطعاً می‌گویند:» چه چیزی آن را باز می‌دارد؟! «آگاه باشید! روزی که (عذاب) به آنان برسد، از آنان باز گردانده نخواهد شد؛ و آنچه که همواره آن را ریشخند می‌کردند، آنان را فرو گیرد. (8)
و اگر از جانب خویش، رحمتی به انسان بچشانیم، سپس آن را از او بر گیریم، قطعاً او بسیار نا امید [و] ناسپاس خواهد شد! (9)
و اگر بعد از زیان (و ناراحتی) که به او رسیده، نعمت‌هایی به او بچشانیم، قطعاً می‌گوید:» بدی‌ها از من (کنار) رفت! «در حالی که او حتماً شادمان [و] فخر فروش است؛ (10)
مگر کسانی که شکیبایی کردند و [کارهای شایسته انجام دادند؛ آنان

برایشان آمرزش و پاداشی بزرگ است. (11)
و شاید تو، بخاطر اینکه (کافران) می‌گویند:» چرا هیچ گنجی بر او فرود نیامده یا فرشته‌ای همراه او نیامده است؟! «برخی چیزهایی را که به سوی تو وحی می‌شود، ترک کنی و سینه‌ات بخاطر آن تنگ شود! (نگران مباش و وحی را ابلاغ کن، چرا که) تو فقط هشدارگری؛ و خدا بر هر چیزی کارساز است. (12)

آیا می‌گویند:» به دروغ آن (قرآن را به خدا) نسبت داده است؟! «بگو:» اگر راستگویید، پس شما هم ده سوره ساختگی، همانند این (قرآن) بیاورید؛ و جز خدا، هر کسی را می‌توانید فرا خوانید! « (13)
و اگر (دعوت) شما را نپذیرفتند، پس بدانید که (قرآن) با علم الهی فرود آمده؛ و اینکه هیچ معبودی جز او نیست. پس آیا شما تسلیم می‌شوید؟! (14)
کسانی که زندگی پست (دنیا) و زیور آن را بخواهند، (نتیجه) اعمالشان را در این (دنیا) بطور کامل به آنان می‌دهیم؛ و به آنان در این (دنیا) کم داده نخواهد شد؛ (15)
آنان، کسانی هستند که در آخرت، برایشان، جز آتش نیست! و آنچه را در این (دنیا) با زیرکی ساختند تباه شد؛ و آنچه را همواره انجام می‌دادند، باطل است. (16)
و آیا کسی که از طرف پروردگارش بر دلیلی روشن می‌باشد، و گواهی، از جانب آن (خدا) از او پیروی می‌کند، و (نیز) پیش از آن، کتاب موسی در حالی که پیشوا و رحمت بود (گواه بر آن بود، همانند کسی است که اینچنین نباشد)؟! آنان (که جویای حقیقتند) به او ایمان می‌آورند؛ و هر کس از حزب‌های (مختلف) به او کفر ورزد، پس آتش وعده‌گاه اوست! پس از آن در تردید مباش، [چرا] که آن حق است [و] از جانب پروردگار توست؛ و لیکن بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند. (17)
و چه کسی ستمکارتر است از کسی که بر خدا دروغ بندد؟! آنان (در رستاخیز) بر پروردگارشان عرضه می‌شوند، و گواهان خواهند گفت:» اینان، کسانی هستند که به پروردگارشان دروغ بستند؛ هان، لعنت خدا بر ستمکاران باد! « (18)
(همان) کسانی که (مردم را) از راه خدا باز می‌دارند، و می‌خواهند آن [راه را منحرف سازند؛ و آنان همان منکران آخرتند. (19)

آنان در زمین عاجز کننده (خدا) نبوده‌اند، و غیر از خدا برایشان هیچ سرپرستی نبود. عذاب برای آنان دو [یا چند] برابر می‌شود! (زیرا) هرگز توان شنیدن (سخن حق را) نداشتند؛ و هرگز (حقیقت را) نمی‌دیدند. (20)

آنان کسانی هستند که به خودشان زیان رسانده‌اند، و آنچه را همواره (از معبودها به دروغ) می‌ساختند، از (نظر) شان گم شد. (21)
ناگزیر در آخرت، تنها آنان (از همه) زیانکارترند! (22)
در حقیقت کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند و (با فروتنی) به سوی پروردگارشان آرام یافتند، آنان اهل بهشتند؛ در حالی که آنان در آنجا ماندگارند. (23)
مثال این دو گروه [مؤمنان و ستمکاران ، همانند نابینا و ناشنوا، و بینا و شنواست؛ آیا (این دو،) در مثال مساویند؟! آیا (غافلید) و متذکّر نمی‌شوید؟! (24)
و بیقین نوح را به سوی قومش فرستادیم (گفت):» در حقیقت من برای شما هشدارگری روشنگرم. (25)
که جز خدا را نپرستید؛ [چرا] که من از عذاب روزی دردناک بر شما می‌ترسم! « (26)
و اشرافِ قومش که کفر ورزیدند، گفتند:» تو را جز بشری همچون خودمان نمی‌بینیم؛ و (نیز) مشاهده نمی‌کنیم، که از تو پیروی کنند، جز کسانی که، آنان در ابتدای نظر، فرومایگان ما هستند. و برای شما هیچ فضیلتی نسبت به خودمان نمی‌بینیم، بلکه گمان می‌کنیم که شما دروغگویید! « (27)
(نوح) گفت:» ای قوم [من ! آیا به نظر شما اگر من بر دلیل روشنی از پروردگارم باشم، و از نزدش رحمتی به من داده باشد، و بر شما مخفی مانده باشد، آیا شما را بدان الزام کنیم، در حالی که شما نسبت به آن ناخشنودید؟! (28)
ترجمه قرآن، ص: 225
و ای قوم [من ! از شما هیچ مالی بر این (رسالت) نمی‌طلبم، پاداش من جز بر [عهده خدا نیست. و من، کسانی را که ایمان آورده‌اند، طرد نمی‌کنم؛ [چرا] که آنان پروردگارشان را ملاقات خواهند کرد؛ و لیکن من شما را گروهی می‌بینم که نادانی می‌کنید. (29)
و ای قوم [من ! اگر آن (مؤمن) ان را طرد کنم، چه کسی مرا در برابر (مجازات) خدا یاری می‌دهد؟ آیا (غافلید) و متذکّر نمی‌شوید؟ (30)
و به شما نمی‌گویم که منابع الهی نزد من است؛ و (نیز) از (آنچه از حسّ) پوشیده آگاه نیستم، و نمی‌گویم که من فرشته‌ام؛ و به کسانی که در نظر شما خوار می‌آیند نمی‌گویم: خدا هیچ خیری به آنان نخواهد داد؛ خدا به آنچه در جان‌هایشان است، آگاه‌تر است؛ [چرا] که من در این صورت قطعاً از ستمکارانم. « (31)
گفتند:» ای نوح! واقعاً با ما مجادله کردی و بر مجادله با ما افزودی! پس اگر از راستگویانی، آنچه را (از عذاب) به ما وعده می‌دهی برای ما بیاور.

« (32)
(نوح) گفت:» تنها خدا، اگر بخواهد آن (عذاب) را برای شما می‌آورد؛ در حالی که شما عاجز کننده (خدا) نیستید. (33)
اگر من بخواهم که شما را نصیحت کنم، در صورتی که خدا بخواهد شما را (بخاطر گناهانتان) گمراه سازد؛ نصیحت من سودی برای شما نخواهد داشت، [زیرا] او پروردگار شماست؛ و فقط به سوی او بازگردانده می‌شوید. « (34)
آیا (مشرکان) می‌گویند:» (او) به دروغ آن را (به خدا) نسبت داده است. «؟! بگو:» اگر من آن را به دروغ نسبت دهم، پس (سزای) خلافکاری‌ام تنها بر عهده من است؛ و [لی من نسبت به آنچه شما خلاف می‌کنید غیر متعهدم. « (35)
و به سوی نوح وحی شد که حتماً:» جز کسانی که (تاکنون) ایمان آورده‌اند، (کس دیگری) از قوم تو ایمان نخواهد آورد؛ پس، از آنچه همواره انجام می‌دهند، اندوهگین مباش! (36)
و زیر نظر ما و (براساس) وحی ما، کشتی را بساز؛ و درباره کسانی که ستم کردند با من سخن مگوی، [چرا] که آنان غرق شدنی هستند! « (37)
ترجمه قرآن، ص: 226
و (نوح) کشتی را با زیرکی می‌ساخت، و هر گاه اشرافی از قومش بر او می‌گذشتند، او را ریشخند می‌کردند؛ (نوح) گفت:» اگر ما را ریشخند می‌کنید، پس در حقیقت ما (نیز) شما را همین‌گونه که مسخره می‌کنید، ریشخند خواهیم کرد. (38)
و در آینده خواهید دانست چه کسی عذابی که رسوایش سازد، او را در رسد؛ و عذابی پایدار بر او فرود آید! « (39)
تا آنگاه که فرمان (عذاب) ما فرا رسید، و تنور فوران کرد! (به نوح) گفتیم:» از هر [حیوانی، یک جفت دوتایی و خانواده‌ات و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در آن (کشتی) حمل کن؛ مگر کسی که قبلًا در باره او سخن رفته است. «و [لی جز اندکی با او ایمان نیاوردند. (40)
و (نوح) گفت:» در آن (کشتی) سوار شوید، که روان شدنش و ایستادنش به نام خداست؛ قطعاً پروردگارم بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. « (41)
و آن (کشتی)، آنان را در موجی همچون کوه‌ها، روان ساخت. و نوح، فرزندش را در حالی که در کناری بود، ندا داد:» ای پسرکم! همراه ما سوار شو، و با کافران مباش! « (42)
(پسر نوح) گفت:» بزودی به سوی کوهی که مرا از آب حفظ می‌کند پناه می‌برم! « (نوح) گفت:» امروز هیچ نگهدارنده‌ای در برابر فرمان خدا نیست؛ مگر کسی که (خدا بر او) رحم کند! «و موجی میان آن دو حائل شد، و (پسر) از غرق شدگان گردید. (43)

و گفته شد:» ای زمین، آبت را فرو بر! و ای آسمان، خودداری کن! «و آب فرو کاست، و کار پایان یافت، و (کشتی) بر (کوه) جُودی قرار گرفت؛ و گفته شد:» قوم ستمکار (از رحمت خدا) دور باد! « (44)
و نوح پروردگارش را ندا در داد و گفت:» پروردگارا! براستی پسرم از خاندان من است؛ و حتماً وعده تو (در مورد نجات خانواده‌ام) حقّ است؛ و تو داورترین داورانی! « (45)
ترجمه قرآن، ص: 227
(خدا) فرمود:» ای نوح! در حقیقت او از خانواده تو نیست؛ [چرا] که او (دارای) کرداری غیر شایسته است! پس آنچه را هیچ علمی بدان نداری، [از من مخواه؛ در واقع من به تو پند می‌دهم که [مبادا] از نادانان باشی. « (46)
(نوح) گفت:» پروردگارا! براستی من به تو پناه می‌برم که از تو چیزی را که بدان هیچ علمی ندارم، بخواهم؛ و اگر مرا نیامرزی، و بر من رحم نکنی، از زیانکاران خواهم بود. « (47)
گفته شد:» ای نوح فرود آی، با سلامتی از طرف ما و برکاتی که بر تو و بر گروه‌هایی است، که با تواند. و امّت‌هایی (از نسل آنان هستند) که بزودی برخوردارشان خواهیم ساخت، سپس عذاب دردناکی از سوی ما به آنان می‌رسد. « (48)
این [مطلب از خبرهای بزرگ غیب است در حالی که آن را به سوی تو وحی می‌کنیم؛ (و) پیش از این، هیچگاه تو و قومت، اینها را نمی‌دانستید. پس شکیبایی کن! [چرا] که فرجام (نیک) برای پارسایان (خودنگهدار) است. (49)
و به سوی (قومِ) عاد، برادرشان» هود «را (فرستادیم)؛ گفت:» ای قوم [من ! خدا را پرستش کنید، که هیچ معبودی جز او برای شما نیست؛ شما جز دروغ پردازان نیستید. (50)
ای قوم [من ! از شما هیچ پاداشی بر این (رسالت) نمی‌طلبم، پاداشِ من، جز بر [عهده کسی که مرا آفریده، نیست؛ آیا (غافلید) و خردورزی نمی‌کنید؟! (51)
و ای قوم [من ! از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به سوی او باز گردید، تا (بارانِ) آسمان را پی در پی بر شما فرو فرستد؛ و شما را نیرویی بر نیرویتان بیفزاید. و خلافکارانه روی بر نتابید. « (52)
گفتند:» ای هود! هیچ دلیل روشنی برای ما نیاورده‌ای، و ما بخاطر سخن تو، معبودان (و بت‌های) مان را ترک نمی‌کنیم؛ و ما تصدیق کننده تو نیستیم! (53)
ترجمه قرآن، ص: 228
(درباره تو چیزی) جز این نمی‌گوییم که:» بعضی معبودان ما، سوء قصدی

به (عقل) تو کرده‌اند. « (هود) گفت:» در حقیقت من خدا را به گواهی می‌گیرم، (شما نیز) گواه باشید که من نسبت به آنچه غیر از او، شریک (خدا) قرار می‌دهید، بی‌تعهدم. (54)
پس همگی برای من نقشه بکشید؛ سپس [مرا] مهلت مدهید. (55)
[چرا] که من، بر خدا، پروردگار من و پروردگار شما، توکّل کرده‌ام؛ هیچ جنبنده‌ای نیست مگر اینکه او، زمامش را گرفته است. به درستی که پروردگار من بر راه راست است. (56)
و اگر روی بر تابید، پس یقیناً آنچه را بدان به سوی شما فرستاده شده بودم، به شما رساندم؛ و پروردگارم گروهی غیر از شما را جانشین [شما] می‌کند؛ و هیچ چیزی به او زیان نمی‌رسانید؛ [چرا] که پروردگارم بر هر چیزی نگهبان است. « (57)
و هنگامی که فرمان (عذاب) ما فرا رسید، هود و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمتی از جانبمان نجات دادیم؛ و آنان را از عذابی سخت، نجات بخشیدیم. (58)
و این (قومِ)» عاد «بود که نشانه‌های پروردگارشان را انکار کردند؛ و فرستادگانش را نافرمانی نمودند، و از فرمانِ هر زورگوی ستیزه‌گر پیروی کردند. (59)
و در این دنیا و روز رستاخیز، لعنتی در پی آنان روانه شده است. آگاه باشید که (قوم) عاد به پروردگارشان کفر ورزیدند. هان، عاد (یعنی) قوم هود (از رحمت خدا) دور باد! (60)
و به سوی (قومِ)» ثمود «، برادرشان» صالح «را (فرستادیم)؛ گفت:» ای قوم [من ! خدا را پرستش کنید، که هیچ معبودی جز او برای شما نیست. او شما را از زمین پدید آورد؛ و سازندگی آن را به شما وا گذاشت. پس از او آمرزش بخواهید، سپس به سوی او باز گردید، [چرا] که پروردگار من نزدیک، [و] اجابت کننده (درخواست‌ها) است. « (61)
گفتند:» ای صالح! براستی پیش از این، در میان ما، مایه امید بودی؛ آیا ما را منع می‌کنی که آنچه را پدرانمان می‌پرستند، بپرستیم؟! در حالی که ما قطعاً در مورد آنچه ما را به سوی آن فرا می‌خوانی، در شکی تردیدآمیز هستیم. « (62)
ترجمه قرآن، ص: 229
(صالح) گفت:» ای قوم [من ! آیا به نظر شما اگر من بر دلیل روشن (معجزه‌آسایی) از طرف پروردگارم باشم، و رحمتی از جانب خود به من داده باشد، اگر (باز هم) نافرمانی او کنم، پس چه کسی مرا در برابر (مجازات) خدا یاری می‌کند؟! و (شما) جز زیان بر من نمی‌افزایید. (63)
و ای قوم [من ! این ماده شتر خداست، در حالی که برای شما نشانه‌ای است؛ پس رهایش کنید در زمین خدا بخورد، و هیچ بدی به آن نرسانید، که

عذابی زود هنگام شما را خواهد گرفت! « (64)
و (لی قوم ثمود) آن [شتر] را از پای در آوردند؛ و (صالح) گفت:» سه روز در خانه‌هایتان بهره‌مند گردید؛ (که بعد آن عذاب است.) این وعده‌ای بی‌دروغ است! « (65)
و هنگامی که فرمان (عذاب) ما فرا رسید، صالح و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمتی از جانبمان نجات دادیم، و از رسوایی آن روز، (رهایی بخشیدیم)؛ [چرا] که تنها پروردگارت نیرومند [و] شکست‌ناپذیر است. (66)
و کسانی را که ستم کرده بودند، آن بانگ (مرگبار) فرو گرفت؛ و در خانه‌هایشان از پای در آمدند! (67)
(آنچنان نابود شدند که) گویا در آن (خانه‌ها) ساکن نبودند! آگاه باشید که (قوم) ثمود به پروردگارشان کفر ورزیدند، هان، (قوم) ثمود (از رحمت پروردگار) دور باد! (68)
و بیقین فرستادگان ما برای ابراهیم مژده آوردند؛ گفتند:» سلام! « (او نیز) گفت:» سلام! «و بی‌درنگ گوساله‌ای بریان شده آورد. (69)
و هنگامی که دید دست‌هایشان به سوی آن (غذا) دراز نمی‌شود، آنان را نشناخت (و بیگانه شمرد،) و از آنان (در دل) احساس ترس کرد! (فرشتگان) گفتند:» نترس، [چرا] که ما به سوی قوم لوط فرستاده شده‌ایم. « (70)
و زن او ایستاده بود، و خندید (و عادت ماهیانه شد)؛ و وی را به اسحاق مژده دادیم، و (نیز) بعد از اسحاق به یعقوب (مژده دادیم.) (71)
ترجمه قرآن، ص: 230
(همسر ابراهیم) گفت:» ای وای بر من! آیا در حالی که من پیرزنم، و این شوهرم پیرمرد است می‌زایم؟! قطعاً این چیزی شگفت‌آور است! « (72)
(فرشتگان) گفتند:» آیا از کار خدا تعجب می‌کنی؟! رحمت خدا و برکاتش بر شما خاندان (رسالت) باد، [چرا] که او ستوده [و] بزرگوارست. « (73)
و هنگامی که ترس از ابراهیم برفت، و مژده (فرزند) به او رسید، [درباره قوم لوط با ما مجادله می‌کرد؛ (74)
[چرا] که مسلماً ابراهیم، بردبار، بسیار غمخوار [و] بازگشت کننده (به سوی خدا) بود! (75)
ای ابراهیم! از این (گفتگو) روی گردان، [چرا] که بیقین فرمان (عذاب) پروردگارت فرا رسیده است، و در حقیقت عذابی غیر قابل برگشت برای آنان خواهد آمد. (76)
و هنگامی که فرستادگان ما به سوی لوط آمدند، بخاطر (آمدن) آنان ناراحت شد؛ و به جهت آنان دست (قدرتش از حمایت کوتاه گشت و دل) تنگ شد؛ و گفت:» این روز سختی است! « (77)

و قوم او به سراغش آمدند، در حالی که به سوی او شتاب می‌کردند، و پیش از آن همواره [کارهای بد انجام می‌دادند؛ (لوط) گفت:» ای قوم [من ! اینان دختران من‌اند، در حالی که آنان برای شما پاکیزه‌ترند؛ پس [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید، و [مرا] در مورد میهمانانم خوار مَسازید؛ آیا در میان شما مردی هدایتگر نیست؟! « (78)
(قوم لوط) گفتند:» بیقین می‌دانی هیچ حق (و تمایل) ی به دختران تو نداریم؛ و قطعاً تو خواسته ما را می‌دانی. « (79)
(لوط) گفت:» ای کاش در برابر شما نیرویی داشتم! یا به تکیه‌گاهی محکم پناه می‌بردم، (تا با شما مقابله کنم.) « (80)
(فرشتگان) گفتند:» ای لوط! در واقع ما فرستادگان پروردگار توایم؛ (دست آنان) به تو نخواهد رسید، پس در پاره‌ای از شب، خانواده‌ات را حرکت ده، و هیچ یک از شما روی برنگرداند، مگر زن تو؛ [چرا] که آنچه به آنان رسد، به او (نیز) خواهد رسید؛ در واقع وعده‌گاه آنان صبح است، آیا صبح نزدیک نیست؟! « (81)
ترجمه قرآن، ص: 231
و هنگامی که فرمان (عذاب) ما فرا رسید، آن (شهر) را زیر و زبر گردانیدیم؛ و سنگ [هایی از جنس گِلِ لایه لایه، بر آنان باراندیم! (82)
در حالی که (سنگ‌ها) نزد پروردگارت نشاندار بودند؛ و آن، از ستمکاران دور نیست. (83)
و به سوی (مردم)» مَدْیَن «برادرشان شعیب را (فرستادیم)؛ گفت:» ای قوم [من ! خدا را پرستش کنید، که هیچ معبودی جز او برای شما نیست. پیمانه و ترازو را کم مگذارید، [چرا] که من شما را در نیکی (و ثروت فراوان) می‌بینم؛ و در حقیقت من از عذابِ روزی فراگیر، بر شما می‌ترسم! (84)
و ای قوم [من ! پیمانه و ترازو را بر طبق دادگری، کاملًا ادا کنید؛ و به مردم [از روی ستم چیزهایشان را کم مدهید؛ و در زمین تبهکارانه فساد مکنید. (85)
ذخیره الهی برای شما بهتر است؛ اگر مؤمن باشید. و من بر شما نگهبان نیستم. « (86)
(مخالفان) گفتند:» ای شعیب! آیا نمازت به تو فرمان می‌دهد که (بگویی:) آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند، ترک کنیم؛ یا اینکه در اموالمان، آنچه را می‌خواهیم انجام [ن دهیم؛ براستی که تو بردبار [و] هدایتگری! « (87)
(شعیب) گفت:» ای قوم [من ! آیا به نظر شما اگر من بر دلیل روشنی از پروردگارم باشم، و از طرفش روزیِ نیکویی به من روزی کرده باشد، (آیا باز هم دست از دعوت خود بردارم؟) و [من نمی‌خواهم، که در مورد آنچه شما را از آن منع می‌کنم، با شما مخالفت کنم (و آن را مرتکب شوم،

زیرا) تا آنجا که می‌توانم، جز اصلاح نمی‌خواهم! و توفیق من، جز به (عنایت) خدا نیست؛ تنها بر او توکّل کردم؛ و تنها به سوی او باز می‌گردم. (88)

و ای قوم [من ! مخالفت با من شما را وادار نکند، که (عذابی) به شما برسد، همانند آنچه به قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح رسید؛ و قوم لوط از شما دور نیست. (89)

و از پروردگارتان، آمرزش بخواهید؛ سپس به سوی او باز گردید؛ [چرا] که پروردگارم مهرورز [و] دوستدار (بندگان) است! « (90)

گفتند:» ای شعیب! بسیاری از آنچه را می‌گویی، به طور عمیق نمی‌فهمیم، و قطعاً ما تو را در میان خود کم‌توان می‌بینیم؛ و اگر قبیله کوچکت نبود، حتماً سنگسارت می‌کردیم! و تو برای ما (قدرت) شکست‌ناپذیری نیستی. « (91)

(شعیب) گفت:» ای قوم [من ! آیا قبیله کوچک من، نزد شما عزیزتر از خدا است؟! در حالی که (فرمان) او را [ترک کرده و] پشت سرتان انداخته‌اید! در حقیقت پروردگارم به آنچه انجام می‌دهید، احاطه دارد. (92)

و ای قوم [من ! هر چه مقدور شماست انجام دهید، که من (هم) انجام می‌دهم. در آینده خواهید دانست چه کسی عذابی که رسوایش سازد، او را در رسد، و چه کسی است که او دروغگوست! و نگهبان (منتظر) باشید، که من (هم) با شما نگهبان (و منتظر) م! « (93)

و هنگامی که فرمانِ (عذاب) ما فرا رسید، شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، با رحمتی از جانبمان نجات دادیم؛ و کسانی را که ستم کردند، آن بانگ (مرگبار) فرو گرفت؛ و در خانه‌هایشان از پا در آمدند! (94)

(آنچنان نابود شدند که) گویا در آن (خانه‌ها) ساکن نبودند! آگاه باشید، (مردم) مَدْیَن (از رحمت خدا) دور باد، همان گونه که (قوم) ثمود دور شدند! (95)

و یقیناً موسی را با نشانه‌های (معجزه آسای) مان و دلیلی آشکار، (96)

به سوی فرعون و اشراف او فرستادیم، و [لی اشراف از فرمان فرعون پیروی کردند؛ در حالی که فرمان فرعون، هدایتگر نبود. (97)

روز رستاخیز (فرعون) در پیشاپیش قومش خواهد رفت، و آنان را وارد آتش می‌کند؛ و کسانی که وارد شده‌اند، چه بد ورودگاهی (برای آنان) است! (98)

(فرعونیان) در این [دنیا] و روز رستاخیز، لعنتی در پی آنان روانه شده است. و آنچه که (به آنان) بخشیده شد، چه بد عطایی است! (99)

این [مطالب از اخبار بزرگ آبادی‌هاست! آن را برای تو حکایت می‌کنیم، که برخی از آنها (هنوز) بر پاست و (برخی) دِرو شده‌اند، (و آثارشان از میان رفته است.) (100)
و (ما) به آنان ستم نکردیم؛ و لیکن (آنان) بر خودشان ستم کردند؛ و هنگامی که فرمان (عذاب) پروردگارت فرا رسید، معبودانشان که، غیر از خدا می‌خواندند، پس هیچ چیزی از (عذاب) را از آنان دفع نکردند؛ و جز زیان و هلاکت بر آنان نیفزودند. (101)
و اینچنین است (سخت) گیری پروردگار تو، هنگامی که (بر مردم) آبادی‌ها، در حالی که آنها ستمگرند، (سخت) گیری می‌کند؛ براستی که (سخت) گیری او دردناک [و] شدید است! (102)
قطعاً در این [سرگذشت‌ها] نشانه‌ای است برای کسی که از عذاب آخرت بترسد! آن روزی است که مردم برای آن گردآوری می‌شوند، و آن روزی است که مورد مشاهده (همگان) است. (103)
و (ما) آن (قیامت) را، جز تا سرآمد مشخص شده‌ای، به تأخیر نمی‌اندازیم. (104)
روز (رستاخیز) که فرا رسد، هیچ کس جز با رخصت او سخن نمی‌گوید؛ پس برخی از آنان بدبخت و (برخی) نیک بختند. (105)
و امّا کسانی که بدبخت شدند، پس در آتشند؛ در حالی که برای آنان در آنجا، فریاد و ناله‌ای است! (106)
[و] در آنجا تا هنگامی که آسمان‌ها و زمین برپاست ماندگارند، جز آنچه پروردگارت بخواهد؛ [چرا] که پروردگارت آنچه را بخواهد انجام می‌دهد. (107)
و امّا کسانی که نیکبخت شدند، پس در بهشتند، در حالی که در آنجا تا هنگامی که آسمان‌ها و زمین برپاست، ماندگارند، جز آنچه پروردگارت بخواهد. (این) بخششی قطع ناشدنی است. (108)
ترجمه قرآن، ص: 234
پس در مورد (باطل بودنِ) آنچه که آنان می‌پرستند، در تردید مباش. (آنان) پرستش نمی‌کنند، جز همانگونه که پیش از [آن پدرانشان می‌پرستیدند؛ و قطعاً ما نصیبشان را ناکاسته، به طور کامل به آنان خواهیم داد. (109)
و یقیناً به موسی کتاب (تورات) دادیم؛ و در آن اختلاف شد؛ و اگر نبود، سخن (سنت‌گونه‌ا) ی که از طرف پروردگارت (در مورد آزمایش و اتمام حجت بر آنان) از پیش مقرر شده بود، حتماً در میان آنان داوری می‌شد. و قطعاً آنان در مورد آن (کتاب) در شکی تردیدآمیز هستند. (110)
و قطعاً پروردگارت به هر کدام (نتیجه) اعمالشان را به طور کامل به آنان خواهد داد؛ [چرا] که او به آنچه انجام می‌دهند، آگاه است. (111)
پس همان گونه که فرمان داده شدی پایداری کن! و کسانی که با تو (به

سوی خدا) باز گشتند، (نیز پایداری کنند.) و طغیان مَکنید، [چرا] که او به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (112)
و به سوی کسانی که ستم کردند، متمایل نشوید، که آتش [دوزخ به شما خواهد رسید! در حالی که جز خدا هیچ سرپرستی برای شما نیست؛ سپس یاری نخواهید شد. (113)
در دو طرف روز، و اوایل شب، نماز را برپا دار؛ [چرا] که نیکی‌ها، بدی‌ها را (از میان) می‌برند؛ این یادآوری، برای یادآوران است. (114)
و شکیبایی کن! [چرا] که در حقیقت خدا پاداش نیکوکاران را تباه نخواهد کرد. (115)
و چرا در گروه‌های پیش از شما، صاحبان ذخیره (خرد و فضیلت) نبودند، که از فساد در زمین منع کنند؟! مگر اندکی از کسانی که نجاتشان دادیم. و کسانی که ستم کردند، به دنبال آنچه در آن کامرانی یافتند، رفتند، و خلافکار بودند. (116)
و پروردگارت، هرگز آبادی‌ها را در حالی که مردم آنجا اصلاح‌گرند، ستمگرانه هلاک نمی‌کند. (117)
ترجمه قرآن، ص: 235
و اگر (بر فرض) پروردگارت می‌خواست، حتماً [همه مردم را یک امّت قرار می‌داد؛ و [لی پیوسته اختلاف کنندگانند؛ (118)
مگر کسی که پروردگارت (بر او) رحم کند؛ و برای همین آنان را آفرید. و سخن (سنت‌گونه) پروردگارت به اتمام رسیده، که: قطعاً جهنّم را از (سرکشان) جن و انسان‌ها همگی پُر خواهم کرد! (119)
و هر [یک از اخبار بزرگ فرستادگان (الهی) را برای تو حکایت می‌کنیم، چیزی که به وسیله آن دلت را استوار می‌گردانیم؛ و در این (اخبار) حق و پند و یادآوری برای مؤمنان، به تو رسیده است. (120)
و به کسانی که ایمان نمی‌آورند، بگو:» هر چه مقدور شماست، انجام دهید؛ که ما (هم) انجام می‌دهیم! (121)
و منتظر باشید که ما (هم) منتظریم. « (122)
و نهان آسمان‌ها و زمین، فقط از آنِ خداست؛ و همه کارها تنها به سوی او بازگردانده می‌شود؛ پس او را پرستش کن؛ و بر او توکّل نمای؛ و پروردگارت از آنچه انجام می‌دهید، غافل نیست. (123)

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
الف، لام، را، آن [ها] آیاتِ کتابِ روشنگر است. (1)
در حقیقت ما آن را در حالی که خواندنیِ (واضحِ) عربی است، فرو فرستادیم، تا شاید شما خردورزی کنید. (2)
ما نیکوترین حکایت‌ها (و روش قصه‌گویی) را به سبب این قرآن، که به سوی تو وحی کردیم، برای تو حکایت می‌کنیم؛ و مسلّماً پیش از این، از بی‌خبران بودی. (3)
(یاد کن) هنگامی را که یوسف به پدرش گفت:» ای پدر [م ، براستی من در خواب یازده سیاره، و خورشید و ماه را دیدم، آنها را دیدم در حالی که برای من فروتن بودند. « (4)
ترجمه قرآن، ص: 236
(یعقوب) گفت:» ای پسرکم، خوابت را برای برادرانت حکایت مکن، پس برای تو نقشه نیرنگ‌آمیز می‌کشند! [چرا] که شیطان، دشمنی آشکار برای انسان است. (5)
و اینگونه پروردگارت تو را بر می‌گزیند؛ و از تعبیر خواب‌ها به تو می‌آموزد؛ و نعمتش را بر تو و بر خاندان یعقوب تمام می‌کند، همان گونه که آن را پیش از [این،] بر دو پدرت، ابراهیم و اسحاق تمام کرد؛ که پروردگارت دانای فرزانه است. « (6)
بیقین در (سرگذشت) یوسف و برادرانش، نشانه‌هایی برای پرسشگران است. (7)
هنگامی که (برادران) گفتند:» در واقع یوسف و برادرش [بنیامین نزدِ پدرمان، از ما محبوب‌ترند؛ در حالی که ما گروهی پیوسته هستیم؛ مسلّماً پدرِ ما، در گمراهی آشکاری است. (8)
(برخی از برادران گفتند:) یوسف را بکشید! یا او را به سرزمینی [دور دست بیفکنید، تا روی [توجه پدرتان تنها به طرف شما باشد؛ و پس از آن، گروهی شایسته باشید. « (9)
گوینده‌ای از میان آن (برادر) ان گفت:» یوسف را نکشید؛ و [لی اگر می‌خواهید کاری انجام دهید، او را در نهانگاه چاه بیفکنید؛ تا برخی مسافران او را برگیرند. « (10)
(برادران) گفتند:» ای پدر ما، تو را چه شده است، که ما را بر یوسف امین نمی‌داری؟! در حالی که ما قطعاً خیرخواهان او هستیم؛ (11)
فردا او را به همراه ما بفرست، تا (در صحرا خوب بخورد و) بگردد و بازی کند؛ در حالی که ما حتماً پاسداران او هستیم. « (12)

(پدر) گفت:» اینکه او را ببرید، قطعاً مرا اندوهگین می‌سازد، و می‌ترسم که گرگ او را بخورد، در حالی که شما از او غافلید. « (13)
(برادران) گفتند:» اگر گرگ او را بخورد، در حالی که ما گروه پیوسته‌ای هستیم، در آن صورت قطعاً ما زیانکاریم. « (14)

و هنگامی که او را بردند، و تصمیم جمعی گرفتند که وی را در نهانگاه چاه قرار دهند، (چنین کردند)؛ و به سوی او وحی فرستادیم که حتماً آنان را از این کارشان با خبر خواهی ساخت؛ در حالی که آن (برادر) ان (با درک حسّی) متوجه نمی‌شوند. (15)
و (برادران) عصرگاهان در حالی که می‌گریستند، نزد پدرشان آمدند، (16)
گفتند:» ای پدر ما، در حقیقت ما رفتیم مسابقه دهیم، و یوسف را نزد وسایلمان رها کردیم، و گرگ او را خورد! و [لی تو ما را تصدیق نمی‌کنی، هر چند راستگو باشیم. « (17)
و خونی دروغین با پیراهن او (آغشته کردند و) آوردند؛ (یعقوب) گفت:» بلکه نفس شما کاری (بد) را برای شما آراسته است، و (صبر من) شکیبایی نیکوست؛ و در برابر آنچه وصف می‌کنید، تنها خداست که (از او) یاری خواسته می‌شود. « (18)
و مسافرانی آمدند، و آبرسانشان را فرستادند، و دَلْوش را [در چاه افکند، (ناگهان) گفت:» ای مژده باد! این پسری است! «و او را به عنوان کالایی پنهان کردند؛ و خدا به آنچه انجام می‌دادند، داناست. (19)
و او را به بهای اندک، چند درهمی (ستمکارانه) فروختند؛ و نسبت به او، بی‌میل بودند. (20)
و کسی که او را از (کشور) مصر خرید به زنش گفت:» جایگاه وی را گرامی دار، امید است که برای ما سودمند باشد! یا او را به عنوان فرزند بگیریم. «و اینچنین یوسف را در آن سرزمین امکانات دادیم. (تا او را بزرگ داریم) و تا از تعبیرِ خواب‌ها به او بیاموزیم؛ و خدا بر کارش چیره است، و لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند. (21)
و هنگامی که به حدّ رشدش رسید، حُکم و علم به او دادیم؛ و اینگونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. (22)

و آن [زنی که آن (یوسف) در خانه‌اش بود، از وجودش تمنّای کامجویی کرد؛ و همه درها را محکم بست و گفت:» بیا (که من آماده) برای توام! « (یوسف) گفت:» پناه بر خدا! در حقیقت او پرورش دهنده من است؛ جایگاه مرا نیکو داشت؛ (پس خیانت به او ستمکاری است و) قطعاً ستمکاران رستگار نمی‌شوند. « (23)
و بیقین (آن زن) آهنگ او کرد؛ و (یوسف نیز) اگر دلیل روشن پروردگارش

را ندیده بود، آهنگ وی می‌نمود! اینچنین (کردیم) تا بدی و زشتی را از او بر گردانیم، [چرا] که او از بندگان خالص شده ما بود. (24)
و [هر دو] به سوی در، [بر یکدیگر] پیشی گرفتند؛ و (آن زن) پیراهن او را از پشت چاک زد؛ و در آستانه در، آقای آن [زن را بطور ناگهانی یافتند؛ [زن گفت:» کیفر کسی که نسبت به خانواده تو قصد بدی کرده چیست؟ جز زندانی شدن یا عذابی دردناک است؟ (25)
(یوسف) گفت:» او نسبت به من از وجودم تمنّای کامجویی کرد! «و شاهدی از خانواده آن (زن) گواهی داد که:» اگر پیراهن او از پیش چاک خورده، پس (آن زن) راست می‌گوید، و او از دروغگویان است؛ (26)
و اگر پیراهنش از پشت چاک خورده، پس (آن زن) دروغ می‌گوید، و او از راستگویان است. « (27)
و هنگامی که (قاضی یا عزیز مصر) دید پیراهن او [یوسف از پشت چاک خورده گفت:» در حقیقت این از نیرنگ شما [زنان است؛ واقعاً نیرنگ شما [زنان ، بزرگ است! (28)
[ای یوسف، از این (موضوع،) صرف نظر کن؛ و (ای زن تو نیز) برای پیامد (گناه) خود آمرزش طلب؛ [چرا] که تو از خطاکاران بودی. « (29)
و زنان در شهر گفتند:» زن عزیز (مصر) از غلام جوانش تمنّای کامجویی از وجودش کرده، و محبت (یوسف) در دلش جای گرفت! قطعاً ما او را در گمراهی آشکاری می‌بینیم. « (30)
ترجمه قرآن، ص: 239
و هنگامی که (زلیخا) فریبکاری آن (زن) ان را شنید، به سراغشان فرستاد، و برای آنان بالش (و میوه) فراهم ساخت؛ و به هر یک از آنان کاردی داد، و (به یوسف) گفت:» بر آنان در آی. «و هنگامی که (زنان) او را دیدند، وی را بزرگ شمردند، و (چنان از زیبایی او متحیّر شدند که) دستانشان را بریدند؛ و گفتند:» منزه است خدا! این بشر نیست؛ این جز فرشته‌ای ارجمند نیست! « (31)
(زلیخا) گفت:» و این کسی است که مرا در مورد او سرزنش می‌کردید؛ و در واقع از او تمنّای کامجویی وجودش را کردم؛ و [لی خود را حفظ کرد، و اگر آنچه را فرمانش می‌دهم انجام ندهد، قطعاً زندانی خواهد شد؛ و مسلّماً از کوچک شدگان خواهد بود. « (32)
(یوسف) گفت:» پروردگارا! زندان نزد من محبوب‌تر است از آنچه (زنان) مرا به سوی آن می‌خوانند؛ و اگر نیرنگ آن (زنان) را از من باز نگردانی، به سوی آنان متمایل می‌شوم و از نادانان خواهم بود. « (33)
و پروردگارش (دعای) او را پذیرفت؛ و نیرنگ آن (زن) ان را از او بگردانید؛ [چرا] که در حقیقت تنها او شنوا [و] داناست. (34)
آنگاهِ، پس از اینکه نشانه‌های (پاکی یوسف) را دیدند، به نظرشان آمد، که

قطعاً او را تا مدّتی زندانی کنند. (35)
و دو غلام جوان، همراه او داخل زندان شدند؛ یکی از آن دو (به یوسف) گفت:» براستی من در خواب، خودم را می‌بینم که (انگور برای) شراب می‌فشارم. «و دیگری گفت:» براستی من در خواب خودم را می‌بینم که بر سرم نانی حمل می‌کنم، که پرندگان از آن می‌خورند! ما را از تعبیر آن (خواب‌ها) آگاه ساز، [چرا] که ما تو را از نیکوکاران می‌بینیم. « (36)
(یوسف) گفت:» غذایی که بدان روزی داده شوید، برای شما نمی‌آورند، مگر اینکه، قبل از آوردن (غذا) برای شما، از تعبیر آن شما را با خبر سازم؛ این، از چیزهایی است که پروردگارم به من آموخته است؛ در واقع من آیین گروهی را ترک کردم، که به خدا ایمان نمی‌آورند، و آنان همان منکران آخرتند. (37)
ترجمه قرآن، ص: 240
و از آیین پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب پیروی کردم. برای ما شایسته نبود، که هیچ چیزی را شریک خدا قرار دهیم؛ این از بخشش خدا بر ما و بر مردم است؛ و لیکن بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند. (38)
ای دو زندانی همراهِ من! آیا پروردگاران پراکنده بهترند، یا خدای یگانه چیره؟! « (39)
غیر از خدا (معبودی) را نمی‌پرستید، جز نام‌هایی که شما و پدرانتان آنها را نامگذاری کرده‌اید، [و] خدا هیچ دلیلی برای آن [ها] فرو نفرستاده است؛ حکم جز برای خدا نیست؛ فرمان داده که جز او را نپرستید. این دین استوار است؛ و لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند. (40)
ای دو زندانی همراه من! امّا یکی از شما (دو نفر، آزاد می‌شود؛) پس به ارباب خود شراب می‌نوشاند؛ و امّا دیگری پس به دار آویخته می‌شود؛ و پرندگان از سرِ او می‌خورند. چیزی که درباره آن پرسیدید، (تقدیر آن) پایان یافته است. « (41)
و (یوسف) به آن کسی از آن دو نفر، که می‌دانست که او نجات می‌یابد، گفت:» مرا نزد اربابت یاد کن. «و [لی شیطان یادآوری به اربابش را، از یاد او برد، پس چند سالی در زندان درنگ کرد. (42)
و سلطان (مصر) گفت:» براستی من [در خواب دیدم، هفت گاو فربه را که هفت [گاو] لاغر آنها را می‌خورند؛ و (نیز) هفت خوشه سبز و [هفت خوشه خشکیده دیگر را (در خواب دیدم.) ای اشراف! اگر تعبیر خواب می‌نمایید، درباره خواب من پاسخ مرا بدهید! « (43)
ترجمه قرآن، ص: 241
(اشراف) گفتند:» [اینها] یک دسته خواب‌های پریشان است؛ و ما از تعبیر این (گونه) خواب‌ها آگاه نیستیم. « (44)
و آن کسی از آن دو (جوان زندانی) که نجات یافته بود، و بعد از مدتی

(یوسف را) به خاطر آورد، گفت:» من تعبیر آن (خواب) را به شما خبر می‌دهم؛ پس مرا (به سراغ یوسف زندانی) بفرستید. « (45)
(و او به زندان آمد، و گفت: ای) یوسف، ای (مرد) بسیار راستگو! درباره (خواب) هفت گاو فربه‌ای که هفت [گاو] لاغر آنها را می‌خورند؛ و هفت خوشه سبز، و [هفت خوشه خشکیده دیگر، به ما پاسخ ده. باشد که من به سوی مردم باز گردم، تا شاید آنان آگاه شوند. (46)
(یوسف) گفت:» هفت سال بر شیوه (سابق و با جدّیت) زراعت می‌کنید، و آنچه را درو کردید، پس جز اندکی از آنچه می‌خورید، آن را در خوشه‌هایش واگذارید؛ (47)
آنگاه پس از آن، هفت (سال) سختِ (خشکسالی) می‌آید، که آنچه را برای آن (سال) ها از پیش نهاده‌اید، می‌خورند، جز اندکی از آنچه ذخیره می‌کنید؛ (48)
آنگاه بعد از آن (خشکسالی)، سالی فرا می‌رسد که در آن باران بر مردم باریده می‌شود؛ و در آن (سال میوه‌ها) می‌فشرند. « (49)
و سلطان (مصر) گفت:» آن (یوسف) را نزد من آورید. «و هنگامی که فرستاده (سلطان) نزد او آمد، (یوسف) گفت:» به سوی اربابت برگرد، و از او بپرس که حال آن زنانی که دست‌هایشان را بریدند چگونه است؟ براستی که پروردگار من به نیرنگ آن (زن) ان داناست. « (50)
(سلطان مصر به زنان) گفت:» هنگامی که از یوسف تمنّای کامجویی از وجودش کردید، [جریان کار شما چه بود؟ «گفتند:» خدا منزّه است، ما هیچ بدی از او نمی‌دانیم! «زن عزیز (مصر) گفت:» الآن حق آشکار شد؛ من از او تمنّای کامجویی از وجودش کردم؛ و قطعاً او از راستگویان است. (51)
این (مطلب برای آن بود) تا بداند که من در نهان به او خیانت نکردم؛ و براستی که خدا نیرنگ خیانتکاران را هدایت نمی‌کند، (و به مقصد نمی‌رساند). (52)
ترجمه قرآن، ص: 242
و نفس خود را تبرئه نمی‌کنم، [چرا] که قطعاً نفس، بسیار به بدی‌ها فرمان می‌دهد، مگر آنچه را پروردگارم رحم کند. براستی که پروردگارم بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. « (53)
سلطان (مصر) گفت:» آن [یوسف را نزد من آورید، تا او را ویژه خودم گردانم. «و هنگامی که با وی صحبت کرد، گفت:» براستی تو امروز نزد ما دارای جایگاه، و درستکار هستی. « (54)
(یوسف) گفت:» مرا بر منابع (اقتصادی) این سرزمین بگمار [چرا] که نگهبانی دانایم. « (55)
و این گونه یوسف را در سرزمین (مصر) امکانات دادیم، که هر کجا می‌خواهد در آن جای گزیند؛ رحمتمان را به هر کس بخواهیم (و شایسته

بدانیم) می‌رسانیم؛ و پاداش نیکوکاران را تباه نخواهیم کرد. (56)
و [لی پاداش آخرت حتماً بهتر است، برای کسانی که ایمان آورده و همواره خودنگهداری (و پارسایی) می‌کردند. (57)
و برادران یوسف (به هنگام خشکسالی به مصر) آمدند، و بر او وارد شدند، و وی آنان را شناخت؛ و [لی آنان او را نشناختند، (و بیگانه شمردند). (58)
و هنگامی که (یوسف) آن (برادر) ان را با بارهایشان مُجهَّز ساخت، گفت:» برادرتان را که از پدر شماست، نزد من آورید. آیا نمی‌بینید که من پیمانه را تمام می‌دهم، و من بهترین میهماندارانم؟ (59)
و اگر او را نزد من نیاورید، پس هیچ پیمانه‌ای برای شما در نزد من نخواهد بود؛ و [به من نزدیک نشوید. « (60)
(برادران) گفتند:» بزودی درباره او از پدرش تمنّا خواهیم کرد، و حتماً ما (این کار را) انجام می‌دهیم. « (61)
و (یوسف) به غلامان جوانش گفت:» کالاهای آنان را در بارهایشان بگذارید، تا شاید هنگامی که به سوی خانواده- شان باز گشتند، آن را بشناسند، باشد که آنان باز گردند. « (62)
و هنگامی که به سوی پدرشان باز گشتند، گفتند:» ای پدر ما! پیمانه (مواد غذایی) از ما منع شد، پس برادرمان را با ما بفرست، تا پیمانه بگیریم، و قطعاً ما نگهبان او هستیم. « (63)
ترجمه قرآن، ص: 243
(یعقوب) گفت:» آیا شما را بر او امین سازم، جز همانگونه که قبل از [این شما را بر برادرش (یوسف) امین کردم؟! پس خدا بهترین پاسدار و او مهرورزترین مهرورزان است. « (64)
و هنگامی که وسایل‌شان را گشودند، دریافتند که کالای آنان به سویشان باز گردانده شده؛ گفتند:» ای پدر ما (دیگر) چه می‌خواهیم؟! این کالای ماست [و] به ما باز گردانده شده است؛ و (اگر برادر ما را با ما بفرستی) برای خانواده خویش موادّ غذایی می‌آوریم؛ و برادرمان را نگهبانی می‌کنیم، و یک پیمانه (بار) شتر می‌افزاییم؛ این پیمانه (بار برای عزیز مصر) آسان است. « (65)
(یعقوب) گفت:» من او را با شما نخواهم فرستاد، تا پیمان محکم الهی [به من بدهید، که او را حتماً نزد من خواهید آورد؛ مگر اینکه (حوادث) شما را احاطه کند؛ و هنگامی که پیمان محکم‌شان را به او دادند، (یعقوب) گفت:» خدا، نسبت به آنچه می‌گوییم، گواه و نگهبان است! « (66)
و گفت:» ای پسران من، از یک در وارد نشوید، و از درهای مختلف وارد شوید؛ و هیچ چیزی را که از طرف خدا (حتمی شده) است از شما دفع نمی‌کنم. حکم، جز برای خدا نیست؛ تنها بر او توکّل کرده‌ام؛ و همه توکّل کنندگان پس باید تنها بر او توکّل کنند. « (67)

و هنگامی که از همان جایی که پدرشان به آنان فرمان داده بود وارد شدند، هیچ چیزی را که از طرف خدا (حتمی شده) است از آنان دفع نمی‌کرد، جز اینکه خواسته‌ای در دل یعقوب بود، که انجامش داد؛ و قطعاً او بخاطر آموزشی که بدو داده بودیم، دانشمند بود؛ و لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند. (68)
و هنگامی که (برادران)، بر یوسف وارد شدند، برادرش (بنیامین) را در آغوش خود گرفت، (و) گفت:» در حقیقت من، خود برادر تو هستم! پس از آنچه (برادران) همواره انجام می‌دادند، اندوهگین مَباش! « (69)
ترجمه قرآن، ص: 244
و هنگامی که آن (برادر) ان را با بارهایشان مجهّز ساخت، جام (سلطان) را در بارِ برادرش (بنیامین) گذاشت، سپس ندا دهنده‌ای بانگ زد:» ای کاروان [یان ، قطعاً شما دزد هستید. « (70)
(برادران) در حالی که رو به سوی آن (مأمور) ان کردند، گفتند:» چه چیزی گم کرده‌اید؟! « (71)
گفتند:» (جام) پیمانه سلطان را گم کرده‌ایم، و برای کسی که آن را بیاورد، یک بارِ شتر (جایزه) است؛ و من ضامن آن (جایزه) هستم. « (72)
(برادران) گفتند:» به خدا سوگند، یقیناً می‌دانید که (ما) نیامده‌ایم تا در این سرزمین فساد کنیم؛ و ما دزد نبوده‌ایم! « (73)
(مأموران) گفتند:» اگر دروغگو باشید، پس کیفرش چیست؟ « (74)
(برادران) گفتند:» کیفرش (آن است که) هر کس (پیمانه) در بارِ او پیدا شود، پس (بندگی) وی، کیفر آن خواهد بود؛ (ما) ستمکاران را اینگونه کیفر می‌دهیم. « (75)
پس (یوسف) قبل از ظرف برادرش، به (کاوش) ظرف‌های آن (برادر) ان پرداخت؛ سپس آن را از ظرف برادرش بیرون آورد؛ این گونه برای یوسف نقشه کشیدیم! در آیین سلطان (مصر جایز) نبود که برادرش را (به گرو) بگیرد، جز آنکه خدا بخواهد. رتبه‌های هر کس را بخواهیم (و شایسته بدانیم) بالا می‌بریم؛ و برتر از هر دانشمندی، دانایی است. (76)
(برادران) گفتند:» اگر [بنیامین دزدی کند، پس تحقیقاً برادرش (یوسف نیز) قبل از [او] دزدی کرد. «و یوسف آن (ناراحتی) را در درون خودش پنهان داشت، و آن را برای آن (برادر) ان آشکار نکرد؛ (و) گفت:» شما از نظر منزلت بدترین (مردم) هستید! و خدا به آنچه وصف می‌کنید، داناتر است. « (77)
(برادران) گفتند:» ای عزیز! در واقع او پدر پیر کهنسالی دارد، پس یکی از ما را به جای او بگیر؛ [چرا] که ما تو را از نیکوکاران می‌بینیم. « (78)
ترجمه قرآن، ص: 245
گفت:» پناه بر خدا که جز کسِی که وسایلمان را نزد او یافته‌ایم، (گرو)

بگیریم؛ که در این صورت، قطعاً ما از ستمکارانیم. « (79)
و هنگامی که (برادران) از او ناامید شدند، رازگویان خلوت کردند، (و برادر) بزرگشان گفت:» آیا نمی‌دانید که پدرتان از شما پیمان محکم الهی گرفته؛ و پیش از [این درباره یوسف کوتاهی کردید؟! و از این سرزمین جدا نمی‌شوم، تا پدرم به من رخصت دهد؛ یا خدا درباره من حکم کند، که او بهترین داوران است. (80)
به سوی پدرتان بازگردید و بگویید:» ای پدر ما، در واقع پسرت دزدی کرد؛ و جز به آنچه می‌دانستیم گواهی ندادیم؛ و مراقب (امور) پنهان نبودیم. (81)
و از (مردم) آن آبادی که در آن بودیم و از (اهل) کاروان که با آن آمدیم بپرس؛ و قطعاً ما راستگوییم. « (82)
(یعقوب) گفت:» بلکه نفس‌های شما کاری (بد) را برای شما آراسته است؛ و (صبر من) شکیبایی نیکوست؛ امید است که خدا همه آنان را برای من (باز) آورد؛ [چرا] که تنها او دانا [و] فرزانه است. « (83)
و (یعقوب) از آن (فرزند) ان روی برتافت، و گفت:» ای دریغا بر یوسف! «و دو چشم او از اندوه سفید شد؛ و [لی وی خشم شدید (خود) را فرو برد. (84)
(فرزندان) گفتند:» به خدا سوگند، پیوسته یوسف را یاد می‌کنی تا بیمار مشرف به مرگ شوی یا هلاک گردی! « (85)
(یعقوب) گفت:» غم طاقت فرسایم و اندوهم را تنها نزد خدا شِکوه می‌کنم! و چیزی را که [شما] نمی‌دانید از (جانب) خدا می‌دانم. (86)
ترجمه قرآن، ص: 246
ای پسرانم! بروید، و از یوسف و برادرش جستجو کنید؛ و از [گشایش و] رحمت خدا ناامید نشوید؛ [چرا] که جز گروه کافران، (کسی) از رحمت خدا ناامید نمی‌شود. « (87)
و هنگامی که (برادران یوسف) بر او وارد شدند، گفتند:» ای عزیز (مصر)، ما و خاندان ما را زیان رسیده، و کالای ناچیزی آورده‌ایم؛ پس پیمانه را برای ما تمام بده، و بر ما بخششی صادقانه نما؛ که خدا صدقه دهندگان را پاداش می‌دهد. « (88)
(یوسف) گفت:» آیا دانستید، آنگاه که شما ناآگاه بودید، با یوسف و برادرش چه کردید؟! « (89)
(برادران) گفتند:» آیا تو قطعاً خودت یوسفی؟! «گفت:» من یوسفم، و این (بنیامین) برادر من است! خدا بر ما منّت گذارد؛ [چرا] که هر که خودنگهداری (و پارسایی) کند، و شکیبایی نماید، پس براستی خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند. « (90)
(برادران) گفتندِ:» به خدا سوگند، بیقین خدا تو را بر ما برگزید (و برتری

داد)؛ و (ما) حتماً خطاکار بودیم! « (91)
(یوسف) گفت:» امروز سرزنشی بر شما نیست؛ خدا شما را می‌آمرزد؛ و او مهرورزترین مهرورزان است؛ (92)
این پیراهن مرا بِبرید، و آن را بر صورت پدرم بیفکنید [تا] بینا شود؛ و همه خاندانتان را نزد من آورید. « (93)
و هنگامی که کاروان (برادران از مصر) جدا شد، پدرشان [یعقوب گفت:» قطعاً من بوی یوسف را می‌یابم! اگر [مرا] به کم‌خردی نسبت ندهید. « (94)
(اطرافیان) گفتند:» به خدا سوگند، قطعاً تو در همان کژ راهی دیرینه‌ات هستی! « (95)
ترجمه قرآن، ص: 247
و هنگامی که بشارتگر آمد، آن (پیراهن) را بر صورت او افکند، پس بینا شد! (یعقوب) گفت:» آیا به شما نگفتم در واقع من چیزی را که [شما] نمی‌دانید، از (جانب) خدا می‌دانم! « (96)
(فرزندان) گفتند:» ای پدر ما! آمرزش پیامدهای (گناهان) مان را برای ما بخواه، که ما خطاکار بودیم. « (97)
(یعقوب) گفت:» در آینده از پروردگارم، برای شما طلب آمرزش می‌کنم؛ که تنها او بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. « (98)
و هنگامی که بر یوسف وارد شدند، پدر و مادرش را در آغوش گرفت، و گفت:» اگر خدا بخواهد با امنیت وارد مصر شوید. « (99)
و پدر و مادرش را بر تخت بر نشانید؛ و به خاطر او (برای شکر خدا) سجده‌کنان (بر زمین) افتادند؛ و (یوسف) گفت:» ای پدر [من این تعبیر خواب من است که از پیش (دیده بودم) که پروردگارم آن را تحقّق بخشید؛ و به من نیکی کرد آنگاه که مرا از زندان خارج ساخت، و شما را از بیابان (کنعان به مصر) آورد، بعد از آنکه شیطان، بین من و بین برادرانم فساد کرد! در حقیقت پروردگارم نسبت به آنچه می‌خواهد [پیوسته لطف کننده است؛ [چرا] که تنها او دانا [و] فرزانه است. (100)
پروردگارا! بیقین (بهره‌ای) از فرمانروایی (مصر) را به من دادی، و از (دانش) تعبیر خواب‌ها به من آموختی، [ای آفریننده و] شکافنده آسمان‌ها و زمین! تو در دنیا و آخرت سرپرست منی؛ مرا مسلمان بمیران؛ و مرا به شایستگان ملحق نما! « (101)
این [مطالب از خبرهای بزرگ غیب است که آن را به سوی تو وحی می‌کنیم؛ و نزد آن (برادر) ان نبودی، هنگامی که تصمیم جمعی بر کارشان گرفتند، در حالی که آنان فریب‌کاری می‌کردند. (102)
و بیشتر مردم مؤمن نمی‌شوند، و گرچه (بر ایمان آوردنشان) حریص باشی. (103)

ترجمه قرآن، ص: 248
و هیچ پاداشی بر این (رسالت) از آنان نمی‌خواهی؛ این (قرآن) جز یادآوری برای جهانیان نیست. (104)
و چه بسیار نشانه‌ای (از خدا) در آسمان‌ها و زمین است که بر آنها می‌گذرند، در حالی که آنان از آنها روی گردانند. (105)
و بیشترشان به خدا ایمان نمی‌آورند، جز در حالی که آنان مشرکند. (106)
و آیا در امانند از اینکه عذاب فراگیر خدا به آنان در رسد، یا ساعت [قیامت ناگهان برایشان فرا رسد، در حالی که آنان (با درک حسّی) متوجه نمی‌شوند؟! (107)
(ای پیامبر) بگو:» این راه من است! که من و هر کس مرا پیروی می‌کند، با شناخت، (مردم را) به سوی خدا فرا می‌خوانیم؛ و خدا منزّه است و من از مشرکان نیستم. « (108)
و پیش از تو نفرستادیم، جز مردانی از اهل آبادی‌ها که به سوی آنان وحی می‌کردیم؛ پس آیا در زمین گردش نکرده‌اند، تا بنگرند، چگونه بوده است فرجام کسانی که پیش از آنان بودند؟ و حتماً سرای آخرت برای کسانی که خودنگهداری (و پارسایی) کردند بهتر است؛ پس آیا خردورزی نمی‌کنید؟! (109)
(فرستادن پیامبران ادامه یافت) تا آنگاه که فرستادگان (الهی از ایمان آوردن مردم) ناامید شدند و دانستند که آنان تکذیب شده‌اند، (در این حال) یاری ما بدیشان رسید؛ پس هر کس را که خواستیم، نجات داده شد؛ و [لی سختی (مجازات) ما از گروه خلافکاران بازگردانده نشود. (110)
بیقین در حکایت‌های آنان برای خردمندان عبرتی بود! (اینها) سخنی نبود که به دروغ نسبت داده شود؛ و لیکن مؤید آنچه (از کتاب‌های الهی) که پیش از آن است، می‌باشد؛ و شرح هر چیزی (که مایه سعادت) است؛ و رهنمود و رحمتی برای گروهی است که ایمان می‌آورند. (111)
ترجمه قرآن، ص: 249

13- سورة الرعد

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
الف، لام، میم، را، آن [ها] آیات کتاب (الهی) است؛ و آنچه از طرف پروردگارت به سوی تو فرو فرستاده شده، حق است؛ و لیکن بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند. (1)
خدا کسی است که آسمان‌ها را، بدون ستون‌هایی که آنها را ببینید، برافراشت؛ سپس بر تخت (جهانداری) تسلّط یافت؛ و خورشید و ماه را رام ساخت، هر کدام تا سرآمد معیّنی روانند. به تدبیر کارها پرداخت؛ آیات (و نشانه‌های خود) را شرح می‌دهد؛ تا شاید شما به ملاقات پروردگارتان یقین پیدا کنید. (2)
و او کسی است که زمین را گسترانید؛ و در آن [کوه‌های استوار و جوی‌ها قرار دارد؛ و از همه محصولات در آن یک جفت دوتایی قرار داد؛ روز را به شب می‌پوشاند؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکّر می‌کنند. (3)
و در زمین، پاره‌هایی کنار هم و بوستان‌هایی از انگورها و زراعت و درختان خرما، یک پایه‌ای و غیر یک پایه‌ای [قرار دارد،] که با یک آب سیراب می‌شوند! و [با این حال،] برخی از آنها را در میوه‌ها بر برخی [دیگر] برتری می‌دهیم؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که خردورزی می‌کنند. (4)
و اگر (از چیزی) به شگفت می‌آیی، پس شگفت، سخن آنهاست (که می‌گویند:)» آیا هنگامی که خاک شدیم، آیا براستی ما در آفرینش جدیدی خواهیم بود؟! «آنان کسانی هستند که به پروردگارشان کفر ورزیدند، و آنان غل‌ها در گردن‌هایشان است؛ و آنان أهل آتشند در حالی که آنان در آنجا ماندگارند. (5)
ترجمه قرآن، ص: 250
و پیش از نیکی از تو می‌خواهند که در بدی شتاب ورزی؛ و حال آنکه پیش از آنان [بلاهای مثال زدنی فرود آمده است! و قطعاً پروردگار تو نسبت به مردم- با وجود ستمشان- دارای آمرزش است؛ و قطعاً پروردگارت سخت کیفر است! (6)
و کسانی که کفر ورزیدند، می‌گویند:» چرا نشانه (معجزه آسایی) از طرف پروردگارش بر او فرود نیامده است؟! « (ای پیامبر) تو فقط هشدار دهنده‌ای؛ و برای هر گروهی رهنمایی است. (7)
خدا می‌داند: آنچه را که هر ماده‌ای باردار می‌شود، و آنچه را که رحم‌ها می‌کاهند و آنچه را که می‌افزایند؛ و هر چیزی نزد او به اندازه‌ای است.

(8)
(او) دانای نهان و آشکار، بزرگ [و] بسیار بلند مرتبه است. (9)
(برای او) یکسان است کسی از شما که سخن را پنهان کند، و کسی که آن را آشکار سازد؛ و کسی که او در شب مخفی شود و در روز آشکارا حرکت کند. (10)
برای او، مأمورانی است که پی در پی، از پیش رویش، و از پشت سرش، او را از فرمان الهی (حوادث غیر حتمی) حفظ می‌کنند؛ در حقیقت خدا آن (سرنوشتی) که در قومی است را تغییر نمی‌دهد تا اینکه آنچه را در خودشان است، تغییر دهند؛ و هنگامی که خدا برای قومی (بخاطر اعمالشان) بدی بخواهد، پس هیچ بازگشتی برای آن نخواهد بود؛ و جز او، هیچ سرپرستی برای آنان نخواهد بود. (11)
او کسی است که برق را، برای ترس و امید به شما می‌نمایاند، و ابرهای گرانبار را پدید می‌آورد. (12)
و رعد، به ستایش او، و فرشتگان از ترسش، تسبیح می‌گویند! و آذرخش‌ها را می‌فرستد، و با آن هر کس را بخواهد مورد اصابت قرار می‌دهد، در حالی که آنان در باره خدا مجادله می‌کنند؛ و او مجازاتی شدید دارد. (13)
ترجمه قرآن 299
ترجمه قرآن، ص: 251
فراخوان حق تنها از آن اوست؛ و غیر از او، کسانی را که (مشرکان) می‌خوانند، هیچ چیزی از (دعای) آنان را نمی‌پذیرند؛ مگر همانند کسی (هستند) که دو کف (دست) ش را به سوی آب می‌گشاید تا [آب به دهانش برسد، در حالی که آن (آب) به (دهان) او نخواهد رسید؛ و خواندن (غیر خدا توسط) کافران جز در گمراهی نیست. (14)
و هر که در آسمان‌ها و زمین است- خواه و ناخواه- و سایه‌هایشان، بامدادان و عصرگاهان [و شب هنگام ، تنها برای خدا سجده می‌کنند. (15)
(ای پیامبر) بگو:» چه کسی پروردگار آسمان‌ها و زمین است؟ «بگو:» خدا. «بگو:» پس آیا غیر از او سرپرستانی گزیده‌اید که برای خودشان مالک هیچ سود و زیانی نیستند؟! «بگو:» آیا نابینا و بینا مساویند؟! یا آیا تاریکی‌ها و نور برابرند؟! یا همتایانی برای خدا قرار دادند که مانند آفرینش او آفریده‌اند، و (این دو) آفرینش بر آنان مشتبه شده است؟! «بگو:» خدا آفریننده هر چیزی است؛ و او یگانه چیره است! « (16)
(خدا) از آسمان آبی فرستاد، و دره‌هایی از سیل به اندازه (گنجایش) آنها روان شد، و سیل، کفی فراوان و بلند بر خود آورد، و از آنچه برای بدست آوردن زیوری یا کالایی، آتش بر آن می‌افروزند (نیز) کفی مانند آن [بر آید]؛ خدا، حق و باطل را چنین (مَثَل) می‌زند؛ و امّا کف، به کناری می‌رود، ولی آنچه به مردم سود می‌رساند پس در زمین می‌ماند؛ خدا مَثَل‌ها را

چنین می‌زند! (17)
برای کسانی که (دعوت) پروردگارشان را پذیرفتند، نیکی است؛ و کسانی که (دعوت) او را نپذیرفته‌اند، اگر (بر فرض) تمام آنچه در زمین است، و همانندش را با آن داشته باشند، حتماً آن را (برای نجات خود از عذاب) تاوان می‌دهند؛ آنان، برایشان حساب بدی است؛ و مقصدشان جهنّم، و چه بد بستری است! (18)
ترجمه قرآن، ص: 252
و آیا کسی که می‌داند آنچه از طرف پروردگارت بر تو فرود آمده حق است، همانند کسی است که او نابیناست؟! تنها خردمندان متذکّر می‌شوند؛ (19)
(همان) کسانی که به پیمان خدا وفا می‌کنند، و پیمان محکم را نمی‌شکنند؛ (20)
و کسانی که آنچه را خدا فرمان به پیوستنش داده، می‌پیوندند؛ و از (مخالفت) پروردگارشان می‌هراسند؛ و از حساب بد می‌ترسند؛ (21)
و کسانی که در طلب (رضایت) ذات پروردگارشان شکیبایی می‌کنند؛ و نماز را برپا می‌دارند؛ و از آنچه به آنان» روزی «داده‌ایم، پنهانی و آشکارا، (در راه خدا) مصرف می‌کنند؛ و با نیکی، بدی را دور می‌سازند؛ آنان، برایشان فرجام [نیک سرای [دیگر] است. (22)
(همان) بوستان‌های (ویژه) ماندگار که وارد آن می‌شوند، و هر کس از پدرانشان و همسرانشان و فرزندانشان شایسته باشد، (نیز وارد می‌شود)؛ و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد می‌گردند؛ (23)
(و می‌گویند:) سلام بر شما بخاطر شکیبایی‌تان! و چه نیکوست فرجام سرای [دیگر]. (24)
و کسانی که پیمان خدا را پس از محکم ساختن آن می‌شکنند، و آنچه را خدا به پیوستنش فرمان داده می‌گسلند، و در زمین فساد می‌کنند، آنان برایشان لعنت است! و بدی سرای [دیگر] برای ایشان است. (25)
خدا» روزی «را برای هر کس که بخواهد (و شایسته بداند) گسترده سازد و تنگ گرداند؛ و [لی کافران به زندگی پست (دنیا) شادمان شدند؛ در حالی که زندگی پست (دنیا) در [برابر] آخرت، جز کالای [ناچیزی نیست. (26)
و کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند:» چرا نشانه (معجزه آسایی) از طرف پروردگارش بر او فرود نیامده است؟! «بگو:» در حقیقت خدا هر کس را (بخاطر اعمالش) بخواهد، در گمراهی وانهد؛ و هر کس را که باز گردد، به سوی خود راهنمایی می‌کند. « (27)
(همان) کسانی که ایمان آورده‌اند، و دل‌هایشان با یاد خدا آرام می‌گیرد؛ آگاه باشید، که تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد! (28)
ترجمه قرآن، ص: 253

کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، پاکیزه‌ترین (زندگی)، و بازگشت نیکو برای ایشان است. (29)
بدین سان تو را در میان امتی فرستادیم که پیش از آن، امت‌های [دیگری سپری شدند، تا آنچه را به سوی تو وحی نموده‌ایم بر آنان بخوانی [و پیروی کنی ، در حالی که آنان به (خدای) گسترده‌مهر کفر می‌ورزند؛ بگو:» او پروردگار من است؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ تنها بر او توکّل کرده‌ام؛ و بازگشت [من تنها به سوی اوست. « (30)
و اگر (بر فرض) قرآنی بود که بوسیله آن کوه‌ها روان شود، یا زمین بدان قطعه قطعه گردد، یا بوسیله آن با مردگان سخن گفته شود، (باز هم ایمان نخواهند آورد)؛ لیکن همه کارها تنها از آنِ خداست. و آیا کسانی که ایمان آورده‌اند (از ایمان آوردن کافران) ناامید نشده‌اند، (و نمی‌دانند) که اگر (بر فرض) خدا بخواهد مسلماً همه مردم را هدایت می‌کند؟! و کسانی که کفر ورزیده‌اند، پیوسته بخاطر آنچه با زیرکی ساختند، [بلاهای کوبنده‌ای به آنان می‌رسد، یا به نزدیکی خانه آنان فرود می‌آید، تا وعده خدا فرا رسد؛ که خدا از وعده (خود) تخلّف نمی‌کند. (31)
و قطعاً پیش از تو فرستادگانی ریشخند شُدند؛ و به کسانی که کفر ورزیدند مهلت دادم سپس آنان را گرفتار (مجازات) کردم؛ پس کیفر [من چگونه بود؟! (32)
و آیا کسی که او بر (سر) هر شخصی، بدانچه بدست آورده، ایستاده (و مراقب اوست، همچون کسی است که این صفات را ندارد)؟! و برای خدا همتایانی قرار دادند؛ بگو:» آنها را نام ببرید! بلکه چیزی را به او خبر می‌دهید که (از وجود آن) در زمین آگاه نیست، یا سخنان ظاهری (و بدون دلیل) می‌گویید؟! «بلکه برای کسانی که کفر ورزیدند، نیرنگشان آراسته شده است، و از راه (خدا) باز داشته شده‌اند؛ و هر کس را خدا (بخاطر اعمالش) در گمراهی وانهد، پس هیچ راهنمایی برای او نخواهد بود. (33)
برای آن (مشرک) ان در زندگی پست (دنیا) عذابی است؛ و حتماً عذاب آخرت سخت‌تر است؛ و برای آنان، در برابر (عذاب) خدا، هیچ نگهدارنده‌ای نیست! (34)
ترجمه قرآن، ص: 254
مثال بهشتی که پارسایان [و خودنگهداران بدان وعده داده شده‌اند، (همچون بوستانی است که) نهرها از زیر [درختان ش روان است، میوه‌های آن و سایه‌اش دائمی است؛ این فرجام کسانی است که پارسایی (و خودنگهداری) کردند؛ و فرجام کافران، آتش است! (35)
و کسانی که کتاب [الهی به آنان داده‌ایم، از آنچه به سوی تو فرو فرستاده شده شادمانند؛ و از [میان احزاب کسانی هستند که بخشی از آن را انکار می‌کنند؛ (ای پیامبر) بگو:» فرمان داده شده‌ام که تنها خدا را بپرستم؛ و به

او شرک نورزم؛ فقط به سوی او فرا می‌خوانم؛ و بازگشت [من تنها به سوی اوست. « (36)
و بدین‌سان آن (قرآن) را بصورت حکمی واضح فرو فرستادیم؛ و اگر بعد از آنکه آگاه شدی، از هوس‌های آنان پیروی کنی، برای تو در برابر (عذاب) خدا هیچ یاوری و هیچ نگهدارنده‌ای نیست! (37)
و بیقین فرستادگانی را پیش از تو فرستادیم؛ و برای آنان همسران و نسلی قرار دادیم؛ و برای هیچ فرستاده‌ای سزاوار نیست (و حق ندارد) که نشانه (معجزه آسایی) را جز به رخصت خدا بیاورد؛ برای هر سرآمد (و زمانی حکم) نوشته شده ایست. (38)
خدا هر چه را بخواهد نابود می‌کند و [یا] استوار می‌دارد؛ و نوشته اصلی (علم الهی) تنها نزد اوست. (39)
و اگر پاره‌ای از آنچه (از مجازات‌ها) که به آنان وعده می‌دهیم، به تو بنمایانیم، و یا (قبل از عذاب آنان جان) تو را کامل بگیریم، پس فقط رساندن [پیام بر عهده تو، و حساب بر عهده ماست. (40)
و آیا اطلاع نیافته‌اند که ما به سراغ زمین می‌آییم در حالی که از اطرافش آن را می‌کاهیم؟ و خدا حکم می‌کند، در حالی که هیچ تأخیر اندازنده‌ای برای حکم او نیست؛ و او حسابرسی سریع است. (41)
و در واقع کسانی پیش از آنان فریبکاری کردند؛ و [لی همه ترفندها تنها از آن خداست؛ (او) آنچه را که هر شخصی بدست می‌آورد می‌داند؛ و بزودی کافران خواهند دانست که فرجام سرای (دیگر) از آنِ کیست. (42)
ترجمه قرآن، ص: 255
و کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند:» (تو) فرستاده شده نیستی. « (ای پیامبر) بگو:» گواهی خدا، و کسی که علمِ کتاب (قرآن) نزد اوست، بین من و بین شما کافی است. « (43)

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
الف، لام، را، [این کتابی است که آن را به سوی تو فرو فرستادیم، بخاطر اینکه مردم را به رخصت پروردگارشان، از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آوری، به سوی راهِ (خدای) شکست‌ناپذیر [و] ستوده. (1)
(همان) خدایی که آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، فقط از آنِ اوست؛ و وای بر کافران از عذابی شدید! (2)
(همان) کسانی که زندگی پست (دنیا) را بر آخرت ترجیح می‌دهند؛ و (مردم را) از راه خدا باز می‌دارند؛ و می‌خواهند آن (راه) را منحرف سازند؛ آنان در گمراهی دوری هستند. (3)
و هیچ فرستاده‌ای را، جز به زبان قومش نفرستادیم؛ بخاطر اینکه (بتواند حقایق را) برای آنان بروشنی بیان کند. و خدا هر کس را (بخاطر اعمالش) بخواهد در گمراهی وانهد، و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) راهنمایی کند؛ و او شکست‌ناپذیر [و] فرزانه است. (4)
و بیقین موسی را با نشانه‌های (معجزه آسای) مان فرستادیم؛ که قومت را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آور؛ و روزهای خدا را به آنان یادآوری نما؛ [چرا] که حتماً در آن (یادآوری‌ها) برای هر بسیار شکیبای بسیار سپاسگزار، نشانه‌های (عبرت آموزی) است. (5)
ترجمه قرآن، ص: 256
و (یاد کن) هنگامی را که موسی به قومش گفت:» نعمت خدا را بر خودتان به یاد آرید، آنگاه که شما را از (چنگ) فرعونیان نجات بخشید؛ در حالی که شما را (با شکنجه و) عذاب بدی آزردند، و پسران شما را سر می‌بریدند، و زنانتان را زنده نگه می‌داشتند؛ و در آن [ها] آزمایش بزرگی از [جانب پروردگارتان بود. « (6)
و (یاد کن) هنگامی را که پروردگارتان اعلام کرد:» اگر سپاسگزاری کنید، حتماً شما را (نعمتی) می‌افزایم؛ و اگر ناسپاسی کنید، قطعاً عذاب من شدید است! « (7)
و موسی گفت:» اگر شما و کسانی که در زمین هستند همگی کفر ورزید، پس (زیانی به خدا نمی‌رسانید؛ چرا) که حتماً خدا توانگری ستوده است. « (8)
آیا خبر بزرگ کسانی که پیش از شما بودند:» قوم نوح «و» عاد «و» ثَمود «و کسانی که بعد از آنان بودند، به شما نرسیده است؟ در حالی که جز خدا (کسی) از آنان آگاهی (کامل) ندارد؛ فرستادگانشان دلیل‌های روشن (معجزه آسا) برای آنان آوردند، و [لی دست‌هایشان را به دهان‌هایشان

بازگرداندند، و گفتند:» در واقع ما به آنچه شما بدان فرستاده شده‌اید، کفر ورزیدیم؛ و قطعاً ما در مورد آنچه ما را به سوی آن فرا می‌خوانید، در شک تردیدآمیزی هستیم. « (9)
فرستادگانشان گفتند:» آیا در باره خدایی که شکافنده [و آفریننده آسمان‌ها و زمین است، شکی است؟! (او) شما را فرا می‌خواند تا بخشی از پیامدهای (گناهان) تان را برای شما بیامرزد؛ و (مرگ) شما را تا سرآمد معینی به تأخیر اندازد. « (کافران) گفتند:» شما جز بشری همانند ما نیستید، می‌خواهید که ما را از آنچه پدرانمان همواره می‌پرستیدند باز دارید؛ پس دلیل آشکار (و معجزه‌ا) ی برای ما بیاورید. « (10)
ترجمه قرآن، ص: 257
فرستادگانشان به آنان گفتند:» ما جز بشری همانند شما نیستیم و لیکن خدا بر هر کس از بندگانش که بخواهد (و شایسته بداند)، منّت می‌گذارد (و نعمت نبوّت عطا می‌کند)؛ و برای ما شایسته نیست که جز به رخصت خدا، برای شما دلیل (و معجزه‌ا) ی آوریم؛ و مؤمنان پس باید تنها بر خدا توکّل کنند. (11)
و چرا ما بر خدا توکّل نکنیم، در حالی که ما را به راه‌هایمان رهبری کرده است؟! و قطعاً بر آزارهایتان بر ما، شکیبایی خواهیم کرد؛ و توکّل کنندگان، پس باید تنها بر خدا توکّل کنند. « (12)
و کسانی که کفر ورزیدند به فرستادگانشان گفتند:» بیقین شما را از سرزمین‌مان بیرون خواهیم کرد، یا حتماً به آیین ما باز گردید. «و پروردگارشان به سوی آنان وحی فرستاد که:» قطعاً ستمکاران را هلاک می‌کنیم؛ (13)
و حتماً شما را بعد از آنان در زمین سکونت خواهیم داد؛ این برای کسی است که از جایگاه (داوری) من ترس داشته باشد و از تهدید [من بترسد! « (14)
و (فرستادگان خدا) پیروزی خواستند، و (سرانجام) هر زورگویِ ستیزه‌گری نومید شد. (15)
بدنبال آن (زورگو) جهنّم خواهد بود، و از خونابه‌ای چرکین سیراب می‌شود. (16)
آن را جرعه جرعه می‌نوشد؛ و نزدیک است که آن را به آسانی فرو نبرد؛ و مرگ از هر جا به سراغ او می‌آید، در حالی که او نمی‌میرد؛ و بدنبال او عذابی سخت است! (17)
مثال کسانی که به پروردگارشان کفر ورزیدند، (آن است که:) کردارهایشان همچون خاکستری است که بادی تند در روزی طوفانی بدان بوزد؛ [آنان قادر بر هیچ چیزی از آنچه بدست آورده‌اند نیستند (و بهره‌ای نمی‌برند)؛ این تنها گمراهی دور است. (18)

ترجمه قرآن، ص: 258
آيا اطلاع نيافتى كه خدا، آسمان‌ها و زمين را به حق آفريده است؟! اگر بخواهد، شما را (از ميان) مى‌برد و آفرينش جديدى مى‌آورد؛ (19)
و اين (كار) بر خدا سخت نيست. (20)
و (در رستاخيز) همگى در برابر خدا ظاهر شوند؛ و كم توانان به كسانى كه تكبّر ورزيدند گويند:» در واقع ما پيروان شما بوديم؛ پس آيا شما چيزى از عذاب خدا را از ما دفع مى‌كنيد؟ « (مستكبران) مى‌گويند:» اگر (بر فرض) خدا ما را راهنمايى كرده بود، حتماً شما را راهنمايى مى‌كرديم؛ چه بيتابى كنيم يا شكيبايى نماييم، بر ما يكسان است، هيچ راه فرارى براى ما نيست! « (21)
و شيطان، هنگامى كه كار پايان يافت مى‌گويد:» در حقيقت، خدا وعده حق به شما وعده داد؛ و [من به شما وعده دادم، و [لى با شما تخلّف كردم؛ و براى من هيچ تسلّطى بر شما نبود، جز اينكه شما را فرا خواندم، و [درخواست مرا پذيرفتيد، پس مرا سرزنش مَكنيد، و خودتان را سرزنش كنيد؛ من فريادرس شما نيستم، و شما فريادرس من نيستيد. براستى كه من شريک قرار دادن شما، پيش از اين (مرا براى خدا) را انكار مى‌كنم. «در واقع ستمكاران برايشان عذاب دردناكى است! (22)
و كسانى را كه ايمان آوردند و [كارهاى شايسته انجام دادند، به بوستان‌هاى [بهشت در آورند، كه نهرها از زير [درختان ش روان است؛ در حالى كه در آنجا به رخصت پروردگارشان ماندگارند؛ [و] زنده بادِ آنان در آنجا،» سلام «است. (23)
آيا اطلاع نيافتى چگونه خدا مَثَل زده؟! سخنى پاكيزه را كه همچون درخت پاكيزه‌اى است كه ريشه‌اش استوار، و شاخه‌اش در آسمان است؛ (24)
ترجمه قرآن، ص: 259
هر زمان ميوه‌هايش را به رخصت پروردگارش مى‌دهد. و خدا براى مردم مَثَل‌ها مى‌زند، تا شايد آنان متذكّر شوند. (25)
و مثال سخنى پليد همچون درخت پليدى است، كه از روى زمين كنده شده، در حالى كه برايش هيچ ثباتى نيست. (26)
خدا كسانى را كه ايمان آوردند، بوسيله گفتار (و دلايل و عقايد) استوار، در زندگى پست (دنيا) و در آخرت، پايدار مى‌دارد؛ و خدا ستمكاران را در گمراهى وا مى‌نهد؛ و خدا آنچه را بخواهد (و مصلحت بداند) انجام مى‌دهد. (27)
آيا نظر نكرده‌اى به كسانى كه (شكر) نعمت خدا را به كفر [ان تبديل كردند، و قومشان را به سراى هلاكت در آوردند؟ (28)
(همان) جهنّم كه در آن وارد مى‌شوند (و مى‌سوزند)؛ و چه بد قرارگاهى است! (29)

و برای خدا همانندهایی (معبودگونه) قرار دادند، تا (مردم را) از راه او گمراه سازند؛ بگو:» بهره‌مند گردید (ولی فایده‌ای ندارد)؛ چرا که فرجام شما به سوی آتش است! « (30)
(ای پیامبر) به بندگان من که ایمان آورده‌اند بگو: نماز را بر پا دارند؛ و از آنچه به آنان» روزی «داده‌ایم، پنهانی و آشکارا، (در راه خدا) مصرف کنند؛ پیش از آنکه روزی فرا رسد، که در آن هیچ معامله‌ای و هیچ دوستی نیست. (31)
خدا کسی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید؛ و از آسمان، آبی فرو فرستاد و بوسیله آن، از محصولات برای شما» روزی «بیرون آورد؛ و کشتی‌ها را برای شما رام گردانید، تا در دریا به فرمان او روان شوند؛ و نهرها را (نیز) برای شما رام نمود؛ (32)
و (منافع) خورشید و ماه را، که پیوسته روانند، برای شما مسخّر گردانید؛ و شب و روز را (نیز) مُسخّرِ شما ساخت؛ (33)
ترجمه قرآن، ص: 260
و از هر آنچه که از او خواستید، به شما داد؛ و اگر نعمت‌های خدا را بشمارید، نمی‌توانید آن [ها] را شمارش کنید؛ قطعاً انسان بسی ستمگر و بسیار ناسپاس است! (34)
و (یاد کن) هنگامی را که ابراهیم گفت:» پروردگارا این سرزمین (مکه) را امن قرار ده؛ و من و پسرانم را از پرستش بت‌ها دور دار! (35)
پروردگارا، به درستی که آن [بت ان بسیاری از مردم را گمراه ساختند؛ و هر کس از من پیروی کند پس در واقع او از من است؛ و هر کس مرا نافرمانی کند، پس براستی که تو بسیار آمرزنده مهرورزی. (36)
[ای پروردگار ما! در واقع من برخی از فرزندانم را در درّه‌ای (و سرزمینی) بدون زراعت، نزد خانه محترم تو، سکونت دادم. [ای پروردگار ما! (آنان را سکونت دادم) تا نماز را برپا دارند؛ پس دل‌های گروهی از مردم را به سوی آنان گرایش ده؛ و آنان را از محصولات روزی ده، تا شاید آنان سپاسگزاری کنند. (37)
[ای پروردگار ما! در حقیقت تو آنچه را پنهان می‌کنیم و آنچه را آشکار می‌نماییم، می‌دانی؛ و هیچ چیزی در زمین و در آسمان بر خدا مخفی نمی‌ماند. (38)
ستایش مخصوص خدایی است که در پیری، اسماعیل و اسحاق را به من بخشید؛ قطعاً پروردگار من، شنونده دعاست. (39)
پروردگارا، من و برخی از فرزندانم را برپا کننده نماز قرار ده، و [ای پروردگار ما! دعای (من) را بپذیر. (40)
ای پروردگار ما، در روزی که حساب برپا می‌شود، من و پدر و مادرم و مؤمنان را بیامرز! « (41)

و هرگز مپندار كه خدا از آنچه ستمكاران انجام مى‌دهند، غافل است؛ (كيفر) آنان را تنها براى روزى تأخير مى‌اندازد كه چشم‌ها در آن خيره مى‌شود؛ (42)
ترجمه قرآن، ص: 261
در حالى كه شتابان، سرهايشان را بلند كرده، [و] چشمانشان بر هم نمى‌خورد؛ و (از وحشت) دل‌هايشان تهى است! (43)
و مردم را هشدار ده، به روزى كه عذاب به سراغشان مى‌آيد، و كسانى كه ستم كردند مى‌گويند:» [اى پروردگار ما! تا سرآمد نزديك (عذاب) ما را به تأخير انداز، تا دعوت تو را بپذيريم و از فرستادگان پيروى كنيم. «و (لى پاسخ مى‌شنوند كه:) آيا پيش از [اين سوگند ياد نكرده بوديد كه هيچ فنايى براى شما نيست؟! (44)
و در خانه‌هاى كسانى كه به خودشان ستم كردند، سكونت كرديد، و براى شما روشن گرديد كه با آنان چه كرديم؟ و براى شما مَثَل‌ها زديم. (45)
و بيقين [با] فريبكاريشان فريب كارى كردند؛ و فريبكاريشان نزد خدا (آشكار) است؛ و اگر چه فريب شان (چنان باشد كه) از آن كوه‌ها از جا كنده شود! (46)
پس هرگز مپندار كه خدا از وعده‌اش با فرستادگانش، تخلّف مى‌كند؛ چرا كه خدا شكست‌ناپذيرى صاحب انتقام است. (47)
در روزى كه زمين به غير اين زمين، و آسمان‌ها (به آسمان‌هاى ديگرى) تبديل مى‌شوند، و (مردم) در برابر خداى يگانه چيره، ظاهر شوند. (48)
و در آن روز، خلافكاران را مى‌بينى در حالى كه نزديك به همديگر در زنجيرها (بسته شده) اند؛ (49)
پيراهن‌هايشان از مِس گداخته است؛ و صورت‌هايشان را آتش مى‌پوشاند! (50)
تا خدا به هر كس آنچه را كسب كرده جزا دهد، كه خدا حسابرسى سريع است. (51)
اين (قرآن)، رساندن (پيام) براى مردم است (تا نصيحت شوند)؛ و تا بوسيله آن هشدار داده شوند، و تا بدانند كه او معبود يگانه است؛ و تا خردمندان يادآور شوند. (52)
ترجمه قرآن، ص: 262

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
الف، لام، را، آن آیات کتاب [الهی ، و قرآنی روشنگر است. (1)
چه بسا، کسانی که کفر ورزیدند، مسلمان بودنشان را آرزومندند. (2)
رهایشان ساز تا بخورند، و بهره گیرند، و آرزو [ها] سرگرمشان سازد، پس بزودی خواهند دانست. (3)
و (اهل) هیچ آبادی را هلاک نکردیم مگر در حالی که برای آن، (مدّتِ) نوشته شده معینی بود. (4)
هیچ ملتی از سرآمد (عُمر) ش پیشی نمی‌گیرند؛ و تأخیر نمی‌کنند. (5)
و (کافران) گفتند:» ای کسی که آگاه کننده [قرآن بر او فرود آمده، قطعاً تو دیوانه‌ای! (6)
اگر از راستگویانی، چرا فرشتگان را نزد ما نمی‌آوری؟! « (7)
[ما] فرشتگان را، جز به حق فرو نمی‌فرستیم، و در آن هنگام (که فرود آیند) دیگر مهلت داده نمی‌شوند. (8)
در حقیقت ما خود، آگاه کننده (قرآن) را فرو فرستادیم، و قطعاً ما پاسداران آن هستیم. (9)
و بیقین پیش از تو (نیز پیامبرانی) در میان گروه‌های نخستین فرستادیم؛ (10)
و هیچ فرستاده‌ای به سراغ آنان نمی‌آمد مگر اینکه همواره او را ریشخند می‌کردند. (11)
اینگونه این (قرآن) را در دل‌های خلافکاران راه می‌دهیم، (12)
در حالی که به آن ایمان نمی‌آورند؛ و روش پیشینیان (نیز چنین) گذشت. (13)
و اگر (بر فرض) دری از آسمان بر آنان می‌گشودیم و پیوسته از آن بالا می‌رفتند، (14)
حتماً می‌گفتند:» ما فقط چشم بندی شده‌ایم؛ بلکه ما گروهی جادو زده‌ایم! « (15)
ترجمه قرآن، ص: 263
و بیقین در آسمان برج‌هایی قرار دادیم، و آن را برای بینندگان آراستیم؛ (16)
و آن را از هر شیطان رانده شده‌ای حفظ کردیم؛ (17)
مگر آن کس که دزدانه گوش فرا دهد و شهابی روشن او را دنبال کند. (18)
و زمین را گستراندیم؛ و در آن [کوه‌های استواری افکندیم؛ و از هر چیز

متناسبی در آن رویاندیم؛ (19)
و در آن (زمین) برای شما و کسانی که (شما) روزی دهنده آن [ها] نیستید، وسایل زندگی قرار دادیم. (20)
و هیچ چیزی نیست جز آنکه منابعش نزد ماست؛ و [لی جز به اندازه معیّن آن را فرو نمی‌فرستیم. (21)
و باد [ها] را بارور کننده (ابرها و گیاهان) فرستادیم؛ و از آسمان آبی فرو فرستادیم، و شما را با آن سیراب ساختیم؛ در حالی که شما ذخیره‌ساز آن نیستید. (22)
و قطعاً ما خود، زنده می‌کنیم و می‌میرانیم؛ و ما وارث (همه جهان) هستیم. (23)
و بیقین پیشگامان شما را شناختیم؛ و یقیناً متأخران را (هم) شناختیم. (24)
و در حقیقت پروردگار تو خود، آن (مردم) ان را گردآوری می‌کند؛ [چرا] که او فرزانه داناست. (25)
و بیقین انسان را از گِل خشکیده‌ای که از گِل سیاه (بدبوی مانده) شکل یافته، گرفته شده بود، آفریدیم. (26)
و پیش از آن جن را از آتش باد سوزان آفریدیم. (27)
و (یاد کن) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت:» در واقع من آفریننده بشری هستم که از گِل خشکیده‌ای که از گِل سیاهِ (بدبوی مانده) شکل یافته، گرفته شده است؛ (28)
و هنگامی که او را مرتب نمودم، و از روح خود در او دمیدم، پس برای او سجده کنان در افتید. « (29)
و فرشتگان همه آنها، دسته جمعی سجده کردند؛ (30)
جز ابلیس، که سر باز زد از اینکه با سجده کنندگان باشد. (31)
ترجمه قرآن، ص: 264
(خدا) فرمود:» ای ابلیس؛ تو را چه شده که با سجده کنندگان نیستی؟! « (32)
گفت:» [من هرگز سجده نخواهم کرد برای بشری که او را از گِل خشکیده‌ای که از گِل سیاهِ (بدبوی مانده) گرفته شده، آفریده‌ای. « (33)
(خدا به ابلیس) فرمود:» بنابراین از آن [مقام فرشتگان بیرون شو، چرا که تو رانده شده‌ای؛ (34)
و در واقع تا روز جزا بر تو لعنت است! « (35)
(ابلیس) گفت:» پروردگارا، پس مرا تا روزی که (مردم) برانگیخته خواهند شد، مهلت ده. « (36)
(خدا) فرمود:» پس در واقع تو از مهلت داده شدگانی، (37)
تا روز زمان معلوم. « (38)
(ابلیس) گفت:» پروردگارا، به سِبب آنکه مرا فریفتی، قطعاً (بدی‌ها را) در

زمین برای آنان می‌آرایم؛ و حتماً همه آنان را می‌فریبم، (39)
مگر بندگان خالص شده تو از میان آنان. « (40)
(خدا) فرمود:» این راه راستی است که بر عهده من است. (41)
در حقیقت بندگانم (را) برای تو هیچ تسلّطی بر آنان نیست، مگر کسانی از گمراهان که تو را پیروی می‌کنند. (42)
و قطعاً جهنّم وعده‌گاه همه آنهاست! (43)
برای آن (جهنّم) هفت در است که برای هر دری، بخشی جداگانه از آن (گمراه) ان است. « (44)
در حقیقت پارسایان (خود نگهدار) در بوستان‌ها [ی بهشتی و چشمه‌سارانند. (45)
(به آنان گفته می‌شود:) در حال سلامت [و] امنیت وارد آنجا شوید؛ (46)
و آنچه در دل‌هایشان از کینه دارند، بَر می‌کَنیم، برادرانه بر تخت‌هایی رویاروی هم‌اند؛ (47)
هیچ رنجی در آنجا به آنان نمی‌رسد، و آنان از آنجا بیرون رانده نمی‌شوند. (48)
(ای پیامبر) بندگانم را آگاه کن که تنها من بسیار آمرزنده مهرورزم؛ (49)
و اینکه عذاب من تنها عذاب دردناک است! (50)
و از میهمان‌های ابراهیم به آنان خبر ده؛ (51)
ترجمه قرآن، ص: 265
هنگامی که بر او وارد شدند و گفتند:» سلام «؛ (ابراهیم) گفت:» در واقع ما از شما هراسانیم! « (52)
(فرشتگان) گفتند:» نهراس! که ما تو را به پسری دانا مژده می‌دهیم. « (53)
گفت:» آیا مرا مژده می‌دهید با اینکه پیری به من رسیده است؟! پس به چه چیز مژده می‌دهید؟! « (54)
گفتند:» تو را به حق مژده دادیم؛ پس از ناامیدان مباش. « (55)
(ابراهیم) گفت:» و جز گمراهان، چه کسی از رحمت پروردگارش ناامید می‌شود؟! « (56)
(و در ادامه) گفت:» پس ای فرستادگان [خدا، جریانِ کار شما چیست؟ « (57)
(فرشتگان) گفتند:» در حقیقت ما به سوی گروهی خلافکار فرستاده شده‌ایم؛ (58)
مگر خاندان لوط، [چرا] که ما قطعاً نجات دهنده همه آنانیم، (59)
جز زنش، که مقدّر کرده‌ایم حتماً او از بازماندگان (در شهر) باشد. « (60)
و هنگامی که فرستادگان [خدا] به سراغ خاندان لوط آمدند، (61)
(لوط) گفت:» در واقع شما گروهی ناشناخته هستید! « (62)

(فرشتگان) گفتند:» بلکه چیزی را برای تو آوردیم که (کافران) همواره در آن تردید می‌کردند؛ (63)
و حق را برای تو آورده‌ایم؛ و قطعاً ما راستگوییم؛ (64)
پس در پاره‌ای از شب خانواده‌ات را حرکت ده، و از پی آنان برو، و هیچ یک از شما روی برنگرداند، و از هر جا که دستور داده می‌شوید، بگذرید. « (65)
و به سوی او (لوط) آن کار را وحی کردیم که صبحگاهان دنباله (نسل) آن (خلاف کار) ان قطع خواهد شد. (66)
و مردم شهر در حالی که شادی می‌کردند (به سوی خانه لوط) آمدند. (67)
(لوط) گفت:» در حقیقت اینان میهمانان من‌اند، پس [مرا] رسوا مکنید؛ (68)
و خودتان را از (عذاب) خدا حفظ کنید، و [مرا] خوار مسازید. « (69)
(قوم لوط) گفتند:» و آیا تو را از (میهمان پذیری) جهانیان منع نکردیم؟! « (70)
ترجمه قرآن، ص: 266
(لوط) گفت:» اگر می‌خواهید کار (صحیحی) انجام دهید اینان دختران من‌اند، (با آنها ازدواج کنید.) « (71)
به جان تو سوگند، قطعاً آنان در مستی خود سرگردانند. (72)
و در حال طلوع خورشید بانگ (مرگبار) آنان را فرو گرفت؛ (73)
و آن (شهر) را زیر و رو گرداندیم، و سنگ [هایی از جنس گِل بر آنان باراندیم! (74)
قطعاً در این (سرگذشت)، نشانه‌هایی (عبرت‌آموز) برای هوشیاران است. (75)
و قطعاً آن (شهر ویران)، بر سر راه پایدار (مسافران) است. (76)
قطعاً در این (ماجرا)، نشانه‌ای (امید بخش) برای مؤمنان است. (77)
و مسلماً اهل ایْکَه (سرزمین پر درخت قوم شعیب) ستمکار بودند. (78)
و از آنان انتقام گرفتیم؛ و قطعاً دو (شهر ویران شده قوم لوط و شعیب) بر سر راهی آشکار است. (79)
و بیقین اهل حِجْر (قوم ثمود) فرستادگان [خدا] را تکذیب کردند؛ (80)
و نشانه‌های خود را به آنان دادیم، و [لی از آنها روی گردان بودند. (81)
و در حال امنیت، همواره از کوه‌ها خانه‌هایی می‌تراشیدند. (82)
و صبحگاهان بانگ (مرگبار) آنان را فرو گرفت! (83)
و آنچه همواره کسب می‌کردند، (عذاب الهی را) از آنان دفع نکرد. (84)
و آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن دو است، جز به حق نیافریدیم؛ و ساعت (قیامت) قطعاً آمدنی است؛ پس با گذشتی زیبا، (از مخالفان)

درگذر. (85)
براستی که تنها پروردگار تو، فراوان آفرین داناست. (86)
و بیقین هفت (آیه از سوره حمد با نزول) دوباره، و قرآن بزرگ را به تو دادیم. (87)
هرگز چشمانت را خیره مکن، به آنچه که گروه‌هایی از آن (کافر) ان را بدان بهره‌مند کردیم، و بر (بی‌ایمانی و ثروت اندوزی) آنان غم مخور، و بال (عطوفت و فروتنی) خود را برای مؤمنان فرو آر؛ (88)
و بگو:» در واقع من تنها هشدار دهنده روشنگرم! « (89)
(ما بر کافران عذابی می‌فرستیم) همانگونه که بر تبعیض‌گران (آیات الهی) فرو فرستادیم؛ (90)
ترجمه قرآن، ص: 267
(همان) کسانی که قرآن را تقسیم کردند. (91)
و به پروردگارت سوگند، که حتماً از همه آنان پرسش خواهیم کرد؛ (92)
از آنچه همواره انجام می‌دادند. (93)
و آنچه را که (بدان) فرمان داده شده‌ای آشکار کن؛ و از مشرکان روی برتاب؛ (94)
[چرا] که ما تو را (از شرّ) مسخره کنندگان، کفایت می‌کنیم. (95)
(همان) کسانی که معبود دیگری با خدا قرار می‌دهند. و [لی بزودی خواهند دانست! (96)
و بیقین می‌دانیم که تو بخاطر آنچه می‌گویند سینه‌ات تنگ می‌شود؛ (97)
پس با ستایش پروردگارت تسبیح (او) گوی؛ و از سجده کنندگان باش! (98)
و پروردگارت را پرستش کن، تا تو را یقین (مرگ) فرا رسد. (99)

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
فرمان خدا (برای مجازات مشرکان) فرا رسید، پس بدان شتاب مورزید؛ او منزّه و برتر است از آنچه شریک (او) قرار می‌دهند. (1)
فرشتگان را با» روح «به فرمانش، بر هر کس از بندگانش بخواهد فرو می‌فرستد، که (به مردم) هشدار دهید که یقیناً هیچ معبودی جز من نیست؛ پس خودتان را (از عذاب من) حفظ کنید. (2)
آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید؛ [خدا] برتر است از آنچه شریک (او) قرار می‌دهند. (3)
انسان را از آب اندکِ سیّال آفرید؛ و آنگاه او دشمنی آشکار (و مدافعی روشنگر) شد. (4)
و دام‌ها را برای شما آفریدشان، در حالی که در آنها، (وسیله) پوششی و سودهای (دیگر) است؛ و از (گوشت) آنها می‌خورید. (5)
و در آنها برای شما زیبایی است، آنگاه که [آنها را] از چراگاه بر می‌گردانید و هنگامی که (صبحگاهان) به چراگاه می‌فرستید. (6)
ترجمه قرآن، ص: 268
و بارهای سنگین شما را به سرزمینی حمل می‌کنند که جز با مشقّت جان‌ها بدان نمی‌رسیدید؛ [چرا] که پروردگارتان حتماً مهربانی مهرورز است. (7)
و اسب‌ها و استرها و الاغ‌ها را [نیز آفرید،] تا بر آنها سوار شوید و زیور (شما) باشد؛ و آنچه را که نمی‌دانید می‌آفریند. (8)
و (بیان) راه معتدل و راست بر عهده خداست، و برخی از آن (راه‌ها) کژ است؛ و اگر (بر فرض خدا) می‌خواست حتماً همه شما را (به اجبار) راهنمایی می‌کرد. (9)
او کسی است که از آسمان، آبی فرو فرستاد، که برای شما از آن آشامیدنی است؛ و از آن روییدنی‌های ساقه‌داری است که [حیوانات را] در آن می‌چرانید. (10)
با آن (آب) برای شما زراعت و زیتون و درختان خرما و انگورها، و از همه محصولات می‌رویاند؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌ای است برای گروهی که تفکّر می‌کنند. (11)
و (منافع) شب و روز و خورشید و ماه را مسخّر شما کرد؛ و (نیز منافع) ستارگان به فرمان (و تدبیر) او مسخّر (شما) هستند؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که خردورزی می‌کنند. (12)
و آنچه را در زمین برای شما با رنگ‌های متفاوتش آفرید و منتشر کرد، (مسخّر شما ساخت)؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌ای است برای گروهی که

متذکّر می‌شوند. (13)
و او کسی است که دریا را رام ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید؛ و از آن زیوری که آن را می‌پوشید بیرون آورید؛ و کشتی‌ها را در آن (آب) شکافنده می‌بینی، و (دریا را رام شما ساخت) تا از بخشش او (بهره) جویید؛ و تا شاید شما سپاسگزاری کنید. (14)

و در زمین، [کوه‌های استواری افکند [مبادا] که شما را بلرزاند؛ و نهرها و راه‌هایی [قرار داد،] تا شاید شما راهنمایی شوید. (15)
و نشانه‌هایی (نیز قرار داد) و آن (مردم) ان به وسیله ستاره [ها] رهنمون می‌شوند. (16)
و آیا کسی که می‌آفریند، همچون کسی است که نمی‌آفریند؟! آیا (غافلید) و متذکّر نمی‌شوید؟! (17)
و اگر نعمت [های خدا را بشمارید، نمی‌توانید آنها را شمارش کنید؛ قطعاً خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (18)
و خدا آنچه را پنهان می‌دارید و آنچه را آشکار می‌سازید، می‌داند. (19)
و کسانی که (مشرکان آنان را) غیر از خدا می‌خوانند، هیچ چیزی را نمی‌آفرینند؛ در حالی که آنان آفریده شده‌اند. (20)
(بتان) مردگانی غیر زنده‌اند، و (با درک حسّی) متوجه نمی‌شوند که چه زمانی برانگیخته خواهند شد. (21)
معبود شما معبودی یگانه است؛ و [لی کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، دل‌هایشان انکار کننده (حق) است، و آنان مستکبرند. (22)
قطعاً خدا آنچه را پنهان می‌کنند و آنچه را آشکار می‌سازند می‌داند؛ در حقیقت او مستکبران را دوست نمی‌دارد. (23)
و هنگامی که به آن (مستکبر) ان گفته شود:» پروردگار شما چه فرو فرستاده است؟! «می‌گویند:» افسانه‌های پیشینیان. « (24)
تا روز رستاخیز، بارهای سنگین (گناهان) شان را کاملًا و برخی بارهای سنگین (گناهان) کسانی را که بدون هیچ دانشی گمراهشان می‌کنند، بر دوش کشند؛ آگاه باشید، چه بد است آنچه را که بر دوش می‌کشند! (25)
بیقین کسانی که پیش از آنان بودند (نیز) فریبکاری کردند؛ و [لی خدا از (ناحیه) پایه‌ها به سراغ (ویرانی) ساختمانشان رفت، و سقف از بالای [سر] شان بر آنان فرو افتاد؛ و عذاب (الهی) از جایی که (با درک حسّی) متوجه نمی‌شدند به سراغشان آمد. (26)

سپس در روز رستاخیز آنان را خوار می‌سازد؛ و می‌گوید:» کجایند شریکان من، (همان) کسانی که در باره آنان (با پیامبران و مؤمنان) مخالفت می‌کردید؟! «کسانی که به آنان علم داده شده، می‌گویند:» در واقع امروز،

رسوایی و بد [بختی بر کافران است! « (27)
(همان) کسانی که فرشتگان (جان‌های) آنان را به طور کامل می‌گیرند در حالی که به خویشتن ستمکار بودند؛ پس [سر] تسلیم فرو افکنند (و گویند:) ما هیچ [کار] بدی انجام نمی‌دادیم! آری، در واقع خدا به آنچه همواره انجام می‌دادید داناست. (28)
(به کافران گفته می‌شود:) پس از درهای جَهنّم وارد شوید در حالی که در آنجا ماندگارید؛ و واقعاً جایگاه متکبّران چه بد است! (29)
و به کسانی که (خود نگهداری و) پارسایی کرده‌اند، گفته شود:» پروردگار شما چه چیزی فرو فرستاده است؟ «گویند:» نیکی. «برای کسانی که در این دنیا نیکی کردند، نیکی است؛ و حتماً سرای آخرت بهتر است؛ و واقعاً سرای پارسایان (خود نگهدار) چه خوب است! (30)
(همان) بوستان‌های (ویژه) ماندگاری که وارد آن می‌شوند؛ در حالی که نهرها از زیر [درختان ش روان است؛ [و] تنها برای آنان، آنچه را که بخواهند در آنجا هست؛ اینگونه خدا پارسایان (خود نگهدار) را پاداش می‌دهد. (31)
(همان) کسانی که فرشتگان (جان‌های) آنان را به طور کامل می‌گیرند، در حالی که پاکیزه‌اند؛ (و به آنان) می‌گویند:» سلام بر شما! به خاطر اعمالی که همواره انجام می‌دادید، وارد بهشت شوید. « (32)
آیا انتظاری غیر از این دارند که فرشتگان (مرگ) به سراغشان آیند، یا فرمان پروردگارت (برای عذاب) فرا رسد؟ اینگونه انجام دادند کسانی که پیش از آنان بودند. خدا به آنان ستم نکرده و لیکن همواره بر خودشان ستم می‌کردند. (33)
و بدی‌های اعمالشان به آنان در رسید؛ و آنچه که همواره آن را ریشخند می‌کردند، آنان را فرو گیرد. (34)
ترجمه قرآن، ص: 271
و کسانی که شرک ورزیدند، گفتند:» اگر (بر فرض) خدا می‌خواست، ما و پدرانمان هیچ چیزی جز او را پرستش نمی‌کردیم؛ و هیچ چیزی را بدون (اجازه) او ممنوع نمی‌کردیم. «اینگونه انجام دادند کسانی که پیش از آنان بودند. و [لی آیا بر فرستادگان (خدا، وظیفه‌ای) جز رساندن [پیام روشنگر و] آشکار است؟! (35)
و بیقین در هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم (تا بگوید) که: خدا را بپرستید؛ و از طغیان‌گر (ان و بت‌ها) دوری کنید. پس، برخی از آنان کسانی هستند که خدا (آنها را) راهنمایی کرده؛ و برخی از آنان کسانی هستند که گمراهی بر آن (ان) ثابت گردیده است. پس در زمین گردش کنید و بنگرید، که فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است. (36)
اگر بر راهنمایی آن (گمراه) ان حریص باشی (سودی ندارد)؛ چرا که خدا

کسی را که در گمراهی وا نهاده، راهنمایی نمی‌کند؛ و هیچ یاوری برایشان نیست. (37)
و با شدیدترین سوگندهایشان به خدا قسم خوردند که:» خدا کسی را که می‌میرد، بر نمی‌انگیزد! «آری (این رستاخیز) وعده حقی بر عهده اوست؛ و لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند. (38)
(مردگان را بر می‌انگیزد) تا آنچه را که در آن اختلاف می‌کردند، برای آنان روشن بیان کند؛ و تا کسانی که کفر ورزیدند، بدانند که (خود) آنان دروغگو بودند. (39)
هنگامی که چیزی را می‌خواهیم، سخن ما به آن، فقط [این است که بدان می‌گوییم:» باش! «پس [فوراً موجود] می‌شود. (40)
و کسانی که پس از ستمدیدگی، در (راه) خدا هجرت کردند، حتماً در این دنیا جایگاه نیکویی به آنان می‌دهیم؛ و البته پاداش آخرت، بزرگ‌تر است اگر (بر فرض) می‌دانستند. (41)
(مهاجران) کسانی هستند که شکیبایی کردند، و تنها بر پروردگارشان توکّل می‌کنند. (42)
ترجمه قرآن، ص: 272
و پیش از تو، جز مردانی که به سوی آنان وحی می‌کردیم، نفرستادیم؛ پس اگر نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید. (43)
(پیامبران را) با دلیل‌های روشن (معجزه آسا) و نوشته‌های متین (فرستادیم.) و آگاه کننده (قرآن) را به سوی تو فرو فرستادیم، تا آنچه را که به سوی مردم فرود آمده، برای آنان روشن کنی؛ و تا شاید آنان تفکّر کنند. (44)
پس آیا کسانی که فریبکاری بد می‌کنند، ایمن شده‌اند از اینکه خدا آنان را در زمین فرو برد یا از جایی که (با درک حسّی) متوجه نمی‌شوند، عذاب به سراغشان آید؟! (45)
و یا در حال رفت و آمدشان، (عذاب) آنان را بگیرد، و آنان عاجز کننده (خدا) نیستند؟! (46)
یا با کاستن تدریجی و هراس‌انگیز آنان را گرفتار سازد؟! چرا که پروردگار شما، حتماً مهربان [و] مهرورز است. (47)
و آیا به چیز [های ی که خدا آفریده است، نظر نکرده‌اند، که سایه‌هایش از [جانب‌های راست و چپ در حرکتند، در حالی که آنان برای خدا سجده‌کنان فروتنند؟! (48)
آنچه از جنبندگان در آسمان‌ها و آنچه در زمینند و فرشتگان، تنها برای خدا سجده می‌کنند؛ در حالی که آن (فرشتگ) ان تکبّر نمی‌ورزند. (49)
(و) از (مخالفت) پروردگارشان، که بر فراز آنها (حاکم) است، ترسانند؛ و آنچه را فرمان داده شده‌اند انجام می‌دهند. (50)

و خدا فرمود:» دو معبود (برای خود) مگیرید، چرا که او تنها معبود یگانه است؛ پس فقط از (مخالفت) من بهراسید! « (51)
و آنچه در آسمان‌ها و زمین است، فقط از آنِ اوست؛ و دین پایدار (خالص) تنها از آنِ اوست؛ پس آیا از (عذاب) غیر خدا، خودنگهداری می‌کنید؟! (52)
و آنچه شما از نعمت دارید، از خداست؛ سپس هنگامی که زیان به شما رسد، پس تنها به سوی او ناله و زاری می‌کنید. (53)
سپس هنگامی که زیان را از شما برطرف کند، بناگاه دسته‌ای از شما به پروردگارشان شرک می‌ورزند! (54)
ترجمه قرآن، ص: 273
تا آنچه را به آنان داده‌ایم، ناسپاسی کنند! پس (چند روزی از دنیا) بهره گیرید، و [لی در آینده خواهید دانست! (55)
و از آنچه به آن (مشرک) ان روزی داده‌ایم، سهمی برای آنچه (از بت‌ها که سود و زیانشان را) نمی‌دانند قرار می‌دهند؛ به خدا سوگند، (در رستاخیز،) از آنچه همواره [دروغ می‌بندید، قطعاً بازپرسی خواهید شد! (56)
و (مشرکان) دختران را برای خدا قرار می‌دهند؛ در حالی که تنها برای [خود] شان، آنچه را میل دارند (قرار می‌دهند)؛ او منزه است (از اینکه فرزندی داشته باشد) (57)
و هر گاه به یکی از آن (مشرک) ان مژده (تولد) دختر داده شود، چهره‌اش سیاه می‌گردد؛ در حالی که او خشم شدید (خود) را فرو برد. (58)
از بدی آنچه به او مژده داده شده، از قوم [خود] پنهان می‌شود؛ (و فکر می‌کند که) آیا او را با خواری نگه دارد، یا در خاک پنهانش کند؟! آگاه باشید که چه بد داوری می‌کنند! (59)
مثال بد، برای کسانی است که به آخرت ایمان نمی‌آورند، و مثال والاتر فقط از آنِ خداست؛ و او شکست‌ناپذیرِ فرزانه است. (60)
و اگر (بر فرض) خدا مردم را بخاطر ستمکاریشان مؤاخذه می‌کرد، هیچ جنبنده‌ای بر آن [زمین باقی نمی‌گذارد! و لیکن آنان را تا سرآمد معین (مرگِ حتمی) به تأخیر می‌اندازد؛ و هنگامی که (پایان) سرآمد آنان فرا رسد، هیچ ساعتی تأخیر نمی‌کنند، و پیشی نمی‌گیرند. (61)
و (کافران) آنچه را که ناخوش دارند، برای خدا قرار می‌دهند؛ و زبان‌هایشان دروغ‌پردازی می‌کند که نیکی، تنها برای آنان است؛ قطعاً آتش فقط برای آنان است؛ و آنان پیشگامان (دوزخ) اند. (62)
به خدا سوگند، یقیناً به سوی امت‌هایی که پیش از تو بودند (پیامبرانی) فرستادیم؛ و [لی شیطان کارهای آنان را در نظرشان آراست؛ و امروز او سرپرست آنان است؛ و عذاب دردناکی برای آنهاست! (63)
و کتابِ (قرآن) را بر تو فرو نفرستادیم مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف کردند، برای آنان روشن کنی؛ و رهنمود و رحمتی باشد برای

گروهی که ایمان می‌آورند. (64)
ترجمه قرآن، ص: 274
و خدا از آسمان، آبی فرو فرستاد؛ و با آن زمین را، پس از مردنش زنده نمود؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌ای است برای گروهی که گوش شنوا دارند. (65)
و قطعاً در (وجود) دام‌ها، برای شما عبرتی است: از آنچه در شکم آنهاست، از میان غذاهای هضم شده و خون، شیری خالص به شما می‌نوشانیم که برای نوشندگان گواراست. (66)
و از محصولات درختان خرما و انگورها، [شراب مستی‌بخش و روزی نیکو از آن [ها] می‌گیرید؛ قطعاً در آن [ها]، نشانه‌ای است برای گروهی که خردورزی می‌کنند. (67)
و پروردگارت به زنبور عسل وحی (الهام غریزی) نمود که:» از بخشی از کوه‌ها و از درختان و از آنچه داربست می‌کنند، خانه‌هایی برگزین؛ (68)
سپس از همه محصولات بخور و راه‌های پروردگارت را فروتنانه بپیمای. «از شکم‌هایشان نوشیدنی (عسل) بیرون می‌آید که رنگ‌هایش متفاوت [و] در آن برای مردم درمانی است؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌ای است برای گروهی که تفکّر می‌کنند! (69)
و خدا شما را آفرید، سپس (جان) شما را به صورت کامل می‌گیرد؛ و از شما کسی است که به خوارترین (دوران) عمر برگردانده می‌شود، تا بعد از آگاهی هیچ چیزی نداند؛ براستی که خدا داناىِ تواناست. (70)
و خدا برخی از شما را در» روزی «، بر برخی [دیگر] برتری داد؛ و [لی کسانی که برتری داده شده‌اند، رزقشان را به آنچه (از بردگان) که آنان مالکند، نمی‌دهند، پس آنان در آن یکسان شوند؛ و آیا نعمت خدا را انکار می‌کنند؟! (71)
و خدا برای شما از (جنس) خودتان همسرانی قرار داد؛ و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگانی مقرر کرد؛ و از پاکیزه‌ها به شما روزی داد؛ پس آیا به باطل ایمان می‌آورند، و آنان نعمت خدا را انکار می‌کنند؟! (72)
ترجمه قرآن، ص: 275
و غیر از خدا، چیزی را می‌پرستند که هیچ رزقی را از آسمان‌ها و زمین برای آنان مالک نیستند؛ و توان (این کار را نیز) ندارند. (73)
پس برای خدا مثل‌ها (ی ناروا) نزنید! [چرا] که خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید. (74)
خدا مثلی زده: برده‌ای زر خرید، که توانایی بر هیچ چیزی ندارد، و شخص (آزاده با ایمان) ی را که از جانب خود، روزیِ نیکو به او روزی کرده‌ایم، و او پنهانی و آشکارا، از آن (در راه خدا) مصرف می‌کند، آیا (این دو نفر) مساویند؟! ستایش مخصوص خداست؛ ولی بیشتر آنان نمی‌دانند. (75)

و خدا مثل (دیگر) ی زده: دوَ مردی که یکی از آن دو، گنگ مادرزادی است که توانایی بر هیچ چیزی ندارد، و او سَر باری بر سرپرستش می‌باشد، هر جا که او را متوجه (کاری) می‌کند، هیچ خیری (به همراه) نمی‌آورد، آیا او و کسی که به عدالت فرمان می‌دهد و خود بر راهی راست است، یکسانند؟! (76)
و نهان آسمان‌ها و زمین، فقط از آنِ خداست؛ و کار ساعت (قیامت) جز همانند چشم بر هم زدن نیست، بلکه آن نزدیک‌تر است؛ [چرا] که خدا بر هر چیزی تواناست. (77)
و خدا شما را از شکم‌های مادرانتان بیرون آورد در حالی که هیچ چیزی نمی‌دانستید؛ و برای شما، گوش و چشم‌ها و دل‌ها [ی سوزان قرار داد، تا شاید شما سپاسگزاری کنید. (78)
آیا به سوی پرندگان نظر نمی‌کنند؟ در حالی که در هوای فراز آسمان رام شده [و] جز خدا آنها را نگاه نمی‌دارد؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌هایی است، برای گروهی که ایمان می‌آورند. (79)
ترجمه قرآن، ص: 276
و خدا برای شما از خانه‌هایتان (مایه) آرامش قرار داد؛ و از پوست‌های دام‌ها خانه‌هایی را برای شما قرار داد که آن [ها] را روز مسافرتتان و روز اقامتتان، سبک می‌یابید؛ و از پشم‌های آنها و کُرک‌هایشان و موهای آنها، اثاث (منزل) و کالایی تا زمانی [معیّن قرار داد]. (80)
و خدا از آنچه آفریده است سایه‌هایی برای شما قرار داده؛ و از کوه‌ها برای شما پناهگاه‌هایی مقرر کرد؛ و برای شما پیراهن‌هایی قرار داده، که شما را از گرما حفظ می‌کند؛ و پیراهن‌های (زره پوش) که شما را از سختی (جنگ‌های) تان محافظت می‌کند؛ اینگونه نعمتش را بر شما تمام می‌کند، تا شاید شما تسلیم (فرمان او) شوید. (81)
و اگر روی بر تافتند، پس فقط رساندن [پیام روشنگر و] آشکار بر عهده توست. (82)
نعمت خدا را می‌شناسند، سپس آن را انکار می‌کنند! در حالی که بیشترشان کافرند. (83)
و (یاد کن) روزی را که از هر امتی گواهی (بر آنان) بر می‌انگیزیم؛ سپس به کسانی که کفر ورزیدند، رخصت (سخن گفتن) داده نمی‌شود؛ و از آنان تقاضای عذرخواهی نمی‌شود، (تا مورد رضایت قرار گیرند). (84)
و هنگامی که کسانی که ستم کرده‌اند، عذاب را ببینند، پس از (عذاب) آنان کاسته نمی‌شود؛ و آنان مهلت داده نمی‌شوند. (85)
و هنگامی که کسانی که شرک ورزیدند، شریک‌های (معبود) شان را ببینند، می‌گویند:» [ای پروردگار ما! اینان شریکان ما هستند (همان) کسانی که (ما آنان را) غیر از تو همواره می‌خواندیم (و می‌پرِستیدیم.) «و [لی

شریکان به سوی آنان سخن پراکنی می‌کنند:» که قطعاً شما دروغگویید. « (86)
و در آن روز، در برابر خدا سر تسلیم فرو افکنند، و آنچه را همواره (بر خدا شریک) می‌بستند از (نظر) ایشان گم شود. (87)
ترجمه قرآن، ص: 277
کسانی که کفر ورزیدند و (مردم را) از راه خدا باز داشتند، بخاطر فسادی که همواره می‌کردند، عذابی بر عذاب آنان می‌افزاییم! (88)
و (یاد کن) روزی را که از هر امّتی، گواهی از خودشان بر آنان بر می‌انگیزیم؛ و تو را (نیز) بر آنان شاهد آوردیم. و کتاب (قرآن) را بر تو فرو فرستادیم که بیانگر هر چیز (از کلیات دین) و رهنمود و رحمت و مژده‌ای برای مسلمانان است. (89)
در واقع خدا، به عدالت و نیکی و ادای (حق) نزدیکان فرمان می‌دهد؛ و از [کار] زشت و ناپسند و ستم منع می‌کند؛ (خدا) شما را پند می‌دهد، تا شاید شما متذکّر شوید. (90)
و به عهد خدا چون پیمان بستید، وفا کنید؛ و سوگندها را بعد از استوار کردن آنها مَشکنید، در حالی که خدا را ضامن بر (سوگندهای) تان قرار داده‌اید؛ [چرا] که خدا از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. (91)
و همانند آن [زنی که رشته خود را پس از محکم (بافتن) وا تابیده از هم می‌گسست، مباشید؛ در حالی که سوگندهایتان را دستاویز (فساد) بین خودتان بر می‌گیرید، بخاطر اینکه گروهی، از گروه [دیگر] افزون‌ترند؛ خدا شما را فقط بدان آزمایش می‌کند؛ و روز رستاخیز آنچه را که همواره در آن اختلاف داشتید، قطعاً برای شما روشن می‌سازد. (92)
و اگر (بر فرض) خدا می‌خواست، حتماً شما را یک امّت قرار می‌داد؛ و لیکن هر کس را بخواهد (بخاطر اعمالش) در گمراهی وا می‌نهد، و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) راهنمایی می‌کند؛ و قطعاً از آنچه همواره انجام می‌دادید، بازپرسی خواهید شد. (93)
ترجمه قرآن، ص: 278
و سوگندهایتان را دستاویز (فساد) در بین خودتان بر نگیرید، تا گامی، بعد از استواریش بلغزد؛ و بخاطر آنکه (مردم را) از راه خدا باز داشتید، (آثار) بد (آن) را بچشید! و برای شما، عذاب بزرگی است! (94)
و پیمان الهی را با بهای اندکی نفروشید؛ در حقیقت آنچه نزد خداست، آن برای شما بهتر است اگر بدانید. (95)
آنچه نزد شماست پایان می‌گیرد؛ و [لی آنچه نزد خداست باقی است؛ و قطعاً کسانی که شکیبایی کردند، مزدشان را بر طبق بهترین چیزی که همواره انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد. (96)
هر کس از مرد یاِ زن، [کار] شایسته‌ای انجام دهد، در حالی که او مؤمنِ

است، پس قطعاً او را به زندگانی پاکیزه‌ای زنده می‌داریم؛ و حتماً مزدشان را بر طبق بهترین چیزی که همواره انجام می‌دادند، به آنان پاداش خواهیم داد. (97)
و هنگامی که قرآن را می‌خوانی، پس از (وسوسه‌های) شیطان رانده شده، به خدا پناه ببر! (98)
[چرا] که او، بر کسانی که ایمان آورده‌اند، و تنها بر پروردگارشان توکّل می‌کنند، هیچ تسلّطی برایش نیست؛ (99)
تسلّط او تنها بر کسانی است که وی را به سرپرستی می‌گیرند؛ و (بر) کسانی که آنان به او (خدا) مشرکند. (100)
و هنگامی که (حکمِ) آیه‌ای را به جای (حکم) آیه‌ای [دیگر] جایگزین کنیم- و خدا به آنچه فرو می‌فرستد داناتر است- (مشرکان) می‌گویند:» تو تنها دروغ‌پردازی. « (چنین نیست) بلکه بیشترشان نمی‌دانند. (101)
(ای پیامبر) بگو:» روح پاک، آن (قرآن) را از طرف پروردگارت به حق فرو آورد، تا کسانی را که ایمان آورده‌اند، استوار گرداند؛ و رهنمود و مژده‌ای برای مسلمانان باشد. « (102)
ترجمه قرآن، ص: 279
و بیقین می‌دانیم که آنان می‌گویند:» (این قرآن را) تنها بشری به او می‌آموزد. «در حالی که زبان کسی که به او نسبت می‌دهند مبهم (و غیر عربی) است؛ و این (قرآن، به) زبان عربی روشن است. (103)
در واقع، کسانی که به آیات خدا ایمان نمی‌آورند، خدا آنان را راهنمایی نمی‌کند؛ و برای آنان عذاب دردناکی است. (104)
تنها کسانی که به آیات خدا ایمان نمی‌آورند، (به او) دروغ می‌بندند؛ و آنان فقط دروغگویند. (105)
هر کس بعد از ایمان آوردنش، به خدا کفر ورزد (مجازات می‌شود.)- مگر کسی که اکراه شده، در حالی که دلش به ایمان آرام گرفته است- و لیکن، هر کس (درِ دل و) سینه به روی کفر گشاید، پس خشمی از طرف خدا بر آنان است، و برایشان عذابی بزرگ است! (106)
این بخاطر آن است که آنان زندگی پست (دنیا) را بر آخرت ترجیح دادند؛ و (به سبب) آنکه خدا گروه کافران را راهنمایی نمی‌کند. (107)
آنان کسانی هستند که خدا بر دل‌هایشان و گوش آنان و چشمانشان مُهر نهاده؛ و آنان فقط غافلند. (108)
قطعاً آنان در آخرت فقط زیانکارند. (109)
سپس در حقیقت پروردگارت برای کسانی که بعد از آزمایش شدنشان (و کفرگویی) هجرت نمودند، سپس جهاد کردند و شکیبایی نمودند (یاری‌گر است)؛ البته پروردگارت، بعد از این (کارها،) بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (110)

ترجمه قرآن، ص: 280
(یاد کن) روزی را که هر کس می‌آید، که از خودش دفاع کند؛ و هر کس، آنچه را انجام داده، به طور کامل بازپس داده می‌شود؛ در حالی که آنان مورد ستم واقع نمی‌شوند. (111)
خدا مَثَلی زده: آبادی که أمن [و] آرام بود، [و] روزی‌اش از هر جا فراوان و گوارا، به (مردم) ش می‌رسید، و [لی نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند، پس خدا بخاطر آنچه همواره با زیرکی انجام می‌دادند، (طعم) پوشش گرسنگی و ترس را به آن (مردم) چشاند. (112)
و بیقین فرستاده‌ای از میان آنان به سراغشان آمد، و او را تکذیب کردند؛ پس عذاب [الهی آنان را فرو گرفت در حالی که آنان ستمکار بودند. (113)
پس، از آنچه خدا روزی شما نموده، در حالی که حلال [و] پاکیزه است بخورید؛ و نعمت خدا را سپاس گویید، اگر شما تنها او را می‌پرستید. (114)
[خدا]، تنها (خوردن) مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که [به هنگام سر بریدن نام غیر خدا بر آن بانگ زده شده، بر شما حرام کرده است؛ و [لی کسی که ناچار شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد، پس (گناهی بر او نیست؛ چرا) که خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (115)
و برای آنچه زبان‌های شما دروغ‌پردازی می‌کند، مَگویید:» این حلال است و این حرام. «تا بر خدا دروغ بندید، در حقیقت کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند، رستگار نمی‌شوند. (116)
(بهره آنان از این دنیا) کالای اندکی است؛ و برایشان عذاب دردناکی است! (117)
و آنچه را پیش از [این بر تو حکایت کردیم، بر کسانی که یهودی شدند، حرام نمودیم؛ و (ما) به آنان ستم نکردیم، و لیکن همواره بر خودشان ستم می‌کردند. (118)
ترجمه قرآن، ص: 281
سپس در واقع پروردگارت برای کسانی که از روی جهالت، [کار] بدی انجام داده‌اند، آنگاه بعد از آن توبه کرده و اصلاح نمودند (یاری‌گر است)؛ البته پروردگارت بعد از آن (کارها) بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (119)
براستی که ابراهیم (سرچشمه) امت، [و فروتن و] فرمانبردار خدا [و] حق‌گرا بود؛ و از مشرکان نبود؛ (120)
[و] سپاسگزار نعمت‌های او بود؛ [خدا] او را برگزید؛ و وی را به راهی راست رهنمایی کرد؛ (121)
و در دنیا به او نیکی دادیم؛ و قطعاً او در آخرت از شایستگان است. (122)

سپس به سوی تو وحی کردیم که از آیین ابراهیم پیروی کن، در حالی که حق‌گراست و از مشرکان نبود. (123)
(تحریم‌ها و تعطیلی روز) شنبه، تنها بر کسانی مقرر گردید که درباره آن اختلاف کردند؛ و قطعاً پروردگارت روز رستاخیز، در باره آنچه همواره در آن اختلاف می‌کردند، میان آنان داوری می‌کند. (124)
با حکمت و پندِ نیکو، به راه پروردگارت فرا خوان، و با آنان به آن (شیوه‌ای) که نیکوتر است، مناظره کن! در حقیقت پروردگارت خود، به کسی که از راهش گمراه گشته، داناتر است و او به (حال) ره یافتگان (نیز) داناتر است. (125)
و اگر (خواستید) کیفر کنید، پس همانند چیزی که بدان مجازات شُدید، کیفر دهید؛ و اگر شکیبایی کنید، البته آن برای شکیبایان بهتر است. (126)
و شکیبایی کن، و شکیبایی تو جز به (توفیق) خدا نیست؛ و بر (بی‌ایمانی) آنان غم مخور؛ و از آنچه فریبکاری می‌کنند (دل) تنگ مباش؛ (127)
[چرا] که خدا، با کسانی است که خود نگهداری (و پارسایی) می‌کنند، و کسانی که آنان نیکو کارند. (128)
ترجمه قرآن، ص: 282

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
منزه است آن (خدایی) که بنده‌اش را شبانگاهی، از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی، که پیرامونش را پر برکت کرده‌ایم، سیر داد، تا برخی از نشانه‌هایمان را به او بنمایانیم؛ که تنها او شنوا [و] بینای (حقیقی) است. (1)
و به موسی کتاب (الهی) دادیم؛ و آن را رهنمودی برای بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) قرار دادیم؛ که: غیر من کارسازی نگیرید. (2)
[ای نسل کسانی که با نوح (بر کشتی) سوار کردیم! براستی که او بنده‌ای بسیار سپاسگزار بود. (3)
و در کتاب (تورات) به بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) اعلام کردیم که: قطعاً دو بار در [روی زمین فساد خواهید کرد، و حتماً با سرکشیِ بزرگی برتری خواهید نمود. (4)
و هنگامی که نخستین وعده (از آن) دو فرا رسد، (گروهی از) بندگان سخت نیرومند (و جنگ آور) مان را بر شما بشورانیم، و میان خانه‌ها (یتان برای سرکوبی شما) به جستجو در آیند؛ و [این وعده‌ای واقع شده است. (5)
سپس دوباره، (پیروزیِ) بر آنان را به شما باز گردانیم، و شما را بوسیله اموال و پسران امداد رسانیم، و نفرات شما را بیشتر (از دشمن) قرار دهیم. (6)
اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید؛ و اگر بدی کنید پس به خود (بدی می‌کنید). و هنگامی که وعده آخر فرا رسد، (مردانی را می‌فرستیم) تا صورت‌هایتان را اندوهگین سازند؛ و تا داخل مسجد (الاقصی) شوند همان گونه که بار اول وارد آن شدند؛ و تا بر آنچه تسلط یابند، کاملًا نابود کنند. (7)
ترجمه قرآن، ص: 283
امید است که پروردگارتان به شما رحم کند؛ و اگر (به فسادگری) باز گردید، (ما نیز به کیفر شما) باز می‌گردیم؛ و جهنّم را برای کافران تنگنا (و زندان) قرار دادیم! (8)
در حقیقت این قرآن، بدان (شیوه‌ای) که آن پایدارتر است، راهنمایی می‌کند؛ و به مؤمنانی که [کارهای شایسته انجام می‌دهند، مژده می‌دهد که برای آنان پاداش بزرگی است. (9)
و اینکه کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، عذاب دردناکی برای آنان آماده ساخته‌ایم! (10)

و انسان بدی را می‌طلبد، همانگونه که او نیکی را می‌طلبد؛ و انسان شتابزده است. (11)
و شب و روز را دو نشانه (خدا) قرار دادیم؛ و نشانه شب را محو کردیم، و نشانه روز را روشنی‌بخش گردانیدیم، تا بخششی را از پروردگارتان بجویید، و تا عدد سال‌ها و حساب را بدانید؛ و هر چیزی را به تفصیل شرحش دادیم. (12)
و هر انسانی فالِ (نیک و بد و عمل) او را بر گردنش بسته‌ایم، و روز رستاخیز، نامه (اعمالی) برای او بیرون می‌آوریم که آن را گشوده می‌یابد. (13)
(و به او گفته می‌شود:) نامه‌ات را بخوان! امروز، حسابرسی خودت بر [ای تو کافی است. (14)
هر کس راه یابد، پس فقط به نفع خودش راه می‌یابد؛ و هر کس گمراه شود، پس فقط به زیان خود گمراه می‌شود؛ و هیچ باربرداری بار سنگین (گناه) دیگری را بر نمی‌دارد؛ و (ما) عذاب کننده (کسی) نیستیم، تا اینکه فرستاده‌ای برانگیزیم. (15)
و هر گاه بخواهیم که (مردم) آبادی را هلاک کنیم، به سردمداران ثروتمندش فرمان می‌دهیم و [لی در آنجا نافرمانی می‌کنند، پس آن گفتار (وعده عذاب) بر آن (مردم) تحقق یابد، و آن (شهر) را کاملاً درهم می‌کوبیم. (16)
و چه بسیار گروه‌هایی که بعد از نوح هلاک کردیم! و آگاهی [و] بینایی پروردگارت به پیامدهای (گناهان) بندگانش کافی است. (17)
ترجمه قرآن، ص: 284
هر کس همواره (فقط دنیای) زودگذر را می‌خواهد، آنچه را می‌خواهیم، به هر کس اراده کنیم در این (دنیا)، به او شتابان می‌دهیم؛ سپس جهنّم را برای او قرار می‌دهیم؛ در حالی که نکوهیده و رانده شده در آن وارد می‌شود (و می‌سوزد). (18)
و هر کس آخرت را بخواهد، و برای آن کاملًا کوشش‌اش را بنماید، در حالی که او مؤمن باشد، پس آنان تلاششان سپاسگزاری خواهد شد. (19)
همه را، این (گروه) و آن (گروه) را، از بخشش پروردگارت، امداد می‌دهیم؛ و بخشش پروردگارت (از کسی) منع نشده است. (20)
بنگر چگونه برخی آنان را بر برخی [دیگر] برتری دادیم؛ و حتماً رتبه‌های آخرت بزرگ‌تر و برتری (آن) بیشتر است. (21)
هیچ معبود دیگری را با خدا قرار مده، تا [اینکه نکوهیده [و] بی‌یاور بنشینی. (22)
و پروردگارت فرمان قطعی داده: که جز او را نپرستید؛ و به پدر و مادر نیکی کنید؛ اگر یکی از آن دو، یا هر دو نزد تو به [سنّ پیری برسند، پس به

آن دو» اف « (کوچک‌ترین سخن اهانت‌آمیز) مگوی؛ و آن دو را با پرخاش مران؛ و به آن دو سخنی ارجمند گوی. (23)
و از سر مهر، بال فروتنی برای آن دو فرو آور؛ و بگو:» پروردگارا! آن دو را رحمت کن، همان گونه که مرا در خُردی پرورش دادند. « (24)
پروردگارتان به آنچه در دل‌های شماست، داناتر است؛ اگر شایسته باشید، پس حتماً او برای توبه‌کاران بسیار آمرزنده است. (25)
و حق نزدیکان و بینوا و در راه مانده را، به او بده؛ و با اسرافکاری، (اموال خود را) تلف مکن؛ (26)
[چرا] که اسراف‌کاران و تلف کنندگان (اموال) برادران شیاطینند؛ و شیطان در برابر پروردگارش، بسیار ناسپاس بود. (27)
ترجمه قرآن، ص: 285
و اگر، بخاطر بدست آوردن رحمتی از جانب پروردگارت که بدان امید داری، از آن (نیازمند) ان روی گردانی، پس به آنان سخنی ملاطفت‌آمیز گوی. (28)
و دستت را بسته شده به گردنت قرار مده، (و ترک بخشش منما) و آن (دستانت را برای بخشش) بطور کامل مگشای، تا [اینکه سرزنش شده [و] درمانده بنشینی. (29)
در حقیقت، پروردگارت روزی را برای هر کس که بخواهد (و شایسته بداند) گسترده سازد و تنگ گرداند؛ [چرا] که او نسبت به بندگانش، آگاه [و] بیناست. (30)
و فرزندانتان را از ترس فقر، مَکشید؛ ما آنان و شما را روزی می‌دهیم؛ [چرا] که کشتن آنان گناه بزرگی است! (31)
و نزدیک زنا نشوید؛ [چرا] که آن، زشتکاری است، و بد راهی است. (32)
و شخصی را که خدا (خونش را) حرام کرده، جز بحقّ نکُشید؛ و هر کس که مظلومانه کُشته شده، پس برای سرپرستش تسلّطی (بر قصاص) قرار دادیم؛ و [لی در قتل زیاده‌روی نکند، [چرا] که او یاری شده (خدا) است. (33)
و به ثروت یتیم نزدیک نشوید، جز به آن (روشی) که آن نکوتر است، تا به حدّ رشدش برسد؛ و به پیمان (خود) وفا کنید؛ [چرا] که پیمان مورد پرسش قرار می‌گیرد. (34)
و هنگامی که پیمانه می‌کنید، پیمانه را کاملًا ادا نمایید، و با ترازوی راست (و درست) وزن کنید؛ این بهتر، و فرجام (ش) نیکوتر است. (35)
و از آنچه که هیچ علمی بدان نداری، پیروی مکن؛ [چرا] که گوش و چشم و دل (سوزان)، همگی آنها از آن پرسیده می‌شوند. (36)
و در زمین، با سرمستی و تکبّر راه مرو؛ [چرا] که تو زمین را نمی‌شکافی، و در بلندی به کوه‌ها نمی‌رسی. (37)

همه این [ها] گناهش نزد پروردگارت ناخوشایند است. (38)
ترجمه قرآن، ص: 286
این [ها]، از آن حکمت [های ی است که پروردگارت به سوی تو وحی کرده است؛ و هیچ معبود دیگری را با خدا قرار مده، که سرزنش شده [و] رانده شده، در جهنّم افکنده شوی! (39)
و آیا پروردگارتان شما را به (داشتن) پسران ویژه ساخت، و (خودش) دخترانی از فرشتگان بر گرفت؟! یقیناً شما سخن بزرگی می‌گویید! (40)
و بیقین در این قرآن، (حقایق را) به گونه‌های مختلف بیان کردیم تا متذکّر شوند؛ و [لی آنان را جز نفرت نمی‌افزاید. (41)
بگو:» اگر (بر فرض) آنچنان که می‌گویند با او معبودانی بود، در این صورت حتماً به سوی خداوندِ تخت (جهانداری) راهی می‌جستند. (42)
او منزّه است و از آنچه می‌گویند، با برتری بزرگی والاتر است. (43)
آسمان‌های هفتگانه و زمین و کسانی که در آنها هستند، تسبیح او می‌گویند؛ و هیچ چیزی نیست جز آنکه به ستایش او، تسبیح می‌گوید؛ و لیکن تسبیح آنها را به طور عمیق نمی‌فهمید؛ براستی که او بردبار [و] بسیار آمرزنده است. (44)
و هنگامی که قرآن را می‌خوانی، بین تو و بین کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، مانعی پوشیده (و پوشاننده) قرار می‌دهیم؛ (45)
و بر دل‌های آنان پرده‌ها می‌افکنیم، تا آن را به طور عمیق نفهمند؛ و در گوش‌های آنان سنگینی [قرار می‌دهیم . و هنگامی که پروردگارت را در قرآن به یگانگی‌اش یاد می‌کنی، در حال نفرت، با عقب گردشان روی بر می‌تابند. (46)
هنگامی که به (سخنان) تو گوش فرا می‌دهند، ما داناتریم که به چه [منظور] بدان گوش فرا می‌دهند؛ و (نیز ما بهتر می‌دانیم) هنگامی که آنان رازگویی می‌کنند، آنگاه که ستمگران می‌گویند:» (شما) جز از مردی جادو زده، پیروی نمی‌کنید. « (47)
بنگر چگونه برای تو مَثَل‌ها زدند؛ و گمراه شدند، و (در نتیجه) قدرتِ (پیدا کردنِ) هیچ راهی را ندارند. (48)
و گفتند:» آیا هنگامی که، استخوان و (پوسیده) پراکنده شدیم، آیا حتماً ما با آفرینش جدیدی برانگیخته می‌شویم؟! « (49)
ترجمه قرآن، ص: 287
بگو:» سنگ باشید یا آهن، (50)
یا آفریده‌ای، از آنچه در سینه‌های شما بزرگ است، (باز هم خدا شما را پس از مرگ بر می‌انگیزد)؛ پس بزودی می‌گویند:» چه کسی ما را باز می‌گرداند؟! «بگو:» کسی که نخستین بار شما را آفرید. «پس بزودی سرهایشان را (از روی تمسخُر) به سوی تو تکان می‌دهند! و می‌گویند:»

آن چه زمانى است؟! «بگو:» شايد كه نزديک باشد! (51)
(همان) روزى كه شما را فرا مى‌خواند؛ پس در حال ستايش او، (دعوتش را) مى‌پذيريد؛ و مى‌پنداريد كه جز اندكى (در دنيا و برزخ) درنگ نكرده‌ايد. « (52)
و به بندگانم بگو:» آن (سخنى) كه آن نكوتر است بگويند. «كه شيطان، ميان آنان وسوسه (و فساد) مى‌كند؛ [چرا] كه شيطان براى انسان دشمنى آشكار است. (53)
پروردگارتان به (حالات) شما داناتر است؛ اگر بخواهد (و شايسته باشيد)، بر شما رحمت مى‌آورد؛ و اگر بخواهد، (و مستحق باشيد) شما را عذاب مى‌كند؛ و تو را بر آنان به عنوان كارساز (و نگهبان) نفرستاديم. (54)
و پروردگارت به (حال) كسانى كه در آسمان‌ها و زمين هستند، داناتر است؛ و بيقين برخى پيامبران را بر برخى [ديگر] برترى داديم؛ و به داود،» زبور «داديم. (55)
بگو:» كسانى را بخوانيد كه غير از او (معبود خود) مى‌پنداريد، و (لى آنان اختيارِ) برطرف كردن زيان از شما، و (اختيار) هيچ تغييرى را ندارند. « (56)
آن (معبود) انى كه (مشركان آنان را) مى‌خوانند، (خود) به سوى پروردگارشان تقرّب مى‌جويند (تا بدانند) كداميک از آنان نزديک‌ترند؛ و به رحمت او اميدوارند؛ و از عذاب او مى‌ترسند؛ [چرا] كه عذاب پروردگارت، بيم داده شده است. (57)
و هيچ آبادى نيست جز اينكه ما پيش از روز رستاخيز، هلاک كننده (مردم) آن يا مجازات كننده آن (ان) به عذاب شديدى هستيم! اين، در كتاب (علم الهى) نوشته شده است. (58)
ترجمه قرآن، ص: 288
و (هيچ چيزى) ما را باز نداشت از اينكه نشانه‌ها (ى معجزه‌آسا) را بفرستيم جز اينكه پيشينيان آن [ها] را دروغ انگاشتند؛ و (از جمله) به ثَمُود، ماده شتر داديم؛ در حالى كه (معجزه‌اى) روشنى بخش بود، و [لى از روى كفر] بدان ستم كردند! و نشانه‌ها (ى معجزه‌آسا) را جز براى ترساندن نمى‌فرستيم. (59)
و (ياد كن) هنگامى را كه به تو گفتيم:» در حقيقت پروردگارت به مردم احاطه دارد؛ و (ما) خوابى را كه به تو نمايانديم، و درخت لعنت شده در قرآن را، جز براى آزمايش مردم قرار نداديم؛ و آنان را مى‌ترسانيم، و [لى جز بر سركشى بزرگشان نمى‌افزايد. « (60)
و (ياد كن) هنگامى را كه به فرشتگان گفتيم:» براى آدم سجده كنيد. «و (همگى) سجده كردند، جز ابليس (كه) گفت:» آيا براى كسى سجده كنم كه از گِل آفريده‌اى؟! « (61)

(سپس) گفت:» آیا ملاحظه کردی، این کسی را که بر من برتری دادی؟ اگر (مرگ مرا) تا روز رستاخیز به تأخیر اندازی، جز اندکی از فرزندانش را، حتماً منحرف و ریشه کن خواهم ساخت! « (62)
(خدا) گفت:» برو، و هر کس از آنان از تو پیروی کند، پس حتماً جهنّم با کیفری کامل، سزای شماست! (63)
و از آنان هر کس را می‌توانی با آوایت تحریک کن؛ و بر آنان با سوارانت و پیادگانت، [با فریاد] بتاز؛ و در اموال و فرزندان، با آنان شریک شو؛ و آنان را وعده ده- در حالی که شیطان جز فریب به آنان وعده نمی‌دهد-. (64)
در حقیقت بندگانم را برای تو هیچ تسلّطی بر آنان نیست؛ و کارسازی پروردگارت کافی است. « (65)
پروردگارتان کسی است که کشتی را در دریا برای شما به حرکت در می‌آورد، تا از بخشش او (بهره) جویید؛ [چرا] که او نسبت به شما مهرورز است. (66)
ترجمه قرآن، ص: 289
و هنگامی که در دریا به شما زیان رسد، هر کس را جز او بخوانید، (از نظر شما) گم می‌شود؛ و هنگامی که شما را به خشکی نجات بخشد، روی می‌گردانید؛ و انسان، بسیار ناسپاس است! (67)
و آیا ایمن شدید از اینکه در کنار خشکی شما را در زمین فرو برد، یا طوفان شن را بر شما بفرستد، سپس هیچ کارساز (و نگهبانی) برای خود نیابید؟! (68)
یا ایمن شدید از اینکه بار دیگر شما را به آن (دریا) باز گرداند، و تندباد شکننده‌ای بر شما بفرستد، و شما را به خاطر کفرتان غرق سازد، سپس به خاطر آن (غرق سازی)، برای خود هیچ خونخواهی در برابر ما نیابید؟! (69)
و بیقین فرزندان آدم را گرامی داشتیم؛ و آنان را در خشکی و دریا، (بر مرکب‌ها) سوار کردیم؛ و آنان را از پاکیزه‌ها روزی دادیم؛ و ایشان را بر بسیاری از کسانی که آفریدیم، کاملًا برتری دادیم. (70)
(یاد کن) روزی را که هر (گروهی از) مردم را با پیشوایشان فرا می‌خوانیم؛ و هر کس نامه (عمل) ش به دست راستش داده شود، پس آنان نامه (اعمال) شان را (با شادی) می‌خوانند؛ و کم‌ترین ستمی نخواهند شد. (71)
و [لی هر کس در این (جهان) کور (دل) باشد، پس او در آخرت (نیز) کور (دل) و گمراه‌تر است. (72)
و یقیناً نزدیک بود که تو را از آنچه به سوی تو وحی کرده‌ایم، به فتنه در اندازند (و منحرف سازند،) تا غیر آن را بر ما دروغ بندی؛ و در آن صورت، تو را به دوستی خود برگزینند. (73)

و اگر تو را استوار نمی‌داشتیم، بیقین نزدیک بود اندک چیزی به سوی آنان تمایل پیدا کنی. (74)
و در آن صورت، دو برابر (عذاب در) زندگی و دو برابر (پس از) مرگ به تو می‌چشاندیم؛ سپس در برابر ما، هیچ یاوری برای خود نمی‌یافتی! (75)
ترجمه قرآن، ص: 290
و نزدیک بود، که تو را از [این سرزمین بَرکَنند، تا از آنجا بیرونت کنند؛ و در این صورت پس از تو، جز اندکی، درنگ نمی‌کردند. (76)
(این) روش فرستادگان ماست که پیش از تو فرستادیم؛ و هیچ تغییری برای روش (و قانون) ما نخواهی یافت. (77)
نماز را از زوال خورشید (هنگام ظهر) تا نهایت تاریکی شب (نیمه شب) بر پا دار؛ و (بویژه) خواندن (نماز) بامداد را [مراقبت کن؛ چرا] که خواندن (نماز) بامداد مورد مشاهده (فرشتگان) است. (78)
و پاره‌ای از شب را به آن (خواندن قرآن و نماز) بیدار باش؛ در حالی که (عبادتی) افزون برای توست؛ باشد که پروردگارت تو را به مقامی پسندیده برانگیزد. (79)
و بگو:» پروردگارا، مرا (در هر کار،) با ورودی صادقانه وارد کن، و با خروجی صادقانه خارج ساز؛ و از نزدت برای من تسلّطی یاری بخش، قرار ده. « (80)
و بگو:» حق آمد، و باطل نابود شد؛ [چرا] که باطل نابود شدنی است. « (81)
و از قرآن، آنچه را که آن درمان و رحمتی برای مؤمنان است، فرو می‌فرستیم؛ و [لی ستمکاران را، جز زیان، نمی‌افزاید. (82)
و هنگامی که به انسان نعمت می‌بخشیم، روی می‌گرداند و خودش (متکبرانه) دور می‌شود؛ و هنگامی که بدی به او می‌رسد، بسیار ناامید می‌شود! (83)
بگو:» همه بر طبق (روش و خُلق و خوی) خویش عمل می‌کنند؛ و پروردگارتان داناتر است، به کسی که او ره‌یافته‌تر است. « (84)
و از تو در باره» روح «می‌پرسند، بگو:» روح از فرمان پروردگار من است؛ و از دانش، جز اندکی، به شما داده نشده است. « (85)
و اگر بخواهیم، آنچه را به سوی تو وحی فرستاده‌ایم، قطعاً (از ذهن تو) می‌بریم؛ سپس به خاطر (حفظ) آن (وحی) در برابر ما، برای خود هیچ حمایتگری نمی‌یابی؛ (86)
ترجمه قرآن، ص: 291
جز رحمتی از جانب پروردگارت (که شامل حال تو گردد)؛ [چرا] که بخشش او بر تو بزرگ است. (87)
بگو:» اگر انسان [ها] و جن [ها] جمع شوند، بر اینکه همانند این قرآن را

بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد؛ و اگر چه برخی آنان، پشتیبان برخی [دیگر] باشند. (88)
و بیقین در این قرآن، برای مردم از هر مثالی به گونه‌های مختلف بیان کردیم؛ و [لی بیشتر مردم (از هر کاری) جز انکار سر باز زدند. (89)
و گفتند:» به تو ایمان نمی‌آوریم تا اینکه برای ما چشمه جوشانی از زمین بیرون آری؛ (90)
یا بوستانی از درختان خرما و انگور برای تو باشد؛ و نهرها را در میان آنها کاملاً بشکافی؛ (91)
یا آنچنان که می‌پنداری آسمان را قطعه قطعه بر ما فرود آری؛ یا خدا و فرشتگان را (گروه گروه، به عنوان ضامن) رویاروی ما بیاوری؛ (92)
یا برای تو خانه‌ای از زر (و زیور) باشد؛ یا در آسمان بالا روی؛ و برای بالا رفتن تو (هم) ایمان نمی‌آوریم، تا اینکه نامه‌ای بر ما فرود آوری که آن را بخوانیم! « (ای پیامبر) بگو:» پروردگار من پاک و منزّه است؛ آیا [من جز بشری فرستاده هستم؟! « (93)
و (چیزی) مردم را از ایمان آوردن باز نداشت هنگامی که هدایت برایشان آمد، جز اینکه گفتند:» آیا خدا بشری را [به عنوان فرستاده برانگیخته است؟! « (94)
(ای پیامبر) بگو:» اگر (بر فرض) در زمین فرشتگانی بودند که با آرامش گام بر می‌داشتند، حتماً فرشته‌ای را [به عنوان فرستاده، از آسمان بر آنان فرود می‌آوردیم. « (95)
بگو:» گواهی خدا بین من و بین شما کافی است؛ [چرا] که او نسبت به بندگانش آگاه [و] بیناست؛ (96)
ترجمه قرآن، ص: 292
و هر کس را خدا هدایت کند، پس هدایت (واقعی) یافته است؛ و کسانی را که در گمراهی وانهد، پس هیچ (یاوران و) سرپرستانی غیر او برایشان نخواهی یافت؛ و آنان را روز رستاخیز گردآوری می‌کنیم، در حالی که نابینا و گنگ و ناشنوایند، بر صورت‌هایشان (کشیده می‌شوند،) مقصدشان جهنّم است! هر گاه (آتش) فرو نشیند، شعله فروزان (آتش) ی بر آنان می‌افزاییم! (97)
این [ها] کیفر آن (گمراه) ان است، به سبب اینکه آنان، به آیات ما کفر ورزیدند و گفتند:» آیا هنگامی که استخوان و (پوسیده) پراکنده شدیم، آیا حتماً ما با آفرینش جدیدی بر انگیخته می‌شویم؟! « (98)
و آیا اطلاع نیافته‌اند که خدایی که آسمان‌ها و زمین را آفریده، تواناست بر اینکه مِثل آنان را بیافریند؟! و برای آنان سرآمدی- که هیچ تردیدی در آن نیست- قرار داده؛ و [لی ستمکاران (از هر چیزی) جز انکار سر باز می‌زنند. (99)

بگو:» اگر (بر فرض) شما مالک منابع رحمت پروردگار من بودید؛ در آن صورت، از بیم مصرف کردن (و فقر)، حتماً (از بخشش) خودداری می‌کردید. «و انسان بخیل است. (100)
و بیقین به موسی نُه نشانه (معجزه‌آسای) روشن دادیم؛ پس از بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب در مورد آنها) بپرس، آن زمان که (موسی) به سراغ آنان آمد و فرعون به او گفت:» ای موسی، در واقع من گمان می‌کنم که تو جادو زده‌ای. « (101)
(موسی) گفت:» بیقین می‌دانی این (معجزه) ها را جز پروردگار آسمان‌ها و زمین نفرستاده است، در حالی که دلیل‌های بینش‌آور است؛ ای فرعون در حقیقت، من گمان می‌کنم که تو هلاک شده‌ای. « (102)
و (فرعون) اراده کرد که آنان را از سرزمین (مصر) بَر کَنَد، و [لی او و تمام کسانی را که با وی بودند، غرق کردیم! (103)
و بعد از آن به بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) گفتیم:» در (این) سرزمین ساکن شوید؛ و هنگامی که وعده آخرت فرا رسد، شما را به صورت دسته‌جمعی می‌آوریم. « (104)
ترجمه قرآن، ص: 293
و آن (قرآن) را به حق فرو فرستادیم؛ و به حق فرود آمد؛ و تو را، جز مژده‌آور و هشدارگر، نفرستادیم. (105)
و قرآن را (آیات) ش را از هم جدا کردیم، تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی؛ و آن را (به تدریج) کاملًا فرو فرستادیم. (106)
بگو:» (خواه) بدان ایمان آورید، یا ایمان نیاورید، حتماً کسانی که پیش از آن، به آنان علم داده شده، هنگامی که (قرآن) بر آنان خوانده می‌شود، سجده‌کنان با چانه (و صورت بر زمین) می‌افتند؛ (107)
و می‌گویند:» منزّه است پروردگار ما، حتماً وعده پروردگار ما واقع شدنی است. « (108)
و به چانه (و صورت بر زمین) می‌افتند، در حالی که می‌گریند، و (تلاوت قرآن) بر فروتنی آنان می‌افزاید! (109)
(ای پیامبر) بگو:»» خدا «را بخوانید یا» گسترده‌مهر «را بخوانید، هر کدام را بخوانید، پس نام‌های نیکو فقط از آنِ اوست. «و نمازت را با صدای بلند مخوان، و (نیز) آن را بسیار آهسته مخوان، و بین آن (دو) راهی بجوی. (110)
و بگو:» ستایش مخصوص خدایی است که هیچ فرزندی برنگزیده، و برایش هیچ همتایی در فرمانروایی نیست، و در برابر خواریِ (فرضی)، هیچ سرپرستی (و یاوری) برای او نیست. «و او را کاملًا بزرگ شمار. (111)

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
ستایش مخصوص خدایی است که کتاب (قرآن) را بر بنده‌اش فرو فرستاد، و هیچ انحرافی در آن قرار نداد؛ (1)
در حالی که استوار است؛ تا از جانب او، سختیِ (عذاب) شدید را (به کافران) هشدار دهد! و به مؤمنانی که کارهای شایسته انجام می‌دهند، مژده دهد که برای آنان پاداش نیکویی است؛ (2)
در حالی که همیشه در آن ماندگارند. (3)
و (نیز) به کسانی که گفتند:» خدا، فرزندی گزیده است. «هشدار دهد. (4)
ترجمه قرآن، ص: 294
برایشان و برای پدرانشان بدان (ادعا،) هیچ علمی نیست؛ بزرگ سخنی از دهانشان بیرون می‌آید، (آنان) جز دروغ نمی‌گویند. (5)
و اگر به این سخن (قرآن) ایمان نیاورند، شاید تو در پی (گیری کار) شان، خودت را از اندوه هلاک کنی! (6)
در حقیقت ما آنچه را که بر زمین است زیوری برای آن قرار دادیم، تا آنان را بیازماییم که کدامیک از ایشان نیکوکارتر است. (7)
و [لی قطعاً ما آنچه را بر آن است زمینی بی‌آب و علف می‌گردانیم. (8)
آیا پنداشتی که» اصحاب کهف و رقیم « (یاران غار و صاحبان نوشته)، از نشانه‌های (معجزه‌آسای) شگفت‌آور ما بودند؟! (9)
هنگامی که جوانمردان به سوی غار پناه بردند، و گفتند:» [ای پروردگار ما! از نزد خود رحمتی به ما عطا کن، و از کار ما برای ما راهبردی فراهم ساز. « (10)
پس در غار، سالیانی چند بر گوش‌هایشان (پرده خواب) زدیم. (11)
سپس آنان را (از خواب) برانگیختیم تا معلوم داریم که کدام یک از آن دو گروه، فاصله [زمانیِ درنگشان را حساب کرده‌اند. (12)
ما خبر بزرگ آنان را به درستی برای تو حکایت می‌کنیم؛ در واقع آنان جوانمردانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند، و (ما) بر هدایتشان افزودیم. (13)
و دل‌هایشان را محکم ساختیم آنگاه که قیام کردند و گفتند:» پروردگارِ ما، پروردگارِ آسمان‌ها و زمین است؛ هیچ معبودی را جز او نمی‌خوانیم؛ که در این صورت، یقیناً گزاف گفته‌ایم؛ (14)
اینها قوم ما هستند که جز او معبودانی را بر گزیدند، چرا دلیل روشنی بر (حقانیت) آنان نمی‌آورند؟! و چه کسی ستمکارتر است از کسی که بر خدا دروغ ببندد؟! « (15)

ترجمه قرآن، ص: 295
و (اصحاب کهف به یکدیگر گفتند:) هنگامی که از آن (مشرک) ان و آنچه را جز خدا می‌پرستند کناره‌گیری کردید، پس به غار پناه برید؛ تا پرروردگارتان از رحمتش برایتان بگستراند؛ و از کار شما [وسیله آسایشی برایتان فراهم می‌سازد. (16)
و خورشید را می‌بینی هنگامی که طلوع می‌کند، از غارشان به سمت راست متمایل می‌شود، و هنگامی که غروب می‌کند، از سمت چپشان می‌گذرد، در حالی که آنان در فراخنای آن (غار) قرار داشتند؛ این از نشانه‌های خداست، هر کس را خدا راهنمایی کند، پس او هدایت (واقعی) یافته است؛ و هر که را در گمراهی وانهد، پس هیچ سرپرست راهنمایی برای او نخواهی یافت. (17)
و آنان را بیدار می‌پنداری، در حالی که ایشان خوابند؛ و آنان را به سمت راست و سمت چپ می‌گرداندیم. و سگ آنان دو دستش را بر آستانه (غار) گشوده بود. اگر بر (فرض از حال) آنان آگاه می‌شدی، حتماً گریزان، از آنان روی بر می‌تافتی؛ و مسلماً از (مشاهده) آنان آکنده از وحشت می‌شدی! (18)
و اینگونه آنان را (از خواب) برانگیختیم تا میان خود از یکدیگر پرسش کنند؛ گوینده‌ای از آنان گفت:» چقدر (در غار) درنگ کردید؟ «گفتند:» یک روز، یا بخشی از یک روز درنگ کرده‌ایم. «گفتند:» پروردگارتان به آنچه درنگ کرده‌اید داناتر است. و (اکنون) یکی از خودتان را با همین (سکه) نقره‌هایتان به سوی شهر بفرستید، و باید نظر کند کدامیک از غذا (ها پاکیزه‌تر و) رشد یافته‌تر است، و باید برای شما روزی‌ای از آن آورد؛ و [لی باید با لطافت عمل کند، و هیچ کس را به (حال) شما متوجه نسازد؛ (19)
[چرا] که اگر آنان بر شما غلبه پیدا کنند، سنگسارتان می‌کنند؛ یا شما را به آیین‌شان باز می‌گردانند؛ و در آن صورت، هرگز رستگار (و پیروز) نمی‌شوید. « (20)
ترجمه قرآن، ص: 296
و اینچنین (مردم را) بر [حال آنان مطّلِع کردیم، تا بدانند که وعده خدا (در مورد رستاخیز) حق است؛ و اینکه ساعت (قیامت) هیچ تردیدی در آن نیست؛ هنگامی که میان خود درباره کارشان کشمکش می‌کردند، و می‌گفتند:» ساختمانی بر آنان بسازید، پروردگارشان به [حال آنان داناتر است. « (و) کسانی که بر کارشان غلبه یافتند، گفتند:» حتماً بر (غار) آنان عبادتگاهی بر می‌گزینیم. « (21)
بزودی (گروهی) خواهند گفت:» (اصحاب کهف) سه [نفر] بودند، که چهارمین آنان سگشان بود. «و (گروهی) می‌گویند:» پنج [نفر] بودند، که

ششمین آنان سگشان بود. «در حالی که سنگ به نهان می‌اندازند. (و سخنان بدون دلیل می‌گویند.) و (گروهی) می‌گویند:» هفت [نفر] بودند، و هشتمین آنان سگشان بود. «بگو:» پروردگارم به تعداد آنان داناتر است. «جز اندکی (شماره) آنان را نمی‌دانند. پس در باره آنان، جز با مناظره‌ای آشکار (و همراه با دلیل) مجادله مکن، و از هیچ یک از آنان، درباره ایشان (اصحاب کهف) پرسش مکن. (22)
و هرگز در مورد چیزی، مَگو:» حتماً من فردا آن را انجام می‌دهم «. (23)
جز آنکه (بگویی: اگر) خدا بخواهد؛ و هر گاه فراموش کردی، پروردگارت را به یاد آور، و بگو:» امید است که پروردگارم [مرا به راهی که از این به هدایت نزدیک‌تر است، راهنمایی کند. « (24)
و در غارشان سیصد سال درنگ کردند، و نُه سال (نیز بر آن) افزودند. (25)
بگو:» خدا به آنچه درنگ کردند، داناتر است؛ نهان آسمان‌ها و زمین فقط از آنِ اوست؛ چقدر او بینا و شنواست! برایشان هیچ سرپرستی جز او نیست؛ و هیچ کس را در حکمش شریک نمی‌کند. « (26)
و آنچه را از کتاب پروردگارت به سوی تو وحی شده، بخوان (و پیروی کن؛) هیچ تغییر دهنده‌ای برای سخنان (سنت گونه) او نیست؛ و هیچ پناهگاهی جز او نمی‌یابی! (27)
ترجمه قرآن، ص: 297
و خودت را با کسانی شکیبا ساز که بامدادان و عصرگاهان پروردگارشان را می‌خوانند، در حالی که ذات او را اراده می‌کنند؛ و دیدگانت را از آنان بر مگیر، در حالی که زیور زندگی پست (دنیا) را خواهانی؛ و از کسی پیروی مکن که قلبش را از یادِمان غافل ساختیم و از هوسش پیروی کرده، و کارش زیاده‌روی است. (28)
و بگو:» حق از جانب پروردگار شماست، و هر کس خواهد پس ایمان آورد، و هر کس خواهد پس کفر ورزد. «در حقیقت ما برای ستمکاران آتشی آماده کرده‌ایم که سراپرده‌اش آنان را فرا گرفته است؛ و اگر تقاضای آب کنند، آبی داده شوند، که همچون روغن (یا فلز) گداخته است در حالی که صورت‌ها را بریان می‌کند. بد نوشیدنی، و بد تکیه‌گاهی است! (29)
در واقع کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، به درستی که ما پاداش کسی را که نیکوکاری کرده تباه نخواهیم کرد. (30)
آنان برایشان بوستان‌هایی (از بهشتِ ویژه) ماندگار است، که نهرها از زیر (درختان) شان روان است؛ در آنجا با دستبندهایی از طلا آراسته می‌شوند؛ و لباس‌هایی سبز، از حریر نازک و ضخیم، می‌پوشند، در حالی که در آنجا بر تخت‌ها تکیه کرده‌اند؛ خوب پاداشی و نیکو تکیه‌گاهی است! (31)
و (ای پیامبر) برای آنان مَثَلی بزن: دو مردی که برای یکی از آنها، دو

بوستان از (انواع) انگورها قرار دادیم، و گرداگرد آن دو (بوستان) را با درخت خرما [پوشاندیم،] و در بین آن دو (بوستان) کشتزاری قرار دادیم؛ (32)
هر دو بوستان، میوه‌هایش را (به بار) آورد، و چیزی از آن نکاست، و میان آن دو (بوستان) نهری شکافتیم؛ (33)
و برای آن (صاحب باغ) فایده‌ای بود، و به همراهش- در حالی که او با وی گفتمان داشت- (چنین) گفت:» من از نظر ثروت از تو بیشتر [دارم،] و از جهت نفرات شکست ناپذیرترم. « (34)
ترجمه قرآن، ص: 298
و در حالی که او نسبت به خویشتن ستمکار بود، داخل بوستانش شد، [و] گفت:» گمان نمی‌کنم که هرگز این (بوستان) نابود شود؛ (35)
و گمان نمی‌کنم ساعت (رستاخیز) برپا گردد؛ و اگر به سوی پروردگارم باز گردانده شوم، قطعاً بازگشتگاهی بهتر از این (بوستان) خواهم یافت. « (36)
همراهش- در حالی که او با وی گفتمان داشت- به او گفت:» آیا به کسی کفر می‌ورزی، که تو را از خاک، سپس از آب اندک سیّال آفرید، سپس تو را (به صورت) مردی، مرتب آراست. (37)
ولی من (می‌گویم:) که خدا پروردگار من است؛ و هیچ کس را شریک پروردگارم قرار نمی‌دهم. (38)
و چرا هنگامی که داخل بوستانت شدی، نگفتی: (این) چیزی است که خدا خواسته است؟! هیچ نیرویی جز از جانب خدا نیست. اگر می‌بینی من از نظر مال و فرزند از تو کمترم، (39)
پس امید است که پروردگارم بهتر از بوستان تو [به من بدهد؛ و (صاعقه‌ای) حساب شده از آسمان بر آن (بوستان) بفرستد، پس زمینی بی‌گیاه و لغزنده گردد؛ (40)
و یا آبش (در زمین) فرو رود، و نتوانی آن را طلب کنی. « (41)
و میوه او (با عذابی نابود کننده) احاطه شد؛ و به خاطر آنچه در مورد آن (بوستان) هزینه کرده بود، دو کف (دست) ش را می‌گردانید (و از پشیمانی به هم می‌مالید.)- در حالی که آن (بوستان) بر داربست‌هایش فرو ریخته بود- و می‌گفت:» ای کاش من هیچ کس را شریک پروردگارم قرار نداده بودم! « (42)
و جز خدا، برای او هیچ گروهی نبود که یاریَش کنند، و یاری کننده (خویش و انتقام گیرنده) نبود. (43)
در آنجا فرمانروایی برای خدای حق ثابت شد. او از نظر پاداش دادن بهتر، و از نظر فرجام نیکوتر است. (44)
و (ای پیامبر) برای شان زندگی پست (دنیا) را مثال بزن که مانند آبی

است، که از آسمان فرو می‌فرستیم؛ و به آن گیاهان زمین آمیخته شود، و (لی چنان) خشک گردد که بادها پراکنده‌اش کنند، و خدا بر هر چیزی تواناست. (45)
ترجمه قرآن، ص: 299
ثروت و پسران، زیور زندگی پست (دنیا) ست؛ و (کارهای) ماندگارِ شایسته نزد پروردگارت از نظر پاداش بهتر و امیدبخش‌تر است. (46)
و (یاد کن) روزی را که کوه‌ها را روان می‌گردانیم؛ و زمین را آشکارا (و مسطّح) می‌بینی؛ و آن (مردم) ان را گردآوری می‌کنیم، و هیچ یک از ایشان را فروگذار نمی‌کنیم. (47)
و بر پروردگارت عرضه می‌شوند، در حالی که صف کشیده‌اند؛ (و به آنان گفته می‌شود:) بیقین همان‌گونه که نخستین بار شما را آفریدیم، نزد ما آمدید؛ بلکه پنداشتید که (هرگز) برای شما وعده‌گاهی قرار نخواهیم داد. (48)
و نامه (اعمال) نهاده می‌شود، پس خلافکاران را می‌بینی در حالی که از آنچه در آن است، بیمناکند؛ و می‌گویند:» ای وای بر ما! این چه نامه‌ای است که هیچ (عمل) کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته، مگر اینکه آن را به شمار آورده است؟! «و آنچه را انجام داده‌اند، حاضر می‌یابند؛ و پروردگارت به هیچ کس ستم نمی‌کند. (49)
و (یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم:» برای آدم سجده کنید. «پس [همگی سجده کردند جز ابلیس، که از جنّ بود و از فرمان پروردگارش خارج شد. پس آیا جز من، او و نسلش را دوستان (و سرپرستان خود) می‌گیرید، در حالی که آنان دشمن شما هستند؟! و بد است برای ستمکاران جایگزینی (شیطان به جای خدا). (50)
(من) آن (ابلیس) ان را بر آفرینش آسمان‌ها و زمین، و آفرینش خودشان، گواه نساختم؛ و گمراه کنندگان را دستیار (خود) نگرفتم. (51)
و (یاد کن) روزی را که (خدا) می‌گوید:» کسانی را که شریکان من می‌پنداشتید، ندا دهید. «پس آنها را می‌خوانند، و (دعوت) آنان را نمی‌پذیرند؛ و میانشان هلاکتگاهی قرار دادیم. (52)
و خلافکاران، آتش (دوزخ) را ببینند، و بدانند که آنان با آن در می‌آمیزند؛ و از آن هیچ گریزگاهی نیابند! (53)
ترجمه قرآن، ص: 300
ترجمه قرآن 349
و بیقین در این قرآن، برای مردم از هر مثالی به گونه‌های مختلف بیان کردیم، و [لی انسان بیش از هر چیز، مجادله‌پرداز است. (54)
و (چیزی) مردم را باز نداشت از اینکه، وقتی هدایت به سراغشان آمد، ایمان آورند و از پروردگارشان آمرزش بخواهند، جز اینکه (گویی منتظر

بودند) روش (مجازات) پیشینیان برای آنان بیاید، یا عذاب (الهی) رویارویشان فرا رسد. (55)
و فرستادگان (خود) را جز مژده‌آور و هشدار دهنده نمی‌فرستیم؛ و [لی کسانی که کفر ورزیدند، به (سخنان) باطل مجادله می‌کنند، تا به وسیله آن حق را بلغزانند؛ در حالی که نشانه‌های من و آنچه را (بدان) هشدار داده شدند، به ریشخند گرفتند! (56)
و چه کسی ستمکارتر است از کسی که نشانه‌های پروردگارش (به او) تذکر داده شده و از آن [ها] روی گرداند، و دستاورد پیشینش را فراموش کرد؟! در حقیقت ما بر دل‌های آنان پرده‌هایی افکنده‌ایم تا آن را به طور عمیق نفهمند، و در گوش‌های آنان سنگینی (قرار دادیم)؛ و اگر آنان را به سوی هدایت فراخوانی، پس در آن هنگام هرگز رهنمون نمی‌شوند. (57)
و پروردگارت، بسیار آمرزنده [و] صاحب رحمت است؛ اگر (بر فرض) آنان را بخاطر دستاوردشان مؤاخذه می‌کرد، حتماً در عذاب آنان شتاب می‌نمود. بلکه برای آنان وعده‌گاهی است که جز آن هیچ پناهگاهی نمی‌یابند. (58)
و (مردم) آن آبادی‌ها را هنگامی که ستم کردند، هلاکشان نمودیم؛ و برای هلاکتشان وعده‌گاهی قرار دادیم. (59)
و (یاد کن) هنگامی را که موسی به جوانمرد (همراه) ش گفت:» (از سفر) دست بر نمی‌دارم تا به محل پیوند دو دریا برسم؛ یا اینکه مدت طولانی بروم. « (60)
و هنگامی که به محل پیوند میان دو (دریا) رسیدند، ماهی‌شان را فراموش کردند؛ و (ماهی) راهش را در دریا پیش گرفته [و] روانه شد. (61)
ترجمه قرآن، ص: 301
و هنگامی که (از آنجا) گذشتند، (موسی به همسفر) جوانمردش گفت:» غذایمان را برای ما بیاور، که راستی در این سفرمان رنجی دیده‌ایم! « (62)
گفت:» آیا ملاحظه کردی؟ هنگامی که به صخره پناه بردیم، پس براستی من (داستان) ماهی را فراموش کردم- و جز شیطان آن را از یاد من نبرد- که آن را به یاد (تو) آورم. و (ماهی) به طور شگفت‌آوری راهش را در دریا پیش گرفت! « (63)
(موسی) گفت:» این چیزی بود که همواره می‌جستیم! «پس جستجوکنان، به دنبال (رد پای) شان باز گشتند. (64)
و بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که رحمتی از جانب خود به او داده، و دانشی از نزد خویش به او آموخته بودیم. (65)
موسی به او گفت:» آیا از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو آموزش داده شده، هدایت را [به من بیاموزی؟ « (66)

(معلّم او) گفت:» در واقع تو نمی‌توانی با من شکیبایی کنی! (67)
و چگونه بر چیزی که به شناخت آن احاطه نداری شکیبایی کنی؟! « (68)
(موسی) گفت:» اگر خدا بخواهد بزودی مرا شکیبا خواهی یافت؛ و در هیچ کاری تو را نافرمانی نخواهم کرد. « (69)
(معلّم او) گفت:» بنابراین اگر به دنبال من می‌آیی، پس هیچ چیز از من مپرس، تا یادی از آن را برای تو پدید آرم. « (70)
و [آن دو] با شتاب به راه افتادند؛ تا وقتی سوار کشتی شدند، (معلّم) آن را شکافت. (موسی) گفت:» آیا آن را شکافتی تا اهلش را غرق کنی؟! راستی چیز ناپسند عجیبی (به جا) آوردی! « (71)
(معلّم) گفت:» آیا نگفتم در واقع تو نمی‌توانی با من شکیبایی کنی؟! « (72)
(موسی) گفت:» مرا بخاطر فراموشکاریم مؤاخذه مکن و بخاطر کارم بر من سخت مگیر. « (73)
و [باز آن دو] با شتاب به راه افتادند، تا هنگامی که پسری را ملاقات کردند، و (معلّم،) او را کشت. (موسی) گفت:» آیا شخص پاکی را، بدون (ارتکاب قتلِ) کسی کُشتی؟! راستی چیز ناپسندی (به جا) آوردی! « (74)
ترجمه قرآن، ص: 302
(معلّم) گفت:» آیا به تو نگفتم که در واقع تو نمی‌توانی با من شکیبایی کنی؟! « (75)
(موسی) گفت:» اگر بعد از این، از تو درباره چیزی پرسش کردم، پس (دیگر) با من همراهی مَکن؛ (چرا) که از نزد من به عذری رسیده‌ای. « (76)
و [باز آن دو] با شتاب به راه افتادند، تا هنگامی که به مردم آبادی رسیدند، از مردمش غذا خواستند، و [لی از میهمان کردن آن دو خودداری نمودند؛ و در آن [جا] دیواری یافتند که می‌خواست فرو ریزد، و (معلّم) آن را برپا داشت. (موسی) گفت:» اگر (بر فرض) می‌خواستی حتماً بر این (کار) مزدی می‌گرفتی. « (77)
(معلّم) گفت:» این (مرتبه، وقت) جدایی بین من و بین توست؛ بزودی به تو خبر می‌دهم، از سرانجام (و اسرار) آنچه را که بر آن نتوانستی شکیبایی کنی. (78)
امّا [آن کِشتی، پس از آنِ بینوایانی بود، که (با آن) در دریا کار می‌کردند؛ و خواستم آن را معیوب کنم، در حالی که آن طرفِ آنان سلطانی بود که هر کشتی (سالمی) را به ستم می‌گرفت. (79)
و امّا [آن پسر، پس پدر و مادرش با ایمان بودند، و هراس داشتیم که آن دو را به طغیان و کفر وا دارد. (80)
و خواستیم که پروردگارشان به جای (او، فرزندی) به آن دو دهد که از

جهت پاکی بهتر و از نظر مهربانی نزدیک‌تر از او باشد. (81)
و أمّا [آن دیوار، پس از آنِ دو پسر یتیمی بود که در شهر بودند، و زیر آن، گنجی برای هر دو وجود داشت، و پدرشان شایسته بود؛ و پروردگار تو می‌خواست که به رشدشان برسند و گنجشان را استخراج کنند؛ در حالی که رحمتی از جانب پروردگارت بود؛ و آن (کارها) را به فرمان خود انجام ندادم؛ این سرانجام (و اسرار) چیزی است که نتوانستی بر آن شکیبایی کنی! « (82)
و (ای پیامبر) از تو درباره» ذُو القَرنَین «می‌پرسند، بگو:» بزودی از او برای شما یادآوری‌ای (در قرآن) می‌خوانم (و پی می‌گیرم.) « (83)
ترجمه قرآن، ص: 303
واقعاً ما در زمین به او امکانات دادیم و از هر چیزی وسیله‌ای بدو دادیم؛ (84)
و وسیله (ها) را دنبال کرد؛ (85)
تا هنگامی که به غروبگاه خورشید رسید، (و در تصورش) آن را یافت که در چشمه گِل‌آلودِ تیره‌ای، غروب می‌کند؛ و نزد آن گروهی را یافت، گفتیم:» ای ذُو القرنین! یا اینکه (آنان را) عذاب می‌کنی و یا اینکه میانشان (رفتار) نیکویی در پیش می‌گیری. « (86)
(ذو القرنین) گفت:» امّا کسی که ستم کرده است، پس در آینده او را عذاب خواهیم کرد؛ سپس به سوی پروردگارش باز گردانده می‌شود، و او را با عذابی ناشناخته مجازات خواهد کرد! (87)
و اما کسی که ایمان آورد و [کار] شایسته انجام دهد، پس برای او پاداشی نیکوتر است؛ و بزودی از فرمان خود برای او (سخنی) آسان گوییم. « (88)
سپس وسیله (ها) را دنبال کرد؛ (89)
تا به محل طلوع خورشید رسید؛ (و در تصورش) آن را یافت که بر گروهی طلوع می‌کند که در برابر آن هیچ پوششی برای آنان قرار نداده بودیم. (90)
(کار ذو القرنین) اینچنین بود، و بیقین به آنچه نزد او بود، با آگاهی احاطه داشتیم. (91)
سپس وسیله (ها) را دنبال کرد؛ (92)
تا هنگامی که به میان دو سدّ (کوهی) رسید، نزد آن دو گروهی را یافت، که به فهم عمیق هیچ گفتاری نزدیک نبودند. (93)
(آن گروه) گفتند:» ای ذو القرنین! در واقع یَأجُوج و مَأجُوج در این سرزمین فسادگرند، و آیا هزینه‌ای در اختیار تو قرار دهیم، تا اینکه بین ما و بین آنان سدّی قرار دهی؟ « (94)
(ذو القرنین) گفت:» آنچه که پروردگارم در آن به من امکانات داده (از

هزینه شما) بهتر است؛ پس مرا با نیروی (انسانی) یاری دهید، تا میان شما و میان آنان سدّ محکمی قرار دهم؛ (95)
قطعات آهن برایم بیاورید. تا وقتی که بین دو طرف (کوه) را مساوی کند. «گفت:» بدمید، تا هنگامی که آن (قطعات آهن را همچون) آتش گرداند. «گفت:» مس گداخته‌ای برایم بیاورید تا بر آن (سدّ) بریزم. « (96)
و (فسادگران) نتوانستند از آن بالا روند؛ و نتوانستند در آن سوراخی ایجاد کنند. (97)
ترجمه قرآن، ص: 304
(ذو القرنین) گفت:» این رحمتی از جانب پروردگار من است؛ و هنگامی که وعده پروردگارم فرا رسد، آن (سدّ) را خُرد و هموار گرداند؛ و وعده پروردگارم حق است. « (98)
و در آن روز برخی آنان را رها می‌کنیم که در برخی [دیگر] موج زنند، و در شیپور دمیده می‌شود؛ و آنان را کاملًا جمع می‌کنیم؛ (99)
و در آن روز، جهنّم را بر کافران آشکارا عرضه می‌داریم؛ (100)
(همان) کسانی که چشمانشان در پرده (غفلت) ی از یاد من بود، و هیچگاه قدرت شنوایی نداشتند. (101)
آیا کسانی که کفر ورزیدند، پنداشتند که جز من، بندگانم را بعنوان سرپرستان (خود) می‌گیرند؟! در حقیقت ما جهنّم را برای کافران، (بعنوان جایگاه نخستین) پذیرایی آماده کرده‌ایم! (102)
بگو:» آیا شما را از زیانکارترین (مردم در) کارها، خبر دهیم؟ (103)
(همان) کسانی که تلاششان در زندگی پست (دنیا) گم شده؛ در حالی که آنان می‌پندارند که ایشان کار زیرکانه‌ای را نیکو انجام می‌دهند. « (104)
آنان کسانی هستند که به نشانه‌های پروردگارشان و ملاقات او کفر ورزیدند، و اعمالشان تباه شد؛ و برای شان روز رستاخیز، هیچ (میزان و) ارزشی نمی‌نهیم. (105)
این (گونه) است، پاداش آنان جهنّم است، بخاطر اینکه کفر ورزیدند و نشانه‌های من و فرستادگانم را به ریشخند گرفتند. (106)
بیقین کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، بوستان‌های فردوس (نخستین) پذیرایی برای آنان است؛ (107)
در حالی که در آن ماندگارند؛ [و] از آنجا هیچ انتقالی را طلب نمی‌کنند. (108)
بگو:» اگر (بر فرض) دریا [ها] برای (نوشتن آفریده‌ها و) کلمات پروردگارم مرکّب شود، حتماً دریا [ها] پایان می‌گیرد، پیش از آنکه (آفریده‌ها و) کلمات پروردگارم پایان یابد؛ و اگر چه همانند آن (دریاها) را به مدد (آنها) آوریم. « (109)
بگو:» من فقط بشری همانند شما هستم؛ به سوی من وحی می‌شود که

معبودتان معبودی یگانه است؛ و هر کس به ملاقات پروردگارش همواره امید دارد، پس باید کار شایسته‌ای انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند. « (110)
ترجمه قرآن، ص: 305

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
کاف، ها، یا، عین، صاد. (1)
(این) یاد رحمت پروردگار تو نسبت به بنده‌اش زکریاست؛ (2)
هنگامی که پروردگارش را با ندایی در مخفیگاه، صدا زد. (3)
گفت:» پروردگارا، براستی من استخوانم سست گردیده، و از جهت پیری (موی) سر شعله‌ور شده (و سفید گشته است.) و پروردگارا، (من) به سبب خواندن تو در (زحمت و) بدبختی نبوده‌ام. (4)
و در حقیقت من بعد از خودم از بستگانم ترسانم در حالی که زنم نازاست؛ پس از جانب خود سرپرستیِ (فرزندی) را به من ببخش؛ (5)
که از من ارث برد و از خاندان یعقوب (نیز) ارث برد؛ و پروردگارا، او را مورد رضایتت قرار ده. « (6)
ای زکریا! براستی ما تو را به پسری که نامش» یَحیی «است، مژده می‌دهیم؛ که پیش از (آن)، هیچ همنامی برای او قرار نداده‌ایم. (7)
(زکریا) گفت:» پروردگارا! چگونه برای من پسری خواهد بود؟! در حالی که زنم نازاست، و یقیناً از (شدّت) پیری به فرتوتی رسیده‌ام! « (8)
(فرشته) گفت:» چنین است، پروردگار تو گفته: که آن (کار) بر من آسان است؛ و بیقین پیش از (آن) تو را آفریدم در حالی که هیچ چیزی نبودی. « (9)
(زکریا) گفت:» پروردگارا! برای من نشانه‌ای قرار ده. «فرمود:» نشانه‌ات این است که سه شب (و روز) در حال تندرستی، با مردم سخن نگویی. « (10)
و از محراب (عبادتش) به سوی قومش بیرون آمد، و به آنان اشاره کرد:» که صبحگاهان و عصرگاهان تسبیح گویید. « (11)
ترجمه قرآن، ص: 306
ای یحیی! کتاب (خدا) را با قوّت بگیر. و در حال کودکی، فرمان (نبوّت) را به او دادیم. (12)
و از نزد خود مهربانی (و رحمت) و پاکی (به او دادیم؛) و خودنگهدار (و پارسا) بود. (13)
و نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود؛ و زورگوی نافرمان نبود. (14)
و سلام بر او باد، روزی که تولّد یافت، و روزی که می‌میرد، و روزی که زنده برانگیخته می‌شود! (15)
و در کتاب (قرآن)، مریم را یاد کن، هنگامی که از خانواده‌اش به مکان شرقی (بیت المقدس) کناره گرفت. (16)

و در برابر آنان پرده‌ای (بر خود) گرفت. و روح خود (جبرئیل) را به سوی او فرستادیم؛ و در حالی که بشری درست اندام بود، بر او نمایان شد. (17)
(مریم) گفت:» من از (شرِّ) تو، به (خدای) گسترده‌مهر پناه می‌برم، اگر خودنگهداری، (پس از عذاب خدا بترس!) (18)
(فرشته) گفت:» من فقط فرستاده پروردگارِ توام؛ برای اینکه پسری پاک به تو ببخشم. « (19)
(مریم) گفت:» چگونه برای من پسری خواهد بود، در حالی که هیچ بشری با من تماس نگرفته است، و تجاوزکار (آلوده) نبوده‌ام؟! « (20)
(فرشته) گفت:» چنین است، پروردگار تو گفته که آن (کار) بر من آسان است. و (عیسی را آفریدیم) تا او را نشانه‌ای برای مردم و رحمتی از جانب خود قرار دهیم؛ و (این) کاری پایان یافته است! « (21)
و (مریم) به او (عیسی) باردار شد؛ و با او به مکان دوردستی کناره گرفت؛ (22)
و درد زایمان، او را به سوی تنه درخت خرمایی کشاند؛ (مریم) گفت:» ای کاش من پیش از این مرده بودم، و کاملًا فراموش شده بودم. « (23)
و از زیر پای او ندا داد که:» اندوهگین مباش، چرا که پروردگارت زیر پای تو چشمه آبی (و کودکی شریف) قرار داده است؛ (24)
و تنه درخت خرما را به سوی خود تکان ده، تا رطب تازه‌ای بر تو فرو ریزد؛ (25)
ترجمه قرآن، ص: 307
و بخور، و بنوش؛ و دیده روشن دار، و اگر از جنس بشر کسی را دیدی، پس بگو:» در واقع من برای (خدای) گسترده‌مهر روزه‌ای نذر کرده‌ام؛ و امروز با هیچ انسانی سخن نمی‌گویم. « (26)
و (مریم) در حالی که او را در آغوش گرفته بود، وی را نزد قومش آورد؛ گفتند:» ای مریم! بیقین چیزی شگفت (و زشت) آورده‌ای! (27)
ای (همانند) خواهر هارون (در پاکی)، پدرت مرد بدی نبود، و مادرت زن تجاوزکار (و آلوده) نبود! « (28)
و (مریم) به سوی آن (عیسی) اشاره کرد؛ گفتند:» چگونه با کسی که به صورت کودکی در گاهواره است، سخن بگوییم؟! « (29)
(عیسی) گفت:» براستی که من بنده خدایم؛ به من کتاب (انجیل) عطا کرده؛ و مرا پیامبر قرار داده است؛ (30)
و هر جا که باشم مرا خجسته قرار داده؛ و تا هنگامی که زنده‌ام، مرا به نماز و زکات سفارش کرده است؛ (31)
و نسبت به مادرم نیکوکار (قرار داده؛) و مرا زورگوی بدبخت قرار نداده است. (32)
و سلام (خدا) بر من باد، روزی که متولّد شدم، و روزی که می‌میرم، و

روزی که زنده برانگیخته خواهم شد! « (33)
این (سرگذشت) عیسی پسر مریم است، گفتار حقّی که در آن تردید می‌کنند. (34)
هرگز برای خدا شایسته نیست که فرزندی برگیرد او منزّه است؛ هنگامی که چیزی را اراده کند، پس فقط به آن می‌گوید:» باش «پس (فوراً موجود) می‌شود. (35)
» و در حقیقت خدا پروردگارِ من و پروردگار شماست؛ پس او را بپرستید؛ که این راهی راست است. « (36)
و [لی حزب‌هایی از میان آن (مسیحی) ان اختلاف کردند؛ پس وای به حال کسانی که کفر ورزیدند، از حضور روز بزرگِ (رستاخیز)! (37)
روزی که نزد ما می‌آیند، چقدر شنوا و بینایند! لیکن ستمکاران امروز در گمراهی آشکاری هستند. (38)
ترجمه قرآن، ص: 308
آنان را به روز حسرت هشدار ده، هنگامی که [همه چیز انجام شود؛ در حالی که آنان در غفلتند و آنان ایمان نمی‌آورند. (39)
در واقع ما، زمین و هر کس که بر آن است را به ارث می‌بریم؛ و فقط به سوی ما باز گردانده می‌شوند. (40)
و در کتاب (قرآن) ابراهیم را یاد کن، که او بسیار راستگو و پیامبر بود. (41)
هنگامی که به پدر (مادرش یا عموی) ش گفت:» ای پدر [م ! چرا چیزی را می‌پرستی که نمی‌شنود، و نمی‌بیند، و هیچ چیزی را از تو دفع نمی‌کند؟! (42)
ای پدر [م ! براستی من از دانش (الهی) چیزی برایم آمده که برای تو نیامده است؛ پس مرا پیروی کن، تا تو را به راهی درست راهنمایی کنم. (43)
ای پدر [م ! شیطان را مپرست؛ چرا که شیطان نسبت به (خدای) گسترده‌مهر، عصیانگر بود. (44)
ای پدر [م ! در حقیقت من می‌ترسم که عذابی از (خدای) گسترده‌مهر به تو رسد، پس ملحق به شیطان شوی. « (45)
(آزر) گفت:» آیا تو از معبودهای من روی بر می‌تابی؟! ای ابراهیم، اگر (به این کار) پایان ندهی، حتماً تو را سنگسار می‌کنم؛ و برای مدّتی طولانی از من دور شو! « (46)
(ابراهیم) گفت:» سلام بر تو باد، بزودی از پروردگارم برای تو طلب آمرزش می‌کنم؛ چرا که او نسبت به من نیکوکاری مهرورز است؛ (47)
و از شما، و آنچه غیر از خدا می‌خوانید، کناره‌گیری می‌کنم؛ و پروردگارم را می‌خوانم؛ امید است که در خواندن پروردگارم در (زحمت و) بدبختی

نباشم. « (48)
و هنگامی که از آنان و آنچه غیر از خدا می‌پرستیدند کناره‌گیری کرد، اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم؛ در حالی که هر یک را پیامبری قرار دادیم؛ (49)
و از رحمت خود به آنان بخشیدیم؛ و برای آنان در زبان (جهانیان مقامی) راستین (و آوازه‌ای) بلند قرار دادیم. (50)
و در کتاب (قرآن) موسی را یاد کن، که او خالص شده بود و (نیز) فرستاده‌ای والا [مقام بود. (51)
ترجمه قرآن، ص: 309
و او را از طرف راست (کوه) طور ندا دادیم، و رازگویان او را (به خود) نزدیک ساختیم. (52)
و از رحمت خود، برادرش هارون را، در حالی که پیامبر بود، به او بخشیدیم. (53)
و در کتاب (قرآن) اسماعیل را یاد کن، که او راست وعده بود و (نیز) فرستاده‌ای والا [مقام بود؛ (54)
و همواره خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد؛ و در نزد پروردگارش مورد رضایت بود. (55)
و در کتاب (قرآن) ادریس را یاد کن، که او بسیار راستگو [و] پیامبر بود؛ (56)
و او را به جایگاه والایی بالا بردیم. (57)
آنان کسانی هستند که خدا به ایشان نعمت داده است، در حالی که از پیامبرانِ از نسل آدم، و از کسانی که با نوح (بر کشتی) سوار کردیم، و از نسل ابراهیم و اسرائیل (یعقوب)، و از کسانی که راهنمایی کردیم و برگزیدیم (بودند.) هنگامی که آیات (خدای) گسترده‌مهر بر آنان خوانده می‌شد، سجده‌کنان و گریان (به زمین) در می‌افتادند. (58)
و بعد از آنان، فرزندان (ناشایستی) جانشین شدند که نماز را تباه کردند، و از شهوات پیروی نمودند؛ و در آینده (عذاب) گمراهی (خود) را ملاقات خواهند کرد؛ (59)
مگر کسانی که توبه کنند، و ایمان آورند، و [کار] شایسته انجام دهند؛ پس اینان داخل بهشت می‌شوند، و هیچ ستمی بر آنان نخواهد شد. (60)
بوستانهای (ویژه بهشتِ) ماندگار، که (خدای) گسترده‌مهر به بندگانش نادیده و ناپیدا وعده داده است، چرا که حتماً وعده او انجام شدنی است. (61)
در آن جا هیچ (سخن) بیهوده‌ای نمی‌شنوند؛ (و گفتارشان) جز سلام (نیست.) و در آنجا صبحگاهان و عصرگاهان،» روزیِ «آنان، برایشان (آماده) است. (62)

این بهشتی است که به هر کس از بندگان ما که خودنگهدار (و پارسا) باشد، به ارث می‌دهیم. (63)
و (جبرئیل گفت:) جز به فرمان پروردگارت، فرود نمی‌آییم؛ آنچه پیش روی ما، و آنچه پشتِ سرِ ما، و آنچه میان این دو می‌باشد، فقط از آنِ اوست؛ و پروردگارت فراموشکار نیست. (64)
ترجمه قرآن، ص: 310
(همان) پروردگار آسمان‌ها و زمین، و آنچه میان آن دوست. پس او را بپرست، و در پرستش او شکیبایی ورز. آیا برای او همنام (و همانندی) می‌شناسی؟! (65)
و انسان می‌گوید:» آیا هنگامی که بمیرم، براستی در آینده (از قبر) زنده بیرون آورده می‌شوم؟! « (66)
و آیا انسان به یاد نمی‌آورد که ما پیش از این، او را آفریدیم در حالی که هیچ چیزی نبود؟! (67)
و سوگند به پروردگارت که حتماً آنان و شیطان‌ها را گردآوری می‌کنیم؛ سپس قطعاً آنان را، از پای در آمده، گرداگرد جهنّم حاضر می‌سازیم! (68)
سپس از هر گروهی، هر کدام را که بر (خدای) گسترده‌مهر سرکش‌تر بوده‌اند، حتماً جدا می‌کنیم. (69)
سپس ما حتماً داناتریم، به کسانی که آنان برای ورود به آن (جهنّم) سزاوارترند. (70)
و هیچ (کس) از شما نیست مگر اینکه در آن (جهنّم) وارد می‌شود؛ (این حکم) حتمی است که برای پروردگارت پایان یافته است؛ (71)
سپس کسانی را که خودنگهداری (و پارسایی) کردند نجات می‌بخشیم، و ستمکاران را، از پای در آمده، در آن (دوزخ) وا می‌گذاریم. (72)
و هنگامی که آیات ما، در حالی که روشن است، بر آنان خوانده می‌شود، کسانی که کفر ورزیدند، به کسانی که ایمان آوردند، می‌گویند:» کدام یک از (ما) دو دسته جایگاهش بهتر، و (بخشش و) محفلش نیکوتر است؟! « (73)
و چه بسیار گروه‌هایی را پیش از آنان هلاک کردیم که آنان از نظر اثاث و ظاهر نیکوتر بودند. (74)
(ای پیامبر) بگو:» هر کس که در گمراهی باشد، پس باید (خدای) گسترده‌مهر کاملًا به او کمک (و مهلت) دهد، تا هنگامی که آنچه را وعده داده شده‌اند، یا عذاب و یا ساعت (رستاخیز) را، ببینند؛ پس بزودی خواهند دانست چه کسی جایگاهش بدتر، و لشکر [ش ناتوان‌تر است! « (75)
و خدا بر هدایت کسانی که ره‌یافته‌اند، می‌افزاید؛ و (کارهای) ماندگار شایسته در نزد پروردگارت پاداشی بهتر و فرجامی نیکوتر دارد. (76)
ترجمه قرآن، ص: 311

و آيا ملاحظه كردى كسى را كه به آيات ما كفر ورزيد، و گفت:» حتماً مال و فرزند (فراوان) به من داده خواهد شد «؟! (77)
آيا از پنهان (جهان) اطلاع يافته، يا از جانب (خداى) گسترده‌مهر، پيمانى گرفته است؟! (78)
هرگز چنين نيست، بزودى آنچه را مى‌گويد، مى‌نويسيم و به عذاب او كاملًا كمک مى‌كنيم (و پى در پى مى‌افزاييم.) (79)
و آنچه را (از اموال و فرزندان) مى‌گويد، از او به ارث مى‌بريم، و به تنهايى نزد ما خواهد آمد. (80)
و (كافران) غير از خدا، معبودانى را برگزيدند تا [مايه عزّتشان باشند. (81)
هرگز چنين نيست، بزودى (معبودان) پرستش آنان را انكار خواهند كرد، و (دشمنى) بر ضد آنان مى‌شوند. (82)
آيا اطلاع نيافتى كه ما شيطان‌ها را به سوى كافران فرستاديم در حالى كه آنان را شديداً تحريک مى‌كنند؟ (83)
پس در باره آنان شتاب مكن؛ جز اين نيست كه (اعمال و لحظات عمر) آنان را كاملًا شمارش مى‌كنيم. (84)
(ياد كن) روزى را كه پارسايان (خود نگهدار) را دسته‌جمعى [و با احترام به سوى (خداى) گسترده‌مهر گردآورى مى‌كنيم. (85)
و خلافكاران را به سوى جهنّم تشنه‌كامان مى‌رانيم. (86)
صاحب شفاعت نمى‌باشند، جز كسانى كه از جانب (خداى) گسترده‌مهر، پيمانى گرفته‌اند. (87)
و گفتند:» (خداى) گسترده‌مهر فرزندى براى خود برگرفت. « (88)
واقعاً چيز زشت وحشتناكى (بر زبان) آورديد! (89)
نزديک است از اين (سخن) آسمان‌ها بشكافند، و زمين شكافته شود، و كوه‌ها بشدّت فرو ريزند؛ (90)
(بخاطر) اينكه براى (خداى) گسترده‌مهر فرزندى خواندند! (91)
و براى (خداى) گسترده‌مهر سزاوار نيست كه فرزندى گزيند! (92)
هيچ كس در آسمان‌ها و زمين نيست، مگر اينكه بنده‌وار به سوى (خداى) گسترده‌مهر آيد. (93)
بيقين آنان را حساب كرده و كاملًا آنان را شمارش نموده است. (94)
و همه آنان روز رستاخيز، به تنهايى نزد او مى‌آيند. (95)
ترجمه قرآن، ص: 312
مسلّماً كسانى كه ايمان آورده و [كارهاى شايسته انجام داده‌اند، بزودى (خداى) گسترده‌مهر، براى آنان محبّتى (در دل‌ها) قرار مى‌دهد. (96)
و فقط آن [قرآن را بر زبان تو آسان ساختيم تا پارسايان (خود نگهدار) را بوسيله آن مژده دهى، و گروه دشمنان سرسخت را بدان هشدار دهى.

(97)
و چه بسیار گروه‌هایی را که پیش از آنان هلاک کردیم؛ آیا هیچ کس از ایشان را احساس می‌کنی؟! یا صدای آهسته‌ای از آنان می‌شنوی؟! (98)

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
طا، ها. (1)
قرآن را بر تو فرو نفرستادیم تا به زحمت افتی. (2)
جز بخاطر اینکه برای کسی که (از مجازات) می‌هراسد، یاد آوری باشد. (3)
(قرآن) از سوی کسی فرود آمده، که زمین و آسمان‌های بلند را آفریده است. (4)
(خدای) گسترده‌مهر بر تخت (جهانداری و تدبیر هستی) تسلط یافت. (5)
آنچه در آسمان‌ها، و آنچه در زمین، و آنچه میان آن دو، و آنچه در زیر خاک است، فقط از آنِ اوست. (6)
و اگر بلند سخن گویی (یا مخفی کنی)، پس در حقیقت او راز و پنهان‌تر (از آن) را می‌داند. (7)
خداست که هیچ معبودی جز او نیست؛ نام‌های نیکو فقط از آنِ اوست. (8)
و آیا خبر موسی به تو رسیده است؟ (9)
هنگامی که آتشی را مشاهده کرد، و به خانواده‌اش گفت:» درنگ کنید [چرا] که من آتشی دیدم؛ تا شاید من شعله‌ای از آن برای شما بیاورم؛ یا بر (اثر) آتش رهنمودی بیابم. « (10)
و هنگامی که نزد آن (آتش) آمد، ندا داده شد:» ای موسی! (11)
براستی من خود پروردگارِ توام؛ پس کفش‌هایت را بیرون آر، [چرا] که تو در سرزمین مقدَّس» طُوی «هستی! (12)
ترجمه قرآن، ص: 313
و من تو را برگزیدم؛ پس به آنچه وحی می‌شود، گوش فرا ده. (13)
در حقیقت من، خودِ خدا هستم؛ هیچ معبودی جز من نیست؛ پس مرا بپرست، و نماز را برای یاد من، به پا دار. (14)
بدرستی که ساعت (رستاخیز) آمدنی است؛ نزدیک است (که بخواهم) آن را پنهان کنم، تا هر شخصی بخاطر کوشش (خود) جزا داده شود. (15)
پس هرگز کسی که به آن ایمان ندارد و از هوس‌های خویش پیروی می‌کند، تو را از آن باز ندارد؛ که هلاک می‌شوی! (16)
و آن چیست در دست راست تو، ای موسی؟! « (17)
گفت:» این عصای من است؛ که بر آن تکیه می‌کنم، و با آن (برگ درختان را) بر گوسفندانم فرو می‌آورم؛ و در آن (عصا) برای من نیازهای دیگری (نیز) هست. « (18)
(خدا) فرمود:» ای موسی! آن را بیفکن. « (19)

و (موسی) آن (عصا) را افکند، و بناگاه آن ماری (اژدهاگونه) شد که به جُنب و جوش افتاد. (20)
(خدا) فرمود:» آن را بگیر و مَترس! بزودی آن را به حالت نخستینش باز می‌گردانیم. (21)
و دستت را به پهلویت بگذار، تا سفیدگونه بدون (عیب) بدی بیرون آید؛ در حالی که نشانه (معجزه‌آسای) دیگری است! (22)
تا از نشانه‌های (معجزه آسای) بزرگ‌تر خویش، به تو بنمایانیم. (23)
به سوی فرعون برو، که او طُغیان کرده است. « (24)
(موسی) گفت:» پروردگارا! سینه‌ام را برایم بگشا؛ (25)
و کارم را برایم آسان گردان؛ (26)
و گره از زبانم بگشای؛ (27)
تا سخن مرا به طور عمیق بفهمند. (28)
و وزیری از خاندانم برای من قرار ده، (29)
(همان) برادرم هارون را. (30)
با او پشتوانه‌ام را محکم کن؛ (31)
و او را در کارم شریک ساز؛ (32)
تا تو را بسیار تسبیح گوییم؛ (33)
و تو را بسیار یاد کنیم؛ (34)
که تو به (حال) ما بینا هستی. « (35)
(خدا) فرمود:» ای موسی بیقین خواسته‌ات، به تو داده شد. (36)
و یقیناً بار دیگری (نیز) بر تو منّت نهادیم (و نعمت بزرگی بخشیدیم،) (37)
ترجمه قرآن، ص: 314
هنگامی که به مادرت آنچه را الهام شدنی بود، الهام کردیم؛ (38)
که:» او را در صندوقی بیفکن، و آن را به دریا بینداز، و باید دریا آن را به ساحل افکند، تا دشمن من و دشمن او، آن را برگیرد. «و بر تو محبتی از جانب خود افکندم (تا به تو لطف کنند؛) و تا زیر نظر من با زیرکی، ساخته (و پرورده) شوی. (39)
هنگامی که خواهرت (در نزدیکی کاخ فرعون) راه می‌رفت و می‌گفت:» آیا شما را به کسی راهنمایی کنم، که سرپرستی آن (کودک) را عهده دار شود؟! «پس تو را به سوی مادرت باز گرداندیم، تا چشمش روشن شود؛ و غمگین نگردد. و تو شخصی (از فرعونیان) را کُشتی؛ و [لی تو را از اندوه نجات دادیم، و بارها تو را آزمودیم. و سالیانی در میان مردم» مَدْیَن «درنگ نمودی، سپس ای موسی در (زمان) مقدّر آمدی. (40)
و تو را برای خودم ساختم (و با مهارت پرورش دادم). (41)
(اکنون) تو و برادرت با نشانه‌های (معجزه‌آسای) من، بروید و در یاد کردن من سستی نکنید. (42)

به سوی فرعون بروید، که او طغیان کرده است. (43)
و [لی با او سخنی نرم بگویید؛ تا شاید او متذکّر شود، یا بهراسد. (44)
(موسی و هارون) گفتند:» [ای پروردگار ما! در حقیقت ما می‌ترسیم که بر ما پیشدستی کند، یا اینکه طغیان نماید. « (45)
(خدا) فرمود:» نترسید [چرا] که من با شما هستم؛ در حالی که می‌شنوم و می‌بینم. (46)
پس به سراغ او بروید و بگویید: در واقع ما فرستادگان پروردگار توایم؛ پس بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) را با ما بفرست، و آنان را عذاب مکن؛ بیقین با نشانه‌ای (معجزه‌آسا) از جانب پروردگارت به سوی تو آمدیم، و سلام بر کسی که از هدایت پیروی کند. (47)
در حقیقت ما به سویمان وحی شده که: عذاب بر کسی است که (آیات الهی را) دروغ انگارد و روی برتابد. « (48)
(فرعون) گفت:» ای موسی، پس پروردگار شما کیست؟ « (49)
گفت:» پروردگار ما کسی است که به هر چیزی، آفرینشی (در خور) او عطا کرده؛ سپس راهنمایی نموده است. « (50)
(فرعون) گفت:» پس حال گروه‌ها (و نسل‌ها) ی نخستین چیست؟! « (51)

(موسی) گفت:» علم آن در کتابی، نزد پروردگارم است؛ پروردگارم گمراه نمی‌شود و فراموش نمی‌کند. « (52)
(همان) کسی که زمین را برای شما بستری (برای استراحت) قرار داد؛ و برای شما راه‌هایی در آن پدید آورد؛ و از آسمان، آبی را فرو فرستاد و بدان انواع (جفت‌های) گوناگون گیاهان را برآوردیم. (53)
بخورید؛ و دام‌هایتان را بچرانید؛ مسلّماً در آن (ها) نشانه‌هایی برای صاحبان اندیشه است. (54)
شما را از آن (زمین) آفریدیم؛ و شما را در آن باز می‌گردانیم؛ و بار دیگر (در قیامت) شما را از آن بیرون می‌آوریم. (55)
و بیقین تمام نشانه‌های (معجزه آسای) خود را به او نمایاندیم، و [لی تکذیب کرد و سر باز زد. (56)
(فرعون) گفت:» ای موسی! آیا به سوی ما آمده‌ای تا با سحر خود، ما را از سرزمینمان بیرون کنی؟! (57)
و قطعاً (هم) سحری همانند آن برای تو خواهیم آورد! پس وعده‌گاهی (در) مکانی یکسان، بین ما و بین خود قرار ده که ما و تو از آن تخلّف نکنیم. « (58)
(موسی) گفت:» وعده‌گاه شما روز آرایش (عید) باشد؛ و (روزی) که مردم نیمروز گردآوری شوند. « (59)

و فرعون (از آن مجلس) روی برتافت و نقشه (ها) یش را جمع کرد؛ سپس آمد. (60)
موسی به آن (ساحر) ان گفت:» وای بر شما! دروغ بر خدا نبندید، که شما را با عذابی ریشه کن می‌سازد؛ و بیقین کسی که [بر خدا دروغ بست، نومید گشت. « (61)
و (ساحران) در مورد کارشان بین خود به نزاع برخاستند؛ و رازگویی (خود) را پنهان می‌داشتند. (62)
(فرعونیان) گفتند:» مسلماً این دو، ساحرانی هستند که می‌خواهند با سحرشان شما را از سرزمینتان بیرون کنند و مذهب نمونه شما را از بین ببرند. (63)
پس نقشه (ها) یتان را جمع‌آوری کنید، سپس در صفی (واحد به میدان) آیید، و بیقین امروز کسی که برتر شود، رستگار (و پیروز) شده است. « (64)
ترجمه قرآن، ص: 316
(ساحران) گفتند:» ای موسی! یا اینکه (تو اول عصایت را) می‌افکنی، و یا اینکه (ما) نخستین کسی باشیم که می‌اندازیم؟! « (65)
(موسی) گفت:» بلکه (شما) بیفکنید. «و ناگهان ریسمان‌هایشان و عصاهای آنان بر اثر سحرشان در خیال او (چنان) می‌نمود، که آنها در جنب‌وجوشند! (66)
و موسی در دل خود ترسی احساس کرد (که مبادا مردم گمراه شوند.) (67)
گفتیم:» نترس، که تنها تو برتری. (68)
و آنچه را در دست راستت هست بیفکن، تا آنچه را با زیرکی ساخته‌اند به سرعت ببلعد؛ در حقیقت آنچه را بازیرکی ساخته‌اند، نیرنگ جادوگر است؛ و ساحر هر کجا آید رستگار (و پیروز) نخواهد شد. « (69)
(عصای موسی افسون‌ها را بلعید،) و ساحران سجده‌کنان (به زمین) در افتاده، گفتند:» ما به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم. « (70)
(فرعون) گفت:» [آیا] پیش از آنکه به شما رخصت دهم به او ایمان آوردید؟! قطعاً او بزرگ شماست که به شما سحر آموخته است؛ پس حتماً دستانتان و پاهایتان را بر خلاف (یکدیگر) قطع می‌کنم؛ و قطعاً شما را بر تنه‌های درختان خرما به دار می‌آویزم؛ و حتماً خواهید دانست که عذاب کدام یک از ما شدیدتر و پایدارتر است! « (71)
(ساحران) گفتند:» تو را بر دلیل‌های روشن (معجزه‌آسا) که برای ما آمده و کسی که ما را آفریده، بر نمی‌گزینیم (و ترجیح نمی‌دهیم.) پس بر اساس آنچه تو داوری می‌کنی، حکم نما، [چرا که تنها، در این زندگی پست (دنیا) حکم می‌رانی. (72)

در حقیقت ما به پروردگارمان ایمان آوردیم تا خطاهای ما و آنچه را از سحر، که بر آن وادارمان کردی، بر ما بیامرزد؛ و خدا بهتر و پایدارتر است. « (73)
که هر کس خلافکار به محضر پروردگارش آید، پس در واقع جهنّم برای اوست؛ در حالی که در آنجا نه می‌میرد و نه (در خوشی) زنده می‌ماند. (74)
و هر کس به محضر او آید، در حالی که مؤمن است [و کارهای شایسته انجام داده باشد، پس آنان، رتبه‌های عالی برای شان (آماده) است. (75)
(همان) بوستان‌های (ویژه بهشتِ) ماندگار، که نهرها از زیر [درختان ش روان است، در حالی که در آنجا ماندگارند؛ و این پاداش کسی است که پاک شود (و رشد نماید). (76)
ترجمه قرآن، ص: 317
و در حقیقت به موسی وحی کردیم که:» بندگانم را (از مصر) شبانه حرکت ده؛ و برای آنان راهی خشک در دریا بزن؛ در حالی که از تعقیب (فرعونیان) نمی‌ترسی و (از غرق شدن نیز) نمی‌هراسی. « (77)
و فرعون با لشکریانش آنان را دنبال کردند، و دریا آنان را فرا گرفت؛ با آنچنان (امواجی که) آنها را پوشانید. (78)
و فرعون قومش را گمراه کرد؛ و راهنمایی نکرد. (79)
ای بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) بیقین شما را از (چنگ) دشمنتان نجات بخشیدیم؛ و در طرف راست (کوه) طور، با شما وعده گذاشتیم، و خوراکی [عسل مانند،] و مرغانی [بلدرچین گونه بر شما فرستادیم؛ (80)
(و گفتیم:) از [خوراکی‌های پاکیزه (از) آنچه به شما روزی داده‌ایم، بخورید، و در (مورد) آن طغیان مَکنید، که خشم من بر شما روا می‌شود و هر کس خشم من بر او روا شود، پس یقیناً سقوط می‌کند. (81)
و قطعاً من بسیار آمرزنده هستم کسی را که توبه کند و ایمان آورد، و [کار] شایسته انجام دهد، سپس راه یابد. (82)
ای موسی! چه چیز تو را نسبت به قومت به عجله وا داشت؟ (83)
(موسی) گفت:» آنان همانهایی هستند که در پی منند؛ و به سوی تو شتافتم، پروردگارا، تا خشنود شوی. « (84)
(خدا) فرمود:» پس ما قطعاً قومت را بعد از تو، آزمودیم و سامری، آنان را گمراه ساخت. « (85)
و موسی خشمناک [و] اندوهگین به سوی قومش بازگشت، [و] گفت:» ای قوم [من ! مگر پروردگارتان وعده نیکویی به شما وعده نداد؟! و آیا پیمان (جدایی من) بر شما طولانی شد، یا می‌خواستید خشمی از پروردگارتان بر شما روا شود که با من خلف وعده کردید؟! « (86)
گفتند:» به اختیار خود با تو خُلف وعده نکردیم، و لیکن بارهای سنگینی از

زیور قوم (فرعون) بر ما نهاده شده بود، و آنها را افکندیم. «و سامری چنین القا کرد، (87)
ترجمه قرآن، ص: 318
و برای آنان مجسّمه گوساله‌ای که صدای گاو داشت، برون آورد؛ و گفتند:» این معبود شما، و معبود موسی است. «و فراموش کرد. (88)
و آیا نمی‌بینند که (این گوساله) هیچ پاسخی به آنان نمی‌دهد، و مالک هیچ سود و زیانی برای آنان نیست؟! (89)
و در حقیقت هارون، از پیش به آنان گفته بود:» ای قوم [من ! فقط بوسیله آن (گوساله) مورد آزمایش قرار گرفته‌اید؛ و در واقع پروردگار شما (خدای) گسترده‌مهر است؛ پس، از من اطاعت کنید، و فرمانم را اطاعت نمایید. « (90)
(بنی اسرائیل) گفتند:» پیوسته بر آن (گوساله پرستی) می‌مانیم، تا موسی به سوی ما باز گردد. « (91)
(موسی) گفت:» ای هارون! هنگامی که دیدی آنان گمراه شدند، چه چیزی تو را بازداشت، (92)
که [از من پیروی کنی؟! و آیا دستور مرا نافرمانی کردی؟! « (93)
(هارون) گفت:» ای فرزند مادر [م ! ریش من و (موی) سرم را نگیر؛ [چرا] که هراس داشتم که بگویی میان بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) تفرقه انداختی، و سخن مرا مراعات نکردی. « (94)
(موسی) گفت:» ای سامری، پس [جریان کار تو چه بود؟! « (95)
(سامری) گفت:» به چیزی که (آنان) بدان شناخت نداشتند، بینش یافتم؛ و مشتی از آثار فرستاده [خدا] را برگرفتم، و آن را دور افکندم، و اینچنین نفس من (این کار را) برایم آراست. « (96)
(موسی) گفت:» پس برو، که در واقع بهره تو در زندگی این است که بگویی:» هیچ تماسی (با من مگیرید!) «و در حقیقت برای تو وعده‌گاه (عذابی) است، که از آن درباره تو تخلف نخواهد شد. و به معبودت که پیوسته بر (پرستش) آن ملازم بودی، بنگر؛ قطعاً آن را می‌سوزانیم سپس (ذرّاتِ) آن را کاملًا جدا کرده و در دریا پراکنده می‌سازیم. (97)
معبود شما تنها خدایی است که هیچ معبودی جز او نیست؛ علم (او) بر همه چیز گسترده است. « (98)
ترجمه قرآن، ص: 319
اینچنین از خبرهای بزرگ آنچه که گذشته است، برای تو حکایت می‌کنیم؛ و بیقین از نزد خود، آگاه کننده‌ای [قرآن را به تو دادیم. (99)
هر کس از آن روی گرداند، پس در حقیقت او روز رستاخیز بار سنگین (گناه) را بر دوش خواهد داشت! (100)
در حالی که در آن (بار گناه و عذاب) ماندگارند؛ و در روز رستاخیز بد باری

برای آنان است! (101)
(همان) روزی که در شیپور دمیده می‌شود؛ و خلافکاران را در آن روز، در حالی که (چشمانشان کور و) کبود است گردآوری می‌کنیم! (102)
میان خود آهسته می‌گویند:» شما جز ده (شبانه روز در دنیا و برزخ) درنگ نکردید! « (103)
ما به آنچه می‌گویند داناتریم، هنگامی که بهترین نمونه آنان از نظر روش، می‌گوید:» جز روزی درنگ نکردید. « (104)
و از تو در باره کوه‌ها پرسش می‌کنند؛ پس بگو:» پروردگارم آنها را کاملًا از جا بر می‌کند و پراکنده می‌سازد. (105)
پس (جای) آن (کوه‌ها) را رها می‌سازیم در حالی که صاف و بی‌گیاه است. (106)
[و] در آن، هیچ کژی (و پستی) و بلندی نمی‌بینی. « (107)
در آن روز، (مردم) از فراخوان (حق) پیروی می‌کنند در حالی که هیچ انحرافی در آن نیست. و همه صداها بخاطر (عظمت خدای) گسترده‌مهر، فروتن می‌شود؛ و جز صدایی آهسته نمی‌شنوی. (108)
در آن روز، شفاعت سودی ندارد، جز کسی که (خدای) گسترده‌مهر برای او رخصت دهد، و سخنش را بپسندد. (109)
(زیرا) آنچه در پیش رویشان (در آینده) و آنچه در پشت سرشان (در گذشته) است می‌داند؛ در حالی که به او احاطه علمی ندارند. (110)
و (در رستاخیز) چهره‌ها برای (خدای) زنده بر پا، و بر پا دارنده، خوار و فروتن می‌شود؛ و بیقین کسی که بار ستمی بر دوش دارد، نومید می‌ماند. (111)
و هر کس برخی [کارهای شایسته انجام دهد، در حالی که او مؤمن باشد، پس از هیچ ستم و کاستی (پاداش) نمی‌ترسد. (112)
و اینگونه آن (قرآن) را در حالی که خواندنی عربی (واضح) است فرو فرستادیم، و در آن از [انواع تهدید، به گونه‌های مختلف بیان کردیم؛ باشد که آنان خودنگهدار (و پارسا) شوند یا برایشان تذکّری پدید آورد. (113)
ترجمه قرآن، ص: 320
و والاتر است خدایی که فرمانروای حق است. و (ای پیامبر) نسبت به (خواندن) قرآن شتاب مَورز پیش از آنکه وحی آن به سوی تو پایان پذیرد؛ و بگو:» پروردگارا! مرا دانش افزای. « (114)
و بیقین، از پیش با آدم عهد کردیم، و [لی فراموش کرد، و در او تصمیمی (استوار) نیافتیم. (115)
و هنگامی که به فرشتگان گفتیم:» برای آدم سجده کنید. «و (همگی) سجده کردند؛ جز ابلیس که سر باز زد. (116)
و گفتیم:» ای آدم! در حقیقت این (ابلیس) دشمن تو و همسر توست؛ پس

شما را از باغ بیرون نکند؛ که به زحمت خواهی افتاد. (117)
درواقع برای تو (این مزیت هست) که در آنجا گرسنه نمی‌شوی و برهنه نمی‌گردی؛ (118)
و اینکه تو در آنجا تشنه نمی‌گردی، و آفتاب زده نمی‌شوی. « (119)
و شیطان او را وسوسه کرد و گفت:» ای آدم! آیا تو را به درخت ماندگار و فرمانروایی‌ای که زوال نمی‌پذیرد، راهنمایی کنم؟! « (120)
پس آن دو از آن (درخت) خوردند، و شرمگاه‌های آنان برایشان آشکار شد، و شروع به قرار دادن برگ (های درختان) باغ بر خودشان کردند. و آدم پروردگارش را نافرمانی کرد، و بیراهه رفت، (و زیانکار و محروم گشت). (121)
سپس پروردگارش او را برگزید، و توبه‌اش را پذیرفت، و (او را) راهنمایی کرد. (122)
(خدا) فرمود:» هر دو از آن فرو آیید، در حالی که برخی از شما دشمن برخی [دیگر] هستید؛ و اگر رهنمودی از طرف من برای شما آمد پس هر کس که از هدایت من پیروی کند، پس گمراه نمی‌شود و به زحمت نمی‌افتد. (123)
و هر کس از یاد من روی گرداند، پس حتماً زندگی (سخت و) تنگی برای اوست؛ و او را روز رستاخیز نابینا گرد می‌آوریم. « (124)
گوید:» پروردگارا! چرا مرا نابینا گرد آوردی؟! در حالی که یقیناً بینا بودم! « (125)
ترجمه قرآن، ص: 321
(خدا می) فرماید:» اینگونه (تو را گرد می‌آوریم زیرا) نشانه‌های ما به تو رسید و آنها را به فراموشی سپردی، و همچنان امروز فراموش می‌شوی. (126)
و اینگونه کسی را که زیاده‌روی کرده، و به نشانه‌های پروردگارش ایمان نیاورده، کیفر می‌دهیم؛ و حتماً عذاب آخرت شدیدتر و پایدارتر است. « (127)
و آیا برای آنان روشن نکرد که چه بسیار گروه‌هایی را پیش از آنان هلاک کردیم در حالی که (این کافران) در خانه‌های آنان راه می‌روند؟! مسلماً در آن [ها] نشانه‌هایی برای صاحبان اندیشه است. (128)
و اگر نبود سخن (سنت گونه) ای که از طرف پروردگارت از پیش مقرر شده بود و سرآمد معین (و حتمی عمر شما)، حتماً (عذاب آنان) لازم می‌شد. (129)
پس بر آنچه می‌گویند، شکیبا باش؛ و پیش از طلوع خورشید، و قبل از غروب آن، با ستایش پروردگارت تسبیح گوی؛ و بخشی از شبانگاهان و اطراف روز تسبیح گوی؛ باشد که خشنود شوی. (130)

و هرگز چشمانت را خیره مکن به آنچه که گروه‌هایی از ایشان را بدان بهره‌مند کردیم؛ در حالی که شکوفه‌های زندگی پست (دنیا) است؛ تا آنان را در آن بیازماییم؛ و روزیِ پروردگارت بهتر و پایدارتر است. (131)
و خاندانت را به نماز فرمان ده؛ و بر [انجام آن شکیبایی ورز؛ از تو هیچ روزی نمی‌خواهیم؛ (چرا که) ما به تو روزی می‌دهیم؛ و فرجام (نیک) برای (صاحبان) پارسایی (و خود نگهداری) است. (132)
و (مخالفان) گفتند:» چرا (پیامبر) نشانه‌ای (معجزه‌آسا) از طرف پروردگارش برای ما نمی‌آورد؟! «و (بگو:) آیا دلیل روشنِ آنچه در کتاب‌های نخستین بوده، برای آنان نیامده است؟! (133)
و اگر (بر فرض) ما آنان را پیش از آن (فرستادن قرآن و پیامبر) با عذابی هلاک می‌کردیم، حتماً (در قیامت) می‌گفتند:» [ای پروردگار ما! چرا فرستاده‌ای به سوی ما نفرستادی تا پیش از آنکه خوار شویم و رسوا گردیم، از آیات تو پیروی کنیم؟! « (134)
بگو:» همه منتظریم، پس انتظار بکشید که بزودی خواهید دانست چه کسی اهل راه درست است، و چه کسی راهنمایی شده است! « (135)
ترجمه قرآن، ص: 322

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
برای مردم، (زمانِ) حسابشان بسی نزدیک شد، در حالی که آنان در غفلت، رویگردانند! (1)
هیچ یادآوریِ نوینی از طرف پروردگارشان برای آنان نمی‌آید، مگر در حالی که آنان بازی می‌کنند بدان گوش فرا می‌دهند؛ (2)
در حالی که دل‌هایشان سرگرم (چیز دیگر) است. و کسانی که ستم نمودند، رازگویی‌شان را پنهان کردند (و گفتند:) آیا این (پیامبر) جز بشری همانند شماست؟! و آیا به سراغ سِحر می‌روید، در حالی که شما می‌بینید؟! (3)
(پیامبر) گفت:» (هر) سخن را که در آسمان و زمین (باشد) پروردگارم می‌داند؛ و او شنوا [و] داناست. « (4)
بلکه (مشرکان) گفتند:» (این قرآن) یک دسته خواب‌های پریشان است؛ بلکه آن را [به دروغ به خدا] نسبت داده است، بلکه او شاعر است؛ پس باید نشانه‌ای (معجزه‌آسا) برای ما بیاورد؛ همان گونه که پیشینیان (از پیامبران با معجزه) فرستاده شدند. « (5)
پیش از آن (مشرک) ان هیچ آبادی که (مردم) آن را هلاک کردیم، ایمان نیاوردند؛ پس آیا اینان ایمان می‌آورند؟! (6)
و پیش از تو، جز مردانی که به سوی آنان وحی می‌کردیم، نفرستادیم. پس اگر نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید. (7)
و آن (پیامبر) ان را پیکرهایی که غذا نمی‌خورند قرار ندادیم؛ و ماندگار (هم) نبودند. (8)
سپس وعده (عذاب) آنان را راست گردانیدیم، و آنان و کسی را که (شایسته دانستیم و) خواستیم نجات بخشیدیم؛ و اسرافکاران را هلاک نمودیم. (9)
بیقین به سوی شما کتابی فرو فرستادیم، که در آن (وسیله) تذکّر شماست؛ پس آیا خردورزی نمی‌کنید؟! (10)
ترجمه قرآن، ص: 323
و چه بسیار آبادی را که (مردمش) ستمکار بودند، در هم شکستیم؛ و بعد از آنها، قوم دیگری پدید آوردیم. (11)
و هنگامی که سختی (عذاب) ما را احساس کردند، ناگهان آنان از (ترس) آن پا به فرار گذاشتند. (12)
(گفتیم:) پا به فرار مَگذارید؛ و به سوی آنچه در آن کامرانی یافتید، و خانه‌هایتان باز گردید! تا شاید شما مورد سؤال قرار گیرید! (13)

گفتند:» ای وای بر ما! بیقین ما ستمکار بودیم. « (14)
و پیوسته این، ندایشان بود، تا آنان را درو شده‌ای خاموش (و بی‌جان) گردانیدیم. (15)
و آسمان و زمین، و آنچه را در میان آن دوست به بازیچه نیافریدیم. (16)
اگر (بر فرض) می‌خواستیم که سرگرمی‌ای برگزینیم، حتماً آن را از نزد خود بر می‌گزیدیم؛ اگر (این کار را) انجام می‌دادیم. (17)
بلکه حق را بر باطل می‌افکنیم و آن را فرو می‌شکند پس ناگهان آن را نابود می‌سازد؛ و [لی وای بر شما از آنچه (در باره خدا و پیامبر) وصف می‌کنید! (18)
و کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، فقط از آن اویند؛ و کسانی (از فرشتگان) که نزد او هستند، از پرستش وی تکبّر نمی‌ورزند و درمانده نمی‌شوند. (19)
(او را) در شب و روز به پاکی می‌ستایند؛ در حالی که سست نمی‌گردند. (20)
آیا معبودانی از زمین بر گرفتند که آنان (مردگان را) زنده می‌کنند؟! (21)
اگر (بر فرض) در آن دو (آسمان و زمین،) معبودانی جز خدا بودند، حتماً (آسمان و زمین) تباه می‌شدند. پس خدا، پروردگار تخت (جهانداری و تدبیر هستی) منزّه است، از آنچه (او را) وصف می‌کنند. (22)
(خدا) از آنچه انجام می‌دهد بازخواست نمی‌شود؛ در حالی که آنان بازخواست می‌شوند. (23)
(بلکه) آیا معبودانی جز او برگزیدند؟! بگو:» دلیل روشنتان را بیاورید. این است یادمان کسانی که با من هستند و یادمان کسانی که پیش از من بوده‌اند. «بلکه اکثر آن (مشرک) ان حق را نمی‌شناسند؛ و از این‌رو آنان رویگردانند. (24)
ترجمه قرآن، ص: 324
و پیش از تو هیچ فرستاده‌ای را نفرستادیم جز اینکه به سوی او وحی کردیم که در حقیقت:» هیچ معبودی جز من نیست؛ پس [مرا] پرستش کنید. « (25)
و (مشرکان) گفتند:» (خدای) گسترده‌مهر، فرزندی (از فرشتگان) برگزیده است «. او منزّه است؛ بلکه (فرشتگان) بندگانِ گرامی داشته شده‌اند؛ (26)
که در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند؛ و آنان به فرمان او عمل می‌کنند؛ (27)
(زیرا) آنچه در پیش رویشان (در آینده) و آنچه در پشت سرشان (در گذشته) است می‌داند؛ و (فرشتگان) جز برای کسی که (خدا از او) خشنود باشد، شفاعت نمی‌کنند؛ و آنان از هراس او بیمناکند. (28)

و هر کس از آن (فرشتگ) ان بگوید:» در حقیقت من معبودی جز او هستم.
«پس او را جهنّم کیفرش می‌دهیم. اینچنین ستمکاران را کیفر می‌دهیم.
(29)
آیا کسانی که کفر ورزیدند اطلاع نیافتند که آسمان‌ها و زمین پیوسته بودند،
و آن دو را گشودیم؛ و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم؟! پس آیا ایمان
نمی‌آورند؟! (30)
و در زمین، [کوه‌های استواری قرار دادیم، [مبادا] که آنان را بلرزاند؛ و در
آن (کوه‌ها و) درّه‌ها، راه‌ها قرار دادیم تا شاید آنان راهنمایی شوند. (31)
و آسمان (جوّ) را سقف محفوظی قرار دادیم؛ و [لی آنان از نشانه‌هایش
رویگردانند. (32)
و او کسی است که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید؛ در حالی که هر
یک در مداری شناورند. (33)
و پیش از تو (نیز) برای هیچ بشری ماندگاری (جاویدان) قرار ندادیم؛ و آیا
اگر (تو) بمیری، پس آنان ماندگارند؟! (34)
هر شخصی چشنده مرگ است؛ و شما را با بدی [ها] و خوبی [ها] کاملاً
می‌آزماییم؛ و فقط به سوی ما بازگردانده می‌شوید. (35)
ترجمه قرآن، ص: 325
و کسانی که کفر ورزیدند، هنگامی که تو را می‌بینند، جز به ریشخندت
نمی‌گیرند؛ (و می‌گویند:) آیا این کسی است که معبودهای شما را (به
بدی) یاد می‌کند؟! در حالی که آنان خود، یاد (خدای) گسترده‌مهر را
منکرند. (36)
انسان از عجله آفریده شده؛ بزودی نشانه‌هایم را به شما می‌نمایانم، پس
(از من) شتاب مَخواهید. (37)
و (کافران) می‌گویند:» اگر راست گویید، این وعده (قیامت) چه وقت
است؟! « (38)
اگر (بر فرض) کسانی که کفر ورزیدند، می‌دانستند زمانی را که نمی‌توانند
آتش را از صورت‌هایشان و از پشت‌هایشان بازدارند؛ و آنان یاری
نمی‌شوند. (این اندازه درباره آمدن قیامت شتاب نمی‌کردند)! (39)
بلکه (قیامت) ناگهان بر ایشان فرا رسد و مبهوتشان می‌سازد! و
نمی‌توانند آن را برگردانند و (نیز) آنان مهلت داده نمی‌شوند. (40)
و بیقین پیش از تو فرستادگانی ریشخند شدند، و [لی آنچه که همواره آن
را ریشخند می‌کردند، کسانی از آنان را که مسخره می‌کردند فرو گرفت.
(41)
بگو:» چه کسی شما را در شب و روز از (مجازات خدای) گسترده‌مهر
حفظ می‌کند؟! «ولی آنان از یاد پروردگارشان رویگردانند. (42)
آیا برای آنان معبودانی غیر از ماست که آنان را (از عذاب) باز می‌دارد؟!

در حالی که توان یاری خودشان را ندارند، و آنان از طرف ما (نیز یاری و) همراهی نمی‌شوند. (43)
بلکه آنان و پدرانشان را (از نعمت‌ها) بهره‌مند ساختیم، تا اینکه عمرشان طولانی شد؛ و آیا نمی‌بینند که ما به سراغ زمین می‌آییم، در حالی که از اطرافش آن را می‌کاهیم؟! و آیا آنان پیروزند؟! (44)
ترجمه قرآن، ص: 326
بگو:» فقط بوسیله وحی شما را هشدار می‌دهم! «و [لی هنگامی که ناشنوایان، هشدار داده شوند، صدا را نمی‌شنوند. (45)
و اگر شمّه‌ای از عذاب پروردگارت به آنان برسد، قطعاً می‌گویند:» ای وای بر ما! بیقین ما ستمکار بودیم. « (46)
و در روز رستاخیز میزان‌های دادگری را می‌نهیم، و هیچ کس به (کم‌ترین) چیزی ستم نمی‌شود؛ و اگر (کردارشان) هموزن دانه‌ای از سپندان باشد، آن را می‌آوریم؛ و حسابرسی ما کافی است. (47)
و یقیناً به موسی و هارون، جدا کننده [حق از باطل و روشنایی و یادآوری برای پارسایان (خود نگهدار) دادیم. (48)
(همان) کسانی که از پروردگارشان در نهان می‌هراسند، در حالی که آنان از ساعت (رستاخیز) بیمناکند. (49)
و این (قرآن) یادآوری خجسته است که آن را فروفرستادیم؛ و آیا شما آن را منکرید؟! (50)
و یقیناً پیش از [این به ابراهیم رهنمودش را دادیم؛ و به (شایستگی) او آگاه بودیم، (51)
هنگامی که به پدر (مادرش یا عموی) ش و قومش گفت:» این تندیس‌ها چیست که شما ملازم (پرستش) آنها شده‌اید؟! « (52)
گفتند:» نیاکانمان را پرستش کنندگان آنها یافتیم. « (53)
(ابراهیم) گفت:» بیقین شما و نیاکانتان، در گمراهی آشکاری بودید! « (54)
(بت پرستان) گفتند:» آیا حق را برای ما آورده‌ای، یا تو از بازیگرانی؟! « (55)
(ابراهیم) گفت:» بلکه پروردگار شما، پروردگار آسمان‌ها و زمین است (همان) کسی که آنها را شکافته [و آفریده است؛ و من از گواهان بر این (مطلب) هستم. (56)
و به خدا سوگند، پس از آنکه پشت کرده، روی برتافتید، قطعاً برای بتانتان نقشه می‌کشم! « (57)
ترجمه قرآن، ص: 327
و آن (بت) ان را قطعه قطعه کرد، مگر بزرگشان را، تا شاید آنان به سویش بازگردند. (58)

(بت پرستان) گفتند:» چه کسی این (کار) را با معبودهای ما انجام داده است، قطعاً او از ستمکاران است. « (59)
(گروهی) گفتند:» شنیدیم جوان پسری که به او ابراهیم گفته می‌شود، آن (بت) ان را (به بدی) یاد می‌کرد. « (60)
(بت پرستان) گفتند:» او را در برابر دیدگان مردم بیاورید، تا شاید آنان گواهی دهند. « (61)
گفتند:» ای ابراهیم آیا تو این (کار) را با معبودهای ما انجام داده‌ای؟! « (62)
گفت:» بلکه همین بزرگشان آن (کار) را انجام داده است. پس اگر همواره سخن می‌گویند از آن (بت) ان بپرسید. « (63)
و به خویشتن خویش بازگشتند؛ و گفتند:» در واقع فقط شما ستمکارید! « (64)
سپس آنان سرافکنده شدند؛ (و با اعتراض به ابراهیم گفتند:) بیقین می‌دانی که اینها سخن نمی‌گویند. (65)
(ابراهیم) گفت:» پس آیا جز خدا، چیزی را می‌پرستید که هیچ چیزی به شما سود نمی‌رساند، و زیانی برای شما ندارد؟! (66)
اف بر شما و بر آنچه، جز خدا، می‌پرستید! و آیا خردورزی نمی‌کنید؟! « (67)
(بت‌پرستان) گفتند:» اگر می‌خواهید کاری انجام دهید، او را بسوزانید و معبودهایتان را یاری کنید. « (68)
گفتیم:» ای آتش! بر ابراهیم سرد و سلامت باش. « (69)
و خواستند برای او نقشه‌ای بکشند (و نابودش کنند)، و [لی آنان را زیانکارترین (مردم) قرار دادیم. (70)
و او و لوط را به سوی سرزمینی نجات دادیم، که برای جهانیان در آن برکت نهادیم. (71)
و اسحاق، و یعقوب را (به عنوان نعمتی) افزون به وی بخشیدیم؛ و همه را شایسته قرار دادیم. (72)
ترجمه قرآن، ص: 328
و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما، (مردم را) رهنمون می‌شوند؛ و انجام نیکی‌ها و بر پاداشتن نماز و پرداخت زکات را به آنان وحی کردیم؛ و فقط پرستش کننده ما بودند. (73)
و به لوط حکم و علم دادیم؛ و او را از آبادی که همواره (مردمش کارهای) پلید انجام می‌دادند، نجات دادیم؛ [چرا] که آنان گروهی بد [کار و] نافرمانبردار بودند. (74)
و او را در رحمت خود وارد کردیم؛ [چرا] که او از شایستگان است. (75)
و (یاد کن) نوح را هنگامی که پیش از (آنان) ندا داد؛ و (دعای) او را

پذیرفتیم و، وی و خانواده‌اش را از اندوه بزرگ نجات دادیم؛ (76)
و او را در برابر کسانی که نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، یاری دادیم؛ [چرا] که آنان گروه بدی بودند؛ پس همه آنان را غرق کردیم. (77)
و (یاد کن) داود و سلیمان را هنگامی که درباره کشتزاری داوری کردند، آنگاه که گوسفندانِ مردم، [بدون چوپان شبانگاه در آن چریده [و آن را تباه کرده بودند، و (ما) بر داوری آنان گواه بودیم. (78)
و آن (داوری) را به سلیمان فهماندیم؛ و به هر کدام حکم و علم دادیم؛ و کوه‌ها و پرندگان را به همراه داود رام ساختیم در حالی که (با او) تسبیح می‌گفتند؛ و (ما) کننده (این کار) بودیم. (79)
و صنعت زره (سازی) را بخاطر شما به آن (داود) آموزش دادیم، تا شما را از سختی (و آسیب جنگ های) تان حفظ کند؛ پس آیا شما سپاسگزارید؟! (80)
و برای سلیمان تندباد را [رام ساختیم؛] در حالی که به فرمان او به سوی سرزمینی که در آن برکت نهادیم روان می‌شد؛ و (ما) به هر چیزی دانا بودیم. (81)
ترجمه قرآن، ص: 329
و از شیطان‌ها کسانی برایش غواصی می‌کردند؛ و کاری غیر از آن (نیز) انجام می‌دادند؛ و آنها را (از سرکشی) حفظ می‌کردیم. (82)
و (یاد کن) ایّوب را هنگامی که پروردگارش را ندا در داد که:» به من زیان (و رنج) رسیده، در حالی که تو مهرورزترینِ مهرورزانی. « (83)
و (دعای) او را پذیرفتیم؛ و آنچه از (رنج و) زیان بر او بود، بر طرف ساختیم؛ و خانواده‌اش و همانندشان را همراه آنان به وی [باز] دادیم؛ تا رحمتی از جانب ما و یادمانی برای پرستش کنندگان باشد. (84)
و (یاد کن) اسماعیل و ادریس و ذو الکِفل را در حالی که همه از شکیبایان بودند؛ (85)
و آنان را در رحمت خود وارد ساختیم؛ [چرا] که آنان از شایستگان بودند. (86)
و (یاد کن) ذو النُون [یونس را هنگامی که خشمناک (از میان قوم خود) رفت، و یقین کرد که بر او تنگ نخواهیم گرفت؛ و [لی در تاریکی‌ها ندا در داد که:» هیچ معبودی جز تو نیست؛ منزّهی تو! در حقیقت من از ستمکاران بودم. « (87)
و (دعای) او را پذیرفتیم؛ و او را از اندوه نجات دادیم؛ و این گونه مؤمنان را نجات می‌دهیم. (88)
و (یاد کن) زکریا را هنگامی که پروردگارش را ندا در داد:» پروردگارا، مرا تنها وامگذار (و فرزندی به من عطا کن!) و تو بهترین وارثانی. « (89)
و (دعای) او را اجابت کردیم، و به او یحیی را بخشیدیم و همسرش را

برای او شایسته (بارداری) گردانیدیم؛ [چرا] که آنان در (انجام) نیکی‌ها، پیوسته بر همدیگر پیشی می‌گرفتند؛ و ما را مشتاقانه و ترسان می‌خواندند؛ و برای ما فروتن بودند! (90)
ترجمه قرآن، ص: 330
و (یاد کن) آن (مریم را) که دامان (عفّت) ش را حفظ کرد، و از روح خویش در او دمیدیم؛ و او و پسرش را نشانه‌ای (معجزه‌آسا) برای جهانیان قرار دادیم. (91)
براستی که این (روش پیامبران) آیین شماست، در حالی که آیین یگانه‌ای است؛ و من پروردگار شما هستم؛ پس [مرا] پرستش کنید. (92)
و (گروهی) کار (دین) شان را در میان خود گسستند؛ (ولی) همه فقط به سویِ ما باز می‌گردند. (93)
و هر کس برخی [کارهای شایسته را انجام دهد، در حالی که او مؤمن باشد، پس برای کوشش او هیچ ناسپاسی نخواهد بود؛ و در حقیقت ما تنها نویسندگان (کارهای) او هستیم. (94)
و بر (مردم) آبادی که هلاکشان ساختیم، ممنوع است که آنان (به دنیا) بازگردند. (95)
تا هنگامی که (راه)» یَأجُوج «و» مَأجُوج «گشوده شود، در حالی که آنان از هر بلندی، به سرعت سرازیر می‌شوند. (96)
و وعده حق (رستاخیز) بسی نزدیک شود؛ پس ناگهان چشم‌های کسانی که کفر ورزیدند، خیره شود؛ (در حالی که می‌گویند:) ای وای بر ما که از این (روز) در غفلت بودیم؛ بلکه (ما) ستمکار بودیم! (97)
در حقیقت شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید، هیزم جهنّم هستید؛ در حالی که شما وارد شدگان در آن هستید. (98)
اگر (بر فرض) اینان معبودانی بودند، وارد آن (جهنّم) نمی‌شدند؛ در حالی که همه در آن ماندگارند. (99)
برای آنان در آن (جهنّم) فریادی است؛ و آنان در آنجا (چیزی) نمی‌شنوند. (100)
براستی کسانی که قبلًا از طرف ما (وعده) نیک به آنان داده شده است، آنان از آن (جهنّم) دور نگاه داشته می‌شوند. (101)
ترجمه قرآن، ص: 331
آوای آن (آتش) را نمی‌شنوند؛ و آنان در آنچه خودشان میل دارند، ماندگارند. (102)
وحشتِ بزرگ، آنان را اندوهگین نمی‌کند؛ و فرشتگان به استقبالشان می‌آیند، (در حالی که می‌گویند:) این روز (رستاخیزِ) شماست، که همواره (بدان) وعده داده می‌شدید؛ (103)
(همان) روزی که آسمان را همچون پیچیدن طومار نامه‌ها، در می‌نوردیم؛

همان‌گونه که نخستین آفرینش را آغاز کردیم، آن را باز می‌گردانیم؛ (این) وعده‌ای است بر عهده ما؛ قطعاً ما (آن را) انجام می‌دهیم. (104)
و بیقین در» زَبُور «بعد از آگاه کننده [تورات نوشتیم که:» بندگان شایسته‌ام، آن زمین را به ارث خواهند برد. « (105)
قطعاً در این (مطلب)، پیامی برای گروه پرستش کنندگان است. (106)
و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم. (107)
بگو:» فقط به سوی من وحی می‌شود که معبود شما معبودی یگانه است؛ پس آیا شما تسلیم می‌شوید؟! « (108)
و اگر روی برتابند، پس بگو:» به (همه) شما بطور یکسان اعلام (خطر) کردم؛ و نمی‌دانم آیا آنچه (از عذاب) وعده داده می‌شوید، نزدیک است یا دور؟ (109)
در حقیقت او سخن آشکار را می‌داند، و آنچه را پنهان می‌دارید (نیز) می‌داند. (110)
و نمی‌دانم شاید این (تأخیر عذاب،) آزمایشی برای شماست؛ و تا مدتی (مایه) بهره‌مندی است. « (111)
(پیامبر) گفت:» پروردگارا به حق داوری فرما! و پروردگار ما (خدای) گسترده‌مهر است، که در برابر آنچه وصف می‌کنید، (از او) یاری خواسته می‌شود. « (112)
ترجمه قرآن، ص: 332

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
ای مردم! [خودتان را] از [عذاب پروردگارتان حفظ کنید، [چرا] که زلزله ساعت (رستاخیز) چیز بزرگی است! (1)
روزی که آن را می‌بینید، هر شیر دهنده‌ای، (از ترس) آنچه را مشغول شیر دادن است، از یاد می‌برد، و هر آبستنی، بار خود را (بر زمین) می‌نهد؛ و مردم را مستان می‌بینی، در حالی که آنان مست نیستند؛ و لیکن عذاب خدا شدید است! (2)
و از (میان) مردم کسی است که بدون هیچ دانشی درباره خدا مجادله می‌کند، و از هر شیطان سرکشی پیروی می‌نماید. (3)
بر او مقرر شده که هر کس سرپرستی او را بپذیرد (و از وی پیروی کند،) پس مسلّماً او گمراهش می‌سازد؛ و به سوی عذاب شعله فروزان (آتش) راهنمایی‌اش می‌کند. (4)
ای مردم! اگر از برانگیخته شدن (در رستاخیز) در تردید هستید، پس (بنگرید:) که ما شما را از خاکی آفریدیم، سپس از آب اندک سیال، سپس از [خون بسته آویزان، سپس از (چیزی شبیه) گوشت جویده شده، شکل یافته (متمایز) و شکل نیافته (غیر متمایز آفریدیم؛) تا برای شما روشن سازیم (که خدا بر انجام رستاخیز تواناست). و آنچه را که بخواهیم تا سرآمد معیّنی در رحم‌ها قرار می‌دهیم؛ سپس شما را بصورت کودکی بیرون می‌آوریم؛ سپس (زندگی می‌کنید) تا به حدّ رشدتان برسید؛ و از شما کسی است که (جانش) بطور کامل گرفته می‌شود؛ و از شما کسی است که به خوارترین (دوران) عمر برگردانده می‌شود، تا بعد از آگاهی هیچ چیزی نداند. و زمین را خشک و بی گیاه می‌بینی؛ و هنگامی که آب (باران) را بر آن فرو می‌فرستیم، به حرکت در می‌آید و رشد می‌یابد؛ و از هر نوع [گیاه زیبا می‌رویاند. (5)
ترجمه قرآن، ص: 333
این (مطالب) بخاطر آن است که تنها خدا حق است؛ و اینکه او مردگان را زنده می‌کند؛ و اینکه او بر هر چیزی تواناست. (6)
و اینکه ساعت (رستاخیز) آمدنی است در حالی که هیچ تردیدی در آن نیست؛ و اینکه خدا کسانی را که در قبرها هستند بر می‌انگیزد. (7)
و از (میان) مردم کسی است که بدون هیچ دانش و هیچ رهنمود و هیچ کتاب روشنی بخشی، درباره خدا مجادله می‌کند؛ (8)
در حالی که (از روی تکبّر) پهلویش بر می‌تابد، تا (مردم را) از راهِ خدا گمراه سازد؛ برای او در دنیا رسوایی است؛ و در روز رستاخیز، عذاب

سوزان را به او می‌چشانیم! (9)
(در حالی که به او گفته می‌شود:) این (عذاب) بخاطر دستاورد پیشین توست؛ و [بخاطر] اینکه خدا هرگز نسبت به بندگان بیدادگر نیست. (10)
و از (میان) مردم کسی است که خدا را بر حاشیه (منافع خویش) می‌پرستد، و اگر به او نیکی رسد، بدان آرامش یابد، و اگر آزمایشی به او رسد، (به سوی کفر) رویش را بر می‌گرداند؛ (او) در دنیا و آخرت زیان کرده است، این تنها زیان آشکار است. (11)
غیر از خدا چیزی را که زیانی به او نمی‌رساند و چیزی را که به او سودی نمی‌بخشد، می‌خواند؛ این تنها گمراهی دور است. (12)
کسی را می‌خواند که حتماً زیانش از سودش نزدیک‌تر است؛ البته بد سرپرست (و یاوری) است و مسلماً بد همدمی است. (13)
در حقیقت خدا کسانی را که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام داده‌اند، در بوستان‌های (بهشتی) وارد می‌کند که نهرها از زیر [درختان ش روان است؛ که خدا هر چه را بخواهد انجام می‌دهد. (14)
هر کس یقین دارد که خدا او (و پیامبرش) را در دنیا و آخرت یاری نخواهد کرد، (و از این نظر عصبانی است،) پس طنابی به سوی بالا بکشد، سپس باید (آن را) قطع کند، و باید نظر کند که آیا نیرنگش چیزی را که (او را) به خشم آورده، حتماً از بین می‌برد؟! (15)
ترجمه قرآن، ص: 334
و اینگونه آن [قرآن را، در حالی که آیات روشن است، فرو فرستادیم؛ و خدا هر کس را بخواهد راهنمایی می‌کند. (16)
در حقیقت کسانی که (به پیامبر اسلام) ایمان آورده‌اند، و کسانی که به (آیین) یهود گرویدند، و صابئان (پیرو یحیای پیامبر) و مسیحیان و زردشتیان و کسانی که شرک ورزیدند، مسلماً خدا روز رستاخیز، در میان آنان (داوری کرده و) جدایی می‌اندازد؛ [چرا] که خدا بر هر چیز گواه است. (17)
آیا اطلاع نیافتی که خدا، برایش (تمام) کسانی که در آسمان‌ها و کسانی که در زمینند و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبندگان، و بسیاری از مردم، سجده می‌کنند؟! و [لی بسیاری (از مردم) عذاب بر آنان ثابت گردیده است. و هر کس را خدا خوار کند، پس هیچ (کس) گرامیش ندارد؛ [چرا] که خدا آنچه را بخواهد (و مصلحت بداند) انجام می‌دهد. (18)
این دو (گروه) دشمنان یکدیگرند که درباره پروردگارشان کشمکش می‌کنند؛ پس کسانی که کفر ورزیدند، لباس‌هایی از آتش برای آنان بریده شده است، در حالی که از بالای سرشان آب سوزان ریخته می‌شود؛ (19)
آنچه در شکم‌های آنان است و پوست‌ها، بدان گداخته می‌شود؛ (20)
و برای آنان گرزهای آهنین است. (21)

هر گاه بخواهند از (شدّت) اندوه، از آن (دوزخ) خارج شوند، در آن بازگردانده شوند؛ و (به آنان گفته می‌شود:) عذاب سوزان را بچشید! (22)
در حقیقت خدا کسانی را که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، در بوستان‌های (بهشتی) وارد می‌کند که نهرها از زیر [درختان ش روان است؛ در آنجا با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته می‌شوند؛ و لباس‌هایشان در آنجا حریر است. (23)
ترجمه قرآن، ص: 335
و به سوی گفتار پاک راهنمایی شوند؛ و به راه (خدای) ستوده رهنمون گردند. (24)
در واقع کسانی که کفر ورزیدند، و (مردم را) از راه خدا و مسجد الحرام بازداشتند (مستحق عذابی دردناکند؛ همان مسجد الحرامی) که آن را برای مردم قرار دادیم، در حالی که ملازم در آنجا و (مسافران) بیابانی یکسانند؛ و هر کس در این (سرزمین) انحرافی به همراه ستمکاری بخواهد، از عذابی دردناک به او می‌چشانیم! (25)
و (یاد کن) هنگامی را که مکان خانه (کعبه) را برای ابراهیم آماده ساختیم، (و به او گفتیم:) که هیچ چیز را شریک من قرار مده؛ و خانه مرا برای طواف کنندگان و (به نماز) ایستادگان و رکوع کنندگان سجده‌گر پاک و پاکیزه کن. (26)
و حجّ را به مردم اعلام کن، تا به سوی تو آیند؛ در حالی که پیاده و (سوار) بر هر مرکب لاغری هستند که از هر درّه ژرف (و راه دور) ی می‌آیند. (27)
تا (در حج) شاهد سودهایشان باشند؛ و در روزهای معیّنی نام خدا را (بخاطر نعمت‌ها و به هنگام قربانی) بر دام‌های زبان بسته، که به آنان روزی داده است، ببرند؛ پس از (گوشت) آنها بخورید؛ و (نیز) به سختی کشیده نیازمند بخورانید. (28)
سپس، باید آلودگی‌هایشان را برطرف سازند؛ و باید به نذرهایشان وفا کنند؛ و باید بر خانه باستانی (کعبه) طواف نمایند. (29)
این (اعمال حج است)؛ و هر کس (برنامه‌های) محترم الهی را بزرگ شمارد، پس آن، نزد پروردگارش برای او بهتر است. و برای شما دام‌ها حلال شده، مگر آنچه (حکمش) بر شما خوانده می‌شود. پس از بت‌های (سنگی) پلید، دوری کنید؛ و از گفتار باطل (نیز) دوری نمایید؛ (30)
ترجمه قرآن، ص: 336
در حالی که حق گرایان برای خدا هستید [و] مشرک به او نیستید؛ و هر کس به خدا شرک ورزد، پس گویی از آسمان فروافتد و پرندگان او را بربایند؛ یا باد او را به مکان دور دستی فرو اندازد. (31)

این (اعمال حج است)؛ و کسانی که نشانه‌های خدا را بزرگ شمارند، پس در واقع این (کار آنان حاکی) از پارسایی (و خود نگهداری) دل‌هاست. (32)
برای شما در آن (نشانه‌های خدا و قربانی) تا سرآمدی معین سودهایی است؛ سپس محل (و زمان) آن (قربانی کنار) خانه باستانی (کعبه) است. (33)
و برای هر امّتی مراسم عبادی قربانی قرار دادیم، تا نام خدا را (به هنگام قربانی) بر دام‌های زبان بسته که به آنان روزی داده، ببرند، و معبود شما معبودی یگانه است؛ پس فقط تسلیم (فرمان) او شوید، و فروتنان را مژده ده. (34)
(همان) کسانی که هر گاه خدا یاد شود، دل‌هایشان (از عظمت خدا و کیفر او) بهراسد؛ و کسانی که در برابر آنچه (از مصیبت‌ها) به آنان می‌رسد، شکیبایند؛ و کسانی که برپا دارنده نمازند؛ و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم (در راه خدا) مصرف می‌کنند. (35)
و برای شما آن شترهای فربه (قربانی) را از نشانه‌های خدا قرار دادیم؛ در آنها برای شما خیر (و برکت) است. پس در حالی که (برای قربانی) در صف ایستاده‌اند، نام خدا را بر آنها ببرید؛ و هنگامی که پهلوهایشان (بر زمین) افتاد (و جان دادند)، پس از (گوشت) آنها بخورید، و به (نیازمندان) قانع و (فقیران) درخواست کننده بخورانید. اینگونه آنها را برای شما رام ساختیم، تا شاید شما سپاسگزاری کنید. (36)
گوشت‌های آن (قربانی) ها و خون‌های آنها به خدا نمی‌رسد. و لیکن پارسایی (و خود نگهداری) شما به او می‌رسد؛ اینگونه آنها را برای شما رام ساخت، تا خدا را به پاس اینکه شما را راهنمایی کرده بزرگ شمارید؛ و نیکوکاران را مژده ده. (37)
در حقیقت خدا از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند؛ که خدا هیچ خیانت پیشه بسیار ناسپاس را دوست ندارد. (38)
ترجمه قرآن، ص: 337
به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت (جهاد) داده شد، بخاطر اینکه آنان مورد ستم واقع شده‌اند؛ و قطعاً خدا بر یاری آنان تواناست. (39)
(همان) کسانی که به ناحق از خانه‌هایشان رانده شدند، (و جرمی نداشتند) جز اینکه می‌گفتند:» پروردگار ما، خداست! «و اگر خدا برخی از مردم را بوسیله برخی [دیگر] دفع نمی‌کرد، دیْرها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، حتماً ویران می‌شد؛ و قطعاً خدا هر کس را که (دین) او را یاری کند، یاری می‌رساند؛ که مسلماً خدا نیرومندی شکست‌ناپذیر است. (40)

(همان) کسانی که اگر در زمین به آنان امکانات دهیم، نماز را برپا می‌دارند، و [مالیات زکات را می‌پردازند، و به [کار] پسندیده فرمان می‌دهند، و از [کار] ناپسند منع می‌کنند، و فرجام همه کارها تنها برای خداست. (41)
و اگر تو را تکذیب کنند، پس بیقین پیش از آنان، قوم نوح و عاد و ثَمُود (پیامبرانشان را) تکذیب کردند؛ (42)
و (همچنین) قوم ابراهیم و قوم لوط؛ (43)
و اهل مَدین (قوم شعیب، پیامبرانشان را تکذیب کردند)؛ و موسی (نیز بوسیله فرعونیان) تکذیب شد؛ و [لی به کافران مهلت دادم، سپس آنان را گرفتار (مجازات) ساختم. پس انکار [من چگونه بود؟! (44)
و چه بسیار [مردم آبادی که آنها را هلاک کردیم در حالی که آن (مردم) ستمکار بودند، و [دیوارهای آن به روی سقف‌هایش فرو ریخته بود! و (چه بسیار) چاه متروک و قصر استوار [و مرتفع که بی‌صاحب مانده است.] (45)
و آیا در زمین گردش نکرده‌اند، تا دل‌ها (و عقل‌ها) یی داشته باشند که با آنها خردورزی کنند؛ یا گوش‌هایی که با آنها (حقایق را) بشنوند؟! [چرا] که چشم‌های (ظاهر) نابینا نیستند، و لیکن دل‌هایی که در سینه‌هاست نابیناست. (46)
ترجمه قرآن، ص: 338
و از تو می‌خواهند که در عذاب شتاب ورزی؛ و خدا از وعده‌اش تخلّف نمی‌ورزد. و در حقیقت نزد پروردگارت، یک روز، همانند هزار سال است از آنچه می‌شمارید. (47)
و چه بسیار (مردم) آبادی که به آنها مهلت دادم، در حالی که آن (مردم) ستمکار بودند؛ سپس آنها را گرفتار (مجازات) ساختم! و فرجام (همه) فقط به سوی من است. (48)
بگو:» ای مردم! من برای شما فقط هشدارگری روشنگرم. (49)
پس کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، آمرزش و روزیِ ارجمندی برای آنان است. (50)
و کسانی که در (ردّ) آیات ما تلاش کردند، در حالی که (به خیال خود) عاجز کننده (ما) هستند، آنان اهل دوزخند. « (51)
و پیش از تو هیچ فرستاده و پیامبری نفرستادیم، جز اینکه هر گاه آرزو می‌کرد (و طرحی می‌ریخت)، شیطان در آرزو (و طرح‌ها) یش (شبهه) می‌افکند؛ و [لی خدا آنچه را شیطان می‌افکند، از میان می‌برد؛ سپس خدا آیاتش را استحکام می‌بخشید- و خدا دانای فرزانه است- (52)
تا آنچه را شیطان القا می‌کند، آزمایشی قرار دهد برای کسانی که در دل‌هایشان [نوعی بیماری است، و آنها که سخت دلند- و قطعاً ستمکاران

در جدایی (و ستیزی) دور و درازند- (53)
و تا کسانی که به آنان علم داده شده، بدانند که این (قرآن) حق است در حالی که از جانب پروردگار توست، و بدان ایمان آورند، و دل‌هایشان در برابر آن فروتن گردد؛ و خدا کسانی را که ایمان آوردند، مسلماً به سوی راهی راست راهنمایی می‌کند. (54)
و کسانی که کفر ورزیدند، پیوسته از آن (قرآن) در شک هستند، تا ساعت (رستاخیز) ناگهان برای شان فرا رسد، یا عذاب روزی نازا (و غیر قابل تکرار) به سراغشان آید! (55)

در آن روز، فرمانروایی از آنِ خداست؛ میان آنان داوری می‌کند، پس کسانی که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام داده‌اند، در بوستان‌های پر نعمت (بهشتی) هستند. (56)
و کسانی که کفر ورزیدند و نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، پس آنان عذابی خوار کننده برای شان (آماده) است! (57)
و کسانی که در راه خدا هجرت کردند، سپس کشته شدند یا مردند، قطعاً خدا به آنان رزق نیکویی روزی می‌دهد؛ و مسلماً تنها خدا، بهترین روزی دهندگان است. (58)
البته آنان را به جایگاهی وارد می‌کند که از آن خشنود خواهند بود؛ و قطعاً خدا دانایی بردبار است. (59)
(حکم خدا) این است، و هر کس همانند چیزی که بدان مجازات شده، کیفر دهد، سپس بر او ستم شود، قطعاً خدا او را یاری خواهد کرد؛ مسلماً خدا بخشاینده [و] بسیار آمرزنده است. (60)
این (وعده یاری) بخاطر آن است که خدا شب را در روز وارد می‌کند، و روز را در شب وارد می‌کند؛ و اینکه خدا شنوای بیناست. (61)
(و نیز) این بخاطر آن است که تنها خدا حقّ است؛ و اینکه فقط آنچه را جز او می‌خوانند (و پرستش می‌کنند) باطل است؛ و اینکه تنها خدا بلند مرتبه [و] بزرگ است. (62)
آیا نظر نکرده‌ای که خدا از آسمان، آبی فرو فرستاد، پس زمین سرسبز گردید؟ که خدا لطیف [و] آگاه است. (63)
آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است فقط از آنِ اوست؛ و مسلماً خدا توانگر [و] ستوده است. (64)

آیا نظر نکرده‌ای که خدا آنچه را در زمین است و کشتی‌ها را در حالی که در دریا به فرمان او روانند، برای شما رام ساخت؛ و (اجرام) آسمان را نگه می‌دارد، تا مبادا جز به رخصت او، بر زمین فرو افتد؟ که خدا [نسبت به مردم قطعاً مهربانی مهرورز است. (65)

و او کسی است که شما را زنده کرد، سپس شما را می‌میراند، سپس شما را (در رستاخیز) زنده می‌کند، مسلماً انسان بسیار ناسپاس است. (66)
برای هر امّتی مراسم عبادی قرار دادیم، که آنان، آن (عبادت) را انجام دهند؛ پس هرگز نباید در [این کار با تو کشمکش کنند. به سوی پروردگارت فراخوان، [چرا] که تو مسلماً بر راهبردی، راست قرار داری. (67)
و اگر (کافران) با تو مجادله کنند، پس بگو:» خدا به آنچه انجام می‌دهید داناتر است. (68)
خدا در روز رستاخیز، میان شما در مورد آنچه که همواره در آن اختلاف می‌کردید، داوری می‌کند. « (69)
آیا ندانسته‌ای که خدا آنچه را در آسمان و زمین است می‌داند؟! [چرا] که اینها در کتابی (ثبت) است؛ براستی که این (امور) بر خدا آسان است. (70)
و جز خدا چیزی را می‌پرستند که هیچ دلیلی بر آن فرو نفرستاده است، و چیزی را که هیچ علمی بدان ندارند. و هیچ یاوری برای ستمکاران نیست. (71)
و هنگامی که آیات ما، در حالی که روشن است، بر آنان خوانده می‌شود، در چهره‌های کسانی که کفر ورزیدند (نشانه‌های) انکار را می‌شناسی؛ نزدیک است به کسانی که آیات ما را بر آنان می‌خوانند، حمله‌ور شوند! بگو:» و آیا شما را به بدتر از این خبر دهم؟ (آن) آتش که خدا آن را به کسانی که کفر ورزیدند وعده داده است؛ و بد فرجامی است! « (72)
ترجمه قرآن، ص: 341
ای مردم! مَثَلی زده شده است، پس بدان [با دقّت گوش فرا دهید: در حقیقت کسانی را که جز خدا می‌خوانید (و پرستش می‌کنید،) هیچ مگسی نمی‌آفرینند، و گرچه برای این (کار) جمع شوند؛ و اگر مگس چیزی از آنان برباید، آن را از او باز پس نمی‌گیرند؛ طلب کننده و طلب شونده (هر دو) ناتوانند. (73)
خدا را به حقیقت معرفتش نشناختند؛ [چرا] که خدا قطعاً نیرومندی شکست‌ناپذیر است. (74)
خدا از فرشتگان و از مردم، فرستادگانی بر می‌گزیند، که خدا شنوای بیناست. (75)
آنچه در پیش رویشان (در آینده) و آنچه در پشت سرشان (در گذشته) است، می‌داند؛ و [همه کارها فقط به سوی خدا باز گردانده می‌شوند. (76)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! رکوع کنید، و سجده نمایید، و پروردگارتان را پرستش کنید، و کار نیک انجام دهید؛ باشد که شما رستگار (و پیروز)

شوید. (77)
و در (راه) خدا جهاد کنید، آنگونه که حق جهاد (در راه) اوست؛ او شما را برگزید، و در دین (اسلام) بر شما هیچ تنگنایی قرار نداد. آیین پدرتان ابراهیم (را پیروی کنید). آن (خدا) در این (قرآن) و پیش از (این در کتاب‌های الهی) شما را» مسلمان «نامید، تا فرستاده (خدا) گواه بر شما باشد، و [شما] گواهان بر مردم باشید. پس نماز را بر پا دارید، و [مالیات زکات را بپردازید، و به خدا تمسّک جویید، در حالی که او سرپرست شماست، و چه نیکو سرپرست، و چه نیکو یاوری! (78)
ترجمه قرآن، ص: 342

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
براستی که مؤمنان رستگار شدند؛ (1)
(همان) کسانی که آنان در نمازشان فروتنند؛ (2)
و کسانی که آنان از (کار و سخن) بیهوده روی گردانند؛ (3)
و کسانی که آنان [بخشش زکات را [پرداخت کننده‌اند؛ (4)
و همان کسانی که دامانشان را (در امور جنسی) حفظ می‌کنند؛ (5)
مگر در مورد همسرانشان یا آنچه (از کنیزان) مالک شده‌اند؛ که در حقیقت آنان (در این موارد) سرزنش نمی‌شوند؛ (6)
و کسانی که فراتر از این جُویند، پس تنها آنان تجاوزگرند. (7)
و کسانی که آنان امانت‌هایشان و پیمان‌هایشان را رعایت می‌کنند؛ (8)
و کسانی که آنان بر نمازهایشان مواظبت می‌نمایند. (9)
تنها آنان وارثانند. (10) ترجمه قرآن 366
(همان) کسانی که فردوس را به ارث می‌برند، در حالی که آنان در آنجا ماندگارند. (11)
و بیقین انسان را از چکیده‌ای از گِل آفریدیم؛ (12)
سپس او را آب اندک سیّالی در جایگاه استوار [رحم قرار دادیم؛ (13)
سپس آب اندک سیّال را بصورت [خون بسته آویزان آفریدیم، و [خون بسته آویزان را بصورت (چیزی شبیه) گوشت جویده شده آفریدیم، و گوشت جویده شده را بصورت استخوان‌هایی آفریدیم؛ و بر استخوان‌ها گوشتی پوشاندیم؛ سپس آن را بصورت آفرینش دیگری پدید آوردیم؛ و خجسته باد خدا، که بهترین آفرینندگان است! (14)
سپس شما بعد از این (مراحل) قطعاً می‌میرید؛ (15)
سپس شما در روز رستاخیز حتماً برانگیخته می‌شوید. (16)
و بیقین بر فراز شما هفت راه (آسمانی) آفریدیم؛ و از آفرینش غافل نبوده‌ایم. (17)
ترجمه قرآن، ص: 343
و از آسمان، آبی به اندازه فرو فرستادیم؛ و آن را در زمین جایگزین کردیم، و ما مسلماً بر [از بین بردن آن توانائیم. (18)
پس به وسیله آن بوستان‌هایی از درختان خرما و انگورها برای شما پدید آوردیم، که در آنها میوه‌های فراوان برای شماست؛ و از آنها می‌خورید. (19)
و (نیز) درخت (زیتون) ی که از کوه پربرکت (طُور سَینا) بیرون می‌آید که با روغن و» نان خورشی «برای خورندگان می‌روید. (20)

و قطعاً در (وجود) دام‌ها، برای شما عبرتی است؛ از آنچه در شکم آنهاست به شما (شیر) می‌نوشانیم. و برای شما در آنها سودهای فراوان است؛ و از (گوشت) آنها می‌خورید؛ (21)
و بر آنها و بر کشتی‌ها حمل می‌شوید. (22)
و بیقین نوح را به سوی قومش فرستادیم؛ و گفت:» ای قوم [من ! خدا را پرستش کنید، که هیچ معبودی جز او برای شما نیست؛ پس آیا خودنگهداری (و پارسایی) نمی‌کنید؟! « (23)
و اشراف قومش که کفر ورزیدند، گفتند:» این (نوح) جز بشری مثل شما نیست، که می‌خواهد بر شما برتری جوید؛ اگر (بر فرض) خدا می‌خواست (پیامبری بفرستد)، حتماً فرشتگانی فرود می‌آورد؛ (ما) در نیاکان نخستین خود این را نشنیده‌ایم! (24)
او نیست جز مردی که در وی (حالت) جنون است؛ پس تا مدّتی برای (مرگ یا بهبودی) او انتظار بکشید. « (25)
(نوح) گفت:» پروردگارا! مرا در برابر تکذیب‌های آنان یاری کن. « (26)
و به سوی او وحی کردیم که:» زیر نظر ما، و (بر اساس) وحی ما با زیرکی کشتی را بساز. و هنگامی که فرمان (عذاب) ما فرا رسد، و تنور فوران کند، پس از هر [حیوانی، یک جفت دوتایی و خانواده‌ات را در آن وارد کن؛ مگر کسی از آنان که قبلًا در باره او سخن رفته است؛ و در باره کسانی که ستم کردند با من سخن مگوی، [چرا] که آنان غرق شدنی هستند. (27)
ترجمه قرآن، ص: 344
و هنگامی که تو و کسانی که به همراه تواند بر کشتی قرار گرفتید، پس بگو: ستایش مخصوص خدایی است که ما را از گروه ستمکاران نجات بخشید! « (28)
و بگو:» پروردگارا! مرا در منزلگاهی خجسته فرود آر، در حالی که تو بهترین فرود آورندگانی. « (29)
مسلماً در این (ماجرا) نشانه‌هایی است، و حتماً [ما] آزمایش کننده بودیم. (30)
سپس گروه‌های دیگری را بعد از آنان پدید آوردیم؛ (31)
و در میان آنان فرستاده‌ای از [خود] شان فرستادیم که:» خدا را پرستش کنید که هیچ معبودی جز او برای شما نیست؛ پس آیا خودنگهداری (و پارسایی) نمی‌کنید؟! « (32)
و اشراف قومش که کفر ورزیدند، و ملاقات (جهان) آخرت را دروغ انگاشتند، و در زندگی پست (دنیا) آنان را کامروا ساختیم، گفتند:» این جز بشری مثل شما نیست، می‌خورد از آنچه [شما] از آن می‌خورید؛ و می‌نوشد از آنچه می‌نوشید! (33)

و اگر از بشری مثل خودتان اطاعت کنید مسلماً شما در این هنگام زیانکارید. (34)
آیا [او] به شما وعده می‌دهد که هنگامی که شما مُردید و خاک و استخوان‌هایی (پوسیده) شدید، (باز) شما (از قبرها) بیرون آورده می‌شوید؟! (35)
دور است دور است، آنچه وعده داده می‌شوید! (36)
این جز زندگی پست (دنیایی) ما نیست، (برخی) می‌میریم و (برخی) زندگی می‌کنیم، و ما برانگیخته نخواهیم شد! (37)
او جز مردی که بر خدا دروغ بسته، نیست؛ و ما تصدیق کننده او نیستیم! « (38)
(پیامبرشان) گفت:» پروردگارا! مرا در برابر تکذیب‌های آنان یاری کن. « (39)
(خدا) فرمود:» پس از اندکی حتماً پشیمان خواهند گشت. « (40)
پس بانگ (مرگبار) آنان را به حق فرو گرفت؛ و آنان را (همچون) خاشاکی بر سیلاب قرار دادیم؛ و قوم ستمکار (از رحمت خدا) دور باد! (41)
سپس گروه‌های دیگری را بعد از آنان پدید آوردیم. (42)
ترجمه قرآن، ص: 345
هیچ ملّتی از سرآمد (عمر) ش پیشی نمی‌گیرند و تأخیر نمی‌کنند. (43)
سپس فرستادگانمان را یکی پس از دیگری فرستادیم؛ هر گاه برای (راهنمایی) امّتی فرستاده‌اش می‌آمد، او را تکذیب می‌کردند؛ پس برخی از آن (سرکش) ان را بدنبال برخی [دیگر] آوردیم. و آنان را (هلاک کردیم و) خبرهای (عبرت‌آموز) گردانیدیم؛ و قومی که ایمان نمی‌آورند (از رحمت خدا) دور باد! (44)
سپس موسی و برادرش هارون را با نشانه‌های (معجزه آسای) مان و دلیلی آشکار، به سوی فرعون و اشراف او فرستادیم؛ (45)
و [لی تکبّر ورزیدند، و گروهی برتری‌جو بودند. (46)
و گفتند:» آیا به دو بشری که مثل ما هستند، ایمان آوریم، در حالی که قوم آن دو پرستندگان ما هستند؟! « (47)
پس آن دو را تکذیب کردند؛ و از هلاک شدگان شدند. (48)
و یقیناً به موسی کتاب (تورات) دادیم؛ باشد که آنان راهنمایی شوند. (49)
و پسر مریم [عیسی و مادرش را نشانه‌ای (معجزه‌آسا) قرار دادیم؛ و آن دو را در سرزمین بلندی که دارای قرارگاه و [آب روانی بود، جای دادیم. (50)
ای فرستادگان! از [خوراکی‌های پاکیزه بخورید، و [کار] شایسته انجام دهید، که من به آنچه انجام می‌دهید دانایم. (51)
و براستی که این (روش پیامبران) آیین شماست، در حالی که آیین یگانه‌ای

است؛ و من پروردگار شما هستم؛ پس (خودتان را از عذاب من) حفظ کنید. (52)
و (گروهی) کار (دین) شان را در میان خود گسستند، دسته دسته (بدنبال کتابی رفتند؛ و) هر حزبی به آنچه نزدشان است شادمانند. (53)
پس آنان را تا مدّتی در گرداب جهلشان واگذار. (54)
آیا می‌پندارند آنچه از مال و پسران، که آنان را بدان امداد می‌رسانیم، (55)
(برای این است که) به سودشان در نیکی‌ها شتاب می‌ورزیم؟ (نه) بلکه (با درک حسّی این مطلب را) متوجه نمی‌شوند. (56)
مسلّماً کسانی که آنان از هراس پروردگارشان بیمناکند، (57)
و کسانی که آنان به نشانه‌های پروردگارشان ایمان می‌آورند، (58)
و کسانی که آنان به پروردگارشان شرک نمی‌ورزند، (59)
ترجمه قرآن، ص: 346
و کسانی که انجام می‌دهند آنچه را (باید در راه خدا) انجام می‌دادند، و با این حال، دل‌هایشان هراسناک است [چرا] که آنان به سوی پروردگارشان باز می‌گردند، (60)
آنان در (انجام) نیکی‌ها بر همدیگر پیشی می‌گیرند، و آنان برای آن (نیکی) ها پیشگامند. (61)
و هیچ کس را جز به اندازه تواناییش تکلیف نمی‌کنیم؛ و نزد ما کتابی است که به حق سخن می‌گوید؛ و آنان مورد ستم واقع نمی‌شوند. (62)
بلکه دل‌هایشان از این (حقیقت) در گرداب جهل (فرو رفته) است؛ و کارهای (زشتی) جز این دارند در حالی که آنان آن (کار) ها را انجام می‌دهند. (63)
تا هنگامی که ثروتمندانِ آنها را به عذاب گرفتار ساختیم؛ بناگاه، آنان ناله و زاری سر می‌دهند. (64)
(به آنان گفته می‌شود:) امروز ناله و زاری سر مَدهید، [چرا] که شما از طرف ما یاری نخواهید شد. (65)
(زیرا) در حقیقت، آیات من همواره بر شما خوانده می‌شد؛ و [لی شما همواره به پشت (سر) تان باز می‌گشتید! (66)
مستکبرانه نسبت به آن (قرآن و پیامبر) شبانه بدگویی می‌کردید. (67)
و آیا در گفتار (قرآن) تدبّر نکردند، یا چیزی برای آنان آمده که برای نیاکان نخستین آنان نیامده است؟! (68)
یا فرستاده‌شان را نشناختند، و [از این رو] آنان او را انکار می‌کنند؟! (69)
یا می‌گویند:» در او (حالتِ) جنون است؟! « (نه)، بلکه (او) حق را برای آنان آورد؛ در حالی که بیشترشان از حق ناخشنودند. (70)
و اگر (بر فرض)، حق از هوس‌های آنان پیروی می‌کرد، حتماً آسمان‌ها و

زمین و هر کس که در آنهاست تباه می‌شدند. بلکه یادمانشان (قرآن) را برای آنان آوردیم، و [لی آنان از یادمانشان روی گردانند. (71)
یا از ایشان هزینه (زندگی) می‌خواهی؟ با اینکه هزینه (و پاداش) پروردگارت بهتر است، و او بهترین روزی دهندگان است. (72)
و قطعاً تو آنان را به راه راست فرا می‌خوانی. (73)
و مسلماً کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، از راه (راست) منحرفند. (74)
ترجمه قرآن، ص: 347
و اگر (بر فرض) به آنان رحم کنیم و آنچه از (رنج و) زیان به آنان (رسیده) برطرف سازیم، حتماً در طغیانشان لجاجت می‌ورزند در حالی که سرگردانند. (75)
و بیقین آنان را به عذاب گرفتار ساختیم (تا بیدار شوند)! و [لی آنان در برابر پروردگارشان تسلیم نگردیدند، و فروتن نشدند. (76)
تا هنگامی که بر آنان دری با عذاب شدید گشودیم، بناگاه آنان در آن (حال) مأیوس شدند. (77)
و او کسی است که برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌های [سوزان پدید آورد، چه اندک سپاسگزاری می‌کنید. (78)
و او کسی است که شما را در زمین آفرید؛ و فقط به سوی او گردآوری می‌شوید. (79)
و او کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند؛ و پی در پی آمدن شب و روز، تنها از آنِ اوست؛ پس آیا خردورزی نمی‌کنید؟! (80)
(نه،) بلکه (آنان نیز) مِثل آنچه پیشینیان گفته بودند، گفتند. (81)
گفتند:» آیا هنگامی که مُردیم و خاک و استخوان‌هایی (پوسیده) شدیم، آیا حتماً ما برانگیخته می‌شویم؟! (82)
بیقین این (رستاخیز) از پیش به ما و نیاکانمان وعده داده شد؛ این جز افسانه‌های پیشینیان نیست. « (83)
بگو:» اگر بدانید، زمین و کسانی که در آن هستند از آنِ چه کسی است؟! « (84)
بزودی خواهند گفت:» فقط از آنِ خداست. «بگو:» آیا (غافلید) و متذکّر نمی‌شوید؟! « (85)
بگو:» چه کسی پروردگار آسمان‌های هفتگانه، و پروردگار تخت بزرگ (جهانداری و تدبیر هستی) است؟ « (86)
بزودی خواهند گفت:» فقط از آنِ خداست! «بگو:» پس آیا خودنگهداری (و پارسایی) نمی‌کنید؟! « (87)
بگو:» اگر می‌دانید، چه کسی فرمانروایی مطلق هر چیزی به دست اوست، و او پناه می‌دهد، و به او پناه داده نمی‌شود؟! « (88)

بزودی خواهند گفت:» فقط از آنِ خداست! «بگو:» پس چگونه سحر می‌شوید؟! « (89)
ترجمه قرآن، ص: 348
بلکه حق را برای آنان آوردیم؛ و قطعاً آنان دروغ گویند. (90)
خدا هیچ فرزندی نگزیده است و هیچ معبودی با او نیست؛ (و گرنه) در آن صورت حتماً هر معبودی آنچه را آفریده بود، می‌برد، و مسلماً برخی آنان بر برخی [دیگر] برتری می‌جستند؛ منزّه است خدا از آنچه (او را) وصف می‌کنند! (91)
(همان خدایی که) دانای نهان و آشکار است؛ پس برتر است از آنچه شریک (او) قرار می‌دهند! (92)
(ای پیامبر) بگو:» پروردگارا! اگر آنچه را (از عذاب) به آنان وعده داده می‌شود به من بنمایانی، (93)
پس پروردگارا، مرا در میان گروه ستمکاران قرار مده. « (94)
و ما قطعاً تواناییم بر اینکه آنچه را به آنان وعده می‌دهیم، به تو بنمایانیم. (95)
بدی را بدان (شیوه‌ای) که آن نیکوتر است، دفع کن. ما به آنچه وصف می‌کنند داناتریم. (96)
و بگو:» پروردگارا! از اشارات وسوسه‌آمیز شیطان‌ها به تو پناه می‌برم؛ (97)
و پروردگارا! از حضور آنان (نزد خود)، به تو پناه می‌برم. « (98)
تا هنگامی که مرگ، یکی از آنان را فرا رسد، می‌گوید:» پروردگارا! [مرا] باز گردانید؛ (99)
باشد که من در آنچه ترک کرده‌ام، [کار] شایسته‌ای انجام دهم. « (در پاسخ او گفته می‌شود:) هرگز چنین نیست! این سخنی است که او (فقط) گوینده آن است؛ و فرا روی آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته می‌شوند. (100)
و هنگامی که در شیپور دمیده شود، پس در آن روز هیچ خویشاوندی بین آنان نیست، و از یکدیگر پرسش (و درخواست) نمی‌کنند. (101)
و کسانی که میزان‌های (عمل) آنان سنگین است، پس تنها آنان رستگارانند. (102)
و کسانی که میزان‌های (عمل) آنان سبک است، پس آنان کسانی هستند که به خودشان زیان رسانده‌اند (و) در جهنّم ماندگارند؛ (103)
در حالی که [شعله‌های آتش به چهره‌هایشان نواخته می‌شود؛ و آنان در آن (آتش) عبوس و زشت منظرند. (104)
ترجمه قرآن، ص: 349
(و به آنان گفته می‌شود:) آیا آیات من پیوسته بر شما خوانده نمی‌شد، و

همواره آنها را دروغ می‌انگاشتید؟! (105)
می‌گویند:» [ای پروردگار ما! بدبختی ما بر ما چیره شد و گروهی گمراه بودیم. (106)
[ای پروردگار ما! ما را از این (دوزخ) بیرون آر، و اگر (به بدی) باز گشتیم پس در حقیقت ما ستمکاریم. « (107)
(خدا به آنان) می‌فرماید:» در آن (دوزخ) گم شوید، و [با من سخن مگویید! (108)
[چرا] که دسته‌ای از بندگان من همواره می‌گفتند:» [ای پروردگار ما! ایمان آوردیم؛ پس ما را بیامرز و بر ما رحم کن؛ در حالی که تو بهترین رحم کنندگانی؛ « (109)
و [لی آنان را به ریشخند گرفتید، تا (با این کار) یاد مرا از خاطر شما زدودند؛ و شما همواره به آنان می‌خندیدید. (110)
براستی من امروز آنان را بخاطر شکیبایی‌شان، پاداش دادم؛ به اینکه تنها آنان رستگارانند. « (111)
(خدا) می‌گوید:» چقدر است تعداد سال‌هایی که در زمین درنگ کردید؟ « (112)
(دوزخیان) گویند:» یک روز، یا بخشی از یک روز درنگ کردیم، پس از شمارندگان بپرس. « (113)
(خدا) می‌گوید:» اگر (بر فرض) شما می‌دانستید (متوجه می‌شدید که) جز (زمان) اندکی درنگ نکرده‌اید. « (114)
و آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده‌ایم، و اینکه شما به سوی ما باز گردانده نمی‌شوید؟! (115)
پس والاتر است خدایی که سلطان حق است؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ پروردگار تخت ارجمند (جهانداری و تدبیر هستی) است! (116)
و هر کس معبود دیگری را با خدا بخواند (و بپرستد،) که برایش هیچ دلیل روشنی بدان نیست، پس حساب او تنها نزد پروردگارش خواهد بود؛ بیقین کافران رستگار نخواهند شد. (117)
و بگو:» پروردگارا! بیامرز و رحم کن؛ در حالی که تو بهترین رحم کنندگانی! « (118)
ترجمه قرآن، ص: 350

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
[این سوره‌ای است که آن را فرو فرستادیم، و (قوانین) آن را واجب نمودیم، و در آن آیات روشنی فرو فرستادیم، تا شاید شما متذکر شوید. (1)
زن زناکار و مرد زناکار، هر یک از آن دو را صد ضربه تازیانه بزنید؛ و اگر به خدا و روزِ بازپسین ایمان دارید، نسبت به آن دو، در (کار) دین خدا هیچ دلسوزی شما را گرفتار نکند؛ و باید دسته‌ای از مؤمنان مجازات آن دو را مشاهده کنند. (2)
مرد زناکار جز با زن زناکار یا زن مشرک ازدواج نمی‌کند؛ و زن زناکار، جز مرد زناکار یا مرد مشرک، با او ازدواج نمی‌کند؛ و این (ازدواج) بر مؤمنان حرام شده است. (3)
و کسانی که زنان پاکدامن را (به زنا) نسبت می‌دهند، سپس چهار گواه (بر مدعای خود) نیاورند، پس آنان را هشتاد تازیانه بزنید، و هیچ گواهی را هرگز از آنان نپذیرید؛ و تنها آنان نافرمانبردارند. (4)
مگر کسانی که پس از آن توبه کنند و اصلاح نمایند، پس (توبه آنان پذیرفته می‌شود چرا) که خدا بسیار آمرزنده (و) مهرورز است. (5)
و کسانی که به همسران خود نسبت (زنا) می‌دهند، در حالی که گواهانی جز خودشان برای آنان نبوده، پس گواهی یکی از آنان، چهار (بار) گواهی دادن به (نام) خداست، که قطعاً او از راستگویان است؛ (6)
و (گواهی) پنجم این است که (بگوید:) لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد. (7)
و از آن (زن) مجازات (زنا) را دور می‌کند اینکه، گواهی دهد چهار (بار) گواهی دادن به (نام) خدا، که قطعاً آن (شوهر) از دروغگویان است. (8)
و (بار) پنجم (گواهی دهد) که خشم خدا بر او باد اگر (شوهرش) از راستگویان باشد. (9)
و اگر بخشش خدا و رحمتش بر شما نبود و اینکه خدا بسیار توبه‌پذیر [و] فرزانه است، (حتماً عذابی بزرگ به شما می‌رسید.) (10)
ترجمه قرآن، ص: 351
در واقع کسانی که آن دروغ بزرگ را (به میان) آوردند، گروهی پیوسته از شما هستند؛ مپندارید که آن (ماجرا) برای شما بد است، بلکه آن برای شما نیکوست؛ برای هر انسانی از آنان، آن گناهی است که بدست آورده است؛ و کسی از آنان که عمده آن (دروغ) را سرپرستی کرد، عذاب بزرگی برای اوست! (11)

چرا هنگامی که آن (دروغ بزرگ) را شنیدید، مردان مؤمن و زنان مؤمن به خودشان گمان نیک نبردند و نگفتند این دروغ بزرگِ آشکاری است؟! (12)
چرا چهار گواه بر آن نیاوردند؟! و اکنون که این گواهان را نیاوردند، پس تنها آنان در نزد خدا دروغگویانند. (13)
و اگر بخشش خدا و رحمتش در دنیا و آخرت بر شما نبود، حتماً بخاطر آنچه در آن وارد شدید، عذاب بزرگی به شما می‌رسید. (14)
(یاد کن) هنگامی را که آن (دروغ بزرگ) را از زبان‌های یکدیگر دریافت می‌کردید، و با دهان‌هایتان چیزی را می‌گفتید که هیچ علمی بدان نداشتید؛ و آن را آسان می‌پنداشتید در حالی که آن نزد خدا بزرگ است! (15)
و چرا هنگامی که آن (دروغ بزرگ) را شنیدید نگفتید:» برای ما شایسته نیست که درباره این (مطلب) سخن گوییم؛ (خدایا) منزّهی تو، این تهمت بزرگی است؟! « (16)
خدا شما را پند می‌دهد، که اگر مؤمن هستید، مبادا هرگز به مِثل این (سخن) باز گردید. (17)
و خدا آیات را برای شما روشن بیان می‌کند، و خدا دانای فرزانه است. (18)
در حقیقت کسانی که دوست دارند که زشتکاری در میان کسانی که ایمان آوردند، گسترشی آشکار یابد، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی دردناک است؛ و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. (19)
و اگر بخشش خدا و رحمتش بر شما نبود، و اینکه خدا مهربانی مهرورز است، (حتماً عذابی بزرگ بر شما می‌رسید.) (20)
ترجمه قرآن، ص: 352
ای کسانی که ایمان آوردید! از گام‌های شیطان پیروی مَکنید. و هر کس از گام‌های شیطان پیروی کند، (گمراهش می‌سازد،) چرا که او به [کارهای زشت و ناپسند فرمان می‌دهد. و اگر بخشش خدا و رحمتش بر شما نبود، هیچ یک از شما هرگز [پاک نمی‌شد و] رشد نمی‌یافت؛ و لیکن خدا هر کس را بخواهد [و شایسته بداند، رشد می‌دهد و] پاک می‌کند؛ و خدا شنوای داناست. (21)
و از میان شما صاحبان (ثروتِ) افزون، و وسعت (در زندگی)، نباید در مورد (کمک مالی) دادن به نزدیکان و بینوایان و مهاجران در راه خدا کوتاهی کنند. (و در مورد یاری نکردن سوگند نخورند) و باید ببخشند و درگذرند؛ آیا دوست نمی‌دارید که خدا شما را بیامرزد؟! و خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (22)
در حقیقت کسانی که زنان پاکدامنِ غافلِ مؤمن را (به زنا) نسبت می‌دهند، در دنیا و آخرت (از رحمت) دور شده‌اند، و عذاب بزرگی برای آنان است! (23)

در روزی که زبان‌هایشان و دستانشان و پاهایشان بر ضدّ آنان به آنچه همواره انجام می‌دادند، گواهی می‌دهند. (24)
در آن روز، خدا جزای حقیقی آنان را بطور کامل به ایشان خواهد داد؛ و می‌دانند که تنها خدا حقِ آشکار است. (25)
زنان پلید از آنِ مردان پلیدند، و مردان پلید از آنِ زنان پلیدند؛ و زنان پاکِ (نیکو)، از آنِ مردان پاک (نیکوی) ند، و مردان پاک (نیکو) از آنِ زنان پاک (نیکوی) ند! آنان از آنچه می‌گویند، بر کنارند؛ و برای آنان آمرزش و روزی ارجمندی است. (26)
ای کسانی که ایمان آوردید! در خانه‌هایی غیر از خانه‌هایتان، وارد نشوید تا اینکه با دوستی رخصت طلبید و بر اهل آن (خانه) سلام کنید؛ این برای شما بهتر است؛ باشد که شما متذکّر شوید. (27)
ترجمه قرآن، ص: 353
و اگر هیچ کس را در آن (خانه) نیافتید، پس در آن وارد نشوید تا اینکه به شما رخصت داده شود؛ و اگر به شما گفته شود:» باز گردید! «پس باز گردید؛ این برای شما [پاک کننده‌تر و] رشد آورتر است؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید داناست. (28)
هیچ گناهی بر شما نیست که وارد خانه‌های غیر مسکونی شوید که در آنها کالا (و بهره‌ای) برای شماست؛ و خدا آنچه را آشکار می‌نمایید، و آنچه را پنهان می‌دارید، می‌داند. (29)
(ای پیامبر) به مردان مؤمن بگو:» چشم‌هایشان را (از نگاه حرام) فرو کاهند، و دامانشان را (در امور جنسی) حفظ کنند. «که این برای آنان [پاک کننده‌تر و] رشد آورتر است؛ [چرا] که خدا به آنچه با زیرکی انجام می‌دهند آگاه است. (30)
و به زنان مؤمن بگو:» چشمانشان را (از نگاه حرام) فروکاهند؛ و دامان (عفت) شان را حفظ کنند؛ و زیورشان را آشکار ننمایند، جز آنچه را که از آنها ظاهر است؛ و باید روسری‌هایشان را بر گریبان‌هایشان (فرو) اندازند، و زیورشان را آشکار ننمایند جز برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدران شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان (هم کیش) شان، یا آنچه (از کنیزان) مالک شده‌اند، یا مردان (خدمتکار) تابع (خانواده) که (از زنان) بی نیازند، یا کودکانی که بر امور جنسی زنان آگاه نشده‌اند؛ و پاهایشان را (به زمین) نزنند تا آنچه از زیورشان پنهان می‌دارند، معلوم گردد؛ و ای مؤمنان! همگی به سوی خدا بازگردید باشد که شما رستگار (و پیروز) شوید. « (31)
ترجمه قرآن، ص: 354
و افراد بی‌همسرتان، و شایستگان از بندگانتان، و کنیزانتان را به ازدواج

(یکدیگر) در آورید؛ اگر نیازمند باشند، خدا از بخشش خود آنان را توانگر می‌سازد؛ و خدا گشایشگری داناست. (32)
و کسانی که (وسایل) ازدواج نمی‌یابند، باید خویشتنداری کنند تا خدا از بخشش خود آنان را توانگر سازد. و از میان آنچه (از بردگان) مالک شده‌اید، کسانی که خواستار (قرارداد آزادی) مُکاتبه هستند، پس با آنان (قرارداد) مُکاتبه ببندید، اگر در (آزادی) ایشان نیکی می‌دانید؛ و از مال خدا که به شما داده، به آنان بدهید. و کنیزان جوانسال خود را اگر پاکدامنی را می‌خواهند، بر تجاوزکاری (زنا) به اکراه وامَدارید، تا (کالای) ناپایدار زندگی پست (دنیا) را بجویید؛ و هر کس آنان را (بر این کار) به اکراه وادار کند (و پشیمان شود،) پس بعد از اکراه آنان خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (33)
و بیقین به سوی شما آیاتی روشنگر، و داستان کسانی که پیش از شما در گذشتند، و پندی برای پارسایان (خود نگهدار)، فرو فرستادیم. (34)
خدا نور آسمان‌ها و زمین است؛ مثال نور او همانند چراغدانی است که در آن چراغی باشد، که [آن چراغ در بلوری است- [آن بلور چنانکه گویی سیاره‌ای درخشان است- (و این چراغ با روغنی) از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی و نه غربی است، افروخته می‌شود؛ نزدیک است روغنش روشنی بخشد، و گر چه هیچ آتشی بدان نرسیده باشد. (این) نوری است بر فراز نور، خدا هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) به نور خود راهنمایی می‌کند؛ و خدا برای مردم مَثَل‌ها می‌زند و خدا به هر چیزی داناست. (35)
(این چراغ) در خانه‌هایی است که خدا رخصت داده که بر افراشته شود، و نامش در آنجا یاد شود؛ و او را در آنجا با مدادان و عصرگاهان [و شب هنگام تسبیح می‌گویند، (36)
ترجمه قرآن، ص: 355
مردانی که هیچ داد و ستد و هیچ معامله‌ای آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و پرداخت [مالیات زکات (غافل و) سرگرمشان نمی‌سازد؛ (و) از روزی می‌ترسند که در آن، دل‌ها و چشم‌ها دگرگون می‌شود. (37)
تا خدا آنان را بر طبق بهترین چیزی که انجام دادند، پاداش دهد، و از بخشش خود بر آنان بیفزاید؛ و خدا به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) بی شمار [و بدون محاسبه روزی می‌دهد. (38)
و کسانی که کفر ورزیدند، کارهایشان همچون سرابی در زمین‌های صاف (و گسترده) است، که [انسان تشنه آن را آب می‌پندارد؛ تا هنگامی که به سراغ آن می‌آید آن را چیزی نمی‌یابد، و خدا را نزد آن می‌یابد و حساب او را بطور کامل می‌دهد؛ و خدا حسابرسی سریع است. (39)
یا (کارهای کافران) همچون تاریکی‌هایی در دریای ژرف پهناوری است، که موج آن را می‌پوشاند، [و] بر فراز آن موج [دیگری است [و] بر فراز آن

ابرهایی است؛ (اینها) تاریکی‌هایی است که برخی آنها بر فراز برخی [دیگر] است، هر گاه دستش را خارج کند نزدیک است که آن را نبیند! و کسی که خدا نوری برایش قرار نداده، هیچ نوری برای او نیست. (40)
آیا نظر نکرده‌ای که هر کس در آسمان‌ها و زمین است، و پرندگان بال گشاده تسبیح خدا می‌گویند؟! بیقین همه نماز خود و تسبیح خویش را می‌دانند؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهند داناست. (41)
و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین تنها از آنِ خداست؛ و فرجام (تمامی موجودات) فقط به سوی خداست. (42)
آیا نظر نکرده‌ای که خدا ابرهایی را به حرکت در می‌آورد، سپس میان آن (ها) پیوند می‌دهد، آنگاه آن را متراکم می‌سازد؟! و باران را می‌بینی که از میان آن (ها) خارج می‌شود؛ و از آسمان، از کوه‌های (ابر) که در آن است تگرگی فرو می‌فرستد، و هر کس را بخواهد بدان [زیان می‌رساند، و از هر کس بخواهد آن [زیان را بر می‌گرداند؛ نزدیک است درخشندگی برق آن (ابرها)، چشم‌ها را (از بین) ببرد! (43)
ترجمه قرآن، ص: 356
خدا شب و روز را دگرگون می‌سازد؛ یقیناً در این (دگرگونی) برای صاحبان بینش عبرتی است. (44)
و خدا هر جنبنده‌ای را از آبی آفرید؛ پس برخی از آنها کسانی هستند که بر شکم خود راه می‌روند، و برخی از آنها کسانی هستند که بر دو پای خود راه می‌روند، و برخی از آنها کسانی هستند که بر چهار (پا) راه می‌روند؛ خدا آنچه را بخواهد می‌آفریند، [چرا] که خدا بر هر چیزی تواناست. (45)
بیقین آیاتی روشنگر فرو فرستادیم؛ و خدا هر که را بخواهد (و شایسته ببیند) به راهی راست راهنمایی می‌کند. (46)
و (منافقان) می‌گویند:» به خدا و به فرستاده (او) ایمان آوردیم و اطاعت کردیم. «آنگاه بعد از آن، دسته‌ای از آنان روی بر می‌تابند، و آنان (در حقیقت) مؤمن نیستند. (47)
و هنگامی که به سوی خدا و فرستاده‌اش فرا خوانده می‌شوند تا در میانشان داوری کند، ناگهان دسته‌ای از آنان رویگردان می‌شوند. (48)
و اگر (حکم) حق به نفع آنان باشد با سرعت و تسلیم به سوی او می‌آیند. (49)
آیا در دل‌های آنان [نوعی بیماری است، یا شک دارند، یا می‌ترسند که خدا و فرستاده‌اش بر آنان ستم کنند؟! [نه بلکه تنها آنان ستمکارند. (50)
سخن مؤمنان، هنگامی که به سوی خدا و فرستاده‌اش فرا خوانده می‌شوند، تا در میان آنان داوری کند، فقط این است که می‌گویند:» شنیدیم و اطاعت کردیم. «و تنها آنان رستگار (و پیروز) ند. (51)
و هر کس خدا و فرستاده‌اش را اطاعت کند، و از (نافرمانی) خدا بهراسد

و خودش را از (عذاب) او حفظ کند، پس تنها آنان کامیابند. (52)
و با شدیدترین سوگندهایشان به خدا قسم خوردند، که اگر به آنان فرمان دهی، قطعاً (از خانه و زندگی خود به سوی جهاد) بیرون می‌روند. بگو:» سوگند یاد نکنید؛ اطاعتی پسندیده (بهتر است) که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. « (53)
ترجمه قرآن، ص: 357
بگو:» خدا را اطاعت کنید، و فرستاده [خدا] را اطاعت کنید؛ و اگر روی برتابید، پس فقط آنچه (از تکلیف بر او) نهاده شده بر عهده اوست، و آنچه (از تکلیف) بر شما نهاده شده بر عهده شماست؛ و اگر از او اطاعت کنید، رهنمون خواهید شد؛ و بر فرستاده [خدا وظیفه‌ای جز رساندن [پیام روشنگر و] آشکار نیست. « (54)
خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین خواهد کرد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین کرد؛ و مسلماً دینشان را که برای آنان پسندیده است، به نفعشان مستقر خواهد کرد، و البته بعد از ترسشان (وضعیت) آنان را به آرامش مبدّل می‌کند، در حالی که مرا می‌پرستند [و] هیچ چیز را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که بعد از آن کفر ورزند، پس فقط آنان نافرمانبردارند. (55)
و نماز را برپا دارید، و [مالیات زکات را بپردازید، و فرستاده (خدا) را اطاعت کنید، باشد که شما (مشمول) رحمت شوید. (56)
هرگز مپندار، کسانی که کفر ورزیدند، عاجز کننده (خدا) در زمین هستند؛ و مقصدشان آتش است، و البته بدفرجامی است! (57)
ای کسانی که ایمان آوردید! باید کسانی (از بردگان) که مالک شده‌اید و کسانی (از کودکان) که به بلوغ نرسیده‌اند، در سه مرتبه از شما رخصت بگیرند: پیش از نماز صبح، و هنگام نیمروز که لباس‌های (رسمی) خود را فرو می‌نهید، و بعد از نماز عشا، [اینها] سه (وقت مخصوص) امور جنسی شماست؛ که بعد از آن (زمان) ها هیچ گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون رخصت وارد شوند، چرا که) برخی از شما بر (گرد) برخی (دیگر) از شما می‌چرخید؛ اینگونه خدا آیات را برای شما روشن بیان می‌کند، و خدا دانای فرزانه است. (58)
ترجمه قرآن، ص: 358
و هنگامی که کودکان شما به بلوغ می‌رسند پس باید (در همه اوقات برای ورود به اتاق خصوصی پدر و مادر) رخصت بگیرند، همان گونه که کسانی (از بزرگسالان) که پیش از آنان بودند رخصت می‌گرفتند؛ اینگونه خدا آیاتش را برای شما روشن بیان می‌کند، و خدا دانایی فرزانه است. (59)
و بازنشستگان از زنان که امید به ازدواج ندارند، پس هیچ گناهی بر آنان

نیست که لباس‌های (رسمی) خود را فرو نهند، در حالی که با زیور خودآرایی نکنند؛ و خویشتن‌داری آنان برایشان بهتر است؛ و خدا شنوای داناست. (60)
هیچ تنگی (و تکلیفی) بر نابینا نیست و (نیز) هیچ تنگی (و تکلیفی) بر لنگ نیست، و (نیز) بر بیمار و بر خودتان هیچ تنگی (و تکلیفی) نیست که (بدون اجازه غذا) بخورید از خانه‌های (فرزندان و همسران) تان یا خانه‌های پدرانتان، یا خانه‌های مادرانتان، یا خانه‌های برادرانتان، یا خانه‌های خواهرانتان، یا خانه‌های عموهایتان، یا خانه‌های عمه‌هایتان، یا خانه‌های دایی‌هایتان، یا خانه‌های خاله‌هایتان، یا آن (خانه‌هایی) که کلیدهایش در اختیار شماست، یا (از خانه‌های) دوستانتان، بر شما هیچ گناهی نیست که جمعی یا جداگانه (غذا) بخورید؛ و هنگامی که وارد خانه‌ها شدید، پس بر خودتان سلام کنید، زنده بادی خجسته (و) پاکیزه از نزد خدا. اینگونه خدا آیات را برای شما روشن بیان می‌کند، باشد که شما خردورزی کنید. (61)
ترجمه قرآن، ص: 359
مؤمنان تنها کسانی هستند که به خدا و فرستاده‌اش ایمان آورده‌اند، و هنگامی که در کار اجتماعی همراه او باشند، تا از او رخصت نگیرند (از نزدش) نمی‌روند. در واقع کسانی که از تو رخصت می‌گیرند، آنان کسانی هستند که به خدا و فرستاده‌اش ایمان می‌آورند. پس هر گاه برای بعضی کار (های مهم زندگی) خود از تو رخصت می‌طلبند، پس به هر کس از آنان که (صلاح می‌دانی و) می‌خواهی رخصت ده، و برای آنان از خدا آمرزش بخواه که خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (62)
فراخوان فرستاده (خدا) را در میان خودتان همانند فراخوان برخی شما برخی [دیگر] را قرار ندهید؛ که یقیناً خدا می‌داند کسانی را که از میان شما مخفیانه بیرون می‌روند. پس کسانی که از فرمان او سرپیچی می‌کنند، باید بر حذر باشند که (بلا و) فتنه‌ای به آنان در رسد، یا عذاب دردناکی به آنان برسد! (63)
آگاه باشید که در حقیقت آنچه در آسمان‌ها و زمین است فقط از آنِ خداست؛ بیقین می‌داند، آنچنان (حالاتی) را که شما بر آن هستید، و روزی را که به سوی او بازگردانده می‌شوند؛ و (در آن روز) آنان را از آنچه انجام داده‌اند خبر می‌دهد و خدا به هر چیزی داناست. (64)

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
خجسته (و پایدار) است آن (خدایی) که جدا کننده [حق از باطل قرآن را بر بنده‌اش فرو فرستاد، تا هُشدارگری برای جهانیان باشد. (1)
(همان) کسی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین تنها از آنِ اوست؛ و هیچ فرزندی برنگزیده، و برایش هیچ همتایی در فرمانروایی او نبوده است؛ و هر چیزی را آفریده و بطور کامل اندازه آن را معین کرده است. (2)
ترجمه قرآن، ص: 360
و (مشرکان) معبودانی جز او برگزیدند، که هیچ چیزی را نمی‌آفرینند، در حالی که آنان آفریده شده‌اند، و برای خودشان، مالک هیچ زیان و سودی نیستند، و (نیز) مالک هیچ مرگ و زندگانی، و زنده کردن (مردگان) نیستند. (3)
و کسانی که کفر ورزیدند گفتند:» این [کتاب نیست جز دروغی بزرگ که آن را بر بافته است؛ و گروهی دیگر او را بر این (کار) یاری داده‌اند. «و بیقین (با این سخن،) ستم و باطلی را آوردند. (4)
و گفتند:» (اینها) افسانه‌های پیشینیان است در حالی که آنها را نوشته است، و آن (افسانه‌ها) صبحگاهان و عصرگاهان [و شب هنگام بر او دیکته می‌شود. « (5)
بگو:» کسی آن (قرآن) را فرو فرستاده که راز [ها] را در آسمان‌ها و زمین می‌داند؛ [چرا] که او بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. « (6)
و (مشرکان) گفتند:» این فرستاده را چه شده که غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود؟! چرا هیچ فرشته‌ای به سوی او فرود نیامده تا همراه وی هشدارگری باشد؟! (7)
یا هیچ گنجی به سوی او افکنده نمی‌شود؛ یا برای او هیچ بوستانی نیست که از (میوه) آن بخورد؟! «و ستمکاران گفتند:» (شما) جز از مردی جادو زده پیروی نمی‌کنید! « (8)
بنگر چگونه برای تو مَثَل‌ها زدند، و گمراه شدند، و (در نتیجه)، قدرتِ (پیدا کردن) هیچ راهی را ندارند! (9)
خجسته (و پایدار) است آن (خدایی) که اگر بخواهد برای تو بهتر از این [ها] قرار می‌دهد: بوستان‌هایی که نهرها از زیر [درختان ش روان است، و (نیز اگر بخواهد) قصرهایی برای تو قرار می‌دهد. (10)
(اینها بهانه است.) بلکه آن [کافر] ان ساعت (رستاخیز) را دروغ انگاشتند، در حالی که برای کسی که ساعت (رستاخیز) را دروغ انگارد، شعله فروزان (آتش) ی را فراهم کرده‌ایم! (11)

ترجمه قرآن، ص: 361
هنگامی که (دوزخ) آنان را از مکانی دور ببیند، خشم و خروشی از آن می‌شنوند! (12)
و هنگامی که در جای تنگی از آن افکنده شوند، در حالی که نزدیک به همدیگر (بسته شده‌ا) ند، در آنجا (واویلا می‌گویند و) هلاکت می‌خواهند! (13)
(به آنان گفته می‌شود:) امروز یک بار (واویلا مگویید و) هلاکت نخواهید، بسیار (واویلا بگویید و) هلاکت بخواهید! (14)
(ای پیامبر) بگو:» آیا این (دوزخ) بهتر است یا بهشت ماندگاری که به پارسایان (خود نگهدار) وعده داده شده، در حالی که پاداش و فرجامی برای آنان است؟ « (15)
تنها برای آنان آنچه را که بخواهند در آنجا هست، در حالی که ماندگارند؛ وعده‌ای مورد درخواست که بر عهده پروردگار توست. (16)
و (یاد کن) روزی را که آنان و آنچه را جز خدا می‌پرستند گردآوری می‌کند، و (به معبودانشان) می‌گوید:» آیا شما این بندگان مرا گمراه کردید یا خود، راه را گم کردند؟! « (17)
(در پاسخ) می‌گویند:» منزّهی تو! هرگز برای ما شایسته نبود که جز تو سرپرستانی برگزینیم، و لیکن آنان و پدرانشان را (از نعمت‌ها) برخوردار نمودی تا اینکه یاد (تو) را فراموش کردند، و گروهی هلاک شده گشتند. « (18)
و بیقین (معبودانتان) شما را در مورد آنچه می‌گویید تکذیب کردند؛ و (در نتیجه) قدرت هیچ گونه برگرداندن (عذاب) و یاری کردن (خود) را ندارید. و هر کس از شما ستم کند، عذابی بزرگ به او می‌چشانیم! (19)
و پیش از تو (کسی) از فرستادگان را نفرستادیم، مگر اینکه قطعاً آنان غذا می‌خوردند و در بازارها راه می‌رفتند؛ و برخی شما را [وسیله آزمایشی برای برخی [دیگر] قرار دادیم، آیا شکیبایی می‌کنید؟ در حالی که پروردگار تو بیناست. (20)
ترجمه قرآن، ص: 362
و کسانی که به ملاقات ما (و روز رستاخیز) امید ندارند، گفتند:» چرا فرشتگان بر ما فرو فرستاده نشده‌اند یا پروردگارمان را نمی‌بینیم؟! «بیقین در دل‌هایشان تکبّر ورزیدند و با طغیان بزرگی سرپیچی کردند. (21)
روزی که فرشتگان را می‌بینند، در آن روز هیچ مژده‌ای برای خلافکاران نخواهد بود؛ و می‌گویند:» (منطقه‌ای) ممنوعِ حفاظت شده (به ما بدهید تا در امان باشیم.) « (22)
و به سراغ کار (هایی) که انجام داده‌اند می‌رویم، و آن [ها] را (همچون)

غباری پراکنده قرار می‌دهیم. (23)
در آن روز اهل بهشت، در بهترین قرارگاه و نیکوترین استراحتگاهند. (24)
و (یاد کن) روزی را که آسمان با ابرها شکافته می‌شود، و فرشتگان بطور کامل فرو فرستاده می‌شوند. (25)
در آن روز فرمانروایی حق از آن (خدای) گسترده مهر است؛ و روز دشواری برای کافران خواهد بود. (26)
و (یاد کن) روزی را که ستمکار دستانش را [به دندان می‌گزد در حالی که می‌گوید:» ای کاش من با فرستاده (خدا) راهی برگزیده بودم! (27)
ای وای بر من، کاش من فلانی را به دوستی برنگزیده بودم! (28)
بیقین پس از آنکه (قرآن و پیامبر) به من رسید، مرا از یاد (آنها) گمراه ساخت. «و شیطان انسان را بی‌یاور می‌گذارد. (29)
و فرستاده (خدا) گفت:» ای پروردگار [من ! در حقیقت قوم من از این قرآن دوری گزیده‌اند! « (30)
این گونه برای هر پیامبری دشمنی از خلافکاران قرار دادیم؛ و [لی راهنمایی و یاوری پروردگارت کافی است. (31)
و کسانی که کفر ورزیدند، گفتند:» چرا قرآن جُملگی یک (باره) بر او فرو فرستاده نشده است؟! «اینگونه (قرآن را بتدریج فرو فرستادیم) تا دل [سوزان تو را بدان استوار گردانیم، در حالی که آن را کاملاً مرتب و آرام (بر تو) خواندیم. (32)
ترجمه قرآن، ص: 363
و هیچ مثالی برای تو نمی‌آورند جز آنکه با (جواب) حق و بهترین تفسیر [به سوی تو آییم. (33)
کسانی که بر صورت‌هایشان به سوی جهنّم گردآوری می‌شوند، آنان بدترین مکان را دارند، و از نظر راه (یابی) گمراه‌ترند! (34)
و بیقین به موسی کتاب (تورات) دادیم؛ و برادرش هارون را همراه او وزیر قرار دادیم؛ (35)
و گفتیم:» به سوی قوم (فرعون) که نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، بروید. «و (آنان رفتند ولی فرعونیان سرکشی کردند از این رو) آنان را کاملاً درهم کوبیدیم! (36)
و هنگامی که قوم نوح فرستادگان (خدا) را دروغگو شمردند، غرقشان ساختیم، و آنان را نشانه‌ای (عبرت‌آموز) برای مردم قرار دادیم؛ و برای ستمکاران عذاب دردناکی فراهم کرده‌ایم! (37)
و قوم عاد و ثَمُود و اصحاب الرَّس (یاران چاه و پرستندگان صنوبر)، و گروه‌های زیادی را که بین آنان بودند، (هلاک کردیم). (38)
و هر یک را (پند دادیم و) برای وی مَثَل‌ها زدیم، و (چون سودی نداد) همگی را کاملاً نابود کردیم. (39)

و بیقین (مشرکان) به آبادی (قوم لوط) که بارانِ بد (سنگ‌ها بر آن) باریده شده بود، رسیدند؛ پس آیا هرگز آن را ندیده‌اند؟! (دیدند) لیکن هیچ امیدی به زنده کردن (مردگان) ندارند. (40)
و هنگامی که تو را می‌بینند، جز به ریشخندت نمی‌گیرند؛ (و می‌گویند:) آیا این کسی است که خدا (او را بعنوان) فرستاده برانگیخته است؟! (41)
قطعاً نزدیک بود ما را از معبودانمان گمراه سازد، اگر بر (پرستش) آن (معبودان) شکیبایی نمی‌کردیم (حتماً ما را بر می‌گرداند). و [لی در آینده هنگامی که عذاب را ببینند، خواهند دانست که چه کسی از نظر راه (یابی) گمراه‌تر است. (42)
آیا اطلاع یافتی از کسی که هوسش را معبود خود گرفت؟! و آیا تو حمایتگر او خواهی بود؟! (43)
ترجمه قرآن، ص: 364
یا مگر می‌پنداری که بیشتر آنان می‌شنوند یا خردورزی می‌کنند؟! آنان جز همانند چهارپایان نیستند، بلکه آنان از نظر راه (یابی) گمراه‌ترند. (44)
آیا نظر نکرده‌ای که چگونه پروردگارت سایه را گسترده ساخت؟! و اگر (بر فرض) می‌خواست آن را حتماً ساکن قرار می‌داد؛ سپس خورشید را راهنمایی بر آن قرار دادیم. (45)
سپس آن (سایه) را با فروگرفتنی آسان (و آهسته) به سوی خود باز می‌گیریم. (46)
و او کسی است که شب را پوششی برای شما قرار داد؛ و خواب را (مایه) استراحتی؛ و روز را (مایه) زندگی (و پراکنده شدن در زمین) قرار داد. (47)
و او کسی است که بادها را پیشاپیش (باران) رحمتش مژده رسان فرستاد؛ و از آسمان آبی پاک و پاک کننده فرو فرستادیم؛ (48)
تا بوسیله آن، سرزمین مرده‌ای را زنده کنیم؛ و آن را به چهارپایان و انسان‌های بسیار، از آفریده‌هایمان، بنوشانیم. (49)
و بیقین این (حقایق قرآن) را، بین آنان به گونه‌های مختلف بیان کردیم تا متذکّر شوند، و [لی بیشتر مردم (از هر کاری) جز انکار سرباز زدند. (50)
و اگر (بر فرض) می‌خواستیم، حتماً در هر شهری هشدارگری بر می‌انگیختیم. (51)
پس از کافران اطاعت مکن، و بوسیله آن (قرآن) با جهاد بزرگ (فرهنگ ی با آنان مبارزه کن. (52)
و او کسی است که دو دریا را درآمیخت، این (یکی)، خوشی گوارا، و آن (دیگری) شورِ تلخ است؛ و بین آن دو مانعی و (منطقه‌ای) ممنوعِ حفاظت شده قرار داد. (53)
و او کسی است که از آب، بشری را آفرید؛ و او را (دارای خویشاوندی)

نَسَبی و دامادی قرار داد؛ و پروردگار تو توانا است. (54)
و (مشرکان) غیر از خدا چیزی را می‌پرستند که به آنان سودی نمی‌بخشد و به ایشان زیان نمی‌رساند. و کافران بر ضد (فرمان) پروردگارشان (همواره) پشتیبان [یکدیگر] ند. (55)
ترجمه قرآن، ص: 365
و تو را جز مژده‌آور و هشدارگر نفرستادیم. (56)
بگو:» از شما هیچ پاداشی بر این (قرآن و رسالت) نمی‌طلبم؛ مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش برگزیند. « (57)
و بر (خدای) زنده‌ای که نمی‌میرد، توکّل کن، و با ستایش او تسبیح گوی؛ و آگاهی او به پیامدهای (گناهان) بندگانش کافی است. (58)
آن (خدایی) که آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن دو است را در شش روز (و دوره) آفرید. سپس بر تخت (جهانداری و تدبیر هستی) تسلّط یافت؛ (او خدای) گسترده‌مهر است؛ پس درباره او از (خدا بپرس که داناست و نیز از افراد) آگاه بپرس. (59)
و هنگامی که به آن (مشرک) ان گفته شود:» برای (خدای) گسترده مهر سجده کنید. «می‌گویند:» و (خدای) گسترده‌مهر چیست؟! آیا برای چیزی سجده کنیم که [تو] به ما فرمان می‌دهی؟! «و (این سخن) بر نفرتشان افزود. (60)
خجسته (و پایدار) است آن (خدایی) که در آسمان برج‌هایی قرار داد؛ و در آن، چراغ (خورشید) و ماهی روشنی بخش قرار داد. (61)
و او کسی است که شب و روز را جانشین [یکدیگر] قرار داد، برای کسی که بخواهد متذکّر شود یا بخواهد سپاسگزاری کند. (62)
بندگان (خاص خدای) گسترده‌مهر، کسانی هستند که فروتنانه بر زمین راه می‌روند؛ و هنگامی که نادانان ایشان را مخاطب سازند، به آنان سلامِ (خداحافظی) گویند؛ (63)
و کسانی که سجده‌کنان و (به نماز) ایستاده برای پروردگارشان شب زنده داری می‌کنند؛ (64)
و کسانی که می‌گویند:» ای پروردگار ما! عذاب جهنّم را از ما برطرف گردان، که عذابش ملازم دایمی است. (65)
در حقیقت آن (جهنّم)، بد قرارگاه و منزلگاهی است! « (66)
و کسانی که هر گاه (اموال خود را در راه خدا) مصرف می‌کنند، زیاده روی نمی‌کنند، و تنگ نمی‌گیرند، و (انفاق آنان روشی) معتدل بین آن [دو] است؛ (67)
ترجمه قرآن، ص: 366
و کسانی که معبود دیگری را با خدا (بعنوان پرستش) نمی‌خوانند؛ و شخصی را که خدا (کشتن او را) حرام کرده است جز بحق نمی‌کُشند؛ و

زنا نمی‌کنند؛ و هر کس این (کارها) را انجام دهد، [کیفرِ] گناه را خواهد دید. (68)
در روز رستاخیز عذاب برای او دو (یا چند) برابر می‌شود، و در آن (عذاب) به خواری ماندگار خواهد شد! (69)
مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و کار شایسته انجام دهند، پس آنان، خدا بدی‌هایشان را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند؛ و خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (70)
و هر کسی که توبه کند و [کار] شایسته انجام دهد، پس در حقیقت او به سوی خدا کاملًا باز می‌گردد. (71)
و کسانی که به باطل گواهی نمی‌دهند (و در مجالس باطل حاضر نمی‌شوند.) و هنگامی که بر بیهوده بگذرند، بزرگوارانه بگذرند؛ (72)
و کسانی که هر گاه به آیات پروردگارشان تذکر داده شوند، بر آنها (همچون) ناشنوایان و نابینایان در نمی‌افتند؛ (73)
و کسانی که می‌گویند:» [ای پروردگار ما! از همسران ما و نسل ما به ما روشنی چشمان ببخش، و ما را پیشوای پارسایان (خود نگهدار) قرار ده. « (74)
آنان بخاطر شکیبایی‌شان، جایگاه‌های (بلند بهشتی) پاداش داده می‌شوند؛ و در آنجا، با زنده باد، و سلام رو به رو شوند؛ (75)
در حالی که در آنجا ماندگارند، (و آنجا) نیکو قرارگاه و منزلگاهی است! (76)
(ای پیامبر) بگو:» اگر فراخوان شما (به سوی ایمان) نباشد، پروردگارم برای شما ارزشی قایل نمی‌شد؛ چرا که یقیناً (قرآن و پیامبر را) دروغ انگاشتید، پس در آینده (عذاب بر شما) لازم خواهد شد. « (77)
ترجمه قرآن، ص: 367

ترجمه قرآن 399
به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
طا، سین، میم. (1)
آن آیاتِ کتابِ روشنگر است. (2)
شاید تو بخاطر اینکه (مشرکان) مؤمن نمی‌شوند، خودت را هلاک کنی. (3)
اگر بخواهیم، نشانه‌ای (معجزه‌آسا) از آسمان بر آنان فرود آوریم، و گردن‌هایشان در برابر آن فروتن گردد. (4)
و هیچ یادآوری نوینی از طرف (خدای) گسترده‌مهر برای آنان نمی‌آید مگر در حالی که از آن رویگردان می‌شوند. (5)
و بیقین تکذیب کردند؛ پس بزودی خبرهای بزرگِ چیزی که آن را همواره ریشخند می‌کردند، به آنان خواهد رسید. (6)
و آیا به سوی زمین نظر نکرده‌اند، که چه بسیار (انواع گیاهان) از هر جفتِ ارجمند در آن رویاندیم؟! (7)
قطعاً در آن [ها] نشانه‌ای است، و [لی بیشترشان مؤمن نیستند. (8)
و مسلماً تنها پروردگار تو شکست‌ناپذیر [و] مهرورز است. (9)
و (یاد کن) هنگامی را که پروردگارت موسی را ندا داد که به سراغ قوم ستمکار برو؛ (10)
(همان) قوم فرعون، آیا (از ستمکاری و کفر) خود نگهداری نمی‌کنند؟! (11)
(موسی) گفت:» پروردگارا! در حقیقت من می‌ترسم که [مرا] تکذیب کنند! (12)
و سینه‌ام تنگ می‌شود، و (گره) زبانم باز نمی‌شود؛ پس (رسالت را) به سوی هارون (نیز) بفرست. (13)
و آنان بر (گردن) من پیامد (گناه قتل نوشته) دارند؛ پس می‌ترسم که [مرا] بکشند! « (14)
(خدا) فرمود:» هرگز چنین نیست، (تو را نمی‌کشند)، پس هر دو با نشانه‌های (معجزه‌آسای) ما بروید؛ که ما با شما شنونده هستیم. (15)
و هر دو به سراغ فرعون بروید و بگویید:» در حقیقت ما فرستاده پروردگار جهانیان هستیم؛ (16)
(و پیام او این است) که بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) را با ما بفرست. « (17)
(فرعون) گفت:» آیا تو را در کودکی در میان خود پرورش ندادیم، و سالیانی از عُمرت را در میان ما درنگ نکردی؟! (18)

و (آیا) انجام ندادی کار خود را (در مورد کشتن یک نفر از ما) که انجام دادی. در حالی که تو از ناسپاسانی! « (19)
ترجمه قرآن، ص: 368
(موسی) گفت:» آن (کار) را در آن هنگام انجام دادم، در حالی که من از گم گشتگان بودم؛ (20)
و هنگامی که از شما ترسیدم از میان شما فرار کردم؛ و پروردگارم به من حکم (نبوّت) بخشید، و مرا از فرستادگان (خود) قرار داد. (21)
و [آیا] این نعمتی است که منّت آن را بر من می‌گذاری که بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) را بنده خود ساخته‌ای؟! « (22)
فرعون گفت:» و پروردگارِ جهانیان چیست؟! « (23)
(موسی) گفت:» [او] پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است، اگر اهل یقین باشید. « (24)
(فرعون) به کسانی که پیرامونش بودند، گفت:» آیا نمی‌شنوید؟ (که این مرد چه می‌گوید!) « (25)
(موسی) گفت:» [او] پروردگار شما و پروردگار نیاکان نخستین شماست. « (26)
(فرعون) گفت:» قطعاً فرستاده (خدای) شما، که به سوی شما فرستاده شده، دیوانه است. « (27)
(موسی) گفت:» [او] پروردگارِ خاور و باختر و آنچه میان آن دو است، اگر خرد ورزی کنید. « (28)
(فرعون) گفت:» اگر معبودی غیر از من برگزینی، حتماً تو را از زندانیان (ویژه) قرار خواهم داد! « (29)
(موسی) گفت:» و آیا اگر چیز روشنگری (از معجزات) برای تو بیاورم (باز هم ایمان نمی‌آوری و مرا زندانی می‌کنی؟) « (30)
(فرعون) گفت:» پس اگر از راستگویانی، آن را بیاور! « (31)
و (موسی) عصایش را افکند، و بناگاه آن اژدهایی آشکار شد! (32)
و دستش را (از گریبان) بیرون آورد، و بناگاه آن برای بینندگان سفید (و درخشان) شد! (33)
(فرعون) به اشراف پیرامونش گفت:» بی‌شک، این ساحری داناست؛ (34)
(او) می‌خواهد باسحرش شما را از سرزمینتان بیرون کند؛ پس چه دستور می‌دهید؟ « (35)
(اشراف به فرعون) گفتند:» (کار) او و برادرش را به تأخیر انداز، و گرد آورندگانی را به شهرها بفرست، (36)
تا هر ساحرِ [ماهر] دانایی را نزد تو آورند. « (37)
و (سرانجام) ساحران برای میعادگاه روز معیّنی جمع آوری شدند. (38)

و به مردم گفته شد:» آیا شما (نیز) جمع خواهید شد؟ (39)
ترجمه قرآن، ص: 369
باشد که ما از (آیین) ساحران پیروی کنیم، اگر تنها آنان پیروز شدند. « (40)
و هنگامی که ساحران آمدند، به فرعون گفتند:» آیا اگر فقط ما پیروز گردیم، حتماً برای ما پاداش [مهمّی است؟ « (41)
(فرعون) گفت:» آری، و در آن صورت مسلماً شما از نزدیکان (من) خواهید شد. « (42)
موسی به آن (ساحر) ان گفت:» آنچه را شما (از وسایل سحر می‌توانید) بیفکنید، بیندازید! « (43)
و ریسمان‌هایشان و عصاهایشان را افکندند و گفتند:» به عزّت فرعون سوگند، که قطعاً تنها ما پیروزیم! « (44)
و موسی عصایش را افکند، و ناگهان آن (عصا اژدها شد و) آنچه را به دروغ می‌ساختند، بلعید. (45)
و ساحران سجده‌کنان (به زمین) در افتاده، (46)
گفتند:» به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم، (47)
(همان) پروردگار موسی و هارون. « (48)
(فرعون) گفت:» [آیا] پیش از آنکه به شما رخصت دهم به او ایمان آوردید؟! قطعاً او بزرگِ شماست که به شما سحر آموخته است؛ پس مسلّماً در آینده خواهید دانست! حتماً دستانتان و پاهایتان را بر خلاف (یکدیگر) قطع می‌کنم، و قطعاً همگی شما را به دار می‌آویزم! « (49)
گفتند:» هیچ زیانی نیست، [چرا] که ما به سوی پروردگارمان باز می‌گردیم. (50)
در حقیقت ما طمع داریم که پروردگارمان خطاهای ما را بر ما بیامرزد (برای) اینکه نخستین ایمان آورندگان بودیم. « (51)
و به موسی وحی کردیم که:» بندگانم را (از مصر) شبانه حرکت ده، [چرا] که شما مورد پیگرد هستید. « (52)
و فرعون گردآورندگان (لشکر) را به شهرها فرستاد؛ (53)
(در حالی که می‌گفت:) قطعاً آنان گروهکی اندکند؛ (54)
و مسلماً آنان ما را به خشم آورده‌اند؛ (55)
و حتماً ما جمعی آماده‌ایم. (56)
و (سرانجام) آن (فرعونی) ان را از بوستان‌ها و چشمه ساران بیرون راندیم؛ (57)
و (نیز) از گنج‌ها و جایگاه‌های ارجمند (اخراج کردیم). (58)
اینگونه (فرعونیان را نابود کردیم) و آن (نعمت‌ها) را به بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) ارث دادیم. (59)

و در حال طلوع خورشید، آنان را مورد پیگرد قرار دادند. (60)
ترجمه قرآن، ص: 370
و هنگامی که دو گروه یکدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند:» قطعاً ما (در محاصره فرعونیان) گرفتار شده‌ایم. « (61)
(موسی) گفت:» هرگز چنین نیست! [چرا] که پروردگارم با من است، بزودی [مرا] راهنمایی خواهد کرد. « (62)
و به سوی موسی وحی کردیم که:» با عصایت بر دریا بزن. « (او چنین کرد) و شکافته شد، و هر پاره‌ای همچون کوه بسیار بزرگی شد! (63)
و دیگران [لشکر فرعون را به آنجا نزدیک ساختیم؛ (64)
و موسی و تمام کسانی را که با او بودند نجات دادیم؛ (65)
سپس دیگران (فرعونیان) را غرق ساختیم. (66)
قطعاً در آن [ها] نشانه‌ای است، و [لی بیشترشان مؤمن نیستند. (67)
و مسلماً تنها پروردگار تو شکست‌ناپذیر [و] مهرورز است. (68)
و خبر بزرگ ابراهیم را بر آنان بخوان، [و پیروی کن ، (69)
هنگامی که به پدر (مادرش یا عموی) ش و قومش گفت:» چه چیز را می‌پرستید؟! « (70)
گفتند:» بت‌هایی را می‌پرستیم، و پیوسته ملازم (پرستش) آنهاییم. « (71)
گفت:» آیا هنگامی که (بتان را) می‌خوانید (صدای) شما را می‌شنوند؟! (72)
یا به شما سودی می‌بخشند یا زیانی می‌رسانند؟! « (73)
گفتند:» بلکه نیاکانمان را یافتیم که چنین می‌کردند. « (74)
(ابراهیم) گفت:» و آیا در آنچه که شما و پدران پیشینتان پیوسته پرستش می‌کردید، نظر کردید؟ (75)
(ابراهیم) گفت: و آیا در آنچه که شما و پدران پیشینتان پیوسته پرستش می‌کردید، نظر کردید؟ (76)
و در واقع (همه) آنها دشمن من هستند، مگر پروردگار جهانیان، (77)
(همان) کسی که مرا آفرید، و او راهنمایی [ام می‌کند؛ (78)
و کسی که خود، مرا غذا می‌دهد و سیراب [م می‌نماید؛ (79)
و هنگامی که بیمار شوم پس او [مرا] شفا می‌دهد؛ (80)
و کسی که مرا می‌میراند، سپس زنده [ام می‌کند؛ (81)
و کسی که طمع دارم که خطای مرا در روز جزا برایم بیامرزد. (82)
پروردگارا! به من حکم (نبوّت و حکمت) ببخش، و مرا به شایستگان ملحق نما؛ (83)
و برای من در (امت‌های) پسین زبان راستین (و آوازه‌ای نیک) قرار ده؛ (84)
ترجمه قرآن، ص: 371

و مرا از وارثان بوستان پر نعمت (بهشت) قرار ده؛ (85)
و پدر (مادر یا عموی) م را بیامرز، [چرا] که او از گمراهان بود. (86)
و در روزی که (مردم) برانگیخته می‌شوند، مرا رسوا مکن. (87)
(همان) روزی که هیچ ثروت و پسرانی سود نمی‌بخشد. (88)
مگر کسی که با دلی سالم به نزد خدا آید. (89)
و (در آن روز) بهشت برای پارسایان (خود نگهدار) نزدیک می‌شود؛ (90)
و دوزخ برای گمراهان ظاهر می‌گردد؛ (91)
و به آنان گفته می‌شود:» آنچه غیر از خدا، همواره می‌پرستیدید، کجاست؟ (92)
آیا شما را یاری می‌کنند، یا یاری می‌جویند (و عذاب را از خودشان دفع می‌کنند)؟! « (93)
پس آن (معبود) ان و گمراهان و لشکریان ابلیس همگی در آن (دوزخ) سرنگون می‌شوند؛ (94)
پس آن (معبود) ان و گمراهان و لشکریان ابلیس همگی در آن (دوزخ) سرنگون می‌شوند؛ (95)
در حالی که آنان در آنجا [با یکدیگر] کشمکش می‌کنند، گویند: (96)
» به خدا سوگند مسلماً در گمراهی آشکاری بودیم، (97)
آنگاه که شما را با پروردگار جهانیان مساوی می‌شمردیم! (98)
و جز خلافکاران، ما را گمراه نکردند. (99)
و هیچ شفاعت کننده و دوست گرمِ نزدیکی برای ما نیست. (100)
و هیچ شفاعت کننده و دوست گرمِ نزدیکی برای ما نیست. (101)
و کاش برای ما بازگشتی [به دنیا] بود، تا از مؤمنان می‌شدیم! « (102)
قطعاً در آن [ها] نشانه‌ای است، و [لی بیشترشان مؤمن نیستند. (103)
و مسلماً تنها پروردگار تو شکست‌ناپذیر [و] مهرورز است. (104)
قوم نوح فرستادگان [خدا] را تکذیب کردند؛ (105)
هنگامی که برادرشان نوح به آنان گفت:» آیا خودنگهداری (و پارسایی) نمی‌کنید؟! (106)
در حقیقت من فرستاده‌ای درستکار برای شما هستم؛ (107)
پس [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید و [مرا] اطاعت کنید؛ (108)
و از شما هیچ پاداشی بر این (رسالت) نمی‌طلبم؛ پاداش من جز بر [عهده پروردگار جهانیان نیست؛ (109)
پس [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید و [مرا] اطاعت کنید. « (110)
گفتند:» آیا به تو ایمان آوریم در حالی که فرومایگان از تو پیروی کرده‌اند؟! « (111)
(نوح) گفت:» و به آنچه همواره انجام می‌دادند چه علمی دارم؟ (112)
حساب آنان جز بر پروردگار من نیست، اگر (بر فرض با درک حسّی)

متوجه شوید. (113)
و من طرد کننده مؤمنان نیستم؛ (114)
ترجمه قرآن، ص: 372
من جز هشدارگری روشنگر نیستم. « (115)
گفتند:» ای نوح! اگر (به این سخنان) پایان ندهی، حتماً از سنگسار شدگان خواهی شد. « (116)
گفت:» پروردگارا! در حقیقت قوم من، تکذیب [م کردند؛ (117)
پس بین من و بین آنان (داوری کن و مشکل کار ما را) بطور کامل بگشا، و مرا و کسانی از مؤمنان را که با من هستند، نجات بخش. « (118)
و (ما)، وی و کسانی را که با او در کشتی انباشته (از تجهیزات و انسان‌ها و حیوانات) بودند، نجات بخشیدیم. (119)
آنگاه بعد (از آن) باقی ماندگان را غرق ساختیم. (120)
قطعاً در آن [ها] نشانه‌ای است، و [لی بیشترشان مؤمن نیستند. (121)
و مسلماً تنها پروردگار تو شکست‌ناپذیر [و] مهرورز است. (122)
(قوم) عاد فرستادگان [خدا] را تکذیب کردند؛ (123)
هنگامی که برادرشان هود به آنان گفت:» آیا خودنگهداری (و پارسایی) نمی‌کنید؟! (124)
در حقیقت من فرستاده‌ای درستکار برای شما هستم؛ (125)
پس [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید و [مرا] اطاعت کنید؛ (126)
و از شما هیچ پاداشی بر این (رسالت) نمی‌طلبم، پاداش من جز بر [عهده پروردگار جهانیان نیست؛ (127)
آیا بر هر بلندی (ساختمانی) نشانه‌وار می‌سازید در حالی که (کاری بی‌هدف و) بیهوده انجام می‌دهید؟! (128)
و کاخ‌های استوار بر می‌گیرید، تا شاید شما (در دنیا جاودانه) بمانید؟! (129)
و هنگامی که (بر کسی) سخت می‌گیرید، زورگویانه سخت می‌گیرید؛ (130)
پس [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید و [مرا] اطاعت کنید؛ (131)
و از (مخالفت) کسی خودنگهداری کنید که شما را با آنچه که می‌دانید امداد کرد، (132)
شما را با دام‌ها و پسران و بوستان‌ها و چشمه‌ساران امداد رساند. (133)
شما را با دام‌ها و پسران و بوستان‌ها و چشمه‌ساران امداد رساند. (134)
که من از عذاب روزی بزرگ بر شما می‌ترسم! « (135)
(قوم عاد) گفتند:» بر ما یکسان است که (ما را) پند دهی یا از پند دهندگان نباشی. (136)
(زیرا) این جز شیوه (مردمان) نخستین نیست؛ (137)

و ما عذاب نخواهیم شد. « (138)
و او (هود) را تکذیب کردند، پس آنان را هلاک کردیم؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌ای است، و [لی بیشترشان مؤمن نیستند. (139)
و مسلماً تنها پروردگار تو شکست‌ناپذیر [و] مهرورز است. (140)
ترجمه قرآن، ص: 373
(قوم) ثَمُود فرستادگان [خدا] را تکذیب کردند؛ (141)
هنگامی که برادرشان» صالِح «به آنان گفت:» آیا خودنگهداری (و پارسایی) نمی‌کنید؟! (142)
در حقیقت من فرستاده‌ای درستکار برای شما هستم؛ (143)
پس [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید و [مرا] اطاعت کنید؛ (144)
و از شما هیچ پاداشی بر این (رسالت) نمی‌طلبم، پاداش من جز بر [عهده پروردگار جهانیان نیست؛ (145)
آیا در آنچه اینجاست با امنیت رها می‌شوید؛ (146)
در بوستان‌ها و چشمه ساران، (147)
و زراعت‌ها و درخت خرما که شکوفه‌اش لطیف است؟! (148)
و از کوه‌ها ماهرانه (و شادمانه) خانه‌هایی می‌تراشید، (149)
پس [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید و [مرا] اطاعت کنید؛ (150)
و از فرمان اسرافکاران اطاعت مکنید؛ (151)
(همان) کسانی که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند. « (152)
(قوم ثَمود) گفتند:» تو فقط از کسانی هستی که مکرر جادو شده‌اند؛ (153)
تو جز بشری همانند ما نیستی، پس اگر از راستگویانی، نشانه‌ای (معجزه آسا) بیاور! « (154)
(صالح) گفت:» این ماده شتری (معجزه آسا) است که سهمی از آب برای اوست، و سهمی از آب در روزی معین برای شماست؛ (155)
و هیچ بدی به آن نرسانید، که عذاب روزی بزرگ شما را فرا خواهد گرفت! « (156)
و (لی قوم ثمود) آن [شتر] را از پای در آوردند، و (سرانجام) پشیمان گردیدند! (157)
و عذاب [الهی آنان را فرو گرفت؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌ای است، و [لی بیشترشان مؤمن نیستند. (158)
و مسلماً تنها پروردگار تو شکست‌ناپذیر [و] مهرورز است. (159)
قوم لوط فرستادگان [خدا] را تکذیب کردند؛ (160)
هنگامی که برادرشان لوط به آنان گفت:» آیا خودنگهداری (و پارسایی) نمی‌کنید؟! (161)
در حقیقت من فرستاده‌ای درستکار برای شما هستم؛ (162)

پس [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید و [مرا] اطاعت کنید؛ (163)
ترجمه قرآن، ص: 374
و از شما هیچ پاداشی بر این (رسالت) نمی‌طلبم، پاداش من جز بر [عهده پروردگار جهانیان نیست؛ (164)
آیا از میان جهانیان، به سراغ مردان می‌روید (و همجنس بازی می‌کنید)؟! (165)
و آنچه را که از همسران شما، پروردگارتان برای شما آفریده است، وا می‌گذارید؟! بلکه شما گروهی تجاوزگرید! « (166)
گفتند:» ای لوط! اگر (به این سخنان) پایان ندهی، حتماً از اخراج شدگان خواهی بود. « (167)
گفت:» در حقیقت من از دشمنان سرسخت عمل (هم‌جنس بازی) شما هستم؛ (168)
پروردگارا! من و خاندانم را از آنچه انجام می‌دهند نجات بخش. « (169)
و او و همه خاندانش را نجات دادیم؛ (170)
مگر پیر زنی که در میان بازماندگان (در عذاب) بود. (171)
سپس دیگران را درهم کوبیدیم! (172)
و بارشی (از سنگ‌های عذاب) بر آنان باراندیم؛ (173)
و چه بد است باران هشدار داده شدگان! قطعاً در آن [ها] نشانه‌ای است، و [لی بیشترشان مؤمن نیستند. (174)
و مسلماً تنها پروردگار تو شکست‌ناپذیر [و] مهرورز است. (175)
اهل ایْکِه (سرزمین پر درخت قوم شُعیب) فرستادگان [خدا] را تکذیب کردند؛ (176)
هنگامی که شُعیب به آنان گفت:» آیا خودنگهداری (و پارسایی) نمی‌کنید؟! (177)
در حقیقت من فرستاده‌ای درستکار برای شما هستم؛ (178)
پس [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ و [مرا] اطاعت کنید؛ (179)
و از شما هیچ پاداشی بر این (رسالت) نمی‌طلبم، پاداش من جز بر [عهده پروردگار جهانیان نیست؛ (180)
پیمانه را کاملاً ادا نمایید، و (با کم فروشی) از خسارت زنندگان (به دیگران) مباشید؛ (181)
و با ترازوی راست (و درست) وزن کنید؛ (182)
و به مردم [از روی ستم چیزهایشان را کم مدهید و در زمین تبهکارانه فساد مکنید؛ (183)
و از (مخالفت) کسی خودنگهداری کنید که شما، و (صاحبان سرشت نخستین و) انبوه پیشینیان را آفرید. « (184)
(قوم شعیب) گفتند:» تو فقط از کسانی هستی که مکرر جادو شده‌اند؛

(185)
و تو جز بشری همانند ما نیستی و در واقع گمان می‌کنیم که تو از دروغگویان هستی؛ (186)
پس اگر از راستگویان می‌باشی، قطعه‌هایی از آسمان بر ما بیفکن. « (187)

(شعیب) گفت:» پروردگار من به آنچه انجام می‌دهید داناتر است. « (188)
و او را تکذیب کردند، و عذابِ روزِ سایبانِ (ابر آتشبار) آنان را فرو گرفت؛ براستی که آن عذابِ روزی بزرگ بود! (189)
قطعاً در آن [ها] نشانه‌ای است و [لی بیشترشان مؤمن نیستند. (190)
و مسلماً تنها پروردگار تو شکست‌ناپذیر [و] مهرورز است. (191)
قطعاً این (قرآن) فروفرستاده پروردگار جهانیان است. (192)
رُوحُ الامین (جبرئیل احیاگر درستکار) آن را بر دل تو فرود آورد؛ (193)
تا از هشدار دهندگان باشی؛ (194)
به زبان عربی روشن (و واضح روشنگر)؛ (195)
و مسلماً (وصف) آن در نوشته‌های متین پیشینیان (آمده) است. (196)
و آیا اینکه دانشوران بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب، وصف) آن را می‌دانند، نشانه‌ای برای آنان نبود؟! (197)
و اگر (بر فرض) آن را بر برخی از غیر عرب‌ها فرو می‌فرستادیم، (198)
و آن را بر ایشان می‌خواند، به آن ایمان نمی‌آوردند. (199)
اینگونه آن را در دل‌های خلافکاران راه می‌دهیم. (200)
در حالی که به آن (قرآن) ایمان نمی‌آورند تا اینکه عذاب دردناک را ببینند! (201)
و ناگهان (عذاب) به سراغشان می آید، و حال آنکه آنان (با درک حسّی) متوجه نمی‌شوند؛ (202)
و (در آن هنگام) می‌گویند:» آیا ما مهلت داده شده‌ایم؟! « (203)
و آیا به عذاب ما شتاب می‌ورزند؟! (204)
و آیا ملاحظه کردی که اگر سالیانی آنان را (از این زندگی) بهره‌مند سازیم، (205)
سپس آنچه را همواره به آنان وعده داده می‌شد، به سراغشان آید، (206)
بهره‌مندی دائمی‌شان (از دنیا چیزی از عذاب را) از آنان دفع نمی‌کند؟ (207)
و (مردم) هیچ آبادی را هلاک نکردیم جز در حالی که برای آن [ها] هشدار دهندگانی برای یادآوری بود. (208)
و (ما) ستمکار نبودیم. (209)

و شیطان‌ها آن (قرآن) را فرو نفرستادند؛ (210)

و آنان را نسزد؛ و نمی‌توانند. (211)
[چرا که آنان از شنیدن (اخبار وحی) کنار زده شده‌اند. (212)
و (ای پیامبر!) هیچ معبود دیگری را با خدا مخوان (و پرستش مکن،) که از عذاب شدگان خواهی شد. (213)
و خاندان نزدیکت را هشدار ده. (214)
و بال (عطوفت و فروتنی) خود را برای کسانی از مؤمنان که از تو پیروی می کنند فروآر. (215)
و اگر تو را نافرمانی کنند پس بگو:» در حقیقت من نسبت به آنچه انجام می‌دهید غیر متعهدم. « (216)
و بر (خدای) شکست‌ناپذیر [و] مهرورز توکّل نما. (217)
(همان) کسی که تو را به هنگامی که (برای نماز) می‌ایستی، می‌بیند؛ (218)
و دگرگونی (حالات) تو را در [میان سجده کنندگان (می‌نگرد)؛ (219)
[چرا] که تنها او شنوا [و] داناست. (220)
آیا به شما خبر دهم که شیطان‌ها بر چه کسی فرود می‌آیند؟! (221)
بر هر دروغ زن گنه پیشه فرود می‌آیند؛ (222)
در حالی که شنیده (های خود) را (به سوی دیگران) فرو می‌افکنند، و بیشترشان دروغگویند. (223)
و (پیامبر شاعر نیست زیرا) شاعران، گمراهان از آنان پیروی می کنند. (224)
آیا نظر نکرده‌ای که آنان در هر سرزمینی سرگردانند؟ (225)
و اینکه آنان آنچه را که انجام نمی‌دهند، می‌گویند؟! (226)
مگر کسانی که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام داده، و خدا را بسیار یاد کردند، و بعد از ستم دیدگی، (از شعر خود) یاری جستند (و دفاع کردند)؛ و کسانی که ستم کردند بزودی خواهند دانست که به کدام بازگشتگاه برخواهند گشت. (227)

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
طا، سین، آن آیات قرآن و کتاب روشنگر است؛ (1)
در حالی که رهنمودی و مژده‌ای برای مؤمنان است؛ (2)
(همان) کسانی که نماز را برپا می‌دارند، و [مالیات زکات را می‌پردازند، و آنان خود به آخرت یقین دارند. (3)
در واقع کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، کردار (بد) شان را برای آنان آراستیم، و آنان سرگردان می‌شوند. (4)
آنان کسانی هستند که عذاب بدی برای آنهاست؛ و تنها آنان در آخرت زیانکارترند. (5)
و قطعاً قرآن از نزد فرزانه‌ای دانا به تو القا می‌شود. (6)
(یادکن) هنگامی را که موسی به خانواده‌اش گفت:» براستی من آتشی دیدم؛ بزودی خبری از آن برای شما می‌آورم، یا نور شعله آتشی برای شما می‌آورم، باشد که شما گرم شوید. « (7)
و هنگامی که به سراغ آن (آتش) آمد، ندا داده شد که:» خجسته گردید کسی که در آن آتش است و کسی که در پیرامون آن است! و منزّه است خدایی که پروردگار جهانیان است! (8)
ای موسی! قطعاً من خدای شکست‌ناپذیر فرزانه‌ام؛ (9)
و عصایت را بیفکن!- و هنگامی که آن (عصا) را دید، چنانکه گویی آن همچون ماری می‌جنبید، پشت کرده روی برتافت، و به عقب بازنگشت- (ندا آمد:) ای موسی! نترس، [چرا] که من، فرستادگان، درنزدم نمی‌ترسند؛ (10)
مگر کسی که ستم کرده؛ آنگاه بعد از بدی، نیکی را جایگزین (آن) نماید، (که در این صورت اورا می‌بخشم)؛ چرا که من بسیار آمرزنده [و] مهرورزم. (11)
و دستت را در گریبانت داخل کن تا سفیدگونه بدون (عیب) بدی بیرون آید؛ با نشانه‌های (معجزه آسای) نه‌گانه به سوی فرعون و قومش (برو؛ چرا) که آنان گروهی نافرمانبردار بودند. « (12)
و هنگامی که نشانه‌های (معجزه آسای) روشنگرانه ما به سراغ آن (فرعونی) ان آمد گفتند:» این سِحری آشکار است! « (13)
و آن [ها] را بخاطر ستم و برتری طلبی انکار کردند، در حالی که دل‌هایشان بدان [ها] یقین داشت. و بنگر، که فرجام فسادگران چگونه بوده است. (14)
و بیقین به داود و سلیمان، دانشی دادیم؛ و آن دو گفتند:» ستایش

مخصوص خدایی است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری داد. « (15)
و سلیمان از داود ارث برد، و گفت:» ای مردم! زبان پرندگان به ما آموزش داده شد، و از هر چیزی به ما داده‌شده است؛ مسلماً این فقط فضیلت آشکاری است. « (16)
لشکریان سلیمان، از جنّ و انسان و پرنده، برایش گرد آوری شدند، و آنان (از پراکندگی و بی نظمی) بازداشته می‌شدند. (17)
ترجمه قرآن، ص: 378
تا هنگامی که (لشکریان سلیمان) به سرزمین مورچگان رسیدند؛ مورچه‌ای گفت:» ای مورچگان، به خانه‌هایتان داخل شوید، تا سلیمان و لشکریانش هرگز شما را پایمال نکنند در حالی که آنان (با درک حسّی) متوجه نمی‌شوند. « (18)
و (سلیمان) از سخن او، به خنده‌ای لبخند زد و گفت:» پروردگارا! به من الهام کن، که نعمتت را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشتی، سپاسگزاری کنم، و اینکه [کار] شایسته‌ای، که آن را می‌پسندی، انجام دهم، و مرا با رحمت خود در [زمره بندگان شایسته‌ات وارد کن. « (19)
و (سلیمان) در جستجوی پرنده [هُدهُد] برآمد و گفت:» مرا چه شده که هُدهُد را نمی‌بینم، بلکه آیا از غایبان است؟! (20)
قطعاً او را با عذاب شدیدی عذاب خواهم کرد، یا حتماً او را سرمی‌برم، یا باید (برای غیبتش) دلیل آشکاری برایم بیاورد! « (21)
و (مدتی) نه چندان دراز درنگ کرد (تا هدهد آمد) و گفت:» به چیزی احاطه یافتم که تو بدان احاطه نیافته‌ای؛ و از (سرزمین) سبا خبر بزرگِ یقینی، برای تو آورده‌ام. (22)
در حقیقت من (در آنجا) زنی را یافتم که بر آنان زمامداری می‌کرد، و از هر چیزی (به او) داده شده بود، و برایش تخت بزرگی بود. (23)
او و قومش را یافتم در حالی که برای خورشیدی که غیر از خداست، سجده می‌کنند؛ و شیطان کارهای آنان را برایشان آراست، و آنان را از راه (خدا) بازداشت؛ و آنان رهنمون نمی‌شوند. (24)
که سجده نکنند برای خدایی که پنهانِ در آسمان‌ها و زمین را بیرون می‌آورد، و آنچه را پنهان می‌دارید و آنچه را آشکار می‌کنید می‌داند! (25)
خداست، که هیچ معبودی جز او نیست، پروردگار تخت بزرگ (جهانداری و تدبیر هستی) است. « (26)
ترجمه قرآن، ص: 379
(سلیمان) گفت:» بزودی خواهیم دید که آیا راست گفتی یا از دروغگویان بودی؟ (27)
این نامه مرا ببر و به سوی آنان بیفکن؛ سپس از آنان روی برتاب و ببین

چه چیزی بازمی‌گردانند؟ (و چه عکس العملی نشان می‌دهند؟) « (28)
(ملکه سبا) گفت:» ای اشراف! در واقع من نامه ارجمندی به سویم افکنده شده است؛ (29)
در حقیقت آن (نامه) از سلیمان است، و آن (نوشته، چنین است) که: به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز؛ (30)
بر من برتری جویی نکنید، و تسلیم شده، نزد من آیید. « (31)
(ملکه) گفت:» ای اشراف به من در مورد کارم پاسخ دهید، که در مورد هیچ کاری (تصمیم خود را) قطعی نکرده‌ام، تا اینکه [نزد من حاضر شوید. « (32)
(اشراف) گفتند:» ما قدرتمند و سخت نیرومند (و جنگ آور) هستیم، و [لی اختیار] کار با توست؛ پس ببین چه فرمان می‌دهی؟ « (33)
(ملکه) گفت:» براستی که سلطان‌ها هنگامی که وارد آبادی می‌شوند آن را تباه می‌کنند، و عزیزان اهلش را خوار می‌گردانند، و اینچنین می‌کنند. (34)
و در واقع من هدیه‌ای به سوی آنان می‌فرستم، پس بنگرم که فرستادگان با چه چیزی باز می‌گردند. « (35)
و هنگامی که (فرستاده ملکه) نزد سلیمان آمد، (سلیمان) گفت:» آیا [مرا] با مال امداد می‌رسانید؟! پس آنچه خدا [به من داده، بهتر است از آنچه به شما داده است؛ بلکه شما فقط به هدیه خود شادمان می‌شوید. (36)
به سوی آنان بازگرد و (اعلام کن که:) حتماً با لشکریانی به سراغ آنان می‌آییم که آنان هیچ قدرت مقابله با آنها را ندارند؛ و قطعاً آنان را از آن (سرزمین سبا) با خواری بیرون می‌رانیم در حالی که آنان (اسیر و) کوچکند! « (37)
(سلیمان) گفت:» ای اشراف! کدام یک از شما تخت او را برای من می‌آورد پیش از آنکه تسلیم شده نزد من آیند؟ « (38)
زیرکی از جنّیان گفت:» من آن را نزد تو می‌آورم پیش از آنکه از جایگاهت برخیزی در حالی که قطعاً من برای این (کار) نیرومندی درستکار هستم! « (39)
ترجمه قرآن، ص: 380
کسی که علمی از کتاب (الهی) نزدش بود، گفت:» من پیش از آنکه چشمت را بر هم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد! «و هنگامی که (سلیمان) آن (تخت) را نزدش ثابت دید گفت:» این از بخشش پروردگار من است، تا مرا آزمایش کند که آیا سپاسگزاری می‌کنم یا ناسپاسی می‌نمایم؟! و هر کس سپاسگزاری کند، پس فقط به سود خودش سپاسگزاری می‌کند، و هر کس ناسپاسی کند پس (زیانی به خدا نمی‌رساند؛ چرا) که پروردگار من، توانگری ارجمند است. « (40)

(سلیمان) گفت:» تخت او را برایش ناشناس سازید؛ تا ببینیم آیا رهنمون می‌شود، یا از کسانی است که رهنمون نخواهند شد؟! « (41)
و هنگامی که (ملکه) آمد، (به او) گفته شد:» آیا تخت تو اینگونه است؟ «گفت:» چنانکه گویی این، آن است! و پیش از این به ما دانش داده شد و تسلیم شده بودیم. « (42)
و آنچه را جز خدا همواره می‌پرستید، اورا (از خدا پرستی) بازداشت، [چرا] که او از گروه کافران بود. (43)
به او گفته شد:» داخل صحن [قصر] شو! «و هنگامی که آن را دید، پنداشت که آن آبگیری ژرف است، و دو ساق (پای) ش را نمایان کرد، (تا وارد آب شود، ولی سلیمان) گفت:» در واقع این صحن صافی از بلورها است. « (ملکه سبا) گفت:» پروردگارا! در حقیقت من به خودم ستم کردم؛ و (اینک) با سلیمان تسلیم خدایی شدم که پروردگار جهانیان است. « (44)
و یقیناً به سوی (قوم) ثمود، برادرشان صالح را فرستادیم که: خدا را بپرستید؛ و بناگاه آنان دو دسته (مؤمن و کافر) شدند، که با یکدیگر کشمکش می‌کردند. (45)
(صالح) گفت:» ای قوم [من ! چرا پیش از نیکی، به بدی شتاب می‌ورزید؟! چرا از خدا طلب آمرزش نمی‌کنید؟ باشد که شما (مشمول) رحمت شوید. « (46)
(قوم ثمود) گفتند:» به تو و به کسانی که با تو هستند فال بد زدیم. « (صالح) گفت:» فالِ (نیک و) بد شما نزد خداست؛ بلکه شما گروهی هستیدکه آزمایش می‌شوید. « (47)
و در آن شهر، نُه قبیله کوچک بودند که در زمین فساد می‌کردند و اصلاح نمی‌کردند. (48)
ترجمه قرآن، ص: 381
گفتند:» با یکدیگر به خدا قسم یاد کنید، که حتماً به او و خانواده‌اش شبیخون می‌زنیم (و صالح را به قتل می‌رسانیم؛) سپس بطور قطعی به سرپرست (خون) او می‌گوییم: در محل هلاکت خاندانش حاضر نبوده‌ایم و ما حتماً راستگوییم. « (49)
و با فریبی، فریبکاری کردند و (ما هم) با ترفندی، ترفند زدیم، در حالی که آنان (با درک حسّی) متوجه نمی‌شدند. (50)
و بنگر فرجام فریب آنان چگونه بود، که ما آنان و قومشان را همگی درهم کوبیدیم. (51)
این خانه‌های آنان است، در حالی که بخاطر ستمشان فرو ریخته است؛ قطعاً در این (ماجرا) نشانه‌ای (عبرت آموز) است برای گروهی که می‌دانند. (52)
و کسانی را که ایمان آورده و همواره خودنگهداری (و پارسایی) می‌کردند،

نجات دادیم. (53)
و یادکن لوط را، هنگامی که به قومش گفت:» آیا [عمل زشت (ی) را مرتکب می‌شوید، در حالی که شما (نتایج شوم آن را) می‌بینید؟! (54)
آیا واقعاً شما از روی شهوت، به غیر از زنان به سراغ مردان می‌روید؟! بلکه شما گروهی هستید که نادانی می‌کنید. « (55)
و [لی پاسخ قومش جز این نبود که گفتند:» خاندان لوط را از آبادیتان اخراج کنید، که آنان مردمی هستند که پاکدامنی را می‌طلبند! « (56)
و او و خاندانش را نجات دادیم؛ جز زنش، که مقدّر کردیم او از بازماندگان (در شهر) باشد. (57)
و بارشی (از سنگ‌های عذاب) برآنان باراندیم و چه بد است باران هشدار داده شدگان! (58)
(ای پیامبر) بگو:» ستایش مخصوص خداست؛ و سلام بر بندگانش (همان) کسانی که برگزیده است؛ آیا خدا بهتر است یا آنچه را شریک (خدا) قرار می‌دهند؟ (59)
ترجمه قرآن، ص: 382
بلکه آیا (معبودان شما بهترند یا) کسی که آسمان‌ها و زمین را آفرید؟! و برای شما از آسمان، آبی فروفرستاد؛ و بوسیله آن، باغ‌هایی زیبا رویاندیم؛ برای شما (قدرتی) نبود که درخت [های آن را برویانید! آیا معبودی با خداست؟! (نه،) بلکه آنان گروهی منحرفند. (60)
بلکه آیا (معبودان شما بهترند یا) کسی که زمین را قرارگاهی ساخت، و میان آن نهرهایی قرارداد، و برای آن [کوه‌های استوار قرارداد، و بین دو دریا مانعی قرار داد؛ آیا معبودی با خداست؟! (نه،) بلکه بیشتر آنان نمی‌دانند. (61)
بلکه آیا (معبودان شما بهترند یا) کسی که درمانده را، به هنگامی که او را می‌خواند، اجابت می‌کند، و (گرفتاری) بد را برطرف می‌سازد، و شما را جانشینان (خود یا گذشتگان در) زمین قرار می‌دهد؛ آیا معبودی با خداست؟! چه اندک متذکّر می‌شوید. (62)
بلکه آیا (معبودان شما بهترند یا) کسی که شما را در تاریکی‌های خشکی و دریا ره می‌نماید؛ و کسی که بادها را پیشاپیش (باران) رحمتش مژده رسان می‌فرستد؛ آیا معبودی با خداست؟! خدا برتر است از آنچه شریک (او) قرار می‌دهند. (63)
بلکه آیا (معبودان شما بهترند یا) کسی که آفرینش را آغاز کند، سپس آن را بازگرداند، و کسی که شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؛ آیا معبودی با خداست؟! «بگو:» اگر راست می‌گویید دلیل روشنتان را بیاورید! « (64)
(ای پیامبر!) بگو:» کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند نهان را نمی‌دانند

جز خدا، و (با درک حسّی) متوجه نمی‌شوند که چه زمانی برانگیخته خواهند شد. « (65)
بلکه علمشان درباره آخرت به کمال رسیده است (ولی نارساست؛) بلکه آنان نسبت به آن شک دارند، بلکه آنان نسبت به آن کور [دل ند. (66)
و کسانی که کفر ورزیدند گفتند:» آیا هنگامی که ما و نیاکانمان خاک شدیم، آیا قطعاً ما (از قبرها) بیرون آورده می‌شویم؟! (67)
ترجمه قرآن، ص: 383
بیقین این (رستاخیز) از پیش، به ما و نیاکانمان وعده داده شد؛ این جز افسانه‌های پیشینیان نیست. « (68)
بگو:» در زمین گردش کنید و بنگرید که فرجام خلافکاران چگونه بوده است. « (69)
و بر (بی ایمانی) آنان غم مخور، و از آنچه فریبکاری می‌کنند [دل تنگ مباش. (70)
و (کافران) می‌گویند:» اگر راستگویید، این وعده (عذاب) چه وقت است؟! « (71)
(ای پیامبر) بگو:» شاید، برخی از آنچه را به شتاب می‌خواهید، در پی شما باشد. « (72)
و قطعاً پروردگار تو نسبت به مردم دارای بخشش است، و لیکن بیشتر آنان سپاسگزاری نمی‌کنند. (73)
و مسلماً پروردگارت آنچه را سینه‌هایشان پوشیده می‌دارند و آنچه را آشکار می‌کنند، می‌داند. (74)
و هیچ پنهانی در آسمان و زمین نیست، مگر اینکه در کتاب روشن (علم الهی ثبت) است. (75)
درواقع این قرآن، بیشترِ آنچه را که بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) در آن اختلاف می‌کنند، بر آنان حکایت می‌کند. (76)
و قطعاً آن (قرآن) رهنمود و رحمتی برای مؤمنان است. (77)
در حقیقت پروردگار تو بر طبق حکم خود، بین آنان داوری می‌کند؛ در حالی که او شکست ناپذیر [و] داناست. (78)
پس بر خدا توکلّ کن؛ [چرا] که تو برحق آشکاری هستی. (79)
در حقیقت تو نَ (می‌توانی سخنت را) به گوش مردگان برسانی، و نَ (می‌توانی) صدایت را به گوش ناشنوایان برسانی، هنگامی که پشت کرده روی برمی‌تابند. (80)
ترجمه قرآن، ص: 384
و تو راهنمای کور (دل) ان از گمراهی‌شان نیستی، (تو سخنت را) نمی‌شنوانی جز به کسانی که به نشانه‌های ما ایمان می‌آورند؛ چرا که آنان تسلیم شده‌اند. (81)

و هنگامی که گفتار (فرمان عذاب) برآنان واقع شود، (و در آستانه رستاخیز قرار گیرند)، جنبنده‌ای را از زمین برای آنان بیرون می‌آوریم که با آنان سخن می‌گوید، (در مورد این) که مردم همواره به نشانه‌های ما یقین نداشتند. (82)
و (یادکن) روزی را که از هر امّتی، گروهی شتابان از کسانی که نشانه‌های ما را دروغ می‌انگاشتند، گرد آوری می‌کنیم؛ و آنان (از پراکندگی و بی‌نظمی) بازداشته می‌شوند. (83)
تا هنگامی که (به پیشگاه خدا) می‌آیند، (به آنان) می‌گوید:» آیا نشانه‌های مرا دروغ انگاشتید، در حالی که بدان [ها] احاطه علمی نداشتید، بلکه (غیر از تکذیب) چه چیزی را همواره انجام می‌دادید؟! « (84)
و گفتار (فرمان عذاب) بخاطر ستمکاریشان برآنان واقع شود و آنان سخن نگویند. (85)
آیا نظر نکرده‌اند که ما شب را (تاریک) قراردادیم، تا در آن آرام گیرند؛ و روز را روشنی بخش (قراردادیم؟!) قطعاً در این [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که ایمان می‌آورند. (86)
و (یادکن) روزی را که در شیپور دمیده می‌شود، و کسانی که در آسمان‌ها و کسانی که در زمین هستند به وحشت می‌افتند، جز کسی را که خدا بخواهد؛ و همه فروتنانه نزد او آیند. (87)
و کوه‌ها را می‌بینی، در حالی که آنها را ثابت می‌پنداری، و حال آنکه آنها همچون حرکت ابرها درگذرند؛ [این ساخته خدایی است که هر چیزی را محکم ساخت؛ در حقیقت او به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (88)
هر کس (کار) نیکی آورد، پس برایش (پاداشی) بهتر از آن است، و آنان در آن روز از وحشت در امانند. (89)
و هر کس (کار) بدی بیاورد، پس با صورت‌هایشان در آتش افکنده می‌شوند! آیا جز (به کیفر) آنچه همواره انجام می‌دادید، مجازات خواهید شد؟! (90)
(بگو:) فرمان داده شدم که تنها پروردگار این شهر (مکّه) را بپرستم، (همان) کسی که آن (شهر) را محترم شمرد؛ در حالی که همه چیز از آنِ اوست؛ و فرمان داده شده‌ام که [فقط] از مسلمانان باشم؛ (91)
و اینکه [تنها] قرآن را بخوانم [و پیروی کنم ؛ و هر کس راه یابد پس فقط به نفع خودش راه می‌یابد؛ و هر کس گمراه شود، پس بگو:» من فقط از هشدار دهنده‌گانم. « (92)
ترجمه قرآن، ص: 385
و بگو:» ستایش مخصوص خداست؛ بزودی نشانه‌هایش را به شما می‌نمایاند، پس آنها را خواهید شناخت؛ و پروردگارت از آنچه انجام می‌دهید، غافل نیست. « (93)

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
طا، سین، میم. (1)
آن آیات کتاب روشنگراست. (2)
بخشی از خبر بزرگ موسی و فرعون را برای گروهی که ایمان می‌آورند، بدرستی برتو می‌خوانیم. (3)
در واقع فرعون در زمین (مصر) برتری جویی کرد، و اهل آن را گروه‌هایی قرارداد؛ در حالی که دسته‌ای از آنان را تضعیف می‌کرد، پسرانشان را سر می‌برید و زنانشان را زنده نگه می‌داشت؛ [چرا] که او از فسادگران بود. (4)
و می‌خواهیم که بر کسانی که در زمین مستضعف شده بودند، منّت نهیم و آنان را پیشوایان (زمین) گردانیم و آنان را وارثان (آن) قرار دهیم. (5)
و در زمین به آنان امکانات دهیم، و به فرعون و هامان و لشکریانشان، آنچه را همواره از آن (بنی اسرائیلی) ان بیم داشتند بنمایانیم. (6)
و به مادر موسی وحی (الهام) کردیم که:» او را شیر ده؛ و هنگامی که بر (جان) او ترسیدی، پس وی را در دریا بیفکن؛ و نترس و اندوهگین مباش، [چرا] که ما او را به سوی تو بازمی‌گردانیم، و وی را از فرستادگان (خود) قرار می‌دهیم. « (7)
و فرعونیان او را (از آب) برگرفتند، تا سرانجام برای آنان دشمنی و (مایه) اندوهی شود! در حقیقت فرعون و هامان و لشکریانشان خطا کار بودند. (8)
و زن فرعون گفت:» (این نوزاد) روشنی چشمی برای من و برای توست! او را نکشید، امید است که برای ما سودمند باشد، یا او را به فرزندی برگزینیم. «در حالی که آنان (با درک حسّی) متوجه نمی‌شدند! (که موسی کیست.) (9)
ترجمه قرآن، ص: 386
و دل [سوزان مادر موسی (از هر چیز، جز فکر فرزند) تهی گشت؛ و اگر دل او را محکم نکرده بودیم، تا از مؤمنان باشد، قطعاً نزدیک بود آن (راز) را افشاکند. (10)
و (مادر موسی) به خواهر او گفت:» (وضع) اورا پیگیری کن. «و از دور آن (نوزاد) را دید، در حالی که آنان (با درک حسّی) متوجّه نمی‌شدند. (11)
و از پیش، (شیر) دایه‌ها را بر او ممنوع کردیم؛ و (خواهر موسی به فرعونیان) گفت:» آیا شما را به خاندانی راهنمایی کنم که او را برای شما سرپرستی کنند، در حالی که آنان خیرخواه او هستند؟! « (12)

و او را به سوی مادرش بازگرداندیم تا چشمش روشن شود، و اندوهگین نشود، و تا بداند که وعده خدا حق است؛ و لیکن بیشتر آن (مردم) ان نمی‌دانند. (13)
و هنگامی که (موسی) به حد رشدش رسید، و (در کمال و نیرومندی) استقرار یافت، حکم (و حکمت) و دانش به او دادیم؛ و این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. (14)
و (موسی) هنگامی که مردم آن (مصر) در غفلت بودند داخل شهر شد؛ و دو مرد را در آنجا یافت که با یکدیگر جنگ (و نزاع) می‌کردند؛ این (یکی) از پیروان او و آن (دیگری) از دشمنانش بود، و کسی که از پیروان او بود بر ضدّ کسی که از دشمنان وی بود، از او یاری خواست؛ پس موسی مشتی بر او زد، و (عمر) او پایان یافت. (موسی) گفت:» این (نزاع شما) از کار شیطان بود؛ [چرا] که او دشمن [و] گمراه کننده آشکاری است. « (15)
(موسی) گفت:» پروردگارا! در حقیقت من به خودم ستم کردم؛ پس مرا بیامرز. «و (خدا) او را آمرزید؛ [چرا] که تنها او بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (16)
(باز موسی) گفت:» پروردگارا! به (پاس) نعمتی که به من دادی، پس پشتیبان خلافکاران نخواهم بود. « (17)
ترجمه قرآن، ص: 387
و (موسی) در شهر ترسان و منتظر (حادثه و اخبار) گردید؛ پس ناگهان (همان) کسی که دیروز از او یاری طلبیده بود، از او فریادرسی خواست؛ موسی به او گفت:» قطعاً تو گمراه آشکاری هستی. « (18)
و هنگامی که خواست بر کسی، که او دشمن هر دوی شان بود، سخت‌گیری کند، گفت:» ای موسی! آیا می‌خواهی که مرا بکُشی همان گونه که دیروز شخصی را کُشتی؟! (تو چیزی) نمی‌خواهی جز آنکه در زمین زورگو باشی، و نمی‌خواهی که از اصلاح گران باشی! « (19)
و مردی با کوشش از دورترین (نقطه) شهر آمد [و] گفت:» ای موسی! در واقع اشراف در مورد تو نظرخواهی می‌کنند تا تورا بکشند، پس (از شهر) خارج شو، [چرا] که من از خیرخواهان توام. « (20)
و (موسی) از آن (شهر) خارج شد در حالی که ترسان [و] منتظر (حادثه) بود، گفت:» پروردگارا! مرا از گروه ستمکاران نجات بخش. « (21)
و هنگامی که به سوی مَدْین روی نهاد، گفت:» امید است که پروردگارم مرا به راه درست راهنمائی کند. « (22)
و هنگامی که به (چاهِ) آب مَدین رسید، گروهی از مردم را در آنجا یافت که (چهارپایان خود را) سیراب می‌کردند؛ و پایین‌تر از آنان دو زن را یافت که (گوسفندان خود را از رفتن به طرف آبشخور) بازمی‌داشتند. (موسی به آن دو) گفت:» [جریان کار شما چیست؟ « [آن دو زن گفتند:» (ما

گوسفندهایمان را) سیراب نمی‌کنیم تا اینکه شبان‌ها خارج شوند؛ و پدر ما پیر کهنسالی است. « (23)
پس (موسی) برای آن دو (گوسفندان را) سیراب کرد، سپس (از آنان) به سوی سایه روی برتافت و گفت:» پروردگارا! در حقیقت من به آنچه از نیکی که به سوی من فروفرستی، نیازمندم. « (24)
و یکی از آن دو (دختران شعیب) به سراغ او آمد در حالی که با شرم، گام برمی‌داشت، گفت:» در حقیقت پدرم تو را فرا می‌خواند تا پاداش آب دادن (گوسفندان) ما را به تو بپردازد. «و هنگامی که (موسی) نزد او [شعیب آمد و حکایت‌ها را برای او حکایت کرد، گفت:» نترس که از گروه ستمکاران نجات یافتی. « (25)
ترجمه قرآن، ص: 388
یکی از آن دو (دختر) گفت:» ای پدر [من ! اورا استخدام کن، [چرا] که بهترین کسی که استخدام می‌کنی (شخصِ) نیرومند درستکار است. « (26)
(شعیب) گفت:» در حقیقت من می‌خواهم که یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم، بر (اساس این مهریه) که هشت سال در استخدام من باشی؛ و اگر تا ده سال تکمیل کنی، پس (لطفی) از نزد توست؛ و نمی‌خواهم که برتو سخت‌گیری کنم؛ اگر خدا بخواهد، بزودی مرا از شایستگان خواهی یافت. « (27)
(موسی) گفت:» این (قراردادی) میان من و میان تو است؛ هر کدام از دو سرآمد (مدّت) را به پایان رساندم پس هیچ تعدّی بر من نخواهد بود؛ و خدا نسبت به آنچه می‌گوییم گواه و نگهبان است. « (28)
و هنگامی که موسی سرآمد (مدّت شبانی) را به پایان رسانید و همراه خانواده‌اش (از مدین به سوی مصر) روان شد، از جانب (کوه) طور آتشی دید؛ به خانواده‌اش گفت:» درنگ کنید [چرا] که من آتشی دیدم؛ (می‌روم) تا شاید من خبری از آن یا پاره‌ای از آتش برای شما بیاورم، باشد که شما گرم شوید. « (29)
و هنگامی که به سراغ آن (آتش) آمد، از جانب راست درّه، در آن جایگاه خجسته، از (میان یک) درخت ندا داده شد، که:» ای موسی! براستی من، خود خدایی هستم که پروردگار جهانیانم. (30)
و (ندا داده شد) که عصایت را بیفکن!- و هنگامی که آن (عصا) را دید که می‌جنبید، چنانکه گویی آن ماری است، (موسی) پشت کرده روی برتافت، و به عقب بازنگشت- (ندا آمد) ای موسی! روی آر و نترس، [چرا] که تو در امنیت هستی. (31)
دستت را در گریبانت وارد کن، تا سفید گونه بدون (عیب) بدی بیرون آید؛ و (دست و) بالت را (برای آرامش) از هراس به (سینه) خودت بگذار؛ و

این دو (معجزه) دلیل‌های روشنی از جانب پروردگارت به سوی فرعون و اشراف اوست؛ [چرا] که آنان گروهی نافرمانبردارند. « (32)
ترجمه قرآن، ص: 389
(موسی) گفت:» پروردگارا! در واقع من شخصی از آنان را کشتم، پس می‌ترسم که [مرا] بکشند. (33)
و برادرم هارون، او زبانی واضح‌تر از من دارد؛ پس او را یاوری، همراه من بفرست که مرا تأیید کند؛ [چرا] که من می‌ترسم که [مرا] تکذیب کنند. « (34)
فرمود:» بزودی بازوی تورا بوسیله برادرت محکم می‌کنیم، و برای شما تسلّطی قرار می‌دهیم؛ و با (وجود) نشانه‌های (معجزه آسای) ما (دست آنان) به شما نمی‌رسد؛ شما و هر کس از شما پیروی کند پیروزید. « (35)
و هنگامی که موسی با نشانه‌های (معجزه آسای) روشنگرانه ما به سراغ آنان آمد، گفتند:» این جز سحری (دروغ) بافته نیست. و (ما) در نیاکان نخستین خود این را نشنیده‌ایم! « (36)
و موسی گفت:» پروردگارم، به (حال) کسی که از نزد او رهنمون آورده و کسی که فرجام (نیک) سرا (ی دنیا و آخرت) برای اوست، داناتر است؛ قطعاً ستمکاران رستگار نمی‌شوند. « (37)
و فرعون گفت:» ای اشراف! هیچ معبودی غیر از خودم برای شما نمی‌شناسم؛ پس ای هامان، برایم آتشی بر گِل برافروز (و آجر بساز) و برای من قصری (بلند، بنا) گردان، تا شاید من از معبود موسی اطلاع یابم؛ و در حقیقت من گمان می‌کنم که او از دروغگویان است. « (38)
و او (فرعون) و لشکریانش به ناحق در زمین تکبّر ورزیدند، و یقین کردند که به سوی ما بازگردانده نمی‌شوند. (39)
ترجمه قرآن، ص: 390
و او و لشکریانش را گرفتار (مجازات) ساختیم و آنان را در دریا افکندیم؛ پس بنگر فرجام ستمکاران چگونه بوده است! (40)
و آن (فرعونی) ان را پیشوایانی قراردادیم، که به سوی آتش (دوزخ) فرا می‌خوانند؛ و روز رستاخیز یاری نخواهند شد. (41)
و در این دنیا لعنتی در پی آنان روانه کردیم، و آنان روز رستاخیز از زشت رویانند. (42)
و بعد از آنکه گروه‌ها (و نسل‌ها) ی نخستین را هلاک نمودیم؛ به یقین به موسی کتاب (تورات) دادیم، در حالی که دلیل‌های بینش آور و رهنمود و رحمتی برای مردم بود؛ باشد که آنان متذکّر شوند. (43)
و [تو] در جانب غربی نبودی هنگامی که کار (نبوّت) را با موسی تمام کردیم؛ و از گواهان (حاضرنیز) نبودی. (44)
و لیکن ما گروه هایی را پدید آوردیم، و دوران (عمر) آنان طولانی شد؛ و

در [میان ساکنان مَدْین اقامت نداشتی، (تا از حال آنان آگاه شوی و) آیات ما را بر آنان (مشرکان مکه) بخوانی [و پیروی کنی؛] و لیکن ما فرستنده (تو) بودیم. (45)
و (تو) در جانب (کوه) طور نبودی، هنگامی که (موسی را) ندا دادیم؛ و لیکن (تورا آگاه کردیم) بخاطر اینکه رحمتی از سوی پروردگارت باشد تا قومی را هشدار دهی که پیش از تو هیچ هشدارگری برای آنان نیامده است؛ باشد که آنان متذکّر شوند. (46)
و اگر نبود اینکه بخاطر دستاورد پیشین‌شان مصیبتی به آنان رسد (پس حجت آورند) و گویند:» [ای پروردگار ما! چرا فرستاده‌ای به سوی ما نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم و از مؤمنان باشیم؟! « (ما پیامبری نمی‌فرستادیم.) (47)
ترجمه قرآن، ص: 391
و هنگامی که حق از نزد ما به سوی آنان آمد گفتند:» چرا همانند آنچه که به موسی داده شد (به این پیامبر) داده نشده است؟! «و آیا آنچه را پیش از (این) به موسی داده شد، انکار نکردند؛ گفتند:» (این) دو جادو [گر] ند که پشتیبان یکدیگرند. «و گفتند:» در حقیقت ما به هر (دو) کافریم! « (48)
بگو:» اگر راست گویید، پس کتابی از نزدخدا بیاورید که آن هدایت کننده‌تر از دو (کتاب قرآن و تورات) باشد، تا از آن پیروی کنم! « (49)
و اگر (پیشنهاد) تورا نپذیرفتند، پس بدان که [آنان از هوس‌هایشان پیروی می‌کنند؛ و کیست گمراه‌تر از کسی که بدون راهنمایی از جانب خدا، از هوسش پیروی کند؟! که خدا گروه ستمکاران را راهنمایی نمی‌کند. (50)
و بیقین سخن (قرآن) را پیاپی برای آنان آوردیم باشد که آنان متذکّر شوند. (51)
کسانی که پیش از آن، به آنان کتاب (آسمانی) دادیم، ایشان بدان (قرآن) ایمان می‌آورند. (52)
و هنگامی که (قرآن) برآنان خوانده شود، می‌گویند:» به آن ایمان آوردیم؛ [چرا] که آن حق [و] از جانب پروردگار ماست؛ در حقیقت ما پیش از این تسلیم شده بودیم. « (53)
آنان بخاطر شکیبایی‌شان، دو بار به ایشان پاداش داده می‌شود؛ و با نیکی، بدی را دور می‌سازند؛ و از آنچه که روزی آنان کرده‌ایم (در راه خدا) مصرف می‌کنند. (54)
ترجمه قرآن، ص: 392
و هر گاه (سخن) بیهوده می‌شنوند، از آن روی می‌گردانند و می‌گویند:» کردارهای ما تنها برای ماست و کردارهای شما تنها برای شماست؛ سلام بر شما باد؛ که ما طالب نادانان نیستیم. « (55)

در حقیقت تو هر کسی را که دوست داری راهنمایی نمی‌کنی؛ و لیکن خدا هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) راهنمایی می‌کند؛ و او به ره‌یافتگان داناتر است. (56)
و گفتند:» اگر به همراه تو از هدایت (اسلام) پیروی کنیم، از سرزمین‌مان ربوده می‌شویم. «و آیا آنان را در حرم امنی مستقر نساختیم، که محصولات هر چیزی به سوی آن (شهر) آورده می‌شود؟! در حالی که روزی‌ای از جانب ماست؛ و لیکن بیشتر آنان نمی‌دانند. (57)
و چه بسیار از (مردم) آبادی [ها] را هلاک کردیم، که در زندگی‌شان سرمستی می‌کردند. و آن خانه‌های آنان است در حالی که پس از آنان جز اندکی مسکونی نبوده است؛ و تنها ما وارث (آنان) بودیم. (58)
و پروردگار تو هلاک کننده (مردم) آبادی‌ها نبوده، تا اینکه در مرکز آنها فرستاده‌ای را برانگیزد که آیات ما را بر آنان بخواند [و پیروی کند]؛ و [ما] هلاک کننده (مردم) آبادی‌ها نبودیم، جز در حالی که اهلش ستمکار بودند. (59)
و آنچه از چیز (ها) به شما داده شده، پس کالای زندگی پست (دنیا) و زیور آن است؛ و آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است؛ پس آیا خردورزی نمی‌کنید؟! (60)
و آیا کسی که وعده نیکویی به او وعده داده‌ایم و او بدان خواهد رسید، همانند کسی است که از کالای زندگی پست (دنیا) بهره‌مندش ساختیم؛ سپس او روز رستاخیز از احضار شدگان (برای حسابرسی و مجازات) است؟! (61)
و (یادکن) روزی را که (خدا) آنان را ندا می‌دهد و می‌گوید:» کجایند شریکان من، (همان) کسانی که همواره (شما آنان را شریکان خدا) می‌پنداشتید؟! « (62)
کسانی (از معبودان) که آن گفتار (وعده عذاب) برآنان تحقّق‌یافت، گویند:» [ای پروردگار ما! این (گمراه) ان کسانی هستند که (ما آنان را) فریفتیم؛ آنان را فریفتیم همانگونه که فریب خوردیم؛ (ما نسبت به آنان) در نزد تو بی‌تعهدیم، (زیرا آنان) هرگز ما را نمی‌پرستیدند. « (63)
ترجمه قرآن، ص: 393
و (به مشرکان) گفته شود:» شریک‌هایتان را (که برای خدا قرار داده‌اید) بخوانید! «پس آنان را خواندند و (لی دعای) آنان را نپذیرفتند، و عذاب را ببینند، (و آرزو کنند) که ای کاش آنان همواره ره‌یافته بودند! (64)
و (یادکن) روزی را که (خدا) آنان را ندا می‌دهد و می‌گوید:» به فرستادگان (من) چه پاسخی دادید؟! « (65)
و در آن روز، خبرهای بزرگ بر آنان مخفی می‌ماند، و آنان از یکدیگر پرسش نمی‌کنند. (66)

و امّا کسی که توبه کند، و ایمان آورد و [کار] شایسته انجام دهد، پس امید است که از رستگاران (پیروز) باشد. (67)
و پروردگار تو آنچه را بخواهد می‌آفریند، و برمی‌گزیند؛ و آنان اختیاری ندارند؛ خدا منزّه و برتراست از آنچه شریک (او) قرار می‌دهند! (68)
و پروردگارت آنچه را که سینه‌هایشان پوشیده می‌دارند و آنچه را آشکار می‌کنند، می‌داند. (69)
و او خدایی است که هیچ معبودی جز او نیست؛ در این (جهان) و (جهان) آخرت ستایش مخصوص اوست، و حکم فقط از آن اوست؛ و فقط به سوی او بازگردانده می‌شوید. (70)
بگو:» آیا بنظر شما اگر خدا شب را برای شما تا روز رستاخیز دائمی گرداند، غیر از خدا کدام معبود است که روشنایی را برای شما می‌آورد؟! پس آیا (حقایق را) نمی‌شنوید؟! « (71)
بگو:» آیا بنظر شما اگر خدا روز را برای شما تا روز رستاخیز دائمی گرداند، غیر از خدا کدام معبود است که برای شما شبی را آورد که در آن آرام گیرید؟ پس آیا (حقایق را) نمی‌بینید؟! « (72)
و از رحمت اوست که برای شما شب و روز قرار داد، تا در آن (شب) آرام گیرید، و تا (در روز) از بخشش او (بهره) جویید؛ و تا شاید شما سپاسگزاری کنید. (73)
و (یادکن) روزی را که (خدا) آنان را ندا می‌دهد و می‌گوید:» کجایند شریکان من (همان) کسانی که همواره (شما آنان را شریکان خدا) می‌پنداشتید؟! « (74)
ترجمه قرآن، ص: 394
و (در رستاخیز) از هر امّتی، گواهی بر می‌گیریم و (به مشرکان) می‌گوییم:» دلیل روشنتان را بیاورید! «و بدانند که حق از آنِ خداست. و آنچه را همواره (بر خدا شریک) می‌بستند از (نظر) ایشان گم شد. (75)
در واقع قارون از قوم موسی بود، و بر آنان ستم کرد؛ از گنج‌ها به او آنچنان دادیم که واقعاً (حملِ) خزینه‌های او بر گروه پیوسته نیرومندی سنگین بود! (یادکن) هنگامی را که قومش به او گفتند:» شادمان مشو، [چرا] که خدا شادمانانِ (سرمست) را دوست ندارد! « (76)
و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بجوی، و سهم خود را از دنیا فراموش مکن؛ و همان گونه که خدا به تو نیکی کرده (به مردم) نیکی کن؛ و در زمین فساد مجوی؛ [چرا] که خدا فسادگران را دوست ندارد. « (77)
(قارون) گفت:» آن (ثروت) فقط براساس دانشی که نزد من است به من داده شده است! «و آیا نمی‌دانست که خدا پیش از او از گروه‌ها کسی را هلاک کرد که وی از او نیرومندتر و [مال اندوزتر بود؟! و (هنگام عذاب این) خلافکاران از پیامدهای (گناهان) شان پرسیده نمی‌شوند. (78)

و (قارون) با زیورش بر قومش بیرون آمد، کسانی که خواهان زندگی پست (دنیا) بودند گفتند:» ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده است برای ما بود! که مسلماً او دارای بهره بزرگی است! « (79)
و کسانی که به آنان علم داده شده بود، گفتند:» وای بر شما! برای کسانی که ایمان آوردند و [کار] شایسته انجام دادند پاداش خدا بهتر است؛ و [لی آن را جز شکیبایان دریافت کننده نیستند. « (80)
و او و خانه‌اش را در زمین فرو بردیم؛ پس برای او هیچ دسته‌ای غیر از خدا نبود که وی را یاری کنند، و از یاری کنندگان (و دفاع کنندگان از خویش هم) نبود. (81)
ترجمه قرآن، ص: 395
و کسانی که دیروز آرزو می کردند به جای او باشند، بامداد گفتند:» وای! چنانکه گویی خدا روزی را برای هر کس از بندگانش که بخواهد (و شایسته بداند) گسترده سازد و تنگ می‌گرداند. اگر منّت خدا بر ما نبود، حتماً ما را (در زمین) فرومی‌برد. وای! چنانکه گویی کافران رستگار نخواهند شد. « (82)
آن سرای آخرت است که آن را برای کسانی قرار می‌دهیم که هیچ برتری و فسادی در زمین نمی‌خواهند؛ و فرجام (نیک) برای پارسایان (خودنگهدار) است. (83)
هر کس (کار) نیکی آورد، پس برایش (پاداشی) بهتر از آن است؛ و هر کس (کار) بدی بیاورد، پس کسانی که بدی‌ها را انجام داده‌اند، جز (مطابق) آنچه همواره انجام می‌دادند، کیفر داده نمی‌شوند. (84)
قطعاً کسی که قرآن را بر تو واجب کرد، تو را به سوی بازگشتگاه (مکه) باز می‌گرداند. بگو:» پروردگار من داناتر است به کسی که هدایت آورده و به کسی که وی در گمراهی آشکار است. « (85)
و هرگز امید نداشتی که کتاب (قرآن) برتو القا شود، جز بخاطر رحتمی از جانب پروردگارت؛ پس هرگز پشتیبان کافران مباش. (86)
و البته نباید (کافران) تورا از آیات خدا بعد از آنکه به سوی تو فروفرستاده شد، باز دارند؛ و به سوی پروردگارت فراخوان، و هرگز از مشرکان مباش. (87)
و هیچ معبود دیگری را با خدا مخوان (و پرستش مکن،) هیچ معبودی جز او نیست؛ که همه چیز جز ذاتِ او هلاک شونده است؛ حکم تنها از آن اوست و فقط به سوی او بازگردانده می‌شوید. (88)
ترجمه قرآن، ص: 396

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز (0)
الف، لام، میم. (1)
آیا مردم پنداشتند، همین که بگویند:» ایمان آوردیم. «رها می‌شوند در حالی که آنان آزمایش نمی‌شوند؟! (2)
و بیقین کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم، و حتماً خدا کسانی را که راست گفته‌اند معلوم می‌دارد (و شناخته می‌شوند،) و البتّه دروغگویان را (نیز) معلوم می‌دارد. (3)
بلکه آیا کسانی که [کارهای بد را انجام می‌دهند پنداشتند که بر ما پیشی می‌گیرند؟! چه بد داوری می کنند!
هر کس به ملاقات خدا همواره امید دارد، پس (آماده شود، چرا) که سرآمد (معین شده از طرف) خدا آمدنی است. و او شنوا [و] داناست. (5)
و هر کس کوشش کند، پس تنها برای خودش کوشش کرده است؛ [چرا] که مسلماً خدا از جهانیان بی نیاز است. (6)
و کسانی که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام دادند، قطعاً بدی‌هایشان را از آنان می‌زداییم. و مسلماً آنان را بر طبق بهترین چیزی که همواره انجام می‌دادند، پاداش می‌دهیم. (7)
و به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند؛ و اگر آن دو تلاش کنند برای اینکه [تو] چیزی را که بدان هیچ دانشی نداری، همتای من قراردهی، پس از آن دو اطاعت مکن. بازگشت شما فقط به سوی من است؛ و شما را به آنچه همواره انجام می‌دادید خبر می‌دهم. (8)
و کسانی که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام دادند، قطعاً آنان را در [زمره شایستگان وارد خواهیم کرد. (9)
و برخی از مردم کسانی هستند که می‌گویند:» به خدا ایمان آورده‌ایم. «و [لی هنگامی که در [راه خدا آزار می‌شوند، فتنه [گری مردم را همچون عذاب الهی قرار می‌دهند؛ و اگر از سوی پروردگارت یاری (و پیروزی) فرارسد، حتماً می‌گویند:» البته ما با شما بودیم. «و آیا خدا به آنچه در سینه‌های جهانیان است داناتر نیست؟! (10)
ترجمه قرآن، ص: 397
و مسلماً خدا کسانی را که ایمان آوردند معلوم می‌دارد (و می‌شناسد)؛ و حتماً منافقان را (نیز) معلوم می‌دارد. (11)
و کسانی که کفر ورزیدند به کسانی که ایمان آوردند، گفتند:» از راه ما پیروی کنید، و باید خطاهای شما را بر دوش کشیم. «و [لی آنان هیچ چیزی

از خطاهایشان را بر دوش نخواهند گرفت؛ [چرا] که آنان مسلماً دروغگو هستند. (12)
و قطعاً بار سنگین (گناهان) شان را، و بار سنگین (گناهان دیگران) را، با بار سنگین (گناهان) شان بر دوش می‌کشند. و مسلماً روز رستاخیز از آنچه همواره (بر خدا به دروغ) می بستند، بازپرسی خواهند شد. (13)
و بیقین نوح را به سوی قومش فرستادیم؛ و در [میان آنان هزار سال جز پنجاه سال، درنگ کرد؛ و (سرانجام) سیلاب آنان را فراگرفت در حالی که آنان ستمکار بودند. (14)
و او و همراهان کشتی را نجات دادیم؛ و آن را نشانه‌ای (عبرت آموز) برای جهانیان قرار دادیم. (15)
و (یادکن) ابراهیم را هنگامی که به قومش گفت:» خدا را پرستش کنید و [خودتان را] از [عذاب او حفظ کنید که این برای شما بهتر است اگر بدانید. (16)
(شما) تنها بتانی (سنگی) را که غیر از خدا هستند، می‌پرستید و فقط دروغی بزرگ می‌سازید؛ در واقع کسانی را که جز خدا پرستش می‌کنید، برای شما مالک هیچ» روزی «نیستند؛ پس» روزی «را نزد خدا بجویید و وی را پرستش کنید و اورا سپاس گویید، که فقط به سوی او بازگردانده می‌شوید. (17)
و اگر (مرا) تکذیب کنید پس بتحقیق امت‌های پیش از شما (نیز پیامبران را) تکذیب کردند؛ و بر فرستاده [خدا وظیفه ای جز رساندن [پیام روشنگرو] آشکار نیست. « (18)
ترجمه قرآن، ص: 398
و آیا اطلاع نیافته‌اند که خدا چگونه آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را بازمی‌گرداند؟! [چرا] که آن (کار) بر خدا آسان است. (19)
بگو:» در زمین گردش کنید و بنگرید که چگونه (خدا) آفرینش را آغاز کرد؟ سپس خدا پدیده آخرت را پدید می آورد؛ [چرا] که خدا بر هر چیزی تواناست. (20)
هر کس را بخواهد (و مستحق بداند) مجازات می‌کند، و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) رحم می‌کند؛ و فقط به سوی او بازگردانده می‌شوید. (21)
و شما عاجز کننده (خدا) در زمین و در آسمان نیستید، و جز خدا، هیچ سرپرست و یاوری برای شما نیست. « (22)
و کسانی که نشانه‌های خدا و ملاقات او را منکر شدند، آنان از رحمت من ناامیدند؛ و آنان برای شان عذاب دردناکی است! (23)
و [لی پاسخ قوم او [ابراهیم جز این نبود که گفتند:» او را بکشید یا وی را بسوزانید! «و خدا اورا از آتش نجات داد؛ قطعاً در آن (ماجرا) نشانه‌هایی

است برای گروهی که ایمان می‌آورند. (24)
(ابراهیم) گفت:» شما تنها بتانی (سنگی) را که غیر از خدا هستند، (به پرستش) گرفته‌اید تا مایه دوستی بین شما در زندگی پست (دنیا) باشد؛ سپس روز رستاخیز برخی از شما برخی [دیگر] را انکار می‌کند و برخی از شما برخی [دیگر] را لعنت می‌کند؛ و مقصد شما آتش است و هیچ یاوری برای شما نخواهد بود! « (25)
و لوط به او [ابراهیم ایمان آورد، و گفت:» در واقع من هجرت کننده به سوی پروردگارم هستم، که تنها او شکست نا پذیر [و] فرزانه است. « (26)
و اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم، و نبوّت و کتاب [الهی را در نسلش قرار دادیم، و در دنیا پاداشش را به وی دادیم، و قطعاً او در آخرت از شایستگان است. (27)
ترجمه قرآن، ص: 399
و (یادکن) لوط را هنگامی که به قومش گفت:» قطعاً شما [عمل زشت (ی) را مرتکب می‌شوید، که هیچ یک از جهانیان در آن (کار) بر شما پیشی نگرفته است! (28)
آیا واقعاً شما به سراغ مردان می‌روید و راه (تداوم نسل انسان) را قطع می‌کنید و در محفل‌تان [کار] ناپسند انجام می‌دهید؟! «و پاسخ قومش جز این نبود که گفتند:» اگر از راستگویانی عذاب خدا را برای ما بیاور! « (29)
(لوط) گفت:» پروردگارا! مرا بر گروه فسادگر پیروزگردان. « (30)
و هنگامی که فرستادگان ما برای ابراهیم مژده آوردند، گفتند:» در واقع ما مردم این آبادی (لوط) را هلاک می‌کنیم، [چرا] که مردمش ستمکار هستند. « (31)
(ابراهیم) گفت:» در حقیقت لوط در این (آبادی) است! « (فرشتگان) گفتند:» ما به کسانی که در آن (جا) هستند داناتریم؛ قطعاً او و خاندانش را نجات می‌دهیم؛ جز زنش که از بازماندگان (در آبادی) بود. « (32)
و هنگامی که فرستادگان ما به سوی لوط آمدند، بخاطر (آمدن) آنان ناراحت شد و به جهت آنان دستِ (قدرتش از حمایت کوتاه گشت و دل) تنگ شد و (فرشتگان) گفتند:» مترس و اندوهگین مباش [چرا] که ما تو و خاندانت را نجات می‌دهیم، جز زنت که از بازماندگان (در آبادی) است. (33)
در حقیقت ما بر مردم این آبادی بخاطر آنکه همواره نافرمانی می‌کردند، (عذابی) اضطراب‌آور از آسمان فرو می‌فرستیم. « (34)
ترجمه قرآن، ص: 400

و بیقین از این (آبادی) نشانه (عبرت آموزِ) روشنی، برای گروهی که خرد ورزی می‌کنند، برجای گذاشتیم. (35)
و به سوی (مردم)» مَدْیَن «، برادرشان شُعیب را (فرستادیم)؛ و گفت:» ای قوم [من ! خدا را پرستش کنید، و به روز باز پسین امیدوار باشید، و در زمین تبهکارانه فساد مَکنید. « (36)
پس او را تکذیب کردند، و (در نتیجه) زلزله آنان را فرو گرفت؛ و در خانه‌هایشان از پای در آمدند. (37)
و (قوم)» عاد «و» ثَمُود «را (نیز هلاک کردیم)، و بیقین (این) از خانه‌های (ویران شده) آنان برای شما آشکار شده است؛ و شیطان کارهایشان را برای آنان آراست، و آنان را از راه (خدا) بازداشت در حالی که آنان بینا بودند. (38)
و» قارون «و» فرعون «و» هامان «را (نیز هلاک کردیم)؛ و بیقین موسی با دلیل‌های روشن (معجزه‌آسا) به سراغشان آمد، و در زمین تکبّر ورزیدند، و [لی پیشی گیرنده (بر ما) نبودند. (39)
و هر کدام [از آنان را بخاطر پیامد (گناه) ش گرفتار (عذاب) کردیم. پس از آنان کسی بود که بر او طوفان شن فرستادیم، و از آنان کسی بود که بانگ (مرگبار) او را فروگرفت، و از آنان کسی بود که اورا در زمین فرو بردیم، و از آنان کسی بود که غرق کردیم؛ و خدا هرگز به آنان ستم نکرد و لیکن همواره بر خودشان ستم می‌کردند. (40)
مثال کسانی که غیر از خدا سرپرستانی گزیده‌اند، همچون مثال عنکبوت است که خانه‌ای برگزیده، در حالی که قطعاً سست‌ترین خانه‌ها خانه عنکبوت است اگر (بر فرض) می‌دانستند. (41)
در حقیقت خدا آن چیزی را که غیر از او می‌خوانند (و می پرستند) می‌داند؛ و او شکست ناپذیر [و] فرزانه است. (42)
ترجمه قرآن، ص: 401
و آن مثال‌هایی است که آنها را برای مردم می‌زنیم، و جز دانایان آنها را درک نمی‌کنند. (43)
خدا، آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید؛ قطعاً در آن نشانه‌ای (آموزنده) برای مؤمنان است. (44)
آنچه از کتاب (قرآن) به سوی تو وحی شده بخوان [و پیروی کن،] و نماز را برپا دار؛ [چرا] که نماز از [کارهای زشت و ناپسند باز می‌دارد، و البتّه یاد خدا بزرگ‌تر است؛ و خدا آنچه را با زیرکی انجام می‌دهید می‌داند. (45)
و با اهل کتاب جز به آن (شیوه‌ای) که آن نیکوتر است مناظره نکنید؛ مگر با کسانی از آنان که ستم کرده‌اند؛ و بگویید:» به آنچه به سوی ما فرو فرستاده شده و به سوی شما فرود آمده، ایمان آورده‌ایم، و معبود ما و معبود شما یگانه است، و ما تنها فرمانبردار او هستیم. « (46)

و این گونه، کتاب (قرآن) را به سوی تو فرو فرستادیم، و کسانی که کتاب (الهی) به آنان داده‌ایم بدان ایمان می‌آورند؛ و برخی از آن (مشرک) ان کسانی هستند که بدان ایمان می‌آورند؛ و آیات ما را جز کافران انکار نمی‌کنند. (47)
و پیش از این (قرآن) هیچ کتابی نمی‌خواندی [و پیروی نمی‌کردی و با دست راستت آن را نمی‌نوشتی؛ در صورتی که (اگر می خواندی و می نوشتی) حتماً باطل گرایان شک می‌کردند. (48)
بلکه آن (قرآن) آیات روشنی است که در سینه‌های کسانی است که به آنان دانش داده شده است؛ و آیات ما را جز ستمکاران انکار نمی‌کنند. (49)
ترجمه قرآن، ص: 402
و گفتند:» چرا نشانه های (اعجاز آمیز) از سوی پروردگارش بر او فروفرستاده نشده؟! «بگو:» نشانه‌های (اعجاز آمیز) تنها نزد خداست؛ و من فقط هشدارگری روشنگرم. « (50)
و آیا برای آنان کافی نبوده که ما کتاب (قرآن) را بر تو فروفرستادیم در حالی که بر آنان خوانده می‌شود؟! قطعاً در این، رحمت و یادمانی است برای گروهی که ایمان می آورند. (51)
بگو:» گواهی خدا بین من و بین شما کافی است؛ در حالی که آنچه را در آسمان‌ها و زمین است می‌داند؛ و کسانی که به باطل ایمان آورده و به خدا کفر ورزیدند، تنها آنان زیانکارند. (52)
و از توی می‌خواهند که در عذاب شتاب ورزی؛ و اگر سرآمد معیّنی نبود، حتماً عذاب به سراغ آنان می‌آمد؛ و قطعاً (عذاب) بطور ناگهانی به سراغشان می‌آید، در حالی که آنان (با درک حسّی) متوجه نمی‌شوند. (53)
و از تو می‌خواهند که در عذاب شتاب ورزی، و قطعاً جهنّم بر کافران احاطه دارد! (54)
در روزی که عذاب (الهی) آنان را از بالای (سر) شان و از زیر پاهایشان می‌پوشاند! و (خدا به آنان) می‌گوید:» بچشید آنچه را که (شما) همواره انجام می‌دادید! « (55)
ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! در واقع زمین من وسیع است، پس تنها مرا بپرستید. (56)
ترجمه قرآن، ص: 403
هر شخصی چشنده مرگ است؛ سپس فقط به سوی ما بازگردانده می‌شوید. (57)
و کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، حتماً آنان را در جایگاه‌های (بلندی) از بهشت جای می‌دهیم، که نهرها از زیر [درختان ش روان است، در حالی که در آنجا ماندگارند؛ پاداش اهل عمل چه نیکوست!

(58)
(همان) کسانی که شکیبایی کردند و تنها بر پروردگارشان توکّل می‌کنند. (59)
و چه بسیار جنبنده‌ای که» روزی «خود را حمل نمی کند، خدا آنها و شما را» روزی «می‌دهد؛ و او شنوا [و] داناست. (60)
و اگر از آن (مشرک) ان بپرسی:» چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده، و (منافع) خورشید و ماه را مُسخَّر کرده است؟ «حتماً می‌گویند:» خدا «پس چگونه (از حق) بازگردانده می‌شوند؟! (61)
خدا» روزی «را برای هر کس از بندگانش که بخواهد (و شایسته بداند) گسترده می‌سازد و (یا) برایش تنگ می‌گرداند؛ [چرا] که خدا به هر چیزی داناست. (62)
و اگر از آن (مشرک) ان بپرسی:» چه کسی از آسمان آبی فروفرستاد و با آن زمین را، پس از مردنش زنده نمود؟ حتماً می‌گویند:» خدا «بگو:» ستایش مخصوص خداست. «بلکه بیشترشان خرد ورزی نمی کنند. (63)
این زندگی پست (دنیا) جز سرگرمی و بازی نیست؛ و قطعاً سرای آخرت فقط زندگی (حقیقی) است، اگر (بر فرض) می‌دانستند. (64)
و هنگامی که بر کشتی سوار شوند خدا را در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانیده‌اند می‌خوانند؛ و هنگامی که آنان را به سوی خشکی نجات دهد، بناگاه آنان شرک می ورزند. (65)
تا آنچه را به آنان داده‌ایم ناسپاسی کنند، و تا (چند روزی از دنیا) بهره‌گیرند؛ و [لی در آینده خواهند دانست! (66)
و آیا نظر نکرده‌اند که ما (مکه را) حرم امنی قرار دادیم در حالی که مردم از اطرافشان ربوده می‌شدند؟! پس آیا به باطل ایمان می آورند و نعمت خدا را انکار می‌کنند؟! (67)
ترجمه قرآن، ص: 404
و چه کسی ستمکارتر است از کسی که بر خدا دروغ بسته یا حق را هنگامی که به سراغش آمد دروغ انگاشته است؟! آیا در جهنّم جایگاهی برای کافران نیست؟! (68)
و کسانی که در (راهِ) ما تلاش کنند، قطعاً به راه‌های خود، رهنمونشان خواهیم کرد؛ و مسلماً خدا با نیکوکاران است. (69)

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
الف، لام، میم. (1)
(سپاه) روم در نزدیک‌ترین سرزمین شکست خورد؛ (2)
و [لی آنان بعد از شکستشان در [ظرف چند سال بزودی پیروز خواهند شد. (3)
کار [ها] قبل از (آن شکست)، و بعد از (این پیروزی)، فقط از آن خداست؛ و در آن روز مؤمنان از یاری الهی (و پیروزی دیگری) شاد می‌شوند.
(خدا) هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) یاری می‌رساند؛ و او شکست ناپذیر [و] مهرورز است. (5)
(این) وعده خداست؛ خدا از وعده‌اش تخلّف نمی‌ورزد؛ و لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند. (6)
(زیرا آنان) ظاهری از زندگی پست (دنیا) را می‌دانند، در حالی که آنان خود از آخرت غافلند. (7)
و آیا در (درون) خودشان فکر نکرده‌اند، که خدا، آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن دو است را جز به حق و سرآمدی معیّن نیافریده است؟! و [لی قطعاً بسیاری از مردم ملاقات پروردگارشان را منکرند. (8)
و آیا در زمین گردش نکردند تا بنگرند، چگونه بوده است فرجام کسانی که پیش از آنان بودند؟ که از آنان نیرومندتر بودند، و زمین را شخم زدند و بیشتر از آنچه (اینان) آبادش کردند، آن را آباد ساختند، و فرستادگانشان دلیل‌های روشن (معجزه آسا) برای آنان آوردند، (ولی ایمان نیاوردند و عذاب شدند)؛ و خدا هرگز به آنان ستم نکرد و لیکن همواره بر خودشان ستم می‌کردند. (9)
ترجمه قرآن، ص: 405
سپس فرجام کسانی که [کارهای بدانجام دادند، بدتر شد، (چرا) که آیات خدا را دروغ انگاشتند و همواره آنها را ریشخند می‌کردند. (10)
خدا آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را باز می‌گرداند، سپس فقط به سوی او بازگردانده می‌شوید. (11)
و روزی که ساعت (قیامت) برپا می‌شود، خلافکاران از نا امیدی اندوهگین می‌شوند. (12)
و از شریکانشان (بت ها) شفاعتگرانی برای آنان نیست، و (مشرکان) شریکانشان را منکرند. (13)
و روزی که ساعت (قیامت) برپا می‌شود، در آن روز (مردم) پراکنده می‌شوند. (14)

و امّا کسانی که ایمان آوردند و (کارهای) شایسته انجام دادند، پس آنان در بوستانی (بهشتی) سرخوشند. (15)
و امّا کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما و ملاقات آخرت را دروغ انگاشتند، پس آنان احضار شدگان در عذابند. (16)
و خدا منزّه است هنگامی که به شب در آیید، و هنگامی که به بامداد در آیید. (17)
و ستایش در آسمان‌ها و زمین مخصوص اوست، و (منزّه است) عصرگاهان و هنگامی که به نیمروز در آیید. (18)
زنده را از مرده بیرون می‌آورد، و مرده را از زنده بیرون می‌آورد، و زمین را پس از مردنش زنده می‌گرداند؛ و اینگونه (از گورها) بیرون آورده می‌شوید. (19)
ترجمه قرآن، ص: 406
و از نشانه‌های او، این است که شما را از خاک آفرید، سپس بناگاه شما بشری شدید که گسترش می‌یابید. (20)
و از نشانه‌های او این است که همسرانی از (جنس) خودتان برای شما آفرید، تا بدان‌ها آرامش یابید، و در بین شما دوستی و رحمت قرارداد؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکّر می‌کنند. (21)
و از نشانه‌های او آفرینش آسمان‌ها و زمین، و تفاوت زبان‌هایتان و رنگ‌های شماست؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌هایی برای دانایان است. (22)
و از نشانه‌های او خواب شما در شب و روز است؛ و جستجوی (معاش) شما از بخشش اوست؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که گوش شنوا دارند. (23)
و از نشانه‌های او، این است که برق را برای ترس و امید به شما می‌نمایاند، و از آسمان آبی فرو می‌فرستد، و زمین را پس از مردنش بوسیله آن زنده می‌گرداند؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که خردورزی می کنند. (24)
و از نشانه‌های او این است که آسمان و زمین به فرمانش برپاست؛ سپس هنگامی که شما را با یک بار خواندن، از زمین فراخواند، ناگهان شما (از گورها) بیرون می‌آیید. (25)
و هر که در آسمان ها و زمین است فقط از آن اوست؛ [و] همه برای او [فروتن و] فرمان پذیرند. (26)
و او کسی است که آفرینش را آغاز می کند، سپس آن را باز می‌گرداند، و آن بر او آسان‌تر است؛ و مثال والاتر در آسمان‌ها و زمین فقط از آن اوست؛ و او شکست‌ناپذیر فرزانه است. (27)
(خدا) مَثَلی از خودتان، برای شما زد: آیا در آنچه به شما» روزی «داده‌ایم، از آنچه (از بردگان) که شما مالک شده‌اید، هیچ شریکی برای شما وجود

دارد که شما در آن (روزی) یکسان باشید؛ [و] همانطور که شما از خودتان ترس دارید از آنان ترس داشته باشید؟! اینگونه آیات را برای گروهی که خردورزی می‌کنند شرح می‌دهیم. (28)
ترجمه قرآن، ص: 407
بلکه کسانی که ستم کردند بدون هیچ دانشی از هوس‌هایشان پیروی کردند. و کسی را که خدا گمراه کرده است، چه کسی هدایت می‌کند؟! و هیچ یاوری برای شان نیست. (29)
پس روی (وجود) خود را به دین حق گرایانه راست دار، (و پیروی کن از) سرشت الهی که (خدا) مردم را بر (اساس) آن آفریده، که هیچ تغییری در آفرینش الهی نیست؛ این دین استوار است، و لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند. (30)
در حالی که به سوی او بازگشت می‌کنید. و [خود را] از [عذاب او حفظ کنید، و نماز را برپا دارید و از مشرکان نباشید؛ (31)
از (همان) کسانی که دینشان را پراکنده ساختند و گروه گروه گردیدند، هر حزبی به آنچه نزد آنهاست شادمانند. (32)
و هنگامی که زیان (و رنج) ی به مردم برسد، پروردگارشان را می‌خوانند در حالی که به سوی او باز می‌گردند، سپس هنگامی که رحمتی از خود به آنان بچشاند، بناگاه دسته‌ای از آنان به پروردگارشان شرک می ورزند. (33)
تا آنچه را به آنان داده‌ایم، ناسپاسی کنند! پس (چند روزی از دنیا) بهره گیرید، و [لی در آینده خواهید دانست. (34)
بلکه آیا دلیلی برآنان فرو فرستادیم و آن (دلیل)، از آنچه همواره بوسیله آن شرک می‌ورزیدند، سخن می‌گوید؟! (35)
و هنگامی که رحمتی به مردم بچشانیم، بدان شادمان می‌شوند؛ و اگر بخاطر دستاورد پیشین‌شان بدی به آنان برسد، ناگهان آنان ناامید می‌شوند. (36)
ترجمه قرآن، ص: 408
و آیا اطلاع نیافته‌اند که خدا» روزی «را برای هر کس بخواهد (و شایسته بداند) گسترده سازد، و تنگ گرداند؟! قطعاً در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که ایمان می‌آورند. (37)
پس حقِ نزدیکان و بینوا و در راه مانده را به او بده؛ آن برای کسانی که (خشنودی) ذات خدا را می خواهند بهتر است؛ و تنها آنان رستگارانند. (38)
و آنچه از ربا می‌دهید تا در اموال مردم افزون شود، پس نزد خدا فزونی نمی‌یابد؛ و آنچه از [مالیات زکات می‌پردازید در حالی که (خشنودی) ذات خدا را می‌خواهید، پس تنها آنان (بدان) افزون یافتگانند. (39)
خدا کسی است که شما را آفرید، سپس شما را» روزی «داد، سپس شما

را می‌میراند، سپس شما را زنده می‌کند؛ آیا از شریکان شما (که برای خدا همتا قرار داده‌اید) کسی هست که از این (کارها) چیزی را انجام دهد؟! او منزّه و برتر است از آنچه شریک (او) قرار می‌دهند. (40)
بخاطر دستاورد مردم، تباهی در خشکی و دریا آشکار شد؛ تا (سزای) بعضی از آنچه انجام داده‌اند را به آنان بچشاند! باشد که آنان بازگردند. (41)
بگو:» در زمین گردش کنید و بنگرید فرجام کسانی که پیش از [شما] بودند چگونه بوده است! بیشتر آنان مشرک بودند. « (42)
پس روی (وجود) خود را به سوی دین استوار راست دار؛ پیش از آنکه روزی فرا رسد که از [جانب خدا هیچ بازگشتی برای آن نیست؛ در آن روز (مردم) متفرّق می‌شوند. (43)
هر کس کفر ورزد، کفرش بر [زیان اوست؛ و کسانی که [کار] شایسته انجام دهند، پس به [سود] خودشان (فرجام نیکی) آماده می‌سازند. (44)
تا (خدا) کسانی را که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام داده‌اند، از بخشش خود پاداش دهد؛ [چرا] که او کافران را دوست نمی‌دارد. (45)
ترجمه قرآن، ص: 409
و از نشانه‌های او این است که: بادها را مژده رسان می‌فرستد و تا شما را از (باران) رحمتش بچشاند، و تا کشتی‌ها به فرمانش روان شوند، و تا از بخشش او (روزی) بجویید؛ و باشد که شما سپاسگزاری کنید. (46)
و بیقین پیش از تو فرستادگانی را به سوی قومشان فرستادیم و با دلیل‌های روشن به سراغ آنان آمدند. و از کسانی که خلافکاری کردند انتقام گرفتیم؛ و یاری مؤمنان، حقّی بر عهده ماست. (47)
خدا کسی است که بادها را می فرستد و ابری را بر می‌انگیزند، و آن را در آسمان، هر گونه که بخواهد، می‌گستراند و آن را قطعه قطعه می‌گرداند، پس باران را می‌بینی در حالی که از لا بلای آن خارج می‌شود؛ و هنگامی که آن (باران) را به هر کس از بندگانش که بخواهد، برساند، ناگهان آنان شادی می‌کنند (و مژده می‌دهند)! (48)
و مسلماً پیش از آنکه برآنان فروفرستاده شود (دقیقاً تا) پیش از آن مأیوس بودند. (49)
پس به آثار رحمت الهی بنگر که چگونه زمین را بعد از مردنش زنده می‌کند؛ قطعاً آن (خدا) زنده کننده مردگان است و او بر هر چیزی تواناست. (50)
و اگر بادی (سوزان) بفرستیم و آن را زرد شده ببینند، حتماً بعد از آن ناسپاس می‌گردند. (51)
پس در حقیقت تو ن (می‌توانی سخن را) به گوش مردگان برسانی، و ن (می‌توانی) صدایت را به گوش ناشنوایان برسانی، هنگامی که پشت کرده

روی برمی‌تابند. (52)
و تو راهنمای کور (دل) ان از گمراهی‌شان نیستی، (تو سخنت را) نمی‌شنوانی جز به کسانی که به نشانه‌های ما ایمان می‌آورند؛ چرا که آنان تسلیم شده اند. (53)
خدا کسی است که شما را از کم‌توانی آفرید؛ سپس بعد از کم‌توانی، نیرویی قرارداد، آنگاه بعد از نیرو (مندی) کم‌توانی و پیری قرارداد؛ (خدا) آنچه را بخواهد می آفریند، و او دانا [و] تواناست. (54)
ترجمه قرآن، ص: 410
و روزی که ساعت (قیامت) برپا می‌شود، خلافکاران سوگند یاد می‌کنند که: غیر از ساعتی (در دنیا یا برزخ) درنگ نکردند! اینچنین همواره (از درک حقیقت) باز گردانده می‌شوند. (55)
و [لی کسانی که دانش و ایمان به آنان داده شده است؛ می‌گویند:» بیقین (براساس آنچه) در کتاب (علم) خداست تا روز رستاخیز درنگ کردید، و این، روز رستاخیز است و لیکن شما هرگز نمی‌دانستید. « (56)
و در آن روز کسانی که ستمکاری کردند عذرخواهی آنان سودی ندارد و از آنان تقاضای عذرخواهی نمی‌شود (تا مورد رضایت قرارگیرند). (57)
و بیقین برای مردم در این قرآن از هر (گونه) مثالی زدیم، و اگر آیه‌ای برای آنان بیاوری، قطعاً کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند:» شما جز باطل گرا نیستید. « (58)
این گونه خدا بر دل‌های کسانی که نمی‌دانند، مهر می‌نهد. (59)
پس شکیبا باش که وعده خدا حق است؛ و هرگز کسانی که یقین ندارند تورا (بی‌ثبات و) سبکسار نسازند. (60)
ترجمه قرآن، ص: 411

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
الف، لام، میم. (1)
آن آیات کتاب حکمت‌آمیز است. (2)
در حالی که رهنمود و رحمتی برای نیکوکاران است؛ (3)
(همان) کسانی که نماز را برپا می‌دارند، و [مالیات زکات را می‌پردازند و
آنان خود به آخرت یقین دارند. (4)
آنان از راهنمایی پروردگارشان برخوردارند، و تنها آنان رستگارند. (5)
و از مردم کسی است که سخن سرگرم‌کننده (و بیهوده) را می‌خرد، تا
بدون هیچ دانشی (مردم را) از راه خدا گمراه سازد و آن (آیات) را به
ریشخند گیرد؛ آنان، عذابی خوارکننده برایشان (آماده) است. (6)
و هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود، مستکبرانه روی برمی‌تابد،
گویا آن را نشنیده است؛ چنانکه گویی در گوش‌هایش سنگینی است؛ پس
اورا به عذاب دردناکی مژده ده! (7)
در حقیقت کسانی که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام‌داده‌اند،
بوستان‌های پرنعمت (بهشت) برای آنهاست؛ (8)
در حالی که در آنجا ماندگارند؛ [این وعده حق خداست؛ و او شکست‌ناپذیر
[و] فرزانه است. (9)
(خدا) آسمان‌ها را بدون ستون‌هایی که آنها را ببینید آفرید، و در زمین
[کوه‌های استواری افکند، [مبادا] که شما را بلرزاند، و از هر جنبنده‌ای در
آن پراکنده کرد؛ و از آسمان آبی فرو فرستادیم، و (انواع گیاهان) از هر
جفت ارجمندی در آن (زمین) رویاندیم. (10)
این آفرینش خداست؛ پس به من بنمایانید آن (معبود) ان که غیر اویند چه
چیزی را آفریده‌اند؟! بلکه ستمکاران در گمراهی آشکارند. (11)
و بیقین به لقمان فرزانگی دادیم؛ (به او گفتیم:) که سپاس خدا را به جای
آور؛ و هر کس سپاسگزاری کند، پس فقط به سود خودش سپاسگزاری
می‌کند؛ و هر کس ناسپاسی کند، پس (زیانی به خدا نمی‌رساند؛ چرا) که
خدا توانگری ستوده است. (12)
و (یادکن) هنگامی را که لقمان به پسرش- در حالی که وی پندش می‌داد-
گفت:» ای پسرکم! به خدا شرک مَورز؛ [چرا] که مسلماً شرک، ستمی
بزرگ است. « (13)
و به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم- مادرش به او باردارشد،
در حالی که سستی بر سستی (می‌افزود.) و از شیر بازگرفتنش در دو
سالگی بود- (و به او گفتیم:) که برای من و پدر و مادرت سپاس‌گوی! که

فرجام (همه شما) فقط به سوی من است. (14)
و اگر آن دو، تلاش کنند برای اینکه تو چیزی را که بدان هیچ دانشی نداری، همتای من قراردهی، پس از آن دو اطاعت مکن؛ و [لی در دنیا با آن دو بطور پسندیده همنشینی کن؛ و از راه کسی که به سوی من بازگشته، پیروی کن. سپس بازگشت شما فقط به سوی من است و شما را به آنچه همواره انجام می‌دادید، خبر می‌دهم. (15)
ترجمه قرآن، ص: 412
(لقمان گفت:) ای پسرکم! در حقیقت اگر آن (کردارتو) هموزن دانه‌ای از سپندان باشد، و در صخره‌ای یا در آسمان‌ها یا در زمین قرار گیرد، خدا آن را (برای حساب) می آورد؛ [چرا] که خدا لطیفِ آگاه است. (16)
ای پسرکم! نماز را برپا دار، و به [کار] پسندیده فرمان‌ده و از [کار] ناپسند منع‌کن؛ و در برابر آنچه (از مشکلات) که به تو می‌رسد، شکیبا باش؛ که این [حاکی از تصمیم استوار (شما در) کارهاست. (17)
و از مردم (با تکبّر) رخ برمَتاب؛ و در زمین با سرمستی و تکبّر راه مرو، [چرا] که خدا هیچ متکبّر خیال پردازِ فخر فروشی را دوست ندارد! (18)
و در راه رفتنت، مُعتدل باش؛ و صدایت را فروکاه؛ [چرا] که مسلماً ناپسندترین صداها، صدای الاغ‌هاست! (19)
آیا نظر نکرده‌اید، که خدا (منافع) آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است مسخّر شما ساخت، و نعمت‌هایش را آشکارا و پنهانی بر شما گسترده و تمام کرد؟! و [لی از میان مردم کسی است که بدون هیچ دانش و هیچ رهنمود و هیچ کتاب روشنی بخش، در باره خدا مجادله می‌کند. (20)
و هنگامی که به آنان گفته شود:» آنچه را خدا فروفرستاده است، پیروی کنید. «می‌گویند:» بلکه آنچه پدرانمان را برآن یافته‌ایم پیروی می کنیم. «و آیا (آنان را پیروی می‌کنند) اگر چه شیطان آنان را همواره به عذاب شعله فروزان (آتش) فراخواند؟! (21)
و کسی که چهره [وجود] ش را تسلیم خدا کند در حالی که او نیکوکارست، پس قطعاً به دستاویزی استوار تمسّک جسته است؛ و فرجام همه کارها فقط به سوی خداست. (22)
و کسی که کفر ورزد، پس کفر او، تو را اندوهگین نسازد؛ (زیرا) بازگشتشان تنها به سوی ماست، و آنان را از آنچه انجام داده‌اند، خبر می‌دهیم؛ [چرا] که خدا به (اسرار) درون سینه‌ها داناست. (23)
ترجمه قرآن، ص: 413
اندکی آن [کافر] ان را (از دنیا) برخوردار می‌کنیم، سپس آنان را به سوی عذابی سخت می‌کشانیم! (24)
و اگر از آن [کافر] ان بپرسی:» چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفرید؟ «حتماً می‌گویند:» خدا «، بگو:» ستایش مخصوص خداست. «بلکه

بیشترشان نمی‌دانند. (25)
آنچه در آسمان‌ها و زمین است فقط از آنِ خداست؛ [چرا] که تنها خدا توانگر [و] ستوده است. (26)
و اگر (بر فرض) آنچه از درخت [ان در زمین است قلم‌ها شود، در حالی که دریا (مرکب شود و) بعد از آن هفت دریا به کمکش آید، (آفریده‌ها و) کلمات خدا پایان نمی‌یابد؛ براستی که خدا شکست ناپذیری فرزانه است. (27)
آفرینش شما و برانگیختن شما (در رستاخیز) جز همانند (آفرینش و برانگیختن) یک شخص نیست؛ که خدا شنوای بیناست. (28)
آیا نظر نکرده‌ای که خدا شب را در روز وارد می‌کند، و روز را در شب وارد می‌کند، و (منافع) خورشید و ماه را مسخّر ساخته، در حالی که هر کدام تا سرآمد معیّنی روانند؟! و اینکه خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است؟ (29)
این [ها] بخاطر آن است که تنها خدا حقّ است، و اینکه آنچه را جز او می‌خوانند (و پرستش می‌کنند،) باطل است، و اینکه تنها خدا بلند مرتبه [و] بزرگ است. (30)
آیا نظر نکرده‌ای که کشتی‌ها در دریا به (برکتِ) نعمت خدا روان است، تا برخی از نشانه‌هایش را به شما بنمایاند؟! حتماً در این [ها] برای هر بسیار شکیبای بسیار سپاسگزار، نشانه‌هایی (عبرت آموز) است. (31)
و هنگامی که (در دریا) موجی همچون سایبان‌ها آنان را بپوشاند، خدا را در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانیده‌اند، می‌خوانند؛ و هنگامی که آنان را به خشکی نجات دهد، پس برخی آنان معتدل می‌شوند (و برخی به کفرشان باز می‌گردند؛) و [لی نشانه‌های ما را جز هر نیرنگ‌بازِ پیمان شکنِ بسیار ناسپاس، انکار نمی‌کند. (32)
ترجمه قرآن، ص: 414
ای مردم! [خودتان را] از [عذاب پروردگارتان حفظ کنید، و از روزی بهراسید که هیچ پدری به جای فرزندش کیفر نمی‌شود، و هیچ فرزندی نیست که او به جای پدرش چیزی (از عذاب) کیفر شود! بیقین وعده خدا حقّ است؛ پس هرگز زندگی پست [دنیا] شما را نفریبد، و هرگز (شیطان) فریبکار شما را نسبت به (آمرزش) خدا فریب ندهد. (33)
در حقیقت خدا، علم به ساعت [قیامت فقط نزد اوست. و باران را فرو می‌فرستد، و آنچه را که در رحم‌ها (ی مادران) است می‌داند، و هیچ کس نمی‌داند فردا چه به دست می‌آورد، و هیچ کس نمی‌داند در چه سرزمینی می‌میرد؟ [چرا] که خدا دانای آگاه است. (34)
ترجمه قرآن، ص: 415

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
الف، لام، میم. (1)
فرو فرستادن کتاب (قرآن) که هیچ تردیدی در آن نیست، از [سوی پروردگار جهانیان است. (2)
آیا (مشرکان) می‌گویند:» (پیامبر) به دروغ آن را (به خدا) نسبت داده است. «بلکه آن (سخن) حقّ است در حالی که از سوی پروردگار توست؛ تا گروهی را هشدار دهی که پیش از تو هیچ هشدارگری برای آنان نیامده است، باشد که آنان رهنمون شوند. (3)
خدا، کسی است که آسمان‌ها و زمین و آنچه را بین آن دواست در شش روز [و دوره آفرید، سپس بر تخت (جهانداری و تدبیر هستی) تسلّط یافت؛ برای شما غیر از او هیچ سرپرست و شفاعتگری نیست؛ آیا (غافلید) و متذکّر نمی‌شوید؟! (4)
کارها را از آسمان تازمین تدبیر می کند؛ سپس در روزی که مقدار آن هزار سال است از آنچه شما می‌شمارید، به سوی او بالا می رود. (5)
آن (خدا) دانای نهان و آشکار است؛ [و] شکست ناپذیر مهرورز است. (6)
(همان) کسی که هر چیزی را که آن را آفرید، نیکوگردانید؛ و آفرینش انسان را از گِل آغاز کرد؛ (7)
سپس نسل اورا از چکیده‌ای از آبی پست قرارداد؛ (8)
سپس اورا مرتّب نمود و از روح خود در او دمید؛ و برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها (ی سوزان) قرارداد؛ چه اندک سپاسگزاری می‌کنید. (9)
و (کافران) گفتند:» آیا هنگامی که (ما مُردیم و) در زمین گم شدیم آیا براستی ما در آفرینش جدیدی خواهیم بود؟! «بلکه آنان ملاقات پروردگارشان را (در رستاخیز) منکرند. (10)
بگو:» فرشته مرگ که بر شما گماشته شده، (جان) شما را بطور کامل می‌گیرد؛ سپس فقط به سوی پروردگارتان باز گردانده می‌شوید. « (11)
و ای کاش خلافکاران را می‌دیدی هنگامی که آنان در پیشگاه پروردگارشان سرافکنده می‌شوند، (و می‌گویند:) ای پروردگار ما! دیدیم و شنیدیم؛ پس ما را بازگردان تا [کار] شایسته‌ای انجام دهیم؛ [چرا] که ما یقین پیدا کردیم. (12)
و اگر (بر فرض) می‌خواستیم حتماً به هر شخص رهنمودش را (به اجبار) می‌دادیم. و لیکن گفتار (سنّت گونه ای) از طرف من تحقق یافته که: قطعاً جهنّم را از همه جن‌ها و مردم پرخواهم کرد! (13)
پس (به دوزخیان می‌گویم: عذاب را) بچشید، به خاطر اینکه ملاقات این

روزتان را فراموش کردید، در حقیقت ما (نیز) شما را به فراموشی سپردیم؛ و بخاطر آنچه همواره انجام می‌دادید، عذاب ماندگار را بچشید! (14)

فقط کسانی به آیات ما ایمان می‌آورند که هر گاه بدان (آیات) یادآوری شدند، سجده کنان (بر زمین) می افتند، و با ستایش پرودگارشان تسبیح می‌گویند؛ در حالی که آنان تکبّر نمی‌ورزند. (15)

ترجمه قرآن، ص: 416

پهلوهایشان (برای نماز) از بسترها بلند می‌شود، در حالی که پروردگارشان را بخاطر ترس و امید می‌خوانند، و از آنچه که روزی آنان کرده‌ایم (در راه خدا) مصرف می‌کنند. (16)

پس هیچ شخصی نمی‌داند آنچه از (مایه) روشنی چشمان برای شان نهفته شده، به پاداش آنچه همواره انجام می‌دادند. (17)

و آیا کسی که مؤمن باشد همانند کسی است که نافرمانبردار است؟ مساوی نیستند. (18)

کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، پس بوستان‌های (بهشتی) منزلگاه برای آنان است، در حالی که (نخستین) پذیرایی است بخاطر آنچه همواره انجام می‌دادند. (19)

و امّا کسانی که نافرمانبردار شدند، پس مقصدشان آتش است؛ هر گاه بخواهند که از آن خارج شوند، در آن بازگردانده می‌شوند. و به آنان گفته می‌شود:» بچشید عذاب آتشی را که همواره آن را دروغ می انگاشتید! « (20)

و قطعاً غیر از عذاب بزرگ‌تر (اخروی)، از عذاب نزدیک‌تر (دنیوی) به آنان می چشانیم، باشد که آنان بازگردند. (21)

و چه کسی ستمکارتر است از کسی که نشانه‌های پروردگارش (به او) تذکّر داده شده، سپس از آن [ها] روی گرداند؟! مسلماً ما از خلافکاران انتقام گیرنده‌ایم. (22)

و بیقین به موسی کتاب (تورات) دادیم؛ و از ملاقاتش در تردید مباش، و آن را رهنمودی برای بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) قراردادیم. (23)

و از آنان پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) راهنمایی می‌کردند؛ چون که شکیبایی نمودند و همواره به آیات ما یقین داشتند. (24)

ترجمه قرآن، ص: 417

در حقیقت پروردگار تو، خود میان آنان روز رستاخیز درباره آنچه همواره در آن اختلاف می کردند (داوری کرده و) جدایی می اندازد. (25)

و آیا برای آنان روشن نکرد که چه بسیار گروه‌هایی را پیش از آنان هلاک کردیم؟! در حالی که (این کافران) در خانه‌های آنان راه می روند؛ مسلماً

در این [ها] نشانه‌ها (ی عبرت آموز) است. و آیا (به گوش دل) نمی‌شنوند؟! (26)
و آیا نظر نکرده‌اند که ما، آب (باران) را به سوی زمین بی‌آب و علف می‌رانیم و به وسیله آن زراعتی را بیرون می آوریم که دام‌هایشان و خودشان از آن می‌خورند، و آیا نمی بینند؟! (27)
و (کافران) می‌گویند:» اگر راست گویید، این پیروزی (شما) چه وقت است؟! « (28)
(ای پیامبر!) بگو:» در روز پیروزی، کسانی که کفر ورزیدند، ایمانشان سودی نخواهد داشت؛ و آنان مهلت داده نمی‌شوند. « (29)
پس، از آنان روی گردان، و منتظر باش؛ که آنان (نیز) منتظرند. (30)
ترجمه قرآن، ص: 418

به نام خدای گسترده‌مهر مهرورز
ای پیامبر! از (مخالفت) خدا خود نگهدار باش، و از کافران و منافقان اطاعت مکن که خدا دانای فرزانه است. (1)
و از آنچه از پروردگارت به سوی تو وحی می‌شود پیروی کن؛ که خدا به آنچه همواره انجام می‌دهید آگاه است. (2)
و بر خدا توکّل کن؛ و کارسازی خدا کافی است. (3)
خدا برای هیچ مردی دو دل در درونش قرار نداده است؛ و همسرانتان را که نسبت به آنان» ظِهار «می‌کنید (، و مادر خود می‌خوانید،) مادران شما قرار نداده؛ و پسر خواندگانتان را پسران (حقیقی) شما قرار نداده است؛ این، سخن شماست در حالی که با دهانتان [می‌گویید]. و خدا حقّ را می‌گوید و او به راه (راست) راهنمایی می‌کند. (4)
آن (پسر خواندگ) ان را به [نام پدرانشان بخوانید که آن (کار) نزد خدا دادگرانه‌تر است؛ و اگر پدرانشان را نمی‌شناسید، پس برادران دینی و آزادشدگان شما هستند؛ و در مورد آنچه در آن (صدا زدن‌ها) خطا کرده‌اید، هیچ گناهی بر شما نیست و لیکن در مورد آنچه دل‌هایتان به عمد (قصد) می‌کند (مسئولید؛) و خدا بسیار آمرزنده مهرورز است. (5)
پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؛ و همسرانش مادران ایشانند؛ و خویشاوندان در کتاب خدا، برخی آنان نسبت به برخی (دیگر) از مؤمنان و مهاجران (در مورد ارث) سزاوارترند، مگر آنکه (بخواهید) نسبت به دوستانتان [کار] پسندیده‌ای انجام دهید؛ این (حکم) در کتاب (خدا) نوشته شده است. (6)
و (یادکن) هنگامی را که از پیامبران پیمان محکمشان را گرفتیم، و (همچنین) از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم؛ و ما از آنان پیمان محکم شدیدی گرفتیم. (7)
تا (خدا) راستگویان را از راستی ایشان بپرسد، و برای کافران عذاب دردناکی آماده ساخته است! (8)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خدا را بر (خود) تان یاد کنید، هنگامی که لشکرهایی به سراغ شما آمدند؛ و باد و لشکریانی که آنها را نمی‌دیدید بر آنان فرستادیم؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (9)
(همان) هنگامی که (لشکر دشمن) از فراز (شهر) شما و از فروتر (شهر) تان به سراغ شما آمدند. و آنگاه که چشم‌ها به طرف (دشمن) مایل (و خیره) شد، و دل‌ها (و جان‌ها) به گلوگاه‌ها رسید، و در مورد خدا گمان‌هایی (گوناگون) گمان بردید؛ (10)

ترجمه قرآن، ص: 419
در آنجا مؤمنان آزمایش شدند و با لرزشی شدید متزلزل گشتند! (11)
و هنگامی که منافقان و کسانی که در دل‌هایشان [نوعی بیماری است، می‌گفتند:» خدا و فرستاده‌اش جز فریب به ما وعده نداده‌اند «. (12)
و هنگامی که دسته‌ای از آنان گفتند:» ای مردم یثرب (مدینه، در اینجا) هیچ منزلگاهی برای شما نیست؛ پس (به شهر) بازگردید. «و دسته‌ای از آنان از پیامبر رخصت (بازگشت) می‌خواستند [و] می‌گفتند:» در واقع خانه‌های ما بی‌حفاظ است. «و حال آنکه آنها بی‌حفاظ نبود؛ [آنان جز گریز (از جنگ چیزی) نمی‌خواستند. (13)
و اگر (بر فرض دشمنان) از اطراف آن (مدینه) بر آنان وارد می‌شدند سپس از آن (منافق) ان آشوبگری (و بازگشت به شرک) می‌خواستند، حتماً آن را [به جا] می‌آوردند، و جز اندکی در آن (کار) درنگ نمی‌کردند. (14)
و بیقین از پیش، با خدا پیمان بسته بودند، که با عقب گرد (از دشمن) روی برنتابند؛ و پیمان خدا مورد پرسش قرار می‌گیرد. (15)
(ای پیامبر) بگو:» اگر از مرگ یا کشته شدن بگریزید، گریز برای شما سودی نخواهد داشت؛ و در آن هنگام جز اندکی (از دنیا) برخوردار نخواهید شد «. (16)
بگو:» چه کسی شما را از (اراده) خدا حفظ می‌کند، اگر بدی برای شما بخواهد یا رحمتی را برای شما بخواهد؟! «و (منافقان) جز خدا هیچ سرپرست و یاوری برای (خود) شان نمی‌یابند. (17)
خدا بیقین می‌شناسد، از میان شما بازدارندگان (از جنگ) و کسانی را که به برادرانشان می‌گفتند:» به سوی ما بیایید. «در حالی که (آن کارشکنان)، جز اندکی به (جنگِ) سخت روی نمی‌آورند. (18)
در حالی که بر شما (بی گذشت، و) آزمندند؛ و هنگامی که ترس فرا می‌رسد، آنان را می‌بینی که به سوی تو می‌نگرند، در حالی که چشمانشان می‌چرخد، همانند کسی که بر اثر (ترس از) مرگ بیهوش شده است؛ و هنگامی که ترس بر طرف شد، زبان‌های تیز را بر شما می‌گشایند در حالی که بر (غنایم) خوب آزمندند. آنان (در حقیقت) ایمان نیاورده‌اند، پس خدا اعمالشان را تباه کرد، و آن (کار) برای خدا آسان است. (19)
ترجمه قرآن، ص: 420
(منافقان) می‌پندارند که (لشکریان) حزب‌ها نرفته‌اند؛ و اگر (بار دیگر سپاه) حزب‌ها بیایند، آرزو می‌کنند که آنان در میان اعراب، بادیه نشین بودند، در حالی که از خبرهای بزرگ شما می‌پرسیدند؛ و اگر (بر فرض) در میان شما بودند، جز اندکی پیکار نمی‌کردند. (20)
بیقین برای شما در (روش) فرستاده خدا، (الگویی برای) پیروی نیکوست!

برای کسانی که امید به خدا و روز بازپسین دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند. (21)
و هنگامی که مؤمنان (لشکریان) حزب‌ها را دیدند گفتند:» این چیزی است که خدا و فرستاده‌اش به ما وعده داده‌اند، و خدا و فرستاده‌اش راست گفته‌اند. «و (این مطلب) جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود. (22)
از میان مؤمنان مردانی هستند که به آنچه با خدا بر (اساس) آن پیمان بسته‌اند صادقانه (وفا) کرده‌اند؛ و از آنان کسی است که پیمانش را به پایان رسانده (و به شهادت رسیده)؛ و از آنان کسی است که منتظر است و هیچ تغییری (در پیمان خود) نداده است. (23)
تا خدا راستگویان را بخاطر راستی‌شان پاداش دهد. و اگر بخواهد منافقان را عذاب می‌کند یا توبه آنان را می‌پذیرد؛ [چرا] که خدا بسیار آمرزنده مهرورز است. (24)
و خدا کسانی را که کفر ورزیدند با خشمشان بازگرداند در حالی که به هیچ (مال) نیکی نرسیده‌اند؛ و خدا مؤمنان را از جنگ بسندگی کرد، و خدا نیرومندی شکست‌ناپذیر است. (25)
و (خدا) کسانی از اهل کتاب (یهود) را که از آن (مشرک) ان پشتیبانی کردند از قلعه‌هایشان فرو آورد و در دل‌هایشان وحشت افکند؛ در حالی که دسته‌ای را می‌کشتید و دسته‌ای را اسیر می‌کردید. (26)
ترجمه قرآن، ص: 421
و زمین‌های آنان و خانه‌هایشان و اموالشان و زمینی را که بر آن گام ننهاده بودید به شما ارث داد؛ و خدا بر هر چیز تواناست. (27)
ای پیامبر! به همسرانت بگو:» اگر همواره زندگی پست (دنیا) و زیور آن را می‌خواهید پس بیایید تا شما را بهره‌مند سازم و شما را با آزادی نیکویی رها سازم. (28)
و اگر همواره خدا و فرستاده‌اش و سرای آخرت را می‌خواهید، خدا برای نیکوکارانِ از شما، پاداش بزرگی آماده ساخته است. « (29)
ای زنان پیامبر! هر کس از شما [کار] زشت آشکاری [به جا] آورد، برای او عذاب دو چندان افزوده می‌شود؛ و آن (کار) بر خدا آسان است. (30)
و هر کس از شما برای خدا و فرستاده‌اش با فروتنی فرمانبرداری کند، و [کار] شایسته‌ای انجام دهد، پاداشش را دو بار به او خواهیم داد؛ و روزی ارجمندی برای او آماده کرده‌ایم. (31)
ای زنان پیامبر! (شما) همچون یکی از زنان (معمولی) نیستید؛ اگر خودنگهداری (و پارسایی) می‌کنید پس به نرمی (و ناز) سخن مگویید، تا کسی که در دلش (نوعی) بیماری است طمع ورزد؛ و سخنی پسندیده بگویید. (32)
و در خانه‌هایتان قرار گیرید، و همانند خود آرایی (دوران) جاهلیت نخستین،

(بازیورها) خود نمایی نکنید؛ و نماز را برپا دارید، و [مالیات زکات را بپردازید، و خدا و فرستاده‌اش را اطاعت کنید؛ خدا فقط می‌خواهد پلیدی را از شما خاندان (پیامبر) ببرد و کاملاً شما را پاک سازد. (33)
و آنچه را در خانه‌های شما از آیات خدا و حکمت خوانده می‌شود یاد کنید؛ که خدا لطیفِ آگاه است. (34)
ترجمه قرآن، ص: 422
در حقیقت، مردان مسلمان و زنان مسلمان، و مردان با ایمان و زنان با ایمان، و مردان فرمانبردار [فروتن و زنان فرمانبردار [فروتن ، و مردان راستگو و زنان راستگو، و مردان شکیبا و زنان شکیبا، و مردان فروتن و زنان فروتن، و مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده، و مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، و مردانی که دامانشان را (در امور جنسی) حفظ می‌کنند و زنانی که (دامان خویش را) حفظ می‌کنند، و مردانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند و زنانی که (خدا را فراوان) یاد می‌کنند، خدا برای آنان آمرزش و پاداش بزرگی آماده کرده است. (35)
و هیچ (حقّی) برای مرد با ایمان و زن با ایمان نیست، که هنگامی که خدا و فرستاده‌اش (حکم) چیزی را تمام کنند، در کارشان اختیاری داشته باشند؛ و هر کس خدا و فرستاده‌اش را نافرمانی نماید، پس حتماً به گمراهی آشکاری گمراه شده است. (36)
و (یادکن) هنگامی را که به آن کس که خدا به او نعمت داده بود و (تو نیز) به او نعمت داده بودی (زید) می‌گفتی:» همسرت را برای خود نگاه دار و خود را از (عذاب) خدا حفظ کن! «و چیزی را در دلت پنهان می‌داشتی که خدا آشکار کننده آن است؛ و از مردم می‌هراسیدی در حالی که خدا سزاوارتر است که از او بهراسی. و هنگامی که زید نیاز (خویش) را از آن (زن) به پایان برد (و او را اطلاق داد،) او را به ازدواج تو درآوردیم، تا هیچ تنگی (و محدودیتی) برای مؤمنان (در ازدواج) با همسران پسر خوانده‌هایشان نباشد هنگامی که نیاز (خود) را از آنان به پایان بردند (و آنها را طلاق دادند)؛ و فرمان خدا تحقق یافته است. (37)
هیچ گونه تنگی بر پیامبر در آنچه خدا بر او واجب کرده نیست؛ (این قانون و) روش خدا در مورد کسانی است که پیش از (این) در گذشتند؛ و فرمان خدا به اندازه معیّن است. (38)
(همان) کسانی که پیام‌های خدا را می‌رسانند و از او می‌هراسند، و از هیچ کس جز خدا نمی‌هراسند، و حسابگری خدا کافی است. (39)
ترجمه قرآن، ص: 423
محمد پدرِ هیچ یک از مردان شما نیست؛ و لیکن فرستاده خدا و پایان بخش پیامبران است؛ و خدا به هر چیزی داناست. (40)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را با یادمانی فراوان یاد کنید. (41)

و صبحگاهان و عصرگاهان [و شب هنگام او را تسبیح گویید. (42)
او کسی است که (خود) و فرشتگانش برای شما دعا می‌کنند (و رحمت می‌فرستند،) تا شما را از تاریکی‌ها به سوی نور خارج کند؛ و نسبت به مؤمنان مهرورز است. (43)
زنده بادِ آنان در روزی که او را ملاقات می‌کنند سلام است؛ و برای آنان پاداش ارجمندی آماده کرده است. (44)
ای پیامبر! در حقیقت ما تو را گواه و مژده‌آور و هشدارگر فرستادیم؛ (45)
و (تو را) فراخوان به سوی خدا، با رخصت او، و چراغی روشنی بخش (فرستادیم). (46)
و مؤمنان را مژده ده به اینکه از طرف خدا بخششی بزرگ برای آنان (فراهم) است. (47)
ترجمه قرآن، ص: 424
و از کافران و منافقان اطاعت مکن، و آزار (های) آنان را رهاکن (و از آنها درگذر،) و بر خدا توکّل کن؛ و کارسازی خدا کافی است. (48)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که زنان با ایمان را به همسری گرفتید، سپس قبل از تماس با آنان، طلاقشان دادید، پس برای شما هیچ عدّه‌ای که آن را بشمارید، بر عهده آن (زن) ان نیست؛ پس آنان را (با هدیه‌ای) بهره‌مند سازید و با آزادی نیکویی رهایشان سازید. (49)
ای پیامبر! در واقع ما برای تو حلال کردیم، همسرانت را که مَهرشان را پرداخته‌ای، و آنچه (از کنیزان) که مالک شده‌ای از آنچه (از غنایم و انفال) که خدا به تو بازگردانده است، و دختران عمویت و دختران عمه‌هایت، و دختران دایی‌ات، و دختران خاله‌هایت، که با تو مهاجرت کردند؛ و (نیز حلال کردیم) زنِ با ایمان را، در صورتی که خودش را به پیامبر ببخشد، اگر پیامبر بخواهد که او را به همسری برگزیند؛ در حالی که (چنین ازدواجی) مخصوص توست نه سایر مؤمنان؛ بیقین می‌دانیم آنچه را واجب کردیم برای آنان در مورد همسرانشان و آنچه (از کنیزان) مالک شده‌اند. (این اجازه ازدواج) بدین خاطر است که هیچ تنگی (و محدویتی) بر تو نباشد؛ و خدا بسیار آمرزنده مهرورز است. (50)
(نوبت) هر کدام از آن (همسر) ان را که می‌خواهی به تأخیر می‌اندازی، و هر کدام را که می‌خواهی پیش خود جای می‌دهی؛ و هیچ گناهی بر تو نیست که هر کدام از کسانی را که (از او) کناره‌گیری کرده‌ای، طلب کنی؛ این [کار] نزدیک‌تر است به اینکه چشمان آنان روشن گردد و اندوهگین نشوند، و همگی آنان به آنچه به ایشان می‌دهی خشنود گردند؛ و خدا آنچه را در دل‌های شماست می‌داند، و خدا دانای بردبار است. (51)
بعد از (این همسران، ازدواج با) زنان و اینکه همسران (دیگری) جایگزین آنان کنی، بر تو حلال نیست؛ هر چند نیکویی آنان تو را به شگفت آورد،

مگر آنچه (از کنیزان) مالک شده‌ای؛ و خدا نگهبان هر چیزی است. (52)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه‌های پیامبر داخل نشوید مگر اینکه به شما برای [صرف غذا رخصت داده شود، در حالی که منتظر رسیدن آن (غذا) نیستید؛ و لیکن هنگامی که فراخوانده شدید، پس داخل شوید و هنگامی که غذا خوردید پس پراکنده شوید؛ و با سخن گفتن مأنوس نشوید [چرا] که این (کار)، پیامبر را می‌آزارد؛ و از شما شرم می‌کند و [لی خدا از (بیان) حق شرم نمی‌کند. و هنگامی که وسیله‌ای از آنان (همسران پیامبر) خواستید، از پشت مانعی بخواهید؛ این (کار) برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاک‌تر است. و برای شما (جایز) نیست که فرستاده خدا را آزار دهید و نه هرگز همسرانش را بعد از او به همسری (خود) درآورید که این (کار) نزد خدا بزرگ است! (53)
اگر چیزی را آشکار کنید یا پنهانش سازید، پس در حقیقت خدا به هر چیزی داناست. (54)
ترجمه قرآن، ص: 425
بر آنان [همسران پیامبر] هیچ گناهی نیست در مورد پدرانشان و پسرانشان و برادرانشان و پسران برادرانشان و پسران خواهرانشان و زنان (همکیش) آنان و آنچه (از کنیزان) مالک شده‌اند (که بدون مانع از آنان وسیله‌ای بخواهند)؛ و [خودتان را] از (عذاب) خدا حفظ کنید، که خدا بر هر چیزی گواه است. (55)
در حقیقت خدا و فرشتگانش بر پیامبر دعا (صلوات) می‌فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او دعا (صلوات) بفرستید، و بطور کامل سلام کنید (و کاملاً تسلیم او باشید). (56)
در حقیقت کسانی که خدا و فرستاده‌اش را آزار می‌دهند، خدا آنان را در دنیا و آخرت از رحمت خود دور ساخته، و برای آنان عذاب خوار کننده‌ای آماده کرده است. (57)
و کسانی که مردان با ایمان و زنان با ایمان را بدون آنکه چیز (بد) ی کسب کرده باشند آزار می‌دهند، بیقین [بارِ] تهمت و گناه آشکاری بر دوش گرفته‌اند. (58)
ترجمه قرآن، ص: 426
ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و زنان مؤمنان بگو:» از پوشش‌های بلند (چادر مانند) شان به خودشان نزدیک کنند، این [کار] برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند نزدیک‌تر است؛ و خدا بسیار آمرزنده مهرورز است. (59)
اگر منافقان و کسانی که در دل‌هایشان (نوعی) بیماری است و شایعه پراکنان اضطراب‌انگیز در مدینه، به آن (کارها) پایان ندهند، قطعاً تو را بر آنان مسلّط می‌گردانیم، سپس جز اندکی در این (شهر) همسایه تو

نخواهند بود؛ (60)
در حالی که طرد شده‌اند، هر کجا یافته شوند دستگیر گردند و به سختی کشته شوند. (61)
(این) روش خداست در مورد کسانی که پیش از (این) گذشتند؛ و هیچ تغییری برای روش (و قانون) خدا نخواهی یافت. (62)
مردم از تو درباره ساعت (رستاخیز) می‌پرسند، بگو:» علم آن فقط نزد خداست. «و چه می‌دانی شاید ساعت (رستاخیز) نزدیک باشد. (63)
در واقع خدا کافران را از رحمت خود دور ساخته، و برای آنان شعله فروزان (آتش) آماده ساخته است! (64)
در حالی که جاودانه در آن ماندگارند؛ [و] هیچ سرپرست و یاوری نخواهند یافت. (65)
روزی که صورت‌های آنان در آتش (دوزخ) چرخانده خواهد شد، در حالی که می‌گویند:» ای کاش ما از خدا اطاعت کرده بودیم و از فرستاده‌اش (نیز) اطاعت کرده بودیم! « (66)

و گویند:» [ای پروردگار ما! در واقع ما از سرورانمان و بزرگانمان اطاعت کردیم و ما را از راه گمراه کردند. (67)
[ای پروردگار ما! آنان را از عذاب، دو چندان ده و آنان را با لعنتی بزرگ لعنت نما! « (68)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همانند کسانی نباشید که موسی را آزار دادند؛ و خدا او را از آنچه (در باره او) گفتند مبرّا ساخت؛ و (وی) نزد خدا آبرومند بود. (69)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید و سخن استوار بگویید. (70)
تا (خدا) کارهای شما را برایتان اصلاح کند و پیامدهای (گناهان) تان را برای شما بیامرزد؛ و هر کس از خدا و فرستاده‌اش اطاعت کند، پس حتماً به کامیابی بزرگی نایل شود. (71)
در حقیقت ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، و [لی از برداشتن آن سر باز زدند، و از آن بیمناک بودند، و انسان آن را بر دوش کشید؛ در واقع او بسی ستمگر و بسیار نادان است! (72)
تا خدا مردان منافق و زنان منافق و مردان مشرک و زنان مشرک را عذاب کند، و خدا (با رحمت خویش) بر مردان با ایمان و زنان با ایمان بازگردد (و توبه آنان را بپذیرد)؛ و خدا بسیار آمرزنده مهرورز است. (73)

34- سورة سبإ

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
ستایش مخصوص خدایی است که آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است فقط از آن اوست؛ و ستایش در آخرت (نیز) فقط از آن اوست؛ و او فرزانه [و] آگاه است. (1)
(خدا) می‌داند آنچه را در زمین داخل می‌شود و آنچه را از آن خارج می‌شود و آنچه از آسمان فروفرستاده می‌شود و آنچه در آن بالا می رود؛ و او مهرورز [و] بسیار آمرزنده است. (2)
و کسانی که کفر ورزیدند گفتند:» ساعت (رستاخیز) به سراغ ما نخواهد آمد. «بگو:» آری، به پروردگارم سوگند، که قطعاً به سراغ شما خواهد آمد، (همان پروردگار) دانای نهان که در آسمان‌ها و در زمین، از او هموزن ذرّه ای و نه کوچک‌تر از آن و نه بزرگ‌تر، مخفی نمی ماند؛ مگر اینکه (همه آنها) در کتاب روشنگر (علم خدا ثبت شده) است. (3)
تا کسانی را که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام داده‌اند پاداش دهد؛ آنان برایشان آمرزش و روزی ارجمندی است. (4)
و کسانی که در (ردّ) آیات ما تلاش می کردند در حالی که (به خیال خود) عاجزکننده (ما) هستند؛ آنان برای شان مجازاتی دردناک از (عذاب) اضطراب‌آور است. (5)
و کسانی که به آنان دانش داده شده، می‌دانند آنچه از پروردگارت به سوی تو فروفرستاده شده، فقط حق است؛ و به سوی راه (خدای) شکست ناپذیر ستوده رهنمون می‌شود. (6)
و کسانی که کفر ورزیدند، گفتند:» آیا شما را به مردی راهنمایی کنیم که به شما خبر می‌دهد: هنگامی که (مردید و) کاملًا متلاشی شدید، قطعاً (باردیگر) شما آفرینش جدیدی خواهید یافت؟! (7)
آیا بر خدا دروغ بسته یا جنونی در اوست؟! « (چنین نیست)، بلکه کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند، در عذاب و گمراهی دوری هستند! (8)
و آیا به آنچه پیش رویشان و پشت سرآنان از آسمان و زمین قرار دارد نظر نکرده‌اند؟! اگر بخواهیم آنان را در زمین فرو می بریم، یا قطعه‌هایی از آسمان را بر آنان فرو می‌افکنیم؛ قطعاً در این (امور) نشانه‌ای (از قدرت خدا) برای هر بنده بازگشت کننده (به سوی او) است. (9)
و بیقین به داود از جانب خود بخششی دادیم؛ (و گفتیم:) ای کوه‌ها همراه پرندگان با او (در تسبیح حق) هم آواز شوید؛ و آهن را برای او نرم کردیم. (10)
(و به او دستور دادیم:) که زره‌های فراخ بساز، و حلقه‌های (متناسب)

اندازه زن، و [کار] شایسته به جا آورید؛ [چرا] که من به آنچه انجام می‌دهید بینا هستم. (11)
ترجمه قرآن، ص: 429
و برای سلیمان باد را (رام ساختیم که بوسیله آن مسافرت کند) در حالی که بامدادِ آن، یک ماه، و شامگاهِ آن، یک ماه بود، و چشمه مس گداخته را برای او روان ساختیم؛ برخی از جن‌ها کسانی بودند که به رخصت پروردگارش پیش او کار می‌کردند؛ و هر کس از آنان که از فرمان ما سرپیچی می‌کرد، اورا از عذاب شعله فروزان (آتش) می‌چشاندیم! (12)
هر چه (سلیمان) می‌خواست، از محراب‌ها و نقاشی‌ها (و مجسّمه ها) و کاسه‌های بزرگ همانند حوض‌ها و دیگ‌های استوار برای او می ساختند؛ (و به آنان گفتیم:) ای خاندان داود! بخاطر سپاسگزاری کار (شایسته) کنید؛ و اندکی از بندگان من بسیار سپاسگزارند. (13)
و هنگامی که مرگ را بر او مقرّر داشتیم، آنان را بر مرگ او رهنمون نکرد؛ مگر جنبنده زمین [موریانه در حالی که عصای اورا می‌خورد؛ و هنگامی که بر زمین افتاد جن‌ها دانستند که اگر (بر فرض) همواره (آنچه از حسّ) پوشیده، را می‌دانستند در مجازات (کارهای) خوارکننده درنگ نمی‌کردند. (14)
بیقین برای (مردم)» سَبأ «در محل سکونتشان نشانه‌ای (از قدرت خدا) بود: دو باغستان از راست و چپ، (و به آنان گفتیم:) از» روزی «پروردگارتان بخورید و سپاس او را بجا آورید؛ (این) شهری پاکیزه و پروردگاری بسیار آمرزنده است. (15)
و [لی روی گرداندند و سیل ویرانگر برآنان فرستادیم، و دو باغستان آنان را به دو باغی مبدّل ساختیم که دارای میوه‌های تلخ و [درختان شوره گز و چیزی اندک از [درخت سِدْر بود. (16)
این را به سزای نا سپاسی کردنشان به آنان کیفر دادیم؛ و آیا جز ناسپاس را کیفر می‌دهیم؟! (17)
و بین آنان و بین آبادی‌هایی که به آنها برکت دادیم، آبادی‌های آشکار قرار دادیم؛ و سفر در (میان) آنها را به اندازه (متناسب) مقرّر داشتیم؛ (و به آنان گفتیم:) شب‌ها و روزها در آن (آبادی‌ها) با امنیت گردش کنید. (18)
ترجمه قرآن، ص: 430
و [لی مردم سَبأ] گفتند:» [ای پروردگار ما! میان سفرهای ما دوری افکن. «و به خودشان ستم کردند؛ و آنان را خبرهای (عبرت آموز) گردانیدیم، و آنان را کاملًا متلاشی کردیم. قطعاً در این (ماجرا) نشانه‌های (عبرت آموزی) برای هر بسیار شکیبای بسیار سپاسگزار است. (19)
و بیقین، ابلیس گمانش را درباره آنان راست یافت، و جز دسته‌ای از مؤمنان (همگی) از او پیروی کردند. (20)

و برای او (ابلیس) هیچ تسلّطی بر آنان نبود؛ جز اینکه کسی را که به آخرت ایمان می آورد از کسی که وی در مورد آن شک دارد، معلوم داریم؛ و پرودگارت بر هر چیز نگهبان است. (21)
بگو:» کسانی را بخوانید که غیر از خدا (معبود خود) می پندارید. (آنان) هموزن ذرّه‌ای در آسمان‌ها و زمین مالک نیستند، و برای آنان در (آفرینش) آن دو هیچ شرکتی نیست، و برای او (خدا) از میان آنان هیچ پشتیبانی نیست. (22)
و شفاعت در نزد او سودی ندارد جز برای کسی که (خدا) برایش رخصت دهد. تا هنگامی که وحشت از دل‌هایشان برطرف شود، (به همدیگر) می‌گویند:» پروردگارتان چه فرمود؟ «می‌گویند:» حق را (بیان کرد،) و او بلند مرتبه [و] بزرگ است. « (23)
بگو:» چه کسی شما را از آسمان ها و زمین» روزی «می‌دهد؟ «بگو:» خدا! و قطعاً ما، یا شما بر هدایت یا در گمراهی آشکاری هستیم. « (24)
بگو:» (شما) از آنچه (ما) خلاف کردیم پرسیده نمی‌شوید، و (ما) از آنچه (شما) انجام می‌دهید پرسش نمی‌شویم. « (25)
بگو:» پروردگار مان بین ما (و شما) جمع می کند، سپس در میان ما به حق (داوری می کند و مشکل ما را) می‌گشاید؛ و او (داوری) گشاینده [و] داناست. « (26)
ترجمه قرآن، ص: 431
بگو:» کسانی را که بعنوان شریکان (خدا) به او ملحق ساخته‌اید به من نشان دهید! هرگز چنین نیست! بلکه او خدای شکست ناپذیر [و] فرزانه است. « (27)
و تورا جز برای همه مردم نفرستادیم در حالی که بشارتگر و هشدارگری؛ و لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند. (28)
و می‌گویند:» اگر راست گویید، این وعده (رستاخیز) چه زمانی خواهد بود؟! « (29)
بگو:» برای شما وعدگاه روزی خواهد بود که ساعتی از آن تأخیر نمی‌کنید، و (برآن) پیشی‌نخواهید گرفت. « (30)
و کسانی که کفر ورزیدند گفتند:» ما به این قرآن و به آنچه (از کتاب‌های آسمانی) پیش از آن بوده، ایمان نخواهیم آورد. «و اگر (بر فرض) ببینی هنگامی را که ستمکاران در پیشگاه پروردگارشان بازداشت شده‌اند، در حالی که برخی آنان سخن را به سوی برخی [دیگر] برمی‌گرداند؛ (از آن تعجّب می کنی که) کسانی که مستضعف گردیده‌اند به کسانی که تکبّر ورزیدند می‌گویند:» اگر شما نبودید حتماً [ما] مؤمن بودیم. « (31)
کسانی که تکبّر ورزیدند به کسانی که مستضعف گردیده‌اند [در پاسخ گویند:» آیا ما شما را از هدایت بازداشتیم بعد از آنکه به سراغ شما آمد؟!

بلکه [شما] خلافکار بودید. « (32)
و کسانی که مستضعف گردیده‌اند به کسانی که تکبّر ورزیدند [در پاسخ گویند:» بلکه فریب شب و روز (شما مانع هدایت ما شد)، هنگامی که به ما دستور دادید که به خدا کفر ورزیم و برای او همانندهایی (معبودگونه) قرار دهیم. «و هنگامی که عذاب را ببینند پشیمانی خود را پنهان کنند، و غل‌ها را در گردن‌های کسانی که کفر ورزیدند قرار می‌دهیم؛ آیا جز آنچه را همواره انجام می‌دادند کیفر داده می‌شوند؟ (33)
و در هیچ آبادی (پیامبر) هشدارگری نفرستادیم، مگر اینکه سردمداران ثروتمندش گفتند:» در حقیقت ما به آنچه بدان فرستاده شده‌اید، کافریم. « (34)
و گفتند:» ما دارای اموال و فرزندان بیشتری هستیم، و ما عذاب نخواهیم شد. « (35)
ترجمه قرآن، ص: 432
بگو:» در حقیقت پروردگار من،» روزی «را برای هر کس که بخواهد (و شایسته بداند) گسترده می‌سازد، و (یا) تنگ می‌گرداند؛ و لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند. « (36)
و اموال شما و فرزندانتان چیزی نیست که شما را نزد ما کاملًا نزدیک سازد، جز کسانی که ایمان آورده و [کار] شایسته انجام داده باشند، پس آنان بخاطر کردارشان برایشان پاداش دوچندان است، و آنان در جایگاه‌ها (ی بلند بهشتی) در امنیتند. (37)
و کسانی که در (ردّ) آیات ما تلاش می‌کنند در حالی که (به خیال خود) عاجز کننده (ما) هستند، آنان در عذاب احضار شدگانند! (38)
بگو:» در حقیقت پروردگار من،» روزی «را برای هر کس از بندگانش که بخواهد (و شایسته بداند،) گسترده می‌سازد، و (یا) برای او تنگ می‌گرداند؛ و هر چیزی که [در راه خدا] مصرف می‌کنید پس او (عوض) آن را جانشین می کند؛ و او بهترین» روزی «دهندگان است. (39)
و (یادکن) روزی را که (خدا) همه آنان را گرد آوری می کند، سپس به فرشتگان می‌گوید:» آیا اینان شما را همواره می‌پرستیدند؟! « (40)
(فرشتگان) می‌گویند:» تو منزّهی، تویی سرپرست ما نه آنان، بلکه (آنان) همواره جنّ را پرستش می نمودند؛ که بیشترشان به آنها ایمان داشتند. « (41)
و امروز برخی از شما برای برخی [دیگر] مالک هیچ سود و زیانی نیستند، و به کسانی که ستم کردند می‌گوییم:» بچشید عذاب آتشی را که همواره آن را دروغ می‌انگاشتید! « (42)
و هنگامی که آیات ما در حالی که روشن است برآنان خوانده می‌شود، می‌گویند:» این نیست جز مردی که می‌خواهد شما را از آنچه همواره

پدرانتان می پرستیدند بازدارد. «و می‌گویند:» این (قرآن) جز دروغ بزرگ بربافته نیست! «و کسانی که کفر ورزیدند در باره حق، هنگامی که به سراغشان آمد، گفتند:» این، جز سحری آشکار نیست! « (43)

ترجمه قرآن، ص: 433

و از کتاب های (الهی) به آنان نداده‌ایم که آن را درس بخوانند، و پیش از تو هیچ هشدارگری به سوی آنان نفرستادیم. (44)

و کسانی که پیش از آنان بودند (نیز آیات الهی و پیامبران را) دروغ انگاشتند، در حالی که (اینان) به یک دهُم آنچه به آنان دادیم نرسیده‌اند، و فرستادگان مرا تکذیب کردند؛ پس (ببین مجازات) انکار (من) چگونه بود؟ (45)

بگو:» شما را فقط به یک (چیز) پند می‌دهم، اینکه: دو دو و یک یک برای خدا بپاخیزید، سپس تفکّر کنید که همنشین شما (پیامبر) هیچ جنونی ندارد؛ او برای شما جز هشدارگری پیش از (فرارسیدن) عذاب شدید نیست! « (46)

بگو:» آنچه از پاداش از شما خواسته‌ام پس آن برای (خود) شماست؛ پاداش من جز بر عهده خدا نیست؛ و او بر هر چیزی گواه است. « (47)

بگو:» در حقیقت پروردگار من حق را (بر دل‌ها) می افکند، (و او به اسرار) نهان‌ها بسیار داناست. « (48)

بگو:» حق آمده؛ و (دیگر) باطل آغاز نمی کند و باز نمی‌گردد. « (49)

بگو:» اگر گمراه‌شوم، پس فقط به زیان خودم گمراه می‌شوم؛ و اگر رهنمون شوم پس بوسیله آنچه پروردگارم به سوی من وحی می کند (هدایت می‌یابم)؛ که او شنوای نزدیک است. « (50)

و اگر (بر فرض) ببینی هنگامی را که (کافران) وحشت زده‌اند، چرا که هیچ (راه) گریزی نیست، و از مکانی نزدیک (به عذاب) گرفتار شده اند. (تعجب خواهی کرد!) (51)

و می‌گویند:» بدان (حق) ایمان آوردیم. «و [لی آنان چگونه از مکانی دور (به ایمان) دسترسی پیدا کنند؟! (52)

ترجمه قرآن، ص: 434

در حالی که بیقین پیش از (آن) بدان کفر ورزیدند و از مکانی دور به نادیده (تیر تهمت) می‌افکندند. (53)

و (سرانجام) بین آنان و بین آنچه میل داشتند، (مانعی) حائل شود، همان‌گونه که پیش از (آن) با گروه‌های مشابه آنان انجام شد؛ [چرا] که آنان در شکی تردید آمیز بودند. (54)

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
ستایش مخصوص خدایی است که شکافنده (و آفریننده) آسمان‌ها و زمین است؛ (و) فرشتگان را فرستادگانی قرار داد که دارای بال‌های دو دو و سه سه و چهار چهار هستند؛ آنچه را می‌خواهد در آفرینش می‌افزاید، (چرا) که خدا بر هر چیزی تواناست. (1)
خدا هر چه از رحمت برای مردم بگشاید، پس هیچ بازدارنده‌ای برای آن نیست، و هر چه را بازدارد، پس هیچ رها کننده‌ای بعد از او برایش نیست؛ و او شکست‌ناپذیر [و] فرزانه است. (2)
ای مردم! نعمت خدا را بر (خود) تان یاد کنید؛ آیا هیچ آفریننده‌ای جز خدا هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟! هیچ معبودی جز او نیست؛ پس چگونه (از حق) بازگردانده می‌شوید؟! (3)
و اگر تو را تکذیب کنند پس بیقین فرستادگان پیش از تو (نیز) تکذیب شدند، و [همه کارها فقط به سوی خدا بازگردانده می‌شوند. (4)
ای مردم بیقین وعده خدا حقّ است؛ پس هرگز زندگی پست [دنیا] شما را نفریبد، و هرگز (شیطان) حیله‌گر شما را نسبت به (آمرزش) خدا فریب ندهد. (5)
در حقیقت شیطان دشمنی برای شماست، پس (شما نیز) او را دشمن گیرید؛ (او) حزبش را فرا می‌خواند تا فقط از اهل شعله فروزان (آتش) شوند. (6)
کسانی که کفر ورزیدند، برای آنان عذاب شدیدی است؛ و کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، برای آنان آمرزش و پاداش بزرگی است. (7)
ترجمه قرآن، ص: 435
و آیا کسی که بدی کردارش برای او آراسته شده است و آن را نیکو می‌بیند (همانند کسی است که واقع را آنچنان که هست می‌بیند)؟! پس در واقع خدا هر کس را (بخاطر اعمالش) بخواهد در گمراهی وانهد، و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) راهنمایی کند؛ پس بخاطر حسرت‌ها (ی گوناگون) بر آنان جانت (از دست) نرود؛ که خدا به آنچه با زیرکی انجام می‌دهند داناست. (8)
و خدا کسی است که بادها را فرستاد و (بادها) ابری را بر می‌انگیزند، و آن را به سوی سرزمین مرده راندیم، و بوسیله آن، زمین را پس از مردنش زنده می‌کنیم؛ زنده کردن (مردگان نیز) اینچنین است. (9)
کسی که همواره عزّت می‌خواهد، پس (از خدا بخواهد، چرا که) همه عزّت

فقط از آن خداست؛ سخنان پاکیزه فقط به سوی او بالا می‌رود، و کار شایسته آن را بالا می‌برد؛ و کسانی که فریبکاری بد می‌کنند برای آنان عذاب شدیدی است و فریب آنان خود هلاک می‌گردد. (10)
و خدا شما را از خاکی آفرید، سپس از آب اندک سیّال، سپس شما را به صورت جفت‌هایی قرار داد؛ و هیچ ماده‌ای باردار نمی‌شود و نمی‌زاید مگر به علم او، و هیچ کهنسالی عمر طولانی نمی‌کند، و از عمرش کاسته نمی‌شود، مگر اینکه در کتاب (علم الهی ثبت) است؛ در حقیقت آن (کارها) بر خدا آسان است. (11)
و دو دریا یکسان نیستند: این (یکی) خوشی گوار [و] نوشیدنش گواراست، و آن (دیگری) شور تلخ است؛ و از هر (دو) گوشت تازه می‌خورید و زیوری که آن را می‌پوشید بیرون می‌آورید؛ و کشتی‌ها را در آن (آب) شکافنده می‌بینی، تا از بخشش او بهره جویید؛ و تا شاید شما سپاسگزاری کنید. (12)
(خدا) شب را در روز وارد می‌کند، و روز را در شب وارد می‌کند، و (منافع) خورشید و ماه را مسخّر ساخته، در حالی که هر کدام تا سرآمد معیّنی روانند؛ این خدا، پروردگار شماست؛ فرمانروایی تنها از آن اوست؛ و کسانی را که جز او می‌خوانید (و می‌پرستید) مالک هیچ پوست هسته خرمایی نیستند. (13)
اگر آن (معبود) ان را بخوانید (صدا و) دعای شما را نمی‌شنوند، و اگر (بر فرض) می‌شنیدند (دعای) شما را نمی‌پذیرفتند؛ و روز رستاخیز، شرک (و پرستش) شما را منکر می‌شوند؛ و (هیچ کس) مانند (خدای) آگاه، تو را با خبر نمی‌سازد. (14)
ای مردم! شما به خدا نیازمندید، و فقط خدا توانگر [و] ستوده است. (15)
ترجمه قرآن، ص: 436
اگر بخواهد شما را (از میان) می‌برد و آفرینش جدیدی می‌آورد؛ (16)
و این (کار) بر خدا سخت نیست. (17)
و هیچ بار برداری بار سنگین (گناه) دیگری را بر نمی‌دارد؛ و اگر گرانباری، (دیگری را،) برای (برداشتن) بار (گناه) ش بخواند، هیچ چیزی از آن برداشته نمی‌شود، و گرچه از نزدیکان (او) باشد. (تو) فقط کسانی را هشدار می‌دهی که از پروردگارشان در نهان می‌هراسند، و نماز را برپا می‌دارند؛ و کسی که خود را رشد دهد [و پاک نماید]، پس فقط برای خودش [پاکی جسته و] رشد نموده است؛ و فرجام (همه شما) فقط به سوی خداست. (18)
و نابینا و بینا مساوی نیستند؛ (19)
و تاریکی‌ها و نور؛ (20)
و سایه و گرمای آفتاب (مساوی نیستند)؛ (21)

و زندگان و مردگان یکسان نیستند. در حقیقت خدا (پیام خود را) به گوش هر کس بخواهد می‌رساند، و تو ن (می‌توانی سخن خود را) به گوش کسانی که در قبرها هستند برسانی. (22)
ترجمه قرآن، ص: 437
تو جز هشدارگری نیستی. (23)
در واقع ما تو را به حق، بشارتگر و هشدارگر فرستادیم؛ و هیچ امتی نبوده مگر آنکه هشدارگری در آن گذشته است. (24)
و اگر تو را تکذیب کنند، پس بتحقیق کسانی که پیش از آنان بودند (نیز پیامبران خود را) تکذیب کردند؛ در حالی که فرستادگانشان با دلایل روشنِ (معجزه آسا) و نوشته‌های متین و کتاب روشنی بخش، به سراغ آنان آمدند. (25)
سپس کسانی را که کفر ورزیدند گرفتار (مجازات) ساختیم؛ پس انکار [من چگونه بود؟! (26)
آیا نظر نکرده‌ای که خدا از آسمان، آبی فرو فرستاد، بوسیله آن محصولاتی که رنگ‌هایش متفاوت است (از زمین) خارج ساختیم، و از کوه‌ها راه‌ها (و رگه‌ها) ی سپید و سرخ، که رنگ‌هایش متفاوت است و سیاه سیاه (آفریدیم)؟! (27)
و از مردم و جنبندگان و دام‌ها (انواعی هستند) که رنگ‌هایشان همانگونه متفاوت است. از میان بندگان خدا، فقط دانشوران از او هراس دارند؛ [چرا] که خدا شکست ناپذیری بسیار آمرزنده است. (28)
در حقیقت کسانی که کتاب خدا را می‌خوانند [و پیروی می‌کنند] و نماز را بر پا می‌دارند، و از آنچه به آنان» روزی «داده‌ایم، پنهانی و آشکارا، (در راه خدا) مصرف می‌کنند، داد و ستدی بی کساد امید دارند. (29)
تا (خدا) پاداششان را بطور کامل به آنان بدهد و از بخشش خود برای‌شان بیفزاید؛ [چرا] که او بسیار آمرزنده [و] بسی سپاسگزار است. (30)
و آنچه از کتاب (قرآن) به سوی تو وحی کردیم فقط حق است، در حالی که مؤیّد (کتاب‌های) پیشین است؛ قطعاً خدا نسبت به بندگانش آگاه و بیناست. (31)
سپس کتاب (قرآن) را به کسانی از میان بندگانمان که برگزیدیم به ارث دادیم؛ پس برخی از آنان به خودشان ستم کردند، و برخی از آنان معتدل بودند، و برخی از آنان به رخصت الهی به نیکی‌ها پیشی گیرنده‌اند؛ این فقط فضیلت بزرگ است. (32)
(پاداش آنان) بوستان‌های (ویژه بهشت) ماندگار است در حالی که در آنها وارد می‌شوند، (و) در آنجا با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته می‌شوند، و لباس‌هایشان در آنجا حریر است. (33)
و می‌گویند:» ستایش مخصوص خدایی است که اندوه را از ما برطرف

ساخت؛ قطعاً پروردگار ما بسيار آمرزنده [و] بسى سپاسگزار است؛ (34)
ترجمه قرآن، ص: 438
(همان) كسى كه از بخشش خود ما را در سراى ماندنى جاى داد؛ در حالى كه در آنجا هيچ رنج (جسمى) به ما نمى‌رسد، و (نيز) در آنجا هيچ خستگى (روحى) به ما نمى‌رسد. « (35)
و كسانى كه كفر ورزيدند، آتش جهنّم براى آنهاست؛ (حكمِ) پايان (عمر) شان داده نمى‌شود تا بميرند، و عذاب آن (جهنّم) از آنان كاسته نمى‌شود؛ اين گونه هر (انسان) بسيار ناسپاس را كيفر مى‌دهيم. (36)
و آن (دوزخى) ان در آنجا فرياد مى‌زنند:» [اى پروردگار ما! ما را بيرون آور تا [كار] شايسته‌اى انجام دهيم غير از آنچه همواره انجام مى‌داديم «. و (در پاسخ به آنان گفته مى‌شود:) آيا شما را چندان عمر نداديم كه هر كس تذكّرپذير است در آن (مدّت) متذكّر شود، و هشدارگر (ى از پيامبران) به سراغ شما نيامد؟! پس (عذاب را) بچشيد و هيچ ياورى براى ستمكاران نيست! (37)
در حقيقت خدا داناى نهان آسمان‌ها و زمين است كه او به (اسرار) درون سينه‌ها داناست. (38)
او كسى است كه شما را جانشينانى در زمين قرارداد؛ و هر كس كفر ورزد، كفرش بر [زيان اوست، و كافران را كفرشان در نزد پروردگار آنان جز كنيه نمى‌افزايد، و (نيز) كفرشان جز زيان بر كافران نمى‌افزايد. (39)
بگو:» به من بنمايانيد، آيا به نظر شما (معبودان و) شريكانتان كه جز خدا مى‌خوانيد (و مى‌پرستيد) چه چيزى از زمين را آفريده‌اند، بلكه آيا آنان شركتى در (آفرينش و مالكيت) آسمان‌ها داشته‌اند؟! بلكه آيا به آنان كتابى داده‌ايم و آنان دليل روشنى از آن (براى شرك خود) دارند؟! «بلكه ستمكاران برخى آنان به برخى (ديگر) جز فريب، وعده نمى‌دهند. (40)
در حقيقت خدا (أجرام) آسمان‌ها و زمين را نگاه مى‌دارد تا مبادا (از مسير منحرف و) فنا شوند و اگر در (آستانه) فنا قرار گيرند، هيچ كس بعد از او آنها را نگاه نمى‌دارد؛ كه او بردبارى بسيار آمرزنده است. (41)
و با شديدترين سوگندهايشان به خدا قسم خوردند كه اگر هشدارگرى (از پيامبران) به سراغ آنان آيد، قطعاً از هر يک از امت‌ها (ى ديگر) ره‌يافته‌تر شوند؛ و (لى) هنگامى كه هشدارگرى به سراغ آنان آمد جز نفرت بر آنان نيفزود. (42)
ترجمه قرآن، ص: 439
(اين نفرت) به خاطر استكبار در زمين و فريب بد (آنان) بود، و فريب بد جز گريبان گير اهلش نمى‌شود و آيا جز روش (و سرنوشت) پيشينان را انتظار دارد؟! و براى روش (و قانون) خدا هيچ دگرگونى نخواهى يافت، و هيچ تغييرى براى روش (و قانون) خدا نخواهى يافت. (43)

و آیا در زمین گردش نکردند تا بنگرند چگونه بوده است فرجام کسانی که پیش از آنان بودند؟! در حالی که از آنان نیرومندتر بودند، و هیچ چیز در آسمان‌ها و در زمین هرگز خدا را عاجزش نمی‌کند؛ [چرا] که او دانای تواناست. (44)

و اگر (بر فرض) خدا مردم را بخاطر دستاوردشان مؤاخذه می‌کرد، هیچ جنبنده‌ای بر پشت آن [زمین باقی نمی‌گذارد! و لیکن آنان را تا سرآمد معین (مرگ حتمی) به تاخیر می‌اندازد؛ و هنگامی که (پایان) سرآمد آنان فرارسد پس (هر کس را به سزای عملش می‌رساند؛ چرا) که خدا نسبت به بندگانش بیناست. (45)

ترجمه قرآن، ص: 440

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
یا، سین. (1)
سوگند به قرآن حکمت آمیز. (2)
براستی که تو از [جمله فرستادگانی؛ (3)
بر راه راستی. (4)
و (این قرآن) فرو فرستاده (خدای) شکست‌ناپذیر مهرورز است. (5)
تا گروهی را هشدار دهی که پدرانشان هشدار داده نشدند، و آنان غافلند. (6)
بیقین گفتار (سنّت گونه‌ای) درباره بیشترشان تحقق یافته، چرا که آنان ایمان نمی‌آورند. (7)
در حقیقت ما در گردن‌هایشان غل‌هایی قرار دادیم، و آن (غل‌ها) تا چانه‌هاست، و سرهای آنان به بالا نگاه داشته شده است. (8)
و پیش روی آنان سدّ، و در پشت سرشان سدّی قرار دادیم؛ و (چشمانشان را) پوشانده‌ایم، پس آنان نمی‌بینند. (9)
برای آنان یکسان است که هشدارشان بدهی، یا هشدارشان ندهی، ایمان نمی‌آورند. (10)
[تو] فقط به کسی هشدار (سودمند) می‌دهی که از آگاه کننده (قرآن) پیروی کند؛ و از (خدای) گسترده‌مهر در نهان بهراسد؛ پس او را به آمرزش و پاداشی ارجمند مژده ده. (11)
در حقیقت ما خود مردگان را زنده می‌کنیم؛ و آنچه را از پیش فرستاده‌اند و آثارشان را می‌نویسیم؛ و همه چیز را در (کتاب) پیشواىِ روشنگر بر شمرده‌ایم. (12)
و برای آن (مشرک) ان مثلی بزن: اهل آبادی (انطاکیه) را هنگامی که فرستادگان (الهی) بدان (آبادی) آمدند؛ (13)
(همان) هنگامی که دو (فرستاده) را به سوی آنان فرستادیم، و [لی آن دو را تکذیب کردند، و با (فرستاده) سوّمی (آن دو را) تقویت کردیم، و گفتند:» مسلماً ما فقط به سوی شما فرستاده شده‌ایم. « (14)
(اهل آبادی) گفتند:» شما جز بشری همانند ما نیستید، و (خدای) گسترده‌مهر هیچ چیزی فرو نفرستاده است، شما جز دروغ نمی‌گویید! « (15)
(فرستادگان الهی) گفتند:» پروردگار ما می‌داند که قطعاً ما تنها به سوی شما فرستاده شده‌ایم، (16)
ترجمه قرآن، ص: 441

و بر ما [وظیفه‌ای جز رساندن [پیام روشنگر و] آشکار نیست. « (17)
(اهل آبادی) گفتند:» در واقع ما به شما فال بد زدیم، اگر به (این کار) پایان ندهید، قطعاً شما را سنگسار خواهیم کرد، و حتماً عذاب دردناکی از سوی ما به شما خواهد رسید! « (18)
(فرستادگان) گفتند:» فال (نیک و) بد شما با شماست، آیا اگر تذکّر داده شوید (پاسخ آن چنین است)؟! بلکه شما گروهی اسرافکار (و متجاوز) ید. « (19)
و مردی با کوشش از دورترین (نقطه) شهر آمد، گفت:» ای قوم [من ! از فرستادگان (خدا) پیروی کنید. (20)
از کسانی پیروی کنید که از شما هیچ پاداشی نمی‌خواهند و آنان ره یافته‌اند. (21)
و مرا چه شده که کسی را نپرستم که مرا آفریده است؟ و فقط به سوی او بازگردانده می‌شوید. (22)
آیا جز او معبودانی برگزینم که اگر (خدای) گسترده‌مهر بخواهد زیانی [به من برساند، شفاعت آنان چیزی (از عذاب) را از من دفع نمی‌کند، و مرا نجات نخواهد داد. (23)
در آن صورت قطعاً من در گمراهی آشکاری خواهم بود. (24)
در حقیقت من به پروردگار شما ایمان آورده‌ام، پس سخنان [مرا] گوش دهید. « (25)
(پس از شهادت به او) گفته شد:» وارد بهشت شو. «گفت:» ای کاش قوم من می‌دانستند، (26)
که پروردگارم مرا آمرزید و مرا از گرامی داشته‌شدگان قرار داد! « (27)
و بعد از او بر قومش هیچ لشکری از آسمان نفرستادیم و فرو فرستنده (آن) نبودیم. (28)
(عذاب آنان) جز یک بانگ (مرگبار) نبود، پس ناگهان آنان خاموش (و بی جان) شدند. (29)
ای افسوس بر بندگان که هیچ فرستاده‌ای به سراغ آنان نیامد، مگر اینکه همواره او را ریشخند می‌کردند! (30)
آیا اطلاع نیافته‌اند که پیش از آنان چه بسیار گروه‌هایی را هلاک کردیم که آنان به سوی ایشان باز نمی‌گردند؟! (31)
ترجمه قرآن، ص: 442
هیچ کس نیست مگر اینکه همگی نزد ما احضار شده‌اند. (32)
و برای آنان نشانه (خدا) است، در زمین مرده‌ای که آن را زنده کردیم و دانه از آن بر آوردیم و از آن می‌خورند. (33)
و در آن بوستان‌هایی از درختان خرما و انگورها قرار دادیم، و چشمه ساران را در آن شکافتیم (و روان ساختیم)، (34)

تا از میوه آن بخورند در حالی که دستانشان آن را نساخته است؛ پس آیا سپاسگزاری نمی‌کنند؟! (35)
منزّه است کسی که همه آن زوج‌ها را آفرید، از آنچه زمین می‌رویاند، و از خودشان و از آنچه نمی‌دانند. (36)
و برای آنان نشانه (خدا) است در شب، که روز را از آن برمی‌کنیم، و ناگهان آنان در تاریکی فرو روند؛ (37)
و خورشید که تا قرارگاهش روان است؛ این اندازه‌گیری (خدای) شکست‌ناپذیر داناست. (38)
و ماه را برایش منزلگاه‌هایی قرار دادیم، تا اینکه همچون شاخک دیرینه [قوسی شکل زرد رنگ برگردد. (39)
نه خورشید برایش سزاوار است که ماه را دریابد، و نه شب بر روز پیشی گیرنده است؛ در حالی که هر یک در مداری شناورند. (40)
و برای آنان نشانه (خدا) است که ما نسل آنان را در کشتی انباشته (از بارها) حمل کردیم. (41)
و برای آنان همانند آن چیزی آفریدیم که (بر آن) سوار می‌شوند. (42)
و اگر بخواهیم آنان را غرق می‌کنیم پس هیچ فریادرسی برای شان نیست، و (نیز) آنان نجات داده نمی‌شوند. (43)
مگر رحمتی از جانب ما، و بهره‌ای (از دنیا) تا مدّتی (معیّن شامل حالشان شود). (44)
ترجمه قرآن، ص: 443
و هنگامی که به آن (مشرک) ان گفته شود:» [خودتان را] از آنچه [از عذاب در پیش‌رویتان و آنچه در پشت سرتان است حفظ کنید، باشد که شما (مشمول) رحمت شوید (روی بر می‌تابند.) « (45)
و هیچ نشانه‌ای از نشانه‌های پروردگارشان برای آنان نمی‌آید، مگر اینکه از آن روی گردانند. (46)
و هنگامی که به آنان گفته شود:» از آنچه خدا به شما روزی داده [در راه خدا] مصرف کنید. «کسانی که کفر ورزیدند به کسانی که ایمان آوردند، می‌گویند:» آیا کسی را غذا دهیم، که اگر (بر فرض) خدا می‌خواست او را غذا می‌داد؟! شما جز در گمراهی آشکاری نیستید. « (47)
(کافران) می‌گویند:» اگر راست گویید، این وعده (قیامت) چه وقت است؟! « (48)
جز یک بانگ (مرگبار) را انتظار نمی‌کشند، که آنان را فرو گیرد در حالی که آنان [با یکدیگر] کشمکش می‌کنند. (49)
پس نه می‌توانند سفارش (و وصیتی) کنند، و نه به سوی خانواده‌شان باز می‌گردند. (50)
و (بار دیگر) در شیپور دمیده می‌شود، پس ناگهان آنان از قبرها به سوی

پروردگارشان به سرعت سرازیر می‌شوند. (51)
می‌گویند:» ای وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاه‌مان بر انگیخت؟! این چیزی است که (خدای) گسترده‌مهر وعده داده است. و فرستادگان (او) راست گفتند. « (52)
(این) جز یک بانگ (بزرگ) نبود، و [لی ناگهان آنان همگی در نزد ما احضار شده‌اند. (53)
پس امروز چیزی بر کسی ستم نمی‌شود و جز (بر طبق) آنچه همواره انجام می‌دادید، جزا داده نمی‌شوید. (54)
مسلماً امروز اهل بهشت به شادمانی مشغولند؛ (55)
آنان و همسرانشان در سایه‌ها بر تخت‌ها تکیه کرده‌اند؛ (56)
برای آنان در آنجا میوه‌ای است؛ و آنچه فرا خوانند برایشان (آماده) است. (57)
سلام (بر شما، این) سخنی از جانب پرودرگارِ مهرورز است. (58)
ترجمه قرآن، ص: 444
و (ندا آید:) ای خلافکاران امروز جدا شوید. (59)
ای فرزندان آدم! آیا با شما پیمان نبستم که شیطان را نپرستید، [چرا] که او دشمن آشکاری برای شماست؟! (60)
و اینکه مرا بپرستید که این راه راست است؟ (61)
و بیقین گروه زیادی از شما را گمراه کرد، و آیا خردورزی نکرده‌اید؟! (62)
این جهنّمی است که همواره (بدان) وعده داده می‌شدید؛ (63)
امروز به سبب کفر ورزیدنتان وارد آن شوید (و می‌سوزید). (64)
امروز بر دهان‌هایشان مهر می‌نهیم، و دست‌هایشان با ما سخن می‌گویند و پاهایشان به آنچه همواره کسب می‌کردند گواهی می‌دهند! (65)
و اگر (بر فرض) بخواهیم حتماً چشمانشان را محو می‌کنیم؛ و به (سوی) راه بر یکدیگر پیشی گیرند، و [لی چگونه می‌بینند؟! (66)
و اگر (بر فرض) بخواهیم، حتماً آنان را بر جایشان مسخ (و زمینگیر) می‌کنیم، پس توان رفتن ندارند و بر نمی‌گردند. (67)
و هر کس را عمر درازش دهیم، وی را در آفرینش (وجود) نگون سار می‌سازیم؛ و آیا خردورزی نمی‌کنند؟! (68)
شعر به او [پیامبر] نیاموختیم، و شایسته او نیست؛ این (سخن) جز یاد آوری و قرآن روشنگر نیست. (69)
تا هر کس را که زنده (دل) است هشدار دهد؛ و گفتار (سنت گونه و وعده عذاب) بر کافران تحقق یابد. (70)
و آیا نظر نکرده‌اند که از آنچه دستان (قدرت) ما بر ساخته است، دام‌هایی برای آنان آفریدیم و آنان مالک آنها هستند؟! (71)
و آنها را برای‌شان فروتن (و رام) ساختیم، پس [وسیله سواری‌شان از

برخی آنهاست و از برخی آنها می‌خورند؛ (72)
و برای آنان در آنها سودها و و نوشیدنی‌هاست؛ پس آیا سپاسگزاری نمی‌کنند؟! (73)
غیر از خدا معبودانی (برای پرستش) گزیده‌اند، باشد که آنان یاری شوند؛ (74)
ترجمه قرآن، ص: 445
(ولی آنها) نمی‌توانند آنان را یاری رسانند، و آنان برای آن (بت) ان لشکری احضار شده‌اند. (75)
پس سخن آن (مشرک) ان تو را اندوهگین نسازد؛ که ما آنچه را پنهان می‌کنند و آنچه را آشکار می‌سازند می‌دانیم. (76)
و آیا انسان نظر نکرده که ما او را از آب اندک سیّال آفریدیم؟! و بناگاه وی دشمنی آشکار است. (77)
و برای ما مثلی زد و آفرینش خود را فراموش کرده و گفت:» چه کسی این استخوان را در حالی که آن پوسیده است زنده می‌سازد؟! « (78)
بگو:» کسی آن را زنده می‌کند، که نخستین بار وی را پدید آورد؛ و او به هر آفرینشی داناست؛ (79)
(همان) کسی که برای شما از درخت سبز، آتشی قرار داد، و شما در هنگام (نیاز) از آن (آتش) می‌افروزید. « (80)
و آیا کسی که آسمان‌ها و زمین را آفرید، نمی‌تواند که همانند آن (مردگ) ان را بیافریند؟! آری (می‌تواند)، و او فراوان آفرینِ داناست. (81)
هنگامی که چیزی را بخواهد، فرمان او فقط این است که به آن می‌گوید:» باش! «پس [فوراً موجود] می‌شود. (82)
پس منزّه است کسی که فرمانروایی مطلق همه چیز تنها به دست اوست؛ و فقط به سوی او بازگردانده می‌شوید. (83)
ترجمه قرآن، ص: 446

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
سوگند به صف کشیدگان صف بسته، (1)
و به بازدارندگان منع کننده، (2)
و به خوانندگان (آیات) یادآور، (3)
قطعاً معبود شما یگانه است. (4)
(همان) پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن دو است، و پروردگار خاوران. (5)
در حقیقت ما آسمان نزدیک را با زیور سیّارات آراستیم؛ (6)
و آن را از هر شیطان سرکش حفظ کردیم؛ (7)
نمی توانند به جمع (فرشتگان عالَم) بالاتر گوش فرا دهند و از هر جانب به آنان (تیر) افکنده می‌شود؛ (8)
(آنان) رانده شده‌اند، و برایشان عذابی پایدار است! (9)
مگر کسی که (اسرار را) یکباره برباید، و شهاب درخشان شکافنده‌ای او را تعقیب کند. (10)
از آنان پرسش کن:» آیا آفرینش آنان سخت‌تر است یا کسانی که ما آفریدیم؟! «که ما آنان را از گل چسبنده‌ای آفریدیم. (11)
بلکه (از انکارشان) تعجب می کنی، و (آنان) ریشخند می‌کنند. (12)
و هنگامی که تذکّر داده شوند، یادآور نمی‌شوند. (13)
و هنگامی که نشانه‌ای (معجزه آسا) ببینند به ریشخند می‌گیرند. (14)
و می‌گویند:» این جز سحری آشکار نیست. (15)
آیا هنگامی که مُردیم و خاک و استخوان‌هایی (پوسیده) شدیم، آیا حتماً ما برانگیخته خواهیم شد؟! (16)
و آیا نیاکان نخستین ما (زنده می‌شوند)؟! « (17)
بگو:» آری، در حالی که شما خوار هستید. (18)
و آن فقط یک خروش است و ناگهان آنان (زنده می‌شوند و) نگاه می کنند؛ (19)
و می‌گویند: ای وای بر ما، این روز جزاست! « (20)
(ندا می آید:) این روز جدایی است که همواره آن را دروغ می انگاشتید. (21)
کسانی را که ستم کرده‌اند و همسانان ایشان و آنچه را جز خدا همواره می‌پرستیدند، (22)
گردآوری کنید و آنان را به سوی راه دوزخ رهنمون شوید. (23)
و آنان را نگاه دارید، [چرا] که آنان مورد بازپرسی قرار می‌گیرند. (24)

شما را چه شده که یکدیگر را یاری نمی کنید؟! (25)
بلکه امروز آنان در پی تسلیم‌اند. (26)
و برخی آنان به برخی [دیگر] رو کرده در حالی که از یکدیگر می‌پرسند؛ (27)
(پیروان به رهبران) گویند:» مسلماً شما همواره از درِ راستی با ما در می آمدید! « (28)
ترجمه قرآن، ص: 447
(رهبران در پاسخ) گویند:» بلکه (خودتان) مؤمن نبودید. (29)
و برای ما هیچ تسلّطی بر شما نبود، بلکه (شما) گروهی طغیانگر بودید. (30)
پس سخن (سنّت گونه) پروردگارمان در مورد (مجازات) ما تحقق یافت، قطعاً ما چشنده (عذاب) هستیم! (31)
و شما را گمراه کردیم، [چرا] که ما گمراه بودیم. « (32)
و در واقع آنان در آن روز در عذاب شریکند. (33)
در حقیقت ما با خلافکاران اینچنین می کنیم. (34)
[چرا] که آنان هنگامی که به ایشان گفته می‌شد:» هیچ معبودی جز خدا نیست. «همواره تکبّر می‌ورزیدند؛ (35)
و می‌گفتند:» آیا واقعاً ما معبودانمان را بخاطر شاعری دیوانه رهاکنیم؟! « (36)
(چنین نیست،) بلکه حق را آورده و فرستادگان (الهی) را تایید کرده‌است. (37)
قطعاً شما عذاب دردناکی را خواهید چشید! (38)
و جز به آنچه همواره انجام می‌دادید مجازات نخواهید شد. (39)
جز بندگان خالص شده خدا؛ (40)
آنان برایشان» روزی «معیّنی است، (41)
(از انواع) میوه‌هاست، و آنان گرامی داشته شده‌اند؛ (42)
در حالی که در بوستان‌های پر نعمت (بهشت)، (43)
برتخت هایی رویاروی همند، (44)
جامی از (شراب) لبریز برگردشان چرخانده می‌شود، (45)
(شرابی) سپید (و درخشان) که برای نوشندگان لذت بخش است؛ (46)
نه در آن تباهی (خرد) است، و نه آنان از آن مست می‌شوند. (47)
و نزد آنان (همسرانی) چشم فروهشته [و] فراخ دیده باشند؛ (48)
(از شدّت سفیدی) چنانکه‌گویی آنان تخم مرغ های (زیر پر) پنهان مانده اند. (49)
و برخی آنان به برخی [دیگر] رو کرده در حالی که از یکدیگر می‌پرسند، (50)

گوینده‌ای از آنان می‌گوید:» راستی من همنشینی (در دنیا) داشتم. (51)
که می‌گفت: آیا قطعاً تو از تأیید کنندگان (معاد) هستی؟ (52)
آیا هنگامی که مُردیم و خاک و استخوان‌هایی (پوسیده) شدیم آیا واقعاً ما جزاداده می‌شویم؟! « (53)
گوید:» آیا شما (از جای او) آگاهید؟ « (54)
پس آگاه شود و او را در میان دوزخ ببیند؛ (55)
ترجمه قرآن، ص: 448
گوید:» به خدا سوگند واقعاً نزدیک بود [مرا] به هلاکت اندازی. (56)
و اگر نعمت پروردگارم نبود، حتماً از احضار شدگان (در دوزخ) بودم! (57)
پس آیا ما جز به (همان) مرگ اوّلمان (دیگر) نمی‌میریم. (58)
و ما عذاب نخواهیم شد؟! (59)
قطعاً تنها این کامیابی بزرگ است! « (60)
پس باید برای مثل این (پاداش) کوشندگان عمل کنند. (61)
آیا این (نعمت‌های بهشتی بعنوان نخستین) پذیرایی بهتر است، یا درخت (نفرت‌انگیز) زَقُّوم؟! (62)
که ما آن را آزمایش (و عذاب) برای ستمکاران قرار دادیم. (63)
که آن درختی است که از بُن دوزخ بیرون می آید؛ (64)
شکوفه آن (درخت، از زشتی) چنانکه‌گویی همانند سرهای شیطان‌هاست! (65)
و قطعاً آن (ستمکار) ان از آن می خورند و شکم‌ها را از آن پرمی‌کنند. (66)
سپس قطعاً آنان بر روی آن (غذا)، آب سوزان آلوده می نوشند! (67)
سپس قطعاً بازگشت آنان به سوی دوزخ است. (68)
[چرا] که آنان پدرانشان را گمراه یافتند، (69)
و آنان بدنبال آن (پدر) ان می‌شتابند. (70) ترجمه قرآن 477
و بیقین قبل از آنان بیشتر پیشینیان گمراه شدند. (71)
و بیقین در [میان آنان هشدارگرانی فرستادیم. (72)
پس بنگر که فرجام هشدارداده شدگان چگونه شد؟! (73)
مگر بندگان خالص شده خدا (که نجات یافتند.) (74)
و بیقین نوح، ما را نداداد، و چه خوب پاسخ دهنده‌ای بودیم. (75)
و وی و خانواده اش را از اندوه بزرگ نجات دادیم؛ (76)
و تنها نسل اورا باقی گذاشتیم. (77)
و (نام نیک) او را در (میان ملت‌های) پسین برجای گذاشتیم. (78)
در میان جهانیان سلام بر نوح [باد]؛ (79)
که ما اینگونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. (80)
ترجمه قرآن، ص: 449

[چرا] که او از بندگان مؤمن ما بود. (81)
سپس دیگران (مشرکان) را غرق کردیم. (82)
و قطعاً ابراهیم از پیروان او بود؛ (83)
آنگاه که با دلی سالم به پیشگاه پروردگارش آمد؛ (84)
هنگامی که به پدر (مادرش یا عموی) ش و قومش گفت:» چه می پرستید؟! (85)
آیا دروغ بزرگ (که همان پرستش) معبودانی جز خداست را می خواهید؟! (86)
پس گمانتان به پروردگار جهانیان چیست؟! « (87)
پس با نگاهی به ستارگان در نگریست، (88)
و گفت:» در حقیقت من بیمارم. « (89)
پس (مشرکان) پشت کرده، از او روی برتافتند. (90)
پس به سوی معبودانشان روی کرد و گفت:» آیا [غذا] نمی خورید؟! (91)
شما را چه شده که سخن نمی‌گویید؟! « (92)
پس با ضربه (قدرتمند دست) راست، به سوی آن (معبود) ان روی آورد، (93)
و (مشرکان) شتابان به سوی او آمدند. (94)
(ابراهیم) گفت:» آیا آنچه را می تراشید می پرستید؟! (95)
و حال آنکه خدا شما و آنچه را می سازید، آفریده است! « (96)
(بت پرستان) گفتند:» ساختمان (آتشکده‌ا) ی برای او بسازید و وی را در آن دوزخ بیفکنید! « (97)
و خواستند برای او نقشه‌ای بکشند (و نابودش کنند)، و [لی آنان را فروترین (و خوارترین مردم) گردانیدیم. (98)
و (ابراهیم) گفت:» در حقیقت من به سوی پروردگارم رهسپارم، که بزودی [مرا] رهنمون شود. (99)
پروردگارا! به من از (فرزندان) شایسته ببخش! « (100)
پس او را به پسری بردبار مژده دادیم. (101)
و هنگامی که (پسر) به حد [کار و] کوشش با او رسید، گفت:» ای پسرکم! در حقیقت من در خواب می‌بینم که من تورا سر می‌برم! پس بنگر چه به نظرت می‌رسد؟ « (اسماعیل) گفت:» ای پدرم! آنچه را مأموریت داری انجام ده، اگر خدا بخواهد بزودی مرا از شکیبایان خواهی یافت. « (102)
و هنگامی که هر دو تسلیم شدند و او را به پیشانی بر خاک نهاد، (103)
و او را ندا دادیم که:» ای ابراهیم! (104)
بیقین آن خواب را تأیید کردی (و تحقق بخشیدی). «در واقع اینگونه، نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. (105)
قطعاً این تنها آزمایش روشنگر بود؛ (106)

ترجمه قرآن، ص: 450
و قربانی بزرگی را تاوان او دادیم. (107)
و (نام نیک) اورا در (میان ملت های) پسین برجای گذاشتیم. (108)
سلام بر ابراهیم! (109)
اینگونه، نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. (110)
[چرا] که او از بندگان مؤمنِ ما بود. (111)
و او را به اسحاق در حالی که پیامبری از شایستگان بود بشارت دادیم. (112)
و به او و به اسحاق برکت دادیم؛ و از نسل آن دو (برخی) نیکوکارند و (برخی) ستمکاری آشکار، برخویشتنند. (113)
و بیقین به موسی و هارون منّت نهادیم [و نعمت بزرگی بخشیدیم . (114)
و آن دو و قومشان را از اندوه بزرگ نجات دادیم؛ (115)
و آنان را یاری کردیم، پس فقط (آنان) بر دشمنان پیروز شدند. (116)
و به آن دو، کتاب روشنگر دادیم؛ (117)
و آن دو را به راه راست راهنمایی کردیم. (118)
و (نام نیک) آن دو را در (میان ملت های) پسین برجای گذاشتیم. (119)
سلام بر موسی و هارون! (120)
که اینگونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. (121)
[چرا] که آن دو از بندگان مؤمن ما بودند. (122)
و قطعاً الیاس از [جمله فرستادگان (خدا) بود؛ (123)
آنگاه که به قومش گفت:» آیا خودنگهداری (و پارسایی) نمی کنید؟! (124)
آیا بتِ» بعل «را می خوانید (و می پرستید) و نیکوترین آفرینندگان را رها می سازید؟! (125)
(همان) خدا که پروردگار شما و پروردگار نیاکان نخستین شماست! « (126)
پس او را تکذیب کردند؛ و قطعاً آنان (برای عذاب) احضار شدگانند! (127)
مگر بندگان خالص شده خدا. (128)
و (نام نیک) او را در (میان امت‌های) پسین برجای گذاردیم. (129)
سلام بر الیاسین! (130)
ترجمه قرآن، ص: 451
مسلماً ما اینگونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. (131)
[چرا] که او از بندگان مؤمن ماست. (132)
و قطعاً لوط از فرستاده شدگان (خدا) بود، (133)
آنگاه که او و خانواده‌اش همگی را نجات دادیم، (134)

مگر پیرزنی که در میان بازماندگان (در عذاب) بود. (135)
سپس دیگران را درهم کوبیدیم! (136)
و قطعاً شما صبحگاهان و شبانگاه برآنان می‌گذرید، (137)
پس آیا خردورزی نمی‌کنید؟! (138)
و قطعاً یونس از فرستادگان (خدا) بود. (139)
آنگاه که به سوی کشتی انباشته (از کالا و مردم) بگریخت؛ (140)
و با آنان قرعه افکند و (قرعه به نام او افتاد و) از ساقط شدگان (به دریا) شد. (141)
و ماهی (بزرگی) او را بلعید، در حالی که او سزاوار سرزنش بود؛ (142)
و اگر او از تسبیح کنندگان نبود، (143)
حتماً تا روزی که (مردم) برانگیخته می‌شوند در شکم آن (ماهی) درنگ می‌کرد! (144)
پس اورا به کرانه خشکی افکندیم در حالی که او بیمار بود؛ (145)
و بر فراز او گیاهی از (نوع) کدو برویاندیم. (146)
و او را به سوی صد هزار (نفر) یا بیشتر فرستادیم؛ (147)
و ایمان آوردند، و تا زمان (مرگ) بهره‌مندشان ساختیم. (148)
و از آن (مشرک) ان بپرس:» آیا فقط دختران برای پروردگار توست و فقط پسران برای آنان است؟! (149)
یا فرشتگان را ماده آفریدیم در حالی که آنان گواه بودند؟! « (150)
آگاه باشید که آنان قطعاً براثر دروغ بزرگشان می‌گویند: (151)
» خدا فرزند آورده. «در حالی که آنان مسلماً دروغگویند. (152)
آیا دختران را بر پسران برگزیده است؟! (153)
شما را چه شده؟! چگونه داوری می کنید؟! (154)
آیا (غافلید) و متذکّر نمی‌شوید؟! (155)
بلکه آیا دلیل آشکاری برای شماست؟ (156)
پس کتابتان را بیاورید اگر راست گویید! (157)
ترجمه قرآن، ص: 452
و (مشرکان) بین او (خدا) و بین جن‌ها نسبت (خویشاوندی) قراردادند، و بیقین جن‌ها می‌دانند که قطعاً آنان (برای عذاب) احضار شدگانند. (158)
منزّه است خدا از آنچه (اورا) وصف می کنند، (159)
مگر بندگان خالص شده خدا. (160)
و شما و آنچه را پرستش می کنید، (161)
شما براساس آن گمراه کننده (کسی) نیستید، (162)
مگر کسی که او در دوزخ وارد شود (و بسوزد). (163)
و هیچ یک از ما نیست جز آنکه جایگاه معیّنی دارد؛ (164)
و قطعاً فقط ما (برای اطاعت) صف کشیده‌ایم؛ (165)

و فقط ما تسبیح گوییم. (166)
و مسلماً همواره می‌گفتند: (167)
» اگر (بر فرض) یادی (از کتاب‌های) پیشینیان نزد ما بود، (168)
بیقین، ما بندگان خالص شده خدا بودیم. « (169)
و [لی بدان کفر ورزیدند، و در آینده خواهند دانست. (170)
و بیقین سخن (سنت گونه) ما در مورد بندگان فرستاده شده ما از پیش (مقرر شده) است. (171)
که قطعاً تنها آنان یاری شدگانند، (172)
و مسلماً فقط لشکر ما پیروزند. (173)
پس تا زمان [معیّنی از آنان روی برتاب. (174)
و آنان را بنگر پس در آینده خواهند دید! (175)
و آیا آنان به عذاب ما شتاب می‌ورزند؟! (176)
و [لی هنگامی که (عذاب) در آستانه (خانه‌ها) یشان فرود آید، پس صبحگاهِ هشدار داده‌شدگان، بد است! (177)
و تا زمان [معیّنی از آنان روی برتاب. (178)
و بنگر پس در آینده خواهند دید. (179)
پروردگار تو، (همان) پروردگار شکست ناپذیر، منزّه است از آنچه (مشرکان) وصف می‌کنند. (180)
و سلام بر فرستاده شدگان (خدا)! (181)
و ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است. (182)
ترجمه قرآن، ص: 453

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
صاد، سوگند به قرآن صاحب یاد (که تو برحقّی)! (1)
بلکه کسانی که کفر ورزیدند در نخوت و ستیز [و جدایی هستند. (2)
چه بسیار گروه‌هایی را پیش از آنان هلاک کردیم؛ و (به هنگام عذاب، ما را) ندا دادند، در حالی که زمان پناهجویی نبود. (3)
و (مشرکان) به شگفت آمدند که (پیامبری) هشدارگر از میان آنان به سراغشان آمد؛ و کافران گفتند:» این ساحر بسیار دروغگویی است. (4)
آیا معبودان (متعدد) را معبود یگانه گردانیده است؟! قطعاً این چیزی بسیار شگفت‌آور است! « (5)
و اشراف آنان باشتاب به راه افتادند (و گفتند:) بروید و بر (پرستش) معبودانتان شکیبا باشید، قطعاً این چیزی است که خواسته شده است. (6)
این (مطالبِ پیامبر) را در آیین بازپسین نشنیده‌ایم؛ این (ادعا) جز دروغی بربافته نیست. (7)
آیا از میان ما، آگاه کننده [قرآن بر او [محمد] فروفرستاده شده است؟!
بلکه آنان از (وحی) یادآور من، در شک‌اند، بلکه هنوز عذاب [من را نچشیده‌اند. (8)
یا منابع رحمت پروردگار شکست ناپذیر [و] بسیار بخشنده تو نزد آنان است؟! (9)
یا فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه میان این دو است از آن آنان است؟! (اگر چنین است) پس با وسایلی به (آسمان) بالا روند. (10)
(آنان) لشکرکی از حزب‌ها هستند که در آنجا شکست خورده‌اند. (11)
پیش از آنان قوم نوح و عاد و فرعونِ صاحب میخ‌ها، (پیامبران ما را) تکذیب کردند. (12)
و (نیز) ثمود و قوم لوط و اهل ایکه (سرزمین پردرخت قوم شعیب) آنان حزب‌هایی بودند (که پیامبران را تکذیب کردند). (13)
هیچ کدام نبودند مگر اینکه فرستادگان (خدا) را تکذیب کردند و کیفر [من برآنان تحقق یافت. (14)
اینان جز یک بانگ (مرگبار) را انتظار نمی‌کشند، که هیچ بازگشتی برای آن وجود ندارد! (15)
و (مشرکان) گفتند:» [ای پروردگار ما! قبل از روز حساب در دادن سهم ما (از عذاب، بر ایمان) شتاب کن. « (16)
برآنچه می‌گویند شکیبا باش: و یادکن بنده ما داود را که صاحب دستان (قدرتمندی) بود، که او توبه کار بود. (17)

در حقیقت ما (منافع) کوه‌ها را مسخر (او) ساختیم که هر عصرگاه و بامداد با او تسبیح می‌گفتند. (18)
و پرندگان را (رام او ساختیم) در حالی که گردآمده [و] همه به سوی او بازگشت می‌کردند. (19)
و فرمانروایی او را محکم ساختیم؛ و به او فرزانگی و سخنی فیصله بخش دادیم. (20)
ترجمه قرآن، ص: 454
و آیا خبر بزرگ دعواگران به تو رسید هنگامی که از محراب (داود) بالا رفتند؟! (21)
(همان) هنگام که بر داود وارد شدند و از آنان وحشت کرد؛ گفتند:» نترس، (ما) دو، دعواگریم که برخی از ما بر برخی [دیگر] ستم کرده، پس میان ما بحق داوری کن و گزاف مگوی و ما را به راه درست راهنمایی کن. (22)
در واقع این برادر من است، او نود و نه میش دارد و من یک میش دارم، و [لی گفته است که مرا سرپرست آن (یک میش نیز) بنما؛ و در سخن بر من غلبه کرده است. « (23)
(داود) گفت:» بیقین با درخواست میش تو برای افزودن به میش‌هایش، برتو ستم نموده؛ و قطعاً بسیاری از شریکان (و دوستان) برخی آنان بر برخی [دیگر] ستم می‌کنند، مگر کسانی که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام داده اند؛ و [لی آنان اندکند. «و داود دانست که اورا آزمایش کرده‌ایم، پس از پروردگارش طلب آمرزش نمود و رکوع کنان (بر زمین) افتاد و (با توبه به سوی خدا) بازگشت. (24)
و ما آن (کار) را بر او آمرزیدیم، و قطعاً برای او نزد ما (مقامی) نزدیک و بازگشتی نیکوست. (25)
ای داود! در واقع ما تو را جانشین [نماینده خود] در زمین قرار دادیم؛ پس بین مردم بحق داوری کن، و از هوس پیروی مکن که تورا از راه خدا گمراه می سازد؛ در حقیقت کسانی که از راه خدا گمراه شوند، بخاطر فراموش کردن روز حساب، عذاب شدیدی برای آنان است! (26)
و آسمان و زمین و آنچه را میان آن دو است بیهوده نیافریدیم؛ این گمان کسانی است که کفر ورزیدند؛ پس وای بر کسانی که کفر ورزیدند از آتش (دوزخ). (27)
بلکه آیا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند همچون فسادگران در زمین قرار می‌دهیم، یا پارسایان (خود نگهدار) را همچون بدکاران قرار می‌دهیم؟! (28)
(این) کتابی خجسته است که آن را به سوی تو فرو فرستادیم، تا در آیات آن تدبّرکنند و تا خردمندان متذکّر شوند. (29)
و سلیمان را به داود بخشیدیم؛ چه بنده نیکویی بود! [چرا] که او توبه کار

بود. (30)
ترجمه قرآن، ص: 455
(یادکن) هنگامی را که عصرگاهان اسبان چابک تندرو بر او عرضه شد، (31)
و گفت:» در حقیقت من (اسبان) نیکو را بخاطر یاد پروردگارم دوست دارم. « (و به آنها نگاه کرد) تا اینکه در (پشت) مانعی پنهان شدند. (32)
(و گفت:) آنها را نزد من بازگردانید. پس شروع کرد که بر ساق‌ها و گردن‌های آنها دست کشد. (33)
و بیقین سلیمان را آزمودیم و بر تخت او جَسدی افکندیم؛ سپس (با توبه به سوی خدا) بازگشت. (34)
گفت:» پروردگارا! مرا بیامرز و حکومتی به من ببخش که بعد از من سزاوار هیچ کس نباشد، [چرا] که تنها تو بسیار بخشنده‌ای. « (35)
و باد را رام او ساختیم، در حالی که به فرمانش بنرمی به هر کجا خواست روان می‌شد. (36)
و شیطان ها را (از) هر بنّا و غوّاص (رام او ساختیم). (37)
و (گروه) دیگر را که نزدیک به همدیگر در زنجیرها [بسته شده اند (تحت سلطه او قرار دادیم). (38)
(و به او گفتیم:) این بخشش ماست؛ پس بی‌شمار [و بدون محاسبه ببخش یا نگاه‌دار. (39)
و قطعاً برای او [سلیمان ، نزد ما (مقامی) نزدیک و بازگشتی نیکوست. (40)
و یادکن بنده ما ایّوب را، هنگامی که پروردگارش را ندا داد: که شیطان به من رنج و عذابی رساند! (41)
(به او گفتیم:) پای خود را (بر زمین) بکوب؛ این (چشمه) آبی سرد و نوشیدنی است. (42)
و خانواده‌اش و همانند آنان را همراهشان به او بخشیدیم، تا رحمتی از جانب ما و تذکّری برای خردمندان باشد. (43)
(و به او گفتیم:) دسته ای (گیاه) به دست گیر و با آن بزن و سوگند خود را مشکن. که ما او را شکیبا یافتیم؛ چه بنده نیکویی بود [چرا] که او توبه‌کار بود. (44)
و یادکن بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را، که صاحبان دستان (نیرومند) و چشمان (با بصیرت) بودند. (45)
در حقیقت ما آنان را با خلوص [ویژه ای خالص کردیم، که (همان) یادآوری سرا (ی آخرت) بود. (46)
ترجمه قرآن، ص: 456
و قطعاً آنان نزد ما از برگزیدگان نیکند. (47)

و یادکن اسماعیل و یَسع و ذُو الکَفل را، و همه از نیکانند. (48)
این یادمان است؛ و قطعاً برای پارسایان (خودنگهدار) بازگشتی نیکوست. (49)
(همان) بوستان‌های ماندگار (بهشتی) در حالی که درها برایشان گشوده شده است؛ (50)
در آنجا (برتخت‌ها) تکیه کرده اند، [و] در آنجا میوه‌های فراوان و نوشیدنی فرا می‌خوانند. (51)
و نزد آنان (همسران) چشم فرو هشته همسالند. (52)
این چیزی است که برای روز حساب (بدان) وعده داده می‌شوید. (53)
قطعاً این» روزی «ماست در حالی که هیچ پایانی برای آن نیست. (54)
این (پاداش پارسایان است)، و قطعاً برای طغیانگران بدترین بازگشت است. (55)
(همان) جهنّمی که در آن وارد می‌شوند (و می‌سوزند)؛ پس چه بستر بدی است! (56)
این آب سوزان و چرکاب است، و باید از آن بچشند! (57)
و انواع دیگر از (عذاب) همانند آن دارند. (58)
(طغیانگران می‌گویند:) این گروهی است که همراه شما با مشقّت وارد (دوزخ) می‌شوند؛ وسعت (و خوشامد) برآنان مباد، [چرا] که ایشان وارد آتش می‌شوند (و می‌سوزند)! (59)
(پیروان به سران خود) گویند:» بلکه شما وسعت (و خوشامد) برایتان مباد، که شما آن (عذاب) را فرا پیش ما نهادید، و چه بد قرارگاهی است! « (60)
گویند:» [ای پروردگار ما! هر کس این (عذاب) را فراپیش ما نهاد، پس عذابی دو برابر در آتش برایش بیفزا! « (61)
و گویند:» ما را چه شده در حالی که مردانی را که همواره آنان را از اشرار می‌شمردیم، (در آتش) نمی بینیم؟! (62)
آیا آنان را به ریشخند گرفته‌ایم یا چشمان از آنان منحرف شده است؟! « (63)
قطعاً این (گفتگوها) حق، [و] کشمکش اهل آتش است. (64)
بگو:» من فقط هشدار دهنده‌ام؛ و هیچ معبودی جز خدای یگانه چیره نیست، (65)
ترجمه قرآن، ص: 457
پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دو، شکست‌ناپذیر بسیار آمرزنده است. « (66)
بگو:» آن خبری بسیار بزرگ است، (67)
که شما از آن رویگردانید! (68)

برای من هیچ علمی به جمع (عالم) بالاترنیست، هنگامی که کشمکش می‌کنند. (69)
به سوی من وحی نمی‌شود جز اینکه من هشدارگری روشنگرم. « (70)
(یادکن) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت:» در واقع من آفریننده بشری از گِل هستم؛ (71)
و هنگامی که اورا مرتب نمودم و از روح خود در او دمیدم، پس برای او سجده‌کنان درافتید. « (72)
و فرشتگان همه آنها، دستجمعی سجده کردند، (73)
جز ابلیس که تکبّر ورزید، در حالی که از کافران بود. (74)
(خدا) گفت:» ای ابلیس! چه چیز تو را بازداشت که بر چیزی که با دستان (قدرت) م آفریدم، سجده کنی؟! آیا تکبّر ورزیدی یا از برتری جویان بودی؟! « (75)
گفت:» من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریدی و او را از گِل آفریدی. « (76)
(خدا) فرمود:» از آن [مقام فرشتگان بیرون شو، چرا که تو رانده شده‌ای. (77)
و در واقع تا روز جزا لعنت من برتوست! « (78)
(ابلیس) گفت:» پروردگارا، پس مرا تا روزی که (مردم) برانگیخته خواهند شد مهلت ده. « (79)
(خدا) فرمود:» پس در واقع تو از مهلت داده شدگانی، (80)
تا روز زمان معلوم. « (81)
(ابلیس) گفت:» پس به عزّتت سوگند، که حتماً همه آنان را می فریبم! (82)
مگر بندگانِ خالص شده تو، از میان آنان. « (83)
(خدا) فرمود:» پس حق (از من است) و فقط حق می‌گویم. (84)
حتماً جهنّم را از تو و همه کسانی از آنان که از تو پیروی کند پر می کنم! « (85)
(ای پیامبر!) بگو:» از شما هیچ پاداشی بر این (قرآن و رسالت) نمی طلبم، و من از ظاهر سازان (ریاکار) نیستم. « (86)
این (قرآن) جز یاد آوری برای جهانیان نیست؛ (87)
ترجمه قرآن، ص: 458
و قطعاً خبر بزرگ آن را بعد از مدّتی خواهید دانست. (88)

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
فروفرستادن کتاب (قرآن)، از جانب خدای شکست ناپذیر فرزانه است. (1)
در حقیقت ما این کتاب را بحق به سوی تو فروفرستادیم. پس خدا را در حالی که دین خود را برای او خالص کرده‌ای، پرستش کن. (2)
آگاه باشید که دین خالص فقط از آنِ خداست، و کسانی که جز او سرپرستانی بر می‌گزینند، (و می‌گویند:) آنان را نمی‌پرستیم مگر بخاطر اینکه ما را به خدا کاملًا نزدیک سازند. در حقیقت خدا بین آنان در مورد آنچه در باره آن اختلاف کنند داوری می‌کند؛ در واقع خدا کسی را که وی دروغگو و بسیار ناسپاس است راهنمایی نمی‌کند. (3)
اگر (بر فرض) خدا می خواست فرزندی برگزیند، حتماً از آنچه می آفریند، آنچه را می‌خواست بر می‌گزید؛ او منزّه است (از اینکه فرزندی داشته باشد)! او خدای یگانه چیره است. (4)
آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید؛ شب را بر روز می پیچد و روز را بر شب می‌پیچد؛ و خورشید و ماه را مسخّر کرد، که هر کدام تا سرآمد معیّنی روانند؛ آگاه باشید که او شکست‌ناپذیر بسیار آمرزنده است. (5)
شما را از یک شخص آفرید، سپس از او همسرش را آفرید؛ و برای شما هشت زوج از دام‌ها (پدید آورد و) فروفرستاد، شما را در شکم‌های مادرانتان آفرینشی بعد از آفرینش [دیگر]، در میان تاریکی‌های (لایه‌های) سه گانه، آفرید؛ این خدا، پروردگار شماست؛ فرمانروایی تنها از آن اوست؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ پس چگونه (از حق) روی گردانیده می‌شوید؟! (6)
اگر ناسپاسی کنید، پس در واقع خدا از شما بی نیاز است، و ناسپاسی را برای بندگانش نمی پسندد؛ و اگر سپاسگزاری کنید آن را برای شما می پسندد. و هیچ بار برداری بار سنگین (گناه) دیگری را بر نمی‌دارد. سپس بازگشت شما فقط به سوی پروردگارتان است، و شما را از آنچه همواره انجام می‌دادید با خبر می سازد؛ [چرا] که او به (اسرار) درون سینه‌ها داناست. (7)
و هنگامی که انسان را زیان (و رنج) ی رسد، پروردگارش را می‌خواند در حالی که بازگشت کننده به سوی اوست؛ سپس هنگامی که نعمتی از خود به او عطا کند، آنچه را همواره بخاطر آن قبلًا (خدا را) می‌خواند، فراموش می‌کند و برای خدا همانند هایی (معبود گونه) قرار می‌دهد تا (مردم را) از راه او گمراه سازد؛ بگو:» اندکی از کفر خویش بهره‌مند باش که در

حقیقت تو از همراهان آتشی. « (8)
آیا (چنین کسی با ارزش است)، یا کسی که او شبانگاهان سجده کنان و ایستاده فرمانبرداری فروتن است؛ [و] از آخرت بیمناک است و به رحمت پروردگارش امیدواراست؟! بگو:» آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟! فقط خردمندان متذکّر می‌شوند. « (9)
ترجمه قرآن، ص: 459
بگو:» ای بندگان [من که ایمان آورده‌اید! [خودتان را] از [عذاب پروردگارتان حفظ کنید؛ برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده اند نیکی است؛ و زمین خدا وسیع است، فقط شکیبایان پاداششان را بی شمار [و بدون محاسبه بطور کامل دریافت می‌کنند. « (10)
بگو:» درواقع من فرمان داده شده‌ام که خدا را پرستش کنم در حالی که دین (خود) را برای او خالص کرده مسلمان باشم. (11)
و فرمان داده شده‌ام که نخستین مسلمان باشم. « (12)
بگو:» در حقیقت اگر من پروردگارم را نافرمانی کنم، از عذاب روز بزرگ (قیامت) می‌ترسم! « (13)
بگو:» فقط خدا را می پرستم در حالی که دینم را برای او خالص می کنم. (14)
ترجمه قرآن، ص: 460
و (شما) جز او هر چه را می خواهید بپرستید. «بگو:» در واقع زیانکاران کسانی هستند که به خودشان و خانواده هایشان در روز رستاخیز زیان رسانده‌اند؛ آگاه باشید که این فقط زیان آشکار است! « (15)
برای آنان از بالای سرشان سایبان‌هایی از آتش است، و (نیز) از زیر (پای) شان سایبان‌های (آتش) است؛ این (چیزی است) که خدا با آن بندگانش را می‌ترساند، ای بندگان [من ! پس [خودتان را از عذاب من حفظ کنید. (16)
و کسانی که از طغیانگر، که آن را می پرستیدند دوری کردند و به سوی خدا بازگشتند، تنها برای آنان مژده است، پس بندگان [من را مژده ده؛ (17)
(همان) کسانی که به سخن (ها) گوش فرامی‌دهند و از نیکوترین آن پیروی می کنند؛ آنان کسانی هستند که خدا راهنمایی‌شان کرده و فقط آنان خردمندانند. (18)
و آیا کسی که سخن (و وعده) عذاب بر او محقق می‌شود (قابل نجات است،) و آیا تو کسی را که در آتش است نجات می‌دهی؟! (19)
ولی کسانی که [خودشان را] از [عذاب پروردگارشان حفظ کردند، برای آنان جایگاه‌های (بلند بهشتی) است که بر فراز آنها جایگاه‌هایی ساخته شده است، در حالی که از زیر آنها نهرها روان است؛ (این) وعده خداست،

که خدا از وعده (خود) تخلّف نمی‌کند. (20)
آیا نظر نکرده‌ای که خدا از آسمان آبی فروفرستاد و آن را به چشمه‌هایی که در زمین است وارد نمود، سپس بوسیله آن زراعتی را با رنگ‌های متفاوتش بیرون می آورد؛ سپس خشک می‌گردد، پس آن را زرد می بینی؛ سپس آن را درهم شکسته می‌گرداند؟! قطعاً در این (مطلب) تذکّری برای خردمندان است. (21)
و آیا کسی که خدا سینه‌اش را برای (پذیرش) اسلام گشاده است و او برفراز نوری از جانب پروردگارش است (همانند سخت دلان است؟!) پس وای بر آنان که در برابر یادخدا سخت دلند! آنان در گمراهی آشکاری هستند. (22)
خدا نیکوترین سخن را فروفرستاده است، کتابی همگون (که آیاتش) مکرر است. پوست‌های (بدن) کسانی که از پروردگارشان هراس دارند، از (شنیدن آیات) ش به لرزه در می‌آید؛ سپس پوست‌هایشان و دل‌هایشان به یادخدا نرم می‌شود. این رهنمود خداست که هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، با آن راهنمایی می کند؛ و هر کس را خدا (بخاطر اعمالش) در گمراهی وانهد، پس هیچ راهنمایی برای او نیست. (23)
و آیا کسی که از عذاب بد روز رستاخیز با صورتش خودنگهداری می کند، (همانند کسی است که آتش دوزخ به او نمی رسد)؟! و به ستمکاران گفته می‌شود:» بچشید آنچه را همواره کسب می کردید! « (24)
کسانی که پیش از آنان بودند (نیز آیات الهی را) دروغ انگاشتند، و عذاب از جایی که (با درک حسّی) متوجه نمی‌شدند به سراغشان آمد. (25)
ترجمه قرآن، ص: 461
پس خدا رسوایی را در زندگی پست (دنیا) به آنان چشانید، و حتماً عذاب آخرت بزرگتر است اگر (بر فرض) می‌دانستند! (26)
و بیقین برای مردم در این قرآن از هر (گونه) مثالی زدیم، باشد که آنان متذکّر شوند. (27)
(قرآن را فروفرستادیم) در حالی که خواندنی، عربی (واضح و) بدون انحراف است؛ باشد که آنان خودنگهدار (و پارسا) شوند. (28)
خدا مثلی زده است: مردی که ستیزه جویان در او شریکند، و مردی که تسلیم (یک) مرد است؛ آیا (این دو) در مثال یکسانند؟! ستایش مخصوص خداست، بلکه بیشتر آنان نمی‌دانند. (29)
مسلماً تو می‌میری و حتماً آنان (نیز) می‌میرند. (30)
سپس در حقیقت شما روز رستاخیز نزد پروردگارتان کشمکش می کنید. (31)
پس چه کسی ستمکارتر است از کسی که بر خدا دروغ بندد و (وحی) راستین را هنگامی که به سراغ او آمده تکذیب کند؟! آیا در جهنّم جایگاهی

برای کافران نیست. (32)
و کسی که (وحی) راستین را آورد، و آن را تایید کرد، فقط آنان (خودنگهداران) و پارسایانند. (33)
تنها برای آنان آنچه را که بخواهند نزد پروردگارشان است؛ این پاداش نیکوکاران است. (34)
تا خدا بدترین چیزی را که انجام داده‌اند از آنان بزداید، و آنان را بر طبق بهترین چیزی که همواره انجام می‌دادند، به آنان پاداش دهد. (35)
ترجمه قرآن، ص: 462
آیا خدا کفایت کننده بنده‌اش نیست؟! و تورا از کسانی که غیر او هستند، می‌ترسانند. و هر کسی را خدا (بخاطر اعمالش) در گمراهی وانهد، پس هیچ راهنمایی برای او نیست. (36)
و هر کسی را خدا رهنمون شود، پس هیچ گمراه کننده‌ای برای او نیست؛ آیا خدا شکست ناپذیری صاحب انتقام نیست؟! (37)
و اگر از آن [مشرک ان بپرسی:» چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفرید؟ «حتماً می‌گویند:» خدا «بگو:» و آیا هیچ درباره آنچه که غیر از خدا می خوانید (و می پرستید) نظر کردید که اگر خدا زیانی برای من بخواهد، آیا آنان برطرف کننده زیان او هستند؟! یا (اگر) رحمتی برای من بخواهد، آیا آنها بازدارنده رحمت او هستند؟! «بگو:» خدا مرا بس است؛ توکّل کنندگان فقط بر او توکّل می کنند. « (38)
بگو:» ای قوم [من ! هر چه مقدور شماست انجام دهید، که من (هم) انجام می‌دهم؛ و در آینده خواهید دانست، (39)
چه کسی عذابی که رسوایش سازد او را در رسد، و عذابی پایدار بر او فرود آید! « (40)
در حقیقت ما کتاب [قرآن را برای مردم بحق برتو فروفرستادیم، و هر کس راه یابد پس به سود خود اوست؛ و هر کس گمراه شود پس فقط به زیان خود گمراه می‌شود؛ و تو حمایت‌گر آنان نیستی. (41)
خدا جان‌ها را هنگام مرگشان و (نیز روح) آنکه نمرده است را در خوابش بطور کامل می‌گیرد. پس (جان) کسی را که مرگ را بر او مقرر کرده نگاه می‌دارد و (روح آن) دیگری را تا سرآمد معیّنی باز می فرستد؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکّر می‌کنند. (42)
بلکه آیا غیر از خدا شفاعتگرانی برگزیده اند؟! بگو:» آیا (از آنان شفاعت می طلبید) و گرچه هرگز مالک چیزی نمی‌باشند و خردورزی نمی‌کنند؟! « (43)
بگو:» تمام شفاعت فقط از آنِ خداست، که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین تنها از آن اوست، سپس فقط به سوی او بازگردانده می‌شوید. « (44)
ترجمه قرآن، ص: 463

و هنگامی که خدا به یگانگی یاد می‌شود، دل های کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند متنفّر می‌شود؛ و چون کسانی که غیر از او هستند یاد شوند، ناگهان آنان شادی می‌کنند (و مژده می‌دهند). (45)
بگو:» خدایا! [ای شکافنده (و آفریننده) آسمان ها و زمین [و] دانای نهان و آشکار، تو در بین بندگانت در مورد آنچه در باره آن همواره اختلاف می‌کردند داوری می‌کنی. « (46)
و اگر (بر فرض) برای کسانی که ستم کردند، تمام آنچه در زمین است، و همانندش با آن باشد، حتماً آن را (برای نجات خود) از عذابِ بدِ روز رستاخیز تاوان می‌دهند! و از [جانب خدا برای آنان آنچه را هرگز نمی پنداشتند آشکار شود. (47)
و بدی‌های آنچه کسب کردند برای شان آشکار شود، و آنچه که همواره آن را ریشخند می کردند آنان را فروگیرد. (48)
و هنگامی که انسان را زیان (و رنج) ی رسد، ما را می‌خواند، سپس هنگامی که نعمتی از جانب خود به او عطا کنیم، گوید:» آن (نعمت) فقط براساس دانشی (که داشته ام) به من داده شد. «بلکه آن آزمایشی است و لیکن بیشترشان نمی‌دانند. (49)
بیقین کسانی که پیش از آنان بودند (نیز) آن را گفتند، و [لی آنچه همواره کسب می کردند، (عذاب الهی را) از آنان دفع نکرد. (50)
و بدی‌های آنچه را کسب کردند به آنان در رسید، و کسانی که از آن (کافر) ان ستم کردند، بزودی بدی‌های آنچه را کسب کردند به آنان در رسد؛ در حالی که آنان عاجز کننده (خدا) نیستند. (51)
ترجمه قرآن، ص: 464
و آیا ندانستند که خدا» روزی «را برای هر کس بخواهد (و شایسته بداند) گسترده سازد، و تنگ گرداند؟! قطعاً در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که ایمان می‌آورند. (52)
بگو:» ای بندگان من که در مورد خودتان زیاده روی کرده‌اید، از رحمت خدا ناامید نشوید، [چرا] که خدا تمام آثار (گناهان) را می آمرزد؛ که تنها او بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (53)
و به سوی پروردگارتان بازگردید و تسلیم او شوید، پیش از آنکه عذاب به سراغ شما آید، سپس یاری نخواهید شد. (54)
و از نیکوترین چیزی که از جانب پروردگارتان به سوی شما فرو فرستاده شده پیروی کنید، پیش از آنکه ناگهان عذاب به سراغ شما آید در حالی که شما (با درک حسی) متوجه نمی‌شوید! « (55)
(اینها بخاطر آن است که) مبادا شخصی (روز رستاخیز) بگوید:» ای افسوس بر من که در جانب (دستورات) خدا کوتاهی کردم، و در واقع (من) از ریشخند کنندگان بودم! « (56)

یا بگوید:» اگر (بر فرض) خدا مرا راهنمایی می‌کرد، حتماً از پارسایان (خودنگهدار) می‌بودم. « (57)
یا هنگامی که عذاب را می‌بیند بگوید:» کاش برای من بازگشتی [به دنیا] بود، تا از نیکوکاران می‌شدم! « (58)
آری، بیقین نشانه‌های من به سراغ تو آمد، و [لی آنها را دروغ انگاشتی، و تکبّر ورزیدی و از کافران بودی. (59)
و روز رستاخیز کسانی را که بر خدا دروغ بستند می‌بینی در حالی که چهره‌هایشان سیاه است؛ آیا در جهنّم جایگاهی برای متکبّران نیست؟! (60)
ترجمه قرآن، ص: 465
و خدا کسانی را که خود نگهداری می کنند، با کامیابی‌شان نجات می‌دهد؛ در حالی که بدی به آنان نمی رسد و نه آنان اندوهگین می‌شوند. (61)
خدا آفریننده همه چیز است و او بر هر چیزی کارساز است. (62)
کلیدهای آسمان‌ها و زمین فقط از آن اوست؛ و کسانی که به آیات خدا کفر ورزیدند، تنها آنان زیانکارانند. (63)
بگو:» ای نادانان! پس آیا به من فرمان می‌دهید که غیر خدا را بپرستم؟! « (64)
و بیقین به سوی تو و به سوی کسانی که پیش از تو بودند، وحی شد که اگر شرک‌ورزی، قطعاً عملت تباه می‌شود و حتماً از زیانکاران خواهی بود. (65)
بلکه فقط خدا را بپرست و از سپاسگزاران باش. (66)
و خدا را به حقیقت معرفتش نشناختند، و در روز رستاخیز تمام زمین در قبضه (قدرت) اوست؛ و آسمان‌ها با دست راست (قدرت) ش درهم پیچیده شده است. او منزّه و برتر است از آنچه شریک (او) قرار می‌دهند. (67)
و در شیپور دمیده می‌شود، پس کسانی که در آسمان‌ها و کسانی که در زمینند مدهوش می‌شوند (و می‌میرند)، مگر کسانی که خدا بخواهد؛ سپس [بار] دیگر در آن (شیپور) دمیده می‌شود، و ناگهان آنان ایستاده‌اند، در حالی که منتظر (حساب) هستند! (68)
و (در رستاخیز) زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود، و نامه (اعمال) نهاده می‌شود، و پیامبران و گواهان آورده می‌شوند، و بینشان به حق داوری می‌شود در حالی که آنان مورد ستم واقع نمی‌شوند. (69)
و به هر شخص آنچه انجام داده است بطور کامل داده شود؛ و او نسبت به آنچه انجام دهند داناتر است. (70)
و کسانی که کفر ورزیدند گروه گروه به سوی جهنّم رانده می‌شوند؛ تا هنگامی که نزد آن می آیند درهایش گشوده می‌شود، و نگهبانان آن (دوزخ)

به ایشان گویند:» آیا فرستادگانی از شما به سراغتان نیامدند در حالی که آیات پروردگارتان را بر شما بخوانند [و پیروی کنند] و شما را از ملاقات این روزتان هشدار دهند؟! « (کافران) گویند:» آری (آمدند و ما مخالفت کردیم) و لیکن سخن (و وعده) عذاب بر کافران به حقیقت پیوست. « (71)
ترجمه قرآن، ص: 466
(به کافران) گفته می‌شود:» از درهای جهنّم وارد شوید، در حالی که در آنجا ماندگارید؛ و جایگاه متکبّران چه بداست! « (72)
و کسانی که از (مخالفت) پرودگارشان خودنگهداری کردند، گروه گروه به سوی بهشت رانده می‌شوند؛ تا هنگامی که نزد آن می‌آیند در حالی که درهایش گشوده می‌شود و نگهبانان آن (بهشت) به آنان گویند:» سلام بر شما باد! خوش باشید، پس به آن (بهشت) وارد شوید در حالی که ماندگارید. « (73)
و (پارسایان) می‌گویند:» ستایش مخصوص خدایی است که وعده‌اش را درباره ما راست گردانید، و [سر] زمین (بهشت) را به ما ارث داد، در حالی که در هر کجایی از بهشت که بخواهیم جای گیریم؛ و پاداش اهل عمل چه نیکوست! « (74)
و (در رستاخیز) فرشتگان را می بینی در حالی که برگرد تخت (جهانداری و تدبیر هستی خدا) حلقه زده‌اند [و] با ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند؛ و بینشان به حق داوری می‌شود؛ و گفته می‌شود:» ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است. « (75)
ترجمه قرآن، ص: 467

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
حامیم. (1)
فرو فرستادن کتاب (قرآن) از جانب خدای شکست‌ناپذیر داناست. (2)
(همان) آمرزنده پیامد (گناه) و پذیرنده توبه، سخت کیفر، سرمایه‌دار، هیچ معبودی جز او نیست؛ فرجام (همه) فقط به سوی اوست. (3)
در آیات خدا جز کسانی که کفر ورزیدند مجادله نمی‌کنند؛ پس رفت و آمد آنان در شهرها تو را نفریبد! (4)
پیش از آن (کافر) ان قوم نوح و حزب‌هایی که بعد از ایشان بودند (پیامبران را) تکذیب کردند؛ و هر امّتی نسبت به فرستاده‌شان (سوء) قصد کردند، تا او را بگیرند، و به (سخنان) باطل مجادله کردند تا بوسیله آن حق را بلغزانند؛ و (لی) آنان را گرفتار (مجازات) کردم، پس کیفر (من) چگونه بود؟! (5)
و اینگونه سخن پروردگارت بر کسانی که کفر ورزیدند، به حقیقت پیوست، که آنان اهل آتشند. (6)
کسانی که تخت (جهانداری و تدبیر هستی) را بر دوش می‌کشند و کسانی که اطراف آن هستند با ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند و به او ایمان می‌آورند، و برای کسانی که ایمان آورده‌اند طلب آمرزش می‌کنند (و می‌گویند: ای) پروردگار ما! رحمت و علم تو بر همه چیز گسترده است؛ پس کسانی را که توبه کردند و راه تو را پیروی کردند بیامرز و آنان را از عذاب دوزخ حفظ کن! (7)
ای پروردگار ما! آنان را در بوستان‌های (ویژه بهشتِ) ماندگاری که به آنان وعده داده‌ای، وارد کن؛ (و نیز) کسانی از پدرانشان و همسرانشان و نسل آنان که شایسته‌اند (را به بهشت وارد کن)؛ [چرا] که تنها تو شکست‌ناپذیر [و] فرزانه‌ای. (8)
و آنان را از بدی‌ها نگاه دار، در آن روز (رستاخیز) هر کس را از بدی‌ها نگاه داری، پس بیقین بر او رحمت آورده‌ای؛ و تنها آن کامیابی بزرگ است. (9)
در حقیقت کسانی که کفر ورزیدند (روز رستاخیز) ندا داده می‌شوند که حتماً خشم خدا از کینه شما نسبت به خودتان بزرگ‌تر است. هنگامی که به سوی ایمان فراخوانده شدید و [لی کفر ورزیدید. (10)
(کافران) گویند:» [ای پروردگار ما! ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی؛ و به گناهانمان اعتراف کردیم؛ پس آیا هیچ راهی برای خارج شدن (از دوزخ) وجود دارد؟ « (11)

ترجمه قرآن، ص: 468
این بخاطر آن است که وقتی خدا به یگانگی خوانده می‌شد کفر می‌ورزیدید، و اگر برای او شریک قرار داده می‌شد (به آن شریک) ایمان می‌آوردید؛ پس داوری برای خدای بلند مرتبه بزرگ است. (12)
او کسی است که نشانه‌هایش را به شما می‌نماید، و از آسمان برای شما» روزی «فرو می‌فرستد؛ و جز کسی که (به سوی خدا) باز می‌گردد متذکّر نمی‌شود. (13)
پس خدا را در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانیده‌اید، بخوانید؛ و گرچه کافران ناخشنود باشند. (14)
(خدا) بالا برنده رتبه‌های (مردم و) صاحب تخت (جهانداری و تدبیر هستی) است، روح (وحی) را از فرمان خویش بر هر کس از بندگانش که بخواهد القا می‌کند، تا (مردم را) نسبت به روز ملاقات (رستاخیز) هشدار دهد. (15)
(همان) روزی که آنان آشکار می‌شوند [و] هیچ چیز از آنان بر خدا پنهان نخواهد ماند؛ (و گفته می‌شود:) امروز فرمانروایی فقط از آن کیست؟ (و پاسخ آید که) تنها از آن خدای یگانه چیره است. (16)
امروز هر شخصی در برابر آنچه کسب کرده است پاداش داده می‌شود؛ امروز هیچ ظلمی نیست؛ که خدا حسابرسی سریع است. (17)
و آنان را نسبت به روز نزدیک (رستاخیز) هشدارده، هنگامی که دل‌ها (و جان‌ها) نزد گلوگاه‌ها (رسد.) در حالی که فروبرندگان خشم (خویش) اند؛ برای ستمکاران هیچ (دوست) گرم نزدیک و شفاعتگری که (سخنش) اطاعت شود، نیست. (18)
(خدا) چشم‌های خیانتکار و آنچه را سینه‌ها پنهان می‌دارند، می‌داند. (19)
و خدا به حق داوری می‌کند، و جز او کسانی (از معبودان) را که می‌خوانند در مورد هیچ چیزی داوری نمی‌کنند؛ (چرا) که تنها خدا شنوا [و] بینای (حقیقی) است. (20)
ترجمه قرآن، ص: 469
و آیا در زمین گردش نکردند تا بنگرند، چگونه بوده است فرجام کسانی که پیش از آنان بودند؟ که از آنان نیرومندتر بودند؛ و از نظر آثار (باستانی) در زمین (برتر بودند). پس خدا به [سزای پیامدهای (گناهان) شان (گریبان) آنان را گرفت و برای آنان در برابر (عذاب) خدا هیچ نگهدارنده‌ای نبود! (21)
این بخاطر آن بود که آنان، فرستادگانشان همواره با دلیل‌های روشن به سراغشان می‌آمدند، و [لی کفر ورزیدند، پس خدا (گریبان) آنان را گرفت، که او نیرومندی سخت کیفر است. (22)
و بیقین موسی را با نشانه‌های (معجزه آسای) مان و دلیلی آشکار

فرستادیم، (23)
به سوی فرعون و هامان و قارون؛ و [لی گفتند:» (او) ساحر بسیار دروغگویی است. « (24)
و هنگامی که حق را از نزد ما برای آنان آورد، گفتند:» پسران کسانی را که همراه او (موسی) ایمان آورده‌اند بکشید و زنانشان را زنده نگه دارید «. و نیرنگ کافران جز در گمراهی (و تباهی) نیست. (25)
و فرعون گفت:» مرا واگذارید تا موسی را بکُشم، و پروردگارش را بخواند (تا نجاتش دهد)! [چرا] که من می‌ترسم که دین شما را تغییر دهد، یا اینکه در [این سرزمین تباهی را آشکار سازد! « (26)
و موسی گفت:» در واقع من به پروردگارم و پروردگار شما پناه می‌برم، از هر متکبّری که به روز حساب ایمان نمی‌آورد. « (27)
و مرد مؤمنی از خاندان فرعون که ایمانش را پنهان می‌داشت گفت:» آیا مردی را می‌کشید بخاطر اینکه می‌گوید: پروردگار من خداست، در حالی که بیقین دلیل‌های روشن (معجزه آسا) از سوی پروردگارتان برای شما آورده است؟! و اگر دروغگو باشد، پس (پیامد) دروغش فقط بر اوست؛ و اگر راستگو باشد، برخی (عذاب‌هایی) که به شما وعده می‌دهد به شما خواهد رسید؛ در حقیقت خدا کسی را که او اسرافکاری بسیار دروغگوست، رهنمون نمی‌شود. (28)
ای قوم [من ! امروز، فرمانروایی فقط از آن شماست در حالی که در (این) سرزمین پیروزید؛ اگر سختی (مجازات) خدا به سراغ ما آید، پس چه کسی ما را یاری خواهد کرد؟! «فرعون گفت:» جز آنچه را بنظرم می‌رسد به شما ارائه نمی‌دهم، و شما را جز به راهِ هدایت، راهنمایی نمی‌کنم «. (29)
ترجمه قرآن، ص: 470
و کسی که ایمان آورده بود، گفت:» ای قوم [من در حقیقت من بر شما از (روزی) همانند روز (عذاب) حزب‌ها می‌ترسم. (30)
همچون شیوه قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که بعد از آنان بودند؛ و خدا هیچ ستمی را برای بندگان نمی‌خواهد. (31)
و ای قوم [من ! در حقیقت من بر شما از روز فریاد خواهی (رستاخیز) می‌ترسم. (32)
(همان) روزی که پشت کرده روی برمی‌تابید؛ در حالی که هیچ نگهدارنده‌ای از جانب خدا برای شما نیست؛ و خدا هر کس را (بخاطر اعمالش) در گمراهی وانهد، پس هیچ راهنمایی نخواهد داشت. (33)
و بطور قطع پیش از این، یوسف دلیل‌های روشن (معجزه آسا) برای شما آورد، و پیوسته در مورد آنچه که آن را برای شما آورد در شک بودید؛ تا هنگامی که مُرد، گفتید:» خدا بعد از او هیچ فرستاده‌ای بر نمی‌انگیزد!

«اینگونه خدا هر کسی را که او اسرافکار [و] تردید کننده بدگمان است، گمراه می‌سازد. « (34)
(همان) کسانی که در باره آیات خدا، بدون دلیلی که برای شان آمده باشد، مجادله می‌کنند؛ نزد خدا و نزد کسانی که ایمان آورده‌اند، خشم (این کار) بزرگ است؛ اینگونه خدا بر هر دل متکبّر زورگوی مُهر می‌نهد. (35)
فرعون گفت:» ای هامان! برای من قصری بلند بناکن، تا شاید من به وسایلی دست یابم، (36)
(همان) وسایل (صعود به) آسمان‌ها، تا از معبود موسی اطلاع یابم؛ و در حقیقت من گمان می‌کنم که او دروغگوست. «و اینگونه برای فرعون بدی کردارش آراسته شده بود، و از راه (راست) بازداشته شد؛ و نیرنگ فرعون جز در زیان و هلاکت (او) نبود. (37)
ترجمه قرآن، ص: 471
و کسی که ایمان آورده بود گفت:» ای قوم [من، از من پیروی کنید تا شما را به راه هدایت رهنمون شوم. (38)
ای قوم [من ! این زندگی پست (دنیا)، تنها کالایی است؛ و در حقیقت فقط آخرت سرای پایدار است. (39)
هر کس (کار) بدی انجام دهد، پس جز همانند آن کیفر نخواهد شد؛ و هر کس از مرد یا زن، (کار) شایسته‌ای انجام دهد، در حالی که او مؤمن است، پس آنان داخل بهشت می‌شوند در حالی که در آنجا بی شمار» روزی «داده می‌شوند. (40)
ای قوم [من ! مرا چه شده که شما را به سوی نجات فرا می‌خوانم، و (شما) مرا به سوی آتش فرا می‌خوانید؟! (41)
مرا فرا می‌خوانید تا به خدا کفر ورزم، و چیزی را که به او هیچ دانشی ندارم همتای او قرار دهم، در حالی که من شما را به سوی شکست ناپذیر بسیار آمرزنده فرا می‌خوانم! (42)
قطعاً آنچه مرا به سوی آن می‌خوانید، هیچ فراخوانی در دنیا و آخرت ندارد. و حتماً بازگشت ما به سوی خداست؛ و مسلماً اسرافکاران فقط اهل آتشند. (43)
و بزودی آنچه را به شما می‌گویم به یاد خواهید آورد! و کارم را به خدا وا می‌گذارم که خدا نسبت به بندگانش بیناست. « (44)
ترجمه قرآن، ص: 472
و خدا او را از بدی‌های فریبکاری‌شان حفظ کرد، و بدی عذاب، خاندان فرعون را فرو گرفت. (45)
(همان) آتشی که بامدادان و عصرگاهان بر آن عرضه می‌شوند؛ و روزی که ساعت (رستاخیز) برپا شود (ندا آید که:)» فرعونیان را در شدیدترین عذاب وارد کنید! « (46)

و (یادکن) هنگامی را که در آتش (دوزخ) به بحث (و ستیز) پردازند؛ و کم‌توانان به کسانی که تکبّر ورزیدند، گویند:» در واقع ما پیروان شما بودیم، پس آیا شما سهمی از آتش را از ما دفع می‌کنید؟! « (47)
کسانی که تکبر ورزیدند گویند:» در حقیقت ما همه در آن (آتش) هستیم، که بیقین خدا بین بندگانش (به عدالت) داوری کرده است. « (48)
و کسانی که در آتشند، به نگهبانان جهنّم گویند:» پروردگارتان را بخوانید که روزی از عذاب ما بکاهد. « (49)
گویند:» و آیا هیچ‌گاه فرستادگان (خدا به سوی) شما با دلیل‌های روشن (معجزه آسا) به سراغتان نیامدند؟! «گویند:» آری! « (نگهبانان) گویند:» پس دعا کنید، و دعای کافران جز در گمراهی نیست. « (50)
قطعاً ما فرستادگانمان و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی پست (دنیا) و روز (رستاخیز) ی که گواهان به پا می‌خیزند یاری می‌دهیم. (51)
(همان) روزی که عذرخواهی ستمکاران برای آنان سودی ندارد؛ و لعنت فقط برای آنان است و بدی سرای (دیگر نیز) تنها برای ایشان است! (52)
و بیقین به موسی رهنمود دادیم، و به بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) کتاب (تورات) را ارث دادیم. (53)
ترجمه قرآن، ص: 473
در حالی که راهنما و یادآوری برای خردمندان بود. (54)
پس شکیبا باش که وعده خدا حق است. و برای پیامد (کارهای) خود آمرزش طلب، و به هنگام صبح و عصر باستایش پروردگارت تسبیح گوی. (55)
در حقیقت کسانی که در باره آیات خدا، بدون دلیلی که برایشان آمده باشد مجادله می‌کنند، در سینه‌هایشان جز تکبّری که آنان بدان نرسند، نیست؛ پس به خدا پناه ببر؛ [چرا] که فقط او شنوای بیناست. (56)
مسلماً آفرینش آسمان‌ها و زمین از آفرینش مردم بزرگ‌تر است، و لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند. (57)
و نابینا و بینا مساوی نیستند؛ و کسانی که ایمان آورده، و [کارهای شایسته انجام داده‌اند با بدکاران (یکسان نیستند)؛ چه اندک متذکّر می‌شوید. (58)
قطعاً ساعت (رستاخیز) آمدنی است، در حالی که هیچ تردیدی در آن نیست؛ و لیکن بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند. (59)
و پروردگار شما گفت:» مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم! در واقع کسانی که نسبت به پرستش من تکبّر می‌ورزند بزودی با خواری وارد جهنّم می‌شوند! « (60)
خدا کسی است که شب را برای شما (تاریک) قرار داد تا در آن آرام بگیرید، و روز را روشنی بخش (قرار داد، چرا) که قطعاً خدا نسبت به

مردم دارای بخشش است؛ و لیکن بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند. (61)
این خدا پروردگار شماست! که آفریدگار هر چیزی است؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ پس چگونه (از حق) بازگردانده می‌شوید؟! (62)
ترجمه قرآن، ص: 474
اینچنین کسانی که همواره نشانه‌های خدا را انکار می‌کردند (از حق) بازگردانده می‌شوند. (63)
خدا کسی است که زمین را برای شما قرارگاهی و آسمان را بنایی قرار داد؛ و شما را صورت گری کرد، و صورت‌های شما را نیکو گردانید، و از (خوراکی‌های) پاکیزه به شما روزی داد؛ این خدا پروردگار شماست؛ پس خجسته (و پایدار) است خدایی که پروردگار جهانیان است. (64)
او زنده است، [و] هیچ معبودی جز او نیست؛ پس او را بخوانید (و بپرستید) در حالی که دین (خود) را برای او خالص کرده‌اید. ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است. (65)
بگو:» براستی من منع شده‌ام که کسانی را که غیر از خدا می‌خوانید بپرستم! آنگاه که دلیل‌های روشن از جانب پروردگارم برای من آمد؛ و فرمان داده شدم که تسلیم پروردگار جهانیان باشم. « (66)
او کسی است که شما را از خاک آفرید، سپس از آب اندک سیّال، سپس از (خون بسته) آویزان، سپس شما را بصورت کودکی بیرون می‌آورد، سپس (زندگی می‌کنید) تا به حدّ رشدتان برسید، سپس (ادامه می‌دهید) تا پیرانی شوید؛ و برخی از شما کسانی هستند که پیش از (آن مرحله، جانش) بطور کامل گرفته می‌شود، و تا به سرآمد معین (مرگ) می‌رسید، و باشد که شما خرد ورزی کنید. (67)
او کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند؛ و هنگامی که چیزی را اراده کند، پس فقط به آن می‌گوید:» باش «پس (فوراً موجود) می‌شود. (68)
آیا نظر نکرده‌ای به کسانی که در آیات خدا مجادله می‌کنند، که چگونه (از حق) روی گردانیده می‌شوند؟! (69)
(همان) کسانی که کتاب (الهی) و آنچه فرستادگانمان را بدان فرستاده‌ایم دروغ انگاشتند؛ پس در آینده خواهند دانست! (70)
ترجمه قرآن، ص: 475
هنگامی که غُل‌ها و زنجیرها در گردن‌های آنان قرار گرفته، در حالی که آنان در آب سوزان کشیده می‌شوند؛ (71)
سپس در آتش، شعله ور می‌شوند! (72)
سپس به آنان گفته می‌شود:» کجایند آنچه را جز خدا، همواره شریک (او) قرار می‌دادید؟! « (73)
گویند:» (آنان) از (نظر) ما گم شدند؛ بلکه هرگز پیش از این چیزی را

پرستش نمی‌کردیم! «اینگونه خدا کافران را در گمراهی وا می‌نهد. (74)
آن (عذاب) بخاطر آن است که به ناحق همواره در زمین شادمانی می‌کردید و پیوسته سرمستی و تکبّر می‌ورزیدید. (75)
(به کافران گفته می‌شود:) از درهای جهنّم وارد شوید در حالی که در آنجا ماندگارید؛ و جایگاه متکبران چه بد است! (76)
پس شکیبا باش که وعده خدا حق است؛ و اگر پاره‌ای از آنچه (از مجازات‌ها) که به آنان وعده می‌دهیم به تو بنمایانیم، یا (قبل از عذاب آنان، جان) تو را کامل بگیریم، پس فقط به سوی ما، بازگردانده می‌شوند. (77)
و بیقین بیش از تو فرستادگانی را فرستادیم؛ برخی از آنان کسانی هستند که (سرگذشت آنان را) بر تو حکایت کردیم، و برخی از آنان کسانی هستند که (سرگذشتشان را) بر تو حکایت نکردیم، و برای هیچ فرستاده‌ای سزاوار نیست (و حق ندارد) که نشانه (معجزه آسایی) را جز به رخصت خدا بیاورد. و هنگامی که فرمان خدا رسد به حق داوری شود، و در آنجا باطل گرایان زیان می‌کنند. (78)
خدا کسی است که دام‌ها را برای شما قرار داد تا (بر برخی) از آنها سوار شوید، و از (گوشت) آنها می‌خورید؛ (79)
و برای شما در آنها سودهاست، و تا (با سوار شدن) بر آنها به خواسته‌ای که در دل‌های شماست برسید، و بر آنها و بر کشتی‌ها حمل می‌شوید. (80)
و نشانه‌هایش را به شما می‌نمایاند، پس کدامیک از نشانه‌های خدا را انکار می‌کنید؟! (81)
ترجمه قرآن، ص: 476
و آیا در زمین گردش نکردند تا بنگرند، چگونه بوده است فرجام کسانی که پیش از آنان بودند؟ که بیشتر از آنان و نیرومندتر بودند و از نظر آثار (باستانی) در زمین (برتر بودند)؛ و آنچه را همواره کسب می‌کردند، (عذاب الهی را) از آنان دفع نکرد. (82)
و هنگامی که فرستادگانشان با دلیل‌های روشنِ (معجزه آسا) به سراغ آنان آمدند، به آنچه از دانش نزد آنان بود، شادمان شدند. و آنچه که همواره آن را مسخره می‌کردند، آنان را فرو گرفت. (83)
و هنگامی که سختیِ (عذابِ) ما را دیدند گفتند:» به خدای یگانه ایمان آوردیم و آنچه (از معبودان) را که شریک او قرار دادیم انکار کردیم. « (84)
و [لی هنگامی که سختیِ (عذابِ) ما را دیدند، ایمانشان هرگز برای آنان سودی نداشت؛ (این، قانون و) روش خداست که در مورد بندگانش (جاری) بوده است. و در آنجا کافران زیان کردند. (85)
ترجمه قرآن، ص: 477

ترجمه قرآن 501
به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
حامیم. (1)
(این قرآن) فروفرستاده از طرف (خدای) گسترده مهر مهرورز است. (2)
(همان) کتابی که آیاتش تشریح شده است، در حالی که خواندنی عربی (واضح)، برای گروهی است که می‌دانند. (3)
[و] بشارتگر و هشدارگر [است ؛ و [لی بیشترشان رویگردان شدند، و آنان گوش شنوا ندارند. (4)
و گفتند:» دل های ما نسبت به آنچه ما را به سوی آن فرا می خوانی در پرده‌هایی است و در گوش‌های ما سنگینی است، و در بین ما و بین تو مانعی است. پس انجام ده که ما (هم) انجام می‌دهیم. « (5)
بگو:» من فقط بشری همانند شما هستم؛ به سوی من وحی می‌شود که معبودتان، معبودی یگانه است، پس به سوی او توجه کنید، و از وی آمرزش بخواهید؛ و وای بر مشرکان! (6)
(همان) کسانی که (بخشش) زکات را نمی پردازند و آنان همان منکران آخرتند. « (7)
در حقیقت کسانی که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام دادند، پاداشی بی پایان دارند. (8)
بگو:» آیا واقعاً شما به کسی که زمین را در دو روز [و دوره آفرید کفر می‌ورزید، و برای او همانندهایی (معبود گونه) قرار می‌دهید؟! که آن پروردگار جهانیان است. (9)
و در آن (زمین، کوه‌های) استوار از فرازش قرارداد و در آن برکت نهاد، و خوراکی‌هایش را در آن معیّن کرد، در حالی که برای درخواست کنندگان یکسان است. (و این کارها) در چهار روز (و دوره) بود. (10)
سپس به آفرینش آسمان پرداخت، در حالی که آن دود بود؛ و به آن (آسمان) و به زمین گفت:» خواه یا ناخواه بیایید. «گفتند:» اطاعت کنان آمدیم. « (11)
و (کار) آنها را به صورت هفت آسمان در دو روز (و دوره) تمام کرد، و در هر آسمانی کارش را وحی کرد، و آسمان پست (دنیا) را با چراغ‌های (ستارگان) آراستیم، (و آن را کاملاً) حفظ کردیم؛ این اندازه‌گیری (خدای) شکست‌ناپذیر داناست. (12)
و اگر رویگردان شوند، پس بگو:» شما را به آذرخشی مثل آذرخش (قوم) عاد و ثمود هشدار می‌دهم! « (13)

هنگامی که فرستادگان در پیش روی آنان و از پشت سرشان به سراغشان آمدند (و گفتند:) که جز خدا را نپرستید، گفتند:» اگر (بر فرض) پروردگار ما می‌خواست حتماً فرشتگانی را فرو می‌فرستاد؛ پس در حقیقت ما به آنچه بدان فرستاده شده‌اید، کافریم. « (14)
و امّا (قوم) عاد پس به ناحق در زمین تکبّر ورزیدند و گفتند:» چه کسی از ما نیرومندتر است!؟ «و آیا اطلاع نیافته‌اند که خدایی که آنان را آفریده خود از آنان نیرومندتر است!؟ و نشانه‌های ما را همواره انکار می‌نمودند. (15)
ترجمه قرآن، ص: 478
پس در روزهای شومی، تند باد سردی بر آنان فرستادیم، تا عذاب رسوایی را در زندگی پست (دنیا) به آنان بچشانیم! و حتماً عذاب آخرت رسوا کننده‌تر است، در حالی که آنان یاری نمی‌شوند. (16)
و امّا (قوم) ثمود، پس آنان را راهنمایی کردیم، و [لی کور (دل) ی را، بر هدایت ترجیح دادند؛ و بخاطر آنچه همواره کسب می‌کردند آذرخشِ عذاب خوار کننده آنان را فرو گرفت. (17)
و کسانی را که ایمان آوردند و همواره پارسایی (و خود نگهداری) می‌کردند، نجات دادیم. (18)
و (یاد کن) روزی را که دشمنان خدا به سوی آتش گرد آوری می‌شوند، و آنان (از پراکندگی و بی نظمی) باز داشته می‌شوند. (19)
تا هنگامی که به آن (آتش) می‌رسند، گوش آنان و چشمانشان و پوست‌های (بدن) آنان، به آنچه همواره انجام می‌دادند به زیان آنان گواهی می‌دهند! (20)
و به پوست های (بدن) شان می‌گویند:» چرا به زیان ما گواهی دادید؟! « (پوست‌ها) می‌گویند:» خدایی که هر چیزی را به سخن آورده، ما را به سخن آورده است؛ و او نخستین بار شما را آفرید، و فقط به سوی او بازگردانده می‌شوید. « (21)
و (شما گناهانتان را) هرگز نمی‌پوشاندید که مبادا گوش شما و چشمانتان و پوست‌های (بدن) شما بر زیان شما گواهی دهند. و لیکن گمان می‌کردید که خدا بسیاری از آنچه را که انجام می‌دادید، نمی‌داند. (22)
و آن گمان (بد) شما بود که به پرودگارتان گمان بردید که شما را هلاک کرد و از زیانکاران شدید. (23)
و اگر شکیبایی کنند پس آتش جایگاه آنان است، و اگر عذر خواهی کنند، پس عذر آنان پذیرفته نخواهد شد. (24)
ترجمه قرآن، ص: 479
و برای آنان همنشینانی برانگیختیم، پس آنچه را که در پیش رویشان و پشت سر آنان است را برایشان آراستند، و گفتار (وعده عذاب) در میان

امت‌هایی از جن و انسان [ها] که از پیش آنان بودند، برایشان تحقق یافت؛ [چرا] که آنان زیانکار بودند. (25)
و کسانی که کفر ورزیدند گفتند:» به این قرآن گوش فرا ندهید؛ و در (قرائت) آن (سخن) بیهوده سر دهید، تا شاید شما پیروز شوید. « (26)
و قطعاً به کسانی که کفر ورزیدند عذاب شدیدی می‌چشانیم، و حتماً آنان را بر طبق بدترین چیزی که همواره انجام می‌دادند کیفر می‌دهیم! (27)
این آتش سزای دشمنان خداست، که برای آنان در آنجا سرای ماندگار است، به کیفر اینکه همواره آیات ما را انکار می‌کردند. (28)
و کسانی که کفر ورزیدند گفتند:» [ای پروردگار ما! کسانی را که از جن و انسان [ها] ما را گمراه کردند به ما بنمایان تا آنها را زیر گام‌های خود قرار دهیم، تا از فروترین (و خوارترین افراد) شوند. « (29)
در حقیقت کسانی که گفتند:» پروردگار ما خداست. «سپس پایداری کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند (و می‌گویند) که:» مترسید و اندوهگین مباشید، و مژده باد بر شما، به بهشتی که همواره (بدان) وعده داده می‌شدید. (30)
ما یاوران (و دوستان) شما در زندگی پست (دنیا) و در آخرت هستیم؛ و در آنجا آنچه خودتان میل دارید برای شما (فراهم) است، و در آنجا آنچه را فرا می‌خوانید برای شما (آماده) است. (31)
(این نخستین) پذیرایی از جانب (خدای) بسیار آمرزنده مهرورز است. « (32)
و چه کسی نیکو سخن‌تر است از کسی که به سوی خدا فراخواند، و [کار] شایسته انجام دهد، و گوید:» در حقیقت من از تسلیم شدگانم؟! « (33)
ترجمه قرآن، ص: 480
و نیکی و بدی مساوی نیست؛ (بدی را) بدان (شیوه‌ای) که آن نیکوتر است دفع کن؛ پس ناگهان، کسی که بین تو و بین او دشمنی است، چنان که گویی او یاوری (و دوستی) گرم است. (34)
و جز کسانی که شکیبایی کردند، آن (مقام) را دریافت نمی‌کنند؛ و جز (کسی که) دارای بهره بزرگ است آن را دریافت نمی‌کند. (35)
و اگر وسوسه‌ای از شیطان تو را تحریک کند، پس به خدا پناه ببر؛ [چرا] که تنها او شنوا [و] داناست. (36)
و از نشانه‌های او، شب و روز و خورشید و ماه است؛ برای خورشید و برای ماه سجده نکنید، و برای خدایی که آنها را آفریده است سجده کنید؛ اگر همواره تنها او را می‌پرستید. (37)
و اگر (از پرستش خدا) تکبّر ورزند، پس کسانی که نزد پروردگار تو هستند شب و روز برای او تسبیح می‌گویند، در حالی که آنان ملول نمی‌شوند. (38)

و از نشانه‌های او این است که تو زمین را فروتن (و خشک و بی جان) می‌بینی، و [لی هنگامی که آب (باران) را بر آن فرو می‌فرستیم به حرکت در می‌آید و رشد می‌یابد، قطعاً کسی که آن را زنده کرد، زنده کننده مردگان است؛ [چرا] که او بر هر چیز تواناست. (39)
در حقیقت کسانی که در آیات ما به کژی می‌گرایند (و آنها را تحریف می‌کنند) بر ما مخفی نمی‌مانند. و آیا کسی که در آتش افکنده می‌شود بهتر است یا کسی که در روز رستاخیز با امنیت می‌آید؟! آنچه می‌خواهید انجام دهید، که او به آنچه انجام می‌دهید بیناست! (40)
در حقیقت کسانی که به آگاه کننده [قرآن هنگامی که به سراغشان آمد کفر ورزیدند (بر ما مخفی نمی‌مانند)؛ در حالی که قطعاً آن (قرآن) کتابی شکست‌ناپذیر است. (41)
که باطل از پیش روی آن و پشت سرش به سراغ آن نمی‌آید؛ (زیرا این) فرو فرستاده‌ای از جانب (خدای) فرزانه ستوده است. (42)
ترجمه قرآن، ص: 481
به تو گفته نمی‌شود جز آنچه که به فرستادگان پیش از تو گفته شد؛ قطعاً پروردگار تو دارای آمرزش و صاحب کیفر دردناکی است! (43)
و اگر (بر فرض) آن (قرآن) را خواندنی مبهم (و غیر عربی) قرار می‌دادیم حتماً می‌گفتند: چرا آیاتش تشریح نشده است؟! آیا (کتابی) مبهم (و غیر عربی و پیامبری) عربی؟! بگو:» آن (کتاب) برای کسانی که ایمان آورده‌اند رهنمود و درمان است و [لی کسانی که ایمان نمی‌آورند، در گوش‌هایشان سنگینی است و آن برای آنان (مایه) کور (دل) ی است، آنان (گویی) از مکانی دور ندا داده می‌شوند. « (44)
و بیقین به موسی کتاب (تورات) دادیم؛ و در آن اختلاف شد؛ و اگر نبود، سخن (سنت گونه‌ای) که از طرف پروردگارت (در مورد مهلت دادن و اتمام حجّت بر آنان) از پیش مقرر شده بود، حتماً در میان آنان داوری می‌شد. و قطعاً آنان در مورد آن (کتاب) در شکّی تردید آمیز هستند. (45)
کسی که [کار] شایسته‌ای انجام دهد، پس به سود خود اوست؛ و هر کس بدی کند، پس به زیان اوست. و پروردگارت به بندگان بیدادگر نیست. (46)
علم به ساعت [قیامت تنها به او بازگردانده می‌شود؛ هیچ (یک) از محصولات از شکوفه‌ها خارج نمی‌شوند، و جز به علم خدا، هیچ ماده‌ای باردار نمی‌شود و نمی‌زاید. و (یاد کن) روزی را که آن (مشرک) ان را ندا می‌دهند:» کجایند شریکان من؟! «می‌گویند:» به تو اعلام کردیم که از ما هیچ گواهی نیست. « (47)
و آنچه را پیش از (این) همواره می‌خواندند (و می‌پرستیدند) از (نظر) ایشان گم شد؛ و یقین کردند که هیچ راه فراری برای آنان نیست. (48)

انسان از خواستن نیکی ملول نمی‌شود؛ و اگر بدی به او رسد پس بسیار نا امید [و] مأیوس می‌شود. (49)
و اگر پس از زیان (جسمی و روحی) که به او رسیده، از جانب خویش رحمتی به او بچشانیم، قطعاً می‌گوید:» این برای (شایستگی) من است، و گمان نمی‌کنم ساعت (رستاخیز) بر پا گردد؛ و اگر به سوی پروردگارم باز گردانده شوم، مسلماً نزد او برای من (پاداش) نیکی است. «پس قطعاً به کسانی که کفر ورزیدند از اعمالشان خبر می‌دهیم، و حتماً از عذابی سخت به آنان می‌چشانیم! (50)
ترجمه قرآن، ص: 482
و هنگامی که به انسان نعمت می‌بخشیم، روی می‌گرداند و خودش (متکبّرانه) دور می‌شود؛ و هنگامی که بدی به او می‌رسد پس دعایی طولانی خواهد داشت. (51)
بگو:» آیا بنظر شما اگر (قرآن) از نزد خدا باشد، سپس بدان کفر ورزید، کیست گمراه‌تر از کسی که او در جدایی (و ستیزی) دور و دراز است. (52)
بزودی نشانه‌های خود را در اطراف (جهان) و در خودشان به آنان می‌نمایانیم، تا اینکه برای آنان آشکار شود که او حق است؛ و آیا کافی نیست که پروردگارت بر هر چیز گواه است؟! (53)
آگاه باشید که آنان از ملاقات پروردگارشان در تردیدند؛ آگاه باشید که او به هر چیزی احاطه دارد. (54)
ترجمه قرآن، ص: 483

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
حامیم. (1)
عین، سین، قاف. (2)
این چنین خدای شکست‌ناپذیر فرزانه به سوی تو و به سوی کسانی که پیش از تو بودند وحی می‌کند. (3)
آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است فقط از آن اوست؛ و او بلند مرتبه [و] بزرگ است. (4)
نزدیک است آسمان‌ها از فرازشان بشکافد و فرشتگان با ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند، و برای کسانی که در زمین هستند طلب آمرزش می‌کنند؛ آگاه باشید که فقط خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (5)
و کسانی که غیر از او سرپرستانی گزیده‌اند، خدا نگهبان بر (اعمال) آنان است؛ و تو حمایتگر آنان نیستی. (6)
و اینچنین خواندنیِ عربی (واضح) را به سوی تو وحی کردیم برای اینکه (مردم) اُمّ القری [مکه و کسانی را که پیرامون آن هستند هشدار دهی، و نسبت به روز جمع‌آوری (مردم در قیامت) که هیچ تردیدی در آن نیست هشدار دهی؛ دسته‌ای در بهشتند و دسته‌ای در شعله فروزان (آتش) اند! (7)
و اگر (بر فرض) خدا می‌خواست، حتماً آنان را یک امّت قرار می‌داد و لیکن هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) در رحمت خود داخل می‌کند؛ و ستمکاران هیچ سرپرست و یاوری برایشان نیست. (8)
بلکه آیا غیر از او سرپرستانی گزیده‌اند، و (حال آنکه) فقط خدا سرپرست است، و او مردگان را زنده می‌کند، و او بر هر چیزی تواناست. (9)
و هر چیزی را که در آن اختلاف کردید، پس داوری آن با خداست، این خدا پروردگار من است. تنها بر او توکّل کرده‌ام، و تنها به سوی او باز می‌گردم. (10)
شکافنده (و آفریننده) آسمان‌ها و زمین است، همسرانی از (جنس) خودتان برای شما قرار داد، و از دام‌ها (نیز) جفت‌هایی (قرار داد) در حالی که شما را بدین (وسیله) می‌آفریند؛ هیچ چیزی مثل او نیست؛ و او شنوا [و] بینا (ی حقیقی) است. (11)
کلیدهای آسمان‌ها و زمین فقط از آن اوست؛ روزی را برای هر کس بخواهد (و شایسته بداند) گسترده می‌سازد، و (یا) تنگ می‌گرداند؛ [چرا] که او به هر چیزی داناست. (12)

برای شما از دین مقرر کرد آنچه را که نوح را بدان سفارش کرده، و آنچه را به سوی تو وحی کردیم و آنچه را که ابراهیم و موسی و عیسی را بدان سفارش کردیم، که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه افکنی مکنید، بر مشرکان گران است آنچه را که آنان را به سویش فرا می‌خوانید. خدا هر کس را بخواهد به سوی (رسالت) ش بر می‌گزیند، و کسی را که باز گردد، به سوی خود راهنمایی می‌کند. (13)
و پراکنده نشدند مگر پس از آنکه علم برای آنان (حاصل) آمد؛ بخاطر ستم (و حسدی) که در میانشان بود، و اگر نبود سخن (سنت گونه‌ا) ی از طرف پروردگارت (در مورد مهلت دادن به مخالفان) تا سرآمد معین که از پیش مقرر شده است، حتماً در میان آنان داوری می‌شد؛ و قطعاً کسانی که بعد از آنان کتاب [به آنان ارث داده شد در مورد آن (کتاب) درشکی تردید آمیز هستند! (14)
ترجمه قرآن، ص: 484
و به همین خاطر، پس تو (مردم را به سوی دین) فراخوان، و همان‌گونه که فرمان داده شدی پایداری کن، و از هوس‌هایشان پیروی مکن، و بگو:» به کتابی که خدا فرو فرستاده ایمان آوردم و فرمان داده شدم تا در میان شما عدالت (پیشه) کنم؛ خدا پروردگار ما و پروردگار شماست؛ کردارهای ما تنها برای ماست و کردارهای شما تنها برای شماست. هیچ حجّت (و بحثی) بین ما و بین شما نیست؛ خدا بین ما و شما جمع می‌کند و فرجام (همه شما) فقط به سوی اوست. « (15)
و کسانی که درباره خدا بعد از آنکه (دعوت) او (توسط مردم) پذیرفته شد، بحث (و ستیز) می‌کنند، دلیلشان نزد پروردگارشان بی پایه (و باطل) است؛ و خشم (خدا) بر آنان است و عذاب شدیدی برای آنان (آماده) است. (16)
خدا کسی است که کتاب را به حق فروفرستاد و (نیز) ترازو را. تو چه می‌دانی شاید ساعت (رستاخیز) نزدیک باشد! (17)
کسانی که به آن (رستاخیز) ایمان نمی‌آورند، بدان شتاب می‌ورزند؛ و کسانی که ایمان آورده‌اند از آن بیمناکند، و می‌دانند که آن (رستاخیز) حقّ است؛ آگاه باشید قطعاً کسانی که در مورد ساعت (رستاخیز) مجادله می‌کنند، در گمراهی دوری هستند. (18)
خدا نسبت به بندگانش [پیوسته لطف دارد هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) روزی می‌دهد؛ و او نیرومند [و] شکست‌ناپذیر است. (19)
ترجمه قرآن، ص: 485
هر کس کشت آخرت را بخواهد، برای او در کشتش می‌افزایم؛ و هر کس کشت دنیا را بخواهد [برخی از آن، بدو می‌دهیم، و برای او در آخرت هیچ بهره‌ای نیست. (20)

بلکه آیا شریکان (معبود گونه) برای آنان است که چیزی از دین را که خدا بدان رخصت نداده است، برایشان مقرر کردند و اگر سخن فیصله بخش (در مورد مهلت دادن به مخالفان) نبود، حتماً در میان آنان داوری می‌شد، و در حقیقت ستمکاران برای شان عذابی دردناک است! (21)
(در رستاخیز) ستمکاران را می‌بینی در حالی که از آنچه بدست آورده‌اند بیمناکند، و حال آنکه آن (عذاب) بر آنان واقع می‌شود؛ و کسانی که ایمان آورده و (کارهای) شایسته انجام داده‌اند در بوستان‌های بهشتند، تنها برای آنان آنچه را که بخواهند نزد پروردگارشان (آماده) است؛ این فقط فضیلت بزرگ است. (22)
این (همان) چیزی است که خدا بندگانش را که ایمان آورده و (کارهای) شایسته انجام داده‌اند (بدان) مژده می‌دهد. بگو:» از شما هیچ پاداشی بر این (رسالت) نمی‌طلبم جز دوستی در (مورد) نزدیکان؛ «و هر کس نیکی را بدست آورد، برای او در آن نیکی می‌افزاییم؛ براستی که خدا بسیار آمرزنده [و] بسی سپاسگزار است. (23)
بلکه می‌گویند:» بر خدا دروغ بسته است؟! «و اگر خدا بخواهد بر دل تو مُهر می‌نهد، و خدا باطل را نابود می‌کند و حق را با کلماتش تثبیت می‌کند؛ [چرا] که او به (اسرار) درون سینه‌ها داناست. (24)
و او کسی است که توبه را از بندگانش می‌پذیرد و از بدی‌ها در می‌گذرد، و آنچه را انجام می‌دهید می‌داند. (25)
ترجمه قرآن، ص: 486
و (دعای) کسانی را که ایمان آورده و (کارهای) شایسته انجام داده‌اند، می‌پذیرد، و از بخشش خود بر آنان می‌افزاید؛ و کافران برایشان عذابی شدید است! (26)
و اگر (بر فرض) خدا» روزی «را بر بندگانش گسترده می‌ساخت، حتماً در زمین ستم می‌کردند؛ و لیکن به اندازه معینی که می‌خواهد فرو می‌فرستد؛ [چرا] که او به بندگانش آگاه و بیناست. (27)
و او کسی است که باران را پس از آنکه (از آمدنش) ناامید شدند فرو می‌فرستد و رحمتش را می‌گستراند؛ و او سرپرستی ستوده است. (28)
و از نشانه‌های اوست آفرینش آسمان‌ها و زمین و آنچه از جنبندگان در آن دو پراکنده کرده است؛ و او هر گاه بخواهد بر جمع آوری آنها تواناست. (29)
و هر مصیبتی به شما رسد پس بخاطر دستاورد شماست! و بسیاری (از خطاهای شما) را می‌بخشد. (30)
و شما عاجز کننده (خدا) بر زمین نیستید؛ و جز خدا هیچ سرپرست و یاوری برای شما نیست. (31)
از نشانه‌های او (کشتی‌های) روان در دریا همچون کوه‌هاست؛ (32)

اگر (خدا) بخواهد باد را آرام می‌سازد و (کشتی‌ها) بر روی آن راکد شوند، قطعاً در این (امور) نشانه‌هایی برای هر بسیار شکیبای بسیار سپاسگزار است. (33)
یا آنها را بخاطر دستاوردشان هلاک کند (و غرق سازد)؛ و بسیاری (از خطاهای شما) را می‌بخشد. (34)
ترجمه قرآن، ص: 487
و [تا اینکه کسانی که درباره آیات ما مجادله می‌کنند، بدانند که هیچ راه فراری برای آنان نیست. (35)
و آنچه از چیز (ها) به شما داده شده پس کالای زندگی پست (دنیا) است؛ و آنچه نزد خداست برای کسانی که ایمان آورده و تنها بر پروردگارشان توکّل می‌کنند، بهتر و پایدارتر است. (36)
و (همان) کسانی که از گناهان بزرگ و [کارهای زشت پرهیز می‌کنند، و هنگامی که خشمگین شوند، آنان، می‌آمرزند. (37)
و (همان) کسانی که (دعوت) پروردگارشان را پذیرفته، و نماز را بر پا می‌دارند و کارشان با مشورت میان (خود) شان باشد و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم (در راه خدا) مصرف می‌کنند؛ (38)
و (همان) کسانی که هر گاه ستمی به آنان برسد، ایشان (از همدیگر) یاری می‌جویند (و ستم را دفع می‌کنند). (39)
و کیفر بدی، (مجازات) بدی همانند آن است؛ و هر کس ببخشد و اصلاح نماید، پس پاداش او بر خداست؛ [چرا] که او ستمکاران را دوست ندارد. (40)
و هر کس که بعد از ستم (دیدگی) اش یاری جوید (تا آن را دفع کند) پس آنان هیچ راهی (برای ایراد) بر ایشان نیست؛ (41)
فقط راه سرزنش بر کسانی است که به مردم ستم می‌کنند و در زمین به ناحق (تجاوز به حقوق، و) ستم می‌کنند؛ آنان برای شان عذابی دردناک است! (42)
و هر کس شکیبایی کند و بیامرزد (دارای اراده استوار است، چرا) که این [حاکی از تصمیم استوار (او در) کارهاست. (43)
و هر کسی را خدا (بخاطر اعمالش) در گمراهی وانهد پس بعد از او هیچ سرپرستی برای او نیست، و ستمکاران را می‌بینی هنگامی که عذاب را می‌بینند، گویند:» آیا راهی به سوی بازگشت وجود دارد؟! « (44)
و آنان را می‌بینی که بر آن (آتش) عرضه می‌شوند در حالی که از خواری فروتنند، و (زیر) چشمی، پنهان (بدان) می‌نگرند؛ و کسانی که ایمان آورده‌اند، می‌گویند:» در واقع زیانکاران کسانی هستند که به خودشان و خانواده‌هایشان در روز رستاخیز زیان رسانده‌اند؛ آگاه باشید که ستمکاران در عذابی پایدار هستند! « (45)

و برای آنان جز خدا، یاوران (و سرپرستان) ی نیست که یاریشان کنند؛ و هر کسی را خدا (بخاطر اعمالش) در گمراهی وانهد، پس هیچ راه (نجات) ی برای او نیست. (46)
(دعوت) پروردگارتان را بپذیرید، پیش از آنکه روزی فرا رسد که از [جانب خدا هیچ بازگشتی برای آن نیست؛ در آن روز هیچ پناهگاهی برای شما نیست، و هیچ (مجال) انکاری برای شما نیست. (47)
ترجمه قرآن، ص: 488
و اگر رویگردان شوند پس تو را (به عنوان) نگهبان [مستمر] بر آنان نفرستادیم، بر تو (وظیفه‌ای) جز رساندن [پیام نیست. و در حقیقت هنگامی که ما رحمتی از سوی خود به انسان بچشانیم بدان شادمان گردد، و اگر بخاطر دستاورد پیشین‌شان بدی به آنان برسد، پس (ناسپاسی می‌کنند؛ چرا) که انسان بسیار ناسپاس است. (48)
فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط از آن خداست؛ هر چه را بخواهد می‌آفریند؛ به هر کس بخواهد، دختر می‌بخشد و به هر کس بخواهد پسر می‌بخشد؛ (49)
یا آنان را پسران و دختران جفت می‌دهد؛ و هر کس را بخواهد نازا قرار می‌دهد؛ [چرا] که او دانای تواناست. (50)
و برای هیچ بشری (شایسته) نباشد که خدا با او سخن گوید، جز به وحی (مستقیم) یا از پشت مانعی یا فرستاده‌ای (از فرشتگان) بفرستد، و با رخصت او آنچه را بخواهد وحی می‌کند؛ [چرا] که او بلند مرتبه‌ای فرزانه است. (51)
و اینگونه از فرمان خویش به سوی تو (قرآنِ) روح بخش را وحی کردیم، در حالی که نمی‌دانستی کتاب (قرآن) و ایمان (به محتوای آن) چیست. و لیکن آن را نوری قرار دادیم که بوسیله آن هر کس از بندگانمان را که بخواهیم (و شایسته بدانیم) راهنمایی می‌کنیم؛ و قطعاً تو به سوی راه راست راهنمایی می‌کنی. (52)
(همان) راه خدایی که آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است فقط از آنِ اوست؛ آگاه باشید که همه کارها تنها به سوی خدا باز می‌گردد! (53)
ترجمه قرآن، ص: 489

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
حامیم. (1)
سوگند به کتاب روشنگر! (2)
که ما آن را خواندنی عربی (واضح) قرار دادیم، تا شاید شما خردورزی
کنید. (3)
و قطعاً در نوشته اصلی (علم الهی) نزد ما بلند مرتبه‌ای حکمت‌آمیز است.
(4)
و آیا (قرآنِ) یادآور را از شما کاملًا بازگیریم. بخاطر اینکه گروهی
اسرافکارید؟! (5)
و چه بسیار پیامبرانی در [میان پیشینیان فرستادیم؛ (6)
و هیچ پیامبری به سراغ آنان نیامد، مگر اینکه همواره او را ریشخند
می‌کردند. (7)
و کسانی را که از این (مشرک) ان سخت‌تر بودند هلاک کردیم؛ و مثال
پیشینیان گذشت. (8)
و اگر از آن [مشرک ان بپرسی:» چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفرید؟
«حتماً می‌گویند:» (خدای) شکست‌ناپذیر دانا آنها را آفرید. « (9)
(همان) کسی که زمین را برای شما بستری (برای استراحت) قرار داد، و
برای شما راه‌هایی در آن قرار داد، تا شاید شما راهنمایی شوید. (10)
و (همان) کسی که از آسمان آبی به اندازه فرو فرستاد، و بوسیله آن
سرزمین مرده را زنده کردیم، اینچنین (از گورها) بیرون آورده می‌شوید.
(11)
و (همان) کسی که همه آن زوج‌ها را آفرید، و برای شما از کشتی‌ها و
دام‌ها آنچه سوار می‌شوید قرار داد. (12)
تا بر پشت آن (ها) قرار گیرید؛ سپس هنگامی که بر آن قرار گرفتید،
نعمت پروردگارتان را به یاد آورید و بگویید:» منزّه است کسی که این را
برای ما رام ساخت! و [ما] برای (رام ساختن و نگهداری) آن توانا نبودیم؛
(13)
ترجمه قرآن، ص: 490
و قطعاً ما فقط به سوی پروردگارمان باز می‌گردیم. « (14)
و (مشرکان) برای او از بندگانش جزئی قرار می‌دهند، مسلماً انسان بسیار
ناسپاس آشکار است. (15)
آیا از آنچه می‌آفریند، دختران را (برای خود) برگرفت و شما را به (داشتن)
پسران ویژه ساخت؟! (16)

و هنگامی که یکی از آن (مشرک) ان به چیزی مژده داده شود، که برای (خدای) گسترده‌مهر مثل می‌زنند، چهره‌اش سیاه گردد؛ در حالی که او خشم شدید (خود) را فرو برد. (17)
و آیا کسی را که در زیور، پدید آمده (و پرورش یافته،) و او در کشمکش (ها، بیان) روشنگر ندارد (فرزند خدا می‌خوانید)؟! (18)
و فرشتگان را که ایشان بندگان (خاص خدای) گسترده‌مهر هستند، دختران خدا قرار دادند، آیا آفرینش آنها را مشاهده کرده‌اند؟! بزودی گواهی آنان نوشته می‌شود و بازپرسی خواهند شد. (19)
و گفتند:» اگر (بر فرض خدای) گسترده‌مهر می‌خواست ما آنها را پرستش نمی‌کردیم. «برای آنان بدان (ادعا) هیچ علمی نیست؛ جز این نیست که آنان حدس می‌زنند (و دروغ می‌بافند). (20)
یا پیش از این کتابی به آنان داده‌ایم و آنان بدان تمسّک می‌جویند؟! (21)
بلکه می‌گویند:» در حقیقت ما نیاکانمان را بر آیینی یافتیم، و مسلماً ما بدنبال آنان ره یافته‌ایم «. (22)
و همچنین پیش از تو در هیچ آبادی (پیامبر) هشدارگری نفرستادیم، مگر اینکه سردمداران ثروتمندش گفتند:» در حقیقت ما نیاکانمان را بر آیینی یافتیم، و مسلماً ما بدنبال آنان پیرویم. « (23)
(پیامبرشان) گفت:» و آیا اگر (بر فرض آیینی) راهنماتر از آنچه نیاکانتان را بر آن یافته‌اید، برای شما بیاورم (باز هم از آنان پیروی می‌کنید)؟! «گفتند:» در حقیقت ما به آنچه بدان فرستاده شده‌اید کافریم. « (24)
پس از آنان انتقام گرفتیم، و بنگر که فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است! (25)
ترجمه قرآن، ص: 491
و (یادکن) هنگامی را که ابراهیم به پدر (مادرش یا عموی) ش و قومش گفت:» در حقیقت من نسبت به آنچه (شما) می‌پرستید غیر متعهدم. (26)
جز کسی که مرا آفریده، و البته او بزودی [مرا] رهنمون شود. « (27)
و آن (توحید) را در پس (از خود و فرزندان) ش سخنی ماندگار قرار داد؛ باشد که آنان (به سوی خدا) باز گردند. (28)
بلکه اینان و پدرانشان را (از دنیا) برخوردار کردم، تا اینکه (قرآن) حق و فرستاده روشنگر به سراغشان آمد؛ (29)
و هنگامی که (قرآن) حق به سراغشان آمد، گفتند:» این سحری است، و در واقع ما بدان کافریم. « (30)
و گفتند:» چرا این قرآن بر مردی بزرگ از دو آبادی (مکه و طائف) فرو فرستاده نشده است؟! « (31)
آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟! ما وسایل زندگی آنان را در زندگی پست (دنیا) بین آنان تقسیم کردیم و رتبه‌های برخی آنان را بر

برخی [دیگر] برتری دادیم، تا برخی آنان برخی [دیگر] را به خدمت گیرند؛ و رحمت پروردگارت از آنچه جمع‌آوری می‌کنند بهتر است. (32)
و اگر نبود که مردم امت یگانه‌ای (در کفر) می‌شدند، حتماً برای کسانی که به (خدای) گسترده‌مهر کفر می‌ورزند برای خانه‌هایشان سقف‌هایی از نقره و نردبان‌هایی که بر آنها بالا می‌روند، قرار می‌دادیم؛ (33)
و (نیز) برای خانه هایشان درها و تخت‌هایی که بر آنها تکیه زنند و زر و زیور (قرار می‌دادیم). (34)
و همه اینها جز کالای زندگی پست (دنیا) نیست، و نزد پروردگارت، آخرت برای پارسایان (خود نگهدار) است. (35)
و هر کس از یاد (خدای) گسترده‌مهر روی گردان شود، شیطانی بر او می‌انگیزیم، و او برایش همنشین می‌شود. (36)
ترجمه قرآن، ص: 492
و قطعاً آن (شیطان) ها آنان را از راه (خدا) باز می‌دارند و می‌پندارند که آنان ره یافتگانند. (37)
تا هنگامی که نزد ما آید، گوید:» ای کاش بین من و بین تو دوری خاور و باختر بود، پس چه بد همنشینی بودی! «. (38)
و (به آنان می‌گوییم: این سخنان) امروز برای شما سودی ندارد، چون ستم کردید، که (در نتیجه) شما در عذاب شریکید! (39)
و آیا تو (می‌توانی سخن خود را) به گوش ناشنوایان برسانی، یا کور (دل) ان و کسی را که در گمراهی آشکار است راهنمایی کنی؟! (40)
و اگر تو را (از میان مردم) ببریم، پس مسلماً ما از آنان انتقام گیرنده‌ایم. (41)
یا (اگر زنده بمانی) آنچه (از عذاب) به آنان وعده داده‌ایم، به تو می‌نمایانیم؛ پس مسلماً ما بر آنان توانا هستیم. (42)
پس به آنچه که به سوی تو وحی شده است تمسّک جوی، [چرا] که تو بر راهی راست هستی. (43)
و قطعاً آن (قرآن) یاد آوری برای تو و قوم توست و در آینده بازپرسی خواهید شد. (44)
و از کسانی از فرستادگان که پیش از تو فرستادیم، پرسش کن، آیا غیر از (خدای) گسترده‌مهر معبودانی قرار دادیم که پرستیده شوند. (45)
و یقیناً موسی را با نشانه‌های (معجزه آسای) مان به سوی فرعون و اشراف او فرستادیم، و گفت:» در حقیقت من فرستاده پروردگار جهانیانم. « (46)
و هنگامی که با نشانه‌های (معجزه آسای) ما به سراغ آنان آمد، بناگاه آنان بدان (معجزات) می‌خندیدند! (47)
و هیچ نشانه (معجره آسا) به آنان نمی‌نمایاندیم جز اینکه آن بزرگ‌تر از

همانندش بود، و آنان را به عذاب گرفتار کردیم، تا شاید آنان (به سوی خدا) باز گردند. (48)
و گفتند:» ای ساحر! از پروردگارت به عهدی که نزد تو دارد برای ما بخواه، که مسلماً ما ره یافته‌ایم. « (49)
و هنگامی که عذاب را از آنان برطرف ساختیم ناگهان آنان پیمان می‌شکستند. (50)
ترجمه قرآن، ص: 493
و فرعون در (میان) قومش ندا داد، گفت:» ای قوم [من آیا فرمانروایی (کشور) مصر برای من نیست، در حالی که این نهرها تحت (فرمان) من جاری است؟! پس آیا (حقایق را) نمی‌بینید. (51)
آیا من بهتر از این نیستم که او پست است، و نزدیک نیست که (سخن را) روشن سازد؟! (52)
پس چرا بر او دستبندهایی از طلا افکنده نشده، یا با او فرشتگان دوشادوش نیامده‌اند؟! « (53)
(فرعون) قومش را سبک (سر) ساخت، پس او را اطاعت کردند؛ [چرا] که آنان گروهی نافرمانبردار بودند. (54)
و هنگامی که ما را خشمگین و اندوهناک ساختند از آنان انتقام گرفتیم و همه آنان را غرق کردیم. (55)
و آنان را پیشگامان (در عذاب) و نمونه‌ای (عبرت آمیز) برای (ملت‌های) پسین قرار دادیم. (56)
و هنگامی که به پسر مریم مثل زده شد، ناگهان قوم تو از آن (مثل) می‌خندیدند. (57)
و گفتند: آیا معبودان ما بهترند یا او؟! آن را جز (از راه) مجادله‌پردازی برای تو (مثل) نزدند؛ بلکه آنان گروهی کشمکش‌گرند. (58)
آن (عیسی) جز بنده‌ای که به او نعمت دادیم نیست، و او را نمونه‌ای برای بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) قرار دادیم. (59)
و اگر (بر فرض) بخواهیم، حتماً به جای شما فرشتگانی قرار می‌دهیم که در زمین جانشین (شما) گردند. (60)
و قعطاً او نشانه‌ای برای ساعت (رستاخیز) است، پس هرگز در آن تردید مَکنید و [از من پیروی کنید که این راهی راست است. (61)
و شیطان، شما را (از راه خدا) باز ندارد! [چرا] که او دشمن آشکاری برای شماست. (62)
و هنگامی که عیسی با دلایل روشن (معجزه آسا) آمد، گفت:» بیقین من برای شما فرزانگی آوردم و (آمده‌ام) تا برخی از آنچه در مورد آن اختلاف می‌کنید را برای شما بیان کنم؛ پس [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ و [مرا] اطاعت کنید. (63)

ترجمه قرآن، ص: 494
در حقیقت فقط خدا پروردگار من و پروردگار شماست؛ پس او را بپرستید؛ که این راهی راست است. (64)
و [لی احزابی از میان آن (مسیحی) ان اختلاف کردند؛ پس وای به حال کسانی که ستم کردند از عذاب روز دردناک (رستاخیز)! (65)
آیا انتظاری غیر از این دارند که ساعت (رستاخیز) ناگهان به سراغ آنان آید؛ در حالی که آنان (با درک حسّی) متوجه نمی‌شوند! (66)
دوستان در آن روز برخی از آنان دشمن برخی [دیگر] اند، جز پارسایان (خود نگهدار). (67)
ای بندگان [من ! امروز هیچ ترسی بر شما نیست، و نه شما اندوهگین می‌شوید. (68)
(همان) کسانی که به آیات ما ایمان آوردند و تسلیم شده بودند. (69)
(به آنان گفته می‌شود:) داخل بهشت شوید در حالی که شما و همسرانتان سرخوشید! (70)
ظرف‌هایی از طلا و سبوهایی بر گردشان چرخانده می‌شود؛ هر چه را خودشان بدان میل کنند و چشم‌ها لذت ببرند، در آن (بهشت موجود) است؛ در حالی که شما در آنجا ماندگارید. (71)
و این بهشت (همان) چیزی است که آن را به سبب آنچه همواره انجام می‌دادید، ارث داده شدید. (72)
در آنجا برای شما میوه‌های فراوان است که فقط از آنها می‌خورید. (73)
در واقع خلافکاران در عذاب جهنّم ماندگارند. (74)
(عذاب) از آنان کاسته نمی‌شود، و آنان در آنجا مأیوسند! (75)
و (ما) به آنان ستم نکردیم، و لیکن آنان (خود) ستمکار بودند. (76)
ترجمه قرآن، ص: 495
و ندا در دهند:» ای مالک (و مأمور دوزخ،) باید پروردگارت (عمر) ما را پایان دهد! « (در پاسخ) گوید:» در حقیقت شما (در دوزخ) ماندگارید. « (77)
بیقین حق را برای شما آوردیم؛ و لیکن بیشتر شما از حق ناخشنودید. (78)
بلکه (آنان) محکم کاری کردند، پس ما (نیز در مجازاتشان کاری) محکم می‌کنیم. (79)
بلکه می‌پندارند که ما راز آنان و رازگویی‌شان را نمی‌شنویم؟! آری، در حالی که فرستادگان ما نزد آنان (اعمالشان را) می‌نویسند. (80)
بگو:» اگر برای (خدای) گسترده‌مهر فرزندی بود، پس من (از) نخستین پرستندگان بودم. « (81)
پروردگار آسمان‌ها و زمین، پروردگار تخت (جهانداری و تدبیر هستی) منزّه است، از آنچه (او را) وصف می‌کنند! (82)

پس آنان را رها کن تا (در باطل) فرو روند و بازی کنند، تا اینکه روز (رستاخیز) شان را که وعده داده می‌شوند ملاقات کنند! (83)
و او کسی است که در آسمان معبود است، و در زمین معبود است؛ و او فرزانه داناست. (84)
و خجسته (و پایدار) است کسی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن دو است، تنها از آنِ اوست؛ و علم به ساعت (قیامت) فقط نزد اوست؛ و تنها به سوی او باز گردانده می‌شوید. (85)
و کسانی که غیر از او را می‌خوانند (و می‌پرستند) مالک شفاعت نیستند؛ مگر کسانی که به حق گواهی دهند، در حالی که آنان می‌دانند. (86)
و اگر از آن (مشرک) ان بپرسی:» چه کسی آنان را آفرید؟ «قطعاً می‌گویند:» خدا «پس چگونه (از حق) بازگردانده می‌شوند؟! (87)
و گفتارش (این بود) که:» ای پروردگار [من ! براستی اینان گروهی هستند که ایمان نمی‌آورند. « (88)
پس از آنان درگذر و بگو:» سلام «، و [لی در آینده خواهند دانست! (89)
ترجمه قرآن، ص: 496

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
حامیم. (1)
سوگند به کتاب (قرآن) روشنگر! (2)
که ما آن را در شبی خجسته فرو فرستادیم؛ در واقع ما هشدار گریم. (3)
در آن (شب) هر چیز استواری جدا کرده می‌شود؛ (4)
در حالی که فرمانی از نزد ماست؛ [چرا] که ما فرستنده‌ایم. (5)
(اینها) بخاطر رحمتی از جانب پروردگار توست، که در حقیقت تنها او شنوا [و] داناست. (6)
(همان) پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن دو است، اگر اهل یقین باشید. (7)
هیچ معبودی جز او نیست؛ زنده می‌کند و می‌میراند؛ پروردگار شما و پروردگار نیاکان نخستین شماست. (8)
بلکه آنان در شکّند (و) بازی می‌کنند. (9)
پس نگهبان (و منتظر) روزی باش، که آسمان دودی آشکار آورد، (10)
که مردم را فرا می‌گیرد؛ این عذاب دردناکی است! (11)
(می‌گویند:) [ای پروردگار ما! عذاب را از ما بر طرف کن که ما مؤمنیم. (12)
از کجا برای آنان یادآوری باشد در حالی که فرستاده‌ای روشنگر به سراغ آنان آمد، (13)
سپس از او روی برتافتند، و گفتند:» دانش آموخته‌ای دیوانه است. « (14)
در حقیقت ما، اندکی عذاب را (از شما) برطرف می‌سازیم، حتماً شما (به کفر خود) باز می‌گردید. (15)
(یاد کن) روزی را که با سخت‌گیریِ بزرگی (بر آنان) سخت می‌گیریم، که ما انتقام گیرنده‌ایم. (16)
و بیقین پیش از آنان قوم فرعون را آزمودیم در حالی که فرستاده‌ای ارجمند به سراغشان آمد، (17)
(و گفت:) که بندگان خدا را به من بازگردانید، [چرا] که من فرستاده‌ای درستکار برای شما هستم؛ (18)
و اینکه بر خدا برتری مجویید که من برای شما دلیلی آشکار آوردم. (19)
و در حقیقت من به پروردگارم و پروردگار شما پناه برم (از این) که (مرا متهم و) سنگسار کنید. (20)
و اگر به من ایمان نمی‌آورید، پس (از من) کناره‌گیری کنید. (21)
ترجمه قرآن، ص: 497

و (موسی) پروردگارش را خواند: که اینها گروهی خلافکارند. (22)
پس (به موسی گفتیم:) بندگان مرا شبانه حرکت ده، [چرا] که شما مورد پیگرد هستید؛ (23)
و دریا را با راهی باز، گشوده (به حال خود) واگذار، [چرا] که آنان لشکری غرق شده‌اند. (24)
چه بسیار از بوستان‌ها و چشمه ساران که به جای گذاشتند، (25)
و زراعت‌ها و جایگاه ارجمند، (26)
و ناز و نعمتی که در آن خوش بودند. (27)
اینگونه (فرعونیان را نابود کردیم)؛ و آن (نعمت‌ها) را به گروهی دیگر ارث دادیم. (28)
و آسمان و زمین بر آنان نگریست و مهلت داده نشدند. (29)
و بیقین بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) را از عذاب خوار کننده از (دست) فرعون نجات دادیم؛ (30)
که او برتری جویی، از اسرافکاران بود. (31)
و بیقین آنان را براساس دانش، بر جهانیان (عصرشان) برگزیدیم. (32)
و از نشانه‌های (معجزه آسا) که آزمایشی آشکار در آن بود به آنان دادیم. (33)
قطعاً آن (مشرک) ان می‌گویند: (34)
» آن (فرجام) جز مرگ نخستین ما نیست و ما زنده نمی‌شویم؛ (35)
پس اگر راستگویید، نیاکان ما را باز آرید! « (36)
آیا آنان بهترند یا قوم» تُبّع « (پادشاه یمن) و کسانی که پیش از آنان بودند؟! ایشان را هلاک کردیم، [چرا] که آنان خلافکار بودند. (37)
و آسمان‌ها و زمین و آنچه را در میان آن دو است به بازیچه نیافریدیم. (38)
آن دو را جز به حق نیافریدیم؛ و لیکن بیشتر آنان نمی‌دانند. (39)
در حقیقت روز جدایی (رستاخیز) میعادگاه همه آنان است؛ (40)
روزی که هیچ دوستی از دوست (ش) چیزی (از عذاب) را دفع نمی‌کند و آنان یاری نمی‌شوند؛ (41)
مگر کسی که خدا (او را) رحم کند؛ [چرا] که فقط او شکست‌ناپذیر [و] مهرورز است. (42)
ترجمه قرآن، ص: 498
مسلّماً درخت (نفرت‌انگیز) زقّوم، (43)
غذای گنه‌پیشه است؛ (44)
همچون روغن، (یا فلز) گداخته در شکم‌ها می‌جوشد؛ (45)
مانند جوشش آب سوزان! (46)
(گفته می‌شود:) او را بگیرید و بکشیدش تا در میان دوزخ بیفکنید! (47)

سپس بر فراز سرش از عذاب آب سوزان بریزید! (48)
(به کنایه به او گویند:) بچش که تنها تو شکست‌ناپذیر [و] ارجمندی! (49)
در واقع این چیزی است که همواره در آن تردید می‌کردید. (50)
براستی که پارسایان (خود نگهدار) در جایگاه امنی هستند؛ (51)
در بوستان‌ها و چشمه‌ساران؛ (52)
(لباس‌هایی) از حریر نازک و ضخیم می‌پوشند؛ در حالی که رویاروی همدیگر (نشسته) اند. (53)
(حال بهشتیان) اینگونه است؛ و حوریانی فراخ چشم (و همسرانی سپید چشم) را به ازدواج آنان در آوردیم. (54)
در آنجا هر میوه‌ای را (بخواهند) با امنیت فراخوانند. (55)
در آنجا جز مرگ نخستین، مرگ (دیگری) نخواهند چشید؛ و (خدا) آنان را از عذاب دوزخ حفظ می‌کند؛ (56)
(اینها بخاطر) بخششی از جانب پروردگار توست، تنها این کامیابی بزرگ است. (57)
و آن (قرآن) را فقط بر زبان تو آسان ساختیم، تا شاید آنان متذکر شوند. (58)
پس نگهبان (و منتظر) باش که آنان (نیز) نگهبان (و منتظر) ند! (59)
ترجمه قرآن، ص: 499

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
حامیم. (1)
فرو فرستادن کتاب (قرآن) از جانب خدای شکست‌ناپذیر فرزانه است. (2)
قطعاً در آسمان‌ها و زمین نشانه‌هایی برای مؤمنان است. (3)
و در آفرینش شما و آنچه از جنبندگان پراکنده می‌کند، نشانه‌هایی است برای گروهی که یقین آورند. (4)
و [در]، پی در پی آمدن شب و روز، و آنچه از روزی‌ها که خدا از آسمان فرو فرستاده و با آن زمین را، پس از مردنش زنده نمود، و [در] دگرگونی بادها، نشانه‌هایی است برای گروهی که خردورزی می‌کنند. (5)
آن [ها] آیات خداست؛ که آن را به حق بر تو می‌خوانیم؛ پس به کدام سخن بعد از (سخن) خدا و آیاتش ایمان می‌آورند؟! (6)
وای بر هر دروغ زن گنه پیشه! (7)
که آیات خدا را که بر او خوانده می‌شود، می‌شنود، سپس متکبرانه پافشاری می‌کند، گویا آن را نشنیده است؛ پس او را به عذاب دردناکی مژده ده! (8)
و هر گاه از آیات ما چیزی را بداند، آنها را به ریشخند گیرد؛ آنان عذابی خوار کننده برای شان (آماده) است! (9)
فرا روی آنان جهنّم است؛ و دستاوردشان و آنچه را غیر از خدا سرپرستان (خود) برگزیده‌اند، هیچ چیز (از عذاب الهی را) از آنان دفع نخواهد کرد؛ و برای شان عذابی بزرگ است! (10)
این (قرآن) راهنماست؛ و کسانی که آیات پروردگارشان را انکار کردند، برایشان عذاب دردناک اضطراب آور است! (11)
خدا کسی است که دریا را برای شما رام ساخت تا کشتی‌ها به فرمانش در آن روان شوند، و تا از بخشش او بهره جویید، و تا شما سپاسگزاری کنید. (12)
و (منافع) آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، در حالی که همگی از اوست، مسخر شما ساخت؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکّر می‌کنند. (13)
به کسانی که ایمان آوردند بگو:» کسانی را که امید به روزهای خدا (در رستاخیز) ندارند بیامرزید، تا (خدا) گروهی را بخاطر آنچه همواره بدست می‌آوردند جزا دهد «. (14)
هر کس (کار) شایسته‌ای به جا آورد، پس به سود خودش می‌باشد، و هر

کس (کار) بدی کند پس به زیان اوست؛ سپس فقط به سوی پروردگارتان بازگردانده می‌شوید. (15)
ترجمه قرآن، ص: 500
و بیقین به بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) کتاب (تورات) و حکم و نبوّت دادیم، و از (خوراکی‌های) پاکیزه به آنان» روزی «دادیم، و آنان را بر جهانیان برتری بخشیدیم. (16)
و دلایل روشنی از امر (دین) به آنان دادیم، و اختلاف نکردند مگر پس از آنکه علم برای آنان (حاصل) آمد، بخاطر ستم (و حسدی) که در میانشان بود. در حقیقت پروردگار تو روز رستاخیز، درباره آنچه همواره در آن اختلاف می‌کردند، میان آنان داوری می‌کند. (17)
سپس تو را بر شریعتی از امر (دین) قرار دادیم؛ پس از آن پیروی کن، و از هوس‌های کسانی که نمی‌دانند پیروی مکن. (18)
[چرا] که آنان هیچ چیز از (عذاب) خدا را از تو دفع نمی‌کنند، و در واقع ستمکاران برخی آنان یاوران برخی (دیگر) اند و خدا یاور پارسایان (خود نگهدار) است. (19)
این (قرآن) دلیل‌های بینش آور برای مردم است؛ و رهنمود و رحمتی است برای گروهی که یقین آورند. (20)
بلکه آیا کسانی که (گناهان) بد را کسب کردند، پنداشتند که آنان را همانند کسانی قرار می‌دهیم که ایمان آورده و (کارهای) شایسته انجام داده‌اند، در حالی که زندگی آنان و مرگشان یکسان است؟! چه بد داوری می‌کنند! (21)
و خدا آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید، و تا هر کس بخاطر آنچه کسب کرده، جزا داده شود، در حالی که آنان مورد ستم واقع نمی‌شوند. (22)
و آیا اطلاع یافتی از کسی که هوسش را معبود خود گرفت؟! و خدا او را از روی دانش در گمراهی وانهاد، و بر گوش او و دلش مهر نهاده و بر چشمش پرده‌ای قرار داد؟! و چه کسی بعد از خدا او را راهنمایی می‌کند؟! آیا (غافلید) و متذکّر نمی‌شوید؟! (23)
ترجمه قرآن، ص: 501
و گفتند:» این جز زندگی پست (دنیای) ما نیست، می‌میریم و زنده می‌شویم، و جز روزگار، ما را هلاک نمی‌کند «. و برای آنان هیچ علمی بدان (سخن) نیست، جز این نیست که آنان گمان می‌برند. (24)
و هنگامی که آیات ما، در حالی که روشن است، بر آنان خوانده می‌شود دلیل آنان جز این نباشد که گویند:» نیاکان ما را (زنده کنید و) بیاورید اگر راستگویید! « (25)
بگو:» خدا شما را زنده می‌کند، سپس شما را می‌میراند، آنگاه در روز رستاخیز که هیچ تردیدی در آن نیست شما را گردآوری می‌کند؛ و لیکن

بیشتر مردم نمی‌دانند. « (26)
و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط از آن خداست؛ و روزی که ساعت (قیامت) بر پا می‌شود در آن روز باطل گرایان زیان می‌کنند. (27)
و هر امّتی را به زانو نشسته می‌بینی، هر امتی به سوی نامه (اعمال) ش فراخوانده می‌شود؛ (و به آنها گفته می‌شود:) امروز آنچه را همواره انجام می‌دادید جزا داده می‌شوید. (28)
این کتاب ماست در حالی که علیه شما به حق سخن می‌گوید، در حقیقت ما آنچه را همواره انجام می‌دادید پیوسته رونوشت بر می‌داشتیم. (29)
و امّا کسانی که ایمان آوردند و (کارهای) شایسته انجام دادند، پس پروردگارشان آنان را در رحمتش وارد می‌کند؛ تنها این کامیابی آشکار است. (30)
و امّا کسانی که کفر ورزیدند، پس (به آنان گفته می‌شود:) آیا آیات من پیوسته بر شما خوانده نمی‌شد، و [لی تکبّر ورزیدید، و گروهی خلافکار شدید؟! (31)
و هنگامی که گفته می‌شد:» بیقین وعده خدا حق است و ساعت (قیامت) هیچ تردیدی در آن نیست. «می‌گفتید:» نمی‌دانیم ساعت (قیامت) چیست؟ (ما) جز گمانی، گمان نمی‌بریم، و ما یقین نداریم. « (32)
ترجمه قرآن، ص: 502
و بدی‌های آنچه انجام دادند برایشان آشکار شود، و آنچه که همواره آن را ریشخند می‌کردند آنان را فروگیرد. (33)
و گفته شود:» امروز شما را به فراموشی سپردیم همانطوری که ملاقات این روزتان را فراموش کردید؛ و مقصد شما آتش است و هیچ یاوری برای شما نیست! (34)
این (عذاب) بخاطر آن است که شما آیات خدا را به ریشخند گرفتید، و زندگی پست (دنیا) شما را فریب داد. «و امروز از آن (دوزخ) بیرون آورده نمی‌شوند و از آنان تقاضای عذرخواهی نمی‌شود (تا مورد رضایت قرار گیرند). (35)
و ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین است، (همان) پروردگار جهانیان. (36)
و بزرگی (و ریاست) در آسمان‌ها و زمین، فقط از آن خداست؛ و او شکست‌ناپذیر [و] فرزانه است. (37)

ترجمه قرآن 525
به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
حامیم. (1)
فرو فرستادن کتاب (قرآن) از جانب خدای شکست‌ناپذیر فرزانه است. (2)
آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن دو است، جز به حق و (تا) سرآمد معیّن نیافریدیم، و کسانی که کفر ورزیدند از آنچه هشدار داده شدند روی گردانند. (3)
بگو:» به من بنمایانید، آیا به نظر شما آنچه را غیر از خدا می‌خوانید (و می‌پرستید) چه چیزی از زمین را آفریده‌اند، بلکه آیا آنان شرکتی در (آفرینش) آسمان‌ها داشته‌اند؟! اگر راستگویید، برای من کتابی (الهی) پیش از این (قرآن) یا اثر علمی (از گذشتگان) بیاورید. « (4)
و کیست گمراه‌تر از کسی که غیر از خدا، کسی را می‌خواند که تا روز رستاخیز (دعای) او را نمی‌پذیرد، و آنها از خواندن (و پرستش) ایشان غافلند. (5)
ترجمه قرآن، ص: 503
و هنگامی که مردم گردآوری شوند، (معبودان)، دشمنان آن (مشرک) ان می‌شوند؛ و منکر پرستش آنان می‌گردند. (6)
و هنگامی که آیات ما در حالی که روشن است بر آنان خوانده می‌شود، کسانی که کفر ورزیدند، درباره حق، هنگامی که به سراغشان آمد، می‌گویند:» این (قرآن) سحری آشکار است. « (7)
آیا (مشرکان) می‌گویند:» (او) به دروغ آن را (به خدا) نسبت داده است؟! «بگو:» اگر من آن را به دروغ نسبت دهم پس (مجازات خواهم شد و) از طرف خدا برای (دفاع از) من، هیچ چیزی را مالک نیستید. او به آنچه در آن وارد می‌شوید داناتر است؛ گواهی او بین من و بین شما کافی است؛ و او بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (8)
بگو:» (من) نو آمدی از فرستادگان (خدا) نیستم؛ و نمی‌دانم که با من و با شما چه خواهد شد، جز آنچه به سوی من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم؛ من جز هشدارگری روشنگر نیستم. « (9)
بگو:» آیا به نظر شما اگر (قرآن) از نزد خدا باشد و بدان کفر ورزید، و شاهدی از بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) بر مثل آن گواهی دهد، و ایمان آورد و (شما) تکبّر ورزید (آیا ستمگر نیستید؟!) در حقیقت خدا گروه ستمکاران را راهنمایی نمی‌کند. « (10)

و کسانی که کفر ورزیدند درباره کسانی که ایمان آوردند، گفتند:» اگر (بر فرض ایمان)، خوب بود (آنان) به سوی آن بر ما پیشی نمی‌گرفتند. «و چون بدان (قرآن) رهنمون نشدند، پس بزودی می‌گویند:» این دروغ بزرگ دیرینه‌ای است. « (11)
و کتاب موسی در حالی که پیشوا و رحمتی بود، پیش از آن (قرآن فرود آمده) است، و این کتابی است به زبان عربی، که مؤیّد (تورات) است، تا کسانی را که ستم کردند هشدار دهد و مژده‌ای برای نیکوکاران باشد. (12)
در واقع کسانی که گفتند:» پرودگار ما خداست. «سپس پایداری کردند، پس هیچ ترسی بر آنان نیست و نه آنان اندوهگین می‌شوند. (13)
آنان اهل بهشتند در حالی که در آنجا ماندگارند، به پاداش آنچه همواره انجام می‌دادند. (14)
ترجمه قرآن، ص: 504
و به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند؛ مادرش با ناگواری او را بارداری کرد و با ناگواری او را بزاد، و بارداری او و از شیر باز گرفتنش سی ماه است؛ تا اینکه به حدّ رشدش برسد و به چهل سالگی رسد، گوید:» پروردگارا! به من الهام کن، که نعمتت را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشتی، سپاسگزاری کنم، و اینکه [کار] شایسته‌ای، که آن را می‌پسندی، انجام دهم؛ و برای من در نسلم شایستگی پدید آور؛ در واقع من به سوی تو بازگشتم و در حقیقت من از تسلیم شدگان هستم. « (15)
آنان کسانی هستند که بهترین اعمالشان را از آنان می‌پذیریم و از بدی‌هایشان در اهل بهشت می‌گذریم؛ (این) وعده راستی است که همواره (بدان) وعده داده می‌شدند. (16)
و کسی که به پدر و مادرش گفت:» اف (کوچک‌ترین سخن اهانت آمیز) بر شما باد، آیا به من وعده می‌دهید که (من از قبر) بیرون آورده می‌شوم؟! در حالی که گروه‌ها (و نسل‌ها) یی پیش از من در گذشتند (و کسی زنده نشد.) «و آن دو از خدا یاری خواهند (و گویند:) وای بر تو! ایمان بیاور که وعده خدا حق است. و [لی آن فرزند] گوید:» این جز افسانه‌های پیشینیان نیست. « (17)
آنان کسانی هستند که گفتار (وعده عذاب) بر آنان تحقق یافت، در امت‌هایی از جن و انسان که پیش از آنان در گذشتند؛ [چرا] که آنان زیانکار بودند. (18)
و برای هر یک (از این گروه‌ها) رتبه‌هایی است که (ناشی می‌شود) از آنچه انجام دادند، و تا (خدا) کارهایشان را بطور کامل به آنان بدهد؛ در حالی که آنان مورد ستم واقع نمی‌شوند. (19)
و روزی که کسانی که کفر ورزیدند بر آتش عرضه شوند (به آنان گفته

شود: لذت چیزهای) پاکیزه‌تان را در زندگی پست (دنیای) تان بردید و از آنها بهره‌مند شدید؛ پس امروز به (سزای) آنچه همواره در زمین به ناحق تکبّر می‌ورزیدید و به (سزای) آنچه پیوسته نافرمانی می‌کردید، به عذابی خوارکننده مجازات خواهید شد! (20)
ترجمه قرآن، ص: 505
و برادر (قوم) عاد (هود) را یاد کن هنگامی که قومش را در ریگستان (احقاف) هشدار داد، در حالی که هشدار گرانی (از پیامبران) پیش از او و پس از وی در گذشتند؛ (و گفت:) که جز خدا را نپرستید، [چرا] که من از عذاب روزی بزرگ بر شما می‌ترسم. (21)
(قوم عاد) گفتند:» آیا نزد ما آمدی تا ما را از معبودانمان بازگردانی؟! پس اگر از راستگویانی، آنچه را (از عذاب) به ما وعده می‌دهی برای ما بیاور! « (22)
(هود) گفت:» علم (به زمان عذاب) فقط نزد خداست، و آنچه را که بدان فرستاده شده‌ام به شما ابلاغ می‌کنم، و لیکن من شما را گروهی می‌بینم که نادانی می‌کنید. « (23)
و هنگامی آن (عذاب) را دیدند در حالی که ابری روی آورنده به دره‌هایشان بود، گفتند:» این ابری است که بر ما می‌بارد! «بلکه آن چیزی است که بدان شتاب می‌ورزیدید، (همان) بادی که در آن عذابی دردناک است! (24)
که همه چیز را به فرمان پروردگارش در هم می‌کوبید، پس صبح کردند در حالی که جز خانه‌هایشان دیده نمی‌شد؛ اینگونه گروه خلافکاران را کیفر می‌دهیم. (25)
و بیقین به آنان در مورد چیزی امکانات دادیم که به شما در آن (مورد) امکانات ندادیم، و برای آنان گوش و چشمان و دل‌های [سوزان قرار دادیم و [لی گوش آنان و چشمانشان و دل‌های (سوزان) آنان چیزی (از عذاب) را از آنان دفع نکرد، چون همواره نشانه‌های (اعجاز آمیز) خدا را انکار می‌کردند و آنچه را همواره آن را به ریشخند می‌گرفتند آنان را فرو گرفت. (26)
و بیقین آنچه از آبادی‌ها در اطراف شما بودند نابود کردیم، و نشانه‌های (خود) را به گونه‌های مختلف بیان کردیم، تا شاید آنان باز گردند. (27)
و چرا کسانی که معبودانی غیر از خدا را (برای) نزدیکی (به او) برگزیدند آنان را یاری نکردند؟! بلکه از (نظر) آنان گم شدند! و آن (نتیجه) دروغ بزرگشان و آنچه را همواره (بر خدا شریک) می‌بستند، بود. (28)
ترجمه قرآن، ص: 506
و (یاد کن) هنگامی را که نفراتی از جن را به سوی تو باز گرداندیم در حالی که قرآن را می‌شنیدند، و هنگامی که نزدش حاضر شدند گفتند:»

[هنگام شنیدن ساکت باشید. «و هنگامی که (خواندن قرآن) پایان گرفت، به سوی قومشان بازگشتند در حالی که هشدار دهنده بودند. (29)
گفتند:» ای قوم ما! در حقیقت ما کتابی را شنیدیم که بعد از موسی فرو فرستاده شده است، در حالی که مؤیّد (کتاب‌های) پیشین است (و) به سوی حق و به سوی راهی راست، راهنمایی می‌کند. (30)
ای قوم ما! فرا خواننده خدا را پاسخ دهید و به او ایمان آورید تا برخی از پیامدهای (گناهان) تان را برای شما بیامرزد، و شما را از عذابی دردناک پناه دهد. (31)
و هر کس فراخواننده خدا را پاسخ ندهد، پس عاجز کننده (خدا) در زمین نیست، و غیر از او هیچ دوستان (و یاورانی) برایش نیست، آنان در گمراهی آشکارند. (32)
و آیا اطلاع نیافته‌اند که خدایی که آسمان‌ها و زمین را آفریده و از آفرینش آنها درمانده نشده است، بر زنده کردن مردگان تواناست؟! آری، [چرا] که او بر هر چیزی تواناست. (33)
و روزی که کسانی که کفر ورزیدند بر آتش عرضه می‌شوند (و به آنها گفته می‌شود:) آیا این حق نیست؟! می‌گویند:» آری، سوگند به پروردگار ما (که حق است!) «گوید:» پس بخاطر اینکه همواره کفر می‌ورزیدید عذاب را بچشید! « (34)
پس شکیبا باش همانگونه که (پیامبران) اولو العزم (صاحبان تصمیم استوار) از فرستادگان شکیبایی کردند، و برای (عذاب) آنان شتاب مورز، (زیرا) روزی که آنچه را وعده داده شده‌اند می‌بینند، که گویی جز ساعتی از روز، (در دنیا) درنگ نکرده‌اند؛ (این) رساندن [پیام است و آیا جز گروه نافرمانبردار هلاک می‌شوند؟! (35)
ترجمه قرآن، ص: 507

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
کسانی که کفر ورزیدند و (مردم را) از راه خدا باز داشتند، (خدا) اعمالشان را گم کرده است. (1)
و کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند و به آنچه بر محمد صلی الله علیه و آله فرو فرستاده شده ایمان آوردند، در حالی که آن حقّی از جانب پروردگارشان بود، (خدا) بدی‌هایشان را از آنان زدود و حالشان را اصلاح کرد. (2)
این بخاطر آن است که کسانی که کفر ورزیدند از باطل پیروی کردند، و اینکه کسانی که ایمان آوردند از حقّی که از جانب پروردگارشان بود پیروی کردند؛ اینگونه خدا برای مردم مثل‌هایشان را می‌زند. (3)
و هنگامی که با کسانی که کفر ورزیدند روبرو شدید، پس گردن‌ها (یشان) را بزنید، تا هنگامی که کاملًا بر آنان مسلّط شوید پس (اسیران را) محکم به بند کشید؛ پس یا بعد (از آن) منّت گذارید (و آزادشان کنید) یا (در برابر آزادی آنان) تاوان بگیرید، تا اینکه جنگ بارهای سنگینش را (بر زمین) نهد، این (فرمان خداست). و اگر (بر فرض) خدا می‌خواست حتماً از آنان انتقام می‌گرفت، و لیکن (می‌خواهد) تا برخی از شما را با برخی [دیگر] بیازماید. و کسانی که در راه خدا کشته شدند، پس (خدا) اعمالشان را گم نمی‌کند؛ (4)
بزودی آنان را راهنمایی می‌کند و حالشان را اصلاح می‌کند؛ (5)
و آنان را وارد بهشت می‌کند، در حالی که آن را به آنان شناسانده بود. (6)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (دین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند؛ و گام‌هایتان را استوار می‌دارد. (7)
و کسانی که کفر ورزیدند، نگونساری [و مرگ بر آنان باد! و اعمالشان گم‌باد. (8)
این بخاطر آن است که آنان از آنچه خدا فرو فرستاده ناخشنود بودند، پس خدا اعمالشان را تباه کرد. (9)
و آیا در زمین گردش نکردند تا بنگرند چگونه بوده است فرجام کسانی که پیش از آنان بودند، خدا آنان را در هم کوبید؛ و برای کافران همانند آن است! (10)
این بخاطر آن است که خدا سرپرست کسانی است که ایمان آوردند؛ و (بخاطر) اینکه کافران هیچ سرپرستی برای آنان نیست. (11)
ترجمه قرآن، ص: 508
در حقیقت خدا کسانی را که ایمان آوردند و (کارهای) شایسته انجام دادند،

در بوستان‌های (بهشتی) وارد می‌کند که نهرها از زیر [درختان ش روان است؛ و کسانی که کفر ورزیدند (از دنیا) بهره می‌گیرند و می‌خورند، همانطور که دام‌ها می‌خورند، و آتش جایگاهی برای آنان است. (12)
و چه بسیار [مردم آبادی که هلاکشان کردیم که آن (ها) از [مردم آبادی‌ات (مکه) که تو را (از آنجا) بیرون کردند، نیرومندتر بودند، و هیچ یاوری برای آنان نبود. (13)
و آیا کسی که از طرف پروردگارش بر دلیلی روشن باشد همانند کسی است که بدی کردارش برای او آراسته شده است و از هوس‌هایشان پیروی کردند؟! (14)
مثال بهشتی که پارسایان [خود نگهدار، بدان وعده داده شده‌اند (همانند بوستانی است که) در آن نهرهایی از آب تغییرناپذیر، و نهرهایی از شیری که مزه‌اش تغییر نکرده، و نهرهایی از شرابی که برای نوشندگان لذت بخش، و نهرهایی از عسل ناب است، و برای آنها در آن (بوستان) از همه محصولات (گونه‌ای) است؛ و (نیز) آمرزشی از سوی پروردگارشان است! (آیا اینها) همانند کسانی هستند که در آتش ماندگارند، و از آب سوزان نوشانده می‌شوند، و روده‌هایشان را پاره پاره می‌کند؟! (15)
و برخی از آنان، کسانی هستند به (سخنان) تو گوش فرا می‌دهند، تا هنگامی از نزد تو خارج می‌شوند، به کسانی که دانش داده شدند، می‌گویند:» هم اکنون چه می‌گفت؟! «آنان کسانی هستند که خدا بر دل‌هایشان مُهر نهاده و از هوس هایشان پیروی کردند. (16)
و کسانی که ره یافته‌اند (خدا) بر هدایت آنان افزود، و (توفیق) پارسایی‌شان را به آنان داد. (17)
و آیا انتظاری جز (آمدن) ساعت (رستاخیز) دارند که ناگهان به سراغشان می‌آید، پس بیقین نشانه‌های آن آمده است؛ هنگامی که (قیامت) به سراغ آنان آید پس کجا یادآوری‌شان برای آنان (سود) دارد؟ (18)
پس بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست؛ و برای پیامد (کارهای) خود و برای مردان مؤمن و زنان مؤمن آمرزش طلب؛ و خدا رفت و آمد و جایگاه شما را می‌داند. (19)
ترجمه قرآن، ص: 509
و کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند:» چرا سوره‌ای فرو فرستاده نشد؟! «و هنگامی که سوره‌ای محکم فرو فرستاده شود و در آن از جنگ یاد شود، کسانی را که در دل‌هایشان (نوعی) بیماری است می‌بینی که همچون نگاه کسی که مرگ او را فرا گرفته باشد به سوی تو می‌نگرند؛ پس (مرگ) برای آنان سزاوارتر است! (20)
(ولی دستور ما) اطاعت و گفتاری پسندیده است، و هنگامی که تصمیم کار (جهاد) گرفته شد، پس اگر (بر فرض) با خدا راست می‌گفتند حتما برای

آنان بهتر بود. (21)
و اگر (از دستور خدا) روی برتابید آیا امید دارید که در زمین فساد کنید، و پیوند خویشاوندانتان را بگسلید؟! (22)
آنها کسانی هستند که خدا آنان را از رحمت خود دور ساخته است، و آنان را ناشنوا گردانده و چشمانشان را نابینا کرده است. (23)
و آیا در قرآن تدبّر نمی‌کنند یا بر دل‌های (آنان) قفل‌های (مخصوص) آن نهاده شده است؟! (24)
در حقیقت کسانی که بعد از روشن شدن هدایت برای آنان، با عقبگردشان بازگشتند، شیطان (اعمال زشت را) برای آنان آراست، و آنان را به آرزوهای دراز انداخت. (25)
این بخاطر آن است که آنان به کسانی که آنچه را خدا فروفرستاده ناخوش داشتند، گفتند:» بزودی در برخی از کارها از شما اطاعت می‌کنیم. «در حالی که خدا رازگویی آنان را می‌داند. (26)
(حال آنان) چگونه است هنگامی که فرشتگان (جان‌های) آنان را بطور کامل می‌گیرند، در حالی که بر صورت‌هایشان و پشت‌هایشان می‌زنند؟! (27)
این بخاطر آن است که آنان از آنچه خدا را به خشم آورد، پیروی کردند. و خشنودی او را ناخوش داشتند؛ پس (خدا) اعمالشان را تباه کرد. (28)
بلکه کسانی که در دل‌هایشان [نوعی بیماری است پنداشتند که خدا کینه‌هایشان را (آشکارا) بیرون نمی‌آورد؟! (29)
ترجمه قرآن، ص: 510
و اگر (بر فرض) می‌خواستیم حتماً آنان را به تو می‌نمایاندیم، پس آنان را با چهره‌شان می‌شناختی، و قطعاً آنان را از کنایه سخن (شان) می‌شناسی؛ و خدا اعمال شما را می‌داند. (30)
و قطعاً شما را آزمایش می‌کنیم تا اینکه از میان شما مجاهدان و شکیبایان را معلوم داریم، و خبرهایتان را بیازماییم. (31)
در حقیقت کسانی که کفر ورزیدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند و بعد از روشن شدن هدایت برای آنان با فرستاده (خدا) مخالفت ورزیدند، به خدا هیچ چیزی زیان نمی‌رسانند؛ و بزودی اعمالشان را تباه می‌کند. (32)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا اطاعت کنید و از فرستاده (اش، نیز) اطاعت کنید، و اعمالتان را باطل نسازید. (33)
در حقیقت کسانی که کفر ورزیدند و (مردم را) از راه خدا بازداشتند سپس در حالی که آنان کافر بودند مردند، پس خدا آنان را نمی‌آمرزد. (34)
پس سستی نکنید و به سوی صلح فراخوانید در حالی که شما برترید، و خدا با شماست و از اعمال شما نمی‌کاهد. (35)
زندگی پست (دنیا) فقط بازی و سرگرمی است؛ و اگر ایمان آورید و خود

نگهداری کنید، پاداشتان را به شما می‌دهد و اموال شما را از شما نمی‌خواهد. (36)
اگر از شما آن (اموال) را بخواهد و به شما اصرار کند، بُخل می‌ورزید؛ و کینه‌هایتان را (آشکارا) بیرون می‌آورد. (37)
آگاه باشید، شما (هم) آنید که فراخوانده می‌شوید تا در راه خدا (اموالتان را) مصرف کنید، پس برخی از شما کسی است که بخل می‌ورزد و هر کس بخل ورزد، پس فقط نسبت به خودش بخل کرده است؛ و خدا توانگر است و شما نیازمندید؛ و اگر روی برتابید گروهی غیر از شما را جایگزین (شما) می‌کند، سپس (آنان) همانند شما نخواهند بود. (38)
ترجمه قرآن، ص: 511

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
در حقیقت ما با پیروزی آشکاری تو را پیروز کردیم؛ (1)
تا خدا آنچه از پیامد (کار) تو مقدم شده و آنچه مؤخّر شده را برایت بیامرزد، و نعمتش را برتو تمام کند و تو را به راهی راست رهنمون شود؛ (2)
و خدا با پیروزی شکست ناپذیری تورا یاری کند. (3)
او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان فروفرستاد تا ایمانی بر ایمانشان بیفزایند؛ و لشکریان آسمان‌ها و زمین فقط از آنِ خداست، و خدا دانایی فرزانه است. (4)
تا مردان مؤمن و زنان مؤمن را در بوستان‌های (بهشتی) وارد کند که نهرها از زیر [درختان ش روان است در حالی که در آن ماندگارند و بدی هایشان را از آنان می‌زداید؛ و آن نزد خدا کامیابی بزرگی است. (5)
و مردان منافق و زنان منافق و مردان مشرک و زنان مشرک که با گمان بدی به خدا گمان برند را (خدا) عذاب می‌کند، که حادثه بد فقط بر (خود) آنان است، و خدا برآنان خشم گرفته و آنان را از رحمتش دور کرده، و جهنّم را برای آنان آماده ساخته است، و [این بد فرجامی است! (6)
لشکریان آسمان‌ها و زمین فقط از آنِ خداست؛ و خدا شکست‌ناپذیری فرزانه است. (7)
در حقیقت ما تو را گواه و مژده آور و هشدار گر فرستادیم، (8)
تابه خدا و فرستاده‌اش ایمان آورید، و اورا گرامی دارید (و دشمنانش را از او باز دارید)، و بزرگش شمارید، و صبحگاهان و عصرگاهان (و شب هنگام) او را تسبیح گویید. (9)
ترجمه قرآن، ص: 512
در حقیقت کسانی که با تو بیعت می‌کنند فقط با خدا بیعت می‌کنند، که دست (قدرت) خدا برفراز دستان آنان است؛ و هر کس پیمان شکنی کند پس فقط بر زیان خودش پیمان می‌شکند؛ و هر که بدانچه بر آن با خدا پیمان بسته است وفاکند، پس بزودی پاداشی بزرگ به او خواهد داد. (10)
بزودی واپس ماندگان از عرب‌های (صحرانشین) به تو می‌گویند:» اموال ما و خانواده‌هایمان، ما را (به خود) مشغول داشت، پس برای ما طلب آمرزش کن! «با زبان‌هایشان چیزی را می‌گویند که در دل‌هایشان نیست بگو:» اگر (خدا) زیانی برای شما بخواهد، یا سودی برای شما بخواهد، پس چه کسی از طرف خدا برای شما صاحب اختیار چیزی است؟ (تا مانع او شود!) بلکه خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (11)

بلکه یقین کردید که فرستاده (خدا) و مؤمنان به سوی خانواده‌هایشان هرگز بازنخواهند گشت؛ و این در دل‌های شما آراسته شده بود و باگمان بدی گمان بردید، و گروهی هلاک شده بودید. « (12)
و هر کس که به خدا و فرستاده‌اش ایمان نیاورد پس (سرنوشتش دوزخ است، چرا) که ما برای کافران شعله فروزان (آتش) آماده کرده‌ایم! (13)
و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط از آنِ خداست؛ هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) می‌آمرزد؛ و هر کس را بخواهد (و مستحق باشد) عذاب می‌کند؛ و خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (14)
هنگامی که باشتاب به سوی غنیمت‌ها به راه می‌افتید تا آنها را بگیرید، واپس ماندگان بزودی می‌گویند:» ما را واگذارید تا بدنبال شما بیاییم. «در حالی که می‌خواهند کلام خدا را تغییر دهند؛ بگو:» بدنبال ما نیایید، اینگونه خدا پیش از (این) گفت. «پس بزودی می‌گویند:» بلکه به ما حسد می‌ورزید. «بلکه (آنان) هرگز جز اندکی بطور عمیق نمی‌فهمیدند. (15)
ترجمه قرآن، ص: 513
به واپس ماندگان از عرب‌های (صحرانشین) بگو:» بزودی به سوی گروهی سخت نیرومند (و جنگ آور) فراخوانده می‌شوید که با آنان بجنگید یا اسلام آورند؛ و اگر اطاعت کنید، خدا پاداش نیکی به شما می‌دهد؛ و اگر روی برتابید همان گونه که پیش از (این) روی برتافتید، شما را با عذاب دردناکی عذاب می‌کند! « (16)
هیچ تنگی (و تکلیفی) بر نابینا نیست و (نیز) هیچ تنگی (و تکلیفی) بر لنگ نیست، و (نیز) بر بیمار هیچ تنگی (و تکلیفی) نیست؛ و هر کس از خدا و فرستاده‌اش اطاعت کند او را در بوستان‌های (بهشتی) وارد می‌کند که از زیر [درختان ش نهرها روان است؛ و هر کس روی برتابد باعذاب دردناکی او را عذاب می‌کند! (17)
بیقین خدا از مؤمنان خشنود شد هنگامی که زیر درخت با تو بیعت کردند و (خدا) آنچه را در دل‌هایشان بود دانست؛ پس آرامش را بر دل‌هایشان فروفرستاد، و پیروزی نزدیکی به آنان پاداش داد؛ (18)
و (نیز) غنیمت‌های فراوانی که آنها را می‌گیرند، و خدا شکست ناپذیری فرزانه است. (19)
خدا غنیمت‌های فراوانی به شما وعده داده بود که آنها را می‌گیرید، پس این (غنائم) را به شما شتابان داد و دستان (تجاوزگر) مردم را از شما کوتاه کرد، و تا نشانه‌ای برای مؤمنان باشد، و شما را به راهی راست رهنمون شود. (20)
و (نیز غنائم) دیگری که شما توانایی (بدست آوردن) آنها را ندارید، که بیقین خدا بر آنها احاطه دارد؛ و خدا بر همه چیز تواناست. (21)
و اگر (بر فرض) کسانی که کفر ورزیدند با شما می‌جنگیدند، حتماً با

عقبگرد روی بر می‌تافتند (و شکست می‌خوردند)؛ سپس هیچ سرپرست و یاوری نمی‌یافتند (22)
(این) روش خداست که پیش از (این) گذشت، و هیچ تغییری برای روش (و قانون) خدا نخواهی یافت. (23)
ترجمه قرآن، ص: 514
و او کسی است که دستان (تجاوزگر) آنان را از شما و دستان شما را از آنان در دل مکه کوتاه کرد، بعد از آنکه شما را بر آنان پیروز ساخت؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (24)
آنان کسانی هستند که کفر ورزیدند و شما را از مسجد الحرام بازداشتند، و (نیز) قربانی بازداشت شده را از رسیدن به قربانگاهش (منع کردند). و اگر نبودند مردان مؤمن و زنان مؤمنی که آنان را نمی‌شناختید، که پایمالشان می‌کردید، پس از آنان عیبی بدون هیچ دانشی به شما می‌رسید، (خدا هرگز مانع این جنگ نمی‌شد؛ لیکن شما را از حمله بازداشت) تا خدا هر کس را (شایسته ببیند و) بخواهد در رحمتش وارد کند؛ اگر (بر فرض مؤمنان و کافران از هم) جدا می‌شدند، حتماً کسانی از آنان را که کفر ورزیدند با عذاب دردناکی عذاب می‌کردیم! (25)
(یاد کن) هنگامی را که کسانی که کفر ورزیدند، در دل‌هایشان تعصّب خشم آلود (که همان) تعصّب خشم آلود (دوران) جاهلیت بود، قرار دادند؛ پس خدا آرامش خود را بر فرستاده‌اش و بر مؤمنان فرو فرستاد و آنان را به گفتار (و برنامه) پارسایی (و خود نگهداری) ملزم ساخت، و (آنان) سزاوارتر بدان و اهل آن بودند؛ و خدا به هر چیزی داناست. (26)
بیقین خدا به فرستاده‌اش درخواب بحق راست گفت که اگر خدا بخواهد قطعاً با امنیت وارد مسجد الحرام می‌شوید در حالی که سرهایتان را تراشیده و (یا) کوتاه کرده‌اید (و از کسی) نمی‌ترسید؛ و (خدا) می‌دانست آنچه که نمی‌دانستید؛ و جز این، پیروزی نزدیکی (برای شما) قرارداده است. (27)
او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه دین [ها] پیروز گرداند؛ و گواهی خدا کافی است. (28)
ترجمه قرآن، ص: 515
محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند بر کافران سخت‌گیر (و) در میان خود مهرورزند؛ آنان را رکوع کنان [و] سجده کنان می‌بینی، در حالی که بخشش و خشنودی‌ای از خدا می‌جویند؛ نشانه آنان در چهره‌هایشان از اثر سجده [نمایان است]؛ این مثال آنان در تورات است و مثال آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه‌اش را بیرون آورده، پس آن را تقویت کرده و محکم گرداند، پس بر ساقه‌های خود راست قرارگیرد، در حالی که کشاورزان را شگفت زده کند؛ تا کافران را

بخاطر آنان به خشم آورد! خدا به کسانی از آنان که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، آمرزش و پاداش بزرگی را وعده داده است. (29)

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! فرا پیش خدا و فرستاده‌اش (چیزی را) مقدم ندارید، (و بر آنان پیشی مگیرید.) و [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید؛ که خدا شنوای داناست. (1)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صداهایتان را فراتر از صدای پیامبر بلند مَکنید، و در سخن گفتن بر او بانگ نزنید، همچون بانگ زدن برخی از شما بر برخی [دیگر]؛ مبادا اعمال شما تباه شود در حالی که شما (با درک حسّی) متوجه نمی‌شوید. (2)
در حقیقت کسانی که صداهایشان را نزد فرستاده خدا فرو می‌کشند، آنان کسانی هستند که خدا دل‌هایشان را برای پارسایی (و خود نگهداری آزموده و) خالص نموده است؛ [و] برای آنان آمرزش و پاداش بزرگی است. (3)
درواقع کسانی که تو را از پشت اتاق‌ها فرامی‌خوانند، اکثر آنان خردورزی نمی‌کنند. (4)
ترجمه قرآن، ص: 516
و اگر (بر فرض) آنان شکیبایی می‌کردند تا به سوی آنان در آیی، حتماً برای آنان بهتر بود؛ و خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (5)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر نافرمانبرداری، برای شما خبر بزرگی آورد، پس (در باره آن) تحقیق کنید، (مبادا) نادانسته با گروهی برخورد کنید، و از آنچه انجام داده‌اید، پشیمان گردید. (6)
و بدانید که فرستاده خدا در میان شماست؛ اگر (بر فرض) در بسیاری از کارها از شما اطاعت کند، حتماً به زحمت می‌افتید؛ و لیکن خدا ایمان را برای شما دوست داشتنی گردانید، و آن را در دل‌هایتان بیاراست، و کفر و نافرمانی و گناه را برای شما ناخوشایند ساخت؛ تنها آنان (که اینگونه‌اند) هدایت یافتگانند. (7)
(و این بخاطر) بخششی و نعمتی از خداست؛ و خدا دانای فرزانه است. (8)
و اگر دو گروه از مؤمنان با هم به جنگ (و نزاع) پرداختند، پس میان آن دو صلح برقرار کنید؛ و اگر یکی از آن دو بر دیگری ستم (و تجاوز) کند، پس با آنکه ستم می‌کند، بجنگید، تا به فرمان خدا باز گردد؛ و اگر بازگشت، پس در میان آن دو عادلانه صلح برقرار سازید، و دادگری کنید؛ [چرا] که خدا دادگران را دوست می‌دارد. (9)
مؤمنان فقط برادران یکدیگرند؛ پس میان دو برادرتان (هنگامی که اختلاف کردند) صلح برقرار کنید؛ و [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید، باشد که

شما (مشمول) رحمت شوید. (10)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! گروهی [از مردان ، گروهی [دیگر] را ریشخند نکنند، شاید [آنان از اینها بهتر باشند؛ و زنانی، زنان [دیگر] را (ریشخند نکنند)، شاید [آنان از اینها بهتر باشند؛ و (شما) از خودتان عیبجویی نکنید، و یکدیگر را با لقب‌ها [ی زشت نخوانید؛ بد است بعد از ایمان آوردن، نام فاسق (بر کسی نهادن)! و کسانی که توبه نکنند، پس تنها آنان ستمکارانند. (11)
ترجمه قرآن، ص: 517
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، [چرا] که برخی از گمان‌ها گناه است؛ و (در کارهای شخصی دیگران) تَجسُّس نکنید؛ و برخی از شما برخی [دیگر] را غیبت نکند، آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادرش را در حالی که مرده است، بخورد؟! پس آن را ناخوش می‌دارید؛ و [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید، که خدا بسیار توبه‌پذیر [و] مهرورز است. (12)
ای مردم! در واقع ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را نژادها و قبیله‌هایی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا خودنگهدارترین (و پارساترینِ) شماست؛ براستی که خدا دانای آگاه است. (13)
عرب‌های [صحرانشین گفتند:» ایمان آوردیم. « (ای پیامبر) بگو:» ایمان نیاورده‌اید، و لیکن بگویید اسلام آوردیم، و حال آنکه هنوز ایمان وارد دل‌هایتان نشده است؛ و اگر از خدا و فرستاده‌اش اطاعت کنید، هیچ چیز از (پاداش) کارهایتان را از شما کم نمی‌کند؛ [چرا] که خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. « (14)
مؤمنان تنها کسانی هستند که به خدا و فرستاده‌اش ایمان آورده‌اند، سپس تردید نکرده‌اند، و با اموالشان و جان‌هایشان در راه خدا جهاد کرده‌اند؛ تنها آنان راستگویانند. (15)
بگو:» آیا خدا را از دین (داری) تان با خبر می‌سازید؟! در حالی که خدا آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است، می‌داند؛ و خدا به هر چیزی داناست. « (16)
بر تو منّت می‌نهند که اسلام آورده‌اند؛ (ای پیامبر) بگو:» اسلام آوردنتان را بر من منّت منهید، بلکه خدا بر شما منّت می‌نهد که شما را به ایمان رهنمون شد، اگر (در ایمان خود) راستگو هستید؛ (17)
براستی خدا نهان آسمان‌ها و زمین را می‌داند و خدا به آنچه انجام می‌دهید، بیناست. « (18)
ترجمه قرآن، ص: 518

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
قاف، سوگند به قرآن با عظمت (که نبوّت تو و معاد حق است)! (1)
بلكه تعجب كردند كه (پيامبرى) هشدارگر از ميان آنان به سراغشان آمد، و
كافران گفتند:» اين چيز شگفت‌آورى است! (2)
آيا هنگامى كه مرديم و خاک شديم (باز هم زنده مى‌شويم) اين بازگشتى
بعيد است! « (3)
بيقين مى‌دانيم، آنچه را كه زمين از (بدن) آنان مى‌كاهد در حالى كه نزد ما
كتابى نگاهدارنده (حساب همه چيز) است. (4)
بلكه هنگامى كه حق به سراغشان آمد دروغ انگاشتند؛ پس آنان در كارى
آشفته‌اند. (5)
و آيا به سوى آسمانى كه بر فرازشان است نظر نكرده‌اند كه چگونه آن را
ساختيم، و آن را (باستارگان) بياراستيم، در حالى كه در آن هيچ شكافى
نيست؟! (6)
و زمين را گسترانيديم. و در آن [كوه‌هاى استوارى افكنديم، و از هر نوع
[گياه زيبا در آن رويانديم، (7)
تا بينش و يادآورى براى هر بنده بازگشت كننده (به سوى خدا) باشد. (8)
و از آسمان، آبى پر بركت فرو فرستاديم، پس بوسيله آن بوستان‌ها و
دانه‌هاى درو كردنى رويانديم، (9)
و درخت خرماى بلند كه برايش شكوفه‌هاى لايه لايه است؛ (10)
تا» روزى «براى بندگان باشد و بوسيله آن (باران) سرزمين مرده را زنده
كرديم؛ بيرون آمدن (مردگان از گور نيز) همينگونه است. (11)
پيش از آنان قوم نوح و اصحاب الرّس (ياران چاه و پرستندگان صنوبر) و
(قوم) ثمود (پيامبرانشان را) تكذيب كردند، (12)
و (نيز قوم) عاد و فرعون و برادران لوط، (13)
و اهل ايكه (سرزمين پردرخت قوم شُعيب) و قوم تُبّع، همه (اينان)
فرستادگان (خدا) را تكذيب كردند، پس تهديد (عذاب من درباره آنان)
تحقق يافت! (14)
و آيا ما از آفرينش نخستين وامانديم (تا از باز آفرينش رستاخيز در مانده
باشيم)؟! بلكه آنان در مورد آفرينش جديد در اشتباهند. (15)
ترجمه قرآن، ص: 519
و بيقين انسان را آفريديم و آنچه را نفسش بدان وسوسه مى‌كند مى‌دانيم،
و ما از رگ گردن به او نزديک تريم. (16)
(يادكن) هنگامى را كه دو (فرشته) دريافت كننده كه از (طرف) راست و

از (طرف) چپ در حالی که (در کمین) نشسته‌اند، (اعمال انسان را) دریافت می‌دارند؛ (17)
(انسان) هیچ سخنی تلفّظ نمی‌کند مگر آنکه نزد او (فرشته‌ای) نگهبان آماده (ثبت) است. (18)
و مستی مرگ به حق می‌آید، (و به انسان گفته می‌شود:) این چیزی است که تو همواره از آن می‌گریختی! (19)
و در شیپور (رستاخیز) دمیده می‌شود؛ آن روز تهدید (عذاب) است! (20)
و هر شخصی می‌آید در حالی که همراه او (فرشته) راننده و گواهی دهنده است. (21)
(به او گفته می‌شود:) بیقین از این (رستاخیز) در غفلت بودی، پس پرده‌ات را از (چشمان) تو برطرف کردیم، و امروز چشمت تیز بین است. (22)
و (فرشته) همنشین او گوید:» این (نامه اعمال) چیزی است که نزد من آماده است. « (23)
(به آن دو مأمور گفته می‌شود:) هر بسیار ناسپاس ستیزگر را در جهنّم افکنید! (24)
(همان) بسیار بازدارنده از نیکی، که تجاوزگری تردیدگر است. (25)
(همان) کسی که معبود دیگری با خدا قرارداده، پس او را در عذاب شدید بیفکنید! (26)
(شیطان) همنشین او گوید:» ای پروردگار ما! (من) او را به طغیان وا نداشتم، و لیکن (خودش) در گمراهی دوری بود. « (27)
(خدا) گوید:» نزد من کشمکش نکنید در حالی که تهدید (عذاب) را برای شما از پیش فرستادم. (28)
در نزد من سخن تغییر داده نمی‌شود، و من هرگز نسبت به بندگان بیدادگر نیستم. « (29)
روزی که به جهنّم می‌گوییم:» آیا پرشده‌ای؟! «و (در جواب) می‌گوید:» آیا افزون (بر این) هست؟! « (30)
و بهشت به پارسایان (خود نگهدار) نزدیک شده است در حالی که دور نیست. (31)
این چیزی است که (بدان) وعده داده می‌شوید، برای هر توبه کار (خود) نگهدار. (32)
(همان) کسی که از (خدای) گسترده‌مهر در نهان هراسید، و با دلی بازگشت کننده (به سوی خدا) آمد. (33)
(به آنان گفته می‌شود:) در حال سلامت وارد آنجا شوید، این روز ماندگاری است. (34)
تنها برای آنان آنچه را که بخواهند در آنجا (آماده) است، و نزد ما افزون (بر آن موجود) است. (35)

ترجمه قرآن، ص: 520
و چه بسیار گروه‌هایی را که پیش از آنان هلاک کردیم، که ایشان از آنان سخت‌تر بودند و شهرها را گشودند؛ آیا هیچ راه فراری (برای آنان از عذاب) بود؟! (36)
قطعاً در این (مطلب) تذکری است برای کسی که او دل (و عقل) دارد، یا گوش فرا دهد، در حالی که گواهی، (متوجه) باشد. (37)
و بیقین آسمان‌ها و زمین و آنچه را در میان آنهاست در شش روز (و دوره) آفریدیم، و هیچ خستگی به ما نرسید. (38)
پس بر آنچه می‌گویند، شکیبا باش؛ و پیش از طلوع خورشید و قبل از غروب، با ستایش پروردگارت تسبیح گوی. (39)
بخشی از شب (را بپاخیز) و او را تسبیح گوی. و از پی سجده‌ها (نیز تسبیح گوی). (40)
و گوش فرا ده روزی که دعوت گر از مکانی نزدیک ندا می‌دهد، (41)
(همان) روزی که بانگ (بزرگ رستاخیز) را به حق می‌شنوند؛ آن روز خروج (از قبرها) است. (42)
در حقیقت فقط ما زنده می‌کنیم و می‌میرانیم، و فرجام (همه) تنها به سوی ماست. (43)
روزی که زمین برآنان بشکافد، بسرعت (از آن بیرون می‌آیند)؛ این گرد آوری است که برای ما آسان است. (44)
ما به آنچه می‌گویند داناتریم، و تو برآنان زورگوی نیستی؛ پس کسانی را که از تهدید (عذاب من) می‌ترسند به قرآن متذکر ساز! (45)

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
سوگند به بادهایی که (ابرها را) کاملًا پراکنده می‌کنند! (1)
و (سوگند به ابرهای) حمل کننده (بار) سنگین! (2)
و (سوگند به کشتی‌هایی که) به آسانی روانند! (3)
و (سوگند به فرشتگانی که) تقسیم کننده کار [ها] یند! (4)
قطعاً آنچه (بدان) وعده داده می‌شوید راست است؛ (5)
و مسلماً جزای (اعمال) واقع شدنی است. (6)
ترجمه قرآن، ص: 521
سوگند به آسمان که دارای راه‌های (پرچین زیبا) ست! (7)
قطعاً شما در گفتاری متفاوتید. (8)
کسی که (از ایمان) روی گردانیده شده، (از حق) روی گردانده می‌شود.
(9)
کشته باد، حدس زنندگان (دروغ پرداز)! (10)
(همان) کسانی که در گرداب جهل غافلند، (11)
می‌پرسند:» روز جزا چه زمانی است؟! « (12)
روزی است که آنان بر آتش کیفر داده می‌شوند! (13)
(و به آنان گفته می‌شود:) بچشید کیفرتان را، این همان چیزی است که به
(آمدن) آن همواره شتاب می‌کردید! (14)
در حقیقت پارسایان (خود نگهدار) در بوستان‌ها [ی بهشتی و چشمه
سارانند. (15)
گیرندگانند آنچه را پروردگارشان به آنان دهد، [چرا] که آنان پیش از آن
[از] نیکوکاران بودند. (16)
همواره اندکی از شب را می‌خوابیدند؛ (17)
و آنان در سحرگاهان طلب آمرزش می‌کردند؛ (18)
و در اموال آنان حقّی برای گدا و محروم بود. (19)
و در زمین نشانه‌هایی برای اهل یقین است. (20)
و (نیز) در خودتان، پس آیا (حقایق را) نمی‌بینید؟! (21)
و» روزی «شما و آنچه وعده داده می‌شوید در آسمان است. (22)
پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین قطعاً آن (مطالب) حق است همان
گونه که شما سخن می‌گویید! (23)
آیا خبر میهمان‌های گرامی داشته شده ابراهیم به تو رسیده است؟! (24)
هنگامی که بر او وارد شدند پس گفتند:» سلام! « (ابراهیم) گفت:» سلام!
(شما) گروهی ناشناخته (اید.) « (25)

پس به سوی خانواده‌اش روی کرد و گوساله فربه (بریان شده‌ای) آورد، (26)
و آن را به ایشان نزدیک کرد، (و) گفت:» آیا (غذا) نمی‌خورید؟! « (27)
پس از آنان (در دل) احساس ترس کرد، (فرشتگان) گفتند:» نترس! «و اورا به پسری دانا مژده دادند. (28)
و زنش در حالی که فریاد می‌کشید روی آورد و به صورتش زد و گفت:» (چگونه من می‌زایم در حالی که) پیرزنی نازا هستم؟! « (29)
(فرشتگان) گفتند:» پروردگارت چنین گفته است، [چرا] که او خود فرزانه [و] داناست. « (30)
ترجمه قرآن، ص: 522
(ابراهیم) گفت:» پس ای فرستادگان [خدا، جریان کار شما چیست؟ « (31)
(فرشتگان) گفتند:» در حقیقت ما به سوی گروهی خلافکار فرستاده شده‌ایم، (32)
تا بر آنان سنگ [هایی از جنس گِل بفرستیم؛ (33)
در حالی که (سنگ‌ها) نزد پروردگارت برای اسرافکاران نشان دار بودند! « (34)
و هر کس از مؤمنان که در آن (شهر قوم لوط) بود بیرون آوردیم. (35)
و [لی در آنجا جز (یک) خانه، از مسلمانان نیافتیم. (36)
و در آن (شهر ویران شده) برای کسانی که از عذاب دردناک می‌ترسند نشانه‌ای (عبرت‌آموز) بر جای نهادیم. (37)
و در (زندگی) موسی (نیز نشانه عبرت آموزی است) هنگامی که او را با دلیلی آشکار به سوی فرعون فرستادیم؛ (38)
و [لی با تکیه (بر سپاهیانش) روی برتافت و گفت:» (او) ساحر یا دیوانه است! « (39)
و او و لشکریانش را گرفتار (مجازات) ساختیم و آنان را در دریا افکندیم در حالی که او سزاوار سرزنش بود. (40)
و در (سرگذشت قوم) عاد (نیز نشانه عبرت آموزی است) هنگامی که بادی نازا بر آنان فرستادیم، (41)
هیچ چیزی را که برآن بگذشت فرونگذاشت مگر آنکه آن را همچون (استخوان) پوسیده می‌ساخت! (42)
و در (سرگذشت قوم) ثمود (نیز نشانه عبرت آموزی است) هنگامی که به آنان گفته شد:» تا مدتی (معین از دنیا) بهره جویید! « (43)
و از فرمان پروردگارشان سرپیچیدند، پس آذرخش آنان را فرو گرفت در حالی که آنان نگاه می‌کردند، (44)
پس توان ایستادن نداشتند و یاری کنندگان (و دفاع کنندگان از خویش)

نبودند. (45)
و پیش از (آنان نیز) قوم نوح را (هلاک کردیم،) [چرا] که آنان گروهی نافرمانبردار بودند. (46)
و آسمان را با قدرت بنایش کردیم، و قطعاً ما گسترش دهنده هستیم. (47)
و زمین را گستردیم، و چه خوب گسترش دهنده‌ای هستیم! (48)
و از هر چیز جفتی آفریدیم، باشد که شما متذکّر شوید. (49)
پس به سوی خدا بگریزید، [چرا] که من از سوی او برای شما هشدارگری روشنگرم. (50)
و هیچ معبود دیگری را با خدا قرار ندهید، [چرا] که من برای شما از سوی او هشدارگری روشنگرم. (51)
ترجمه قرآن، ص: 523
همچنین هیچ فرستاده‌ای (به سراغ) کسانی که قبل از آن (مشرک) ان بودند نیامد مگر اینکه گفتند:» (او) ساحر یا دیوانه است! « (52)
آیا یکدیگر را بدان سفارش کرده‌اند؟ (نه) بلکه آنان گروهی طغیانگرند. (53)
پس از آنان روی برتاب، و تو سرزنش شده نیستی؛ (54)
و تذکّر ده، چرا که یادآوری، مؤمنان را سود می‌بخشد. (55)
و جن و انسان [ها] را جز برای پرستش [خود] نیافریدم. (56)
از آنان هیچ روزی نمی‌خواهم، و نمی‌خواهم که [به من غذا دهند. (57)
[چرا] که فقط خدا بسیار روزی دهنده [و] قدرتمند [و] استوار است (58)
و در حقیقت برای کسانی که ستم کردند، سهمی (از عذاب) همانند سهم یاران آنان است! پس به شتاب (از من) نخواهند. (59)
پس وای بر کسانی که کفر ورزیدند از روز (رستاخیز) شان که (بدان) وعده داده می‌شوند! (60)

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
سوگند به (کوهِ) طور، (1)
و به کتاب نوشته شده، (2)
در صفحه‌ای گشوده، (3)
و به خانه آباد، (4)
و به سقف برافراشته، (5)
و به دریای (پُر و) بر افروخته، (6)
قطعاً عذاب پروردگارت واقع شدنی است! (7)
هیچ دفع کننده برای آن نیست! (8)
در روزی که آسمان بطور کامل بچرخد، (9)
و کوه‌ها بطور کامل روان می‌شوند! (10)
در آن روز وای بر تکذیب کنندگان! (11)
(همان) کسانی که آنان در (باطل) فرو رفته، بازی می‌کنند. (12)
روزی که به سوی آتش جهنّم به سختی کاملًا رانده می‌شوند. (13)
(به آنان گفته می‌شود:) این آتشی است که همواره آن را دروغ می‌انگاشتید! (14)
ترجمه قرآن، ص: 524
و آیا این سحر است یا شما نمی‌بینید؟! (15)
بدان (دوزخ) وارد شوید (و بسوزید)! و شکیبا باشید یا شکیبا نباشید، برای شما یکسان است؛ که فقط به آنچه همواره انجام می‌دادید مجازات خواهید شد! (16)
در حقیقت پارسایانِ (خود نگهدار) در بوستان‌ها (ی بهشتی) و نعمت‌های فراوان هستند؛ (17)
در حالی که به آنچه پروردگارشان به آنان داده، شادمانند؛ و پروردگارشان آنان را از عذاب دوزخ نگاه داشته است. (18)
(به آنها گفته می‌شود:) بخورید و بیاشامید گوارا؛ بخاطر آنچه همواره انجام می‌دادید. (19)
در حالی که بر تخت‌های صف کشیده تکیه کرده‌اند، و حوریانی فراخ چشم (و همسرانی سپید چشم) را به ازدواج آنان در آورده‌ایم. (20)
و کسانی که ایمان آوردند و نسل آنان در ایمان از آنان پیروی کردند، نسلشان را به آنان ملحق سازیم؛ و از (پاداش) کارشان هیچ چیز نمی‌کاهیم؛ و هر انسانی در گرو دستاورد (خویش) است. (21)
و با میوه و گوشت از آنچه میل دارند آنان را مدد می‌رسانیم. (22)

در آن (بهشت) در مورد جام [پر از شراب که نه در آن بیهودگی است و نه گناه، کشمکش می‌کنند. (23)
و جوان پسرانی که برای آنان است، بر (گرد) ایشان می‌چرخند، چنان که گویی آنان مروارید پنهان (در صدف) ند. (24)
و برخی آنان به برخی [دیگر] روکرده در حالی که از یکدیگر می‌پرسند؛ (25)
گویند:» در واقع ما پیش (از این) در خانواده‌مان بیمناک بودیم! (26)
و خدا بر ما منّت نهاد و ما را از عذاب سوزان حفظ کرد. (27)
در حقیقت ما پیش از (این)، او را می‌خواندیم (و می‌پرستیدیم، چرا) که فقط او نیکوکار [و] مهرورز است « (28)
پس تذکر ده، که تو به نعمت (و لطف) پروردگارت، پیشگو و دیوانه نیستی، (29)
بلکه می‌گویند:» شاعری است که (حادثه) مرگ مشکوکی را برای او انتظار می‌کشیم! « (30)
بگو:» انتظار بکشید که من (نیز) با شما از منتظرانم! « (31)
ترجمه قرآن، ص: 525
یا عقل‌هایشان آنان را به این فرمان می‌دهد، یا آنان گروهی طغیانگرند؟! (32)
یا می‌گویند:» آن (قرآن) را فرا بافته است؟! «بلکه ایمان نمی‌آورند. (33)
پس اگر راست گویند، سخنی همانند آن (قرآن) بیاورند! (34)
یا از هیچ چیز آفریده شده‌اند، یا آنان آفریننده‌اند؟! (35)
یا آسمان‌ها و زمین را آفریده‌اند؟! بلکه یقین ندارند. (36)
یا منابع پروردگارت نزد آنهاست، یا آنان سیطره دارند؟! (37)
یا برای آنان نردبانی است که با آن (اسرار را) می‌شنوند؟! پس باید شنونده آنان دلیلی آشکار آورد! (38)
یا فقط برای او دختران است. و پسران فقط برای شماست؟! (39)
یا از آنان پاداشی می‌طلبی پس آنان از زیان (آن) گرانبارند؟! (40)
یا (اسرار) نهان فقط نزد آنان است، پس آنان (از آنجا) می‌نویسند؟! (41)
یا نیرنگی (درباره تو) می‌خواهند؟! و [لی فقط کسانی که کفر ورزیدند نیرنگ زده شده‌اند! (42)
یا برای آنان معبودی غیر از خداست؟! منزّه است خدا از آنچه شریک (او) قرار می‌دهند! (43)
و اگر ببینند قطعه‌ای از آسمان می‌افتد، می‌گویند:» (این) ابری متراکم است! « (44)
پس رهایشان کن، تا اینکه روزشان را که در آن (روز) مدهوش می‌شوند (و می‌میرند) ملاقات کنند! (45)

روزی که نیرنگشان هیچ چیز را از آنان دفع نمی‌کند، و آنان یاری نمی‌شوند. (46)
و در حقیقت برای کسانی که ستم کردند، عذابی غیر از آن (عذاب، دردنیا) است، و لیکن بیشترشان نمی‌دانند. (47)
و برای (ابلاغ) حکم پروردگارت شکیبا باش، چرا که تو زیر نظر مایی، و هنگامی که بر می‌خیزی، با ستایش پروردگارت تسبیح گوی. (48)
و بخشی از شب (را بپاخیز)، و اورا تسبیح گوی، و از پی ستارگان (نیز تسبیح گوی). (49)
ترجمه قرآن، ص: 526

ترجمه قرآن 545
به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
سوگند به ستاره، هنگامی که فرود آید! (1)
که همنشین شما (پیامبر) گمراه نشده و بیراهه نرفته (و زیانکار و محروم نگشته) است؛ (2)
و از روی هوی و [هوس سخن نمی‌گوید. (3)
آن (سخن) نیست جز وحی‌ای که (به او) وحی می‌شود. (4)
او را (شخصی) بسیار نیرومند آموزش داده است؛ (5)
(او) توانمند است و (بر همه چیز) تسلّط دارد، (6)
در حالی که او در افق والاتر قرار داشت. (7)
سپس نزدیک شد و فرود آمد، (8)
و به اندازه دو کمان یا نزدیک‌تر شد، (9)
پس وحی کرد به سوی بنده‌اش، آنچه را که وحی کرد. (10)
دل سوزان (پیامبر) آنچه را دید دروغ نگفت. (11)
و آیا با او درباره آنچه دیده مجادله می‌کنید؟! (12)
و بیقین در فرود دیگری او را دید، (13)
نزد درخت پر برکت پایانی (سدرة المنتهی)، (14)
که بوستان (بهشتی) منزلگاه نزد آن است. (15)
هنگامی که می‌پوشاند درخت پر برکت را، آنچه می‌پوشاند، (16)
چشم (او) مایل نشد و طغیان نکرد. (17)
بیقین (نشانه‌ای) بزرگ‌تر از نشانه‌های پروردگارش را دید. (18)
و آیا اطلاع یافتید از (بت‌های) لات و عزّی، (19)
و منات (بت) دیگری که سومین است. (20)
آیا فقط پسر برای شماست و فقط دختر برای اوست؟! (21)
در این صورت آن تقسیمی ناعادلانه است. (22)
آنها جز نام‌هایی که شما و پدرانتان آنها را نامگذاری کرده‌اید، نیستند، خدا هیچ دلیلی برای آنها فرو نفرستاده است؛ جز از گمان و آنچه که خوشایند (هوای) نفس (شان) بود، پیروی نمی‌نمایند. و بیقین از جانب پروردگارشان رهنمودی به سراغشان آمده است. (23)
یا برای انسان آنچه را آرزو دارد (فراهم) است؟! (24)
پس (سرای) بازپسین و نخستین فقط برای خداست. (25)
و چه بسیار فرشته‌ای در آسمان‌ها که شفاعت آنان چیزی (از عذاب) را دفع نمی‌کند، جز بعد از این که خدا برای کسی که (شایسته بداند و)

بخواهد و خشنود باشد، رخصتِ (شفاعت) دهد. (26)
ترجمه قرآن، ص: 527
قطعاً کسانی که به آخرت ایمان ندارند، فرشتگان را به نام دختر نامگذاری می‌کنند. (27)
و برای آنان بدان (مطلب) هیچ دانشی نیست، جز از گمان پیروی نمی‌کنند، و براستی که گمان چیزی را از حق بی‌نیاز نمی‌سازد. (28)
پس، از کسی که از یاد ما روی برتافته، و جز زندگی پست (دنیا) را نخواسته، روی گردان. (29)
این نهایت رسیدن آنان به دانش است، براستی که پروردگارت خود، به کسی که از راهش گمراه گشته، داناتر است و (همچنین) او به (حال) کسی که ره‌یافته، داناتر است. (30)
و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است فقط از آن خداست؛ تا کسانی را که (کارهای) بد انجام دادند بخاطر اعمالشان کیفر دهد و کسانی را که نیکی کردند بخاطر نیکی (اعمالشان) پاداش دهد. (31)
(همان) کسانی که از گناهان بزرگ و [کارهای زشت پرهیز می‌کنند، مگر گناه کوچک، که پروردگارت گسترده آمرزش است. او به شما داناتر است، آنگاه که شما را از زمین پدید آورد و آنگاه که شما در شکم‌های مادرانتان جنین [پنهان بودید. پس خودتان را [پاک و] رشد یافته نشمرید (و خودستایی نکنید)؛ که او به کسی که خود نگهداری (و پارسایی) کند داناتر است. (32)
و آیا دیدی کسی را که روی برتافت؟! (33)
و اندکی عطا کرد، و (بخشش را) قطع کرد! (34)
آیا دانش نهان فقط نزد اوست و او می‌بیند؟! (35)
یا از آنچه در کتاب‌های موسی است با خبر نشده است؟! (36)
و (نیز از کتاب‌های) ابراهیمی که (به پیمانش) وفا کرد، (37)
که هیچ باربرداری بار سنگین (گناه) دیگری را برنمی‌دارد، (38)
و اینکه برای انسان جز کوشش او نیست. (39)
و اینکه کوشش او در آینده دیده می‌شود. (40)
سپس با جزای کامل‌تر به او پاداش داده می‌شود. (41)
و اینکه پایان (کار) فقط به سوی پروردگار توست. (42)
و اینکه او خود خنداند و گریاند، (43)
و اینکه فقط او میراند و زنده کرد. (44)
ترجمه قرآن، ص: 528
و اینکه او دو جفت نر و ماده آفرید، (45)
از آب اندک سیّال هنگامی که ریخته شود. (46)
و اینکه پدیده آخرت فقط بر اوست، (47)

و اینکه او خود توانگر کرد و سرمایه پایدار داد. (48)
و اینکه فقط او پروردگار (ستاره) شِعری است. (49)
و اینکه او (قوم) عاد نخستین را هلاک کرد. (50)
و (نیز قوم) ثمود را (هلاک کرد) و باقی نگذاشت. (51)
و (نیز) قوم نوح را پیش از (آنها هلاک کرد، چرا) که فقط آنان ستمکارتر و طغیان‌گرتر بودند! (52)
و (نیز) شهر زیر و رو شده (قوم لوط) را ساقط کرد، (53)
و بر آن (شهر) پوشانید آنچه را پوشانید! (54)
پس در کدامیک از نعمت‌های پروردگارت مجادله می‌کنی؟! (55)
این (اخبار عذاب)، هشداری از هشدار دهندگان نخستین است. (56)
(رستاخیزِ) نزدیک شونده، نزدیک شد. (57)
برای (مشکلات) آن، جز خدا بر طرف کننده‌ای نیست. (58)
و آیا از این سخن تعجب می‌کنید، (59)
و می‌خندید و نمی‌گریید، (60)
در حالی که شما غافل و سرگرمید؟! (61)
پس برای خدا سجده کنید و (او را) بپرستید. (62)

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
ساعت (رستاخیز) نزدیک شد و ماه بشکافت! (1)
و اگر نشانه (معجزه آسایی) ببینند روی می‌گردانند، و می‌گویند:» (این)
سحری مستمر است. « (2)
و دروغ انگاشتند و از هوس‌هایشان پیروی کردند؛ و هر کاری قرارگاه دارد.
(3)
و بیقین از خبرهای بزرگ آنچه در آن (مایه) بازداشتن (از بدی‌ها) است به
سراغ آنان آمده است. (4)
که (آن) فرزانگیِ رساست؛ و [لی هشدارها فایده‌ای ندارد. (5)
پس در روزی که فراخواننده به سوی چیزی ناپسند فرا می‌خواند، از آنان
روی برتاب! (6)
ترجمه قرآن، ص: 529
(آنان) در حالی که چشمانشان (از ترس) فروتن گشته از قبرها بیرون
می‌آیند، چنانکه گویی آنان ملخ‌های پراکنده‌اند. (7)
در حالی که به سوی آن فراخواننده شتابانند؛ کافران می‌گویند:» این روزی
دشوار است! « (8)
پیش از آنان، قوم نوح (نیز نشانه‌های ما را) دروغ انگاشتند، و بنده ما
(نوح) را تکذیب کرده و گفتند:» (او) دیوانه است. «و (او از انجام
رسالتش) بازداشته شد. (9)
و پروردگارش را خواند:» که من شکست خورده‌ام پس مرا یاری کن (و
پیروز گردان)! « (10)
و درهای آسمان را با آبی ریزان گشودیم؛ (11)
و زمین را با چشمه ساران شکافتیم؛ و آب (ها) روبروشدند (و به هم
پیوستند) بر کاری که معین شده بود! (12)
و او را بر (کشتی) دارای صفحه‌های (چوبی) و میخ‌ها سوار کردیم؛ (13)
که زیر نظر ما روان می‌شد. تا پاداشی باشد برای کسی که مورد (انکار و)
ناسپاسی قرارگرفته بود. (14)
و بیقین آن را برجای نهادیم در حالی که نشانه‌ای (عبرت آموز) بود؛ پس آیا
یاد آورنده (و پندگیرنده) ای هست؟ (15)
پس (بنگر که) عذاب من و هشدارها [یم چگونه بود! (16)
و بیقین قرآن را برای یادآوری آسان ساختیم؛ پس آیا یادآورنده (و
پندگیرنده‌ای) هست؟! (17)
(قوم) عاد (نیز نشانه‌های ما را) دروغ انگاشتند؛ پس (بنگر که) عذاب من،

و هشدارها [یم چگونه بود! (18)
در واقع در روز شوم مستمری تند باد سردی برآنان فرستادیم، (19)
که (آن باد) مردم را از جای بر می‌کند چنانکه گویی آنان تنه‌های درختان خرمای ریشه کن شده‌اند! (20)
پس (بنگر که) عذاب من و هشدارها (یم) چگونه بود! (21)
و بیقین قرآن را برای یادآوری، آسان ساختیم؛ پس آیا یاد آورنده (و پندگیرنده‌ای) هست؟! (22)
(قوم) ثمود (نیز هشدارگران و) هشدارها را دروغ انگاشتند، (23)
و گفتند:» آیا از بشری تنها که از (میان) ماست پیروی کنیم؟! در این صورت قطعاً ما در گمراهی و دیوانگی هستیم. (24)
آیا از میان ما آگاه کننده (وحی) بر او (صالح) فروافکنده شده است؟! بلکه او بسیار دروغگو [و] متکبّری هوسباز است. « (25)
فردا بزودی خواهند دانست، چه کسی بسیار دروغگو [و] متکبّری هوسباز است! (26)
در حقیقت ما ماده شتر را برای آزمایش آنان می‌فرستیم، پس نگهبان (و منتظر واکنش) آنان باش و شکیبایی ورز! (27)
ترجمه قرآن، ص: 530
و به آنان خبر ده که آب (روستا) بین آنان، (و ماده شتر) تقسیم شده، هر (صاحب) سهمی (در نوبت خود) حاضر شود. (28)
و همراهشان را ندا دادند، و سلاح برگرفت و (ماده شتر را) پی کرد. (29)
پس (بنگر که) عذاب من و هشدارها [یم چگونه بود! (30)
در حقیقت ما یک بانگ (مرگبار) برآنان فرستادیم، و همچون (گیاه) خشک و در هم کوبیده (اصطبل) در آمدند. (31)
و بیقین قرآن را برای یادآوری آسان ساختیم؛ پس آیا یاد آورنده (و پندگیرنده‌ای) هست؟! (32)
قوم لوط (نیز هشدارگران و) هشدارها را دروغ انگاشتند؛ (33)
در حقیقت ما طوفان شن بر آنان فرستادیم مگر خاندان لوط را که آنان را سحرگاهان نجات دادیم. (34)
(این) نعمتی از نزد ما بود، اینگونه هر کس را که سپاسگزاری کند پاداش می‌دهیم. (35)
و بیقین از (مجازات) سخت ما هشدارشان داد، و [لی درباره هشدارها مجادله کردند. (36)
و بیقین از او تمنّای کامجویی از مهمان‌هایش را کردند؛ و چشمانشان را محو کردیم و (گفتیم:) عذاب من و هشدارها [یم را بچشید! (37)
و بیقین در صبحگاهان عذابی ثابت به سراغشان آمد. (38)
و (گفتیم:) عذاب من و هشدارها [یم را بچشید! (39)

و بیقین قرآن را برای یاد آوری آسان ساختیم؛ پس آیا یادآورنده (و پند گیرنده‌ای) هست؟! (40)
و بیقین (هشدارگران و) هشدارها به سراغ فرعونیان آمد. (41)
همه نشانه‌های (معجزه آسای) ما را دروغ انگاشتند، و آنان را [همچون گرفتار ساختنِ شکست ناپذیری توانا، گرفتار (مجازات) کردیم. (42)
آیا کافران شما بهتر از آن (کافر) انند، یا عدم تعهدی برای شما در نوشته‌های متین (آسمانی) است؟ (43)
یا می‌گویند:» ما جماعتی پیروزیم؟! « (44)
بزودی جماعت (آنان) شکست می‌خورد و باعقب گرد روی بر می‌تابد! (45)
بلکه ساعت (رستاخیز) وعدگاه آنان است، و ساعت (رستاخیز) هولناک‌تر و تلخ‌تر است! (46)
مسلماً خلافکاران در گمراهی و شعله‌های فروزان (آتش) ند، (47)
در روزی که بر چهره‌هایشان در آتش کشیده می‌شوند، (و به آنان گفته می‌شود: عذابِ) تماس با دوزخ آزار دهنده را بچشید! (48)
در حقیقت ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم. (49)
ترجمه قرآن، ص: 531
و فرمان ما جز یکی نیست، همانند چشم بر هم زدن. (50)
و بیقین (افراد) مشابه شما را هلاک کردیم، پس آیا یاد آورنده (و پندگیرنده‌ای) هست؟! (51)
و هر چیزی که انجامش دادند در نوشته‌های متین (نامه اعمالشان ثبت) است. (52)
و هر کوچک و بزرگی نوشته شده است. (53)
در حقیقت پارسایان (خود نگهدار) در بوستان‌های (بهشتی) و نهرها هستند. (54)
در جایگاه راستین، نزد بزرگ فرمانروای توانا. (55)

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
(خدای) گسترده‌مهر، (1)
قرآن را آموزش داد؛ (2)
انسان را آفرید، (3)
» بیان «را به او آموزش داد. (4)
خورشید و ماه، حساب شده (در حرکت) اند، (5)
و گیاه و درخت (برای او) سجده می‌کنند. (6)
و آسمان را برافراشت، و ترازو (و معیار) را نهاد، (7)
تا اینکه در مورد ترازو (و معیار) طغیان مکنید. (8)
و وزن را بر (اساس) دادگری برپا دارید و ترازو را (نکاهید و به مردم) خسارت نزنید. (9)
و زمین را برای آفریدگان نهاد، (10)
در حالی که در آن میوه و درخت خرمای دارای شکوفه است، (11)
و دانه (های) دارای برگ و گیاه خوشبوست. (12)
پس (ای انسان‌ها و جنیان) کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (13)
انسان را از گِل خشکیده‌ای همچون سفال آفرید، (14)
و جن را از زبانه (رنگارنگ بی‌دودِ) آتش آفرید. (15)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (16)
ترجمه قرآن، ص: 532
(او) پروردگار دو خاور و پروردگار دو باختر است. (17)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (18)
دو دریا را درآمیخت، در حالی که روبروی همدیگرند، (19)
(و) بین آن دو مانعی است تا به یکدیگر تجاوز نکنند. (20)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (21)
از آن دو (دریا) مروارید و مرجان بیرون می‌آید. (22)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (23)
و (کشتی‌های) روان گشته در دریا که پدید آمده همچون کوه‌هاست فقط از آنِ اوست. (24)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (25)
همه کسانی که روی آن (زمین) هستند فناپذیرند، (26)
و ذات پروردگارت که شکوهمند و ارجمند است باقی می‌ماند. (27)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (28)

هر کس در آسمان و زمین است از او درخواست می‌کند و او هر روز در کاری (و حالی) است. (29)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (30)
ای دو گرانمایگان (انسان‌ها و جنیان) بزودی به (حساب) شما می‌پردازیم. (31)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (32)
ای گروه جن و انسان! اگر می‌توانید از اطراف آسمان‌ها و زمین نفوذ کنید، پس نفوذ کنید، (ولی) جز با تسلّط نفوذ نمی‌کنید. (33)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (34)
شعله‌هایی از آتش و دود بر شما فرستاده می‌شود و یاری نمی‌شوید؛ (و پیروز نمی‌شوید.) (35)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (36)
پس هنگامی که آسمان شکافته شود و همچون روغن مذاب گلگون گردد. (37)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (38)
پس در آن روز هیچ انسان و جن از پیامد (گناه) ش پرسش نمی‌شود. (39)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (40)
ترجمه قرآن، ص: 533
خلافکاران به چهره‌هایشان شناخته می‌شوند؛ و زمام‌ها و گام‌های (شان) گرفته می‌شود. (41)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (42)
این جهنّمی است که خلافکاران آن را دروغ می‌انگاشتند. (43)
در حالی که بین آن و بین آب سوزان جوشان می‌چرخند. (44)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (45)
و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد، دو بوستان (بهشتی) است. (46)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (47)
که (آن دو بوستان) دارای (انواع درختان میوه و) شاخساران است. (48)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (49)
در آن دو (بوستان) دو چشمه‌سار روانند. (50)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (51)
در آن دو (بوستان،) از هر میوه‌ای دو جفت است. (52)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (53)
در حالی که بر بسترهایی تکیه زده‌اند که (آستر) داخل‌های آنها از حریر ضخیم است، و میوه آن دو بوستان بهشتی نزدیک (و در دسترس) است.

(54)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (55)
در آن (بهشت) ها همسرانی چشم فروهشته هستند که پیش از آنان هیچ انسان و جنّی با آنان تماس نگرفته است. (56)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (57)
چنانکه گویی آنان همچون یاقوت و مرجانند. (58)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (59)
آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟! (60)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (61)
و پایین‌تر از آن دو (بوستان) دو بوستان (بهشتی دیگر) است. (62)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (63)
دو (بوستان) سبز سیاه فامند. (64)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (65)
در آن دو (بوستان) دو چشمه سار فواره زن است. (66)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (67)
ترجمه قرآن، ص: 534
در آن دو (بوستان) میوه و درخت خرما و انار است. (68)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (69)
در آن (بهشت) ها زنانی نیکو (و) زیبایند. (70)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (71)
حوریانی که در خیمه‌های (بهشتی) پوشیده‌اند. (72)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (73)
پیش از آنان هیچ انسان و جنّی با آن (حوری) ان تماس نگرفته است. (74)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (75)
در حالی که (بهشتیان) بر بالش‌های سبز و (فرش‌های) کمیاب زیبا تکیه زده‌اند. (76)
پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را دروغ می‌انگارید؟! (77)
خجسته و پایدار است نام پروردگارت که شکوهمند و ارجمند است. (78)

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
هنگامی که حادثه (رستاخیز) واقع شود. (1)
که در وقوعش دروغی نیست. (2)
که فرو آورنده و بر افرازنده است. (3)
هنگامی که زمین کاملًا می‌لرزد، (4)
و کوه‌ها کاملًا خرد شوند، (5)
و غباری پراکنده شوند. (6)
و (شما) گروه‌های سه گانه شوید. (7)
پس یاران خجسته (دست راست)، کدامند یاران خجسته (دست راست)! (8)
و یاران شوم (دست چپ)، کدامند یاران شوم (دست چپ)! (9)
و پیشگامان پیشگامان، (10)
آنان نزدیکان (درگاه الهی) اند. (11)
در بوستان‌های پرنعمت (بهشت) ند. (12)
جمعی از (ملت‌های) پیشین، (13)
و اندکی از (ملت‌های) پسین. (14)
بر تخت‌های پیوسته (و گوهرنشان) ند. (15)
در حالی که بر آنها تکیه زده، رویاروی همدیگرند. (16)
ترجمه قرآن، ص: 535
نوجوانانی ماندگار بر (گرد) آنان می‌چرخند؛ (17)
با قدح‌ها و کوزه‌ها و جامی از (شراب) لبریز. (18)
در حالی که از (نوشیدن) آنها سردرد نمی‌گیرند و مست نمی‌شوند. (19)
و میوه‌ای از آنچه بر می‌گزینند. (20)
و گوشت پرنده از آنچه میل دارند. (21)
و حوریان فراخ چشم (و سپید چشم)؛ (22)
همچون داستان مروارید پنهان. (23)
به پاداش آنچه همواره انجام می‌دادند. (24)
در آن (بهشت) هیچ بیهوده و نسبت دادن گناه نمی‌شنوند. (25)
مگر گفتار: سلام سلام. (26)
و یاران دست راست، کدامند یاران دست راست! (27)
(آنان) در [جوار درخت سِدْر بی‌خار، (28)
و درخت بزرگ (سبز موز با برگ‌ها و میوه‌های) لایه لایه، (29)
و سایه گسترده، (30)

و آبی ریزان، (31)
و میوه فراوان، (32)
که نه گسسته شده و نه منع می‌شود، (33)
و همسرانی بلند مرتبه‌اند. (34)
در حقیقت ما آنان را با پیدایشی (نو) پدید آوردیم. (35)
و آنان را دوشیزگانی قرار دادیم، (36)
که شوهر دوستانی همسالند. (37)
(اینها) برای یاران دست راست است. (38)
جمعی از (ملت‌های) پیشینند. (39)
و جمعی از (ملت‌های) پسین. (40)
و یاران دست چپ، کدامند یاران دست چپ! (41)
(آنان) در باد سوزان و آب سوزان، (42)
و سایه‌ای از دود گرم و سیاه! (43)
که نه سرد است و نه ارجمند. (44)
[چرا] که آنان پیش از آن (در دنیا) سردمداران ثروتمند بودند. (45)
و همواره بر گناه بزرگ (سوگند شکنی) پافشاری می‌کردند، (46)
و همواره می‌گفتند:» آیا هنگامی که مردیم و خاک و استخوان‌هایی (پوسیده) شدیم، آیا حتماً ما برانگیخته خواهیم شد؟! (47)
و آیا نیاکان نخستین ما (نیز برانگیخته می‌شوند)؟! « (48)
بگو:» قطعاً پیشینیان و پسینیان، (49)
در میعادگاه روز معین جمع‌آوری می‌شوند، (50)
ترجمه قرآن، ص: 536
سپس شما ای گمراهان تکذیب گر! (51)
قطعاً از درخت نفرت‌انگیز زقّوم می‌خورید، (52)
و شکم‌ها را از آن پر می‌کنید، (53)
و بر (روی) آن از آب سوزان می‌نوشید، (54)
و همچون نوشیدن شتران عطش زده می‌نوشید. (55)
این (نخستین) پذیرائی آنان در روز جزاست! « (56)
ما شما را آفریدیم؛ پس چرا (باز آفرینی رستاخیز را) تصدیق نمی‌کنید؟! (57)
و آیا آنچه را از منی می‌ریزید، ملاحظه کرده‌اید؟! (58)
آیا شما آن را آفریدید یا ما آفریننده‌ایم؟! (59)
ما در میان شما مرگ را مقدّر ساختیم؛ و ما پیشی گرفته شده (و مغلوب) نیستیم، (60)
بر اینکه همانند شما را جایگزین (شما) گردانیم. و شما را در آنچه نمی‌دانید پدید آوریم. (61)

و بیقین پدیده نخستین (دنیا) را دانستید، پس چرا متذکّر (رستاخیز) نمی‌شوید؟! (62)
و آیا آنچه را کشت می‌کنید ملاحظه کرده‌اید؟! (63)
آیا شما آن را زراعت می‌کنید یا ما زراعت کننده‌ایم؟! (64)
اگر (بر فرض) می‌خواستیم حتماً آن (گیاهان) را درهم شکسته می‌گردانیدیم و پیوسته تعجّب می‌کردید! (65)
(در حالی که می‌گفتید:) قطعاً ما زیانکاریم، (66)
بلکه ما محروم شده‌ایم! (67)
و آیا به آبی که می‌نوشید نظر کرده‌اید؟! (68)
آیا شما آن را از ابرها فروفرستاده‌اید یا ما فروفرستنده‌ایم؟! (69)
اگر (بر فرض) می‌خواستیم، آن (آب) را تلخ قرار می‌دادیم، پس چرا سپاسگزاری نمی‌کنید؟! (70)
و آیا به آتشی که می‌افروزید نظر کرده‌اید؟! (71)
آیا شما درختش را پدید آورده‌اید یا ما پدید آورنده‌ایم؟! (72)
ما آن را (مایه) یادآوری و بهره زندگی برای مسافران بیابان‌گرد قرار داده‌ایم. (73)
پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی، (74)
و به جایگاه ستارگان سوگند یاد می‌کنم! (75)
و مسلماً آن سوگند بزرگی است اگر (بر فرض) بدانید! (76)
ترجمه قرآن، ص: 537
قطعاً آن (قرآن) خواندنی ارجمندی است، (77)
در کتاب پنهان (علم الهی). (78)
که جز پاکان با آن تماس نمی‌گیرند. (79)
(و) فروفرستاده‌ای از جانب پروردگار جهانیان است. (80)
و آیا شما این سخن (قرآن) را سست می‌شمرید، (81)
و شما (سپاس) روزیتان را تکذیب (قرآن) قرار می‌دهید؟! (82)
پس چرا هنگامی که (جان) به گلوگاه رسد، (آن را باز نمی‌گردانید؟!) (83)
در حالی که شما در آن هنگام می‌نگرید؛ (84)
و ما به او از شما نزدیک‌تریم و لیکن نمی‌بینید. (85)
و اگر (در رستاخیز) جزا داده نمی‌شوید، (86)
چرا آن (جان) را باز نمی‌گردانید اگر راست می‌گویید! (87)
و امّا اگر از نزدیکان (خدا) باشد، (88)
پس (برای او) آرامش و [گیاهی خوشبو و بوستان پرنعمت (بهشت) است. (89)
و امّا اگر از یاران راست باشد، (90)
پس (به او گفته می‌شود:) سلام بر تو از طرف یاران راست! (91)

و امّا اگر از تکذیب کنندگان گمراه باشد، (92)
پس نخستین پذیرائی (او) از آب سوزان، (93)
و به دوزخ در آمدن (و سوختن) است؛ (94)
قطعاً فقط این (مطالب) حق یقینی است! (95)
پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی. (96)

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
آنچه در آسمان‌ها و زمین است برای خدا تسبیح می‌گویند؛ و او شکست‌ناپذیر فرزانه است. (1)
فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط از آن اوست؛ زنده می‌کند و می‌میراند؛ و او بر هر چیز تواناست. (2)
او نخستین و بازپسین و آشکار و پنهان است؛ و او به هر چیز داناست. (3)
ترجمه قرآن، ص: 538
او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز (و دوره) آفرید؛ سپس بر تخت (جهانداری و تدبیر هستی) تسلّط یافت؛ آنچه در زمین داخل می‌شود، و آنچه از آن خارج می‌شود و آنچه از آسمان فرو می‌آید و آنچه در آسمان بالا می‌رود را می‌داند؛ و هر جا باشید او با شماست، و خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (4)
فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط از آن اوست؛ و [همه کارها فقط به سوی خدا بازگردانده می‌شوند. (5)
شب را در روز وارد می‌کند و روز را در شب وارد می‌کند؛ و او به (اسرار) درون سینه‌ها داناست. (6)
به خدا و فرستاده‌اش ایمان آورید و از آنچه شما را جانشین در آن قرار داده (در راه خدا) مصرف کنید؛ پس کسانی که از شما ایمان آورند و (در راه خدا) مصرف کنند، برایشان پاداش بزرگی است. (7)
و شما را چه شده، که به خدا ایمان نمی‌آورید در حالی که فرستاده (او) شما را می‌خواند تا به پروردگارتان ایمان آورید، و بیقین (بوسیله فطرت و خرد) از شما پیمان محکم گرفته است؛ اگر (آمادگی) ایمان دارید؟! (8)
او کسی است که آیات روشنگری بر بنده‌اش فرو می‌فرستد تا شما را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آورد؛ و قطعاً خدا [نسبت به شما مهربانی مهرورز است. (9)
و شما را چه شده، که در راه خدا مصرف نمی‌کنید، و حال آنکه میراث آسمان‌ها و زمین فقط از آن خداست؟! کسانی از شما که قبل از پیروزی (در راه خدا) مصرف کردند و پیکار نمودند (با دیگران) مساوی نیستند؛ آنان رتبه‌ای والاتر دارند از کسانی که بعد از (پیروزی در راه خدا) مصرف کردند و پیکار نمودند. و خدا همگان را وعده [پاداش نیک داده است؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (10)
کیست کسی که به خدا» قرض الحسنه‌ای «وام دهد، تا آن را برایش بیفزاید، و پاداش ارجمندی برای او باشد؟! (11)

ترجمه قرآن، ص: 539
روزی که مردان با ایمان و زنان با ایمان را می‌بینی در حالی که نورشان پیش رویشان و در سمت راستشان شتابان می‌رود (و فرشتگان به آنان می‌گویند:) امروز مژده باد بر شما! به بوستان‌های (بهشتی) که نهرها زیر [درختان ش روان است؛ در حالی که در آنجا ماندگارند؛ تنها آن کامیابی بزرگ است. (12)
(همان) روزی که مردان منافق و زنان منافق به کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند:» به ما بنگرید (و مهلت دهید) تا از نور شما پرتوی برگیریم. « (به آنان) گفته می‌شود:» به پشت سرتان باز گردید و نوری در خواست کنید. «پس دیواری بین آنان زده می‌شود که برای آن دری است که درونش رحمت در آن است و برونش از جانب آن عذاب است! (13)
(منافقان) آن (مؤمن) ان را ندا می‌دهند:» آیا با شما نبوده‌ایم؟! «گویند:» آری، و لیکن شما خودتان را در فتنه افکندید و انتظار (شکست اسلام را) کشیدید و شک کردید، و (خیال‌ها و) آرزوها شما را فریب داد تا اینکه فرمان خدا فرا رسید، و (شیطان) حیله‌گر شما را نسبت به (آمرزش) خدا فریب داد. (14)
و امروز از شما و از کسانی که کفر ورزیدند هیچ تاوانی گرفته نمی‌شود، مقصدتان آتش است که آن (سزاوار) سرپرستی شماست و بد فرجامی است! « (15)
آیا برای کسانی که ایمان آورده‌اند وقت آن نرسیده است که دل‌هایشان برای یاد خدا و آنچه از حق فرو فرستاده، فروتن شود؛ و مانند کسانی نباشند که پیش از (این) به آنان کتاب داده شد و فاصله [زمانی بر آنان طولانی گشت پس دل‌هایشان سخت گردید و بسیاری از آنان نافرمانبردارند؟! (16)
بدانید که خدا زمین را بعد از مردنش زنده می‌کند؛ بیقین نشانه‌های (خود) را برای شما بیان کردیم، باشد که شما خردورزی کنید. (17)
براستی که مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده، در حالی که» قرض الحسنه‌ای «به خدا وام دهند، برایشان افزوده می‌شود و برای آنان پاداش ارجمندی است. (18)
ترجمه قرآن، ص: 540
و کسانی که به خدا و فرستاده‌اش ایمان آوردند، فقط آنان راستگویان و گواهان نزد پروردگارشان هستند، پاداش آنان و نورشان فقط برای آنان است؛ و کسانی که کفر ورزیدند و نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، آنان اهل دوزخند. (19)
بدانید که زندگی پست (دنیا) بازی و سرگرمی و زیور و فخر فروشی در میان شما و افزون طلبی در اموال و فرزندان است، همانند مثال بارانی

که گیاهانش کشاورزان را به شگفت آورد، سپس خشک می‌گردد، پس آن را زرد می بینی؛ سپس درهم شکسته می‌شود. و در آخرت عذابی شدید و آمرزشی از جانب خدا و خشنودی (او) است. و زندگی پست (دنیا) جز کالای فریبنده نیست. (20)
پیشی گیرید به سوی آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که پهنه آن همچون پهنه آسمان و زمین است که برای کسانی که به خدا و فرستاده‌اش ایمان آورده‌اند، آماده شده است؛ این بخشش خداست آن را به هر که بخواهد (و شایسته بداند) می‌دهد؛ و خدا دارای بخشش بزرگ است. (21)
هیچ مصیبتی در زمین و در (وجود) خودتان (به شما) نمی رسد، جز اینکه قبل از آنکه آن را بیافرینیم، در کتابی (ثبت) است؛ در حقیقت آن (کار) بر خدا آسان است. (22)
بخاطر آنکه برآنچه از دستتان رفته تأسف مخورید؛ و به آنچه به شما داده است شادمان مَباشید؛ و خدا هیچ متکبّر خیال پرداز فخر فروشی را دوست ندارد؛ (23)
(همان) کسانی که بخل می ورزند، و مردم را به بخل فرمان می‌دهند؛ و هر کس روی برتابد، پس (به خدا زیان نمی رساند؛ چرا) که تنها خدا توانگر [و] ستوده است. (24)
ترجمه قرآن، ص: 541
بیقین فرستادگانمان را با دلیل‌های روشن (معجزه آسا) فرستادیم، و همراه آنان کتاب (الهی) و ترازو را فرو فرستادیم، تا مردم به دادگری برخیزند؛ و آهن را فرو فرستادیم که در آن نیرویی شدید و سودهایی برای مردم است، و تا خدا معلوم دارد که چه کسی او و فرستاده‌اش را در نهان یاری می کند؛ براستی خدا نیرومندی شکست‌ناپذیر است. (25)
و بیقین نوح و ابراهیم را فرستادیم، و در نسل آن دو نبوّت و کتاب [الهی قرار دادیم؛ پس برخی از آنان ره یافته‌اند و بسیاری از آنان نافرمانبردارند. (26)
سپس فرستادگانمان را بدنبال آنان فرستادیم، و عیسی پسر مریم را (در پی آنان) فرستادیم، و به او انجیل دادیم، و در دل‌های کسانی که از او پیروی کردند دلسوزی و رحمت قرار دادیم؛ و ترسایی (و گوشه نشینی) را پدیدش آوردند که آن را برآنان مقرر نکرده بودیم، جز برای طلب خشنودی خدا، و [لی آن را رعایت نکردند آنگونه که، حقِّ رعایتش بود؛ پس کسانی از آنان که ایمان آوردند پاداششان را دادیم؛ و بسیاری از آنان نافرمانبردارند. (27)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید و به فرستاده‌اش ایمان آورید تا دو بهره از رحمتش به شما بدهد؛ و برای شما

نوری قرار دهد که با آن راه روید، و شما را بیامرزد؛ و خدا بسیار آمرزنده و مهرورز است. (28)
تا اهل کتاب بدانند که قادر بر (بدست آوردن) هیچ چیز از بخشش خدا نیستند، و اینکه بخشش بدست خداست، به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) آن را می‌دهد؛ و خدا دارای بخشش بزرگ است. (29)
ترجمه قرآن، ص: 542

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
خدا سخن آن (زنی) را که درباره همسرش با تو مجادله می‌کرد و به خدا شکوه می‌کرد، شنید، و خدا گفتمان شما را می‌شنود؛ [چرا] که خدا شنوای بیناست. (1)
کسانی از شما که زنانشان را ظهار می‌کنند (و مادر خود می‌خوانند) آنان مادرانشان نیستند؛ مادرانشان جز کسانی که آنان را زاییده‌اند نیستند و قطعاً آنان سخن ناپسند و باطل می‌گویند؛ و مسلماً خدا بخشاینده [و] بسیار آمرزنده است. (2)
و کسانی که زنانشان را ظِهار می‌کنند (و مادر خود می‌خوانند) سپس از آنچه گفته‌اند باز می‌گردند، پس پیش از آنکه با همدیگر تماس گیرند آزاد کردن بنده‌ای (بر آنان واجب است). آن (چیزی است که شما) بدان پند داده می‌شوید؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (3)
و هر کس (بنده‌ای) نیافت، پس پیش از آنکه با یکدیگر تماس گیرند روزه دو ماه پیاپی (بر او واجب است). و هر کس نتواند، پس غذا دادن شصت بینوا (بر او واجب است). این بخاطر آن است که به خدا و فرستاده‌اش ایمان بیاورید؛ و اینها مرزهای خداست؛ و برای کافران عذاب دردناکی است! (4)
در حقیقت کسانی که با خدا و فرستاده‌اش به شدّت مخالفت می‌کنند، خوار شده‌اند همانگونه که کسانی که پیش از آنان بودند خوارشدند؛ و بیقین ما نشانه‌ای روشن فروفرستادیم و برای کافران عذابی خوار کننده است، (5)
در روزی که خدا همه آنان را بر می‌انگیزد و به آنان از آنچه انجام داده‌اند خبر می‌دهد، که خدا آن (اعمال) را به شمار آورده و [لی آنان آن را فراموش کرده‌اند؛ و خدا بر هر چیزی گواه است. (6)
ترجمه قرآن، ص: 543
آیا اطلاع نیافته‌ای که خدا آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است می‌داند؛ هیچ رازگویی سه (نفری) نیست مگر آنکه او چهارمین آنان است، و هیچ رازگویی پنج (نفری) نیست مگر آنکه او ششمین آنان است، و نه کمتر از آن و نه بیشتر (از آن است) مگر آنکه او همراه آنان است هر کجا که باشند، سپس روز رستاخیز به آنان از آنچه انجام داده‌اند، خبر می‌دهد؛ [چرا] که خدا به هر چیزی داناست. (7)
آیا نظر نکرده‌ای به کسانی که از رازگویی منع شده بودند، سپس به آنچه که از آن منع شده بودند باز می‌گردند، و برای گناه و تعدّی و نافرمانیِ

فرستاده (خدا) با یکدیگر رازگویی می‌کنند، و هنگامی که نزد تو می‌آیند به چیزی که خدا بدان تو را زنده باد نگفته است به تو» زنده باد «می‌گویند؛ و در (دل‌های) خودشان می‌گویند:» چرا خدا ما را بخاطر آنچه می‌گوییم عذاب نمی‌کند؟! «جهنّم برای آنان کافی است، در حالی که وارد آن می‌شوند (و می‌سوزند) و چه بد فرجامی است! (8)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که رازگویی می‌کنید، پس برای گناه و تعدّی و نافرمانی فرستاده (خدا) با یکدیگر رازگویی نکنید، و برای نیکی و پارسایی (و خود نگهداری) رازگویی کنید؛ و [خودتان را] از [عذاب خدایی حفظ کنید که فقط به سوی او گردآوری می‌شوید. (9)

رازگویی فقط از شیطان است؛ تا کسانی را که ایمان آورده‌اند اندوهگین سازد، در حالی که جز به رخصت خدا، هیچ چیز زیان رسان به آنان نیست؛ و مؤمنان پس باید تنها بر خدا توکّل کنند. (10)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که به شما گفته شود:» در مجلس‌ها جای گشایید، پس جای گشایید، که خدا برای شما جای می‌گشاید؛ و هنگامی که گفته شود:» برخیزید. «پس برخیزید؛ که خدا کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که به آنان دانش داده شده، به رتبه‌هایی بالا می‌برد؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (11)

ترجمه قرآن، ص: 544

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که با فرستاده (خدا) رازگویی می‌کنید پس پیش (از آن) بخشش صادقانه‌ای تقدیم دارید؛ این برای شما بهتر و پاک کننده‌تر است؛ و اگر نیافتید پس مسلماً خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (12)

آیا بیمناک شدید که پیش از رازگوییتان بخشش‌های صادقانه تقدیم دارید؟! پس در این هنگام که انجام نداده‌اید، و خدا توبه شما را پذیرفت، پس نماز را برپا دارید و [مالیات زکات را بپردازید و از خدا و فرستاده‌اش اطاعت کنید؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (13)

آیا نظر نکرده‌ای به کسانی که با گروهی که خدا بر آنان خشم کرده دوستی کردند؟! آنان از شما نیستند و (شما) از آنان نیستید، و به دروغ سوگند یاد می‌کنند در حالی که آنان می‌دانند (که دروغ می‌گویند). (14)

خدا عذابی شدید برای آنان آماده ساخته است، [چرا] که بد است آنچه را آنان همواره انجام می‌دادند! (15)

سوگندهایشان را سپری قرار دادند و (مردم را) از راه خدا باز داشتند؛ پس برای آنان عذابی خوار کننده است! (16)

هرگز اموالشان و فرزندانشان هیچ چیزی [مجازات خدا را از آنان دفع نخواهد کرد؛ آنان اهل آتشند در حالی که آنان در آنجا ماندگارند. (17)

(یادکن) روزی را که خدا همه آنان را بر می‌انگیزد، و برای او سوگند یاد

می‌کنند همان گونه که برای شما سوگند یاد می‌کنند؛ و می‌پندارند که آنان بر چیزی (سودمند دست یافته) اند؛ آگاه باشید که آنان فقط دروغگویند. (18)
شیطان بر آنان مسلّط شده و یاد خدا را از یاد آنان برد؛ آنان حزب شیطانند. آگاه باشید که حزب شیطان فقط زیانکارند! (19)
در حقیقت کسانی که با خدا و فرستاده‌اش بشدّت مخالفت کنند، آنان در (زُمره) خوارترین (افراد) ند. (20)
خدا مقرّر داشته که قطعاً من و فرستادگانم پیروز می‌شویم؛ [چرا] که خدا نیرومندی شکست‌ناپذیر است. (21)
ترجمه قرآن، ص: 545
هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز بازپسین بیاورند، نمی‌یابی که با کسانی که با خدا و فرستاده‌اش به شدت مخالفت ورزند، دوستی کنند، و گرچه پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا خاندانشان باشند، اینانند که خدا ایمان را در دل‌هایشان نوشته و با روحی از (جانب خود) ش تایید کرده، و آنان را در بوستان‌های (بهشتی) وارد می‌کند که نهرها از زیر [درختان ش روان است، در حالی که در آنجا ماندگارند. خدا از آنان خشنود است، و آنان (نیز) از او خشنودند؛ آنان حزب خدا هستند، آگاه باشید در واقع فقط حزب خدا رستگارند! (22)

ترجمه قرآن 573
به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، برای خدا تسبیح می‌گویند؛ و او شکست‌ناپذیر [و] فرزانه است. (1)
او کسی است که کسانی از اهل کتاب را که کفر ورزیدند در نخستین گرد آمدن (و حرکت دسته جمعی به سوی جنگ) از خانه هایشان بیرون راند، یقین نداشتید که بیرون می‌روند. و آنان (نیز) یقین داشتند که دژهایشان مانع آنان از (عذاب) خدا می‌شود؛ و [لی خدا از جایی که نمی‌پنداشتند به سراغشان آمد و در دل‌هایشان وحشت افکند. خانه‌هایشان را بدستانشان و دستان مؤمنان ویران می‌کردند، پس ای صاحبان بینش، عبرت آموزید. (2)
و اگر نبود که خدا ترک خانه‌ها را بر آنان مقرر کرده بود، حتماً آنان را در دنیا عذاب می‌کرد؛ و برای آنان در آخرت عذاب آتش است! (3)
ترجمه قرآن، ص: 546
این بخاطر آن است که آنان با خدا و فرستاده‌اش مخالفت ورزیدند، و هر کس با خدا مخالفت کند، پس حتماً خدا سخت کیفر است! (4)
آنچه از درخت خرمای ممتاز که قطع کردید یا آنها را ایستاده بر ریشه‌هایش واگذاشتید، پس به رخصت خدا بود؛ و برای این بود که نافرمانبرداران را رسوا کند. (5)
و آنچه از (غنائم) آن (یهودی) ان که خدا به فرستاده‌اش باز گردانده است پس برای (بدست آوردن) آن هیچ اسب و شتری نتاختید؛ و لیکن خدا فرستادگانش را بر هر کس بخواهد مسلّط می‌سازد؛ و خدا بر هر چیز تواناست. (6)
آنچه از (غنائم) اهل آبادی‌ها که خدا به فرستاده‌اش بازگردانده است پس فقط برای خدا و برای فرستاده (اش) و برای نزدیکان (او) و یتیمان و بینوایان و در راه مانده است، تا (ثروت‌ها) در میان توانگران شما [دست به دست نگردد و آنچه را فرستاده [خدا] برای شما آورده پس آن را بگیرید (و اجرا کنید)، و آنچه شما را از آن منع کرد پس خودداری کنید؛ و [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید که خدا سخت کیفر است. (7)
(این غنائم) برای نیازمندان مهاجری است که از خانه‌هایشان و اموالشان بیرون رانده شده‌اند در حالی که بخششی و خشنودی‌ای از خدا می‌جویند و خدا و فرستاده‌اش را یاری می‌کنند؛ تنها آنان راستگویانند. (8)
و (نیز) کسانی (از انصار) که پیش از آن (مهاجر) ان در سرای (اسلام) و ایمان (مدینه) جای گرفته بودند، هر کس به سوی آنان هجرت کرده دوست

می‌دارند، و در سینه‌هایشان نسبت به آنچه به آن (مهاجر) ان داده شده، نیازی نمی‌یابند، و (مهاجران) را بر خودشان بر می‌گزینند (و ترجیح می‌دهند) و گرچه آنان نیازمند باشند؛ و هر کس از (بی‌گذشتی و) آزمندی خودش نگاه داشته شود، پس تنها آنان رستگارند. (9)
ترجمه قرآن، ص: 547
و (نیز) کسانی (از تابعین) که بعد از آنان آمدند، می‌گویند:» [ای پروردگار ما! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دل‌های ما برای کسانی که ایمان آوردند کینه‌ای قرار مده؛ [ای پروردگار ما! مسلماً تو مهربانِ مهرورزی. « (10)
آیا به سوی کسانی که دورویی نمودند نظر نکرده‌ای، که به برادرانشان (همان) کسانی از اهل کتاب که کفر ورزیدند می‌گفتند:» اگر بیرون رانده شدید، قطعاً با شما خارج می‌شویم، و هرگز درباره شما از هیچ کس اطاعت نمی‌کنیم؛ و اگر با شما پیکار شود، قطعاً شما را یاری می‌کنیم! «و خدا گواهی می‌دهد که آنان حتماً دروغگویانند. (11)
اگر (کافران) بیرون رانده شوند با آنان بیرون نمی‌روند، و اگر با آنان پیکار شود، آنان را یاری نمی‌کنند، و اگر یاریشان کنند حتماً با عقبگرد (از آنان) روی بر می‌تابند؛ سپس یاری نخواهند شد. (12)
مسلماً شما در دل‌های آنان ترس‌انگیزتر از خدا هستید؛ این بخاطر آن است که آنان گروهی هستند که بطور عمیق نمی‌فهمند. (13)
(یهودیان) همگی با شما پیکار نمی‌کنند مگر در آبادی‌های دژدار یا از پشت دیوارها. سختی (جنگ) آنان میان (خود) شان شدید است، آنان را جمع (متحد) می‌پنداری، در حالی که دل‌هایشان جداست؛ این بخاطر آن است که آنان گروهی هستند که خرد ورزی نمی‌کنند. (14)
(مثال آنان) همانند مثال کسانی است که اندک زمانی پیش از آنان بودند، سنگینی (کیفرِ) کارشان را چشیدند و برای آنان عذاب دردناکی است! (15)
و (نیز) همانند مثال شیطان است آنگاه که به انسان گفت:» کافر شو. «و هنگامی که کفر ورزید، (شیطان) گفت:» در واقع من نسبت به تو تعهدی ندارم، که من از خدا، پروردگار جهانیان می‌ترسم. « (16)
ترجمه قرآن، ص: 548
پس فرجام آن دو این شد که هر دو در آتش‌اند در حالی که در آنجا ماندگارند؛ و این کیفر ستمکاران است. (17)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید و هر شخصی باید بنگرد که برای فردای (رستاخیز) چه چیزی پیش فرستاده است، و [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (18)

و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند پس (خدا) خودشان را از یادشان برد؛ فقط آنان نافرمانبردارند. (19)
اهل آتش و اهل بهشت مساوی نیستند، فقط اهل بهشت کامیابند. (20)
اگر (بر فرض) این قرآن را بر کوهی فرو می‌فرستادیم، حتماً آن را فروتن [و] از هراس خدا متلاشی می‌دیدی؛ و این مثال‌هایی است که آنها را برای مردم می‌زنیم، باشد که آنان تفکّر کنند. (21)
او خدایی است که هیچ معبودی جز او نیست، دانای نهان و آشکار است، او گسترده مهر [و] مهرورز است. (22)
او خدایی است که هیچ معبودی جز او نیست، فرمانروا، کاملًا پاک (از هر عیب و نقص،) سلامت بخش، ایمنی بخش نگهبان، شکست‌ناپذیر، جبران کننده، بزرگ منش. منزّه است خدا از آنچه شریک (او) قرار می‌دهند. (23)
او خدایی است آفریننده، آفریدگار، چهره پرداز، نام‌های نیکو فقط از آن اوست؛ آنچه در آسمان‌ها و زمین است برای او تسبیح می‌گویند؛ و او شکست‌ناپذیر [و] فرزانه است. (24)
ترجمه قرآن، ص: 549

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن (خود) تان را دوست نگیرید! (شما طرح) دوستی با آنان می‌افکنید، در حالی که به آنچه از حق برای شما آمده کفر ورزیدند؛ فرستاده (خدا) و شما را، بخاطر ایمانتان به خدا که پروردگارتان است، بیرون می رانند؛ اگر شما برای جهاد در راه من و در طلب خشنودی من بیرون آمده‌اید (با آنان طرح دوستی نیفکنید.) به پنهانی با آنان دوستی می‌کنید در حالی که من به آنچه پنهان می‌دارید و آنچه آشکار می‌کنید داناترم؛ و هر کس از شما آن (کار) را انجام دهد پس بتحقیق از راه درست گمراه شده است. (1)
اگر شما را بیابند دشمنان شما خواهند بود و دست‌هایشان و زبان‌هایشان را به بدی، به سوی شما می‌گشایند، و کفر ورزیدن شما را آرزو دارند. (2)
خویشاوندان شما و فرزندانتان روز رستاخیز سودی برای شما نخواهند داشت؛ بین شما جدایی می‌اندازد. و خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (3)
بیقین برای شما در (روش) ابراهیم و کسانی که همراه اویند (الگویی برای) پیروی نیکوست؛ هنگامی که به قومشان گفتند:» در واقع ما نسبت به شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید تعهدی نداریم (آیین) شما را انکار می‌کنیم؛ و بین ما و بین شما دشمنی و کینه همیشگی آشکار شده است؛ تا اینکه به خدای یگانه ایمان آورید؛ جز سخن ابراهیم به پدر (مادرش یا عموی) ش (که گفت:) قطعاً برای تو طلب آمرزش می‌کنم در حالی که مالک هیچ چیزی از طرف خدا برای تو نیستم. [ای پروردگار ما! فقط برتو توکّل کردیم و تنها به سوی تو بازگشتیم، و فرجام (همه) فقط به سوی توست. (4)
[ای پروردگار ما! ما را (وسیله) آزمایش برای کسانی که کفر ورزیدند قرار مده؛ و ما را بیامرز! [ای پروردگار ما! براستی که تنها تو شکست‌ناپذیر [و] فرزانه‌ای. (5)
ترجمه قرآن، ص: 550
بیقین برای شما در (روش) آنان (الگویی برای) پیروی نیکوست، برای کسانی که همواره به خدا و روز بازپسین امید دارند؛ و هر کس روی برتابد پس (به خدا زیان نمی‌رساند، چرا) که تنها خدا توانگر [و] ستوده است. (6)
امید است خدا بین شما و بین کسانی از آن (مشرک) ان که دشمنی دارید دوستی قرار دهد؛ و خدا تواناست و خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است.

(7)
خدا شما را نسبت به کسانی که در مورد دین با شما پیکار نکردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون نراندند، منع نمی‌کند که به آنان نیکی کنید و نسبت به آنان داد گری نمایید؛ [چرا] خدا دادگران را دوست می‌دارد. (8)
خدا شما را فقط از کسانی که در مورد دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند و برای بیرون راندن شما همدیگر را پشتیبانی کردند، منع می‌کند که با آنان دوستی کنید؛ و هر کس آنان را دوست داشته باشد پس تنها آنان ستمکارند. (9)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که زنان با ایمان هجرت کنان نزد شما آیند، پس آنان را آزمایش کنید خدا به ایمانشان داناتر است، و اگر آنان را مؤمن دانستید پس آنان را به سوی کفّار برنگردانید؛ آن (زن) ان برای آن (کافران) حلال نیستند و آن (کافران) برای آن (زن) ان حلال نیستند و آنچه را (برای ازدواج با این زنان) مصرف کرده‌اند به آنان بدهید، و هیچ گناهی بر شما نیست که آنان را به ازدواج (خود) در آورید هنگامی که مهرشان را به آنان بدهید. و (عقد) حفظ کننده زنان کافر را نگاه ندارید و آنچه را (برای ازدواج با آنان) مصرف کرده‌اید در خواست کنید. و (مردان کافر نیز) باید آنچه را (برای ازدواج با زنان مسلمان) مصرف کرده‌اند درخواست کنند. این حکم خداست که بین شما داوری می‌کند، و خدا دانای فرزانه است. (10)
و اگر چیزی از (مهریه) همسران شما به سوی کفّار از دست شما رفت و (بر آنان پیروز شدید و غنیمت گرفتید و آنان را) مجازات کردید پس کسانی را که همسرانشان (از دست) رفته‌اند همانند آنچه (برای ازدواج با آنان) مصرف کرده‌اند (از غنائم) بدهید؛ و [خودتان را] از [عذاب خدایی که شما به او ایمان دارید حفظ کنید. (11)
ترجمه قرآن، ص: 551
ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند در حالی که با تو بیعت کنند که هیچ چیز را شریک خدا قرار ندهند، و دزدی نکنند و زنا نکنند، و فرزندانشان را نکشند، و هیچ تهمتی را نیاورند که آن را بین دست‌هایشان و پاهایشان بربافته‌اند و در هیچ [دستور] پسندیده‌ای نافرمانی تو را نکنند، پس با آنان بیعت کن و برای آنان از خدا طلب آمرزش کن؛ که خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (12)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با گروهی که خدا برآنان خشم گرفته، دوستی مَکنید؛ بیقین آنان از آخرت ناامیدند، همان گونه که کفّار اهل قبرها ناامید شدند. (13)

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است برای خدا تسبیح می‌گویند؛ و او شکست‌ناپذیر [و] فرزانه است. (1)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا می‌گویید آنچه را انجام نمی‌دهید؟! (2)
نزد خدا (موجب) خشم بزرگ است اینکه بگویید آنچه را انجام نمی‌دهید! (3)
در حقیقت خدا کسانی را دوست می‌دارد که در راهش صف کشیده جهاد می‌کنند، چنانکه گویی آنان ساختمان محکم (سُربی) هستند. (4)
و (یادکن) هنگامی را که موسی به قومش گفت:» ای قوم [من ! چرا آزارم می‌دهید در حالی که بیقین می‌دانید که من فرستاده خدا به سوی شما هستم؟! «و هنگامی که (از حق) منحرف شدند، خدا دل‌هایشان را منحرف ساخت؛ و خدا گروه نافرمانبردار را راهنمایی نمی‌کند. (5)
ترجمه قرآن، ص: 552
و (یادکن) هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت:» ای بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب)! در واقع من فرستاده خدا به سوی شمایم، در حالی که مؤید آنچه از تورات که پیش از من بوده، و مژده آور فرستاده‌ای هستم که بعد از من می‌آید [و] نام او احمد است. «و [لی هنگامی که با دلیل‌های روشن (معجزه آسا) به سراغشان آمد، گفتند:» این سحری آشکار است. « (6)
و چه کسی ستمکارتر است از کسی که بر خدا دروغ بسته در حالی که او به سوی اسلام فراخوانده می‌شود؟! و خدا گروه ستمکار را راهنمایی نمی‌کند. (7)
[کافران می‌خواهند تا نور خدا را با دهان‌هایشان خاموش سازند؛ در حالی که خدا کامل کننده نور خویش است، و گرچه کافران ناخشنود باشند. (8)
او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین [ها] پیروز گرداند، و گرچه مشرکان ناخشنود باشند. (9)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آیا شما را به دادوستدی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک نجات دهد؟! (10)
به خدا و فرستاده‌اش ایمان آورید و با اموال و جان‌هایتان در راه خدا جهاد کنید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید. (11)
تا پیامدهای (گناهان) تان را برای شما بیامرزد و شما را در بوستان‌های (بهشتی) که نهرها از زیر [درختان ش روان است و در خانه‌های پاکیزه در بوستان‌های (ویژه) ماندگار وارد کند؛ این کامیابی بزرگ است. (12)

و (نعمت) دیگری که آن را دوست دارید (به شما بدهد، که آن) یاری از جانب خدا و پیروزی نزدیک است؛ و مؤمنان را مژده ده! (13)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یاوران خدا باشید همان گونه که عیسی پسر مریم به حواریون گفت:» چه کسانی یاوران من با خدایند؟! «حواریون گفتند:» ما یاوران خداییم. «و گروهی از بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) ایمان آوردند و گروهی کفر ورزیدند؛ و کسانی را که ایمان آورده بودند بر (ضد) دشمنانشان (تقویت و) تأیید کردیم پس پیروز شدند. (14)
ترجمه قرآن، ص: 553

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است تسبیح می‌گویند برای خدا که فرمانروا، کاملًا پاک (از هر عیب و نقص و) شکست‌ناپذیرِ فرزانه است. (1)
او کسی است که در میان درس ناخواندگان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت؛ که آیاتش را بر آنان می‌خواند [و پیروی می‌کند] و رشدشان می‌دهد [و پاکشان می‌گرداند] و کتاب [خدا] و فرزانگی به آنان می‌آموزد؛ در حالی که قطعاً پیش از [آن در گمراهی آشکاری بودند. (2)
و (نیز پیامبر را برانگیخت بر گروهی) دیگر از آنان که هنوز به آنان نپیوسته‌اند؛ و او شکست‌ناپذیرِ فرزانه است. (3)
این بخشش خداست آن را به هر که بخواهد (و شایسته بداند) می‌دهد؛ و خدا دارای بخشش بزرگ است. (4)
مثال کسانی که تورات برآنان نهاده شده (و به آن مکلّف شده‌اند) سپس آن را حمل نکرده‌اند (و به کار نبسته‌اند) همانند مثال الاغی است که کتاب‌هایی حمل می‌کند. بداست مثال گروهی که آیات خدا را دروغ انگاشتند! و خدا گروه ستمکاران را راهنمایی نمی‌کند. (5)
بگو:» ای کسانی که به (آیین) یهود گرویدید! اگر می‌پندارید که شما دوستان خدایید نه سایر مردم، پس اگر راست می‌گویید آرزوی مرگ کنید! « (6)
و [لی آنان به سبب دستاورد پیشینشان، هرگز آن [مرگ را آرزو نخواهند کرد؛ و خدا به [حال ستمگران داناست. (7)
بگو:» درواقع مرگی که از آن فرار می‌کنید پس حتماً آن شما را ملاقات می‌کند؛ سپس به سوی دانای نهان و آشکار باز گردانده می‌شوید؛ و شما را از آنچه همواره انجام می‌دادید با خبر می‌سازد. « (8)
ترجمه قرآن، ص: 554
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که برای نماز در روز جمعه ندا داده شود، پس به سوی یاد خدا بکوشید و معامله را رها کنید، که این برای شما بهتر است اگر بدانید! (9)
و هنگامی که نماز پایان یافت، پس در زمین پراکنده شوید و از بخشش خدا بجویید، و خدا را فراوان یاد کنید باشد که شما رستگار (و پیروز) شوید. (10)
و هنگامی که داد و ستد یا سرگرمی را می‌بینند به سوی آن پراکنده می‌شوند، در حالی که تورا ایستاده وا می‌گذارند؛ بگو:» آنچه نزد خداست

از سرگرمی و از داد و ستد بهتر است؛ و خدا بهترین روزی دهندگان است.
« (11)

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
هنگامی که منافقان نزد تو آیند گویند:» گواهی می‌دهیم که قطعاً تو فرستاده خدایی «. و خدا می‌داند که مسلماً تو فرستاده او هستی، و خدا گواهی می‌دهد که حتماً منافقان دروغ گویند. (1)
سوگندهایشان را سپری قرار دادند و (مردم را) از راه خدا باز داشتند، براستی چه بد است، آنچه را آنان همواره انجام می‌دادند! (2)
این بخاطر آن است که آنان ایمان آوردند سپس کفر ورزیدند؛ از این رو بر دل‌هایشان مهر نهاده شده؛ پس آنان فهم عمیق نمی‌کنند. (3)
و هنگامی که آنان را می‌بینی، بدن‌هایشان تو را به شگفت می‌آورد؛ و اگر [سخن بگویند سخنشان را می‌شنوی، چنانکه گویی آنان چوب‌هایی (به دیوار) تکیه داده شده‌اند! می‌پندارند هر بانگی بر ضد آنان است؛ آنان دشمنند، پس از آنان بیمناک باش! خدا آنان را بکشد! چگونه (از حق) بازگردانده می‌شوند؟ (4)
ترجمه قرآن، ص: 555
و هنگامی که به آنان گفته شود:» بیایید تا فرستاده خدا برای شما طلب آمرزش کند. «، سرهایشان را می‌پیچانند، و آنان را می‌بینی که روی بر می‌گردانند در حالی که آنان مستکبرند. (5)
برای آنان یکسان است که برایشان طلب آمرزش کنی یا برای آنان طلب آمرزش نکنی، خدا آنان را نمی‌آمرزد؛ [چرا] که خدا گروه نافرمانبردار را راهنمایی نمی‌کند. (6)
آنان کسانی هستند که می‌گویند:» برای کسانی که نزد فرستاده خدا هستند (اموالتان را) مصرف نکنید تا اینکه پراکنده شوند. «در حالی که منابع آسمان‌ها و زمین فقط از آن خداست و لیکن منافقان فهم عمیق نمی‌کنند. (7)
می‌گویند:» اگر به مدینه بازگردیم، قطعاً عزیزترین (افراد)، ذلیل‌ترین (افراد) را از آن (شهر) بیرون می‌رانند! «در حالی که عزّت فقط برای خدا و برای فرستاده‌اش و برای مؤمنان است؛ و لیکن منافقان نمی‌دانند. (8)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال شما و فرزندانتان شما را از یاد خدا (غافل و) سرگرم نکند! و کسانی که چنین کنند، پس تنها آنان زیانکارند. (9)
از آنچه به شما» روزی «داده‌ایم (در راه خدا) مصرف کنید، پیش از آنکه مرگ به سراغ یکی از شما آید و بگوید:» پروردگارا! چرا (مرگ) مرا تا سرآمد نزدیکی تأخیر نینداختی تا بخشش صادقانه کنم و از شایستگان

باشم؟! « (10)
و خدا» مرگ «کسی را هنگامی که سرآمد (عمر) او فرارسد به تأخیر نمی‌اندازد؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (11)
ترجمه قرآن، ص: 556

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است برای خدا تسبیح می‌گویند؛ فرمانروایی فقط از آن اوست و ستایش تنها برای اوست؛ و او بر هر چیز تواناست. (1)
او کسی است که شما را آفرید پس برخی از شما کافرید و برخی از شما مؤمنید؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (2)
آسمان‌ها و زمین را به حقّ آفرید؛ و شما را صورتگری کرد و صورت‌های شما را نیکو گردانید؛ و فرجام (همه شما) فقط به سوی اوست. (3)
آنچه را در آسمان‌ها و زمین است می‌داند، و آنچه را پنهان می‌دارید و آنچه را آشکار می‌سازید می‌داند؛ و خدا به (اسرار) درون سینه‌ها داناست. (4)
آیا به شما نرسیده است؟! خبر بزرگ کسانی که پیش از [این کفر ورزیدند و سنگینی (کیفر) کارشان را چشیدند؛ و برایشان عذاب دردناکی است! (5)
آن بخاطر این است که فرستادگانشان با دلیل‌های روشن (معجزه‌آسا) همواره به سراغشان می‌آمدند، و می‌گفتند:» آیا بشرهایی ما را راهنمایی می‌کنند؟! «پس کفر ورزیدند و روی برتافتند و خدا توانگری نموده است، و خدا توانگری ستوده است. (6)
کسانی که کفر ورزیدند پنداشتند که برانگیخته نخواهند شد، بگو:» آری، به پروردگارم سوگند که قطعاً برانگیخته خواهید شد! سپس حتماً از آنچه انجام دادید خبر داده می‌شوید؛ و آن (کارها) بر خدا آسان است «. (7)
پس به خدا و فرستاده‌اش و نوری که فرو فرستادیم ایمان بیاورید؛ و خدا از آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (8)
روزی که شما را برای روز جمع‌آوری (مردم در قیامت) گردآوری می‌کند، آن روز زیانکاری است. و هر کس به خدا ایمان آورد و [کار] شایسته انجام دهد، بدی‌هایش را از او می‌زداید و او را در بوستان‌های (بهشتی) وارد می‌کند که از زیر (درختان) ش نهرها روان است در حالی که جاودانه در آن ماندگارند؛ این کامیابی بزرگی است. (9)
ترجمه قرآن، ص: 557
و کسانی که کفر ورزیدند و نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، آنان اهل آتشند، در حالی که در آنجا ماندگارند؛ و (این) بدفرجامی است! (10)
هیچ مصیبتی جز به رخصت خدا (به کسی) نمی‌رسد! و هر کس به خدا ایمان آورد، دلش را راهنمایی می‌کند؛ و خدا به هر چیزی داناست. (11)
و خدا را اطاعت کنید و فرستاده [خدا] را اطاعت کنید؛ و اگر روی برتابید

پس بر عهده فرستاده ما فقط رساندن [پیام روشنگر و] آشکار است. (12)
خداست که هیچ معبودی جز او نیست، و مؤمنان پس باید تنها بر خدا توکّل کنند. (13)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حقیقت بعضی از همسران شما و فرزندانتان دشمن شما هستند، پس از آنان بیمناک باشید؛ و اگر ببخشید و در گذرید و بیامرزید، پس براستی خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (14)
اموال شما و فرزندانتان فقط [وسیله آزمایش است؛ و خدا نزدش پاداش بزرگی است. (15)
پس هر چه در توان دارید [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید و بشنوید و اطاعت کنید و (در راه خدا) مصرف کنید که برای خودتان بهتر است؛ و هر کس از (بی گذشتی و) آزمندی خودش نگاه داشته شود، پس تنها آنان رستگارند. (16)
اگر به خدا» قرض الحسنه‌ای «وام دهید، آن را برای شما می‌افزاید و شما را می‌آمرزد؛ و خدا بسی سپاسگزار [و] بردبار است. (17)
(او) دانای نهان و آشکار [و] شکست‌ناپذیر فرزانه است. (18)
ترجمه قرآن، ص: 558

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
ای پیامبر! هنگامی که زنان را طلاق می‌دهید پس آنان را در (زمان) عِدّه شان طلاق دهید، و عدّه را شمارش کنید؛ و [خودتان را] از [عذاب خدایی حفظ کنید که پروردگار شماست؛ آن (زن) ان را از خانه‌هایشان بیرون نرانید و (آنان نیز در زمان عدّه) بیرون نروند، مگر آنکه [کار] زشت آشکاری (به بار) آورند؛ و اینها مرزهای خداست و هر کس از مرزهای خدا تعدّی کند پس یقیناً به خودش ستم کرده است؛ نمی‌دانی شاید خدا بعد از این، کاری پدید آورد. (1)
و هنگامی که سرآمد (عدّه) آنان (به روزهای پایانی) رسید پس آنان را بطور پسندیده نگاه دارید یا بطور پسندیده از آنان جدا شوید؛ و از شما (مسلمانان) دو مرد عادل را گواه گیرید و گواهی را برای خدا برپا دارید؛ این (چیزی) است که کسانی که به خدا و روز بازپسین همواره ایمان آورند بدان پند داده می‌شوند. و هر کس [خودش را از [عذاب خدا حفظ کند، برایش محل خارج شدن (از مشکلات) قرار می‌دهد؛ (2)
و او را از جایی که نمی‌پندارد روزی می‌دهد؛ و هر کس بر خدا توکّل کند پس او برایش کافی است؛ در حقیقت خدا کارش را (به انجام) می‌رساند؛ که بیقین خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است. (3)
و از زنان شما کسانی که از عادت ماهانه ناامیدند، اگر (در مورد بارداری آنان) شک کنید، پس عدّه آنان سه ماه است و (نیز) زنانی که عادت ماهانه نشده‌اند. و زنان باردار سرآمد (عدّه) آنان این است که آنان وضع حمل کنند. و هر کس [خود را] از [عذاب خدا حفظ کند برای او کارش را آسان قرار می‌دهد. (4)
این فرمان خداست که آن را به سوی شما فروفرستاده است، و هر کس [خود را] از [عذاب خدا حفظ کند، بدی‌ها (ی گناهان) ش را از او بزداید؛ و پاداش را برایش بزرگ سازد. (5)
ترجمه قرآن، ص: 559
آن (زن) ان را هر جا که سکونت دارید [و] در توان شماست، سکونت دهید؛ و به آنان زیان نرسانید تا بر آنان تنگ گیرید؛ و اگر (آنان) باردار باشند، پس برای آنان هزینه کنید تا اینکه آنان وضع حمل کنند؛ و اگر برای (کودک) شما شیر می‌دهند، پس پاداش آنان را به ایشان بدهید، و (در مورد کودک) بین خودتان بطور پسندیده مشورت کنید؛ و اگر هر دو به سختی افتادید (و به توافق نرسیدید) پس بزودی (زن) دیگری او را شیر می‌دهد. (6)

صاحب (امکانات) وسیع باید از (امکانات) وسیعش هزینه کند؛ و هر کس روزی اش بر او تنگ شده پس باید از آنچه خدا به او داده هزینه کند، خدا هیچ کس را جز به آنچه به او داده، تکلیف نمی‌کند؛ خدا بزودی بعد از دشواری آسانی قرار می‌دهد. (7)
چه بسیار از [مردم آبادی که از فرمان پروردگارش و فرستادگانش سرپیچی کردند و با حسابی شدید آن [ان را مورد محاسبه قرار دادیم! و باعذابی ناپسند آن [ان را عذاب کردیم! (8)
و سنگینی (کیفر) کارشان را چشیدند و فرجام کارشان زیانکاری بود. (9)
خدا عذابی شدید برای آنان آماده ساخته است! پس ای خردمندانی که ایمان آورده‌اید، [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید. بیقین خدا یادآورنده (قرآن) را به سوی شما فرستاده است. (10)
فرستاده‌ای (به سوی شما فرستاد) که آیات خدا را در حالی که روشنگر است بر شما می‌خواند [و پیروی می‌کند] تا کسانی را که ایمان آورده و [کارهای شایسته انجام داده‌اند، از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آورده و هر کس به خدا ایمان آورده و [کار] شایسته انجام دهد، او را در بوستان‌های (بهشتی) وارد می‌کند که از زیر [درختان ش نهرها روان است، در حالی که جاودانه در آن ماندگارند؛ [و] بیقین خدا برای او» روزی «را نیکو ساخته است. (11)
خدا کسی است که هفت آسمان را آفرید، و از زمین (نیز) همانند آنها را؛ فرمان (او) در میان آنها فرود می‌آید تا اینکه بدانید که خدا بر هر چیزی تواناست، و اینکه بیقین، علم خدا به هر چیزی احاطه دارد. (12)
ترجمه قرآن، ص: 560

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
ای پیامبر! چرا چیزی را که خدا بر تو حلال کرده (بر خود) ممنوع می‌کنی در حالی که خشنودی همسرانت را می‌طلبی؟! و خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (1)
بیقین خدا گشودن سوگندهایتان را برای شما معیّن ساخته است؛ و خدا سرپرست شماست و او دانا [و] فرزانه است. (2)
و (یاد کن) هنگامی را که پیامبر با برخی از همسرانش سخنی پنهانی گفت، و [لی هنگامی که (همسرش) آن را خبر [چینی کرد و خدا آن را بر آن (پیامبر) آشکار ساخت، برخی از آن را (به او) شناساند و از برخی [دیگر] روی گرداند؛ و هنگامی که آن (همسرش) را بدان خبر داد، گفت:» چه کسی این را به تو خبر داد؟! «گفت:» (خدای) دانا [و] آگاه، به من خبر داد! « (3)
اگر شما دو (همسر پیامبر) به سوی خدا بازگردید پس (به سود شماست، چرا که) بیقین دل‌های شما (به کژی) گراییده است؛ و اگر بر ضد او یکدیگر را کمک کنید پس (زیانی به او نمی‌رسانید، چرا) که خدا فقط یاور اوست. و بعد از آن جبرئیل و شایسته مؤمنان و فرشتگان، پشتیبان (او) هستند. (4)
امید است که اگر شما را طلاق دهد، پروردگارش همسرانی بهتر از شما برای او جایگزین کند، (زنانی) مسلمان، مؤمن فرمانبردار [فروتن ، توبه کار، پرستشگر، روزه‌دار، بیوه و دوشیزه. (5)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خودتان و خانواده‌هایتان را از آتشی حفظ کنید که هیزم آن مردم و سنگ‌هاست؛ (آتشی) که فرشتگانی خشن [و] سخت گیر برآن [گماشته شده است، که خدا را در آنچه فرمانشان می‌دهد نافرمانی نمی‌کنند، و آنچه را مأمور شده‌اند انجام می‌دهند. (6)
ای کسانی که کفر ورزیده‌اید! امروز (در رستاخیز) عذر خواهی نکنید، که فقط به آنچه همواره انجام می‌دادید مجازات خواهید شد. (7)
ترجمه قرآن، ص: 561
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با توبه‌ای نیک (و خالصانه و استوار) به سوی خدا باز گردید امید است که پروردگار شما بدی‌هایتان را از شما بزداید و شما را در بوستان‌های (بهشتی) وارد کند که از زیر [درختان ش نهرها روان است، در روزی که خدا، پیامبر و کسانی که با او ایمان آوردند را رسوا نمی‌کند؛ در حالی که نورشان پیش رویشان و در سمت راستشان شتابان می‌رود، می‌گویند:» [ای پروردگار ما! نور ما را برای ما تمام کن و

ما را بیامرز! [چرا] که تو بر هر چیزی توانا هستی. « (8)
ای پیامبر! باکافران و منافقان جهاد کن، و برآنان سخت گیر؛ و مقصدشان جهنم است، و بد فرجامی است! (9)
خدا برای کسانی که کفر ورزیدند مثلی زده است: زن نوح و زن لوط، که تحت (سرپرستی) دو بنده شایسته از بندگان ما بودند، و [لی به آن دو خیانت کردند و آن دو (پیامبر) هیچ چیزی را از (عذاب) خدا از آن دو (زن) دفع نکرده‌اند؛ و به آن دو گفته شود:» همراه وارد شوندگان (در دوزخ) وارد آتش شوید! «. (10)
و خدا برای کسانی که ایمان آورده‌اند مَثَلی زده است: زن فرعون، هنگامی که گفت:» پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خود در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کردارش نجات بخش و مرا از گروه ستمکاران نجات ده! « (11)
و (نیز) مریم دختر عمران که دامان (عفت) ش را حفظ کرد، و از روح خویش در او دمیدیم، و کلمات پروردگار خویش و کتاب‌هایش را تأیید کرد و از فرمانبرداران [فروتن بود. (12)
ترجمه قرآن، ص: 562

به نام خدای گسترده مهر مهرورز
خجسته (و پایدار) است آن (خدایی) که فرمانروایی فقط بدست اوست، و او بر هر چیزی تواناست. (1)
(همان) کسی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامین شما نیکوکارتر است؛ و او شکست‌ناپذیر (و) بسیار آمرزنده است. (2)
(همان) کسی که هفت آسمان را طبقه‌بندی شده آفرید؛ هیچ تفاوتی (تناقض گونه) در آفرینش (خدای) گسترده‌مهر نمی‌بینی، پس چشم را برگردان، آیا هیچ شکافی می‌بینی؟! (3)
سپس دوباره چشم را برگردان تا چشم، خسته (و خوار) به سوی تو باز گردد در حالی که آن وامانده است. (4)
و بیقین آسمان پست (دنیا) را با چراغ‌ها (شهاب سنگ‌ها) یی آراستیم، و آنها را سنگ‌هایی برای (راندن) شیطان‌ها قرار دادیم؛ و برای آنان عذاب شعله فروزان فراهم ساختیم. (5)
و فقط برای کسانی که به پروردگارشان کفر ورزیدند عذاب جهنّم است، و بدفرجامی است! (6)
هنگامی که در آن (دوزخ) افکنده شوند در حالی که آن فوران می‌کند ناله‌ای از آن می‌شنوند! (7)
نزدیک است (دوزخ) از شدّت خشم (از هم) جدا شود؛ هر گاه گروهی در آن افکنده شوند، نگهبانان آن (دوزخ) از آنان می‌پرسند:» آیا هیچ هشدارگری (از پیامبران) به سراغ شما نیامد؟! « (8)
گویند:» آری، بیقین هشدارگری به سراغ ما آمد، و (لی ما او را) تکذیب کردیم، و گفتیم:» خدا هیچ چیزی را فرو نفرستاده است، شما جز در گمراهی بزرگی نیستید. « (9)
و گویند:» اگر (بر فرض ما) همواره گوش شنوا داشتیم یا خردورزی می‌کردیم، در میان اهل شعله فروزان (آتش) نبودیم. (10)
و به پیامدهای (گناهان) شان اعتراف کنند، و (رحمت خدا) دور باد از اهل شعله فروزان (آتش)! (11)
در حقیقت کسانی که از پروردگارشان در نهان می‌هراسند، برای آنان آمرزش و پاداش بزرگی است. (12)
ترجمه قرآن، ص: 563
و سخنتان را پنهان کنید یا آن را آشکار سازید، (برای او یکسان است)؛ که او به (اسرار) درون سینه‌ها داناست. (13)
آیا کسی که (موجودات را) آفرید نمی‌داند؟! در حالی که او لطیف [و] آگاه

است. (14)
او کسی است که زمین را برای شما رام قرارداد، پس در اطراف آن راه بروید و از روزی‌اش بخورید؛ و زنده کردن (مردگان) فقط به سوی اوست. (15)
آیا از (عذاب) کسی که در آسمان است در امانید که شما را در زمین فرو برد، و ناگهان آن (زمین) بلرزد؟! (16)
یا از (عذاب) کسی که در آسمان است در امانید که طوفان شن را بر شما بفرستد؟! پس بزودی خواهید دانست که هشدار [من چگونه است! (17)
و بیقین کسانی که پیش از آنان بودند (آیات الهی را) دروغ انگاشتند، پس (ببین مجازات) انکار [من چگونه بود! (18)
و آیا نظر نکرده‌اند، به پرندگانی که بر فرازشان است در حالی که بال گشوده‌اند و می‌بندند؟! که جز (خدای) گسترده‌مهر آنها را نگاه نمی‌دارد، (چرا) که او به هر چیزی بیناست. (19)
بلکه آیا این چه کسی است که او لشکری برای شماست که غیر از (خدای) گسترده‌مهر شما را یاری می‌کند؟! کافران جز در فریب (خوردگی) نیستند. (20)
بلکه آیا این چه کسی است که اگر (خدا) روزی‌اش را نگاه دارد به شما روزی می‌دهد؟! بلکه (کافران) در [حال سرکشی و نفرت، لجاجت کردند. (21)
و آیا کسی که افتاده بر صورتش راه می‌رود ره‌یافته‌تر است یا کسی که درست (قامت)، بر راه راست راه می‌رود؟! (22)
بگو:» او کسی است که شما را پدیدآورد و برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌های [سوزان قرار داد؛ چه اندک سپاسگزاری می‌کنید! « (23)
بگو:» او کسی است که شما را در زمین آفرید؛ و فقط به سوی او گردآوری می‌شوید. « (24)
و (کافران) می‌گویند:» اگر راست گویید، این وعده (قیامت) چه وقت است؟! « (25)
بگو:» علم (آن) تنها نزد خداست؛ و من فقط هشدارگری روشنگرم. « (26)
ترجمه قرآن، ص: 564
و هنگامی که آن (وعده الهی) را نزدیک ببینند، چهره‌های کسانی که کفر ورزیدند ناراحت شود، و (به آنان) گفته شود:» این چیزی است که همواره آن را فرا می‌خواندید! « (27)
بگو:» آیا به نظر شما اگر خدا من و کسانی را که با من هستند هلاک کند، یا بر ما رحم کند، پس چه کسی کافران را از عذاب دردناک پناه می‌دهد؟! «. (28)

بگو:» او (خدای) گسترده‌مهر است، به او ایمان آوردیم و فقط بر او توکّل کردیم؛ پس بزودی خواهید شناخت کسی را که او در گمراهی آشکار است! «. (29)

بگو:» آیا به نظر شما اگر آب (سرزمین) شما [در زمین فرو رود، پس چه کسی آب روانی برای شما می‌آورد؟! « (30)

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
نون، سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند! (1)
که تو نسبت به نعمت پروردگارت دیوانه نیستی، (2)
و قطعاً برای تو پاداشی بی‌پایان است. (3)
و مسلماً تو بر شیوه (اخلاقی) بزرگوارانه‌ای هستی. (4)
پس بزودی می‌بینی و می‌بینند، (5)
که کدام یک از شما (دیوانه) فریب خورده‌اید! (6)
براستی که پروردگارت خود، به کسی که از راهش گمراه گشته داناتر است؛ و (همچنین) او به (حال) ره‌یافتگان داناتر است. (7)
پس از تکذیب کنندگان اطاعت مکن. (8)
(آنان) سستی کردن تو را و سستی کردن خود را آرزو می‌کنند. (9)
و اطاعت مکن از هر بسیار سوگند یادکن خوارشده؛ (10)
بسیار عیب‌جویی که به سخن چینی فراوان گام بر می‌دارد؛ (11)
بسیار بازدارنده از نیکی، تجاوزگر گنه پیشه؛ (12)
پرخور سخت دل، که بعد از این (همه) بی‌تبار است. (13)
(اینها بخاطر آن است) که دارای ثروت و پسران است! (14)
هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود می‌گوید:» (اینها) افسانه‌های پیشینیان است. « (15)
ترجمه قرآن، ص: 565
بزودی بر بینی او داغ می‌نهیم! (16)
در حقیقت ما آن (تکذیب‌گر) ان را آزمودیم همانگونه که باغداران را آزمایش کردیم، هنگامی که سوگند یاد کردند که آن (میوه‌های باغ را) صبحگاهان حتماً بچینند. (17)
و استثنا نکنند؛ (18)
و (عذاب) چرخنده‌ای از جانب پروردگارت برگرد آن (باغ) بچرخد، در حالی که آنان خوابیده بودند. (19)
و همچون درختان قطع شده (و خاکستر شده) گردید. (20)
و صبحگاهان یکدیگر را ندا دادند، (21)
که اگر میوه چین هستید به سوی کشتزارتان بامدادان بیرون روید. (22)
و با شتاب رفتند در حالی که آنان آهسته به یکدیگر می‌گفتند: (23)
» که امروز هیچ بینوایی در آن (باغ) بر شما هرگز وارد نشود. « (24)
و بامدادان بیرون رفتند در حالی که بر منع (بینوایان مصمّم و) توانا بودند. (25)

و هنگامی که آن (باغ) را دیدند گفتند:» قطعاً ما گم گشته‌ایم! (26)
بلکه ما محروم شده‌ایم! « (27)
میانه روترین آنان گفت:» آیا به شما نگفته بودم که چرا تسبیح نمی‌گویید؟!
« (28)
گفتند:» منزّه است پروردگار ما، در واقع ما ستمکار بودیم! « (29)
و برخی آنان به برخی [دیگر] روکرده، در حالی که یکدیگر را سرزنش
می‌کردند. (30)
گفتند:» ای وای بر ما که ما طغیانگر بودیم! (31)
امید است که پروردگارمان بهتر از آن برای ما جایگزین کند! [چرا] که ما
فقط به سوی پروردگارمان مشتاقیم «. (32)
عذاب (دنیا) اینگونه است، و حتماً عذاب آخرت بزرگ‌تر است، اگر (بر
فرض) می‌دانستند. (33)
در حقیقت فقط برای پارسایان (خود نگهدار)، نزد پروردگارشان
بوستان‌های پرنعمت (بهشت) است. (34)
و آیا مسلمانان را همچون خلافکاران قرار می‌دهیم؟! (35)
شما را چه شده؟! چگونه داوری می‌کنید؟! (36)
بلکه آیا برای شما کتابی است که از آن درس می‌خوانید، (37)
که در آن (کتاب) است که آنچه را شما بر می‌گزینید برای شماست؟!
(38)
یا برای شما بر ما سوگندها (و پیمان‌ها) ی رسایی تا روز رستاخیز است که
آنچه را داوری می‌کنید برای شماست؟! (39)
از آنان بپرس که کدامشان بر این (سوگند و پیمان) ضامن هستند؟! (40)
یا برای آنان شریکان (معبود گونه) است؟! پس اگر راستگویند باید
شریکانشان را بیاورند. (41)
روزی که (لباس) از ساق (پا) ها برطرف شود (و کار مشکل گردد) و به
سجده فراخوانده می‌شوند و [لی نمی‌توانند (سجده کنند). (42)
ترجمه قرآن، ص: 566
در حالی که چشم‌هایشان (از ترس) فروتن گشته (و) خواری آنان را فرا
می‌گیرد؛ و بیقین همواره به سوی سجده فراخوانده می‌شدند در حالی که
آنان سالم بودند. (43)
پس من و کسی را که این سخن (قرآن) را تکذیب می‌کند رهاکن! بزودی
از جایی که نمی‌دانند، بتدریج گرفتارشان خواهیم کرد! (44)
و به آنان مهلت می‌دهم، [چرا] که نقشه من استوار است. (45)
یا از آنان پاداشی می‌طلبی، پس آنان از زیان (آن) گرانبارند؟! (46)
یا (اسرار) نهان فقط نزد آنان است پس آنان (از آنجا) می‌نویسند؟! (47)
پس برای (ابلاغ) حکم پروردگارت شکیبا باش، و مانند همراه ماهی

(یونس) مباش! هنگامی که ندا در داد در حالی که او مورد خشم قرار گرفته بود. (48)
اگر نعمتی از پروردگارش او را درنیافته بود، حتماً به کرانه خشکی افکنده می‌شد در حالی که او نکوهیده بود. (49)
و [لی پروردگارش او را برگزید و وی را از شایستگان قرار داد. (50)
و مسلماً نزدیک بود کسانی که کفر ورزیدند هنگامی که آگاه کننده (قرآن) را شنیدند با چشمانشان تو را بلغزانند و می‌گویند:» قطعاً او دیوانه است. « (51)
در حالی که آن (قرآن) جز یادآوری برای جهانیان نیست. (52)

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
تحقق یابنده. (1)
تحقق یابنده چیست؟ (2)
و چه چیز تو را آگاه کرد که تحقق یابنده چیست؟ (3)
(قوم) ثمود و عاد (عذاب) کوبنده را دروغ انگاشتند. (4)
و اما (قوم) ثمود پس بوسیله (عذاب) طغیانگر هلاک شدند. (5)
و اما (قوم) عاد پس با باد سرد سرکش هلاک شدند. (6)
که آن (باد) را هفت شب و هشت روز بنیان کن بر آنان مسلّط کرد، و آن قوم را در آن (مدت) بر زمین افتاده می‌بینی، چنانکه گویی آنان تنه‌های درختان خرمای فرو ریخته‌اند! (7)
و آیا از آنان هیچ بازمانده‌ای می‌بینی؟ (8)
ترجمه قرآن، ص: 567
و فرعون و کسانی که پیش از او بودند و شهرهای زیر و رو شده (قوم لوط) خطاکارانه آمدند، (9)
و فرستاده پروردگارشان را نافرمانی کردند، و (خدا) با گرفتاری فزاینده‌ای آنان را گرفتار ساخت. (10)
در حقیقت ما هنگامی که آب طغیان کرد، شما را در (کشتیِ) روان سوار کردیم. (11)
تا آن را برای شما یادآورنده قرار دهیم و گوش‌های فراگیرنده آن را فراگیرد. (12)
و هنگامی که دمی یگانه در شیپور (حوادث آستانه رستاخیز) دمیده شود، (13)
و زمین و کوه‌ها (از جای) برداشته شود و با یک (ضربه) خردکننده خُرد (و هموار) شوند! (14)
و در آن روز حادثه (رستاخیز) واقع شود، (15)
و آسمان شکافته شود پس آن (آسمان) در آن روز سست باشد. (16)
و فرشتگان در اطراف آن (آسمان) هستند؛ و در آن روز تخت (جهانداری و تدبیر هستی) پروردگارت را هشت (نفر) بر فرازشان حمل می‌کنند. (17)
در آن روز (شما بطوری) عرضه می‌شوید که هیچ پنهانی از شما پوشیده نمی‌ماند. (18)
و امّا کسی که نامه (عمل) ش بدست راستش داده شود، پس می‌گوید:» (بیایید) نامه (عمل) من را بگیرید بخوانید! (19)
در حقیقت من می‌دانستم که من حساب (اعمال) م را ملاقات می‌کنم. «

(20)
پس او در زندگی رضایت‌بخش است، (21)
در بهشتی عالی، (22)
که چیدن (میوه‌های) آن، نزدیک است. (23)
(به آنان گفته می‌شود:) بخورید و بیاشامید گوارا؛ بخاطر آنچه در روزگاران گذشته از پیش فرستادید! (24)
و امّا کسی که نامه (اعمال) ش بدست چپش داده شود، پس می‌گوید:» ای کاش نامه (عمل) م به من داده نمی‌شد. (25)
و نمی‌دانستم که حساب من چیست! (26)
ای کاش آن (حالت) به پایان می‌رسید. (27)
ثروتم (عذابی را) از من دفع نکرد، (28)
تسلّط من از (دست) من رفت! « (29)
(ندا آید:) او را بگیرید و وی را ببندید! (30)
سپس او را در دوزخ وارد کنید (و بسوزانید!) (31)
سپس او را در زنجیری که طولش هفتاد ذرع (سی و پنج متر) است (دربند نمایید!) و او را وارد (آتش) کنید! (32)
(چرا) که او هرگز به خدای بزرگ ایمان نمی‌آورد، (33)
و (مردم را) به غذا دادن بینوایان تشویق نمی‌کرد. (34)
ترجمه قرآن، ص: 568
پس امروز در اینجا برای او هیچ (دوست) گرم نزدیکی نیست، (35)
و هیچ غذایی غیر از» زردابه «نیست. (36)
که آن را جز خطاکاران نمی‌خورند. (37)
و قسم یاد می‌کنم به آنچه می‌بینید، (38)
و آنچه نمی‌بینید، (39)
که قطعاً آن (قرآن) گفتار فرستاده ارجمندی است؛ (40)
و آن گفتار شاعر نیست؛ چه اندک ایمان می‌آورید! (41)
و گفتار پیشگو نیست، چه اندک متذکر می‌شوید! (42)
(این قرآن) فرو فرستاده‌ای از جانب پروردگار جهانیان است. (43)
و اگر (بر فرض) برخی سخنان را به ما (بدروغ) نسبت می‌داد، (44)
حتماً با دست راست (قدرتمند)، او را گرفتار می‌ساختیم، (45)
سپس رگ قلبش را مسلماً قطع می‌کردیم! (46)
و هیچ یک از شما مانع آن (مجازات) نمی‌شد. (47)
و قطعاً آن (قرآن مایه) یادآوری برای پارسایان (خود نگهدار) است. (48)
و مسلماً ما می‌دانیم که برخی از شما (آن را) تکذیب می‌کنید. (49)
و قطعاً آن (مایه) حسرت بر کافران است. (50)

و مسلماَ آن (قرآن) حق یقینی است. (51)
پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح‌گوی. (52)

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
خواهنده‌ای عذاب واقع شدنی را درخواست کرد. (1)
که برای کافران هیچ دفع کننده‌ای از آن نیست. (2)
از طرف خدای صاحب درجات. (3)
فرشتگان و روح در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است به سوی او بالا می‌روند. (4)
پس با شکیبایی نیکو شکیبا باش؛ (5)
[چرا] که آنان آن (روز) را دور می‌بینند، (6)
و (ما) آن را نزدیک می‌بینیم. (7)
روزی که آسمان همچون روغن (یا فلز) گداخته می‌شود، (8)
و کوه‌ها همانند پشم رنگین (زده شده) می‌شود! (9)
و هیچ (دوست) گرم نزدیکی از (دوست) گرم نزدیک (خود) پرسش نمی‌کند. (10)
ترجمه قرآن، ص: 569
آن (دوست) ان به آنان نشان داده می‌شوند، خلافکار آرزو می‌کند که (برای نجات) از عذاب آن روز پسرانش را تاوان دهد. (11)
و (نیز) همسرش و برادرش را، (12)
و (نیز) خویشاوندانش که او را پناه می‌دادند، (13)
و (نیز) کسانی را که در زمین هستند جملگی (تاوان دهد) سپس او را نجات دهد. (14)
هرگز چنین نیست در واقع آن (دوزخ) شعله آتشین است! (15)
در حالی که بر کننده پوست سر و بدن بریان شده است. (16)
(دوزخ) فرا می‌خواند کسی را که پشت کرده و روی برتافته، (17)
و (نیز کسانی را که اموال را) جمع کرده و ذخیره کردند. (18)
در حقیقت انسان آزمند و کم طاقت آفریده شده است، (19)
هنگامی که بدی به او رسد بی‌تابی می‌کند، (20)
و هنگامی که نیکی به او رسد مانع (استفاده دیگران) می‌شود، (21)
مگر نمازگزاران، (22)
(همان) کسانی که آنان بر نمازشان مداومت می‌ورزند؛ (23)
و کسانی که در اموالشان حق معیّنی است، (24)
برای درخواست کننده و محروم، (25)
و کسانی که روز جزا را تایید می‌کنند، (26)
و کسانی که آنان از عذاب پروردگارشان بیمناکند، (27)

[چرا] که از عذاب پروردگارشان ایمنی نیست، (28)
و کسانی که آنان دامانشان را (در امور جنسی) حفظ می‌کنند، (29)
مگر در مورد همسرانشان یا آنچه (از کنیزان) مالک شده‌اند، که در حقیقت آنان (در این موارد) سرزنش نمی‌شوند. (30)
و کسانی که فراتر از این جویند پس تنها آنان تجاوزگرند. (31)
و کسانی که آنان امانت‌هایشان و پیمان‌هایشان را رعایت می‌کنند، (32)
و کسانی که آنان (برای ادای) گواهی‌هایشان ایستاده‌اند، (33)
و کسانی که آنان بر نمازشان مواظبت می‌نمایند، (34)
آنان در بوستان‌های (بهشتی)، گرامی داشته شده‌اند. (35)
پس چه شده برای کسانی که کفر ورزیدند که شتابان روبه تو آرند؟ (36)
از راست و از چپ، گروه گروه! (37)
آیا هر مردی از آن (کافر) ان طمع می‌ورزد که در بوستان پرنعمت (بهشت) درآورده شود؟! (38)
هرگز چنین نیست؛ در حقیقت ما آنان را از آنچه می‌دانند آفریده‌ایم. (39)
ترجمه قرآن، ص: 570
و سوگند یاد می‌کنم به پروردگار خاوران و باختران که قطعاً ما تواناییم، (40)
بر اینکه بهتر از آنان را جایگزین کنیم؛ و ما پیشی گرفته شده (و مغلوب) نیستیم. (41)
پس آنان را رهاکن تا (در باطل) فرو روند و بازی کنند تا اینکه روز (رستاخیز) شان را که وعده داده می‌شوند، ملاقات کنند. (42)
(همان) روزی که از قبرها بسرعت خارج می‌شوند چنانکه گویی آنان به سوی بت‌های سنگی روانه می‌شوند؛ (43)
در حالی که چشم‌هایشان (از وحشت) فروتن است، [و] خواری آنان را فرا گرفته است! این روزی است که همواره وعده داده می‌شوند. (44)

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
در حقیقت ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که:» قومت را هشدار ده، پیش از آنکه عذاب دردناکی به سراغشان آید. « (1)
گفت:» ای قوم [من ! در حقیقت من برای شما هشدارگری روشنگرم، (2)
که خدا را بپرستید و [خودتان را] از [عذاب او حفظ کنید و [مرا] اطاعت کنید. (3)
تا بخشی از پیامدهای (گناهان) تان را برای شما بیامرزد، و (مرگ) شما را تا سرآمد معیّنی به تأخیر اندازد؛ [چرا] که هنگامی که سرآمد (مرگ حتمی) الهی فرارسد، به تاخیر افتاده نمی‌شود اگر شما می‌دانستید. « (4)
(نوح) گفت:» پروردگارا! در واقع من قوم خود را شب و روز فراخواندم. (5)
و [لی فراخواندن من (چیزی) جز بر فرار آنان نیفزود. (6)
و در حقیقت من هر گاه آنان را فراخواندم تا آنان را بیامرزی، انگشتانشان را در گوش‌هایشان قرار داده و لباس‌هایشان را بر سر می‌کشیدند، و (در مخالفت) پافشاری می‌کردند و با استکبار تکبّر می‌ورزیدند. (7)
سپس در واقع من آنان را با صدای بلند فراخواندم، (8)
سپس براستی من (حقایق را) برایشان آشکار کردم و پنهانی برایشان رازگویی کردم. (9)
و گفتم:» از پروردگارتان آمرزش بخواهید [چرا] که او بسیار آمرزنده است، (10)
ترجمه قرآن، ص: 571
تا (باران) آسمان را پی در پی بر شما [فرو] فرستد، (11)
و شما را با اموال و پسران مدد رساند و برای شما باغ هایی قرار دهد و برای شما نهرهایی قرار دهد. (12)
شما را چه شده که به عظمت خدا امیدی ندارید؟! (13)
در حالی که بیقین شما را گوناگون آفرید. (14)
آیا نظر نکرده‌اید که خدا چگونه هفت آسمان را طبقه‌بندی شده آفریده است، (15)
و ماه را در آن (آسمان) ها نورانی قرارداد، و خورشید را چراغی قرارداد؟! (16)
و خدا شما را با روییدنی (همچون گیاه) از زمین رویانید. (17)
سپس شما را به آن (زمین) باز می‌گرداند، و (در رستاخیز) بطور کامل بیرون می‌آورد. (18)

و خدا زمین را برای شما گسترده قرارداد، (19)
تا از آن به راه‌ها (ی وسیعِ) دره‌ها، راه یابید. « (20)
نوح گفت:» پروردگارا! در حقیقت آنان مرا نافرمانی کردند و از کسی پیروی کردند که مالش و فرزندش جز زیان بر او نیفزوده است. (21)
و با فریبی بسیار بزرگ فریبکاری کردند. (22)
و گفتند: حتماً معبودتان را رها مکنید و البته (بت‌های)» وَدّ «و» سُواع «و» یَغُوث «و» یَعُوق «و» نَسر «را رها نکنید. (23)
و بیقین بسیاری را گمراه کردند. (خدایا) ستمکاران را جز گمراهی میفزا! « (24)
بخاطر خطاهایشان غرقه شدند و به آتشی درآورده شدند، و جز خدا هیچ یاورانی برای خود نیافتند. (25)
و نوح گفت:» پروردگارا! بر زمین از کافران هیچ ساکن خانه‌ای وا مگذار! (26)
[چرا] که تو اگر آنان را واگذاری، بندگانت را گمراه می‌کنند و جز (نسل) بدکار بسیار ناسپاس نمی‌زایند. (27)
پروردگارا! مرا، و پدر و مادرم و کسی را که با ایمان داخل خانه من شد و مردان مؤمن و زنان مؤمن را بیامرز؛ و ستمکاران را جز نابودی میفزا! « (28)
ترجمه قرآن، ص: 572

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
بگو: به سوی من وحی شده است که نفراتی از جن (به سخنانم) گوش فرا داده‌اند، و گفتند:» که ما (قرآن) خواندنی شگفتی شنیدیم. (1)
که به سوی هدایت رهنمون می‌شود، پس بدان ایمان آوردیم و هیچ کس را شریک پروردگارمان قرار نمی‌دهیم، (2)
و اینکه عظمت پروردگار ما والاتر است، در حالی که هیچ همنشین و فرزندی برنگزیده است، (3)
و اینکه سبک سر (قوم) ما همواره به خدا گزاف نسبت می‌دهد. (4)
و اینکه ما گمان می‌کردیم که انسان و جن بر خدا دروغ نمی‌بندند. (5)
و اینکه همواره مردانی از انسان (ها) به مردانی از جن پناه می‌بردند، و [لی بر پوشش (گناه) آنان بیفزودند، (6)
و اینکه آنان گمان می‌کردند- همان گونه که شما گمان می‌کردید- که خدا هیچ کس را بر نمی‌انگیزد. (7)
و اینکه ما آسمان را لمس کردیم (و جستجو نمودیم) و آن را پُر از پاسداران سخت (نیرومند) و شهاب‌ها یافتیم، (8)
و اینکه ما در آن (آسمان) در محل هایی برای شنیدن (اسرار) همواره می‌نشستیم، و [لی هر کس اکنون گوش فرا دهد برای (خود) ش شهابی کمین کرده می‌یابد، (9)
و اینکه ما نمی‌دانیم آیا در مورد کسانی که در زمینند بدی خواسته شده است، یا پروردگارشان برای آنان هدایت را خواسته است؟! (10)
و اینکه ما در میانمان (افرادی) شایسته‌اند و از میان ما (افرادی) غیر آنند، (ما دارای) روش‌های گوناگون هستیم. (11)
و اینکه ما یقین داشتیم که عاجز کننده خدا در زمین نیستیم، و با گریختن (خود) او را عاجز نمی‌کنیم، (12)
و اینکه ما هنگامی که رهنمود (قرآن) را شنیدیم به آن ایمان آوردیم؛ و هر کس به پروردگارش ایمان آورد، پس نه از کاستن (پاداش) می‌ترسد، و نه از پوشش (عذاب)، (13)
ترجمه قرآن، ص: 573
و اینکه ما برخی از میانمان مسلمان و برخی از میانمان بیدادگرند. و کسانی که اسلام آوردند پس آنان در طلب هدایت بوده‌اند. (14)
و امّا بیدادگران، پس هیزم جهنّم هستند. (15)
و اینکه اگر (بر فرض) بر راه (راست) پایداری کنند، حتماً با آب فراوان سیرابشان می‌کنیم. (16)

تا در آن (مورد) آنان را بیازماییم، و هر کس از یاد پروردگارش روی گرداند، او را به عذاب فزاینده (مشقت بار) وارد می‌کنیم! (17)
و اینکه مساجد از آنِ خداست، پس هیچ کس را با خدا نخوانید (و نپرستید). (18)
و اینکه هنگامی که بنده خدا (محمد 9 (برخاست در حالی که او را می‌خواند (و می‌پرستید) نزدیک بود بر او ازدحام کنند. « (19)
بگو:» (من) فقط پروردگارم را می‌خوانم (و می‌پرستم) و هیچ کس را شریک او قرار نمی‌دهم. « (20)
بگو:» در حقیقت من، مالک هیچ زیان و هدایتی برای شما نیستم. « (21)
بگو:» در واقع من هیچ کس از (عذاب) خدا پناهم نمی‌دهد و هیچ پناهگاهی جز او نمی‌یابم؛ (22)
جز رساندن (پیام) از طرف خدا و رسالت‌های او (که پناه من است)؛ و هر کس نافرمانی خدا و فرستاده‌اش را نماید، پس در واقع برای او آتش جهنّم است در حالی که جاودانه در آن ماندگارند! « (23)
تا هنگامی که آنچه را وعده داده شده‌اند ببینند، پس بزودی خواهند دانست که چه کسی از نظر یاور ناتوان‌تر و از نظر تعداد کمتر است! (24)
بگو:» نمی‌دانم آیا آنچه وعده داده می‌شوید نزدیک است یا پروردگارم برای آن فاصله (زمانی) قرار می‌دهد؟! (25)
(او) دانای نهان است و هیچ کس را بر (اسرار) نهانش مسلّط نمی‌سازد، (26)
جز کسی از فرستاده [گان که (خدا از او) خشنود باشد، پس در حقیقت او از پیش رویش و از پشت سرش (محافظانی) کمین کرده وارد می‌سازد، (27)
تا معلوم دارد که یقیناً رسالت‌های پروردگارشان را رسانده‌اند؛ و به آنچه که نزد آنان است احاطه دارد و همه چیز را از نظر عدد شماره کرده است. « (28)
ترجمه قرآن، ص: 574

ترجمه قرآن 590
به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
ای جامه [به خود] پیچیده! (1)
شب را، جز اندکی بپاخیز. (2)
نیمی از آن (شب) را، یا اندکی از آن را کم نما، (3)
یا بر آن (نصف) بیفزای، و قرآن را کاملًا مرتب و آرام بخوان؛ (4)
که ما بزودی گفتاری گرانبار برتو القا می‌کنیم. (5)
در حقیقت تنها پدیده (عبادت) شب، گامی سخت‌تر و گفتاری پایدارتر است. (6)
[چرا] که برای تو در روز رفت و آمدی طولانی است. (7)
و نام پروردگارت را یادکن، و کاملًا به او دل ببند. (8)
(او) پروردگار خاور و باختر است در حالی که هیچ معبودی جز او نیست، پس او را کارساز (خویش) گیر. (9)
و برآنچه می‌گویند شکیبا باش و با دوری گزینی نیکویی از آنان فاصله بگیر. (10)
و مرا با تکذیب گران صاحب نعمت (و ثروت) رهاساز، و اندکی به آنان مهلت ده، (11)
که در نزد ما بندها و دوزخ است. (12)
و غذایی گلوگیر و عذابی دردناک است! (13)
روزی که زمین و کوه‌ها می‌لرزد، و کوه‌ها توده‌های شن روان می‌شود. (14)
در واقع ما به سوی شما فرستاده‌ای فرستادیم که گواه بر شماست، همانگونه که به سوی فرعون فرستاده‌ای فرستادیم. (15)
و [لی فرعون فرستاده را نافرمانی کرد، پس او را با گرفتاری سنگینی گرفتار ساختیم. (16)
پس اگر کفر ورزید چگونه [خودتان را] از (عذاب) حفظ می‌کنید؟ روزی که کودکان را سپید موی (و پیر) می‌کند. (17)
(کرات) آسمان در آن (روز) شکافته شود، که وعده او انجام شدنی است. (18)
در حقیقت این (مطالب) یاد آوری است، پس هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش برگزیند. (19)
ترجمه قرآن، ص: 575
در واقع پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از کسانی که همراه تو هستند

نزدیک به دو سوم شب و (یا) نصف آن و (یا) یک سوم آن را به پا می‌خیزند؛ و خدا شب و روز را اندازه می‌زند، (او) دانسته که آن (مقدار شب را دقیقاً) شمارش نمی‌کنید، پس به سوی شما بازگشت، پس آنچه (برای شما ممکن و) آسان است از قرآن بخوانید؛ (او) دانسته که برخی از شما بزودی بیمار می‌شوند و (گروهی) دیگر در زمین سفر می‌کنند در حالی که از بخشش خدا (روزی) می‌جویند، و (گروهی) دیگر در راه خدا پیکار می‌کنند، پس آنچه (برای شما ممکن و) آسان است از آن (قرآن) بخوانید، و نماز را برپا دارید، و [مالیات زکات را بپردازید، و به خدا» قرض الحسنه‌ای «وام دهید و هر نیکی که پیشاپیش برای خودتان می‌فرستید فقط آن را نزد خدا نیکوتر و پاداش (ش) را بزرگ‌تر می‌یابید؛ و از خدا طلب آمرزش کنید؛ [چرا] که خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. (20)

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
ای جامه خواب به خود پیچیده! (1)
برخیز و هشدار ده، (2)
و پروردگارت را بزرگ شمار، (3)
و لباست را پاک کن، (4)
و از پلیدی دوری کن، (5)
و منّت مگذار در حالی که فزونی می‌طلبی، (6)
و بخاطر پروردگارت شکیبا باش. (7)
و هنگامی که در شیپور دمیده شود، (8)
و آن، در آن روز، روزی سخت است، (9)
که بر کافران غیر آسان است! (10)
مرا باکسی که (او را) به تنهایی آفریده‌ام واگذار! (11)
و برای او مال گسترده‌ای قرار دادم، (12)
و پسرانی شاهد (و حاضر به خدمت)، (13)
و برای او (وسایل زندگی را) کاملاً آماده کردم. (14)
سپس طمع ورزید که بیفزایم. (15)
هرگز چنین نیست؛ [چرا] که او نسبت به (آیات و) نشانه‌های ما ستیزه‌گر بود. (16)
بزودی اورا به بالا رفتن (از گردنه عذاب) وا می‌دارم. (17)
ترجمه قرآن، ص: 576
[چرا] که او تفکّر کرد و (نقشه را) معیّن نمود. (18)
پس کشته باد! که چگونه معیّن کرد؟! (19)
سپس کشته باد! که چگونه معیّن نمود؟! (20)
سپس نظر کرد، (21)
سپس چهره در هم کشید و با ترشرویی شتاب کرد؛ (22)
سپس پشت کرد و تکبّر ورزید، (23)
و گفت:» این (قرآن) جز سحری حکایت شده نیست. (24)
این جز گفتار بشر نیست. « (25)
بزودی او را به دوزخ آزار دهنده وارد می‌کنم (و می‌سوزانم)! (26)
و چه چیز تورا آگاه کرد که» دوزخ آزار دهنده «چیست؟! (27)
(دوزخی) که نه باقی می‌گذارد و نه رها می‌سازد. (28)
که (آن دوزخ) سوزاننده و تغییر دهنده (رنگ) پوست‌هاست. (29)
که نوزده (فرشته) برآن (گماشته) است. (30)

و (مأموران) اهل آتش را جز فرشتگان قرار ندادیم، و تعداد آنان را جز آزمایشی برای کسانی که کفر ورزیدند قرار ندادیم، تا کسانی که به آنان کتاب داده شده یقین کنند و بر ایمان کسانی که ایمان آوردند بیفزاید، و کسانی که به آنان کتاب داده شده و مؤمنان تردید نکنند، و برای اینکه کسانی که در دل‌هایشان [نوعی بیماری است و کافران بگویند:» خدا از این مَثَل چه اراده کرده است؟! «اینگونه خدا هر کس را بخواهد (بخاطر اعمالش) در گمراهی وا می‌نهد، و هر کس را (شایسته بداند و) بخواهد راهنمایی می‌کند. و (تعداد) لشکریان پروردگارت را جز او نمی‌داند و این جز یادآوری برای بشر نیست. (31)
هرگز چنین نیست، (که تصور می‌کنند،) سوگند به ماه! (32)
و سوگند به شب، هنگامی که پشت کند! (33)
و سوگند به صبح، هنگامی که روشن شود! (34)
قطعاً آن (دوزخ) یکی از (نشانه‌های) بزرگ است. (35)
در حالی که هشدار گری برای بشر است. (36)
برای هر کس از شما که بخواهد پیشرو باشد یا واپس ماند. (37)
هر شخصی در گرو دستاورد (خویش) است. (38)
مگر یاران خجسته (دست راست)، (39)
که در بوستان‌های (بهشتی) پرسش می‌کند، (40)
از خلافکاران: (41)
» چه چیز شما را به دوزخ آزار دهنده وارد ساخت؟! « (42)
می‌گویند:» از نمازگزاران نبوده‌ایم، (43)
و هرگز به بینوایان غذا نمی‌دادیم، (44)
و پیوسته با فرورفتگان (در باطل) فرو می‌رفتیم، (45)
و همواره روز جزا را تکذیب می‌کردیم، (46)
تا اینکه یقین (به مرگ) به سراغ ما آمد. « (47)
ترجمه قرآن، ص: 577
پس شفاعتِ شفاعت کنندگان برای آنان سودی نخواهد داشت. (48)
و آنان را چه شده که از یاد آوری (قرآن) رویگردانند؟! (49)
چنانکه گویی که آنان گور خرانی رمیده‌اند، (50)
که از (مقابل) شیری فرار کرده‌اند! (51)
بلکه هر مردی از آنان می‌خواهد که کتابی گشاده (به او) داده شود. (52)
هرگز چنین نیست (که آنان می‌گویند،) بلکه از آخرت نمی‌ترسید. (53)
هرگز چنین نیست (که آنها می‌گویند،) در واقع آن (قرآن) یاد آوری است. (54)
و هر کس بخواهد آن (قرآن) را یاد کند؛ (55)

و یادآور نمی‌شوند مگر اینکه خدا بخواهد؛ که او اهل پارسایی (و خود نگهداری) و اهل آمرزش است. (56)

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
سوگند یاد می‌کنم به روز رستاخیز! (1)
و سوگند یاد می‌کنم به نفس (و وجدان بیدار) سرزنشگر (که رستاخیز حق است)! (2)
آیا انسان می‌پندارد که استخوان‌هایش را جمع آوری نخواهیم کرد؟! (3)
آری، بر مرتب کردن (سر) انگشتانش توانائیم. (4)
بلکه انسان می‌خواهد که پیش رویش (در آینده) خلافکاری کند. (5)
در حالی که می‌پرسد:» روز رستاخیز چه وقت است؟! « (6)
و هنگامی که چشم بدرخشد (و خیره شود)، (7)
و ماه تیره گردد، (8)
و خورشید و ماه جمع گردیده شوند، (9)
در آن روز انسان می‌گوید:» گریز گاه کجاست؟! « (10)
هرگز چنین نیست، هیچ پناهگاهی نیست! (11)
که در آن روز قرارگاه فقط به سوی پروردگار توست؛ (12)
در آن روز انسان از آنچه پیش فرستاده و واپس نهاده خبر داده می‌شود. (13)
بلکه انسان برخودش بیناست، (14)
و گرچه عذرهایش را (در میان) افکند. (15)
زبانت را به آن (قرآن) حرکت مده، تا در (خواندن) آن شتاب کنی. (16)
[چرا] که جمع کردن آن و خواندنش فقط بر عهده ماست. (17)
و هنگامی که آن را می‌خوانیم، پس از خواندن آن پیروی کن. (18)
سپس در واقع بیان آن (قرآن) فقط بر عهده ماست. (19)
ترجمه قرآن، ص: 578
هرگز چنین نیست (که شما کافران می‌پندارید) بلکه (دنیای) شتابان را دوست می‌دارید، (20)
و آخرت را رها می‌کنید. (21)
چهره هایی که در آن روز شادابند، (22)
فقط به سوی پروردگارشان نظر می‌کنند. (23)
و چهره هایی که در آن روز ترشروست، (24)
می‌داند که (مجازاتی) کمرشکن بر او اعمال می‌شود. (25)
هرگز چنین نیست هنگامی که (جان) به گلوگاه‌ها می‌رسد، (26)
و گفته شود:» بالا برنده (دعا و برطرف کننده بیماری) کیست؟! (27)
و می‌داند که آن (وقتِ) جدایی است، (28)

و ساق پا به ساق پا (ی دیگر) می‌پیچد. (29)
در آن روز روانه شدن فقط به سوی پروردگار توست. (30)
و تأیید نکرد و نماز نگزارد. (31)
و لیکن تکذیب کرد و روی برتافت، (32)
سپس خرامان (و متکبرانه) به سوی خانواده‌اش رفت. (33)
(عذاب الهی) برای تو سزاوارتر است و سزاوارتر! (34)
سپس (عذاب الهی) برای تو سزاوارتر است و سزاوارتر! (35)
آیا انسان می‌پندارد که بیهوده (و بی هدف) رها می‌شود؟! (36)
آیا (او) آب اندک سیّالی از منی که ریخته شده نبوده است؟! (37)
سپس [خون بسته آویزان شد و (خدا آن را) آفرید و مرتب ساخت، (38)
و از او دو جفت مرد و زن قرارداد. (39)
آیا آن (خدا) توانا نیست بر اینکه زنده کند؟! (40)

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
آیا بر انسان زمانی از روزگار برآمد که چیزی یاد شده نبود؟! (1)
در حقیقت ما انسان را از آب اندک سیّال مخلوط آفریدیم، در حالی که او را می‌آزماییم و او را شنوا و بینا قرار دادیم. (2)
درواقع ما او را به راه (راست) راهنمایی کردیم، در حالی که یا سپاسگزار است یا بسیار ناسپاس است. (3)
در حقیقت ما برای کافران، زنجیرها و غل‌ها و شعله‌های فروزان (آتش) آماده کرده‌ایم! (4)
در حقیقت نیکوکاران از جامی (از شراب) می‌نوشند که آن با (عطر خوش) کافور آمیخته است، (5)
ترجمه قرآن، ص: 579
(همان) چشمه‌ای که بندگان خدا از آن می‌نوشند، (6)
و (از هر کجا بخواهند) آن را کاملاً می‌شکافند (و روان می‌کنند). به نذر وفا می‌کنند و از روزی که بدی آن گسترده است می‌ترسند، (7)
و غذا را در حالی که دوستش دارند به بینوا و یتیم و اسیر می‌خورانند. (8)
(در حالی که می‌گویند: ما) شما را فقط بخاطر ذات خدا غذا می‌دهیم، [و] هیچ پاداشی و سپاسگزاری از شما نمی‌خواهیم. (9)
در حقیقت ما از (عذاب) پروردگارمان می‌ترسیم، از روزی که بسیار ترشروی [و] سخت است. (10)
پس خدا آنان را از بدی آن روز نگاه می‌دارد و آنان را با شادابی و شادمانی می‌پذیرد. (11)
و بخاطر شکیبایی‌شان، بهشت و (لباس‌های) حریر به آنان پاداش می‌دهد. (12)
در حالی که در آن (بهشت) بر تخت‌ها تکیه زده‌اند، [و] در آنجا هیچ (گرمای سوزان) خورشید و سرمای شدید نمی‌بینند؛ (13)
و سایه‌های (درختان) ش به آنان نزدیک است و میوه‌هایش برای چیدن کاملاً فروتن شده است. (14)
و ظرف‌هایی از نقره و سبوهایی که بلورین است برگردشان چرخانده می‌شود، (15)
بلورهای نقره‌ای که بطور کامل اندازه آنها را معین کرده‌اند. (16)
و در آنجا از جامی سیراب می‌شوند که (شراب) آن با زنجبیل آمیخته است، (17)
(همان) چشمه ساری که در آنجا سلسبیل نامیده می‌شود؛ (18)

و نوجوانانی ماندگار برگرد آنان می‌چرخند، هنگامی که آنان را می‌بینی می‌پنداری آنان مرواریدی پراکنده‌اند. (19)
و هنگامی که در آنجا (بهشت را) ببینی، نعمت فراوان و فرمانروایی بزرگی می‌بینی! (20)
بر فرازشان لباس‌های سبز حریر نازک و حریر ضخیم است، و با دستبندهایی از نقره آراسته می‌شوند، و پروردگارشان شراب پاک و پاک کننده به آنان می‌نوشاند. (21)
در حقیقت این پاداشی برای شماست، و تلاشتان سپاسگزاری خواهد شد. (22)
در واقع ما خود، قرآن را کاملاً بر تو فرو فرستادیم. (23)
و برای (ابلاغ) حکم پروردگارت شکیبا باش، و از (میان) آنان از هیچ گنهکار یا (کافر) بسیار ناسپاس اطاعت مکن. (24)
و نام پروردگارت را صبحگاهان و عصرگاهان (و شب هنگام) یاد کن. (25)
ترجمه قرآن، ص: 580
و بخشی از شب (را بپاخیز) و برای او سجده کن، و او را شب طولانی تسبیح گوی. (26)
در حقیقت اینان (زندگی دنیای) شتابان را دوست دارند، و روز گرانبار (قیامت) را پشت سرشان رها می‌کنند. (27)
ما آنان را آفریدیم و پیوندهای وجودشان را محکم کردیم، و هنگامی که بخواهیم همانندشان را کاملاً جایگزین می‌کنیم. (28)
در حقیقت این (مطالب) یادآوری است، و هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش برگزیند. (29)
و (چیزی) نمی‌خواهید مگر اینکه خدا بخواهد، [چرا] که خدا دانای فرزانه است. (30)
هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) در رحمتش وارد می‌کند؛ و ستمکاران عذاب دردناکی برایشان آماده ساخته است! (31)

به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز
سوگند به فرستاده شدگان پیاپی! (1)
و توفندگان توفنده، (2)
و سوگند به گسترانندگان گستراننده! (3)
و جداسازان جدا کننده، (4)
و به یاد افکنان، (5)
برای (قطع) عذر یا هشدار گری، (6)
قطعاً آنچه بدان وعده داده می‌شوید واقع شدنی است؛ (7)
و هنگامی که ستارگان محو شوند، (8)
و هنگامی که (کرات) آسمان شکافته شود، (9)
و هنگامی که کوه‌ها برکنده و پراکنده شوند، (10)
و هنگامی که فرستادگان (برای گواهی) وقت داده شوند. (11)
برای چه روزی مدت معین شده است؟! (12)
برای روز جدایی (رستاخیز). (13)
و چه چیز تو را آگاه کرد که روز جدایی چیست؟! (14)
در آن روز وای بر تکذیب کنندگان! (15)
آیا (ملت‌های) نخستین را هلاک نکرده‌ایم؟! (16)
سپس پسینیان را بدنبال آنان (هلاک) می‌گردانیم. (17)
با خلافکاران این چنین می‌کنیم. (18)
در آن روز وای بر تکذیب کنندگان! (19)
ترجمه قرآن، ص: 581
آیا شما را از آبی پست نیافریده‌ایم. (20)
و آن را در جایگاه استوار [رحم قرار دادیم، (21)
تا اندازه معین؟! (22)
و توانا بودیم، و چه خوب تواناییم. (23)
در آن روز وای بر تکذیب کنندگان! (24)
آیا زمین را قرار نداده‌ایم فراگیرنده (25)
زندگان و مردگان؟! (26)
و در آن [کوه‌های استوار [و] بلندی قرار دادیم، و آبی گوارا به شما نوشاندیم. (27)
در آن روز وای بر تکذیب کنندگان! (28)
(گفته می‌شود:) به سوی چیزی که همواره آن را تکذیب می‌کردید شتابان بروید. (29)

به سوی سایه سه شاخه (آتش) شتابان بروید! (30)
سایه‌ای که پایدار (و فرح بخش) نیست و شعله (آتش) را دفع نمی‌کند! (31)
که آن (آتش) شراره‌هایی همچون قصری (عظیم) می‌افکند! (32)
چنانکه گویی (خصوصیات) آن (همچون) شتران زرد است. (33)
در آن روز وای بر تکذیب کنندگان! (34)
این روزی است که سخن نمی‌گویند، (35)
و به آنان رخصت (عذر خواهی) داده نمی‌شود و عذر خواهی نمی‌کنند. (36)
در آن روز وای بر تکذیب کنندگان! (37)
(گفته می‌شود:) این روز جدایی است که شما و پیشینیان را جمع‌آوری کردیم. (38)
و اگر برای شما نیرنگی است پس [به من نیرنگ زنید. (39)
در آن روز وای بر تکذیب کنندگان! (40)
در حقیقت پارسایان (خود نگهدار) در سایه‌های (درختان بهشتی) و چشمه سارانند، (41)
و میوه‌هایی از آنچه میل دارند. (42)
بخورید و بیاشامید گوارا، بخاطر آنچه همواره انجام می‌دادید. (43)
در واقع ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. (44)
در آن روز وای بر تکذیب کنندگان! (45)
(و به مجرمان گفته می‌شود:) بخورید و اندکی بهره‌مند شوید، که شما خلافکارید. (46)
در آن روز وای بر تکذیب کنندگان! (47)
و هنگامی که به آنان گفته شود رکوع کنید رکوع نمی‌کنند. (48)
در آن روز وای بر تکذیب کنندگان! (49)
پس بعد از آن (قرآن) به کدام سخن ایمان می‌آورند؟! (50)
ترجمه قرآن، ص: 582

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
از چه چیز از یکدیگر پرسش می‌کنند؟! (1)
از خبر بسیار بزرگ (رستاخیز)! (2)
(همان) خبری که آنان در مورد آن اختلاف دارند. (3)
هرگز چنین نیست، بزودی خواهند دانست. (4)
سپس هرگز چنین نیست بزودی خواهند دانست. (5)
آیا زمین را بستر قرار ندادیم؟! (6)
و کوه‌ها را میخ‌هایی؟! (7)
و شما را جفت‌هایی آفریدیم. (8)
و خواب شما را (مایه) استراحت قرار دادیم، (9)
و شب را پوششی قرار دادیم، (10)
و روز را (وقت) زندگی قرار دادیم، (11)
و بر فراز شما هفت (آسمان) سخت بنا کردیم. (12)
و (خورشید را) چراغی فروزان قرار دادیم، (13)
و از (ابرهای) فشرده آبی ریزان فرو فرستادیم، (14)
تا بوسیله آن دانه و گیاه بیرون آوریم، (15)
و باغ‌هایی (با درختان) در هم پیچیده. (16)
در حقیقت روز جدایی، معیادگاه است. (17)
روزی که در شیپور (رستاخیز) دمیده شود و گروه گروه آیید. (18)
و آسمان گشوده شود و درهایی (پیدا) شود. (19)
و کوه‌ها روان شود و سراب گردد. (20)
در حقیقت جهنم کمینگاه است. (21)
بازگشتگاهی برای طغیان گران است. (22)
در حالی که در آنجا مدّت‌های طولانی درنگ کنند. (23)
در آنجا هیچ سردی و نوشابه‌ای نمی‌چشند، (24)
جز آبی سوزان و چرکاب، (25)
(این) کیفری موافق (اعمالشان) است. (26)
[چرا] که آنان هرگز امیدی به حساب نداشتند، (27)
و آیات ما را کاملًا تکذیب کردند. (28)
و هر چیزی را در کتابی بر شمرده‌ایم. (29)
پس (به آنان گفته می‌شود:) بچشید که جز عذاب بر شما نمی‌افزاییم! (30)
ترجمه قرآن، ص: 583

در حقیقت برای پارسایان (خود نگهدار) کامیابی است. (31)
(همان) باغ‌ها و انگورها، (32)
و (دختران) نوجوان همسال، (33)
و جامی پُر (از شراب بهشتی). (34)
که در آنجا هیچ بیهودگی و تکذیبی نمی‌شنوند. (35)
(این) پاداشی است از سوی پروردگارت در حالی که بخششی حساب شده است. (36)
(همان) پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه در بین آن دو است، (همان خدای) گسترده‌مهر؛ در حالی که از جانب او (اجازه) سخن گفتن ندارند. (37)
روزی که روح و فرشتگان صف کشیده بپا می‌خیزند، در حالی که سخن نمی‌گویند جز کسی که (خدای) گسترده‌مهر به او رخصت دهد، و مطابقِ واقع گوید. (38)
آن روز حق است؛ پس هر کس بخواهد (راه) بازگشتی به سوی پروردگارش بر گزیند. (39)
در حقیقت ما شما را به عذابی نزدیک هشدار دادیم؛ روزی که انسان به دستاورد پیشین خود می‌نگرد، و کافر می‌گوید:» ای کاش من خاک بودم! « (40)

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
سوگند به گیرندگان سخت‌گیر! (1)
سوگند به بازستانان نرم گیر! (2)
سوگند به شناوران تندرو! (3)
و پیشی گیرندگان پیشتاز، (4)
و تدبیر کنندگان کار [ها]، (5)
روزی که لرزاننده می‌لرزاند، (6)
در حالی که (لرزاننده) دنباله رو در پی آن در آید. (7)
در آن روز دل‌های مضطرب، (8)
چشم‌هایشان فروتن است! (9)
در حالی که می‌گویند:» آیا قطعاً ما به حالت نخستین (زندگی) بازگردانده می‌شویم؟! (10)
آیا هنگامی که استخوان‌های پوسیده‌ای شدیم؟! « (11)
گفتند:» در آن صورت آن (رستاخیز) بازگشتی زیانبار است! « (12)
و [لی آن (رستاخیز) تنها یک خروش است! (13)
و ناگهان آنان بر روی زمین (رستاخیز) اند! (14)
آیا خبر موسی به تو رسیده است؟! (15)
ترجمه قرآن، ص: 584
هنگامی که پروردگارش او را در سرزمین مقدس» طُوی «ندا داد: (16)
(که) به سوی فرعون برو که او طغیان کرده است. (17)
و بگو:» آیا برای تو [میلی به پاک شدن و] رشد یافتن هست؟! (18)
و (اینکه) تو را به سوی پروردگارت راهنمایی کنم پس بهراسی؟! « (19)
و (موسی) نشانه (معجزه آسای) بزرگ‌تر را به او نمایاند. (20)
و [لی تکذیب کرد و نافرمانی نمود. (21)
سپس با کوشش پشت کرد. (22)
و (مردم را) جمع کرد و ندا داد، (23)
و گفت:» من پروردگار والاتر شما هستم. « (24)
پس خدا او را به مجازات بازپسین و نخستین گرفتار ساخت. (25)
قطعاً در این (امور) عبرتی است برای کسی که بهراسد. (26)
آیا آفرینش شما سخت‌تر است یا آسمان که (خدا) آن را بنا کرد؟! (27)
سقف آن را برافراشت و آن را مرتّب نمود، (28)
و شبش را تاریک کرد و نیمروزش را بیرون آورد. (29)
و بعد از آن، زمین را گسترش داد، (30)

آبش و گیاهش را از آن بیرون آورد، (31)
و کوه‌ها را استوار ساخت. (32)
(اینها) مایه بهره‌مندی برای شما و برای دام‌های شماست. (33)
و هنگامی که (حادثه) دهشتناک بزرگ‌تر در رسد، (34)
(همان) روزی که انسان کوشش خود را به یاد می‌آورد، (35)
و دوزخ برای کسی که می‌بیند ظاهر می‌گردد. (36)
و اما کسی که طغیان کرده، (37)
و زندگی پست (دنیا) را برگزیند، (38)
پس در واقع فقط دوزخ مقصد (او) است. (39)
و اما کسی که از مقام پروردگارش بترسد و نفس را از هوس منع کند، (40)
پس در حقیقت تنها بهشت مقصد (او) است. (41)
درباره ساعت (قیامت) از تو می‌پرسند، وقوعش چه زمانی است؟ (42)
تو از یادمان آن چه (بهره‌ای) داری؟! (43)
منتهای آن فقط به سوی پروردگار توست. (44)
تو فقط هشدار دهنده کسی هستی که از آن بهراسد. (45)
چنانکه گویی آنان روزی که آن (قیامت) را می‌بینند جز عصر گاهی یا نیمروز (ی در) آن (دنیا) درنگ نکرده‌اند. (46)
ترجمه قرآن، ص: 585

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
چهره درهم کشید و روی برتافت، (1)
(بخاطر) اینکه نابینا به سراغ او آمد. (2)
و چه چیز تو را آگاه می‌کند؟ شاید او رشد یابد [و پاک شود]، (3)
یا متذکر گردد پس یادآوری او را سود بخشد. (4)
اما کسی که توانگری نماید، (5)
پس تو به او روی می‌آوری، (6)
در حالی که [پاک نشدن و] رشد نیافتن او، ایرادی بر تو نیست. (7)
و اما کسی که با کوشش به سراغ تو می‌آید، (8)
در حالی که او می‌هراسد، (9)
پس تو از او (غافل می‌گردی و به دیگری) سرگرم می‌شوی. (10)
هرگز چنین نیست (که روش تو اینگونه باشد) در حقیقت آن (آیات) یادآوری است، (11)
و هر کس بخواهد آن را به یاد آورد. (12)
(در حالی که این آیات) در کتاب‌های ارجمند، (13)
بلند مرتبه پاکیزه، (14)
در دستان سفیران (و نویسندگان)، (15)
ارجمندان نیکوکار (است). (16)
کشته باد انسان چقدر او کافر است! (17)
او را از چه چیزی آفریده است؟! (18)
او را از آب اندک سیال آفرید و (اندازه) او را معین کرد. (19)
سپس راه (خروج) او را آسان کرد، (20)
سپس او را میراند و وی را در قبر نهاد، (21)
سپس هر گاه بخواهد او را زنده می‌کند. (22)
هرگز چنین نیست؛ هنوز آنچه را (خدا) به او فرمان داد به پایان نرسانده است. (23)
و انسان باید به غذایش نظر کند. (24)
که ما آب را با بارشی فرو ریختیم، (25)
سپس زمین را کاملًا شکافتیم، (26)
و در آن دانه (ها) رویاندیم، (27)
و (نیز) انگور و سبزی، (28)
و زیتون و درخت خرما، (29)
و باغ‌های انبوه، (30)

و میوه و گیاهان چراگاه، (31)
(که این) مایه بهره‌مندی برای شما و برای دام‌های شماست. (32)
و هنگامی که صدای مهیب (رستاخیز) بیاید، (33)
(همان) روزی که مرد از برادرش می‌گریزد، (34)
و (نیز از) مادرش و پدرش، (35)
و (همسرِ) همراهش و پسرانش؛ (36)
در آن روز برای هر مردی از آنان کاری (و حالی) است که او را (از دیگران باز می‌دارد و) دفع می‌کند! (37)
چهره‌هایی که در آن روز درخشان است، (38)
خندان [و] شادمان است. (39)
و چهره‌هایی که در آن روز غباری بر آن است، (40)
سیاهی آن را می‌پوشاند. (41)
فقط آنان کافران [و] بدکارانند. (42)
ترجمه قرآن، ص: 586

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
هنگامی که خورشید در هم پیچیده شود، (1)
و هنگامی که ستارگان بی‌فروغ شوند (و سقوط کنند)، (2)
و هنگامی که کوه‌ها روان شوند، (3)
و هنگامی که شتران باردار متروک شوند، (4)
و هنگامی که حیوانات وحشی پراکنده شوند، (5)
و هنگامی که دریاها برافروخته (و پُر) شوند، (6)
و هنگامی که اشخاص (گروه) گروه شوند، (7)
و هنگامی که از دختر زنده به گور شده پرسیده شود: (8)
«به کدامین پیامد (گناه) کشته شد؟!» (9)
و هنگامی که نامه‌ها (ی اعمال) گشوده شود، (10)
و هنگامی که پرده از (حقایق) آسمان برداشته شود، (11)
و هنگامی که دوزخ شعله‌ای فروزان شود، (12)
و هنگامی که بهشت نزدیک شود، (13)
(در آن روز، هر) شخص می‌داند آنچه را که حاضر کرده است. (14)
و سوگند یاد می‌کنم به (سیارات) بازگردنده! (15)
روان شده پنهان شونده، (16)
و سوگند به شب، هنگامی که روی آورد و برگردد (و به آخر رسد)! (17)
و سوگند به بامداد، هنگامی که بدمد! (18)
قطعاً آن (قرآن) سخن فرستاده ارجمند (جبرئیل) است. (19)
که قدرتمند [و] دارای جایگاهی نزد صاحب تخت (جهانداری و تدبیر هستی)
است. (20)
که در آنجا (در میان فرشتگان، فرمان او) اطاعت شده [و] درستکار است.
(21)
و همنشین شما (پیامبر) دیوانه نیست. (22)
و بیقین او را در افق روشن دیده است. (23)
و او نسبت به (بازگویی اخبار) نهان بخیل نیست. (24)
و آن (قرآن) سخن شیطان رانده شده نیست. (25)
پس به کجا می‌روید؟! (26)
آن (قرآن) جز یادآوری برای جهانیان نیست، (27)
برای کسی از شما که بخواهد به (راه) راست برود. (28)
و (چیزی) نمی‌خواهید، مگر آنکه خدایی که پروردگار جهانیان است بخواهد.

(29)
ترجمه قرآن، ص: 587

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
هنگامی که (کرات) آسمان شکافته شود، (1)
و هنگامی که سیارات پراکنده شوند (و در هم فرو ریزند)، (2)
و هنگامی که دریاها (به روی یکدیگر) شکافته شود (و به هم بپیوندد)، (3)
و هنگامی که قبرها زیر و رو گردد (و مردگان زنده شوند)، (4)
(در آن روز هر) شخص، می‌داند آنچه را پیش فرستاده و واپس نهاده است. (5)
ای انسان! چه چیز تو را به پروردگار ارجمندت مغرور ساخته است؟! (6)
(همان) کسی که تو را آفرید و مرتّبت نمود و تو را معتدل ساخت، (7)
که به هر صورتی بخواهد تو را ترکیب می‌کند. (8)
هرگز چنین نیست، بلکه شما (روز) جزا را دروغ می‌انگارید. (9)
و قطعاً برای شما نگاهبانانی است، (10)
که ارجمند [و] نویسنده‌اند، (11)
در حالی که آنچه را انجام می‌دهید می‌دانند. (12)
قطعاً نیکان در نعمتی فراوانند، (13)
و مسلماً بدکاران در دوزخند، (14)
که روز جزا وارد آن می‌شوند (و می‌سوزند)، (15)
و آنان از آن (دوزخ) غایب نمی‌شوند. (16)
و چه چیز تو را آگاه کرد که روز جزا چیست؟! (17)
سپس چه چیز تو را آگاه کرد که روز جزا چیست؟! (18)
روزی که هیچ شخصی چیزی برای شخص (دیگر) مالک نیست، در حالی که آن روز کار [ها] از آنِ خداست. (19)

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
وای بر کم فروشان! (1)
(همان) کسانی که وقتی از مردم پیمانه می‌گیرند، بطور کامل می‌گیرند؛ (2)
و [لی هنگامی که برای آنان پیمانه کنند یا برای آنان وزن کنند، (می‌کاهند و) خسارت می‌زنند. (3)
آیا آنان نمی‌دانند که آنان برانگیخته می‌شوند، (4)
در روزی بزرگ؟! (5)
روزی که مردم برای پروردگار جهانیان به پا می‌خیزند. (6)
ترجمه قرآن، ص: 588
هرگز چنین نیست قطعاً نامه (اعمال) بدکاران در زندان (دوزخ) است. (7)
و چه چیز تو را آگاه کرد که زندان (دوزخ) چیست؟! (8)
(آن) نامه‌ای است که نوشته شده است. (9)
در آن روز وای بر تکذیب کنندگان! (10)
(همان) کسانی که روز جزا را دروغ می‌انگارند. (11)
در حالی که جز، هر تجاوزکار گنه پیشه آن را تکذیب نمی‌کند. (12)
هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود، می‌گوید: « (اینها) افسانه‌های پیشینیان است.» (13)
هرگز چنین نیست، بلکه آنچه را همواره بدست می‌آوردند بر دل‌هایشان (غلبه کرده) و زنگار گرفته است. (14)
هرگز چنین نیست قطعاً در آن روز آنان از (ملاقات) پروردگارشان منع شده‌اند. (15)
سپس قطعاً آنان وارد دوزخ می‌شوند (و می‌سوزند)! (16)
سپس (به آنان) گفته می‌شود: «این چیزی است که همواره آن را دروغ می‌انگاشتید!» (17)
هرگز چنین نیست قطعاً نامه (اعمال) نیکان در مراتب عالی است. (18)
و چه چیز تو را آگاه کرد که مراتب عالی چیست؟! (19)
(آن) نامه‌ای است که نوشته شده است، (20)
[و] مقربان آن را گواهی می‌دهند. (21)
قطعاً نیکان در نعمتی فراوانند. (22)
در حالی که بر تخت‌ها (تکیه زده و) می‌نگرند. (23)
در چهره‌هایشان شادابیِ فراوانیِ نعمت را می‌شناسی. (24)
از شراب خالص مُهر نهاده شده نوشانده می‌شوند. (25)

مُهر آن مُشک است؛ و در مورد این (شراب‌ها) پس مشتاقان باید (بزرگوارانه بر یکدیگر پیشی گیرند و) اشتیاق ورزند. (26)
و آمیزه‌اش از شراب برتر (چشمه بهشتی) است، (27)
چشمه ساری که مقربان از آن می‌نوشند. (28)
در واقع کسانی که خلافکاری کردند همواره به کسانی که ایمان آوردند می‌خندیدند، (29)
و هنگامی که بر آنان می‌گذشتند، با اشاره ریشخند می‌کردند. (30)
و هنگامی که به سوی خانواده‌شان باز می‌گشتند شادمانه بر می‌گشتند، (31)
و هنگامی که آنان را می‌دیدند می‌گفتند: «قطعاً اینان گمراهانند.» (32)
در حالی که بر آنان نگاهبانانی فرستاده نشده بود. (33)
پس امروز کسانی که ایمان آوردند به کافران می‌خندند، (34)
ترجمه قرآن، ص: 589
در حالی که بر تخت‌ها (تکیه‌زده و) می‌نگرند. (35)
آیا کافران آنچه را همواره انجام می‌دادند پاداش داده شدند. (36)

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
هنگامی که (کرات) آسمان شکافته شود، (1)
و به (فرمان) پروردگارش گوش فرا دهد و شایسته شود، (2)
و هنگامی که زمین گسترانده شود، (3)
و آنچه در آن است (بیرون) افکند و خالی شود، (4)
و به (فرمان) پروردگارش گوش فرا دهد و شایسته شود، (5)
ای انسان! در حقیقت تو به سوی پروردگارت کاملًا تلاش می‌کنی (و رنج می‌کشی) و او را ملاقات می‌کنی. (6)
و اما هر کس نامه (عمل) ش بدست راستش داده شود، (7)
پس بزودی با حسابی آسان حسابرسی می‌شود، (8)
و شادمان به سوی خانواده‌اش باز می‌گردد. (9)
و اما هر کس که نامه (عمل) ش از پشت سرش (به او) داده شود، (10)
پس در آینده (واویلا می‌گوید و) هلاکت می‌خواهد! (11)
و در شعله فروزان (آتش) وارد می‌شود (و می‌سوزد). (12)
[چرا] که او در خانواده‌اش (از گناه) شادمان بود. (13)
[چرا] که او گمان می‌کرد که (به سوی خدا) باز نمی‌گردد. (14)
آری، در واقع پروردگارش نسبت به او بیناست! (15)
و سوگند یاد می‌کنم به روشنائی سرخگون (آخر روز)! (16)
سوگند به شب و آنچه را جمع‌آوری می‌کند، (17)
سوگند به ماه هنگامی که جمع (و کامل) شود، (18)
که قطعاً (شما) از حالی به حالی برخواهید نشست. (19)
پس آن (کافر) ان را چه شده که ایمان نمی‌آورند؟! (20)
و هنگامی که قرآن بر آنان خوانده می‌شود سجده نمی‌کنند؟! (21)
بلکه کسانی که کفر ورزیدند (قرآن را) تکذیب می‌کنند. (22)
و خدا به آنچه (در ذهن) ذخیره می‌کنند داناتر است. (23)
پس آنان را به عذابی دردناک بشارت ده! (24)
مگر کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، که برای آنان پاداشی بی‌پایان است. (25)
ترجمه قرآن، ص: 590

ترجمه قرآن 604
به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
سوگند به آسمان که دارای برج‌هاست! (1)
سوگند به روز (رستاخیز) وعده داده شده! (2)
سوگند به گواهی دهنده و گواهی داده شده! (3)
کشته باد همراهان گودال (آتش و صاحبان کوره‌های آدم‌سوزی)، (4)
(همان) آتشی که دارای سوخت (فراوان) بود! (5)
آنگاه که آنان بر (گرد) آن نشسته بودند. (6)
و آنان بر آنچه با مؤمنان انجام می‌دادند گواه بودند. (7)
و از آنان خرده و انتقام نگرفتند، جز اینکه به خدای شکست‌ناپذیر ستوده ایمان آورده بودند؛ (8)
(همان) کسی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط از آنِ اوست، و خدا بر هر چیز گواه است. (9)
در حقیقت کسانی که مردان مؤمن و زنان مؤمن را در بلا افکندند سپس توبه نکرده‌اند، پس برای شان عذاب جهنم است و (نیز) برای آنان عذاب سوزان است! (10)
در واقع کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، برایشان بوستان‌های (بهشتی) است که نهرها از زیر [درختان - ش روان است؛ آن کامیابی بزرگ است. (11)
قطعاً سخت‌گیری پروردگارت شدید است! (12)
[چرا] که او خود (آفرینش را) آغاز می‌کند و (در رستاخیز) باز می‌گرداند، (13)
و او بسیار آمرزنده [و] دوستدار (بندگان) است، (14)
صاحب تخت (جهانداری و تدبیر هستی و) بزرگوار است، (15)
آنچه را می‌خواهد انجام می‌دهد. (16)
آیا خبر لشکریان به تو رسیده است، (17)
(لشکریان) فرعون و ثَمُود؟! (18)
بلکه کسانی که کفر ورزیدند در تکذیب (تو و قرآن غوطه‌ور) اند، (19)
و خدا از فرا روی آنان احاطه دارد. (20)
بلکه آن (قرآن) خواندنی [و] با عظمت است، (21)
که در صفحه نگهداری شده (علم الهی) موجود است. (22)
ترجمه قرآن، ص: 591

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
سوگند به آسمان! سوگند به (اختر) شبگرد! (1)
و چه چیز تو را آگاه کرد که (اختر) شبگرد چیست؟! (2)
(آن) ستاره درخشان که شکافنده (تاریکی‌ها) است! (3)
هیچ شخصی نیست مگر آنکه بر او نگهبانی (گماشته) است! (4)
پس انسان باید بنگرد که از چه چیز آفریده شده است؟! (5)
از آبی جهنده آفریده شده است، (6)
آبی که از میان پشت و (دو استخوان) پیش (مرد) بیرون می‌آید. (7)
مسلّماً او بر بازگرداندن وی (در رستاخیز) تواناست. (8)
روزی که رازها آشکار می‌شود، (9)
پس برای او هیچ نیرو و یاوری نیست. (10)
سوگند به آسمان صاحب (باران) بازگشته! (11)
سوگند به زمین شکاف دار! (12)
که قطعاً آن (قرآن) سخنی فیصله بخش است، (13)
و آن شوخی نیست. (14)
در حقیقت آنان نقشه نیرنگ‌آمیزی می‌کشند، (15)
و (من نیز) کاملاً نقشه می‌کشم. (16)
پس به کافران مهلت ده، به آنان اندکی مهلت ده! (17)

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
نام پروردگار والاترت را تسبیح گوی، (1)
(همان) کسی که آفریده و مرتّب کرد، (2)
و کسی که معین کرد و رهنمون ساخت، (3)
و کسی که گیاه را بیرون آورد، (4)
سپس آن را خاشاکی تیره گون قرار داد. (5)
بزودی (قرآن را) بر تو می‌خوانیم و فراموش نمی‌کنی، (6)
مگر آنچه را خدا بخواهد، [چرا] که او آشکار و آنچه را پنهان می‌شود می‌داند. (7)
و آسان‌ترین (راه) را برای تو فراهم می‌کنیم. (8)
پس یادآوری کن اگر یادآوری سودمند است. (9)
که بزودی کسی که می‌هراسد متذکر می‌شود. (10)
و بدبخت‌ترین (افراد) از آن دوری می‌گزیند، (11)
(همان) کسی که در آتش بزرگ‌تر وارد می‌شود (و می‌سوزد)، (12)
سپس در آنجا نه می‌میرد و نه (در خوشی) زنده می‌ماند. (13)
بیقین رستگار شد کسی که [پاک گردید و] رشد یافت. (14)
و نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گزارد. (15)
ترجمه قرآن، ص: 592
بلکه (شما) زندگی پست (دنیا) را بر می‌گزینید، (16)
در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است. (17)
قطعاً این (مطالب) در کتاب‌های نخستین (آمده) است، (18)
(همان) کتاب‌های ابراهیم و موسی. (19)

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
آیا خبر (حوادث) فراگیر (رستاخیز) به تو رسیده است؟! (1)
در آن روز چهره‌هایی که فروتنند، (2)
[و] کوشنده رنجور، (3)
در آتش سوزان وارد می‌شوند (و می‌سوزند). (4)
از چشمه‌ای جوشان نوشانده می‌شوند؛ (5)
هیچ غذایی برای آنان جز از خار تلخ، بد بو و زهردار نیست. (6)
که فربه نمی‌کند و گرسنگی را دفع نمی‌گرداند. (7)
در آن روز چهره‌هایی که (شاداب) به نعمتند، (8)
[و] از تلاششان خشنودند، (9)
در بهشتی عالی هستند. (10)
در آنجا هیچ بیهوده نمی‌شنوند. (11)
در آنجا چشمه‌ای روان است، (12)
در آنجا تخت‌های بلند، (13)
و سبوهایی نهاده شده، (14)
و بالش‌هایی صف داده شده، (15)
و فرش‌های فاخر گسترده است. (16)
و آیا به شتر نظر نمی‌کنند که چگونه آفریده شده؟! (17)
و به سوی آسمان که چگونه بر افراشته شده؟! (18)
و به سوی کوه‌ها که چگونه نشانده شده؟! (19)
و به سوی زمین که چگونه هموار گشته است؟! (20)
پس یادآوری کن که تو فقط یادآوری کننده‌ای. (21)
(تو) بر آنان هیچ سیطره‌ای نداری، (22)
مگر کسی که روی برتافت و کفر ورزید، (23)
پس خدا او را به عذاب بزرگ‌تر مجازات می‌کند. (24)
در حقیقت بازگشتشان فقط به سوی ماست، (25)
سپس در واقع حساب آنان فقط با ماست. (26)
ترجمه قرآن، ص: 593

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
سوگند به سپیده دم! (1)
سوگند به شب‌های دهگانه! (2)
سوگند به زوج و فرد! (3)
سوگند به شب، هنگامی که سپری شود! (4)
آیا در این (موارد) سوگندی برای خردمند نیست؟! (5)
آیا ندیده‌ای که پروردگارت با (قوم)» عاد «چه کرد؟! (6)
(همان مردم شهر) ارم ستون‌دار، (7)
که همانند آن در شهرها آفریده نشده بود! (8)
و (قوم)» ثمود «که صخره‌ها را در سرزمین (شان) می‌بریدند. (9)
و فرعونی که صاحب میخ‌ها بود، (10)
(همان) کسانی که در شهرها طغیان کردند، (11)
و در آنجا فساد را افزودند؛ (12)
و پروردگارت تازیانه عذاب را بر آنان فرو ریخت! (13)
قطعاً پروردگارت در کمینگاه است. (14)
و اما انسان هنگامی که پروردگارش او را بیازماید و او را ارج نهد و وی را نعمت بخشد، پس می‌گوید:» پروردگارم مرا ارج نهاده است! « (15)
و اما هنگامی که او را بیازماید و روزی‌اش را بر او تنگ سازد، پس می‌گوید:» پروردگارم [مرا] خوار کرده است! « (16)
هرگز چنین نیست، بلکه یتیم (ها) را ارج نمی‌نهید، (17)
و یکدیگر را بر غذا دادن بینوا (یان) تشویق نمی‌کنید، (18)
و میراث را کاملًا یکجا می‌خورید، (19)
و ثروت را با علاقه‌ای فراوان دوست دارید. (20)
هرگز چنین نیست، هنگامی که زمین (با ضربه‌ای) کاملًا خُرد (و هموار) می‌شود، (21)
و (فرمان) پروردگارت و فرشتگان صف به صف فرا می‌رسند، (22)
و در آن روز جهنم آورده شود؛ در آن روز انسان متذکر می‌شود؛ و [لی تذکر کجا برای او (سود) دارد؟! (23)
ترجمه قرآن، ص: 594
می‌گوید:» ای کاش من برای زندگی‌ام (در رستاخیز، چیزی،) از پیش فرستاده بودم! « (24)
و در آن روز هیچ کس [همانند] عذاب او عذاب نمی‌کند، (25)
و هیچ کس [همانند] به بند کشیدن او به بند نمی‌کشد. (26)

ای جان آرام یافته! (27)
به سوی پروردگارت باز گرد در حالی که (تو از او) خشنودی [و] مورد رضایت (او) هستی، (28)
پس در (سلک) بندگان (ویژه) من در آی، (29)
و در بهشت من وارد شو! (30)

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
به این سرزمین (مکه) سوگند یاد می‌کنم! (1)
در حالی که تو در این سرزمین فرود آمده‌ای، (2)
سوگند به پدر و آنچه زاد، (3)
که بیقین انسان را در رنج و مشقت آفریدیم. (4)
آیا (انسان) می‌پندارد که هیچ کس بر او توانایی (دست یابی) ندارد؟! (5)
می‌گوید:» ثروت انبوهی را نابود کردم. « (6)
آیا می‌پندارد که هیچ کس او را ندیده است؟! (7)
آیا برای او دو چشم قرار نداده‌ایم؟! (8)
و زبان و دو لب؟! (9)
و او را به دو راه (خیر و شر) رهنمون کردیم. (10)
و [لی با مشقت وارد گردنه نشد. (11)
و چه چیز تو را آگاه کرد که گردنه چیست؟! (12)
(آن) آزاد کردن برده‌ای، (13)
یا غذا دادن در روز گرسنگی، (14)
به یتیم خویشاوند، (15)
یا به بینوای خاک‌نشین است، (16)
سپس از کسانی باشد که ایمان آورده و یکدیگر را به شکیبایی سفارش کرده و همدیگر را به مهرورزی سفارش نمودند. (17)
آنان یاران خجسته (دست راست) اند. (18)
و تنها کسانی که به آیات ما کفر ورزیدند یاران شوم (دست چپ) اند. (19)
که بر آنان آتشی فرو بسته شده است. (20)
ترجمه قرآن، ص: 595

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
سوگند به خورشید و (تابش) نیمروزش! (1)
سوگند به ماه هنگامی که در پی آن در آید! (2)
سوگند به روز هنگامی که آن را آشکار سازد! (3)
سوگند به شب هنگامی که آن را فراگیرد! (4)
سوگند به آسمان و آنکه آن را بنا کرد! (5)
سوگند به زمین و آنکه آن را گستراند! (6)
سوگند به نفس و آنکه آن را مرتب ساخت! (7)
و بد کاریش و پارسایی‌اش را به او الهام کرد، (8)
که بیقین کسی که آن را [پاک کرد و] رشد داد رستگار (و پیروز) شد. (9)
و بیقین کسی که آن (نفس را با گناه آلوده کرد و) پوشاند، نومید شد! (10)
(قوم)» ثمود «بخاطر طغیانش (پیامبرش را) تکذیب کردند، (11)
آنگاه که بدبخت‌ترین‌شان برانگیخته شد؛ (12)
و فرستاده خدا به آنان گفت:» ماده شتر (معجزه آسای) خدا و آبشخور آن را (واگذارید.) « (13)
و او را تکذیب کردند و آن را پی کردند؛ پس پروردگارشان به سبب پیامد [گناه شان آنان را هلاک ساخت و آنها را (با خاک) یکسان کرد! (14)
در حالی که از فرجام آنها نمی‌ترسد. (15)

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
سوگند به شب هنگامی که فرا گیرد! (1)
سوگند به روز هنگامی که آشکار شود! (2)
سوگند به آن (خدایی) که نر و ماده را آفرید! (3)
که قطعاً تلاش شما گوناگون است. (4)
و اما کسی که عطا کند و خود نگهداری (و پارسایی) نماید، (5)
و (وعده) نیکوی (پاداش رستاخیز) را تصدیق کند، (6)
پس بزودی (راه) آسان را برای او فراهم می‌کنیم، (7)
و اما کسی که بُخل ورزد و توانگری نماید، (8)
و (وعده) نیک (پاداش رستاخیز) را تکذیب کند، (9)
پس بزودی (راه) دشوار را برای او فراهم می‌کنیم؛ (10)
و هنگامی که هلاک شود ثروتش (عذاب را) از او دفع نمی‌کند. (11)
قطعاً راهنمایی فقط بر [عهده ماست، (12)
و مسلماً (سرای) آخرت و (سرای) نخستین فقط برای ماست. (13)
پس شما را به آتشی که شعله‌ور می‌شود هشدار می‌دهم! (14)
ترجمه قرآن، ص: 596
که جز بدبخت‌ترین (افراد) وارد آن نمی‌شود (و نمی‌سوزد). (15)
(همان) کسی که تکذیب کرد و روی برتافت. (16)
و بزودی خود نگهدارترین (و پارساترین مردم) از آن دور نگه داشته می‌شود. (17)
(همان) کسی که ثروتش را می‌دهد تا [پاک شود] و رشد یابد. (18)
و برای هیچ کس نزد او نعمتی نیست که پاداش داده شود، (19)
جز آنکه بخاطر طلب (رضایت) ذات پروردگارش که والاتر است (انجام می‌دهد)؛ (20)
و حتماً در آینده خشنود می‌شود. (21)

93- سورة الضحى

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
سوگند به نیمروز! (1)
سوگند به شب هنگامی که آرام گیرد! (2)
که پروردگارت تو را رها نکرده و (با تو) به سختی دشمنی نورزیده است.
(3)
و مسلماً (سرای) آخرت برای تو از (سرای) نخستین بهتر است. (4)
و حتماً در آینده پروردگارت به تو عطا می‌کند و خشنود می‌شوی. (5)
آیا تو را یتیم نیافت و پناه داد؟! (6)
و تو را گم گشته یافت و راهنمایی کرد، (7)
و تو را فقیر یافت و توانگر ساخت، (8)
و اما یتیم را پس (خوارش مساز و بر او) چیرگی مَورز، (9)
و اما گدا را، پس با پرخاش مران، (10)
و اما نعمت پروردگارت را پس خبر ده. (11)

94- سورة الشرح

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
آیا سینه تو را برایت گشاده نساختیم، (1)
و بار سنگین (گناه) تو را از تو فرونهادیم؟! (2)
(همان باری) که پشتت را بشکسته بود. (3)
و یادمان تو را برایت بلند (آوازه) کردیم. (4)
پس در حقیقت با (هر) دشواری، آسانی است، (5)
در واقع با (هر) دشواری، آسانی است، (6)
و هنگامی که از (کار مهمی) فارغ شدی پس بنشین، (7)
و فقط به سوی پروردگارت متمایل شو. (8)
ترجمه قرآن، ص: 597

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
سوگند به انجیر و زیتون! (1)
سوگند به کوه پر برکت (طور سینا)! (2)
سوگند به این سرزمین امن (مکه)! (3)
بیقین انسان را در بهترین (نظام معتدل و) استوار آفریدیم، (4)
سپس او را به فروترین (و خوارترین مرحله) فروتران باز گرداندیم، (5)
مگر کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، پس برای آنان پاداشی بی‌پایان است. (6)
پس بعد (از این دلایل) چه چیزی تو را به تکذیب کردن (روز) جزا واداشت؟! (7)
آیا خدا داورترین داوران نیست؟! (8)

96- سورة العلق

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
بخوان به نام پروردگارت که (همه چیز را) آفرید، (1)
انسان را از (خون بسته) آویزان آفرید. (2)
بخوان در حالی که پروردگارت ارجمندتر است؛ (3)
(همان) کسی که با قلم بیاموخت، (4)
به انسان آنچه را نمی‌دانست آموخت. (5)
هرگز چنین نیست، قطعاً انسان طغیان می‌کند، (6)
بخاطر اینکه خود را توانگر بیند. (7)
در واقع بازگشت (همگان) فقط به سوی پروردگار توست. (8)
آیا دیدی کسی را که منع می‌کند، (9)
بنده‌ای را هنگامی که نماز می‌گزارد؟! (10)
آیا ملاحظه کردی اگر (او) بر (راه) هدایت باشد، (11)
یا به پارسایی (و خود نگهداری) فرمان دهد؟! (منع کردن او سزاوار است؟) (12)
آیا ملاحظه کردی اگر (او) تکذیب کند و روی برتابد، (مستحق مجازات الهی نیست؟) (13)
آیا ندانسته که خدا (او را) می‌بیند؟ (14)
هرگز چنین نیست، اگر پایان ندهد حتماً زمام (او را) می‌گیریم و می‌کشیم، (15)
(همان) زمام (شخص) دروغگوی خطا کار را! (16)
پس باید محفلش را فراخواند (تا یاریش کنند)، (17)
که (ما هم) بزودی مأموران (دوزخ) را فرا می‌خوانیم! (18)
هرگز چنین نیست او را اطاعت مکن، و سجده نما و (به خدا) نزدیک شو. (19)
ترجمه قرآن، ص: 598

97- سورة القدر

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
در حقیقت ما آن (قرآن) را در شب قدر (اندازه زنی) فرو فرستادیم. (1)
و چه چیز تو را آگاه کرد که شب قدر چیست؟! (2)
شب قدر بهتر از هزار ماه است! (3)
فرشتگان و روح در آن (شب) به رخصت پروردگارشان از برای (اندازه زنی) هر کاری فرود می‌آیند. (4)
آن (شب) تا طلوع سپیده دم سلامت است! (5)

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
کسانی از اهل کتاب که کفر ورزیدند و مشرکان (از آیین خود) جدا نمی‌شدند، تا اینکه دلیل روشن برای آنان بیاید. (1)
(همان) فرستاده از طرف خدا که کتاب‌های پاک را می‌خواند (و پیروی می‌کند). (2)
در حالی که در آنها کتاب‌های استوار است. (3)
و کسانی که به آنان کتاب داده شده، پراکنده نشدند جز بعد از آنکه دلیل روشنی برای آنان آمد. (4)
و به آنان فرمان داده نشده بود، جز برای اینکه خدا را بپرستند در حالی که حق گرایانه دین (خود) را برای او خالص گردانند، و نماز را بر پا دارند و [مالیات زکات را بپردازند، و این دین (در کتاب‌های) استوار است. (5)
در حقیقت کسانی از اهل کتاب که کفر ورزیدند و مشرکان، در آتش جهنم‌اند، در حالی که در آنجا ماندگارند، فقط آنان بدترین آفریدگانند. (6)
در واقع کسانی که ایمان آوردند و [کارهای شایسته انجام دادند، فقط آنان بهترین آفریدگانند. (7)
ترجمه قرآن، ص: 599
پاداش آنان نزد پروردگارشان بوستان‌های (ویژه) ماندگار است که از زیر [درختان ش نهرها روان است در حالی که جاودانه در آن ماندگارند، خدا از آنان خشنود است و (آنان نیز) از او خشنودند؛ این برای کسی است که از پروردگارش بهراسد! (8)

99- سورة الزلزلة

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
هنگامی که زمین با لرزشش به لرزه درآورده شود، (1)
و زمین (بار) گرانبارش را بیرون آورد. (2)
و انسان می‌گوید:» آن (زمین) را چه شده؟! « (3)
در آن روز آن (زمین) خبرهایش را می‌گوید؛ (4)
بخاطر اینکه پروردگارت بدان وحی (الهام) کرده است. (5)
در آن روز مردم (از قبرها بصورت گروه‌های) جداگانه بازآیند تا اعمالشان به آنان نشان داده شود. (6)
پس کسی که هموزن ذره‌ای (کار) نیک انجام دهد آن را می‌بیند. (7)
و کسی که هموزن ذره‌ای (کار) بد انجام دهد آن را می‌بیند. (8)

100- سورة العاديات

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
سوگند به [اسبان دونده نفس زن! (1)
و افروزندگان جرقه آتش، (2)
و شبیخون زنندگان در صبح، (3)
و (اسبانی که) بوسیله آن (دویدن) غبار را برانگیزند، (4)
و بوسیله آن (دویدن) در میان جمع (دشمن، ظاهر) شوند، (5)
قطعاً انسان نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس است؛ (6)
و مسلماً او بر آن (مطلب) گواه است؛ (7)
و قطعاً او سخت، دوستدار (مال) خوب است. (8)
و آیا نمی‌داند در زمان (رستاخیز) آنچه در قبرهاست برانگیخته می‌شود، (9)
ترجمه قرآن، ص: 600
و آنچه در سینه‌هاست بدست آورده (و آشکار) شود؟ (10)
قطعاً در آن روز پروردگارشان به (حال) آنان آگاه است. (11)

101- سورة القارعة

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
(رستاخیز) کوبنده! (1)
(رستاخیز) کوبنده چیست؟ (2)
و چه چیز تو را آگاه کرد که (رستاخیز) کوبنده چیست؟ (3)
روزی که مردم همچون پروانه پراکنده‌اند. (4)
و کوه‌ها همچون پشم رنگینِ زده شده‌اند. (5)
و اما کسی که (در آن روز) ترازوهای (اعمال)- ش سنگین است، (6)
پس او در زندگیِ رضایت‌بخش است. (7)
و اما کسی که ترازوهای (اعمال)- ش سبک است، (8)
پس بازگشتگاه او ساقط شدن (در دوزخ) است! (9)
و چه چیز تو را آگاه کرد که آن (دوزخ) چیست؟! (10)
(آن) آتشی سوزان است! (11)

102- سورة التكاثر

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
افزون‌طلبی و فخر فروشی شما را سرگرم ساخت. (1)
تا اینکه به دیدار قبرها رفتید. (2)
هرگز چنین نیست، در آینده خواهید دانست! (3)
سپس هرگز چنین نیست، در آینده خواهید دانست! (4)
هرگز چنین نیست، اگر (بر فرض) با علم یقینی می‌دانستید. (5)
حتماً دوزخ را می‌دیدید. (6)
سپس مسلّماً با دیده یقین آن را می‌دیدید. (7)
سپس در آن روز قطعاً از نعمت‌ها بازپرسی خواهید شد. (8)
ترجمه قرآن، ص: 601

103- سورة العصر

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
سوگند به عصر! (1)
قطعاً [هر] انسان در زیانکاری است. (2)
مگر کسانی که ایمان آورده و (کارهای) شایسته انجام داده‌اند و یکدیگر را به حق سفارش کرده و همدیگر را به شکیبایی سفارش نموده‌اند. (3)

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
وای بر هر بسیار بدگو و بسیار عیب جوی (طعنه زن)! (1)
(همان) کسی که ثروت را جمع‌آوری کرده و آن را شمارش نمود. (2)
می‌پندارد که ثروتش او را ماندگار کرده است. (3)
هرگز چنین نیست قطعاً در (دوزخ) درهم شکننده افکنده می‌شود! (4)
و چه چیز تو را آگاه کرد که (دوزخ)، درهم شکننده، چیست؟! (5)
(آن) آتش برافروخته الهی است. (6)
(همان آتشی) که از دل‌های (سوزان) سر می‌زند. (7)
در حقیقت آن (آتش) بر آنان فرو بسته شده، (8)
در ستون‌هایی کشیده (و طولانی)! (9)

105- سورة الفيل

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
آیا نظر نکرده‌ای که پروردگارت با همراهان فیل چه کرد؟! (1)
آیا نیرنگ آنان را گم گشته قرار نداد؟! (2)
و پرندگانی دسته دسته بر آنان فرستاد، (3)
که سنگ [هایی از جنس گِل بر آنان افکندند؛ (4)
و (سرانجام) آنان را همچون برگ خورده شده قرار داد. (5)
ترجمه قرآن، ص: 602

106- سورة قریش

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
برای الفت گرفتن قریش، (1)
الفت آنان در سفر زمستانه و تابستانه، (2)
پس باید پروردگار این خانه (کعبه) را بپرستند؛ (3)
(همان) کسی که آنان را در گرسنگی غذا داد و آنان را از ترس ایمن ساخت. (4)

107- سورة الماعون

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
آیا دیدی کسی را که (روز) جزا را دروغ می‌انگارد؟! (1)
پس آن کسی است که یتیم را به سختی می‌راند، (2)
و بر غذا دادن به بینوا (یان) تشویق نمی‌کند، (3)
و وای بر نمازگزاران، (4)
(همان) کسانی که آنان از نمازشان غافلند، (5)
(همان) کسانی که ایشان ریاکاری می‌کنند؛ (6)
و چیزهای اندک (وسایل زندگی را از دیگران) دریغ می‌کنند. (7)

108- سورة الکوثر

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
در حقیقت ما به تو (نیکی) فراوان عطا کردیم. (1)
پس برای پروردگارت نماز گزار و (شتر) قربانی کن. (2)
[چرا] که فقط (دشمن) کینه‌توز تو بریده نسل است! (3)
ترجمه قرآن، ص: 603

109- سورة الكافرون

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
بگو:» ای کافران! (1)
آنچه را (شما) می‌پرستید (من) نمی‌پرستم، (2)
و آنچه را (من) می‌پرستم شما نمی‌پرستید، (3)
و آنچه را (شما) پرستیدید من نمی‌پرستم، (4)
و آنچه را (من) می‌پرستم شما نمی‌پرستید؛ (5)
دین شما فقط برای شماست، و دین [من فقط برای من است. « (6)

110- سورة النصر

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
هنگامی که یاری خدا و پیروزی فرا رسد، (1)
و مردم را می‌بینی در حالی که گروه گروه در دین خدا وارد می‌شوند، (2)
پس با ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از او طلب آمرزش کن! [چرا] که
او بسیار توبه‌پذیر است. (3)

111- سورة المسد

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
زیانکار و هلاکت بار باد، دو دست ابو لهب، و زیان دید و هلاک شد! (1)
ثروتش و آنچه کسب کرده بود، (عذاب را) از او دفع نکرد. (2)
بزودی در آتشی شعله ور وارد می‌شود (و می‌سوزد)؛ (3)
و (نیز) همسرش، در حالی که هیزم‌کش (دوزخ) است، (4)
در گردنش ریسمانی از لیف خرمای تافته است. (5)
ترجمه قرآن، ص: 604

112- سورة الإخلاص

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
بگو:» خدا یکتاست، (1)
خدایِ همواره مقصود، (2)
نه زاییده و نه زاده شده است؛ (3)
و هیچ کس برای او همتا نبوده است. « (4)

113- سورة الفلق

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
بگو:» پناه می‌برم به پروردگار بامداد، (1)
از بدی آنچه آفریده است. (2)
و از بدی نهایت تاریکی (شب) هنگامی که فرا رسد، (3)
و از بدی (زنان افسونگر) دمنده در گره‌ها (و پیوندها و قرارها،) (4)
و از بدی حسود هنگامی که رشک ورزد! « (5)

به نام خدای گسترده‌مهرِ مهرورز
بگو:» پناه می‌برم به پروردگار مردم، (1)
(همان) فرمانروای مردم، (2)
(همان) معبود مردم، (3)
از بدی وسوسه گر بسیار پنهان شونده، (4)
که در سینه‌های مردم وسوسه می‌کند، (5)
در حالی که از جن و (یا از) مردم است! « (6)

بسم الله الرحمن الرحيم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
(سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازيهاي رايانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائميه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران (0311)2333045
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : -IR90-0180-0000-0000-0621-0609 53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان